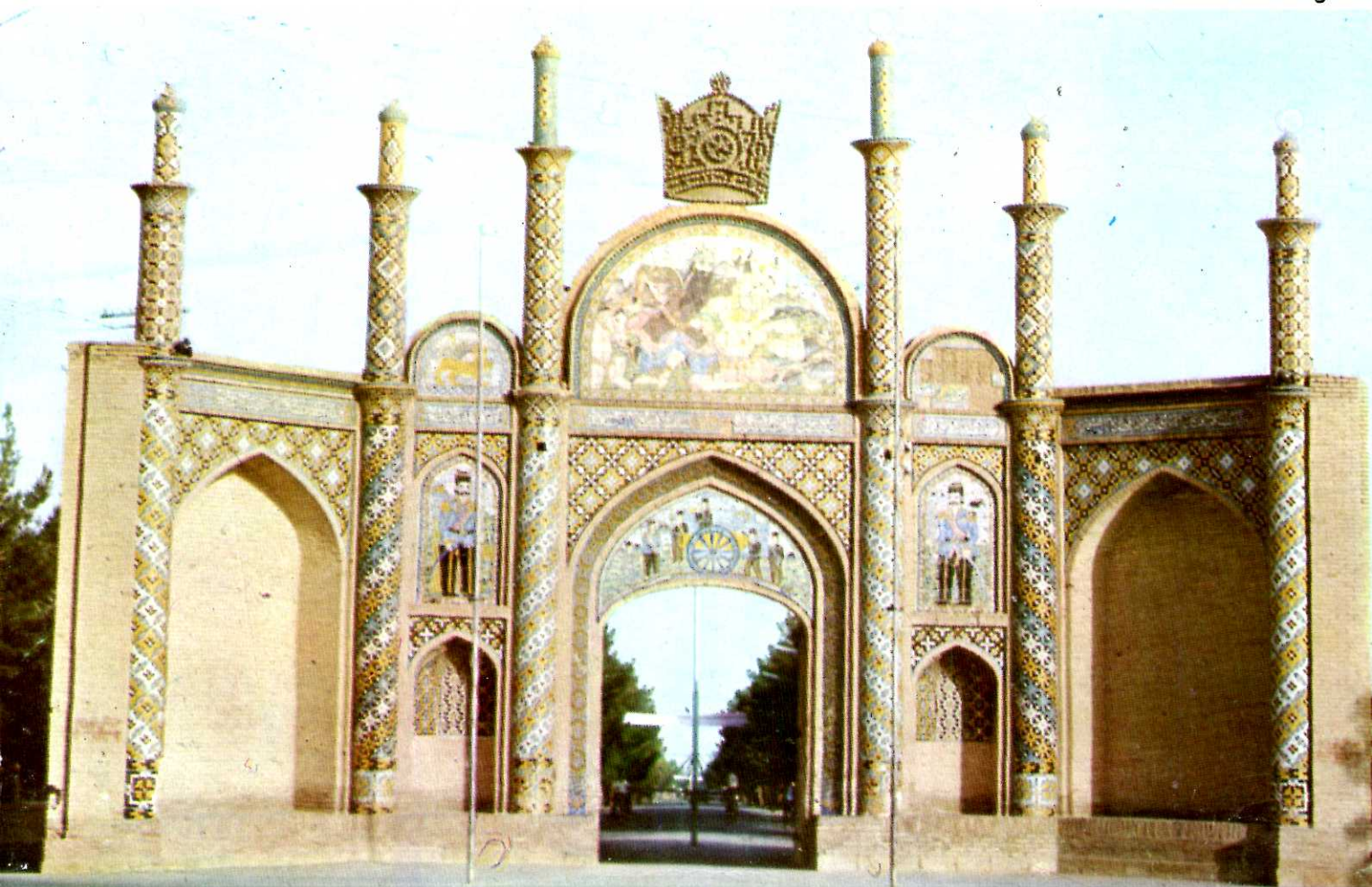




مسجد سلطانی

تلاش

ک سمنان





مستطی



مسجد سلطانی

ک سمنان







تلاش



روی جلد:

دروازه قدیمی سمنان

داخل روی جلد:

هفتسین و آغاز بهار ایران

داخل پشت جلد:

عکس‌هایی از مسجد شاه و نمد مالی و
چادر زنان سنگسر

پشت جلد: نمونه‌یی از شیشه‌کاری
روی پنجره در سمنان

عکس‌های رنگی و سیاه و سفید:
از غلامحسین ملک عراقی

چاپ: سکه

مطالب این شماره

صفحه

عنوان :

۲	بیانات شاهنشاه آریامهر	رستاخیز ملی ایران
۷	مصاحبه شاهنشاه آریامهر	چگونه ممکن است ...
۹	عبدالله فرخی	درآمدها و منابع تأمین اعتبار دولت
۱۲	عبدالرفیع حقیقت	ناصر خسرو
۱۷	-	سمنان
۲۵	علی‌اکبر داناسرشت	افکار صوفیانه
۳۶	حسین آوارگان	تحول نظریه اثر
۴۱	یعقوب آژند	عبیدزاکانی
۴۸	علینقی بهروزی	دارالمصحف
۵۰	محمدستاری	استفاده از پوست و تقاله پرتقال
۵۲	محمدحسن وطنی	تأمین اجتماعی در ایران
۵۴	-	نوروز چیست ؟
۵۷	پرفسور صفویان	دانشگاه ملی ایران
۶۳	-	همگرایی
۷۶	دکتر شیخ الاسلامزاده	سیاست رفاهی و بهداشتی
۸۱	-	رویدادها

بهای تلاش : ۴۵ ریال

تلاش

شماره چهل و هشتم

نویسندگان و گویندگان مسؤول نوشته‌ها و گفته‌های خود هستند.
نقل مطالب تلاش بدون ذکر نام مجاز نیست.

محل اداره: خیابان شاه - کوچه جم - شماره ۲۲ به ۲۵ ریال.

رستاخیز ملی ایران

تنها تشکیلات سیاسی و اجتماعی مملکت

شاهنشاه آریامهر بعد از ظهر روز یازدهم اسفند در يك كنفرانس بزرگ و مهم مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی ادغام کلیه احزاب سیاسی ایران در یکدیگر و تشکیل حزب جدیدی بنام حزب رستاخیز ایران را بعنوان تنها تشکیلات سیاسی و اجتماعی مملکت اعلام فرمودند. شاهنشاه در این كنفرانس که در کاخ نیاوران ترتیب یافت چنین فرمودند:

می خواستم امروز با حضاری که در این جا بسخنان من گوش می دهند و همچنین ملت ایران صحبت هایی بکنیم که برای حال و آینده مملکت لازم و مفید بنظر می رسد. زیاد به گذشته بر نمی گردم ولی شاید مفید باشد که مرور مختصری در تاریخ گذشته مملکت مخصوصاً از زمان مشروطیت باینطرف بنماییم، باتمام احترامی که باصل مشروطیت یا باصطلاح فرنگی و اصلی خود دموکراسی داریم احترام به دموکراسی بمعنای حقیقی آن هست که يك شکلی ملت آراء خودش را اظهار بکند و وقتیکه نظر و رأی اکثریت معلوم شد اقلیت ولو نصف منهای يك نفر باشد آراء را مثل نظر خودش محترم بشمرد. حالا این آمار در عالم خیال است و یا در عالم آرزو مطلب دیگری است. ما البته يك چنین چیزی فعلاً احترام می گذاریم و سعی هم می کنیم که حتی المقدور يك چنین چیزی نزدیک بشویم. لازمه این کار این است که هر فردی حقیقتاً بآن رأیی که اظهار می دارد و ابراز می کند نه فقط مؤمن باشد بلکه از روی درایت، از روی اندیشه و از روی تشخیص صحیح بآن رأی رسیده باشد که این مستلزم چندین نسل تربیت پدری، مادری، مدرسه ای و بخصوص اجتماعی است و اما در مملکت ما تاریخ مشروطیت چه هست و چه جریاناتی باعث پیدایش يك اصل باین محترمی

شد و چطور در عمل بمورد اجرا گذاشته شد مطلبی است که هر کسی که یک قدری در تاریخ مطالعه داشته باشد و با دقت نظر افکنده باشد می‌داند که جریان آن چه بوده است؟ اتفاقاً نه اینکه وضع بهتر از آن زمان بود یعنی قبل از مشروطیت چون در این ۲۰۰ - ۳۰۰ سال اخیر که دوره انحطاط ایران شروع شده بود وضع ما سرعت و بهر صورت رو به بدی می‌رفت و نمی‌شود گفت که وضع قبل از مشروطیت بهتر از بعد از مشروطیت بود ولی وضعی که در جنگ بین‌المللی اول پیدا شد و اشغال مملکت و همینکه بی‌نظمی و بی‌ترتیبی که در شهر تهران چهار - چهار و نیم یا پنج بعد از ظهر، بسته به فصلش، برای کسی اطمینان حتی رفتن به کوچه نبود، خارج از تهران قافله‌زن‌ها راه را می‌بستند و اینکه از اینطرف بطرف دیگر مملکت مسافرت کردن خود داستانی داشت که در بعضی نقاط می‌بایستی یک مملکت خارجی رفت تا از آن مملکت دومرتبه به قسمت دیگر مملکت رسید. چه در جنگ بین‌المللی اول که مملکت ما مورد تاخت و تاز خارجی قرار گرفت و هر کسی که زورش رسید باین مملکت آمد و ارتش‌های خودش را باینجا سرازیر کرد و حتی بعضی از نقاط مملکت مخصوصاً در قسمت آذربایجان و غرب مملکت که نقاط زدوخورد و جنگهای بالنسبه خونین بین قوای خارجی در داخل خاک ایران بود وسیله‌ی شد که در سال ۱۹۰۷ مملکت، قبل از جنگ بین‌المللی اول، بدو منطقه نفوذ تقسیم شود که خبر دارید و در ۱۹۱۸ که جنگ تمام شد نمایندگان ایران را گمان می‌کنم پس از تمام صدماتی که ما در دوره جنگ خوردیم حتی فکر می‌کنم بکنفرانس ورسای اصلاً راه ندادند و قبول نکردند، یا بهر صورت مطالبات و تقاضاهای ایران اصلاً مورد توجه قرار نگرفت. در جنگ بین‌المللی دوم باوجودیکه در ۱۲۹۹ بهمت پدر خود من مملکت ایران از آن وضع مفتضح کم کم داشت تبدیل می‌شد یک مملکت متمدنی ولی خوش‌باوری ما و تاحدی ضعف نظامی و بخصوص شاید باز هم نتیجه خوش‌باوری هست، آماده نبودن مملکت برای مواجهه بایک شیخون خارجی، گویانکه عقیده خودم را قبلاً هم گفته‌ام، اگر ما آماده یک قدری فداکاری بودیم مثلاً پل‌ها، راه‌آهن، یا حیثاً چاه‌های نفت خودمانرا مین‌گذاری می‌کردیم هیچ خارجی بمملکت ایران نمی‌آمد برای اینکه برایش نفعی نداشت که بیاید، مملکت ایران موقعی بندر او می‌خورد که راه‌هایش باز باشد، پل‌هایش معمور، راه‌هایش همینطور و چاه‌های نفتش قابل بهره‌برداری، ولی عدم اینکارها باعث این شد که مملکت ایران دومرتبه اشغال بشود و اساس منافع خارجی بر این بود که حکومت مرکزی متزلزل شود تا قادر به مقاومت و دفاع از حقوق مملکت در مقابل اشغالگران خارجی نباشد، کما اینکه دیدیم البته در مناطق باز مثل ۱۹۰۷ که مملکت تقسیم شده بود مناطق شمالی و جنوبی دومرتبه مثلاً یک منطقه نفوذ تقسیم شد و ستونهای پنجم گوناگون با اسامی مختلف راه افتاد چه بطریق تشکیلات سیاسی چه از طریق بعضی انتشارات یا بعضی از رؤسای قبایل و طوایف و چه بوسیله افرادی که در واقع سنگ و آروانه می‌زدند و بایک ماسک ملی دقیق‌ترین بازیهای سیاسی را به نفع ارباب خودشان انجام می‌دادند بالاخره رسیدیم باو آخر جنگ بین‌المللی دوم، ایران پل‌پروزی یک قیمت اضافی می‌بایستی بپردازد و آن جدا شدن یکی از استانهای این مملکت بود که بنا بود بدست ایرانی و باسم ایرانی اینکار انجام بشود ولی یکبار دیگر ملت ایران ماهیت خودش را نشان داد غرور خودش را نشان داد و همانطوریکه تاریخ ایران همیشه شاهد آن بوده است بایک رهبری صحیح، همیشه ملت ایران قادر بانجام کارهای اعجاب‌انگیز و غرور-

آفرین بوده است، کما اینکه در عرض ۴۸ ساعت خائنین و طغفروش که در آذربایجان یکسال تمام بر سر کار بودند مثل برفی که در زیر اشعه آفتاب آب می‌شود آب شدند و فرو رفتند، برگشت آذربایجان بوطن هنوز اتمام کار نقشه‌های اجنبی نبود برای اینکه در یک قسمت دیگر اجانب نقشه‌هایی راجع به نفت داشتند و آنهم دیدید که باجه تردستی دستجاتی راه انداختند و اسم ملی رویش گذاشتند و تا مدتی یک عده زیادی از افراد مملکت را سرگرم و مشغول شعارها و آرمانهای پوچی کرده بودند که مملکت را قادر بدفاع از حقوق خودش نمی‌کرد. ملت تشنه اقدامات ملی بود همه دنیا بعد از جنگ بین‌المللی دوم دچار یک تب ملی و غرور و احساساتی بودند که می‌خواستند از زیر یوغ امپریالیسم و کلنیالیسم خارج بشوند با یک چنین احساساتی از روبرو نمی‌شد مصادف شد می‌بایستی یابین را دور زد یا در زیر همین جلد رفت تا اینکه از داخل کار را خراب بکنند. اول سعی کردند که یک چنین جریانی را دور بزنند که در آنجا توفیقی حاصل نشد بعد رفتند در زیر خود همین ماسک و همین جلد وادای یک سیاست ملی درآوردند که منجر به ورشکستگی این مملکت شد. بطوریکه مملکت ورشکست شد و حتی مرکورکرم در بیمارستان‌هایش پیدا نمی‌شد بعد وقتیکه ملت متوجه یک چنین جریانی شد و آن عروسک‌های خیمه شب‌بازی را بزیر افکند چاره‌ی نداشت که در روزهای اول با قدری مدارا و مماشات دومرتبه از لحاظ اقتصادی تاحدی روی پای خودش بایستد تا اینکه پس از چند سالی دیدیم مرحله بمرحله در ایران چه جریاناتی پیش آمد. اولین قراردادهای ۷۵ - ۲۵ درصد برفع ایران امضاء شد که همانموقع‌ها می‌گفتند بترسید از سلاطین نفت که آنها چه می‌کنند و چه می‌کنند و اتفاقاً دو سه سال بعدش یک جریان دیگری دیدیم که گفتند این مملکت ورشکست است. و نفهمیده خود شما اعضای مطبوعات که اینجا نشسته‌اید، مسلماً نه از روی احساسات غیروطنی، آلت همین جریان شدید و چندین نشریه شماها همین حرفها را تکرار می‌کردند و باعث این شد که باز یکدستگاه نفتی بیاید سرکار در این مملکت که نهضت ما چند سالی بعقب بیافتد تا اینکه در ششم بهمن ۱۳۴۱ مجبور شدم که بانقلاب تاریخی ایران دست بزنم که از آنروز بعد سرنوشت همه مطالب روشن شد، برای اینکه دیگر تمام سیاست‌های ایران و تمام ورق‌های ایران روی میز بود ما نه مجبور بودیم یکسی دروغ بگوییم و نه ادعای بیخودی بکنیم و می‌بایستی که ایران را یا اینطوریکه الان هست قبول بکنند (یعنی ایران مقصودم سال ۱۳۴۱ است) یا نکنند و چون موقعیت ایران آنقدر اهمیت داشت که نمی‌شد ایران را قبول نکنند و بسپارندش بسرنوشت، دچار حوادث بشود مجبور شدند ایران را آنطور که هست یعنی بدست ایرانی بفکر ایرانی قبول بکنند که خودتان دیگر از ۱۳۴۱ تا بحال یادتان هست. حالا ما در این ۱۲-۱۳ سال چه کرده‌ایم؟ این البته در تاریخ ثبت خواهد شد ولی خیلی باختصار فقط اینرا می‌گوییم: زارع که برده ارباب بود آزاد شد و بقول خودش مثل اینکه از نوبد دنیا آمد. کارگر ایرانی درسها کارخانجات شریک خواهد شد و اگر میل داشته باشد کارگر و کارمندان کارخانه تا ۴۹ درصد سهام را می‌تواند اکتیاع بکنند و از انتخابات آینده بعد بدولت مأموریت می‌دهیم که در عرض ۴ سال این سیاست عرضه ۴۹ درصد سهام بکارگران و کارمندان را انجام بدهد، اگر تا این حد نخریدند کارگران و کارمندان که همه نوع تسهیل هم برای خرید سهام برای آنها فراهم می‌کنیم مثل وام بدون بهره و پیش پرداخت‌هایی که روی سود ۲۰ درصدی که الان

دارند و باز هم خواهند داشت و اول سود ۲۰ درصد کارگر پرداخت خواهد شد و بعد مابقی کارها تا ۴۹ درصد که ب سایر افراد مملکت ایران عرضه خواهد شد با شرط اینکه هیچ نفری، هیچ شخصی از يك مقدار معین سهم بیشتری نتواند بخرد و بعضی از کارخانجات دولت البته غیر از صنایع نفت و ذوب آهن و مس و چیزهایی که باید حتماً ملی بمانند آنها تا ۹۹ درصد بملت ایران عرضه خواهد شد. یعنی ۴۹ درصد به کارگران و کارمندان همان مؤسسه و ۵۰ درصد دیگر به عموم افراد ملت ایران، باز هم با همان شرطی که هیچکس بیشتر از يك مقدار سهامی نتواند خریدار باشد با شرط اینکه آن يك درصدی که در دست دولت باقی می ماند نماینده اداره کردن کارخانه یا نماینده مدیریت کارخانه باشد. چون اداره کارخانه یا مدیریت کارخانه را نمی شود تفکیک و تقسیم کرد و کسانی هم که کردند از اینکار پشیمان هستند برای اینکه کار خیلی حساس و دقیق فنی است و هم اداری و این در جاهایی است که آن مدیر یا آن کسانی که انتخاب می شوند باید اگر لازم شد در عرض يك ثانیه، دو ثانیه، ۵ ثانیه، یا يك دقیقه تصمیم بگیرند، دایم تلکس روی میزشان باشد و بدانند که چه خبر است و تصمیمات مربوط به آنها بگیرند. و این تصمیمات را نمی شود رفت دو هفته یا سه هفته مورد بحث قرار داد و موقعی از آن نتیجه گرفت که مدتها از موقع تصمیم گیری گذشته باشد.

هدف های ما را که البته می دانید در این برنامه پنج ساله پنجم زندگی ملت ایران باید به کجا برسد. در اثر کوششی که ما برای تضمین منافع ملت ایران از ثروت های ملی خودش کردیم و بخصوص در قسمت نفت برای ایران درآمدی فراهم شده است که امسال حتی مازادی داشتیم که توانستیم بمقدار معتناهی بممالک خارجی هم کمک بکنیم. از این بیحد ممکن است که امکان کمک ایران بدیگران روز بروز کمتر بشود برای اینکه هم جمعیت ما اضافه می شود و هم امکان عرضه خدمات بمردم ایران زیاده تر، بهر صورت تا آخر دوره این برنامه تا سه سال دیگر حداقل هدف های ما این است که هیچ فردی در ایران نباشد که از ماهی اول گفته بودیم ده هزار ریال ولی فکر می کنم بشود گفت ۱۲ هزار ریال کمتر حقوق بگیرد (ولوائی که کمترین کار و کوچکترین کارها را انجام بدهد) و مسلماً درآمد های متوسط کارگر از این خیلی بیشتر خواهد بود. در حال حاضر تقریباً سهم شدن تا ۲۰٪ کارخانجات بطور متوسط از ۳ ماه حقوق بیشتر یا حداقل دستمزد را بالامی بریم و مسلماً در قسمت کارگری و زارعین ایران همیشه چندین قدم ما جلوتر از آن هستیم که حتی آنها بفکرشان برسد و مطالبه آنها بکنند. نمی گوئیم دیگر حرف های بی ربطی بزنند که هیچکس نتواند انجام بدهد ولی همیشه چندین قدم ما در مقابل و در جلو پیش بینی ها قرار داشتیم و حقوقی را که حق مطالبه (مخصوصاً طبقات کارگر و زارعین و در واقع مالکین جدید ایران) داشته اند در نظر گرفته ایم و پیش بینی های لازم را نموده ایم و این دو طبقه را از نعمت های این مملکت همیشه برخوردار کرده ایم.

ما البته همانطور که دیدید غیر از اصلاحات ارضی و ملی، صنایع طبیعی مملکت را، با این فلسفه که چیزی که می گوئیم که البته خداوند خلق کرده است و بشر در خلق آن زحمتی نکشیده است نمی تواند اصولاً متعلق بیک فرد باشد این متعلق به جامعه و ملت می باشد مانند جنگلها. يك منطقه وسیعی که پراز جنگل است به فلسفه ما نمی تواند بیک نفر تعلق داشته باشد چون منابع طبیعی مملکت است. همچنین آب، چون در مملکت ما کم آبی هست باز مطابق فلسفه ما آب

نمی تواند تعلق بیک نفر داشته باشد چون خیلی مورد تقاضا است ممکن است يك نفر شروع بکند به آب فروشی کمالینکه این اصطلاح آب فروشی را خیلی از شماها شنیده اید و یکی از مظاهر زشت استثمار فرد بوسیله فرد است که مثلاً يك کسی تشنه باشد باو بگویند اگر وجهی بمن نپردازی من آبی را که رفع تشنگی تو را بکنم بتو نمی دهم. سایر مواد دوازده گانه انقلاب را همه شما می دانید و با آن آشنا هستید و کار ما و فلسفه ما باین دوازده ماده هم اکتفا نکرده هر روزی هر لحظه يك چیز جدیدی بنظر می رسد که در عمل انجام می دهیم و در اطراف آن هم بحث نمی کنیم. ولی مسلماً هر چیزی که بنظر تان برسد آن کار را می کنیم و بنظر خودمان هم قانع نیستیم، من بکرات گفته بودم که اگر هر صاحب نظری در قسمت دانشگاهی (که ما اصلاً تشکیلاتی دادیم که يك عده از استادان بنشینند و هر نظری که دارند بدهند) نظری داشته باشد ما آنها را بدقت مطالعه می کنیم و مسلماً اگر آن نظرات قابل توجه باشد باکمال میل این نظرات را ما قبول خواهیم کرد. چون منظور ما در نهایت امر ترقی مملکت و خوشبختی مردم است. و همچنین از افرادی دیگر هر چیزی را که ایرانی باشد برای ما محترم است و نظر صحیح اگر باشد با کمال میل می پذیریم چون اینجا لجاجت ندارد و منظور فرد نیست، شخص نیست، منظور مملکت است و نظر صحیح از هر کسی که باشد مورد قبول قرار خواهد گرفت. حالا موفقیت ما در قسمت نفت چقدر عظمت داشت این بجای خود، در هر زمینه دیگر هم همینطور، مملکت ایران امروز با فاصله زیاد از لحاظ ترقی در رأس کشورهای در حال ترقی دنیا قرار دارد. این مملکت ۳ سال دیگر چه خواهد بود؟ هشت سال دیگر یعنی بعد از برنامه ۵ ساله ششم چه خواهد بود و همچنین سیزده سال دیگر؟ مطلبی است که خیلی نمی تواند از نظر صاحب نظران پوشیده باشد. اگر خدا بخواهد و کارها بهمین طریق جریان داشته باشد از این موفقیت های عظیمی که ما در صحنه داخلی و خارجی بدست آورده ایم. حالا وارد سیاست داخلی می شویم مسلماً يك عده ای که می شود گفت بحق چون سرکار بوده اند، اگر لایق نبودند که آنها را سرکار نگاه نمی داشتیم استفاده کرد. اینها هم چون ما گفته بودیم که تشکیلات سیاسی داشته باشید یا از اول وارد دستگاه های سیاسی بوده اند یا بعد کم کم ان دستگاهها را بوجود آورده اند و کار مسلماً باینجا رسیده که دستگاه سیاسی یا حزبی که یا متعلق بدستگاهی است یا دستگاهی که متعلق بحزب است قاعدتاً باید اینطور باشد که بر سر کار است. این از کارهای عجیبی که ما در این مملکت در دیدم خود بخود استفاده می برد چون اینهمه کاری که برای کارگر می شود و انجام می شود دستگاهی که سرکار داشت مسلماً استفاده می برد اجازه هم دادیم که برود و بکارگر بگوید که من برای تو این کارها را کرده ام، بسیار خوب بگوید، برای زارع همینطور. سال دیگر ۲ میلیارد تومان برای کشاورزی ما خرج خواهیم کرد مثلاً بانک کشاورزی در سال آینده برنامه وام دادش هیچ محدودیتی ندارد. خلاصه پایک چنین وضعی برود و بزارع بگوید که آقا من این کارها را برای تو انجام داده ام از من خوشتر می آید؟ می گوید بلی. در مقابل يك عده دیگری هستند که فکر می کنم همه شما که اینجا نشسته اید، چون نمایندگان احزاب قانونی مملکت هستید معلوم نیست که بهمان اندازه به کار، به اصول کار، به فلسفه ای که ما داریم و انجام می دهیم، به نظام شاهنشاهی و به سیاست مستقل ملی ایران مؤمن نباشید. ولی چون ما همیشه فکر می کردیم که در يك مملکتی که با اصطلاح دموکراسی پارلمانی است باید احزاب متعددی باشند. يك عده ای از شما

که گفتید مؤمن هم هستید یا شاید به تشویق خود، در واقع رل اقلیت وفادار را بازی می کردید، بازی کردن رل اقلیت وفادار در این مملکت خیلی مشکل است کما اینکه ما دیدیم که یک دبیر کل مثل حزب مردم تا بحال نتوانست یا مقاومت بکند و یا اینکه رل خودش را بازی بکند برای اینکه این رل قابل بازی کردن نیست.

خلاصه مقصود این است که باین نتیجه رسیدند که باز ما می بینیم صحبت از نفت است باز صحبت از پیشرفتهای عجیب و غریب ایران در صحنه بین المللی است باز می بینیم که تحریکات در این مملکت شروع شده است. امروز کارگر و زارع، کاسب ایرانی را نمی شود تحریک کرد و تقریباً تمام طبقات مختلف مملکت را. اگر ما در نظر بگیریم اینها اصلاً قابل تحریک نیستند برای اینکه می بینند مملکت در چه حالی است زندگی شخص خودش را می بیند که چیست، کما اینکه همین یکسال اخیر کارهایی که ما برای مردم انجام دادیم مثلاً از این قبیل که نه فقط تحصیلات عمومی تا سرحدنهایی یعنی اتمام دانشگاه مجانی است، ما تا کلاس اول حتی به شاگردان صبحها نان شیرینی، شیر، بالاخره یک چیزی که همطراز این کالری و ویتامین داشته باشد می دهیم که میل بکنند این مخارج از خرج زندگی یک ایرانی کسر میشود یعنی بهمین تناسب قدرت خریدش زیاد می شود. در سال ۵۴ شاید هفت میلیارد تومان حداقل باین ۵ ماده مثل نان و گوشت و قند و چربی یعنی روغن نباتی و برنج دولت کمک پولی می دهد یعنی بهمین تناسب مردم کمتر از جیبشان خرج می کنند چون قیمت حقیقی آن هفت میلیارد تومان بیش از آن چیزی است که مردم می پردازند. این هفت میلیارد تومان به قدرت خرید و خرج کردن مردم اضافه می شود. با پیش بینی هایی که می کنیم خانه سازی های وسیع، متأسفانه یک قدری طول خواهد داشت ولی وقتی که عرضه خیلی زیاد شد مسلماً تقاضا کمتر می شود. پس قیمتهای کرایه خانه ها پائین می آید مردم دارای مسکن صحیح و تمیز و خوبی خواهند شد.

کمک های دیگری که بزندگی فامیل ایرانی شده است متعدد است. بطوریکه احتیاجات وارداتی مملکت در سال ۵۳ نسبت بسال ۵۲ (اگر لازم شد می نویسم که دولت رفمهایش را منتشر بکند ما برای اینکه همه سیر باشند چون همه هم قدرت خرید دارند و تقاضا می کنند) مجبور شدیم که ۲۵ میلیون تن گندم وارد بکنیم چندصد هزار تن برنج وارد بکنیم چقدر روغن نباتی وارد بکنیم تمام اینها برای این است که مردم می خرند و پول دارند و می خرند. منظور این بود که باین جریانات کسی را تحریک نمی شود کرد. عده ای را می شود تحریک کرد که بیکار باشند یا اینکه باندازه کافی بآنها توجه نشود هم از لحاظ اخذ تماس و ایجاد یک نوع ارتباط و هم شاید بی توجهی در تربیت آنها. بهر صورت ما یک نغمه های حقیقتاً خجلت آور می شنویم که اصلاً از یک نفر ایرانی قابل انتظار نیست و این صحنه همیشه تکرار شده است، درست در موقعی که ایران در یکی از مدافعات مهم تاریخی خودش قرار داشت و این البته قابل قبول که نیست و کار را بجایی رسانده که البته نه این، هزار دلیل دیگر هم داریم. مطالبی که من امروز ذکر می کنم برای حال و برای آینده است ما باید صفوف ایرانیان را بخوبی روشن و تمیز از هم جدا بکنیم کسانی که به قانون اساسی و نظام شاهنشاهی و انقلاب ششم بهمن عقیده دارند و کسانی که ندارند، آنهایی که دارند من امروز این پیشنهاد را می کنم که برای اینکه روبرایستی در بین نباشد یک کسی از قیافه یک نفر خوشش می آید و یک کسی خوشش نمی آید برای

اینکه هیچکدام از اینها نباشد ما امروز یک تشکیلات جدید سیاسی را پایه گذاری می کنیم و اسمش را هم بدنیت بگذاریم «رستاخیز ایران» یا «رستاخیز ملی». ببینید که یک چنین سابقه ای بوده یا نبوده اگر یکی از این اسمها سابقاً بوده انتخابش می کنیم. «رستاخیز ایران» در مرحله اول چون ایران اسم فارسی است رستاخیز ملی در مرحله دوم بشرط اینکه اشکالات حقوقی یا قانونی راجع بکلمه رستاخیز ایران نباشد و برای اینکه وقت را هم تلف نکنیم و هیچکدام از اساس فعلی ما حتی برای یک ثانیه یک ساعت متزلزل نشود اینجا می گویم امیر عباس هویدا نخست وزیر بجای خودش ولی او را مافعلاً لاقلاً برای دوسال بدبیرکلی این تشکیلات جدید پیشنهاد می کنیم شاید باز برای دوسال اول رئیس هیأت اجرایی این دستگاه و رئیس دفتر سیاسی را هم پیشنهاد می کنیم و این پیشنهادات را هرچه زودتر در یک اجتماعی که هر حزب سیاسی ایران که مایل باشد وارد این تشکیلات جدید بشود و دسته جات دیگر که الحاق خودشان را باین تشکیلات جدید اظهار بدارند در یک مجمع عمومی که لازم هم نیست خیلی مفصل باشد ولی یک نماینده ای از هر کدام لاقلاً یک یا چندین نماینده تام الاختیار از این دسته جات باشند این را بتصویب خودشان برسانند. پس فکر من این است هر ایرانی که صف خودش را مشخص کرده و باین دسته اول و گروه اول تعلق دارد یعنی بقانون اساسی به نظام شاهنشاهی و انقلاب ششم بهمن، حتماً وارد این تشکیلات سیاسی بشود. صحبت اینکه این دسته برود زارع را بسوی خود بکشد آن دسته برود بکشد در بین نخواهد بود همه یکسان خواهند بود و همه یک تشکیلات خواهند داشت، در داخل این تشکیلات بزرگ اختلافات سلیقه براساس آن سه اصل کلی کاملاً مجاز است. ما می بینیم که احزاب بزرگ دنیا همه بکلی یک کلمه و یک زبان ندارند، در داخل یک حزب جناحهای مختلفی است بعضی اوقات این جناح پیش می رود و بعضی اوقات آن جناح پیش می رود پس در داخل این تشکیلات بزرگ سیاسی مسلماً بعد از ۲ سال، بعد از ۴ سال افرادی که بیشتر باهم هم سلیقه باشند در جناح های مختلف همدیگر را پیدا خواهند کرد و آنهایی که کم کم بعد از ۴ سال که ما تشخیص خواهیم داد در داخل این تشکیلات بیشتر اکثریت داشته یا بیشتر تردید بودند بمصالح مملکت ما، می توانیم برای امتحان از آنها بخواهیم که در واقع مسؤولیت اداری مملکت را بدست بگیرند بدون اینکه تشکیلات سیاسی مملکت بهم بخورد. این چیزی است در حال حاضر در احزاب سیاسی فعلی قانونی مملکت ما می خواستیم اینها مواظب همدیگر باشند و با انتقادات صحیح دستگاههای دولتی مملکتی را هدایت بکنند ولی باتشکیلات جدید در داخل خود تشکیلات چنین چیزی خواهیم داشت ولی همه در تحت یک پرچم در تحت یک فلسفه و بایک تشکیلات بسیار منظم باید منافع این مملکت را در حال و در آینده حفظ بکنید. فرد فناپذیر است و من هم یک فردی هستم الان که باشما صحبت می کنم بطور طبیعی هیچ دلیلی ندارد که من فردا اینجا نباشم ولی هیچوقت هیچ چیزی معلوم نیست چون عمر انسان بدست خداوند است ما باید پیش بینی همه کار را بکنیم کسی که وارد این تشکیلات سیاسی نشود و معتقد و مؤمن باین سه اصلی که من گفتم نباشد دو راه برایش وجود دارد یا یک فردی است متعلق بیک تشکیلات غیرقانونی یعنی باصطلاح خودمان توده ای یعنی باز باصطلاح خودمان و با قدرت اثبات بی وطن، اوجایش یا در زندان ایران است یا اگر بخواهد فردا باکمال میل بدون اخذ حق عوارض گذرنامه را در دستش می گذاریم و بهرجایی که دلش می

خواهد بود، چون ایرانی که نیست وطن که ندارد و عملیاتش هم که قانونی نیست غیرقانونی است و قانون هم مجازاتش را معین کرده است، يك کسی که توده‌یی نباشد بی‌وطن هم نباشد ولی باین جریان هم عقیده‌یی نداشته باشد او آزاد است بشرطی که بگوید بشرطی که علناً و رسماً و بدون پرده بگوید که آقا من باین جریان موافق نیستم ولی ضد وطن هم نیستم ما باو کاری نداریم. ولی باصطلاح دو دوزه بازی کردن و در هنگام وقوع يك خبر يك سروصدا پنهان شدن و این بازی‌هایی که بعضی اوقات ما می‌بینیم این دیگر قابل قبول نیست. هرکسی مردانه باید تکلیف خودش را در این مملکت روشن بکند یا موافق این جریان هست یا نیست. اگر گفتم جنبه خائنانه دارد که تکلیفش روشن است. اگر جنبه خائنانه نداشته باشد از لحاظ فکری يك جریان دیگری دارد او آزاد است در این مملکت اما توقعاتی دیگر نداشته باشد ولی ضمناً هم بکلی در پوشش قوانین ایران از لحاظ فردی و اجتماعی محفوظ. توقع ما اینست که همه، هر شخصی که بسن قانونی رأی دادن رسیده باشد از همین حالا از فردا در اولین فرصت تکلیف ملی خودش را روشن بکند و یا باین تشکیلات وارد بشود یا اینکه تکلیف خودش را روشن بکند. همانطور شاید خیلی از مطالب را من مرتباً تکرار می‌کنم برای اینکه حرف توی حرف می‌آید. کارگرهای ایران مسلماً در صفوف اول افرادی که باین تشکیلات ملحق بشوند خواهند بود، زارعین ایران از آنها کمتر نخواهند بود و بخصوص کسانی مثل استادان دانشگاه، استادان یاران، دانشیاران، فرهنگیان، تمام کسانی که درس می‌دهند معلم هستند باید افراد مملکت را برای آینده تربیت بکنند اینها مسؤولیت خیلی سنگینی دارند، این مملکتی که ما ۳۰ سال دیگر باین مرحله می‌رسانیم ۸ سال دیگر به آن مرحله و ۱۳ سال دیگر بآن مرحله و تا ۲۵ سال دیگر بیک مرحله‌یی که فکر می‌کنم جزو پنج مملکت عالی دنیا قرار می‌گیریم این با يك مشت افراد بیسواد که درست شدنی نیست اگر جداً اینها درس نخوانند مغزهایشان را پر نکنند و يك عده‌یی دنبال کار تولیدی يك عده‌یی دنبال تجسس و تفحص نباشند چطور باین مراحل برسیم؟ کافی نیست که فقط ما ماشین‌ها را بخریم و آخرین سیستم ماشینی را بیاوریم در این مملکت بدست متخصص خارجی سوار بکنیم بعد اینجا عاطل و باطل بماند برای اینکه گرداننده این چرخ که باید ایرانی باشد درس نخوانده باشد. يك دقیقه وقت این مملکت و وقت افراد این مملکت را تلف کردن در درس نخواندن و رفتن دنبال شعارها (وبقول آن‌ها که گرفتار شده‌اند می‌گوییم چرا اینکار را می‌کنید می‌گویند ما به رادیوهای بیگانه گوش می‌دهیم) ننگ از این بالاتر نمی‌شود. این مملکتی که این‌آتیه را دارد که دنیا شناخته و آنرا کم‌کم قبول کرده این باید بدست افراد پر اداره بشود نه افراد خالی. افراد پر هم موقعی خواهید داشت که زحمت بکشند درس بخوانند در کارگاهها امتحان خودشان را بدهند و بالاخره بآن مدارج علمی برسند. این صحبت‌هایی که من کردم تکلیف خیلی چیزها را روشن می‌کند منجمله تکلیف انتخابات آینده را. ما همه‌اش صحبت از آزادی انتخابات کرده‌ایم که مسلماً مراعات می‌شد ولی الان آزادی انتخابات بمعنای بیشتری خواهد بود برای اینکه آن گروه‌هایی که عضو باصطلاح حزب اکثریت نبودند باتمام آزادی‌های انتخابات موفقیت برایشان خیلی مشکل بود پس يك عده‌یی از افراد این مملکت بطور اتوماتیک از هرگونه موفقیت سیاسی محروم می‌شدند. الان چون در داخله همان تشکیلات بزرگ ملی خواهد بود آزادی انتخابات در واقع در بین خود

صفحه ششم

تشکیلات جدید خواهد بود اگر تشکیلات جدید مثلاً دید که یکی از این افرادی که از احزاب دیگر یعنی غیراکثریت که با اکثریت یکی خواهند شد اگر این در يك جایی زمینه بهتری داشته باشد طبعاً کاندیدای حزب جدید ملی خواهد بود یعنی برای همه کس امروز ما امکان فعالیت‌های سیاسی آزاد و صحیح را حقیقتاً فراهم کردیم والا باین وضع عده‌یی از افراد شایسته درجه يك مملکت فقط بخاطر اینکه یابنا بود که باصطلاح رل اقلیت را بازی بکنند یا غیره از يك امکانات سیاسی منع و محروم می‌شدند.

پس اصول فلسفه انقلاب ایران، انقلاب ششم بهمن محفوظ خواهد بود قانون اساسی ایران محفوظ، نظام شاهنشاهی ایران که فکر نمی‌کنم بدون آن این کارهایی که انجام شد امکان‌پذیر می‌شد. یعنی بازهم تکرار می‌کنم اگر من که اینکارها را کردم، شاهنشاه ایران نبودم مسلماً نمی‌توانستم این کارها را انجام بدهم. این نظام این مملکت را تا ۲۵ سال بهمان آمال بزرگ ملی ما خواهد رساند و فکر می‌کنم يك مدتی که بگذرد چنین تشکیلاتی طوری استحکام پیدا بکند برای اینکه خیلی کم خواهیم دید افرادی که در این مملکت باشند و باین جریان اعتقاد نداشته باشند و فکر می‌کنم که این چیزی باشد که بعد از من دوام پیدا بکند و با خودم آدم ازین نروم. تاریخ ایران همیشه شاهد پستی‌ها و بلندی‌ها بوده بلندی موقعی که شاهنشاهان بزرگی داشته و پستی‌ها موقعی که دوره انحطاط شروع می‌شده ولی کار ما باید این باشد که از این بعد این يك خط را با عوجاجات خیلی کمی دنبال بکند و ملت ایران دیگر هیچوقت دچار انحطاط نشود. بهر صورت و اگر پیش‌آمدی بکند همیشه برای بهتر باشد ولی دیگر بدتر نشود البته این مأموریت جدیدی که به‌امیر عباس هویدا بعنوان دبیر کابی دادیم، اضافه بر کارهای دولتی و نخست‌وزیری، گویانکه اصولاً زیاد موافق نیستم که نخست‌وزیر دبیر کل هم باشد برای اینکه دوکاری است که هر دو تمام وقت انسان را می‌گیرد حالا نخست‌وزیر ما چقدر در شبانه‌روز کار می‌کند لابد همه‌تان می‌دانید زیاد کار می‌کند ولی شاید تا دو سال دیگر هم بتواند دوام پیدا بکند و از پا در نیاید و يك امر خیلی حساسی است که باو سپردیم و چه مسلماً نخست‌وزیر در کارهایش هیچوقت بشکل افراد نگاه نخواهد کرد از قیافه کسی خوشش بیاید یا نیاید و همچنین افراد دیگر این تشکیلات، تشکیلات بزرگ ملی است جنبه فردی ندارد و يك کار عظیمی است که مثل سایر کارهای این مملکت مثل انقلاب مملکت مثل سیاست‌های دیگری که ما دست بآن زدیم، این را پیش خواهیم برد و جوابی که از فردا از ملت ایران خواهیم شنید در قبولی يك چنین سیاستی بهترین نماینده افکار مردم ایران و بهترین ضامن پیشرفت سیاست‌هایی است که از بهمن ۴۱ باین طرف بچشم خودشان دیدند و ضمناً مطالب و پیش‌آمدهایی است که می‌توانند همه فرض کنیم در همین يك نسل آینده در ۲۵ سال آینده پیش خودشان مجسم بکنند.

فکر می‌کنم اغلب مطالب را در اینجا ذکر کرده باشم فکر نمی‌کنم چیز غیرروشنی باقی مانده باشد. ولی باز تکرار می‌کنم دبیرکلی این تشکیلات جدید را ما اسم آوردیم، رئیس هیأت اجرایی و رئیس دفتر سیاسی را موقع تشکیل آن کنفرانس بزرگ از لحاظ معنوی (والا لازم نیست که از لحاظ جمعیت خیلی زیاد باشد) و امیدواریم که همه طبقات ایران از کسانی که بسن رأی دادن قانونی رسیده باشند دیگر آنها ندارد کسانی که همه فعال و زنده هستند مخصوصاً مردان و مخصوصاً زنان از يك چنین جنبش بزرگ ملی و سیاسی خودداری نکنند.

چگونه ممکن است مردمی روی شنزارها زندگی کنند و این همه پول داشته باشند؟

کنند؟» البته این مربوط بما نیست، اما «شما از خود سؤال می کنید که چگونه ممکن است مردمی روی شنزارها زندگی کنند و این همه پول داشته باشند» ممکن است در آغاز این امر برای شما تکان دهنده باشد اما به آن عادت خواهید کرد.

خبرنگار: اعلیحضرتا صحبت انتقامجویی را مطرح نمی کنم ولی اجازه می خواهم استفسار کنم که از اینکه می بینید غول های غرب دچار نابسامانی شده اند احساس رضایت نمی فرمایید؟

شاهنشاه: خیر، بعقیده من این کشورها برای از میان بردن این نابسامانی باید در ساختمان اجتماعی خود تجدید نظر کنند.

خبرنگار: آیا موضوع باین شکل نیست که سیاه چشمان

دارند بمردم چشم آبی درس عبرت می آموزند؟

شاهنشاه: این طور هم نیست، ما بکسی درس نمی دهیم

(مایک والاس) خبرنگار تلویزیون سی. بی. اس امریکا مصاحبه یی با شاهنشاه آریامهر در سن موریتس انجام داد، این مصاحبه که متن آن از شبکه تلویزیونی سی. بی. اس پخش شد باین شرح است:

خبرنگار: اعلیحضرتا، آیا قیمت زیاد نفت یعنی این ماده گرانبها به گونه یی که شاهنشاه از آن صحبت می فرمایند مایه اصلی نابسامانی اقتصادی امروز جهان نیست؟ شاهنشاه: این درست نیست، زیرا طبق همین آمار که شما دارید قیمت نفت فقط نیم درصد در تورم مؤثر بوده است.

خبرنگار: اعلیحضرتا درباره پولهای هنگفتی که کشورهای تولید کننده نفت رویهم انباشته اند چه می فرمایید؟ شاهنشاه: این برای شما تازگی دارد شما از خود می پرسید که «این مردم عجیب و غریب چگونه زندگی می-

اما مردم چشم آبی باید بیدار شوند.

خبرنگار: از چه خوابی؟

شاهنشاه: از خواب خودپسندی.

خبرنگار: اعلیحضرتا ما صحبت‌هایی درباره امکان اعمال زور در خاورمیانه بوسیله امریکا می‌شنویم، این موضوع را هنری کیسینجر گفت و پرزیدنت فورد هم از آن پشتیبانی کرد.

شاهنشاه: اگر درست بیاد داشته باشم اولاً: دکتر کیسینجر گفت که در يك موقعیت فرضی ...

خبرنگار: او گفت در يك موقعیت فرضی یعنی روبرو شدن با خفقان.

شاهنشاه: من حتی در یکی از روزنامه‌ها خواندم که پرزیدنت فورد گفته بود که توسل بزور صورت نخواهد گرفت... هر تحریم صدور نفت بغرب بسیاری از کشورها شرکت نخواهند کرد، من درباره کشور خودم بگویم که در این تحریم شرکت نخواهیم کرد، مسلماً ونزوئلا، اندونزی و نیجریه نیز در این امر شرکت نخواهند جست، گذشته از این کشوری مانند کشور من به هر سنت پولی که از محل نفت بدست می‌آورد نیاز دارد، وضع اندونزی و ونزوئلا نیز همین‌گونه است.

خبرنگار: بنابراین تهدید بزبان کیست؟

شاهنشاه: این درست پرسشی است که من دارم، امروزه شما نمی‌توانید مردم را بترسانید و مزاحم آنها شوید.

خبرنگار: اعلیحضرت واقعاً فکر نمی‌فرمایند که هنری کیسینجر خواسته باشد شاهنشاه ایران را تهدید کند؟

شاهنشاه: ما دوستان خوبی هستیم شاید پس از يك بازی بیلیارد بتوانیم یکدیگر را بترسانیم اما درغیراینصورت فکر نمی‌کنم که من و دکتر کیسینجر بخواهیم یکدیگر را تهدید کنیم.

خبرنگار: در حال حاضر که دکتر کیسینجر خود را برای سفر بخاورمیانه آماده می‌کند آیا اعلیحضرت فکر نمی‌فرمایند که او نسبت بايجاد تفاهم میان مصر واسرائیل خوش‌بین باشد؟

شاهنشاه: من آرزو دارم که او موفق شود چون در غیر اینصورت باید از طرح خود در مورد رفع بحران خاورمیانه طی مراحل تدریجی بکلی چشم‌پوشد آن وقت تنها راهی که باز می‌ماند رفتن به کنفرانس ژنو است.

خبرنگار: در صورتیکه اسرائیل از حوزه‌های نفتی ابوردیس و گذرگاه‌های صحرای سینا عقب‌نشیند آیا بطوری که گفته شده شاهنشاه نفت اسرائیل را تضمین خواهند فرمود؟

شاهنشاه: من این سؤال را در وین هم شنیدم و پاسخم این بود که من پدر خوانده اسرائیل نیستم که این را تضمین کنم اولاً ابوردیس متعلق با اسرائیل نبوده بلکه متعلق بمصر است، اسرائیلی‌ها تا آنجا که توانسته‌اند از این منابع نفتی استفاده کرده‌اند، در هر صورت اسرائیل از نفت محروم نخواهد شد، تمام شرکت‌های نفتی می‌توانند با اسرائیل نفت بفروشند و از این لحاظ در مضیقه نخواهد بود، فقط موضوع این است که احتمالاً مجبور خواهد شد که قیمت نفت را بپردازد.

خبرنگار: ریچارد هلمز رئیس سابق «سیا» اکنون سفیر امریکا در دربار شاهنشاهی است، سیا عملیات زیادی را در ایران اجرا کرده، جک اندرسون نوشته است که آن اعلیحضرت گاه گاه وقتی که بودجه سیا برای این برنامه‌ها تمام می‌شده

است بآن کمک فرموده‌اند آیا این حقیقت دارد؟

شاهنشاه: من فکر نمی‌کنم سیا هنوز آنقدر فقیر شده باشد که به پول من نیازمند باشد؟ آنها منابع مالی باندازه کافی دارند اما امروز روابط ما با کشور شما یاسیا فقط مبتنی بر همکاری است و این همکاری بیشتر در زمینه مبادله اطلاعات است و موضوع پول اصلاً در میان نیست.

خبرنگار: اعلیحضرت در مورد چه اطلاعاتی به سیا کمک فرموده‌اند؟

شاهنشاه: اطلاعاتی که آنها می‌توانند بماندهند ما چیزهایی می‌شنویم و ممکن است جالب باشد احتمالاً به‌سیا می‌دهیم، منظورم این است که این کمکی است که ما می‌توانیم به‌سیا بکنیم ولی موضوع پول مطرح نیست.

خبرنگار: اعلیحضرتا آیا بآنها کمک کرده‌اید تا بدانند که در شوروی که هم‌مرز ایران است چه می‌گذرد؟

شاهنشاه: خیر. خیر. اصلاً این‌طور نیست.

خبرنگار: اعلیحضرتا ایران يك پلیس پنهانی دارد که ساواک نامیده می‌شود و گفته می‌شود که از لحاظ کارایی بیای بهترین پلیس دنیا می‌رسد. ضمناً گاه گاه هم خیلی‌خشن می‌شود. روزنامه ساندی تایمز لندن درباره فعالیت‌های ساواک برای یکسال تحقیق کرده و قسمتی از این تحقیقات را دو هفته پیش تحت عنوان «شکنجه در ایران» منتشر کرد و اتهاماتی در مورد شکنجه افراد باین سازمان وارد کرد، چرا نیروی پلیس شاهنشاه ایران احتیاج دارد که چنین روش‌هایی را بزبان اتباع کشور بکار ببرد؟

شاهنشاه: اولاً این موضوع اینقدر مسخره است که من واقعاً نمی‌خواهم بآن جواب بدهم، در هر صورت قضیه بهیچوجه صحت ندارد و حتی من تعجب می‌کنم که چرا شما این سؤال را مطرح کرده‌اید؟ آیا فقط باین سبب که ساندی تایمز چنین مطلبی نوشته؟

خبرنگار: در امریکا نیز چیزهایی نوشته شده است. شاهنشاه: بله مطالبی نوشته‌اند اما من دوباره می‌گویم که چرا باید مردم را شکنجه کنند؟ ما احتیاجی باین کار نداریم، ما قبل از اینکه از کسی بازجویی کنیم شواهد و دلایل کافی داریم و قتیکه شخص باین دلایل وشواهد روبرو می‌شود خود را می‌بازد و همه چیز را اعتراف می‌کند، بنابراین ما احتیاجی نداریم که از روش‌های کهنه استفاده کنیم. شما گفتید که نیروی پلیس ما مانند نیروهای پلیس پیشرفته دنیا است، بنابراین همان متدهایی را بکار می‌برند که شما ویا انگلیسی‌ها یا فرانسوی‌ها یا آلمان‌ها بکار می‌برند.

خبرنگار: اعلیحضرتا آیا بطور کلی اتهاماتی را که در ساندی تایمز عنوان شده تکذیب می‌فرمایند؟

شاهنشاه: پاره‌یی از آنها واقعاً مسخره و تهوع‌آور است، من اصلاً از این کارها خوشم نمی‌آید.

خبرنگار: اعلیحضرتا اصولاً چرا باید احتیاجی به ساواک داشته باشید؟ چرا باین پلیس مخفی احتیاج دارید؟

شاهنشاه: چرا همه کشورها احتیاج دارند؟ شما بمن بگویید که کجا پلیس مخفی نیست؟ اگر شما يك کشور را بمن نشان بدهید، يك کشور آبرومند، البته تکلیف این کلمه «آبرومند» را می‌توان بعداً روشن کرد ولی الان بمن بگویید که کجا پلیس مخفی نیست.

درآمدها

و

منابع تأمین اعتبار دولت

بر اساس تجدید نظری که در ارقام بودجه سال ۱۳۵۳ بعمل آمد، درآمدهای دولت بالغ بر دو برابر ارقام قبلی برآورد شده است. همچنین در بودجه پیشنهادی سال ۱۳۵۴، دولت ۱۷۸۸۷ میلیارد ریال درآمد دارد که حدود ۱۴۵ درصد یا ۲۲۵ میلیارد ریال بیشتر از رقم سال جاری است. پرداختهای دولت در سال آینده نیز در سطح ۱۷۸۸۷ میلیارد ریال برآورد گردیده است که حدود ۶۰ درصد آن یعنی ۱۰۷۱۷ میلیارد ریال را پرداختهای جاری تشکیل می‌دهد که در مقایسه با سال قبل از رشدی معادل ۱۸ درصد برخوردار خواهد بود. هزینه‌های سرمایه گذاری ثابت نیز رقم ۵۱۵۷۷ میلیارد ریال حدود ۲۹ درصد از اعتبارات سال آینده دولت را جذب می‌کند. درآمدهای دولت از منابع مالیاتی - نفت و گاز - درآمدهای ناشی از انحصارات و مالکیت دولت - درآمدهای حاصل از خدمات و فروش کالا - حقیقه - کمک - های دریافتی - درآمدهای انتقالی و متفرقه - سود و بهره سرمایه گذاری‌های دولت در خارج از کشور و سایر منابع تأمین اعتبارات دریافت می‌شود.

جمع درآمدهای دولت در سال جاری ۱۶۰۳۵ میلیارد ریال و در سال آینده ۱۷۸۸۷ میلیارد ریال است که قسمت اعظم آن از درآمد نفت و گاز تأمین می‌گردد. جمع وصولی امسال از درآمدهای حاصل از نفت و گاز ۱۳۴۹۵ میلیارد ریال و در سال آینده ۱۴۷۸۷ میلیارد ریال برآورد گردیده است.

از جمع درآمدهای نفت و گاز در سال آینده ۱۳۰۰۶ میلیارد ریال از محل فروش نفت به شرکت‌های بازرگانی، ۱۲۲۴ میلیارد

ریال از طریق فروش مستقیم نفت و ۴۹۶ میلیارد ریال وسیله سایر شرکت‌های نفتی دریافت می‌شود و ۶ میلیارد ریال آن متعلق به درآمد گاز خواهد بود.

درآمدهای مالیاتی

همانک کردن نظام مالیاتی کشور با مقتضیات رشد اقتصادی و اجتماعی و همچنین توسعه خدمات اداری و فنی گمرکی با توجه به توسعه بازرگانی خارجی و ایجاد سرعت و سهولت در عملیات خزانهداری بویژه پرداختهای دولت و نحوه نظارت بر آنها از مهم‌ترین سیاست‌هایی است که مورد توجه دولت قرار گرفته است.

هدف از اجرای برنامه وصول درآمد های دولت اداره مؤثرتر وصول مالیات‌ها و حمایت از سیاست‌های بازرگانی و صنعتی از طریق پیشنهاد و اجرای قوانین و مقررات گمرکی است.

در اجرای این هدف برنامه‌های خاص به مرحله اجرا درمی‌آید، از جمله تشخیص و وصول مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم، تشکیل کمیسیون‌های مختلف برای تجدید نظر و یا تأیید و قطعیت دادن به مالیات‌های تعیین شده برای مؤدیان - تهیه پیشنهاد های اصلاحی در مورد نحوه وصول مالیات‌ها - تهیه و توزیع اوراق بهادار دولتی - نظارت بر میزان تولید کارخانه‌های نوشابه‌های الکلی و غیر الکلی جهت وصول حقوق دولتی - انجام تشریفات گمرکی در مورد مسافرانی که به کشور وارد یا از کشور خارج می‌شوند و تخلیه و بارگیری کالاهای وارداتی و صادراتی.

در بودجه اصلاحی سال جاری با توجه به تغییر برخی از مواد قانون مالیات‌ها - درآمدهای مالیاتی با افزایش حدود ۱۲۵ درصد نسبت به رقم مشابه سال گذشته معادل

۱۴۹۲ میلیارد ریال است. برغم سرمایه گذاری‌های عظیم که در بخش‌های مختلف اقتصاد - اعم از دولتی و خصوصی صورت گرفته و موجبات ازدیاد سطح عمومی اشتغال توأم با افزایش سطح حقوق و مزایا را فراهم آورده است، مالیات حقوق بگیران تحت تأثیر تغییرات اخیر قانون مالیات‌ها با ۲۸ میلیارد ریال کاهش نسبت به رقم مشابه سال قبل معادل ۸۲ میلیارد برآورد گردیده است. بموجب این تغییرات گذشته از اینکه حداقل درآمد مشمول مالیات از ۵۰۰۰ ریال به ۱۲۰۰۰ ریال ارتقاء داده شد، ضرائب مالیاتی نیز تنزل پیدا کرد. در مقابل تنزل مالیات حقوق - مالیات اشخاص حقوقی دولتی - بدنبال ایفاء نقش مؤثر دولت در فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی جهت جوابگویی بیشتر به نیازهای کشور با افزایش مهمی نسبت به سال گذشته برآورد گردیده است به این معنی که پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال ۵۳ جمعاً ۲۶۹۰ میلیارد ریال از این محل عاید خزانة دولت گردد. مالیات اشخاص حقوقی غیر دولتی نیز با احتساب يك مالیات اضافی به میزان ۱۵ درصد که بر اساس اصلاحیه جدید قانون مالیات‌ها وضع شده است و با توجه به بسط مداوم فعالیت‌های بخش خصوصی ۱۴۳ میلیارد ریال برآورد شده است که نسبت به سال گذشته از ۲۰ درصد رشد برخوردار خواهد بود. گذشته از این درآمدهای مالیاتی حاصل از مالیات بر ثروت و مالیات بر مصرف و فروش نیز تحت تأثیر ازدیاد درآمد نقل و انتقالات املاک و اراضی بایر و افزایش فروش مواد سوختنی و سرانجام گسترش فعالیت‌های اقتصادی با رشد جالبی ازدیاد می‌یابد. جمع درآمدهای مالیاتی برای سال ۱۳۵۴ بالغ بر ۲۱۸۸ میلیارد ریال است که ۸۶۷ میلیارد ریال

مربوط به مالیات شرکتها ۲۰۴ میلیارد ریال مالیات بر درآمد، ۸۹ میلیارد ریال مالیات بر ثروت ۷۷۹ میلیارد ریال مالیات بر واردات و حدود ۲۵ میلیارد ریال مالیات بر مصرف و فروش خواهد بود.

از جمع مالیات بر شرکت در سال آینده ۷۰۶ میلیارد ریال متعلق به اشخاص حقوقی دولتی و ۱۶۱ میلیارد ریال مربوط به اشخاص حقوقی غیردولتی است.

از جمع مالیات بر درآمد ۹۹ میلیارد ریال حقوق ۶۹ میلیارد ریال مالیات مشاغل ۳۲ میلیارد ریال مالیات مستغلات ۵۰ میلیارد ریال مالیات بهره و ۵۰ میلیارد ریال مالیات انتقال از درآمد اختصاصی وزارت امور اقتصادی و دارایی به درآمد عمومی است.

در ارقام مربوط به ثروت باید از ۱۷۷ میلیارد ریال مالیات ارث ۲۰ میلیارد ریال مالیات اتفاقی ۶۳ میلیارد ریال مالیات نقل و انتقالات و سرقتی و ۷۰ میلیارد ریال مالیات اراضی بایر نام برد.

همچنین می توان از ۳۵۵ میلیارد ریال مالیات حقوقی گمرکی و ۲۴۵ میلیارد ریال سودبازرگانی که بیشترین ارقام وصولی مالیات بر واردات را تشکیل می دهند یاد کرد.

در سال آینده نزدیک به ۲۵ میلیارد ریال مالیات بر مصرف و فروش گرفته می شود که در زمینه های مختلف وصول خواهد شد. از جمله ۱۶۷ میلیارد ریال از فرآورده های نفتی و ۲۸ میلیارد ریال از فرآورده های الکلی و ۴۰ میلیارد ریال از نوشابه های غیرالکلی مالیات گرفته می شود.

میزان مالیات اتومبیل در سال آینده ۱۸۰ میلیارد ریال، صدی پنج ارزش اتومبیل های داخلی ۱۹۹ میلیارد ریال - مالیات فرآورده های معدنی (غیر نفتی) ۲۶۰ میلیارد ریال مالیات صفحات گرامافون ۲۸ میلیون ریال و مالیات متفرقه ۱۸۰ میلیون ریال (که از مالیات متفرقه می توان ۳۰ میلیون ریال مالیات حق اشتراك تلفن - های خودکار را نام برد).

درآمدهای حاصل از انحصارات و مالکیت دولت

دولت از منابع انحصاری و مالکیت خود در سال جاری ۱۱۷ میلیارد ریال و در سال آینده ۲۰۵ میلیارد ریال درآمد دارد. میزان دریافتی از مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت در سال آینده ۱۳۰۹ میلیارد ریال است که قیمت اعظم آن یعنی ۱۳۳ میلیارد ریال جزو درآمدهای سازمان بنادر و کشتیرانی و ۹ میلیون بقیه مربوط به بنگاه کل دارویی ایران است.

سود سهام شرکت های دولتی در سال آینده ۱۸۷ میلیارد ریال برآورد گردیده که نزدیک به ۲ میلیارد ریال آن متعلق به شرکت سهامی دخانیات ایران و قسمت اعظم

آن یعنی ۱۵ میلیارد ریال مربوط به بانک مرکزی ایران است. سود سهام سایر شرکتهای دولتی بقرار زیر خواهد بود: شرکت ملی نفت ایران ۷۰۷ میلیون ریال بیمه مرکزی ایران ۳۹ میلیون ریال، شرکت سهامی بیمه ایران ۲۰۰ میلیون ریال، شرکت سهامی روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران ۸۵ میلیون ریال، شرکت سهامی خدمات ماشینهای محاسبه الکترونیکی ۴ میلیون ریال و شرکت سهامی چاپخانه دولتی ایران ۲۱ میلیون ریال.

دولت در سال جاری از محل اجاره ساختمانهای دولتی ۳۴ میلیون ریال و در سال آینده ۳۵۴ میلیون ریال درآمد دارد که از بیوتات سلطنتی - شهربانی کشور - ژاندارمری کشور - مؤسسه خاکشناسی و حاصلخیزی خاک - مؤسسه بررسی آفات و بیماریهای گیاهی - سازمان هواپیمایی کشوری و سازمان صنایع کوچک و نواحی صنعتی ایران تأمین می شود.

گذشته از این، دولت در سال آینده ۴۳۰۶ میلیون ریال از محل عواید املاک مزروعی خالص - پنج درصد عواید رودخانه ها و فروش سهام آبیاری تبریز - بهره مالکانه معادن دولتی - بهره مالکانه و حق بهره برداری از جنگلها و مراتع و حق انحصار کبریت درآمد خواهد داشت.

یکی از منابع درآمدهای دولت مربوط به بخش درآمدهای حاصل از خدمات و فروش کالا است که در بودجه سال آینده رقم ۱۵۳۹۷۴۸۳۰۰۰ ریال برآورد شده است که از این رقم ۱۳۶۷۷۵۵۰۰۰۰ ریال مربوط به درآمدهای حاصل از خدمات و ۱۷۱۹۹۳۳۰۰۰ ریال متعلق به فروش کالا است. از درآمدهای حاصل از خدمات می توان جرائم رانندگی را نام برد که میزان آن برای سال آینده ۵۴۰ میلیون ریال است که ۲۹۰ میلیون ریال آن متعلق به جرائم رانندگی در شهرهاست که توسط شهربانی وصول خواهد شد. رقم جرائم رانندگی در سال گذشته بالغ بر ۵۱۷۶ میلیون ریال بوده که ۲۷۹۸ میلیون ریال آن از طرف شهربانی کل کشور و ۲۳۷۸ میلیون ریال بقیه از جانب پلیس راه وصول شده است. میزان جرائم رانندگی در سال جاری نیز ۵۲۵ میلیون ریال (۲۸۵ میلیون ریال جرائم رانندگی در شهرها و ۲۴۰ میلیون ریال جرائم رانندگی در راهها) برآورد گردیده است.

در بودجه سال آینده همچنین وصول ۱۷۰ میلیون ریال از طریق صدور و تمدید گذرنامه - روادید ورود و جواز اقامت و گواهینامه رانندگی از طرف شهربانی کشور برآورد شده که این رقم با مقایسه برآورد وصولی سال جاری ۱۰ میلیون ریال و با مقیاس وصولی سال گذشته نزدیک به ۲۱۶ میلیون ریال افزایش نشان می دهد.

جمع درآمدهای خدمات انتظامی شامل

جرائم رانندگی - صدور و تمدید گذرنامه و روادید و گواهینامه رانندگی و درآمد حاصل از جرائم وصولی وزارت رفاه اجتماعی در سال آینده ۷۵۲۷ میلیون ریال برآورد شده است.

دولت در سال آینده از طریق ارائه خدمات قضایی و ثبتی ۵۰۴۱۷ میلیون ریال درآمد دارد که از طرف وزارت دادگستری - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - حق السهم صاحبان دفاتر اسناد رسمی سازمان ثبت احوال کشور و وزارت کار و امور اجتماعی (درآمد حاصل از اجرای مقررات ماده ۶۳ قانون کار و تصویب نامه های مربوطه) وصول خواهد شد که از آن میان وصولی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با ۴۰۱۵۸ میلیون ریال در صدر قرار دارد. وصولی ناشی از خدمات آموزشی و فرهنگی در سال ۱۳۵۴ جمعا ۱۰۳۷۹ میلیون ریال است که مشترکا توسط مرکز آمار ایران - سازمان امور اداری و استخدامی کشور - وزارت آموزش و پرورش - صندوق کارآموزی - وزارت علوم و آموزش عالی - مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی - وزارت فرهنگ و هنر - تالار رودکی - سازمان تربیت بدنی - سازمان صنایع کوچک و نواحی صنعتی - مؤسسه کار و تأمین اجتماعی - دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و وزارت کار و امور اجتماعی (آزمایش مهارت فنی) وصول خواهد شد که بیشترین وصولی مربوط به صندوق کارآموزی یا ۳۶۴۶ میلیون ریال و سپس وزارت آموزش و پرورش با مبلغ ۳۵۹ میلیون ریال است. وصولی صندوق کارآموزی ناشی از پرداخت حق کارآموزی کارگاهها و مؤسسات مشمول قانون کارآموزی برای آموزش و بالا بردن سطح مهارت کارگران خواهد بود.

دولت در سال آینده از محل خدمات بهداشتی و درمانی خود ۱۲۱۴۹ میلیون ریال درآمد دارد که درآمد مذکور از ناحیه وزارت بهداشتی - وزارت راه و ترابری (بهداری کل راهها) وزارت رفاه اجتماعی (مراکز اورژانس تهران) - دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی - مرکز تحقیقات و آموزش پزشکی فیروزگر - بیمارستان وزارت دادگستری - شهربانی و ژاندارمری کشور - انجمن توانبخشی و سازمان بیمه های اجتماعی تأمین می گردد. بیشترین وصولی ناشی از خدمات بهداشتی و درمانی را بهداشتی کل راهها با ۴۸۷ میلیون ریال، وزارت بهداشتی با ۲۶۴ میلیون ریال و دانشگاهها با ۲۴۱۹ میلیون ریال خواهند داشت. جمع وصولی مراکز اورژانس در پایان سال جاری و همچنین در سال آینده (سالانه) ۶ میلیون ریال برآورد گردیده است. لازم بتذکر است که جمع وصولی دولت از راه خدمات بهداشتی

ودرمانی در سال جاری ۹۹۸۳ میلیون ریال و در سال گذشته ۷۲۰۹ میلیون ریال می باشد که وصولی وزارت بهداشتی در سال پیش با ۲۵۴۳ میلیون ریال در صدر قرار دارد.

دولت در سال ۱۳۵۴ از محل خدمات کشاورزی و صنعتی ۴۴۸۵ میلیون ریال وصولی دارد که از طرف مؤسسه خاکشناسی و حاصلخیزی خاک - حفاظت محیط زیست - اداره کل مهندسی زراعی، سازمان پنبه و دانه های روغنی - خدمات کارشناسی وزارت آب و برق - مؤسسه آبشناسی ایران - وزارت اقتصاد و صنایع و معادن (صدور پروانه اکتشاف)، خدمات کارشناسی وزارت صنایع و معادن و وزارت اقتصاد - مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران - سازمان صنایع کوچک و نواحی صنعتی ایران - سازمان زمین شناسی کشور و وزارت راه و ترابری وصول می شود که بیشترین وصولی مربوط به مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی با رقم ۱۹۵۴ میلیون ریال نمودار شده است. درآمد خدمات پستی دولت در سال ۱۳۵۴ جمعاً ۷۳۷ میلیون ریال برآورد شده است که ۷۰۵ میلیون ریال آن از جانب وزارت پست و تلگراف و تلفن تأمین می شود و مبلغ ۳۲ میلیون ریال آن اختصاصاً از محل حق استفاده از دستگاه های بی سیم اختصاصی وسیله وزارت پست و تلگراف و تلفن وصول خواهد شد.

سایر درآمدهای خدماتی از طرف وزارتخانه ها و سازمان های زیر تأمین می شود:

وزارت امور خارجه ۱۶۲۴ میلیون ریال، سازمان اوقاف ۳۲۶۸ میلیون ریال، سازمان نقشه برداری ۶۷۰ میلیون ریال و موقوفات وزارت بهداشتی ۲ میلیون ریال. وزارت راه و ترابری از شاهراه تهران - کرج در سال آینده ۶۵ میلیون ریال وصولی دارد که این رقم نسبت به وصولی امسال ۱۵ میلیون ریال و نسبت به سال پیش ۴۰۳ میلیون ریال افزایش دارد و بعبارت دیگر وصولی امسال نزدیک به ۳ برابر سال پیش خواهد بود.

درآمد سازمان هواپیمایی کشوری از عوارض فرودگاهی و مسافران خارجی در سال آینده ۲۳۴۳ میلیون ریال و در سال جاری ۲۰۲۷ میلیون ریال برآورد شده است. رقم وصولی عوارض مذکور در سال گذشته ۲۰۴۷ میلیون ریال بوده است. در همین سال وزارت کار و امور اجتماعی از محل صدور تمدید پروانه کار ۳۲۶ میلیون ریال درآمد داشته که در سال جاری وصولی مذکور ۳۳ میلیون ریال و برای سال آینده ۳۳۵ میلیون ریال برآورد شده است.

گمرک ایران در سال ۱۳۵۴ جمعاً ۲۹۵۰۵ میلیون ریال درآمد دارد که از این رقم ۸۶۵۶ میلیون ریال مربوط به انبارداری ۷۹۰۴ میلیون ریال متعلق به باربری

و تخلیه و بارگیری ۳۰۲ میلیون ریال مربوط به بیست درصد بیمه کالاهای وارده و ۱۱۳۸۵ میلیون ریال متعلق به سایر خدمات گمرکی است.

جمع وصول گمرک در سال ۱۳۵۳ مبلغ ۲۱۱۴۵ میلیون ریال و وصولی گمرک در سال گذشته ۱۵۱۱۱ میلیون ریال می باشد که با مقایسه رقم وصولی سال آینده ملاحظه می شود که وصولی سال ۱۳۵۴ نزدیک به دو برابر سال گذشته است.

فروش کالا

جمع وصولی دولت از طریق فروش کالا در سال آینده ۱۷۱۹۹ میلیون ریال (دو برابر سال پیش) است که شامل کالا - های کشاورزی - صنعتی - فروش تشریفات و کالاهای قاچاق است.

جمع فروش کالاهای کشاورزی ۷۹۴۱ میلیون ریال است که و سیله مؤسسات مختلف کشاورزی از جمله مؤسسه بررسی آفات و بیماری های گیاهی، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع - سازمان جنگلها و مراتع، باغهای گیاه شناسی کشور - سازمان دامپروری کل کشور - مؤسسه اصلاح و تهیه نهال و بذر - مراکز آموزش حرفه ای وزارت کشاورزی و منابع طبیعی - سازمان عمران جیرفت - سازمان عمران دشت قزوین - سازمان عمران کهکیلویه و بویراحمد و سازمان عمران ماهیدشت و پل ذهاب وصول می شود.

میزان وصولی کالاهای صنعتی در سال آینده ۳۰۰۳ میلیون ریال است که از طریق فروش مصنوعات مراکز آموزش حرفه ای وزارت کار - مؤسسه رازی - انستیتو پاستور - مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران - سازمان صنایع کوچک و نواحی صنعتی ایران و وزارت فرهنگ و هنر وصول می شود.

ضمناً مبلغ ۱۱۳۹۹ میلیون ریال در سال آینده از طریق فروش تشریفات مرکز آمار ایران - سازمان نقشه برداری - سازمان زمین شناسی - مرکز توسعه صادرات، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران - دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی و وزارت فرهنگ و هنر و تالار رودکی وصول می شود. میزان وصولی تالار رودکی ۴۰۰ میلیون ریال برآورد شده است که نسبت به رقم سال جاری ۲۰ میلیون ریال و نسبت به درآمد سال پیش ۵۰ میلیون ریال افزایش نشان می دهد.

دولت در سال آینده از محل فروش قاچاق ۵۱۱۴ میلیون ریال درآمد خواهد داشت. رقم فروش قاچاق در سال جاری ۴۸۳۴ میلیون ریال است و در سال گذشته ۲۵۰۵ میلیون ریال بوده است.

از جمع درآمد فروش کالاهای قاچاق در سال آینده ۱۰۷ میلیون ریال متعلق به درآمد مبارزه با قاچاق ژاندارمری کشور - ۲۱۳ میلیون ریال مربوط به فروش تریاک اداره کل نظارت بر مواد مخدر، ۸۳۱

میلیون ریال متعلق به فروش تریاک از طرف وزارت تعاون و امور روستاها و ۳۰۰ میلیون ریال مربوط به فروش تریاک از طرف وزارت رفاه اجتماعی است.

حق بیمه و کمک های دریافتی

دولت از محل حق بیمه - کمک های دریافتی و درآمدهای انتقالی و متفرقه در سال جاری ۲۲۶ میلیارد ریال و در سال آینده ۲۶۷ میلیارد ریال وصولی خواهد داشت.

میزان وصولی ناشی از حق بیمه در سال آینده ۱۴۶ میلیارد ریال است که ۱۴۵ میلیارد ریال آن از طریق سازمان بیمه های اجتماعی و بقیه از طرف سازمان بیمه های اجتماعی روستاییان دریافت می شود.

میزان کمک های دریافتی در سال آینده ۱۲۶۶ میلیون ریال است که قسمت اعظم آن از دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی تأمین می شود.

رقم درآمدهای انتقالی در سال ۱۳۵۴ جمعاً ۴۲۳۵ میلیون ریال برآورد شده است که ۵۴ میلیون ریال آن از مانده درآمدهای اختصاصی و ۳۶۵ میلیون ریال، انتقال از درآمد شهرداریها به وزارت کشور و ۴۵ میلیون ریال، انتقال از درآمد شهرداریها به وزارت تعاون و امور روستاهاست. میزان درآمدهای متفرقه دولت در سال آینده ۱۱۶۶ میلیارد ریال است که ۳۶۶ میلیارد ریال آن از محل حق تمبر (چک - برات - سفته و غیره) و ۲۴۴ میلیارد ریال از گذرنامه و بقیه از سایر منابع از جمله وزارت جنگ - وزارت بهداشتی - گمرک ایران - دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی - عواید باشگاه های ژاندارمری کشور و سازمان بیمه های اجتماعی تأمین می شود.

سایر منابع تأمین اعتبار

در بودجه پیشنهادی سال ۱۳۵۴ معادل ۱۵ میلیارد ریال استفاده از وام های خارجی در نظر گرفته شده است که این رقم تنها ۳ درصد از هزینه طرحها را تأمین می کند و باتوجه به ۲۰۸ میلیارد ریال بازپرداخت وام های خارجی در نتیجه استفاده خالص از این دسته از وامها معادل ۵۸ میلیارد ریال منفی خواهد شد. گذشته از این بعلت عدم استفاده از وام های داخلی و ۳۵۸ میلیارد ریال بازپرداخت این وامها خالص استفاده از وام های داخلی معادل رقم بازپرداخت منفی می گردد.

رقم وام های خارجی در سال گذشته ۱۵۷۷ میلیارد ریال بوده و در سال جاری ۱۲ میلیارد ریال است.

ضمناً با سرمایه گذاری دولت در خارج از کشور که از امسال آغاز شده است مبالغی سود دریافت می شود که از آن جمله باید دریافت ۲۱ میلیارد ریال سود و بهره سرمایه گذاریهای دولت در خارج از کشور در سال جاری، و ۱۳۵ میلیارد ریال سود و بهره سرمایه گذاری در سال آینده را نام برد.

ناصر خسرو

(وفات ۴۸۱ ه. ق)

شاعر و متفکر بزرگ ایرانی

از: عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

زادالمسافرین (در شرح عقاید فلسفی و کلامی او) که در سال ۴۵۳ هجری تألیف گردیده است؛ وجه دین (درباره احکام شریعت به طریق اسماعیلیه) و رسالات دیگری مانند خوان اخوان و دلیل المتحیرین و از آثار مهم وی به شعر دیوان اشعار اوست که در حدود دوازده هزار بیت دارد و دیگر مثنوی روشنایی نامه است. اشعارش همه در حکمت و موعظه و تشویق مردم به کسب معرفت و دانش و خیرخواهی است. ناصر خسرو درباره قصر و دربار المستنصر خلیفه فاطمی مصر و حکومت دادگرانه و هوشمندانه وی شرحی آورده و از امن و آسایش که رعایای او داشتند سخنانی گفته است. در جامع التواریخ رشیدی از ناصر خسرو دو جا بطور اختصار ذکری به میان آمده است. مورد اول این است (و ناصر خسرو به آوازه مستنصر از خراسان به مصر آمد و هفت سال در آنجا ساکن بود و هر سال به حج می‌رفت و به مصر رجوع می‌کرد (۱) و آخر به راه حج به بصره آمد

و سرانجام بادر نظر گرفتن اعتقادات باطنی خود دولت فاطمی مصر را موافق عقیده خود یافت و بوسیله یکی از داعیان اسماعیلیه به طریقه فاطمیان گروید و از جانب خلیفه فاطمی (المستنصر بالله) عنوان (حجت جزیره خراسان) را به اصطلاح اسماعیلیه گرفت و در سال ۴۴۴ هجری که پنجاه سال داشت به خراسان بازگشت و به بلخ موطن اصلی خود فرود آمد، و بدعوت پرداخت. اما با مخالفت عالمان و شورش عامیان و خصومت امیران سلجوقی مواجه شد و ناگزیر متواری گردید و به مازندران رفت و اندکی بعد به گرگان و از آنجا نیز به (یمکان) بدخشان پناه برد و تا پایان عمر پادلی شکسته و خاطری افسرده و پژمان در آن پناهگاه به تحقیق و تألیف و تصنیف پرداخت تا سرانجام در سال ۴۸۱ هجری جهان را بدرود گفت.

آثار معروف منشور او عبارتست از سفرنامه (در شرح مسافرت هفت ساله وی)؛

یکی از نابغه‌های بزرگ فکری ایران در سده پنجم هجری ابومعین ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی شاعر، حکیم و نویسنده سیاح و داعی بزرگ است که در میان هم‌مذهبان خود (اسماعیلیه) به حجت خراسان معروف شده است.

وی در سال ۳۹۴ هجری قمری در قبادیان بلخ دنیا آمد. در آغاز زندگی در دربار پادشاهان غزنوی بشاعری و کار دیوانی اشتغال داشت اما در سال ۴۳۷ هجری از اشتغالات دیوانی کناره گرفت و در جستجوی حقیقت و کسب معرفت و کمال به مسافرت پرداخت و تا سال ۴۴۴ هجری در مسافرت بسربرد و مدت هفت سال سرزمین عربستان و شمال شرقی و جنوب غربی و مرکز ایران، و آسیای صغیر و شام و سوریه و فلسطین و مصر و قیروان و نوبه و سودان را سیاحت کرد و سه سال در مصر ماند. در این مسافرتها با حکیمان و دانشمندان و عالمان ادیان مختلف ملاقات کرد و به مباحثه در پیوست

و به خراسان گشت و به بلخ دعوت علویان مصر می کرد. دشمنان قصد او کردند و او بر کوه یمگان متواری شد و تا بیست سال بر آنجا بماند و به آب و گیاهی قناعت می کرد، (۲) اما مورد دوم در ضمن بیان شرح احوال حسن صباح آشوبگر پرشور ایرانی از ناصر خسرو نام برده و نوشته است که: حسن صباح از «ناصر خسرو حجت خراسان تعلیم یافته بود» هرمان اته بزرگ شناس معروف آلمانی در مورد این بزرگ مرد متفکر ایرانی (ناصر خسرو) چنین نوشته است: (ابومعین ناصر بن خسرو علوی که از قرار معلوم بعد از گرویدن به تشیع تخلص (حجت) بر خود نهاد و در اشعار سابق کلمات (ناصر) و (ابومعین) بکار می برد ماه ذوالقعدة سال ۳۹۴ هجری در قبادیان نزدیکی بلخ در ایالت خراسان تولد یافت و از اولاد امام علی الرضا فرزند امام موسی کاظم بود و آنچه بدست می آید اولین تربیت او در محیط اهل سنت و ظاهر آن در مکتب حنفی بعمل آمد، چنانچه حتی بعد از تاریخ ۴۲۸ هجری قصیده‌یی از او مانده که کاملاً صبغة عقیده سنی دارد (این قصیده را «راشفر» (۳) در مقدمه خود به سفرنامه آورده) ولی يك شوق بی آرام دانش جویی او را برای فرا گرفتن همه یا بیشتر علوم بشری مانند نجوم و فیزیک و هندسه و تاریخ طبیعی و طب و منطق و فلسفه ارسطو سوق می داد، و در عین حال همت به تحقیق ادیان مشهور نظیر دین زرتشت و یهود و مسیح و عقاید مانوی و صابئان و اهل استدلال نهاد و در تعلیم زبانهای بیگانه هم پیشرفت کرد. ولی روح جویای او که تشنه حقیقت بود هر جا که رفت باتحکم و تقلید کورکورانه یا استدلال تهی و توخالی مواجه شد و برای حل کیفیت و کمیت دلیلی پیدا نکرد و چون از این کنجکاوی بی ثمر خسته و فرسوده گشت لاجرم خود را رندانه معروض حوادث جهان ساخت و بزندگان شهبازی تن در داد. بسی نگذشت که از این طرز بی معنی زندگی نیز متنفر گردید و عزم سیاحت و مطالعه در بلاد اجنبی کرد، مگر بواسطه ارتباط و تبادل نظر با دانشمندان سرزمینها و زبانهای بیگانه، پاسخی برای پرسشهای لاینحل خود بیابد. در این سیر و سفر که بحکم آنچه از سفرنامه خود او استنباط می شود از سال ۴۳۴ تا سال ۴۳۶ هجری ادامه داشت و او را تاهندوستان و گویا به دشت دیلمان کشانید امینش این بود، راه را به مقصد معرفت الهی که آرزویش بود برساند، ولی افسوس بجایی نرسید و در اینجا هم کلید رازی که او را بپرمشأ هستی و شناسایی واقعی خدا و راز رابطه خدا با عالم واقف گرداند بدست نیاورد. درین میان بود که گویی ناگهان به او الهام شد مقصد آمال خود را برگشتن به طریق شرع بجوید و باز یارت مکه شک و تردید را که آرامش درونی او را مدام مورد تهدید قرار می داد از ساحت دل بیرون کند پس در ربیع الثانی سال ۴۳۷ هجری به عزم

زیارت مکه براه افتاد و مدت هفت سال ایران و سوریه و فلسطین و عربستان و مصر را گشت و درین فرصت چهار بار به زیارت کعبه و بلاد متبرکه مشرق مشرف گشت، از آنچه درین گشت و گذار از عجایب و زیباییها دید شرحی بسیار جالب در سفرنامه خود آورد و ارزش این مطالب که معلومات متنوع در باب سرزمین و مسائل اجتماعی و دینی و سیاسی آسیای صغیر و مصر در زمان مؤلف یعنی قرن پنجم هجری دارد نیک معین است و هنوز اهمیت آن باندازه کافی تقدیر نگشته، این را نیز باید گفت در باب اینکه آیا ناصر خسرو که در سفرنامه اش سنی بنظر می آید با ناصر خسرو و گوینده آن اشعار شیعی يك شخص بوده یا نه، مباحثات طولانی روی داده ولی اکنون بحکم شواهد متعدد از دیوان او که عمده آنها را خود من (هرمان اته) استخراج کرده ام و آنها با مطالب خاص سفرنامه بطور وافی تطابق می کند باید مسأله واحد بودن شاعر و سفرنامه نویس را حل شده دانست. ناصر خسرو آنگاه که در خدمت جغری بیك داوود بن میکائیل برادر طغرل در مرو شغل دیوانی داشت، از مذهب سنی پیروی می کرد و چون از مسافرت به مسقط الرأس خود برگشت هواخواه مخلص فاطمیان مصر و از پیروان فرقه مختفی اسماعیلیه یا باطنیان گشته بود (بطوریکه در تاریخ نهضت های فکری ایرانیان تألیف نگارنده به تفصیل آمده است) منسوبان به این فرقه علوی در عقاید خود اهل توحید بودند و خدا را روح کامل و عقل کل می شمردند. بهشت و دوزخ را دو تعبیر مجازی می دانستند که فقط برای اشخاص جاهل که در مراحل پایین معرفت جادارند امور واقعی شمرده می شود. و گرنه در نظر اشخاص دانا و عارف بهشت عبارتست از نفسی که به اوج کمال رسیده باشد و دوزخ عبارتست از نادانی و دوری آگاهانه از معرفت خدا. همچنین آنان میان تفسیر صوری و ظاهری قرآن با معنی و تفسیر باطنی فرق می گذاشتند و از تناسخ صحبت می کردند و به لزوم يك مرشد بزرگ روحانی یا قطب قائل بودند و دو رکن حقیقت انسانی را علم و ایمان می دانستند و درین عقاید از طرفی به تعلیم اخوان الصفا استناد می کردند و از طرف دیگر باتصوف ایرانی ارتباط مستقیم داشتند. تصوف چنانکه ابن خلدون در مقدمه خود نشان می دهد (۴) - به نوبت اقتباساتی از شیعه اسماعیلیه کرده بود و این تحول اساسی در طرز فکر شاعر او را واداشت که نجات و شفای روحانی خود را از اسماعیلیه بجوید.

علت چنان تحولی از قرائنی که از اشعار ناصر بدست می آید یکی از تجار او بود از مراسم قشری و بی روحی که در سفر حج مشهود می افتاد و خود او هم بسا مجبور بود رعایت کند. دوم تأثیر عظیمی بود که شهر زیبای قاهره که هم از مواهب طبیعت و هم از محسنات صنعت زینت یافته بود در

افکار او بجا گذاشت. این شهر در آن زمان در امن و رفاه می زیست و زیر فرمان المستنصر بالله (ابوتمیم معدین علی) خلیفه فاطمی رئیس علویان و قائد پیروز شیعیان اداره می شد. ناصر خسرو این امیر را در بعضی قصاید خود مدح کرده و قسمت عمده روشنایی نامه خود را در قاهره و در حمایت او به نظم کشیده است (که در آن اگر هم آشکارا نباشد در باطن شرح تحولات روحی خود را بیان می دارد) روشنایی نامه از جهتی مربوط به صفت و آفرینش عالم و از جهت دیگر مربوط به اخلاقیات است.

از جهت اول سخن تاحدی روی فلسفه ارسطو و نوافلاطونی است و سرتاسر مباحث مطابق تعلیم مابعدالطبیعه ابوعلی سیناست که آنهم از فلسفه یونان سرچشمه گرفته، همچنین درین منظومه از افکار فلاسفه مقدم بر ابن سینا مانند ابونصر فارابی (وفات یا قتل به ۳۹۹ هجری قمری) و در مواردی عقاید شیعه و نفوذ تصوف کاملاً نمایانست. در این قسمت اخیر است که نقش عمده منظومه مشخص می گردد، یعنی به مقام يك شاهکار کلاسیک شعر پند و اندرزی می رسد و مانند گنجینه‌یی از اصول خردمندی و قواعد زندگی عملی جلوه می کند که مخصوصاً در باب شرح فریب این عالم مادی و ذکر بی معنی بودن تقلا برای مال و مقام در ردیف آثار معروف معدود بزرگترین گویندگان سده های بعد مانند شیخ عطار و سعدی قرار می گیرد. تمام منظومه به شکل ادبیات نثر خوش آهنگی مربوط به ستایش آن (نفوس مرحومه) است که در مدت اقامتش در قاهره تعلیمات آنها درآمد و بعنوان مبلغ آنها بود. در سال ۴۴۴ هجری به خراسان برگشت یعنی وارد بلخ شد. در این موقع دو برادرش نیز با او بودند که یکی در سفر مکه با او رفاقت داشت و دومی نیز که از خدمت گزاران جغری بیك بود و ابوالفتح نامیده می شد بر سر راه به او پیوست. چندی نگذشت که وی بحکم تمایلات شیعی معروض خصومت سخت مردم سنی مذهب گشت. ابتدا از بلخ و بعد از نیشابور مجبور به فرار گردید و ظاهراً در حوالی سال ۴۵۲ یا ۴۵۳ هجری به یمگان و کوهستان سخت بدخشان پناهنده شد.

شاعر در یمگان فرقه «ناصریه» را چنانکه این مراتب از کتاب (دبستان) و از اشارات و مضامین اشعار و قصاید او بر می آید، تأسیس کرد که قرن ها در آنجا دوام یافت در مثنوی روشنایی نامه بطوریکه از بیتی در آن بدست می آید تجدید نظر کرد و بعد مثنوی دیگر مشابه به آن یعنی (سعادت نامه) را به سلك نظم کشید و در آن بی پرده تر از مثنوی اول بر ضد تقدس ظاهری و حق شکنی و مال پرستی و حماقت و سفاهت های زندگی این جهان به ویژه بر ضد معاصی و مظالم امیران و اعیان کشور اشعاری سرود و برعکس صنعتگران و کشاورزان را که عمر خود را بواسطه کارهای ساده و سودمند و

صلح آمیز صرف می کنند و در باغها و مزارع به آبادی می کوشند و گله داری می کنند، ستایش کرد. همچنین در همان سال و در همان شهر کتاب (زاد المسافرین) را در شرح عقاید دینی و فلسفی و کلامی خود تألیف کرد. (۵)

سخنی پیرامون افسانه های مربوط به ناصر خسرو

در ترجمه ها و تذکره های ایرانی شرح احوال ناصر خسرو بطور گوناگون آمده است، بطوریکه در میان آنها برخی مجعول بنظر می رسد. رویهم رفته از شرح حال این نابغه کم نظیر ایرانی سه روایت موجود است که طویل ترین آن در خلاصه الاشعار تقی کاشانی و کوتاهترین آن در هفت اقلیم امین احمد رازی است. در صورتی که روایت آشکده لطفعلی بیگ آذر حد متوسط میان آن دو است.

این شرح حال به صورتی که اکنون در دست است به قرن نهم یا دهم هجری تعلق دارد. زیرا هفت اقلیم که قدیمترین تألیف شامل این شرح حال است در سال ۱۰۰۲ هجری نوشته شده اما باید دانست که در زمانی بسیار پیش از این تاریخ چنانکه از آثار البلاد و زوینی مؤلف به سال ۶۷۵ هجری که یک کتاب جغرافیایی است برمی آید (۶) داستان هایی درباره ناصر خسرو ساخته و گفته شده بود، در این داستانها ناصر خسرو پادشاه بلخ است و رعایا او را از آن شهر بیرون میکنند و بی یمنگان پناه میبرد، در آنجا باغها و حمامهای بسیار زیبا و شگفت می سازد و تصاویر و طلسم هایی نصب می کند که هیچکس بی بیم دیوانه شدن به آنها نمی تواند نگاه کرد، نویسنده شرح یکی از حمامها را که تازمان وی برپا بوده است به تفصیل تمام ذکر کرده است. (۷)

اکنون یکی از دلکش ترین حوادثی را که در ترجمه های مذکور آمده است در اینجا نقل می کنیم:

(الف) قصه بعد از شقت بسیار به شهر نیشابور رسیدیم و با ما شاگردی بود حکیم و فاضل و دانشمند و در تمام شهر نیشابور هیچکس ما را نمی شناخت. آمدیم و در مسجد قرار گرفتیم و در اثنای سیر و طواف در شهر بر در هر مسجد و هر مدرسه که می گذشتیم مرا لعنت می کردند و به کفر و زندقه نسبت می دادند و شاگرد من از اعتقاد خلق نسبت به من خبری نداشت روزی در بازار می گذشتیم. شخصی از مصر مرا دیده شناخت. نزد من آمد گفت ناصر خسرو نیستی و این ابوسعید برادر تو نیست؟ من از ترس دست او بگرفتم و به حرفش مشغول ساختم و به منزل آورده و گفتم سی هزار مثقال طلا بستان و این راز را آشکار مکن، چون آن شخص راضی شد در حال روحانی را گفتم تا وجه حاضر ساخته و به دادم و از منزل خود بیرون کردم. پس با ابوسعید به بازار آمده تا به دکان موزه دوزی رسیدیم، موزه خود را

دادم تا مرمت کند و از شهر بیرون رویم که ناگاه در آن طرف غوغایی برخاست و موزه دوز بر اثر آن روان شد. بعد از ساعتی بازگشت پاره یی گوشت بر سر درفش کرده. من سؤال کردم که چه غوغا بود و این چه گوشت است؟ موزه دوز گفت همانا در این شهر از جمله شاگردان ناصر خسرو شخصی پیدا شده بود با علماء این شهر مباحثه کرده و قول او را فقها انکار داشته، هر یک به قول معتمدی تمسک می جویند و او از اشعار ناصر خسرو شعری بر طبق مطلب خود می خواند، فقها از جهت ثواب او را پاره پاره کردند و من نیز پاره یی از گوشت او به جهت ثواب بردم، چون بر احوال تلمیذ اطلاع یافتیم تاب در من نمانده و موزه دوز را گفتم: موزه بمن ده که در شهری که شعر ناصر خسرو خوانند نمی توان بود، موزه را گرفتم و با برادر خود از نیشابور (۸) بیرون آمدم.

تبعد ناصر خسرو

اقامت طولانی ناصر خسرو در مصر تحول عظیمی در زندگانی وی پدید آورد، او در آنجا باشکوه و جلال خلافت فاطمی و ملکداری المستنصر بالله خلیفه فاطمی مصر آشنا شد و به عقاید باطنی اسماعیلیان که به عقیده و آرمان فکری وی نزدیک بود معرفت حاصل کرد. پس از ورود به ایران با شوق و شور تمام مشغول نشر دعوت باطنی در خفا گردید و «اعیان» و «مأذونان» مختلف به اطراف فرستاد و به ترویج مذهب شیعه سبیه اسماعیلیه پرداخت، از طرفی به واسطه شهرت و معروفیت تمامی که در فضل و حکمت، و قدرت شگرفی که در فن مناظره داشت در کار خود پیشرفت کرد و در این راه نیز به سرحد کمال ممکن دست یافت. متأسفانه همین امر موجب گردید که توجه علمای سنی مذهب را که موقعیت خود را در مشرق ایران سخت در خطر می دیدند جلب کرد و سرانجام ظاهراً بعثت دشمنی علمای دین و غوغای عامه مورد تعقیب عاملان دولتی واقع شد و امیران سلجوقی به منظور حمایت از مذهب تسنن و یابهنتر بگویم برای جلب رضایت بیشتر خلفای عباسی در صدد آزار این متفکر بزرگ ایرانی برآمدند و ناصر خسرو پس از آگاهی بر این امر ناچار متواری گردید و از خانه و کاشانه خود که در آنجا همه گونه راحت و عزت داشت آواره شد و مردم خراسان اعم از خویش و بیگانه از حمایت وی دوری جستند از بعضی فقرات اشعار و کلمات او استنباط می شود که شورش و ازحامی نیز برضد وی برپا شده و مردم جاهل به مخالفت با او برخاسته و بخانه اش هجوم آورده و شاید خانه او را خراب کرده باشند. معلوم نیست که این کار در زمان ابوسلیمان چغری بیگ داوود بن میکائیل سلجوق واقع شده که پایتخت او در مرو بود و بلخ را نیز در قلمرو داشت، یا بعد از وفات او در سال ۴۵۱ هجری که پسر وی آلپ ارسلان امیر خراسان و بعد

سلطان شد. در دوره حکومت آلپ ارسلان کارتصیب بر ضد شیعیان (رافضیان) از زمان پدرش سخت تر و بدتر بود خصوصاً که نظام الملك دشمن بزرگ همه مذاهب غیر سنی دبیر و وزیر و گرداننده کار سیاست دولت او شده بود. نقطه اقامت ناصر خسرو بعد از برگشتن به خراسان درست معلوم نیست که در شهر بلخ در خانه خود ساکن بوده باشد، چنانکه در جامع التواریخ رشیدی می گوید یا چنانکه صاحب دیستان المذاهب روایت می کند در (سانج) قریه یی در نواحی بلخ و یا در شادیاخ بلخ مقیم بوده است، بهر حال پس از چندی اقامت در بلخ مجاهدات سری ناصر خسرو در ترویج مذهب اسماعیلی و دعوت مردم به سوی خلیفه فاطمی موجب تحریک غضب علمای خراسان و مخصوصاً بلخ و شورش عامه و دشمنی سلطان یا امیر سلجوقی و شاید تکفیر خلیفه عباسی شد و سرانجام به تهمت بددینی و قرمطی و ملحد و رافضی بودن بروی غلبه کردند و از مسکن و شهر خویش برانندند، یعنی از بلخ و خراسان تبعیدش کردند و یا خود او مجبور گردید که متواری و پنهان شود و بقول خودش (هجرت کرد) ولی تردیدی نمی توان داشت که تبعید وی به امر و اشاره خلیفه بغداد صورت گرفته چنانکه خود او در یکی از شعرهایش بدین موضوع اشاره کرده و گفته است. (۹)

ای خداوند این کبود خراس بر تو از بنده صد هزار سپاس داد من بی گمان بحق بدهی روز حشر از نبیره عباس وز گروهی که با رسول و کتاب فتنه گشتند بر یکی فرناس بعید نیست که تنها به واسطه اعتراف خاص و عام به فضل و حکمت وی و احترام مقام علم و ادب و حسب او با همه آزاری که بر او روا داشتند از قتل و رجم رسته است و گرنه در آن زمان بطوریکه دیدیم در خراسان کار بر شیعه که رافضی نامیده می شدند عموماً و بر شیعه سبیه (اسماعیلیه) یعنی پیروان فاطمیان که به قرمطی بودن متهم بودند خصوصاً خیلی سخت و خطرناک بود.

چنانکه در زمان جوانی ناصر خسرو سلطان مسعود غزنوی «حسنک وزیر» را به جرم اینکه در هنگام مراجعت از سفر حج در اثر تمایل به مذهب باطنیان از طریق مصر به ایران آمده بود طبق فرمان خلیفه عباسی به دار زد. (۱۰)

سلجوقیان در تعصب سنی گری و طرفداری از خلافت عباسیان و تعقیب اهل بدعت و قرامطه و ملاحده و روافض که بیشتر آنها از میهن دوستان پر شور ایرانی بشمار می رفتند، از غزنویان عقب تر نبودند، بلکه به مرور زمان بخصوص بعد از انتصاب نظام الملك به مقام وزارت آنان خیلی شدیدتر و متعصب تر از پیشینیان شدند. بهمین جهت

ناصر خسرو با امیران سلجوقی که دشمنان مذهبی و نژادی و شخصی وی بشمار می رفتند، سخت مخالف بود، بطوریکه در اشعار خود از آنان به بدی نام برده و از تمکین به حکومت آنها که در گذشته بقول خود او خوار و عاجز بوده اند تنگ داشته و از استیلاي ترکان غز بر خراسان به ویژه بلخ که آن را (خانه حکمت) خوانده است دریغ می خورد و اغلب ترکان سلجوقی و گاهی خلفای عباسی را دیو و فرعون می خواند. چنانکه در اشعار زیر می بینید:

خاک خراسان که بود جای ادب
معدن دیوان ناکس اکنون شد

چون به بغداد فرود آیی پیش آرد
دیو عباسی فرزند به قربانی
بی تردید کاری که این دانشمند وطن پرست ایرانی در تعقیب اعتقاد راسخ خود به جنبشهای فکری و سیاسی ایرانیان در پیش گرفته بود با در نظر گرفتن موقعیت حساس سیاسی آن زمان یکی از مشکل ترین و خطرناک ترین امور بشمار می رفت. زیرا در این دوره که آنرا دوره اختناق فکری باید نامید قدرت مطلق سیاسی و فکری بدست فرماندهان مقتدری بود که در حمایت از مذهب تسنن و خلافت عباسیان تاسرحد نهایی پیش رفته بودند. بطوریکه تعلق خاطر مذهبی شدید و تابعیت فکری بی چون و چرا از دستگاه خلافت عباسیان و مذهب تسنن در هیچیک از ادوار تاریخی بعد از اسلام در ایران سابقه نداشته است. باین ترتیب داعیان و مبلغان اسماعیلیه و دیگر مذاهب شیعه در حال تقیه و پنهانی به فعالیت می پرداختند. بدیهی است هرگاه این افراد دستگیر می شدند بدون هیچگونه چون و چرا به قتل می رسیدند، ناصر خسرو بعد از فرار از بلخ یا متواری شدن در همانجا ظاهراً چندی در نهان کاری کرده است و مقرش معلوم نبوده، فقط جمعی از خواص باطنیان جای او را می دانستند، چنانکه از بعضی اشعار او استنباط می شود و در کتاب وجه دین هم گوید که حجت ها از انظار پوشیده اند. معلوم می شود عاقبت مجبور به مهاجرت و قرار گرفتن در يك مرکز معینی شده، بنابراین به مازندران پناه برده است، و شاید به مناسبت اینکه امرای گرگان و اسپهبدان طبرستان شیعی مذهب بودند، وی نیز مانند سلف بزرگوار خود فردوسی طوسی به امید حمایت آنان بدان دیار رو کرده است. در کتاب بیان الادیان نیز در باب مذهب ناصریه که منسوب به ناصر خسرو است چنین آمده: (بسیار کسی از اهل طبرستان از راه برفته و آن مذهب بگرفته) این موضوع خود مؤید اقامت ناصر خسرو در مازندران است. ولی در روایات و تذکرها هیچجا جز تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی ذکری از رفتن ناصر خسرو به مازندران نیست، دولتشاه مقرر او را رستم دار و گیلان ذکر می کند، خود وی نیز در شعری این طور

بیان کرده است:

برگیر دل ز بلخ و بنه تن ز بهر دین
چون من غریب وزار به مازندران درون
معلوم نیست که ناصر خسرو چه مدتی در طبرستان بوده و قبل از آن و بعد از آن تارسیدن به بدخشان کجاها بوده است. بعضی از مؤلفان مثل دولتشاه، ناصر خسرو را بعد از مازندران مدتی مقیم نیشابور می نویسند. در (سرگذشت شخصی) نیز حکایت او در نیشابور مندرج است. اگر نسخه صحیح محل اقامت در دبستان المذاهب نیز شادیاخ بوده باشد، چنانکه اته نقل می کند (نه سانج که در نسخ چاپی است) و مقصود از شادیاخ هم شادیاخ نیشابور باشد نه شادیاخ بلخ، در آن صورت ممکن است فرض کرد چنانکه دولتشاه گوید، وی از مازندران به نیشابور رفته باشد که هم سفر قدیمش امام «موفق نیشابوری» در آنجا مرجع نافذ بوده است. همچنین از بعضی قرائن هم بنظر بعید نمی آید که دوباره به بلخ یا حوالی آن برگشته و بعدها باز از آنجا مجبور به فرار به طرف مشرق شده و به قول مؤلف جامع التواریخ (به نقل براون از آن) به سمندگان (سمنجان) و به قول مشهور به یمگان پناه برده باشد. ممکن است تمایل به خراسان که جزیره مأموریت وی بوده، از يك طرف و مامن گزیدن در یکی از قلعه های جبال مستحکم و منبع از طرف دیگر او را به قصه یا قلعه یمگان که در اقصای خاک بدخشان واقع است، کشانده باشد. قزوینی در آثار البلاد می نویسد: یمگان شهری حصین بود در وسط کوهها در نزدیکی بدخشان که بواسطه صعوبت مسالك آن احدی را قدرت تسخیر نبوده، از قرار معلوم ناصر خسرو تا آخر عمر در این قصه مستقر بوده و به اداره کار دعوت فاطمیان در خراسان اشتغال داشته است. مطلبی که حائز اهمیت است تصرف قلعه های محکم و صعب العبور در قلعه های جبال بوده. ظاهراً در آن وقتها یکی از نقشه های داعیان فاطمی در شرق بوده و احمد بن عبدالملك بن عطاش که خود و پدرش هردو معاصر و هم قطار ناصر خسرو و حجت اصفهان و آذربایجان بودند، در شاهدیز اصفهان و حسین قائنی در قهستان و حسن صباح (که دو سال بعد از وفات ناصر خسرو قلعه الموت را گرفت) در رودبار الموت نیز فن جنگی پیشرو دانشمند و حکیم خود را تقلید می کردند. در جامع التواریخ و دبستان المذاهب مدت اقامت ناصر خسرو را در یمگان بیست سال نوشته اند، خود شاعر در یکی از قصاید خود گوید:

پاترده سال برآمد که به یمگانم

چون واز بهر چه؟ زیرا که به زندانم

و این خود دلیل توقف طولانی وی در آنجاست و چنانکه معروف است ناصر خسرو در همینجا (یمگان) نیز وفات یافته و مدفنش مدتها در آنجا معروف بوده و بقول بعضی سیاحان هنوز هم در آنجا مردم قبر او را

نشان می دهند. اخراج و تبعید از موطن اصلی و سخت گیری و تهدید و بدگویی و نفرین و طعن و لعن و آزار متعددی که نوشته اند بر ناصر خسرو وارد آمد، او را خیلی متأثر کرد. وی بهمین جهت در اشعار خود از این ستم ها و همچنین مظلومیت و بیچارگی و آوارگی و محبوسی خود در تنگنای دره یمگان اغلب می نالد و از جفای عاملان متعصب عباسیان و سلجوقیان و بدحالی و سختی زندگی و بی خانمانی و تنهایی و ناراحتی خود در آن تبعیدگاه به ویژه شکایت بس دلسوزی می کند و اغلب از اینکه حتی دوستان و خویشان وی نیز از او بریده اند، خیلی اظهار تألم می کند و نیز از اینکه بعد از وی حال دیار او یعنی بلخ و خانه و کاشانه و باغ و راغ و برادر و دوستانش چگونه شده و آیا هنوز آن آبادیها برجاست یا خراب و پاشیده شده عمیقاً اظهار نگرانی می کند، و به وسیله باد به قوم خود پیام می دهد و با آنان گفتگو می کند و از درد دل و حال زار خود خبر می دهد:

سلام کن زمن ای باد، مر خراسان را
مرا هل فضل و خرد را، نه عام و نادان را
خبر بیاور از ایشان بمن چوداده بوی
ز حال من به حقیقت خبر مرا ایشان را
ولی باتمام این احوال همه جا گوید که این مصائب و سختی ها اختیاری است و در راه اعتقاد آنرا تحمل می کند، ورنه عاجز از تحصیل جاه و عزت نیست و اگر از راه خود برگردد همه گونه عزت و مقام در پیش امیران زمان برای وی مسلم است.
مانده به یمگان بمیان جبال
نیستم از عجز و نه نیز از کلال

در کار خویش عاجز و درمانده نیستم
فضل مرا بچمله مفرند خاص و عام
لیکن مرا به گرسنگی صبر خوشتر است
بر یافتن ز دست فرومایگان طعام
بهر حال این میهن پرست دانشمند و نواندیش ایرانی همچون رزم آوران دلیر و شیر مردان بی باک، سالهای متعددی در تبعید بسر برد و با تحمل انواع سختی ها و تحقیرها همواره در مقابل دشمنان استقلال فکری و سیاسی ایرانیان یعنی عباسیان و عاملان متعصب آنان در ایران (سلجوقیان) ایستادگی کرد. سطوت و عظمت آنان هیچگاه او را نفریفت و از عقیده راسخ خود نیز عدول نکرد، تا سرانجام بامرگ دلاورانه و افتخار آمیز در تبعیدگاه (یمگان)، (در سال ۴۸۱ هجری) نام وی در ردیف بزرگترین دانشمندان و متفکران ملی ایران ثبت و جاویدان گردید. اکنون بانقل چند بیت از اشعار دلنشین این رادمرد عالی مقام ایرانی که در تبعیدگاه یمگان سروده است، شرح احوالش را پایان می آورم و برای مطالعه شرح احوال مفصل و بررسی جنبه های مختلف فکری و دینی وی خوانندگان را به تاریخ نهضت های فکری ایرانیان تألیف خود راهنمایی می کنم:

آزرد کرد کژدم غربت جگر مرا
در حال خویشتن چو همی ژرف بنگرم
گویم چرا نشانه تیر زمانه کرد
گر در کمال و فضل بود مرد را خطر
گر بر قیاس فضل بگشتی مدارد مهر
نی نی که چرخ و دهر ندانند قدر فضل
دانش به از ضیاع و به از جاه و مال و ملک
با خاطر منور روشن تر از قمر
بالشکر زمانه و با تیغ تیز دهر
گرم اسیر مال شوم همچو این و آن
اندیشه مرا شجر خوب برو راست
گر بایست همی که ببینی مرا تمام
منگر بدین ضعیف تنم ز آنکه در سخن
هر چند مسکنم به زمین است روز و شب
گیتی سرای رهگذرانست ای پسر

گویی زبون نیافت ز گیتی مگر مرا
صفا همی بر آید زانده بسر مرا
چرخ بلند جاهل بیدادگر مرا ؟
چون خواروزار کرد پس این بی خطر مرا
جز بر مقرر ماه نبود مقرر مرا
این گفته بود گاه جوانی پدر مرا
این خاطر خطیر چنین گفت مرا
ناید بکار هیچ مقرر قمر مرا
دین و خرد بس است سپاه و سپر مرا
اندر شکم چه باید ؟ زهر جگر مرا
پرهیز و علم ریزد از و برگ و بر مرا
چون عاقلان بچشم بصیرت نگر مرا
زین چرخ پرستاره فزونست اثر مرا
بر چرخ هفتم است مجال سفر مرا
زین بهتر است نیز یکی مستقر مرا

سؤال و جواب پرمعنای حکیمانه

با اندکی غور در اشعار پرتنطنه و متین
ناصر خسرو بخوبی روشن می شود که وی
نه تنها شاعری مبتکر و خلاق بوده بلکه در
علم و امانت و ایمان مذهبی و شهادت فکری
و خوار داشتن منافقان و چاپلوسان، و آزاد
منشی به سرحد کمال رسیده، و از این لحاظ
از بیشتر شاعران ایرانی برتر است. اکنون
به نقل نمونه‌یی از آثار منظوم این حکیم
بزرگوار که قصیده‌یی به مطلع
حاجیان آمدند با تعظیم
شاگرد از رحمت خدای رحیم
بصورت سؤال و جواب از دوست خود که از
سفر حج مراجعت کرده سروده است و آیین
تمام نمای افکار این نابغه فکری ایرانی است
می پردازیم. وی پس از اداء تحیات می-
گوید از دوست خود پرسیدم:

بازگو ؟ تا چگونه داشته‌ای
حرمت آن بزرگوار حریم
چون همی خواستی گرفت احرام
چه نیت کردی ؟ اندر آن تحریم ؟

جمله بر خود حرام کرده بدی
هر چه مادون کردگار عظیم ؟
گفت: نی. گفتمش زدی لبیک
از سر علم و از سر تعظیم ؟
می شنیدی صدای حق و جواب
باز دادی چنانکه داد کلیم ؟
گفت: نی. گفتمش چو در عرفات
ایستادی و یافتی تقدیم
عارف حق شدی و منکر خویش
بتو از معرفت رسید نسیم ؟
گفت: نی. گفتمش چو می رفتی
در حرم همچو اهل کهف و رقیم
ایمن از شر نفس خود بودی
در غم حرقت و عذاب جحیم ؟
از خود انداختی برون یکسو
همه عادات و فعلهای ذمیم ؟
گفت: نی. گفتمش چو میکشتی
گوسفند از پی اسیر و یتیم
قرب حق دیدی اول و کردی
قتل و قربان نفس دون نثیم ؟
گفت: نی. گفتمش چو گشتی تو
مطلع بر مقام ابراهیم
کردی از صدق و اعتقاد و یقین
خویشی خویش را به حق تسلیم ؟
گفت: نی. گفتمش بوقت طواف
که دویدی بهروله چو ظلم
از طواف همه فریشتگان
یاد کردی بگرد عرش عظیم ؟
گفت: نی. گفتمش چو کردی سعی
از صفا سوی مروه بر تقسیم
دیدنی اندر صفای خود کونین
شد دلت فارغ از جحیم و نعیم ؟
گفت: نی. گفتمش چو گشتی باز
مانده از هجر کعبه دل بدو نیم
کردی آنجا بگور مرخود را
همچنانی کنون که گشته رمیم ؟
گفت ازین باب هر چه گفتی تو
من ندانسته‌ام صحیح و سقیم
گفتم. ای دوست پس نکردی حج
نشدی در مقام محو مقیم
رفته و مکه دیده آمده باز
مخت بادیه خرید به سیم
گرتو خواهی که حج کنی پس از این
اینچنین کن که کردمت تعلیم !

۱- در مورد توقف ناصر خسرو در
مصر اختلاف است برخی دو سال و برخی
چهار سال نیز نوشته‌اند.
۲- جامع‌التواریخ رشیدی به اهتمام
محمدتقی دانش‌پژوه و محمد مدرس زنجانی
صفحه ۷۷
۳- Rashfer

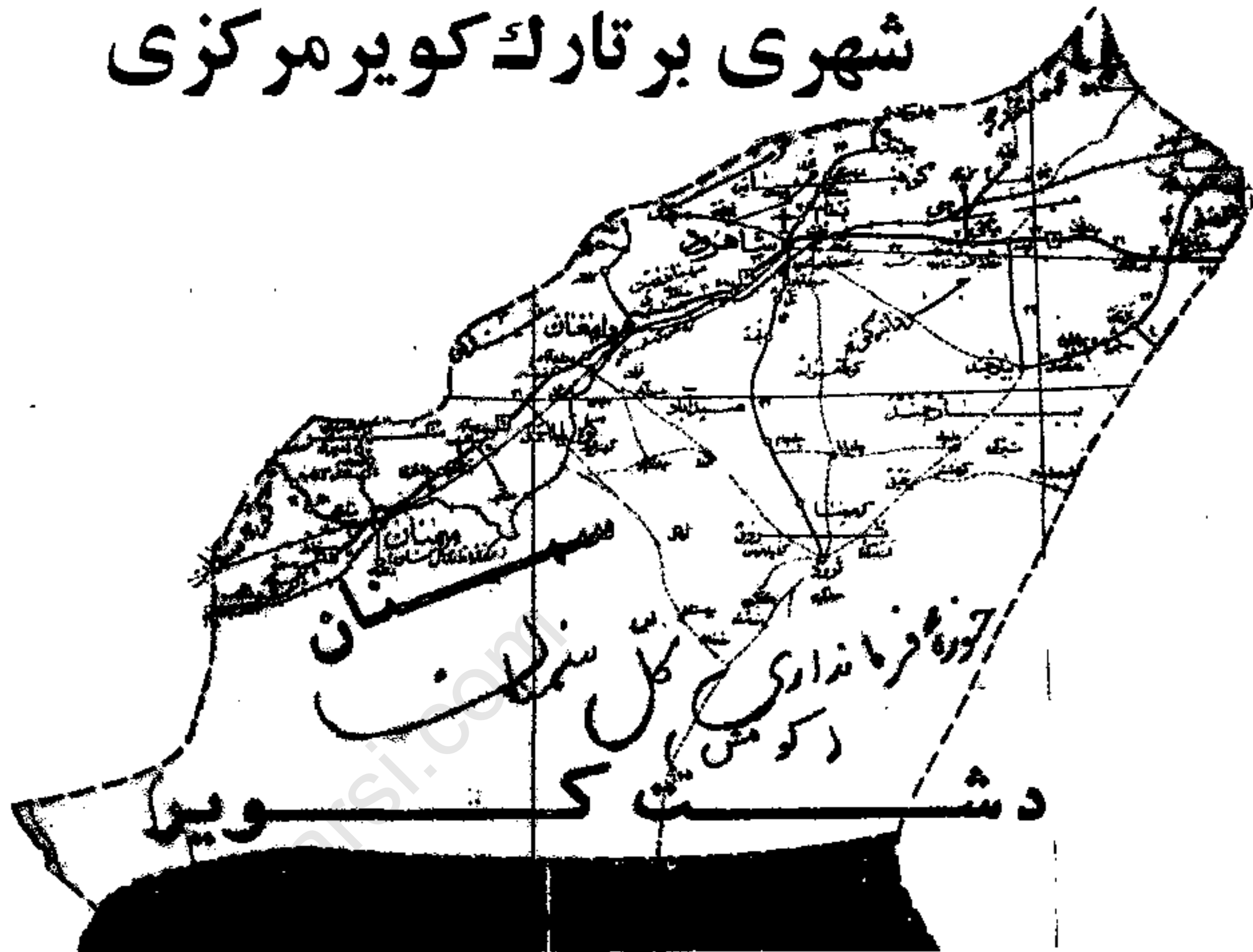
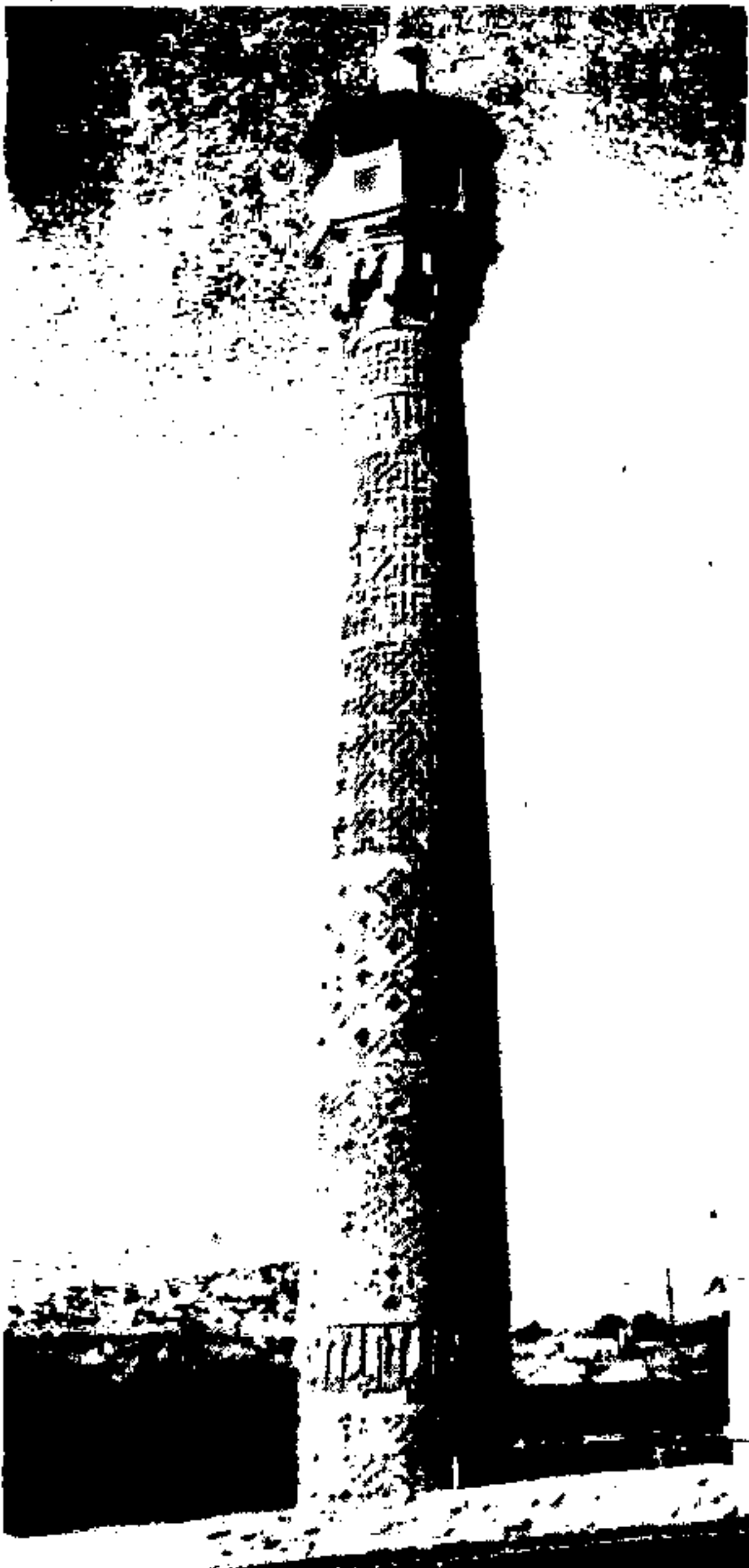
۴- مقدمه ابن خلدون فصل ۲۷ از باب
ثالث کتاب اول در خصوص مذاهب شیعه و
فصل ۱۱ باب سادس کتاب اول در خصوص
تصوف.

۵- تاریخ ادبیات فارسی، تألیف هرمان
اته آلمانی، ترجمه دکتر رضازاده شفق ص

۱۴۷- ۱۴۲
۶- ذیل یمگان.
۷- تاریخ ادبیات ایران تألیف پروفیسور
ادوارد براون جلد دوم ترجمه فتح‌الله
مجتبایی صفحه ۳۲۷.
۸- برخی نوشته‌اند این واقعه در شهر
قزوین اتفاق افتاده است.
۹- دیوان اشعار ناصر خسرو چاپ تهران
صفحه ۱۴۶.
۱۰- البته در دار زدن «صنک وزیر»
سعایت و دشمنی بوسهل زوزنی بیشتر از
نسبت قرمطی بودن اثر داشت. بنگرید به
«تاریخ بیهقی»، چاپ دکتر فیاض (تلاش).

سمنان

شهری بر تارک کویر مرکزی



شهرستان سمنان طبق استان بندی و تقسیمات کشوری اوایل دوره پهلوی یعنی تا سال ۱۳۳۹ هجری شمسی جزو استان دوم (مازندران) بود. از آغاز سال ۱۳۴۰ خورشیدی به پیروی از سنت تاریخی طبق تصویب نامه هیأت وزیران ایالت کومش (سمنان، دامغان، شاهرود، بسطام، سنگسر، شهمیرزاد و نقاط تابعه آنها) از نظر تقسیمات کشوری جدید بنام فرمانداری کل سمنان نام گذاری شد و مرکز حکومت آن نیز در شهرستان سمنان تعیین و مستقر گردید. (۹) حوزه فرمانداری کل سمنان با جزیی اختلاف شامل شهرها و بخشها و دهکده های ایالت تاریخی کومش (قومس) می باشد، بدین ترتیب که عباس آباد شاهرود در خاور دهنمک سمنان در باختر آن قرار گرفته از سمت شمال به سلسله جبال البرز (جبال قارن) و از سمت جنوب به کویر مرکزی ایران (کویر کومش) محدود گردیده است.

آب و هوای سمنان

آب و هوای آبادیهای شهرستان سمنان که از طرف شمال به خط الرأس سلسله کوههای البرز و از طرف جنوب به دشت کویر مرکزی ایران محدود گردیده است، جز در نقاط کوهستانی سنگسر و دربند و شهمیرزاد که از جاهای سردسیر بشمار می رود، در فصل تابستان منطقه یی خشک و کم آب است ولی در بقیه فصول سال معتدل است.

شائزده گانه اوستایی در دوران باستان (۱) پرتویا پارت در دوره مادها و دوره هخامنشیان (۲) کومیزنه یا کمیسنه (کومی سن) در دوره سلوکیان و اشکانیان (۳) پدشخوارگر (پتسخوارگر) یا فرشوادجر در دوره ساسانیان (۴) کومس یا قومس در دوره های بعد از اسلام (۵) است، ولی از نظر حوزه ولایتی بطور کلی این شهر جزء کمیسنه (کمیسن) قبل از اسلام و کومس یا کومش و قومس که شامل نواحی: سمنان و دامغان و بسطام و جندق و سنگسر و شهمیرزاد می می شود، بوده است. بیشتر جغرافیا نویسان اسلامی بنای نخستین سمنان را به تهمورس دیوبند یکی از پادشاهان پیشدادی که مربوط به دوران قبل از تاریخ است نسبت داده اند (۶) در مورد وجه تسمیه سمنان تحقیقات مفصلی از به عمل آمده است که از حوصله این مقاله بیرون است. (۷) نام سمنان با همین هیأت در کتابهای تاریخی و جغرافیایی بعد از اسلام یعنی از قرن سوم و چهارم آمده است، ولی از لغت سمنان با ترکیب مذکور در آثار مکتوب موجود مربوط به دوران باستان چیزی تاکنون دیده نشده است، فقط مرحوم اعتمادالسلطنه در کتاب دررالتیجان فی تاریخ بنی الاشکان نام قدیم سمنان را (سمینا) ثبت کرده است (۸).

سمنان از نظر تقسیمات کشوری

شهرستان سمنان که مورد بحث ما در این مقاله است در دامنه جنوبی سلسله جبال البرز واقع شده و از طرف شرق به شهر باستانی ری (راگا) و تهران (پایتخت فعلی کشور شاهنشاهی ایران) از سمت مغرب به شهرستان دامغان و از جنوب به کویر مرکزی ایران (کویر کومش) محدود گردیده است. شهر سمنان که مرکز شهرستان سمنان و همچنین مرکز حکومت فرمانداری کل سمنان است در ۲۲۴ کیلومتری خاور تهران و ۱۸۲ کیلومتری باختر شاهرود و ۱۶۸ کیلومتری مغرب دامغان از شهرهای ایالت تاریخی کومش و (فرمانداری کل سمنان در حاضر) قرار گرفته است.

طول جغرافیایی این شهر ۵۳ درجه و ۲۳ دقیقه و عرض جغرافیایی آن ۳۵ درجه و ۳۳ دقیقه و ۳۰ ثانیه و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۱۰۰ متر است، اختلاف ساعت تهران با سمنان ۷ دقیقه و ۴۰ ثانیه است، بدین صورت که تهران ساعت ۱۲ و سمنان ۱۲ و ۷ دقیقه و ۴۰ ثانیه خواهد بود.

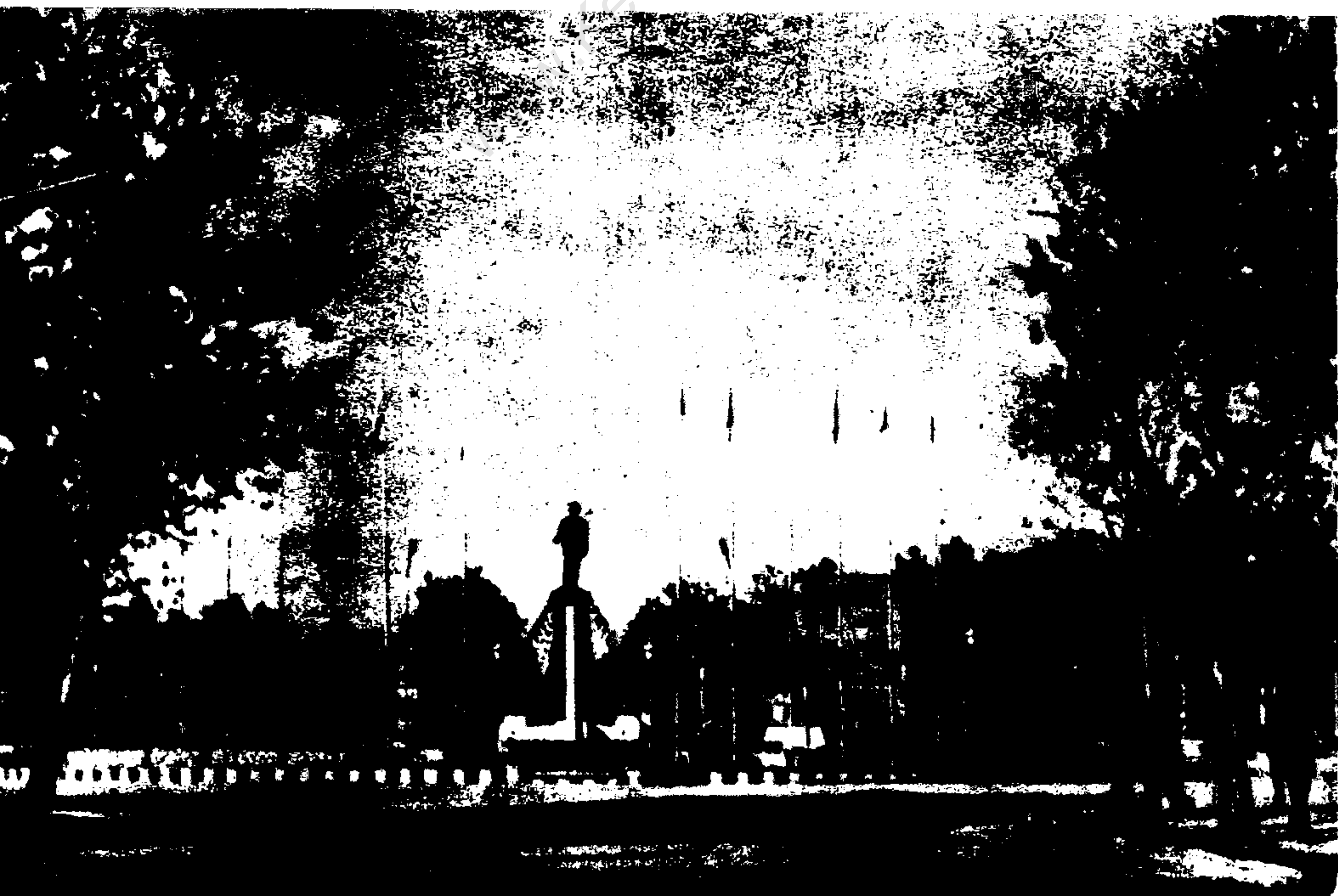
جمعیت شهرستان سمنان بالغ بر ۹۵۹۲۵ نفر است که ۴۶۵۸۴ نفر آن در شهر و بقیه در بخشها و دهکده های اطراف ساکنند.

سابقه جغرافیای تاریخی سمنان

سمنان نام یکی از شهرهای ایالت یا استان تاریخی ورن Varna (منطقه جنوبی البرز - خوارن یا خوار) از تقسیمات



دو منظره از پارک سمنان



این شهرستان اگرچه در بین منطقه مرطوب مازندران و وادی خشک دشت کویر واقع شده و قاعدتاً معتدل و خوش آب و هوا می باشد، بعلاوه ارتفاع زیاد (حد متوسط با ارتفاع ۳۲۰۰ متر) سلسله کوههای البرز که در شمال شهرستان سمنان بصورت سدی محکم واقع شده است مانع عبور رطوبت و بخار دریای مازندران به این منطقه شده، ولی برعکس هوای گرم کویر بدون مانع در آب و هوای این شهرستان تأثیر نموده و آنرا به يك منطقه تقریباً خشک و نسبتاً گرم و کم آب درآورده است. هوای زمستان شهرستان سمنان سرد و تابستان آن گرم است. ولی فصول بهار و پاییز آن مطبوع است.

بارندگی در این شهرستان کم صورت می گیرد و میزان تقریبی آن در سال ده تا پانزده درصد محاسبه شده است.

آب دهکده های شهرستان سمنان در قسمت سنگسر و دربند و شه میرزاد و مزرعه های ییلاقی شمال از چشمه سارها و درقسمتهای دیگر بوسیله قنوات و چاههای عمیق که در سالهای اخیر نسبت به حفر آنها اقدام گردیده است تأمین می گردد (طبق آمار ارائه شده از طرف فرمانداری کل سمنان در حال حاضر تعداد چهل حلقه چاه عمیق آب ده در شهرستان سمنان وجود دارد) تنها رود مهم و قابل اهمیت سمنان رودخانه معروف به گل رودبار میباشد. این رود در ۲۵ کیلومتری شمال سمنان از محل مرتفع کوهستانی بنام (سردر بند گل رودبار) سرچشمه گرفته و پس از پیمودن دره های پرپیچ و خم بین راه و اضافه شدن آبهای چند قنات کوچک به نامهای ونه بند مشهور به کندی زنان و چهل تن و راهدار و هواوان و چشمه سار های تن و قاضی آب و در جزین و چشمه سار گل رودبار به آن به سوی سمنان سرازیر می گردد. این رودخانه پس از عبور از دهکده در جزین واقع در ۹ کیلومتری شمال سمنان به محلی بنام آب پخش کن (پارا) که در شمال غربی سمنان واقع است می رسد. آب رودخانه گل رودبار در اینجا با حساب بسیار دقیقی به پنج قسمت تقسیم می شود.

از جمله اقداماتی که در محل آب پخش کن برای تقسیم آب بعمل آورده اند مسیل رودخانه را که در این مکان دارای سربالایی بسیار شیب داری است بفاصله های چندمتری تسطیح و تراز کرده اند تا آب رودخانه بطور یکنواخت بر روی چوبهای مسطحی که بنام برجن در جلوی آب ریز هر قسمت نصب شده جاری شود و انجام این کار آب پخش کن سمنان را بصورت آبشار چند طبقه بسیار زیبایی درآورده است. آب رودخانه گل رودبار پس از تقسیم در محل آب پخش کن در پنج نهر به شرح بالا جاری می شود (البته آب نهر لیتیبار و شاهجو پس از گذشتن از چند آسیاب در

محلی بنام قبله دو تقسیم می شود. يك قسمت آن به طرف لیتیبار و قسمت دیگر به طرف شاهجو می رود) از ۵ نهر مذکور سه نهر آن بطرف شهر و سه نهر دیگر به طرف محلات ثلاث (کوشمغان. زاوغان. کدیور) واقع در مغرب سمنان می رود، و در استخرهای متعددی که بنام هر محله معروف است در شبها انبار می شود و در ساعت اول هر روز طبق برنامه و حساب ثبت شده بسیار دقیقی که از سالها قبل تاکنون متداول بوده است به مصرف منازل (قبل از لوله کشی آب آشامیدنی مردم شهر) و باغها و مزرعه ها می رسد. تقسیم آب از استخرها نیز خیلی دیدنی و قابل توجه است، زیرا هر يك از محله ها برای تقسیم آب جمع شده در استخر خود واحد مخصوصی بنام (چوب) و (اسه) و (دانگه) دارند که در تقسیمات جزء بکار می برند.

تاریخچه تقسیم آب در سمنان

تاریخچه تقسیم آب در سمنان به هفتصد سال پیش مربوط میشود زیرا بطوریکه تحقیق شد (۱۰) تقسیم بندی آب در سمنان قبل از قرن هفتم هجری یعنی ظهور شیخ علاءالدوله سمنانی عارف بزرگ اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری بصورت دیگری متداول بوده است، و گاه بر اثر اختلاف در نحوه تقسیم زد و خورد و خونریزی های زیادی اتفاق می افتاده است. در آغاز قرن هشتم هجری دانایان این شهر با همکاری و همفکری شیخ علاءالدوله سمنانی ضمن تنظیم دستورالعمل یا آئین نامه بسیار دقیقی به اینگونه اختلافات خاتمه دادند و برای آب سمنان به نسبت نیاز هر محله تقسیماتی قائل شدند که از آن زمان تاکنون بطور بسیار دقیق اجرا میشود. این تقسیم بندی قابل توجه که نتیجه فکر رسای شیخ «علاءالدوله سمنانی» یا «شیخ اعظم» سمنان است ما را به یاد تقسیم بندی بسیار مهم «شیخ بهایی» برای آب زاینده رود اصفهان می اندازد که آن مرد دانشمند چگونه طوماری برای تقسیم آب ترتیب داد و آب آن رودخانه بزرگ را برای مشروب کردن نواحی اطراف اصفهان جمعا به ۳۳ سهم تقسیم کرد و نسبت به بلوک چهار محال سهم های هر کدام را معین کرده و آن سهم ها را برای بلوک با وضع بسیار جالب و دقیقی به مادی بعد به نهر تنظیم کرده است. کار شیخ بهایی در اوایل قرن یازدهم هجری از حیث کمیت موضوع تقسیم آب زاینده رود، با آب رودخانه گل رودبار سمنان قابل مقایسه نیست، ولی از لحاظ کیفیت تقسیم بندی هر دو قابل توجه و درخور اهمیت است و بعید بنظر نمی رسد که شیخ بهایی در تقسیم بندی آب زاینده رود از تقسیم بندی آب سمنان استفاده کرده باشد. زیرا اینگونه تقسیم بندی آب در هیچ شهری به غیر از سمنان معمول نبوده و نیست.

نقاط ییلاقی سمنان

همانطور که نوشته شد در شمال شهرستان سمنان دهکده های خرم و با صفایی بنام دربند، شه میرزاد، شیخ چشمه سر واقع شده اند که در فصل تابستان محل استراحت و تفریح مردم نواحی سمنان و مازندران و سمنانیان ساکن تهران است.

با اینکه نقاط مذکور بیش از چهار فرسنگ با سمنان فاصله ندارد مع الوصف بعلاوه واقع بودن در نقاط کوهستانی آب و هوای نقاط مذکور در فصل تابستان با سمنان بهیچوجه قابل مقایسه نیست.

شبهای سمنان

با در نظر گرفتن اینکه سمنان در کنار کویر مرکزی ایران واقع شده است آسمان این شهر مانند آسمان کرمان شبها بسیار آرام و بدون ابر و صاف میباشد، و ستاره ها در آسمان بی گرد و غبار و شفاف آنجا بصورت بسیار خیره کننده و رؤیا انگیزی جلوه می کنند به مصداق این شعر ملك الشعرای بهار:

آسمان بود بدانگونه که از سیم سپید
میخها کوفته باشد به سیه دیبایی
انسان از دیدن آن منظره جالب توجه
دست خوش احساسی لذت بخش و فراموش
ناشدنی می گردد.

محصولات زراعتی سمنان

به غیر از قصبه خرم و با صفای شه میرزاد که نقطه ییلاقی است و بخش سنگسر که منطقه کوهستانی است در همه دهکده های سمنان بیشتر محصولات منطقه معتدل در حدود امکان کشت می شود. از محصولات غذایی: گندم و جو و بعضی دانه ها و از گیاهان صنعتی پنبه بعمل می آید. درختان میوه در شهر سمنان و همه دهکده های آن زیاد است مخصوصاً در شه میرزاد که از باغهای میوه تشکیل شده است، از انواع میوه ها خربوزه و انار و انجیر و بادام و خیار و بادامجان سمنان، آلو و گردوی شه میرزاد بخوبی و خوش طعمی مشهور است. مردم سمنان از قدیم ترین زمانها در تربیت و پرورش درختان میوه همت می گماشتند بطوریکه در کتابهای قدیم از میوه های آنجا توصیف شده است. مجدالدین محمدالحسین در کتاب «زینة المجالس» درباره آب و هوا و محصولات سمنان چنین نوشته است: (هوایش معتدل و آبش از رود کاریز و از میوه هایش انار و انگور و بادام و میوه منقا و پسته و انجیر به غایت نیکو می آید و الحق موضعی دلگشا است) حاجی زین العابدین شیروانی مؤلف «بستان السیاحه» می نویسد: (انار سمنان و شعر سلمان در عالم بی نظیر است) در باغهای سمنان يك نوع گل نرگس می روید که از نظر عطر و بو در بیشتر نقاط ایران مشهور است، گل نرگس سمنان معمولاً از اوایل بهمن ماه تا آخر اسفند هر سال باز می شود. مردم سمنان در تردیکی های بهار



(قبل از فروردین) هر سال پیاز آن را از باغچه‌ها بیرون آورده و در گلدانهای مشبکی که سوراخهای زیادی بر بدنه آن تعبیه شده می‌گذارند و طوری آن را مواظبت می‌کنند که روز اول فروردین گل‌های آن باز شده و از هر سوراخ يك شاخه نرگس بیرون می‌آید و فضا را از بوی خوش خود معطر می‌سازد.

معادن سمنان

در اطراف سمنان معادن زیادی از قبیل نفت . آهن . گوگرد . سرب . ذغال سنگ و نمک وجود دارد که به غیر از نفت که تاکنون استخراج نشده بقیه از طرف دولت و شرکت‌های سهامی و افراد کشف و استخراج شده است .

نفت خوریان سمنان که سالها در تصرف دولت «اتحاد جماهیر شوروی» بود و در سال ۱۳۳۵ شمسی به دولت ایران واگذار گردید یکی از کانونهای منبع نفت بسیار معروف ایران است که بعزل نامعلوم تاکنون استخراج و مورد استفاده قرار نگرفته است. معادن آهن و ذغال سنگ و همچنین معادن گوگرد سمنان یکی از معادن بسیار غنی و پر بار ایران بشمار می‌رود به‌ویژه گوگرد دلازیان سمنان که در نوع خود بی‌نظیر است.

بخشهای تابعه شهرستان سمنان

شهرستان سمنان از دو بخش تشکیل شده است ، بخش اول شامل دهکده‌های حومه شهرستان ، مانند سرخه و لاسگرد و بیابانک و دزهیرو علاء و غیره می‌شود و بخش دوم شامل سنگسر و شه‌میرزاد و دهکده‌های مربوط به آنها است .

بخش سنگسر که یکی از مهمترین بخشهای شهرستان سمنان بشمار میرود دارای ۲۹۸۵۴ نفر جمعیت بوده و دارای همه تأسیسات شهری است .

اوضاع اقتصادی سمنان

طبق مدارك و شواهد تاریخی شهر سمنان در تاریخ هنر و صنعت نساجی دستی ایران درجه اول اهمیت را دارا است . با مراجعه به قدیم‌ترین کتابهای مسالك و سفرنامه‌ها معلوم می‌شود که در شهرهای کومش (قوس) که شامل نواحی سمنان و دامغان و شاهرود و بسطام می‌شود و به ویژه در سمنان از قدیم‌ترین زمان تاریخی پارچه‌های نخی و پشمی را بسیار هنرمندانه و عالی می‌بافته‌اند، چنانکه «ابودلف مسعرین المهلل الخزر جی» شاعر و جهانگرد عرب که در آغاز سده چهارم هجری از شهرهای نواحی کومش دیدن کرده درباره سمنان چنین نوشته است : (سمنان شهری کوچک و پر جمعیت است میوه و خواربار در آنجا فراوان و آب آن گوارا است . در این شهر دستمالهایی با نقش و نگار می‌بافند که بسیار گرانبها و بهای هر دانه آن به پنجاه دینار می‌رسد و نیز در آنجا پارچه‌های چادری بسیار هنرمندانه می‌بافند . و هر قواره آن تا دویست

کاروانسرای سمنان

دینار فروخته می‌شود می‌گویند زنهایی که این پارچه را می‌بافند در نتیجه دقت در ظرافت و زیبایی و بواسطه کار زیاد روی آن نایب‌نامی شوند (۱۱) در کتاب حدود العالم که یکی از قدیم‌ترین کتابهای نثر فارسی است و در سال ۳۷۲ هجری نوشته شده چنین آمده است :

(کومش ناحیتی است میان ری و خراسان بر راه حجاج ؛ اندر میان کوههاست این ناحیتی آبادان و با نعمت است و از وی مردان جنگی ، و جامه کنیس خیزد) ابن حوقل می‌نویسد : (در آنجا پارچه‌هایی تهیه می‌گردد که شهرت بسیار دارد و بهمه بلاد صادر می‌شود) مقدسی درباره صادرات قوس می‌نویسد : (دستمال‌های سفید نخی کوچک و بزرگ ساده و حاشیه‌دار در آنجا تهیه می‌کنند . چنان خوب و گرانبها که قیمت بعضی از آنها به دو هزار درهم بالغ می‌شود. پارچه‌های پشمی و انواع طیلسان که روی سر می‌اندازند نیز در آنجا تهیه و صادر می‌شود.) «یاقوت حموی» از پارچه‌های نواحی کومش بخصوص سمنان توصیف کرده و نوشته است که در آنجا پارچه‌های مندیل می‌بافند . بدین سابقه تأیید می‌شود که صنعت نساجی دستی در سمنان از قدیم ترین زمان تاریخی رواج و شهرت به‌سزایی داشته است. وضع مذکور بهمان صورت متداول خود تا قبل از تأسیس و ایجاد کارخانه نخ‌ریسی در سال ۱۳۱۰ شمسی در میان مردم این شهر ادامه داشت و کارگاههای دستی تهیه و بافت پارچه‌های نخی (کرباس و غیره) و همچنین پارچه‌های نازک و ضخیم پشمی (برك . شال) و همچنین گلیم و قالی و کارگاههای رنگ‌رزی در سمنان و سنگسر بسیار دایر بود و کار عمده زنان و کودکان

بشمار می‌رفت و گروهی عظیم از مردم سمنان و دهکده‌های اطراف از طریق انجام هنر دستی مورد بحث امرار معاش می‌کردند. بهمین جهت تا سالهای اخیر پارچه بافی نخی و پشمی یکی از مهمترین صنایع دستی سمنان محسوب می‌شود ، ولی در سال ۱۳۱۰ شمسی با تأسیس کارخانه بزرگ نخ‌تایی از طرف شرکت ریسمان‌ریسی سمنان و استخدام کارگر بادستزد بیشتر صنعت نساجی هنرمندانه دستی این شهرستان یکباره از رونق افتاد و به مرور منسوخ گردید و همه کارگران کارگاههای دستی چون وضع کارخانه نخ‌تایی را بهتر و پر درآمدتر دیدند دست از حرفه پیشین خود برداشته و در کارخانه ریسمان‌ریسی سمنان مزدور شدند .

و به غیر از کارخانه ریسمان‌ریسی سمنان کارخانه دیگری از طرف شرکت سهامی نساجی پارس در سال ۱۳۳۸ شمسی در سمنان تأسیس و شروع بکار کرده است طبق آخرین آمار در این کارخانه ۱۲۰۰ نفر کارگر زن و مرد در سه نوبت کار می‌کنند میزان مصرف پنبه کارخانه مذکور روزانه در حدود ۷ تن است . در این کارخانه روزانه در حدود ۶۰ هزار متر انواع پارچه‌های نخی (چیت و غیره) تهیه و از سمنان صادر می‌شود.

صادرات و واردات سمنان

پس از مطالعه در اوضاع طبیعی سمنان معلوم می‌شود سمنان شهرستانی است که مواد غذایی و خواربار کافی ندارد و گندم و جو و حبوبات مورد نیاز را از خارج تهیه می‌کند . بنابراین مهمترین اقلام واردات سمنان غلات و سایر مواد غذایی به استثنای گوشت و لبنیات است . در مقابل این واردات برای ایجاد موازنه و جلو-

گیری از تعدیل سرمایه مردم این شهرستان ناچار باید معادل آن یا بیشتر از واردات صادرات وجود داشته باشد. مهمترین اقلام تجارتی صادره از سمنان در درجه اول پنبه و نخ و پارچه نخی بنام چیت میباشد، و بعد تنباکو و زیره سبز و انجیر و خربوزه و خیار و گرمک در فصل تابستان از شهر سمنان و گردو و چوب از شهریزاد و گوسفند پروری و روغن و پنیر از سنگسر است. بطوریکه در ایران معروف است محصولات دامی یکی از مشاغل عمده سنگسریها است، گله‌داری چوبداری در این بخش از قدیم‌ترین زمان تاکنون رونق به سزایی داشته و دارد، بهمین جهت محصولات دامی و پروریهای سنگسری در اقصی نقاط ایران به فراوانی و مرغوبی مشهور گردیده است. گله‌های گوسفند سنگسریها در فصل زمستان بوسیله چوپانها در حاشیه شمالی دشت کویر مرکزی ایران (کویر کومش) و نقاط علفچر دهستانهای طرود، بیارجمند خارطوران، شاهرود و بلوک درونه کاشمر (کشم) نگهداری شده و در اواخر فروردین به طرف ییلاق حرکت کرده و در حین عبور از سنگسر صاحبان گله با عائله خود و مراتع و چشمه‌سارهای سبز و خرم و دامنه‌های پر علف سلسله جبال البرز در حدود شمال خاوری سنگسر تا شمال فیروز کوه و لواسانات پیش رفته و پس از تعلیف محصول دامی اوایل مهرماه بطرف قشلاق مراجعت میکنند در این موقع صاحبان گله در سنگسر توقف کرده و گله‌ها با چوپانان به نواحی مذکور قشلاقی می‌روند. این عمل که از سالهای بسیار دور معمول بوده همه ساله به همین ترتیب تکرار می‌شود، اهالی سنگسر در استفاده از شیر

گوسفند استادی و مهارت خاصی دارند. انواع لبنیات مرغوب و منحصر بخود از آن تهیه می‌کنند که در جاهای دیگر ایران کمتر دیده شده است. محصولات دامی سنگسریها که تأثیر به‌سزائی در وضع اقتصادی مردم سنگسر و سمنان دارد، در درجه اول نگهداری گوسفندهای پروری گوشتی به تعداد بسیار زیاد در سال که قسمتی از کشت مورد نیاز پایتخت را تأمین می‌کند. در ثانی تهیه و فروش انواع لبنیات مخصوص بخود از قبیل: شیر، ماست، سراماست، سرشیر، (به زبان محلی توك) آروشه (نوعی پنیر که در آن زردچوبه ریخته و روی آتش سرخ میکنند) واروئون. کشك. لور. لورئین. قره‌قوروت (به زبان محلی تفره) سزنه. چیکو و غیره.

آثار تاریخی سمنان

با توجه به قدمت تاریخی شهر کهن سمنان آثار تاریخی متعددی در این شهر بجامانده است که بیشتر آنها دارای اهمیت و درخور توجه و ذکر است. در بین آثار تاریخی سمنان ساختمان قلعه‌های سارو. کوشمغان. زاوغان. شیرقاضی. لاسگرد. کنك‌دز. نوکه لاجوردی. شیر قلعه شیخ چشمه‌سر شهریزاد. قلعه‌های پاچنار. جنبدان. برکه و آتشگاه. سراج. و بناهای تاریخی مسجد جامع منار و مسجد شاه. دروازه ارك. حمام پهنه. مقبره طوطی. خانقاه و آرامگاه شیخ علاءالدوله سمنانی در صوفی‌آباد. امامزاده یحیی. مقبره پیر نجم‌الدین. امامزاده علی بن جعفر. امامزاده اشرف. بقعه علویان و چند بنای دیگر

۱ - مسجد جامع سمنان از بناهای بسیار کهن این شهر بشمار میرود. طبق نوشته مرحوم صنیع‌الدوله در کتاب «مراقه

البلدان» این مسجد در زمان خلافت حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) در سمنان بنا گردیده و بعدها به دفعات بر بنای اول افزودند. ولی آثار بازمانده آن که در حال حاضر موجود است مربوط به دوره سلجوقیان و تیموریان است.

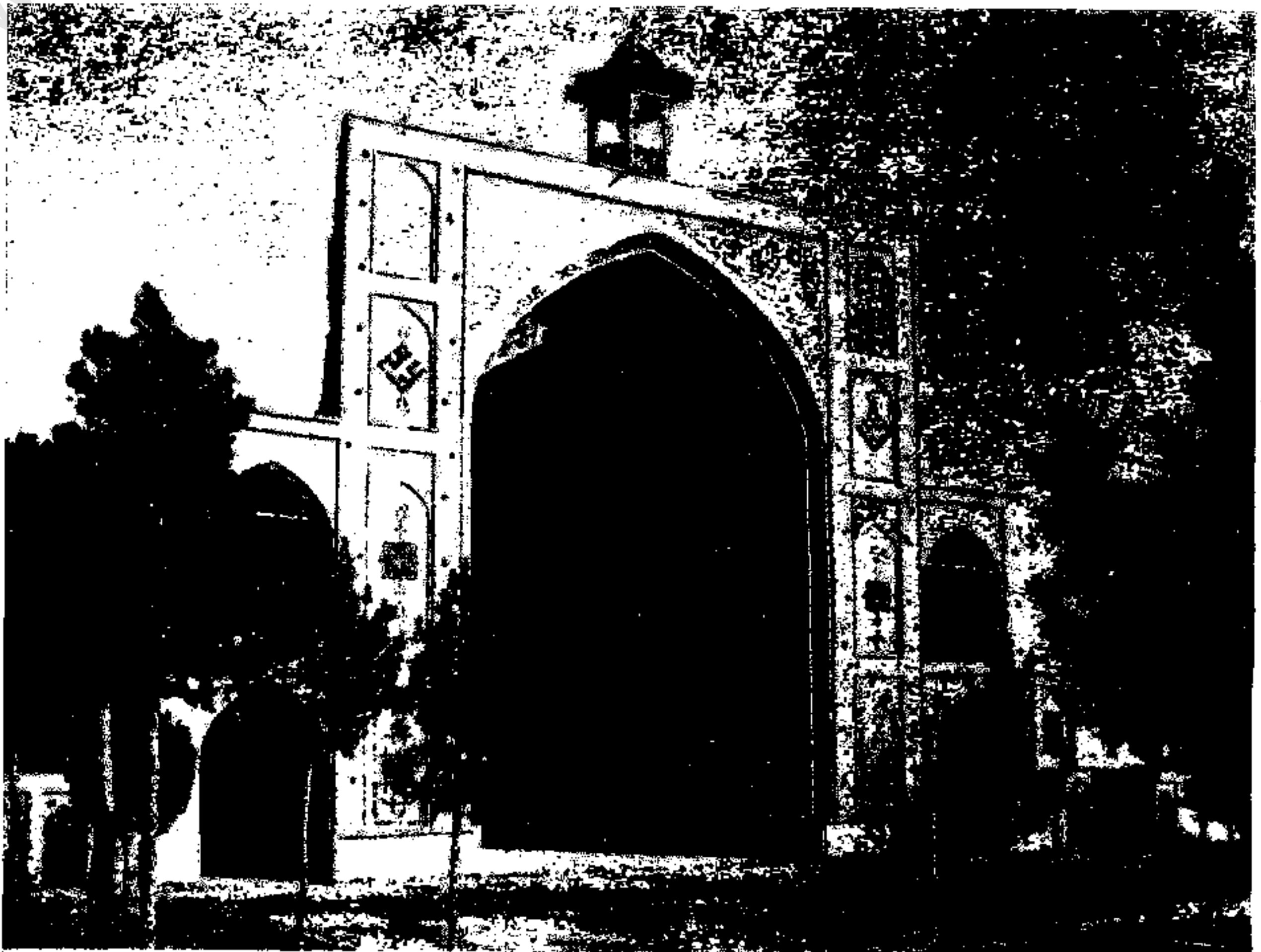
تاریخ بنای کتیبه ایوان سال ۸۲۸ هجری قمری است و در آن نوشته شده است که به امر خواجه محمدبالیچه سمنانی وزیرشاهرخ تیموری بنا گردیده است. این مسجد دارای ایوان بلند و شبستانهای متعدد است و اخیراً از طرف انجمن آثار ملی نسبت به تعمیر آن اقدام قابل توجهی بعمل آمده است.

۲ - منار معروف سمنان که آن را منار مسجد جامع می‌نامند در گوشه قائمه ضلع شرق و شمال محدوده ساختمان مسجد جامع سمنان واقع شده است. ارتفاع منار مذکور که با آجر بنا گردیده ۳۱٫۵ متر است، تاریخ بنای منار سمنان از دیگر قسمت‌های ساختمان مسجد جامع قدیم‌تر است و طبق کتیبه موجود (بخط کوفی) در قسمت بالای آن، منار مذکور را امیراجل‌بختیار بن محمد مشهور به ابوحرب بختیار حاکم معروف ایالت کومش (قوس) در دوره غزنویان و ممدوح منوچهری دامغانی شاعر بزرگ ایران در قرن پنجم هجری در میان سالهای ۴۱۷ تا ۴۶۶ هجری بنا کرده است.

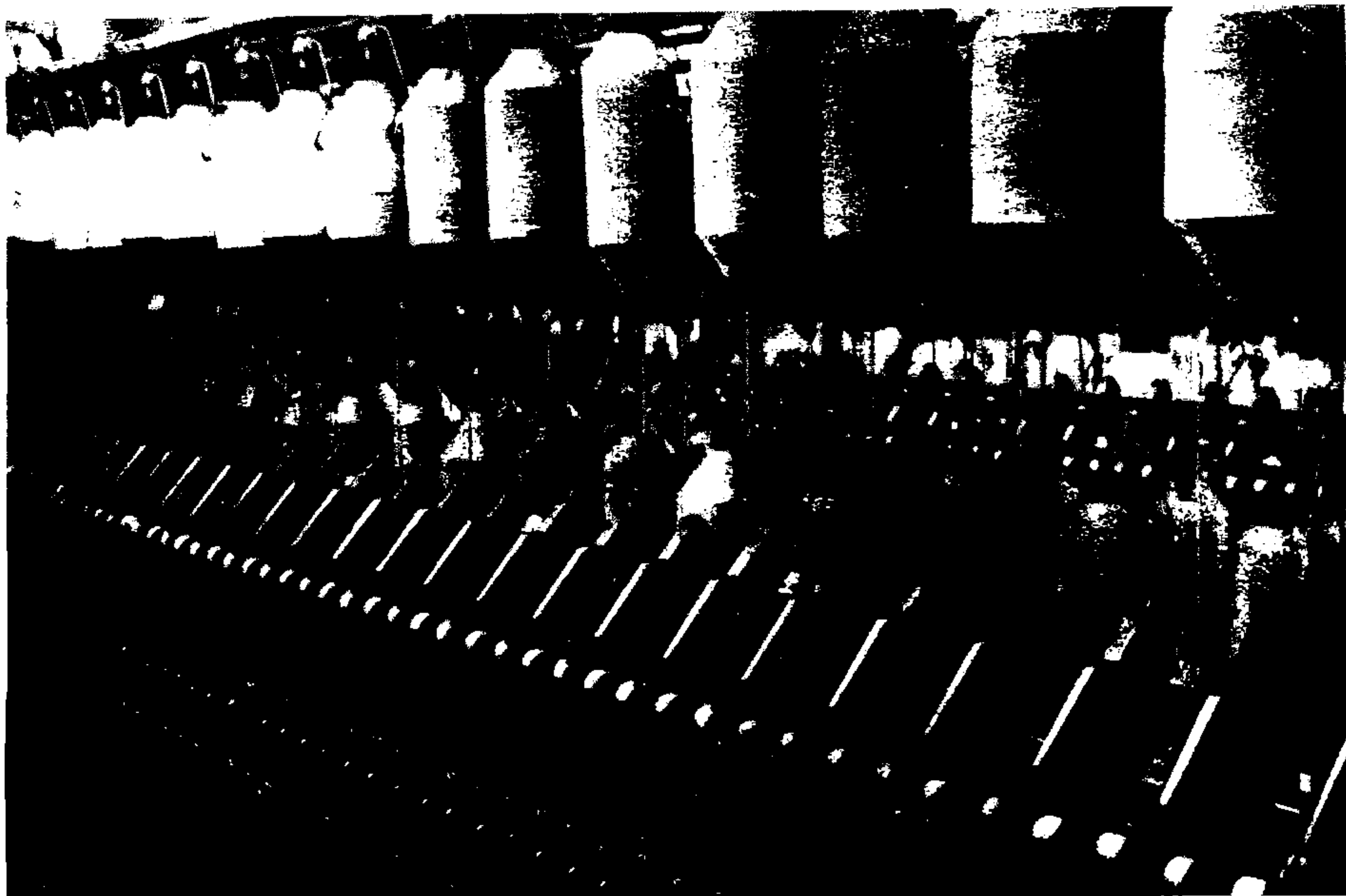
۳ - مسجد شاه سمنان. مسجد شاه سمنان از بناهای بسیار عالی و پراهمیت شهرستان بشمار می‌رود که در دوره قاجاریه یعنی در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار در این شهر بنا گردیده است. تاریخ ختم بنا که در مقصوده ایوان غربی ذکر شده سال ۱۲۴۲ هجری قمری است، ولی در وقفنامه مسجد سال ۱۲۴۳ قمری ثبت شده است. تاریخچه ساختمان مسجدشاه سمنان که بسیار خواندنی و جالب توجه میباشد از حوصله این مقاله بیرون است و خوانندگان را به تاریخ سمنان رهنمون می‌شود.

۴ - دروازه ارك. ساختمان دروازه ارك سمنان یکی از بناهای بسیار زیبا و دیدنی سمنان است بموجب متن کتیبه آن ساختمان دروازه مذکور در سال ۱۳۰۲ هجری قمری در دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار به پایان رسیده است از مزایای جالب توجه این دروازه کاشیهای رنگی بسیار زیبا و سر در آن میباشد که تصویر تاریخی رستم و دیو سپید به طرز بسیار خیره‌کننده‌ای بر روی کاشیهای مصور نقش شده است.

۵ - حمام پهنه سمنان. این ساختمان یکی از بناهای تاریخی و زیبای سمنان بشمار می‌رود، تاریخ بنای اولیه این حمام مربوط به سال ۸۵۶ هجری قمری است که در زمان سلطنت میرزا ابوالقاسم بابرخان طبق دستور وزیرش خواجه «غیاث‌الدین محمد بن خواجه تاج‌الدین بهرام سمنانی» به



مسجد جامع



داخل کارخانه ریسمان رسی سمنان



میدان ورزشی سمنان

انجام رسیده است ولی طبق کتیبه‌یی که بر سر در حمام با کاشیهای رنگی منقش شده است در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار طبق دستور حاجی ملاعلی حکیم الهی سمنانی تعمیر و تجدید بنا گردیده است. اشعار منقش بر روی کاشیهای سر در این حمام را مرحوم حاج اسدالله منتخب‌السادات پدر آقای حبیب یغمایی مدیر مجله یغما سروده و بخط خوش خود نوشته است

دانشمندان و نام‌آوران سمنان

بموجب نوشته تاریخ در دوره حکومت ایلخانان مغول و همچنین دوره فرمانروائی تیموریان بیشتر وزیران از سمنان برگزیده شده‌اند و بهمین مناسبت خوند میرمولف تاریخ حبیب‌السیر در کتاب دستور الوزراء نوشته است که سمنان در این دوره بنام دارالوزاره نامیده شده است که از ذکر اسامی آنان در اینجا برای جلوگیری از اطاله کلام خودداری می‌شود.

از دانشمندان و عارفان بنام سمنانی «شیخ علاءالدوله سمنانی» عارف شهیر اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری را باید نام برد، این عارف دانشمند ابتدا به عنوان وزیر ارغون خان در دستگاه دولتی مشغول خدمت بود، ولی ناگاه در اثر جذبه‌یی از جذبات الهی قبا و کلاه و سلاح را به یکسو افکند و خرقة صلاح پوشید و به توبه و عبادت و ریاضت پرداخت و در خانقاه سکاکیه سمنان یکصدوسی اربعین برآورد، و در این راه همی کوشید تا منزلتی بس عالی یافت و مردی صاحب کرامت شد و مشهور روزگار خویش و جامع سلاسل متأخران گشت. با آوازه شهرت کرامات معنوی وی دل‌باختگان خسران زده و مریدان مراد گم کرده از اطراف و اکناف به قصد زیارت و خوشه چینی به خانقاهش که در صوفی‌آباد سمنان برپاشد و قبله‌گاه فکری مردم آن زمان شده بود روی می‌آوردند. همچنین بزرگان دولت چون خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی صاحب جامع‌التواریخ وزیر اعظم غازان خان و امیرچوپان و امیرنوروز امیران بزرگ مغول برای درک خدمت شیخ به صوفی‌آباد مشرف میشدند و زیارتش را مغتنم می‌شمردند. مؤلف کتاب اعیان‌العصر که خود از معاصران شیخ بوده است، مینویسد: ابوسعید هم بمنظور دیدار این شیخ اعظم سمنانی به صوفی‌آباد سمنان رفته است: بهر حال خانقاه شیخ علاءالدوله سمنانی که دارای کتابخانه غنی و معروفی نیز بوده است مدت نیم قرن یعنی از سال ۶۸۶ تا سال ۷۳۶ هجری (سال مرگ شیخ علاءالدوله سمنانی) مرکز تجمع دانشمندان و عارفان و بزرگان و شاعران بود.

به نقل دولت‌شاه سمرقندی شیخ در رساله مفتاح فرمود: (هزار طبق کاغذ در راه و رسم تصوف سیاه کردم) مریدان شیخ نیز به ضبط آثار و گفتار او اهتمامی تمام

داشتند چنانچه امیراقبال سیستانی مجالس وی را در کتاب چهل مجلس فراهم کرد و دیگری رسائل طریقت را در ذکر احوال او نوشت. خواجوی کرمانی شاعر بزرگ این دوره سالها در صوفی‌آباد سمنان به کسب فیض و جمع‌آوری اشعار شیخ علاءالدوله مشغول بود.

از دانشمندان و شاعران بنام سمنان میرسید اشرف جهانگیر سمنانی شیخ بزرگ فرقه چشتیه در اواخر قرن هشتم هجری، لسان‌الدین افضل سمنانی - حاجی سیدحسین حسنی سمنانی - حسن بن حسین بن شاهنشاه سمنانی.

میرزا سید رضی سمنانی. آخوند بلاعباسعلی ارسطو. حاجی ملاعلی. حکیم الهی سمنانی - حاج شیخ سمنانی. آقا نجفی سمنانی. آقامیرزا ابوطالب حسنی رئیس کمیته نهضت مشروطه خواهان در سمنان. شیخ رضا فیض، علامه حائری - استاد دکتر ذبیح‌الله صفا. رفعت سمنانی. مشتاق سمنانی. فانی سمنانی را باید نام برد.

زبان سمنانی

طبق تحقیقاتی که از طرف زبان‌شناسان انجام شده زبان و لهجه مخصوص مردم سمنان از بقایای دست نخورده زبان پهلوی است که مدت چهارده قرن در مقابل هجوم لغات و اصطلاحات بیگانه مقاومت کرده و همچنان خالص مانده است. تعدد لغات و اصطلاحات از ممیزات این زبان است از جمله برای لفظ کم پنج لغت در زبان سمنانی وجود دارد که آقای محمدباقر فیری شاعر با ذوق سمنانی در نصاب منظوم زبان سمنانی خود آن را اینطور بیان کرده است کم را به پنج نام تلفظ نموده‌اند - (ناکم) (بیلیکی) و (پک) و (پندیك) و (پرچنه) بنابراین زبان سمنانی را می‌توان یکی از غنی‌ترین زبانهای موجود ایران دانست، زبان سمنانی علاوه بر مزایای درخور توجه مذکور دارای مذکر و مؤنث کاملی است که زبان فارسی متداول فعلی فاقد آن است. مثلا برای سوم شخص غائب مذکر (ژو) و برای سوم شخص غائب مؤنث (ژین) استعمال می‌کنند.

(ژوره‌با) یعنی به آن مرد بگو (ژینه‌با) یعنی به آن زن بگو (بی‌یما) یعنی يك مرد آمد (بی‌یمی‌یه) یعنی يك زن آمد (بشا) یعنی يك مرد رفت (بشی‌یه) یعنی يك زن رفت، و همچنین در زبان سمنانی گاهی کلمات را به طرز مخصوصی جمع می‌بندند مثلا (میردکا) به يك مرد می‌گویند و (میردی) جمع مردان (جنی‌کا) به يك زن می‌گویند، ولی (جنی) را به جمع زنان اطلاق میکنند. این نوع جمعها را که جمع مکسر مینامند در بین زبانهای متداول فعلی نادر است. بطور کلی لهجه مردم سمنان و نواحی اطراف آن را میتوان به پنج دسته مهم تقسیم کرد:

۱- زبان سمنانی ۲- زبان سنگسری ۳- زبان شهیرزادی ۴- زبان سرخه‌یی ۵- زبان لاسگردی.

تحقیقات پیرامون زبان سمنانی از دیرزمان مورد توجه و علاقه دانشمندان ایرانی و مستشرقان خارجی قرار گرفته و برای بدست آوردن ریشه و قواعد آن زحمت زیادی را متحمل شده‌اند. از جمله کسانی که در زبان سمنانی تحقیق و تتبع در خور توجهی کرده‌اند، پروفیسور آرتور کریستنسن دانمارکی است وی برای تحقیق در این زبان دوبار به سمنان مسافرت کرده و اطلاعات جامع و مبسوطی از زبان سمنانی تهیه نموده و پس از مراجعت به اروپا نتیجه مطالعات و تحقیقات خود را درباره لهجه سمنانی در دو کتاب گردآوری نموده است (دو کتاب مزبور در سال ۱۹۳۵ میلادی به زبان فرانسوی در کپنهاگ بچاپ رسید و ترجمه یکی از آنها در پایان تاریخ قومس تألیف نگارنده (رفیع) درج شده است) آقای دکتر منوچهر ستوده استاد دانشگاه تهران نیز پس از سالها تحقیق و تتبع ممتد کتاب با ارزشی تحت عنوان: فرهنگ سمنانی. سنگسری. شهیرزادی. سرخه‌یی. لاسگردی تهیه و تنظیم کرده و در سال ۱۳۴۲ شمسی در ۴۲۶ صفحه به قطع وزیری توسط دانشگاه تهران طبع و نشر شده است.

اقدام بسیار ارزنده دیگری که پیرامون زبانی سمنانی و لهجه‌های مربوط به آن بعمل آمده است، تهیه و چاپ کتاب واژه‌نامه سنگسری است که بامقدمه‌ای از دستور آن (به زبان انگلیسی) به همت آقای چراغعلی اعظمی سنگسری و گرنات، ویندفور آمریکایی در ۸۳۰ صفحه از طرف شرکت کتابهای جیبی در سال ۱۳۵۱ خورشیدی در تهران منتشر شده است. علاوه بر اینان مستشرقان و محققان دیگری پیرامون زبان و ادبیات سمنانی تحقیقاتی ارزنده بعمل آورده‌اند که اسامی آنان در تاریخ سمنانی به تفصیل آمده است. گذشته از محققان برخی از شاعران علاقمند و باذوق سمنانی با سرودن اشعار به زبان سمنانی خدمات ارزنده و قابل توجهی در حفظ این زبان کرده‌اند که بمنظور حق‌شناسی به ذکر نام آنان مبادرت میشود: مرحومان: میرزا-نعیما - فانی - موحد - و آقایان محمدباقر فیری - پیمان یغمائی - نصرت‌الله نوحیان (نوح) و چند تن از شاعران.

اوضاع عمومی سمنان در حال حاضر با مراجعه به کتابهای تاریخی و آثار و شواهد موجود معلوم می‌شود که در گذشته بعلت عدم امنیت عمومی قلعه‌های زیادی در سمنان وجود داشته و مردم این شهر در داخل قلعه‌ها سکونت داشته‌اند و بعدها برای تامین امنیت بیشتر برگرد قلعه‌های خود حصار کشیده‌اند و برای رفت و آمد چهار دروازه عمومی بدین شرح: دروازه خراسان در مشرق. دروازه عراق در مغرب. دروازه

ناسار در شمال. دروازه چوبمسجد در جنوب ایجاد کردند.

اوضاع عمومی سمنان تا اواخر دوره قاجاریه به ترتیب مذکور در بالا دوام داشت، در زمان سلطنت اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر که امنیت در تمام کشور برقرار گردید از طرف دولت نسبت به تغییر دادن وضع عمومی شهر سمنان با توجه به اصول شهر سازی اقدامات اساسی بعمل آمد و در نتیجه با احداث خیابانهای منوچهری و تهران - مشهد شهر سمنان در جاده اصلاحات جدید افتاد.

از سال ۱۳۴۰ شمسی که مرکز فرمانداری کل سمنان در این شهر مستقر گردید به ویژه بعد از انقلاب سپید ایران تغییر و تحول اساسی و چشم گیری بعمل آمد و پیشرفتهای قابل توجهی در کلیه سطوح و شؤون اجتماعی این شهر حاصل گردید. بطوریکه در حال حاضر از همه تجهیزات و وسایل عمومی مورد نیاز يك شهر مدرن و متمدن برخوردار است.

شهر سمنان دارای ۱۶ خیابان اصلی اسفالت شده و ۸ میدان عمومی میباشد. هفت محله معروف سمنان بشرح زیر است: محله جنبدان که به دو قسمت لتیبان و روشاهیو تقسیم شده است - محله بزرگ اسفنجان - محله ناسار - محله زاوگان - محله کوشمغان - محله کدیور (سه محله اخیر در ۴ کیلومتری مغرب سمنان واقعند و به نام محلات ثلاث معروفند).

رویه مرفته سمنان شهر تمیز و زیبایی است بخصوص خیابانهای منوچهری و خیابانهای شمال شهر آنجا که دارای روح و صفای مخصوصی میباشد. مردم سمنان پیرو مذهب تشیع (شیعه اثنی عشری) و مردمانی بسیار حلیم و بردبار و قانع و ترس نمیباشند به مصداق این شعر مجدالعلی بوستان

همای همت عالی مردم سمنان

به کوه قاف قناعت نموده است مقر

بلند همت مردم خوردند نان جوین

به نان گندم دو نام نمی کنند نظر

یکی از خصوصیات مردم سمنان این است که بیشتر مردم شهر از يك نوع نان خانگی بسیار نازک و خوش خوراکی که در خانه تهیه میشود استفاده میکنند. در ضمن يك نوع نان کیک مانند درست میکنند که به زبان سمنان کماچ و بقمات (بسمات) می نامند و در خارج از سمنان بنام نان چای (نان سمنانی) معروف میباشد. در سالهای اخیر يك نوع نان شیرینی بنام شیرمال تهیه میکنند که عنوان سوقاتی از سمنان استفاده می شود. طبق آمار شهرداری سمنان در حال حاضر ۱۰۲۵ مغازه مختلف و ۲۴ گرمابه و ۲۵ کارخانه مختلف بنی سازی و چوب بری و کوره های آجری و گچی و ۱۰ نانوائی و ۴۳ کافه رستوران و ۲ دستگاه سینما است از نظر بهداشت و بهداری

سمنان در حال حاضر دارای ۳ بیمارستان و ۱۳۵ تختخواب بشرح زیر است:

۱ - بیمارستان ۶۰ تختخوابی امداد فامیلی که در آنجا عملهای جراحی بزرگ و کوچک انجام می شود. ۲ - بیمارستان ۵۰ تختخوابی تدین ۳ - بیمارستان ۲۵ تختخوابی ۲۵ شهریور. علاوه بر بیمارستان های مذکور درمانگاههای متعددی در این شهر دائر است و بیماران جهت معالجه سرپایی به آنها مراجعه میکنند. یکی از اقدامات بسیار مهم و درخور توجه شهرداری در این شهر احداث شهرک های کومش شهر، و گلشهر و احداث بولوار ارتشبد نصیری در شمال شهر سمنان و همچنین احداث پارک شهر در خیابان ششم بهمن و نوسازی اطراف مسجد شاه سمنان و احداث میدانی در جلو خان مسجد سلطانی بنام میدان تیرانداز است که در وضع عمومی شهر فوق العاده موثر افتاده است.

در حوزه فرمانداری سمنان تاکنون ۱۱ خانه انصاف و ۱۰ شرکت تعاونی روستائی تاسیس گردیده است. به علاوه از طرف دولت نسبت به احداث پارک جنگلی و درختکاری در منطقه وسیعی واقع در مشرق سمنان اقدام گردیده است که در وضع آب و هوای این شهر موثر خواهد بود. مدرسه عالی تکنولوژی سمنان

در سال جاری از طرف مدرسه عالی ترجمه تهران اظهار تمایل شد که نسبت به احداث و تأسیس و افتتاح مدرسه عالی تکنولوژی در سمنان اقدام گردد.

در نتیجه انجمن شهر دوست هزار متر مربع زمین از طرف شهرداری سمنان به رایگان در اختیار مدرسه عالی تکنولوژی سمنان گذارده شد تا نسبت به پیاده کردن نقشه ساختمان آن اقدام لازم بعمل آید.

تکنولوژی سمنان در سال تحصیلی ۵۴-۵۳ با ۴۵۰ نفر دانشجو آغاز بکار کرد. تا آماده شدن ساختمان مورد بحث تعداد پنج دستگاه از ساختمانهای نوساز شهرک کومش شهر توسط شهرداری سمنان اجاره شده و در اختیار مدرسه عالی تکنولوژی قرار گرفت.

۱ - تاریخ ایران باستان تألیف حسن پیرنیا صفحه ۱۵۶

۲ - تاریخ ماد تألیف ا. م. دیاکوف روسی ترجمه کریم کشاورز صفحه ۴۴۰ - ۴۳۹

۳ - اشکانیان تألیف ا. م. دیاکوف روسی ترجمه کریم کشاورز صفحه ۴۳ - تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان تألیف آلفرد دنف گوتشمید صفحه ۸۵ - ۶۷

۴ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تألیف سید ظهیرالدین مرعشی به تصحیح محمد حسین تسبیحی صفحه ۱۱

۵ - تاریخ قومس تألیف رفیع صفحه ۲۰۳

۶ - حمدالله مستوفی در کتاب نزهة القلوب صفحه ۲۰

۷ - خوانندگان می توانند در این مورد به تاریخ

سمنان تألیف نگارنده (رفیع) جلد دوم صفحه ۳۴۸ - ۳۴۳ مراجعه کنند.

۸ - در تاریخ سمنان فی تاریخ بهر الاشکان جلد سوم صفحه ۷۵

۹ - طبق تصمیم اخیر دولت شاهی ایران و بموجب تقسیمات کشوری جدید در نظر است که با منضم شدن گرمسار و فیروزکوه فرمانداری کل سمنان به استان (سمنان) تبدیل گردد.

۱۰ - در این مورد رجوع شود به تاریخ سمنان تألیف رفیع

۱۱ - سفرنامه ابودلف در ایران از انتشارات فرهنگ ایران زمین ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی صفحه ۸۱

آموزش و پرورش سمنان

طبق مدارک و آمار ارائه شده شهرستان

سمنان از نظر سطح آموزش و پرورش پیشرفته ترین وضع را دارا میباشد. اداره کل آموزش و پرورش منطقه فرمانداری کل سمنان که ادارات آموزش و پرورش شهرستانهای دامغان و شاهرود را نیز سرپرستی مینماید به ویژه از سال ۱۳۴۱ خورشیدی یعنی در دهه اول انقلاب سپید شاه و مردم به موازات جهش و کوشش چشم گیر دولت ایران در سطح فرهنگ جهانی به توسعه و ترقی فوق العاده ای نائل شده است. بهترین گواه این موضوع درصد قبولی دانش آموزان سالهای ششم متوسطه شعب مختلف حوزه اداره کل آموزش و پرورش سمنان در کنکور سراسری کشور میباشد، که بر طبق سوابق موجود در خرداد سال ۱۳۵۲ شمسی از شهرستان سمنان ۵۵ نفر، از شهرستان شاهرود ۴۲ نفر و از شهرستان دامغان ۱۵ نفر در امتحانات کنکور سراسری ایران قبول شده اند.

در امر تعلیم و ورزش و انجام تفریحات سالم این شهرستان در حال حاضر از همه امکانات لازم برخوردار بوده و دارای استادیوم ورزشی مجهز و استخر شنا و باشگاههای مسقف زمستانی است. در کادر آموزشی منطقه آموزش و پرورش سمنان ۷۲۹ نفر مشغول انجام وظیفه هستند. که از این عده ۸۷ نفر لیسانس و فوق لیسانس ۲۷ نفر فوق دیپلم و ۴۹۹ نفر دیپلم هستند از ۷۲۹ نفر کادر شاغل ۴۰۲ نفر مرد و ۳۴۷ نفر زن هستند آمار واحدهای آموزشی شهرستان سمنان بشرح زیر است:

کودکستان ۲ واحد دبستان ۵۰ واحد راهنمایی تحصیلی ۱۷ واحد دبیرستان ۱۲ واحد - دانشسرای مقدماتی يك واحد - هنرستان صنعتی يك واحد - موسسه کودکان استثنایی يك واحد - دبستانهای سپاه دانش ۲۷ واحد تعداد دانش آموزان شهرستان سمنان در پایان سال تحصیلی ۵۳ - ۵۲ بالغ بر ۱۷۸۶۴ نفر بوده است. در دانشسرای مقدماتی و هنرستان صنعتی سمنان روبهم ۵۶۸ نفر هنرجو به تحصیل اشتغال دارند

افکار صوفیانه

«آن علم طلب که سودمند است» (۱)
 پس از پیدا شدن فلسفه اصالت عمل (۲)
 که ویلیام جیمز (۳) بیان کننده و پایه گذار
 آن بود، تقریباً در بیشتر اذهان این اندیشه
 رسوخ یافت که در هر تحقیق و بررسی،
 خواه علمی و دینی خواه فلسفی و عقیدتی،
 گذشته از جنبه حقیقت جویی، و بیشتر از
 آن، باید بجنبه فایده عملی آن نیز توجه
 شود؛ زیرا بحث در مسایلی که به هیچ وجه در
 زندگانی مردم تأثیری ندارد کاری غلط
 است و با آن راه بجایی نمیتوان برد. من
 اینجا به صحت و سقم این فلسفه کاری ندارم.
 ولی البته انکار نمیتوان کرد که نکات
 مثبت فراوان دارد و از همان ابتدا اذهان و
 افکار هوشمندان را جلب کرده است.

ما نیز که از تصوف سخن می‌داریم و
 آن را یکی از نشانه‌های نبوغ و عظمت فکر
 ایرانیان بشمار می‌آوریم، باید نشان دهیم که
 صوفیگری چه جنبه‌های سودمند و مثبت و
 عملی دارد، و به اصطلاح باید آن را انتقاد یا
 ارزیابی کنیم و بگوییم که ساحت صوفیگری
 تا چه حدودی است، در زندگانی مادی و
 معنوی مردم چه اثرهایی دارد؟ بدون مقدمه
 اینجا نکاتی را که در تصوف سودمند تشخیص
 کرده‌ایم (۴)، ذکر می‌کنیم، نکات سودمند
 و برجسته تصوف از این قرار است:

۱. تعدیل مذاهب و جلوگیری از تعصب...
 شاید بزرگ‌ترین خدمت صوفیان به عالم
 اسلام و همه مردمی که در حوزه اسلام
 می‌زیند، این باشد که به نحوی از انحاء از
 سخت‌گیری ارباب دیانت نسبت به مردم اقلیت
 و پیروان سایر ادیان جلوگیری کرده‌اند.
 بقول نیکلسون (۵) «همه مردمی که
 مسلمان‌اند و با پیروان سایر ادیان و مذاهب
 به مدارا و تسامح و گذشت و مهربانی می-
 زنند صوفی‌اند؛ اگرچه خود را صوفی رسمی
 ندانسته‌اند و ارباب ترجمه و تذکره نویسان
 آنان را جزو صوفیان یاد نکرده باشند. (۶)»
 راه صوفی راهی وسیع و پهن‌آور و
 طریقت او طریقت عظیمی است که از هر سوی
 آن طریقت، راهی بخدا توان یافت. ابوسعید
 ابی‌الخیر (وفات ۴۴۰ هـ) می‌گفت: «... به
 عدد هر ذره موجودات راهی است بحق» (۷)
 از این رو، راه وصول به روی هیچ کس بسته
 نیست و پیروان برخی ادیان که راه وصول
 بحق را تنها از دین و آیین خود ممکن
 می‌دانند در اشتباه‌اند. این گروه هیچ کس را

حقیر نمی‌شمردند و خود را ناتوان‌ترین و
 ضعیف‌ترین بندگان خدا می‌دانستند و از این
 وحشت داشتند که خودبینی و عجب و غرور
 همیشه در ذات انسان هست، بنابراین باید آن
 را کوبید. باز همین ابوسعید می‌گفت: «هر
 کس بخویشتن نیکو گمان است، خویشتن
 نمی‌شناسد، و هر کس خویشتن نمی‌شناسد
 خدای را نمی‌شناسد» (۸). و هم در احوال
 او آورده‌اند که «شیخ ما گفت که وحی
 آمد بموسی که بنی اسرائیل را بگوی که
 بهترین کسی اختیار کنید، صد تن اختیار
 کردند. وحی آمد که از این صد کسی ده
 تن اختیار کنید، اختیار کردند، وحی آمد
 از ده تن سه تن اختیار کنید، اختیار کردند،
 وحی آمد که از این سه تن یک تن اختیار
 کنید، اختیار کردند. وحی آمد که این
 یگانه را بگویید تا بدترین بنی اسرائیل را
 بیاورد. او چهار روز مهلت خواست و
 گرد عالم می‌گشت که کسی طلب کند. روز
 چهارم بکویی فرو می‌شد، مردی را دید که
 فساد و ناشایستگی معروف بود، و انواع فسق
 و فجور در او موجود چنانکه انگشت‌نمای
 خلق گشته بود. خواست که او را ببرد
 اندیشه‌یی بدش درآمد که بظاهر حکم نباید
 کرد، روا بود که او را قدری و پایگاهی
 بود؛ بقول مردمان خطی برو فرو نتوان
 کشید و حقیر و ناچیزش نتوان شمرد و
 باینکه مرا خلق اختیار کردند غره (۹)
 نتوان گشت. چون هر چه کنم بگمان خواهد
 بود، این گمان در حق خویش برم بهتر.
 دستار در گردن خویش انداخت و به نزد
 موسی آمد و گفت: هر چند نگاه کردم
 هیچکس را بدتر از خود ندیدم! وحی آمد
 بموسی که آن مرد بهترین ایشان است نه به آنکه
 طاعت او بیش است بلکه به آنکه خویشتن را
 بدترین مردم دانست.» (۱۰) حاصل کلام بقول
 سعدی «خدایینی از خویشتن بین» نمی-
 خواستند و به بهانه اینکه من مسلمانم و بهترین
 دین‌ها، اسلام است «و هر کس جز اسلام
 دینی بپذیرد از او قبول نکنند» (۱۱) به
 پوستین مردم نمی‌افتادند.

۲. احترام به انسانیت... عارفان و صوفیان
 بیش از همه چیز به آدمی بودن یا انسانیت
 توجه داشتند، یعنی: هدف آنان آدمی بودن
 و انسان شدن خود، و امکاناً انسان کردن و
 آدمی ساختن دیگران بود. می‌گفتند: دین
 هم برای این آمده است که این جنس دوبا

را خوشخوتر و انسان‌تر بکند و اگر دین
 انسان نسازد چه دینی چه مذهبی؟ پیش از
 مسلمان شدن و ترسا شدن و یهودی و بودایی
 و مانوی و زرتشتی شدن، باید انسان شد. و
 پیوسته خود در طلب این نوع انسانها بودند
 و مانند دیوژن که در روز روشن چراغ
 بدست دنبال انسان می‌گشت، صوفیان هم
 پیوسته در جستجوی انسان کامل (۱۲) بودند؛
 و انسان کامل بنظر این جماعت کسی است
 که پیش از همه چیز به انسان شدن بیندیشد.
 این گونه آدمیان نیز اگر یافت شوند تنها در
 مسجد و محراب نیستند، در خرابات و میکده
 نیز پیدا می‌شوند. «محمد بن منور» می‌گوید:
 «شیخ ما را پرسیدند که: مردان خدا در مسجد
 باشند؟ گفت: در خرابات هم باشند.» (۱۳)
 اگر یکی می‌خواهد و یاد یوانی است؛ یا مسلمان
 نیست و گری یا ترساست، مانع دوستی عارفان
 و صوفیان با او نمی‌شده است.

من آنرا آدمی دانم که دارد سیرت نیکو
 مراچه مصلحت با آن که این گبر است و آن ترسا ۱۴
 این نکته را «ابن سینا» خوب دریافته
 آنجا که می‌گوید: «عارف همیشه شاد و
 گشاده روی و خندان باشد. از روی فروتنی
 فرومایه را چنان بزرگ می‌دارد که بزرگوار
 گرانمایه را، و انبساط و شادمانی او با
 گمنام ناشناس همچنان باشد که با نامدار
 بزرگ و شناخته. و چگونه شاد نباشد؟ در
 حالی که او بخدا و به همه چیز خرم باشد،
 زیرا که در همه چیزها خدا را می‌بیند؛ و او
 چرا همه را یکسان و برابر نداند؟ در حالی
 که همه نزد وی برابرند از آن جهت که همه
 اهل رحمت‌اند و بی‌اطل مشغول‌اند!...»

و نیز «... عارف را گمان (بد) بر
 چیزها و مردمان نباشد، و کنج‌کاوی بیجا
 نکند، و اگر ناپسندی بیند، خشم او را از
 جای نبرد و بر نیانگیزد، بلکه بر آن شخص
 رحمت آرد، زیرا از راز قدر و حکم خدا
 آگاه است. و اگر امر بمعروف کند به نرمی و
 پندگویی کند، و سختی و تند و عیب‌جویی
 و ملامت بکار نبرد؛ اما اگر آن امر بمعروف
 در کاری بزرگ باشد و کسی نااهلی کند،
 رواست که او را غیرت باشد...» همچنین
 «... عارف شجاع و دلیر باشد، و چرا چنین
 نباشد؟ چه او از مرگ نهریزد. او بخشنده
 و بخشاینده باشد، و چرا چنین نباشد؟ چه او
 از باطل پرستی بدور است، او آمرزگار
 گناهان مردم است؛ و چرا چنین نباشد؟ چه

نفس و جان او بزرگتر و وسیعتر از آن است که لغزش آدمی زاده بی آنرا بخرشد. و کینه‌های مردم را در خاطر او راه نباشد و در دل او نماند، و چرا چنین نباشد؟ در حالی که او همیشه بذکر و یاد خدا مشغول است. (۱۵)

۳. انتخاب و گزینش هر اندیشه و کار نیک از هر کسی. - سخنی است که از یکی از پیشوایان دین نقل می‌کنند که گفت: «آنچه را می‌گویند بگیرد و گوینده را ول کنید». (۱۶) به این حقیقت، در اسلام بیش از همه فرقه‌ها صوفیان جامعه عمل پوشیده‌اند. اگر صوفیگری را با افکار و عقاید دیگر بسنجید و با کنجکاوی و پژوهش ژرف در مبادی این مذهب بنگرید، می‌بینید همه نکات سودمند مذاهب هند و اروپایی؛ فلسفه هندی، افکار مصریان و ایرانیان قدیم، اندیشه‌های سقراط و افلاطون و حکمت پهلوی (۱۷) و عقاید مانوی و مزدک و بویژه فلوپین و فیلسوفان نو افلاطونی جابجا در بیانات و تعلیمات و مباحثات صوفیان بنظر می‌آید. این امر، بسبب آن بوده که صوفیان همه چیز را در خدا و خدا را در همه چیز می‌دیدند و معتقد بودند که: در عالم هیچ مخلوقی و هیچ اندیشه و فکری و هیچ نکته‌یی از خود و کلان و پیر و جوان نیست که بکاری نباید و دردی را درمان نباشد. و این یکی از نکات برجسته فلسفه دیالکتیک یا جدالی علمی جدید است. هر چیزی بضدش شناخته می‌شود؛ اگر خوب هست باید بد هم باشد؛ اگر پیر هست باید جوان هم باشد؛ اگر زشت هست باید زیبا هم باشد؛ اگر سفیدی هست باید سیاهی هم باشد؛ اگر روز هست شب هم باید باشد؛ و اگر هنرمند هست باید بی‌هنر هم باشد؛ و اگر توانگر هست، گدا نیز باید باشد؛ اگر مؤمن هست ملحد و کافر نیز باید و بقول مولوی:

بد ندانی تا ندانی نیک را
ضدرا از ضد توان دید ای فتی (۱۸)

صوفی خوش بین (۱۹) است و از این جهت می‌گوید: هیچ چیز بیهوده در عالم نیست، چه از بزرگترین تا کوچکترین اشیاء همه نشانه‌هایی از وحدت وجود است. بدینی و شرانگاری (۲۰) و عیب‌جویی از لوجی و احوالی است، زیرا:

جهان چون زلف و خال و چشم و ابروست
که هر چیزی بجای خویش نیکوست (۲۱).

غزالی می‌گفت: «در آفرینش، هیچ چیز بدیع‌تر و دل‌آویزتر از آنچه هست، نمی‌توان یافت». (۲۲) همه موجودات تصنیف‌خدا و کار اوست و چون او از عیب و نقص پاک و دور است دلیلی ندارد که مظاهر وجود او یعنی جهان و هر چه در او هست ناقص و بد و شرآمیز باشد. نظامی گنجوی که شاعر بود و ذوق عرفان یافته بود می‌گفت:

در عالم عالم آفریدن
به‌زین توان رقم کشیدن
حرفی بغلط رها نکردی
یک نکته دراو خطا نکردی

بر طبل تهی مزن جرس را
بیکار مدان نوای کسی را
هر ذره که هست اگر غباریست
در پرده مملکت بکاریست
هر جا که رطب بود، بود خار
اینست که گنج نیست بی‌مار
هر ناموری که اوج جهان داشت
بدنام کنی ز هم‌رهان داشت
یوسف که ز ماه عقد می‌بست
از حقد برادران نمی‌رست
عیسی که دمش داشت دودی
می‌برد جفای هر جهودی
احمد که سر آمد عرب بود
هم خسته خار بولهب بود
دیر است که تاج جهان چنین است
بی‌نیش مگس کم‌انگین است (۲۳)

به هر حال باطل دیدن از ضعف یقین است. بقول شبستری:

کلام حق همی ناطق بر اینست
که باطل دیدن از ضعف یقین است
وجود پشه دارد حکمت تام
نباشد در وجود تیر و بهرام (۲۴)

خوشی مطلق و خیر و نیکویی و زیبایی و قدرت و شجاعت بی‌حد و نهایت در جهان ما نیست و هر که جز این بیندارد، از واقع بینی گریزان است. یک شاعر عارف دیگر این نکته را دلپذیرتر و زیباتر بیان می‌کند:

اهل هنر گر بشماری درند
بی‌هنران نیز بکاری درند
هیچ کسی نیست ز زیبا و زشت
کش نه حکیم از پی کاری سرشت.
نی، که تهی روید از خاک رود
گر ندمد، باد سراپد سرود؟
قهقهه زد کبک به رفتار زاغ
کز چنه‌پی پای پریشان بی‌اغ
زاغ بدو گفت که: پرواز کن
گر گرو از من پیری ناز کن (۲۵)

از این جهت، صوفیان از مبال و لاشه مردگان و مظاهر زشت و ناپسند طبیعت نیز برای تعلیم مریدان و طالبان و راهروان سود می‌جستند و از این کارها وحشتی نداشتند. «روزی شیخ ابوسعید ابی‌الخیر... می‌گذاشت با صوفیان، فراجایی رسید که مبال پاک همی کردند، و نجاست بر راه بود. صوفیان همه بیک سوی گریختند و بینی بگرفتند؛ و شیخ بایستاد و گفت: ای قوم، دانید که این نجاست با من چه می‌گوید؟ می‌گوید که: دی در بازار بودم، همه کیسه‌های خویش بر من همی افشاندید تا مرا بدست آوردید، بیش از یک شب باشما صحبت نکردم، بدین صفت گشتم! مرا از شما می‌باید گریخت یا شما را از من؟!» (۲۶) صوفیان همچنین کتاب‌های قصه مانند شاهنامه و کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه و هزلیات و شوخی‌های رایج در میان مردمان و افسانه کودکان را بسیار ارج می‌دادند و

آنها را مایه آموزش و پرورش و آگاهی طالبان و مریدان می‌دانستند. سنائی می‌گفت: «هزل من هزل نیست تعلیم است» و همو مطالبی را در «حدیقه» خود بنظم آورده که نه تنها عارف کامل از ذکر آنها مقام خود را برتر می‌داند، بلکه مردم عامه نیز از یاد آنها شرم می‌برند و تشویر می‌خورند قلندریات وی خود داستانی دیگر دارد و در آنها بخوبی نشان می‌دهد که هر کس در ظاهر و پوست باشد چگونه از باطن و معنی بی‌نصیب می‌ماند (۲۷).

مولوی که چندین بار از کلیله و دمنه و کتابهای داستانی دیگر نام برده، و قصه‌های هزل‌آمیز او در مثنوی فراوان است، می‌گوید:

کودکان افسانه‌ها می‌آورند
درج در افسانه‌شان بس سرو پند
هزل‌ها گویند در افسانه‌ها
گنج می‌جویند در ویرانه‌ها
هزل تعلیم است آنرا جد شو
تو مشو بر ظاهر هزلش گرو
هر جدی هزل است پیش هازلان
هزل‌ها جد است پیش عاقلان (۲۸)

این گروه، پیش از روانشناسان جدید دریافته بودند که «روش تمثیل» در تعلیم و تربیت آسان‌تر و سودمندتر و بهتر از «روش برهان» به نتیجه می‌رسد، و طبیعت مردمان را خوب می‌شناختند و می‌دانستند که توده مردم از افسانه‌ها و داستانها دلخوش و سرمست می‌شوند از این‌رو، افسانه‌ها و اسطوره‌های خوب و آموزنده را - ولو هزلی می‌بوده - برمی‌گزیدند، آنگاه افکار بلند و اندیشه‌های انسانی خود را در قالب آنها بیان می‌کردند؛ و در این راه به هیچ قوم و ملت و مذهبی اهمیت نمی‌دادند. در روزگاری که فقیهان و ظاهرپرستان شاهنامه فردوسی را پس پشت انداخته بودند و این سند قهرمانی و حماسی ملت ایران را «کارنامه گبران» و «نامه آتش پرستان» می‌پنداشتند و بگمان خود فردوسی را «رافضی» و مروج آیین گبران و مانویان می‌خواندند، این عارفان و صوفیان بودند که شاهنامه را می‌خواندند و بدون تعصب مذهبی و کینه‌ورزی بر جان گوینده‌اش آفرین می‌خواندند. ببینید بزرگداشت و تعظیمی از این بزرگتر نسبت بشاهنامه و فردوسی توانید یافت؟ «احمد غزالی (۲۹) روزی در مجمع تذکیر و مجلس وعظ روی بحاضران آورد و گفت: ای مسلمانان، هر چه من در چهل سال از سر این چوب پاره (۳۰) شما را می‌گویم، فردوسی در یک سخن گفته است، اگر بر آن خواهید گرفت از همه مستغنی شوید:

ز روز گذر کردن اندیشه کن
پرستیدن دادگر پیشه کن
پرستنده آز و جویای کین
بگیتی ز کس نشنود آفرین (۳۱)

حاصل آنکه عارفان و صوفیان هر جا

که سخن دلکش و کلام موزون دلپذیر می یافتند برمی گزیدند و بگوینده آن کاری نداشتند و شر و بدی را لازم این جهان می دانستند و می گفتند: شر در عالم مطلق نیست، بلکه موجود اعتباری است نه ذاتی. و سبب آن اینست که هستی، صورت خداست، و در صورت وی هیچ شری نیست و نتواند بود. و آنچه در عالم برای ما شر بنظر می آید، آن در نزد خدا خیر است و برای آن خدایش هستی بخشیده که نیکی و خیر بوسیله آن شناخته می شود. و راه خلاص از این شر جزیی، دوست داشتن و عشق ورزیدن است. (۳۲) و آنکه اگر کسی بگوید که بدیها از خداست نقصان فضل او نمی شود بلکه مایه کمال اوست و برای این آفریده تا کمال دانش و قدرت او پیدا شود، و اگر نتواند زشت و شد بیافریند ناقص است:

هر دو گونه نقشی استادی اوست زشتی او نیست آن رادی اوست زشت را در غایت زشتی کند جمله زشتی ها بگردش برتند تا کمال دانشش پیدا شود منکر استادیش رسوا شود ورنه اندک زشت کردن ناقص است زین سبب خلاق گیر و مخلص است پس از این رو کفر و ایمان شاهدهند بر خداوندیش هر دو ساجدند (۳۳)

«بنده آنی که در بند آنی...» (۳۴)
(ابوسعید ابی الخیر)

۴. تعلیم و ارستگی و آزادگی. — عارفان و صوفیان از آزاده ترین و وارسته ترین مردم جهان بوده اند. در یونان قدیم و پیش از آن مردمانی بوده که به کدیمین و عرق جبین نان می خوردند و با چاشنی قناعت و مناعت طبع، بنده چون خودی نمی شدند. سقراط و افلاطون و بویژه دیوژن از این مردم بودند. پس از آنکه اسلام بظهور رسید و کشورهای مغلوب در جنگ نتوانستند کاری از پیش ببرند و ناچار به سلاح اندیشه و ضربۀ بدعت چنگ زدند، اندک اندک تازیان مسلمان توجه یافتند که برای مقابله با بدعت آوران و شک کنندگان باید به کتابهای منطق و حکمت و اخلاق ملت های مغلوب غیرتازی — که تمدنهای درخشانی دارند — روی آورند و آنها را بخوانند. نهضت ترجمه از اینجا شروع شد، و منصور دوانقی و مأمون دو خلیفه بزرگ عباسی بویژه در این راه بسیار کوشیدند و مجالس بحث و مناظره راه انداختند و کتابخانه های بزرگی احداث کردند. اما بموازات پیشرفت علوم و معارف، سياهکاری و فساد امویان و عباسیان نیز بوجود آمد؛ یعنی بجای پیروی از سادگی و ارستگی خلفای راشدین به تقلید از فرمانروایان اقوام مغلوب مانند روم و ایران و دیگر کشورها، بساط عیش و نوش و شب زنده داری و عشرت جویی در دربار خلیفگان نیز راه یافت.

مردم پاکی که به پول دیوانی و بیت المال فقیران چشم ندوخته بودند و دلشان هم بچاپلوسی رضا نمی داد و آزاده و وارسته بودند بگوشه یی خزیدند و یکسب علم و دانش و معرفت و حکمت پرداختند. جماعتی هم پارسا شدند و زهد و تقوی پیشه کردند. بیشتر صوفیان نیز از این گروه بودند. اینان برای آنکه در خدمت آدمیانی مانند خود کمر بر میان نبندند، به نان جوین و سبزه قناعت می کردند، و دنیا را مانند لاشه یی می دانستند که تنها سگان آژگار در آن می افتد (۳۵) زیرا می دانستند که نعمت توانگران و خداوندان زر و سیم، خدمت و چاکری بدنبال دارد و اگر کسی از آنها چیزی گرفت باید در برابر آن خدمت و افتادگی بکند، بقول سعدی:

هر که را بر سباط بنشیند واجب آمد بخدمتش برخاست!

از این رو دندان طمع خود را می کشیدند و خداوندی و بندگی در چشم جهان بینشان برابر می نمود، و بدین طریق آزاد و وارسته می شدند. ابوسعید ابی الخیر می گفت: «خدایت آزاد آفرید، آزاد باش»، و همو می گفت «بنده آنی که در بند آنی». مولوی می گفت:

مطرب عشق این زند وقت سماع بندگی بند و خداوندی صداع (۳۶)
سعدی می گفت:

گر آزاده ای بر زمین خسب و بس مکن بهر قالی زمین بوس کس حافظ می گفت:

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود زهرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است برخی از این صوفیان راستین معتقد بودند که: اگر انسان بتواند به امور مادی و لذات حسی بی اعتنا باشد، همین امور مادی و لذات و خوشی های حسی و صاحبان جاه و مقام نیازمند وی می شوند و بیای خود بکمند وی می آیند. چند بیتی از یک غزل دیوان کبیر را اینجا می نویسم و سخن را کوتاه می کنم.

می گوید:

آن نفسی که با خودی یار جو خار آیدت و آن نفسی که بیخودی یار بکار آیدت آن نفسی که باخودی، یار کناره می کند و آن نفسی که بیخودی مه بکنار آیدت آن نفسی که باخودی، حوصله ات چودره یی است و آن نفسی که بیخودی دل جو بحار آیدت جمله بیقراریت از طلب قرار تست طالب بیقرار شو تا که قرار آیدت عاشق جور یار شو، عشاق مهر یار نی تا که نگار ناز گر عاشق زار آیدت (۳۷)

۵. تعلیم صفا و بی ربایی و دفع ظاهر پرستی. — پیش از این گفتیم که صوفیان اهل دلند و همواره پاکی دل و روح را خواستارند و اگر جسم نازیبا و ناپاک باشد خم به ابرو نمی آورند؛ و چون باطن ها را هیچ کس بهتر از خدا نمی شناسد و راز آن را نمی

دانند، از این رو همه را با حسن ظن پاک و اهل رحمت می شمارند. تمام مثنوی و بیشتر ابیات حافظ و اغلب بحث های «ابن عربی» و دیگران انباشته است باین نکته که مردم را از ظاهر پرستی و قشری گری و ریاکاری و بی صفایی منع کنند. اینان از قرآن و احکام آن نیز بظاهرش اعتنایی نداشتند و همیشه آنرا دارای تفسیر و تاویلی روحی و معنوی می دانستند:

ما ز قرآن مغز را برداشتیم پوست را پیش خسان انداختیم

زیبایی الفاظ و قراءت درست قرآن هم مفید فایده یی نیست، و سرانجام کسی صرفه خواهد برد که دلی پاک و قلبی سلیم داشته باشد، و چه بسیار خواننده درست قرآن که قرآن لعنتش می کند، زیرا برون سوییانش با درون سوییانش یکی نیست. صوفیان بحدی بصفای باطن پای بند بودند که لقب «صوفی» را هم برآمده از «صفا» می پنداشتند و اعتقاد داشتند جاهل و عامی شوریده دل و باصفا از عالم و مفتی و محتسب بی بدل و بی صفا شریف تر و بدرجات قبول تردیک تر است؛ از صفا و سادگی او هزاران فایده و سود برای مردم حاصل می شود، در حالی که از علم و غرور و خودبینی و گنده دماغی و کبریا و جبروت عالم ناپرهیزگار هزار زیان و آفت در زندگانی مردم ایجاد می شود و پیداست که از این همه صفات نکوهیده چه زیانهای برای مردم بار خواهد آمد. خلاصه، ظاهر اعتبار ندارد، چون اگر داشت خدا نیز خود را ظاهر می کرد؛ و چون ظاهر نکرده و مردان او بشناخت او نیاز دارند باید از ظاهر روی برتابند و بیاطن بگرایند تا در باطن وغیب، شاهد غیبی خود را ببینند.

۶. ننگ نداشتن از بدنامان. — توده مردم از معاشرت با مردمان بدنام و نامشهور دوری می کنند، و حتی در تعلیم و تربیت متداول، چنین آمده است که می گویند: انسان باید با بهتر و شناخته تر از خود مربوط شود و گر نه روزگار خود را تباہ خواهد ساخت:

ز خود بهتری جوی و فرصت شمار که با چون خودی گم کنی روزگار!

ولی صوفیان براین عقیده بودند که چون ظاهر شرط هیچ چیز نیست؛ و بدنامی اشخاص بیشتر بسبب کارهایی است که در ظاهر از ایشان سر می زند، حکم بیدی و فساد و تباهی آنان نمی توان داد. و آنکه معاشرت و هم نشینی با اصحاب شهرت و جاه مایه دردسر و گرفتاری و آفت است (۳۹). «بزرگان و جاهداران بمنزل دریای خروشان اند که تردیکی به آن ها خطرها دارد.» (۴۰) و همیشه احتمال افتادن آدمی در کام نهنگان دریا و غرق شدن او همراه است. مولوی در این باره نیکو می گوید:

هین ز بدنامان نباید ننگ داشت هوش براسرارشان باید گماشت

هر که او یکبار خود بدنام شد خود نباید نام جست و خام شد ای بسا زر که سیدتایش کنند تا شود ایمن ز تاراج و گزند هر کسی چون پی برد بر سر ما بازکن دو چشم و سوی مایا (۴۱) و خواجه حافظ در متجاوز از پنجاه غزل این نکته را گوشزد می کند که: گر مرید راه عشقی فکر بدنامی مکن شیخ صنعان خرقة رهن خانه خماد داشت (۴۲) چشم علت بین و تیز یاب و روشن عارف می داند که انسان ذاتاً بد و تباهاکار نیست، و این بدنامی بدنامان علت های اجتماعی و سیاسی و اخلاقی و اقلیمی دارد، باید آنها را یافت و شناخت و در رفع و دفع آنها کوشید؛ نه اینکه اشخاص را بعلت انجام کارهای بد، توبیخ و تهدید و ترك کرد. هراسانی مثنی فضایل و رذایل باهم دارد؛ هر کس فضایلش بر رذایلش چربید، انسان است و بویژه اگر با نیکان و پاکان انس و الفت بیابد بهتر و پاک تر می شود. آنکه انسان بی عیب و خوشنام می جوید، مانند عاشقی است که معشوقه بی عیب می جوید و البته نخواهد یافت. بقول ابوسعید ابی الخیر «معشوقه بی عیب مجوی که نیابی!» (۴۳)، و آنکه در نظر عارف روشن بین «بزرگ ترین عیب آدمی زاده این است که خود را بی عیب و بی گناه بیند و دیگران را عیب ناک!» (۴۴)

بالاخر از همه این ها نیکی و بدی صفت انتزاعی است، و بعقیده رهروان بزرگ این مسلک، نیک دیدن از نیک بودن، و بد دیدن از بد بودن است، و بنابراین هر وقت کسی در نظر ما بد جلوه کند باید در اصلاح آن بکوشیم که اگر در نظر ما آفتی و در دیده ما آهتی نبود، او را بدنمی دیدیم؛ از اینجاست که صوفیان می گویند: علم ما به همه چیز - بویژه شناخت احوال درونی مردم - نسبی و ناقص است (۴۵):

آن یکی در چشم تو باشد چو مار هم وی اندر چشم آن دیگر نگار ز آنکه در چشمت خیال کفر اوست و آن خیال مؤمنی در چشم دوست کاندیرین یک شخص، هر دو فعل هست گاه ماهی باشد او و گاه شست نیم او مؤمن بود نیمش گبر نیم او حرص آوری. نیمش صبر هر که این نیمه ببیند رد کند هر که آن نیمه ببیند کد کند ***

هر که را بینی شکایت می کند کان فلان کسی راست طبع و خوی بد این شکایت گر یقین خود هم بد است که از آن بدخوی بدگوی آمده است! ز آنکه خوشخو آن بود کو درخمول باشد از بدخوی و بدطبعان حمل ای بسا ظلمی که بینی در کسان خوی تو باشد در ایشان ای فلان

اندر ایشان تافته هستی تو از نفاق و ظلم و بدمستی تو (۴۶) باید از همه چیز قسمت خوب و زیبا و نیک آنرا دید؛ از زاغ چشم و از طاووس پرش را باید نگریست. «گویند: عیسی با شاگردان خود به لاشه سگی برگذشت. شاگردان گفتند: چه بد است بوی او؟ مسیح گفت: چه سفید است دندان او؟» آری: گر مرد راه بین شده ای عیب کس مکن از زاغ چشم بین و ز طاووس پرنگر (۴۷)

گروهی از صوفیان هم بودند که نه تنها بدنامان و گمنامان را تحقیر و ملامت نمی کردند، بلکه خود نیز کارهای شگفت خلاف مرسوم اجتماع انجام می دادند. بیشتر این صوفیان در خراسان بوده اند و اصطلاحاً آنان را «ملاطیان» یا «ملاطیه» می گویند. حرکات و سکنات و کردار و رفتار آنها یادآور زندگانی فیلسوفان سگ رفتار یا کلیبی یونان است که کارهای شگفت و خلاف عادت آنها در یونان و بی مبالاتی و بی اعتنایی آنان به دنیا و اهل دنیا سخت معروف است. این عارفان کارهای دیوانه و ش نفرت انگیز انجام می دادند، و حتی حرکاتی از خود نشان می دادند که توده مردم آنها را تارک شریعت بدانند. اگرچه در باطن به روح شریعت بیش از همه پای بند بوده اند. پژوهشگران، این گروه را پیروان «حمدون بن احمد عماره» می دانند. این مرد می گفته است که: «علم خدای به تو نیکوتر از آن باشد که علم خلق. پس باید در خلا با حق معاملت نیکوتر از آن کنی که اندر ملا با خلق؛ زیرا حجاب اعظم از حق شغل دل تست با خلق!» (۴۸) خلاصه کاری می کردند که مردم از آنها بی زار و گریزان باشند و بدیده نفرت بنگرند و ایشان بتوانند با خدا پردازند.

خوانندگان می دانند که: امروزه در روانشناسی علمی، پژوهشگران بر این عقیده اند که: بدی و خوبی اخلاقی، دیگر مفهوم علمی ندارد و اشخاص، سالم یا مریض و بهنجار یا ناهنجارند، و این بیماری و ناهنجاری شدت و ضعف دارد و منشأ بیشتر آنها نابسامانی های خانوادگی یا محیط اجتماعی است. اگر روسپی و دزد و جنایت کار، کارهای زشت و ناپسند و خلاف مرسوم می کنند بسبب آن است که در محیط خانواده محبت ندیده اند و گرمی مهر و نوازش پدر و مادر نچشیده اند و خلاصه تربیت و تعلیم درست نیافته اند؛ در محیط اجتماع با مردمان نادرست سیاهکار و قوانین کژ و ناخردمندانه روبرو شده اند و این عوامل در ساختن و پرداختن شخصیت و منش آنها مؤثر بوده است. هرگاه این عوامل ناباب و منفی و نامعقول از میان برود، این بیماران نیز بهبود خواهند یافت. از این گذشته، در زندگی هر کس نقطه های ضعف و

کارهایی شبیه دیوانگی و جنون و عیب و نقص توان یافت و هیچکس عاقل و فرزانه نیست و انسان بی عیب و گناه و دیوانگی، یا نیست یا اصلاً وجود نتواند یافت، زیرا مطابق قرآن نیز «انسان همواره در پرتگاه سهو و نسیان قرار گرفته است.» و گویند: «پهلوی» را گفتند: «دیوانگان را بشمار، گفت: این کار دراز می کشد. من عاقلان را می شمارم!» (۴۹) زیرا هراسانی بنحوی دیوانه و ناهنجار است: یکی در برابر پول و زر و سیم تاب مقاومت ندارد و با رؤیت آن زمام عقل از دستش می رود و دیوانه می شود؛ یکی در مقابل زیبایی زنان بی تاب می شود؛ یکی طالب جاه و مقام دنیا است؛ یکی شهرت می خواهد و به هر قیمتی هم که باشد آرزومند آن است، اما کسانی که فریفته چیزی و شیفته کاری نباشند و به اصطلاح «عاقل» باشند، بسیار اندک اند و در هر جامعه ای عدد آنها کم است، و اگر قرار باشد بدنام و رانده شوند باید همه رانده و بدنام شوند نه آنان که عاجزند و ناتوان.

حاصل آنکه صوفیان، از مردمانی که طبق رسوم جامعه و مواضعات (۵۰) و پیمان های مردم رفتار نکرده و سنت شکنی کرده و بدنام شده بودند، گریزان نبودند و از هم نشینی با آنها تنگ نداشتند، با آنها می نشستند و بدین بهانه صبر و تحمل خود را در برابر بی اعتنایی و نفرت و خشم مردم می آزمودند و نیز ظاهر پرستی مردم را محکوم می کردند و بدین ترتیب، آداب و رسوم اجتماعی و قیود نادرست را که بسیار وقت مانع ظهور معجزات اندیشه و آفرینندگی انسان می شود، بیاد انتقاد و سخریه می گرفتند. در میان شاعران عارف ایران کمتر کسی را می توان یافت که در این مورد با خواجه حافظ پهلوی بزند. این بحث را با دویست از او پایان می برم، می گوید:

گر من از سرزنش مدعیان اندیشم شیوه مستی ورنیدی نرود از پیشم (۵۱) زهد رندان نوآموخته راهی بدهی است (۵۲) من که رسوای جهانم چه صلاح اندیشم؟

معنی شهرت طلبی آنست که مردم کسی را بصفاتی از صفات کمال خواه جسمانی، مانند: زور و نیروی بدن و یا زیبایی اندام؛ و خواه معنوی و روحانی مانند: علم و بخشش و تقوی و خردمندی بشناسند و بستانند، و جاه دوستی نیز از این حس و اندیشه ناپسند برمی خیزد و برای نامجویان و نفس پرستان و هواپرستان زیانهای جانکاه بیار می آورد یکی از آنها اینست که: ستایش و مدح، آنها را مغرور و فریفته خود می سازد؛ و غرور نیز بی احتیاطی و کم دقتی بیار می آورد و نتیجه آن اشتباه و خطاکاری است و خود را بزرگ دیدن، از کثربینی و نادانی است، و نشانه این صفت ناپسند را در رفتار اشخاص بسیار دیده ایم و سابقه بسیار دراز دارد. وقتی انسان را بستانند اندک اندک، حقیقت وجود خود و حدود و کرانه

استعدادها و لیاقت‌های خود را فراموش می‌کند، و خود را انسانی برتر و ای بسا آسمانی و برگیرنده خدا می‌پندارد.

چو مولام خوانند و صدر کبیر
نمایند مردم بچشم حقیر؛

دومین زیان نام‌جویی و شهرت‌طلبی اینست که: انسان را بر آن می‌دارد که خویش را مناسب تمایل و موافق آراء و عقاید ستایشگران بسازد و بنماید، و برخلاف میل خود، رضای آنها را بجوید و ترك كام خود بگوید تا كام آنها برآید؛ و این ریشه نفاق و ریاکاری است زیرا با مزاج‌گویی، انسان حریت و استقلال فکر و روح خود را از دست می‌دهد، و از مسیر حقیقی و راستین کمال بدور می‌افتد، و به مقصود و غایتی که در نهاد و سرشت او نهاده‌اند نمی‌رسد.

بالاخر از همه، مدح و ستایش و آفرین چاپلوسان و متملقان امری زوال‌پذیر است و بر پایه حاجت و نیاز ستایشگر است، اگر حاجت برآورده شد مانند کف بر روی آب و مانند حباب بر سطح دریا از میان می‌رود و تباه می‌گردد و ستوده و ممدوح تنها می‌ماند. نظر به این آفت‌ها، بزرگان عارف و صوفی از ستایش و مدح و آفرین دوری می‌گزیدند. گویند: پیامبر روزی بر ستایشگری برگزشت و گفت: وای بر تو؟ پشت این ممدوح را شکستی؛ زیرا اگر از توبش‌نود و بپذیرد تا رستخیز روی رستگاری نبیند، و همو گفت که: «هلا تاهمدیگر را نستایید و چون ستایشگران بر خوردید خاك در روی

ایشان افشایند» (۵۳). مولوی همواره این نکته را در نظر داشته و می‌گفته است که: ستایش پيشاهنگ و آغاز خودبینی است (۵۴) «و روزی روی بیاران عزیز کرده فرمود: چندانکه ما را شهرت بیشتر شد و مردم بزیارت ما می‌آیند و رغبت می‌نمایند، از آن روز باز از آفت آن نیا سودیم؛ زهی راست فرمود حضرت مصطفای ما که: شهرت آفت است و راحت در گمنامی است» (۵۵).

پیش از این گفتیم، یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های صوفیان که از شهرت‌طلبی و نام‌جویی گریزان بودند، ملامتیان یا قلندران بودند، گروهی از پژوهشگران صوفی میان این دو گروه فرقه‌ای نهاده و دو گروه‌شان دانسته‌اند (۵۶). به هر حال، از شهرت گریختن و در گمنامی زیستن، یکی از پایه‌های اصلی طریقت ملامتیان است. این روش، در نیمه‌های سده سوم پدید آمد و کمال یافت و مروج آن بنابر مشهور ابوحنفص عمر بن مسلمة حداد (وفات ۲۶۶ هـ) بود. شاگردان و پیروان ابوحنفص از قبیل ابوصالح حمدون قصار (وفات ۲۷۱ هـ) و ابو عثمان سعید الجیری (وفات ۲۹۸ هـ) و ابوالفوارس شامین شجاع کرمانی (وفات ۲۸۸ هـ) و ابو عمر بن نجید (وفات ۳۶۱ هـ) و چندتن دیگر روش ملامتی را بسط دادند و در اطراف پراگندند تا این طریقت اهمیت

فراوان یافت و پس از آن در شهرهای دیگر نیز رایج گشت (۵۷).

مبدأ نخستین این فکر، دقت در صدق و اخلاص است، و گفته‌اند: همین نکته، منشا تحول زهد ساده به صوفیگری و درون‌گرایی درویشانه است. ملامتی می‌خواهد که از خلق پنهان ماند تا گرفتار آفات شهرت نگردد.

هر که داد او حسن خود را بر مرزاد

صد قضای بد سوی او رونهاد (۵۸)

ترس و نگرانی از دستانها و افسونها نفس که نزد ملامتی شر بزرگ است، او را کشف شری است که میان بنده و خداست و اظهار آن از نافرمانی نفس و خودبینی برمی‌خیزد.

مبالغه و اظهار طاعت و عبادت نسبت بخدا نیز در نظر آنها کاری مهم شمرده نمی‌شد، ملامتی پرواجبات و فرائض اکتفا می‌کرد، ولی آنها را از روی اخلاص و صدق و دور از هرگونه ریا خواه آشکار خواه پنهان بجا می‌آورد، و سخن کوتاه آنکه، برخلاف بیشتر صوفیان، هرچه مایه امتیاز سالک از دیگران باشد آنرا ناپسند می‌داشتند و بدین سبب خرقة هم نمی‌پوشیدند. برخی از این‌حد هم درمی‌گذشتند، و معتقد بودند که سالک باید خود را از نظر خلق ببندازد و اموری را که بظاهر ناپسند است، ولی خلاف شرع نیست، انجام دهد، مانند اینکه شربتی سرخ رنگ در پیاله بنوشد تا مردمش شرابخواره پندارند، و به‌دم و سرزنش او کمر بندند، تا نفس ستمگار از این راه طعم حقارت و خواری بچشد و دعوی خدایی نکند. قلندران یا قلندریه که از ملامتیان جدا شده‌اند، از این‌ها نیز پیش‌تر رفتند و کارهای منافی شرع را برای شکستن نفس روا داشتند، قلندریات «سنائی» (۵۹) که در آن نوعی بی‌پروایی و بی‌اعتنائی بظواهر شرع بچشم می‌خورد، سخنانی از این دست است. اصولاً این طایفه در شعر و ادب فارسی تأثیر فراوان کرده‌اند. اصطلاحاتی چون: میکده، می، پیرمغان، مغ‌بچه، یا ذکر کلیسا در برابر مسجد، و راهب در مقابل واعظ، و انتقاد ریاکاری و زهد فروشی و ترجیح بادم گساری بر طاعت ریایی و ترجیح آن بر مال وقف و حلال دانستن آن در جنب لقمه شبهه و خدمت بزرگان کردن (۶۰)، همه نشانه‌هایی از تأثیر همین گروه در زبان شیرین فارسی است.

قلندران موی سر و روی را می‌تراشیدند، لباسی مرکب از پوست و پارچه‌های مویین و گاهی پوست پلنگ یا ببر برتن می‌کردند، از ارتکاب منهیات دوری نمی‌کردند، گاهی بنگ و حشیش هم بکار می‌بردند و کشکول بدست می‌گرفتند و پرسه می‌زدند، و بیشتر بزبان پارسی سخن می‌گفتند تا تازی، که حمل بر خود فروشی و تفاضل نشود (۶۱) مولوی از قلندران بزرگی یاد کرده، و چنانکه افلاکی می‌گوید به سر و روی تراشی و گمنامی‌جویی آن حسد می‌برده است (۶۲)

در دیوان خواجه شیراز هم نسبت به این گروه اشارات گوناگون آمده که بیشتر آنها در تعریف و ستایش آنهاست.

۷. دعوت به اجتماع. — هیچ فرقه‌یی

مانند صوفیان مردم و بفکر مردم نبوده‌اند، دلیلش هم واضح است؛ زیرا هر فرقه‌یی طرفداران خود را برحق و راه راست می‌پندارند و فرقه دیگر و طرفداران آن را نجس و ملعون و بر باطل. تنها صوفیان بودند که با همه بشریت صلح و آشتی داشتند و پیش از دیانت و مذهب، دنبال انسانیت می‌گشتند؛ و اگر می‌توانستند از کمک مادی و معنوی بمردم دریغ نمی‌کردند. کمک مادی‌شان این بود که خود هرچه داشتند با دیگران می‌خوردند، و انگهی توانگران و ثروتمندان و جاه‌داران را از خدا و عذاب آخرت و شکنجه دوزخ ترس می‌دادند و به انفاق و بخشش نسبت بمردم وامی‌داشتند. غزالی به سلطان سنجر نامه نوشت، و در ضمن آن نامه چنین گفت:

«... بر مردمان طوس رحمتی کن که ظلم بسیار کشیده‌اند و غله به سرما و بی‌آبی تباہ شده، و درخت‌های صدساله از اصل خشک گشته؛ و هر روستایی را هیچ‌نمانده مگر پوستینی و مشی عیال گرسنه و برهنه. و اگر رضا دهد که پوستین از پشت باز کنند تا زمستان برهنه با فرزندانش در تنوری شوند، باری رضا مده که پوستشان باز کنند، و بدان که اگر از درویشان چیزی خواهد، همگان بگریزند و در میان کوه‌ها هلاک شوند و این پوست باز کردن باشد... و ای پادشاه، امروز بحدی رسیده است که عدل يك ساعت برابر عبادت صد سال است!» (۶۳)

این صوفیان بودند که همیشه یادآور این نکته بودند که «صدای خلق، صدای خداست!» (۶۴) «ابوسعیدایی الخیر» می‌گفت: «هرچه خلق را نشاید، خدای را نشاید؛ و هرچه خدای را نشاید خلق را نشاید!» (۶۵)

در دیوان حافظ همانند این ابیات را بسیار توان یافت:

تنش درست و دلش شاد باد و خاطر خوش که دست داشت و یاری ناتوانی کرد ! کمک معنوی آنان این بود که بزبان و بیان و برخی اوقات بانسان دادن کارهای شگفت و کرامت‌آمیز مردم را به‌اندیشیدن و تأمل و تفکر وامی‌داشتند؛ و چون بلند نظر بودند و همه مردم در نظرشان یکی بودند و حتی عاقلان و بدکاران را نیز قابل آمیزش و همنشینی و ترحم می‌دانستند و آنان را با پاکان و راستان فرقی نمی‌نهادند و از این لحاظ با همه انس داشتند و پاسبان و سلطان و کافر و مسلمان و هوشیار و مست در پیش چشمان یکی بود:

بیار باده که در بارگاه استغناء چه پاسبان و چه سلطان، چه هوشیار و چه مست؟ (۶۶)

همین سماع صوفیان که مایه این همه

انتقاد از طرف فقیهان و ظاهر پرستان می‌شد بیشتر برای این بود که مردم مستعد را يكجا جمع کنند و پای بکوبند و آواز بخوانند و در اثناء سخن و قول و غزل، آنان را از حق و راستی و اصول انسانیت آگاه سازند، و افکار و عقاید خود را در میان مردم پیرا کنند.

۸. بی‌اعتنایی در برابر مرگ. - یکی از سخت‌ترین و ترسناک‌ترین مسائل زندگی آدمی زادگان، مسئله مرگ است. و تا امروز هم که علوم و معارف بشر به صورت حیرت‌انگیزی پیشرفت کرده، و هر روز مسأله‌ی مشکل از این مسائل و مشکلات حل می‌شود و روزنه‌ی بسوی روشنایی و دانش گشوده می‌شود، باز «هر بند گشاده شده بجز بند اجل»، و بقول یکی از دانشمندان انسان دوست. فرانسوی: «همین ترس از مرگ و حتمی بودن آن، باز اندکی آدمیان را از نفس‌پرستی و حق‌کشی باز می‌دارد؛ زیرا با اندک توجهی درمی‌یابد که سرانجام کارش تاریکی و مرگ است و همه رشتدها و بافته‌هاش پنبه می‌شود و با حسرت و ناکامی زیر خاک می‌رود، و اگر مرگ نبود آدمی زادگان همدیگر را می‌دریدند و از حیوانات وحشی هم خونخوارتر و جان‌کیرتر می‌شدند.» مردم عادی از مرگ می‌ترسند و این نکته را همه می‌دانند. البته برخی از فیلسوفان یونان مانند «اپیکور» (۶۷) و «دیوژن» و فیلسوفان سگ‌کردار یا کلبی، در برابر مرگ بی‌اعتنایی کرده‌اند، و دلیل آنها این بوده است که: رنج و درد انسان تا زمانی است که حس و شعور باقی است، ولی زمانی که شعور و حس از آدمی رفت و به هیكل بیجان تبدیل شد، دیگر چیزی را در نمی‌یابد. از این‌رو، مرگ را هم احساس نمی‌کند تا رنج بکشد؛ از این جهت وی می‌گفت: «تا من هستم مرگ نیست، چون مرگ بیاید من نیستم». اما صوفیان مرگ را بچند دلیل می‌پسندیدند و خم به ابرو نمی‌آوردند:

نخست برای اینکه: مرگ را «فناء» و نیستی انسان نمی‌دانستند، بلکه آنرا انتقال از يك مرحله به مرحله‌ی دیگر و ارتقاء از مقامی پست به مقامی برتر می‌شمردند و می‌گفتند: «دنیا زندان عارف و بهشت دنیا پرست است.» (۶۸).

خرم آن روز کرین منزل ویران بروم راحت جان طلبم وز پی جانان بروم. مرگ راه بخدا و مایه وصول به حق است و بریدن از ناسوت و رسیدن به لاهوت و گذشتن از مقام فنا و پیوستن به بقاء. - نظامی که خود در عرفان دستی داشته، این نکته را خوب بیان کرده است:

گر مرگ رسد چرا هراسم؟
کان راه بتوست می‌شناسم
این مرگ نه، باغ و بوستانست
کو راه سرای دوستانست
تا چند کنم ز مرگ فریاد؟
چون مرگ از اوست مرگ من باد

گر بنگرم آنچنانکه رایست
این مرگ نه مرگ نقل جانست
از خوردگهی بخوابگاهی ...
واز خوابگاهی بزم شاهی
خوابی که بزم تست راهش
گردن نکشم ز خوابگاهش
چون شوق تو هست خانه خیزم
خوش جستم و شادمانه خیزم.
و همو می‌گوید:

انگار که هفت سبب خواندی
یا هفت هزار سال ماندی
آخر نه چو مدت اسیری گشت
آن هفت هزار سال بگذشت؟
چون قامت ما برای غرق است
کوتاه و دراز را چه فرق است؟ (۶۹)
و شعر معروف مولانا را خوانده یا شنیده‌اید که می‌گوید:

از جمادی مردم و نامی شدم
وز نما مردم بحیوان سر زدم
مردم از حیوانی و آدم شدم
پس چه ترسم کی زمردن کم شدم؟
وهله دیگر بمیرم از بشر
تا بر آدم چون ملایک بال‌وپر (۷۰)
و در احوال شیخ صلاح‌الدین زرکوب (وفات ۶۵۷ هـ) جانشین مولوی آورده‌اند که: وصیت کرده بود آیین عزاداری را بجا نیاورد، بلکه چون از محنت خانه جهان رهایی یافته، بعالم جاویدان می‌پیوندد، با ساز و رقص و سماع بخاکش سپارند. «سلطان ولد» فرزند مولانا درباره این وصیت می‌گوید:

شیخ فرمود در جنازه من
دهل آرید و کوس با دف زن
سوی گورم برید رقص کنان
خوش و شادان و مست و دست‌افشان
تا بدانند کاولیای خدا
شاد و خندان روند سوی لقبا
مرگشان عیش و عشرت و سوراقت
جایشان خلدهون پر حوراست (۷۱)

و جنید گوید که ابوعلی رازی می‌گوید: سی سال با فضیل عیاض صحبت داشتم او را متبسم و خندان ندیدم مگر روزی که پسرش «علی» درگذشت (۷۲)؛

دوم اینکه: کسی از مرگ پریشان خاطر و شوریده دل می‌شود که چیزی داشته باشد، و هر اندازه داشته باشد دل‌بستگی‌اش بیشتر و دل‌کنندش سخت‌تر خواهد شد و چون عارفان جمع نکردند، پریشانی نیست! داستان آن درویش را شنیده‌اید که پیش عطار آمد و او در داروخانه خود بود و از او چیزی خواست. عطار - که سرگرم بازار خویش بود - چندان اعتنایی نکرد. درویش گفت: تو با این دل‌بستگی به دنیا چگونه خواهی مرد؟ گفت: همانگونه که تو خواهی مرد. درویش کاسه چوبین خود را زیر سر نهاد و خوابید و مرد. عطار بادیدن این بازی شورانگیز تکان خورد و سرمایه خود را پریشان کرد و به این و آن بخشید و

صوفی شوریده سری شد! این داستان اگر چه بافسانه شبیه‌تر است تا بحقیقت ولی گویای بی‌اعتنایی این گروه است، و نشان می‌دهد که برآستی این گروه، مرگ را عروسی می‌دانسته‌اند (۷۲).

صوفی در برابر مرگ مردانه و جانباز است، و حقارت جسم و کالبد خود را در برابر هیكل هستی نیکو می‌داند و همواره آرزوی مرگ می‌کند. و این نکته را - بنظر این بنده - مولانا در داستان «مسجد مهمان کش شهر ری» بهتر از جاهای دیگر مثنوی بیان کرده است.

هیچکس در وی نخفتی شب زیم
که نه فرزندش شدی آن شب یتیم
هر که در وی بی‌خبر چون کور رفت
صبحدم چون اختران در کور رفت
تا وقت شب یکی میهمان از راه رسید و خواست تا در آن مسجد بخوابد:

از برای آزمون می‌آزمود
ز آنکه بس مردانه و جانباز بود
گفت: کم گیرم سر و اشکبه‌ی
رفته گیر از گنج زر يك حبه‌ی
صورت تن گو برو من کیستم
نقش کم نآید چو من باقیستم
چون «نفخت» بود از لطف خدا
نفخ حق باشم ز نای حق جدا
چون «تمنوا الموت» گفت ای صادقین
صادقم جان را برافشانم براین
من عجب دارم ز جویای صفا
کو رمد در وقت صیقل از جفا
عشق چون دعوی، جفا دیدن گواه
چون گواهی نیست، شد دعوی تباه
چون گواهی خواهد این قاضی، مرنج
بوسه ده بر مار تا یابی تو گنج
صوفی یا عارف اگر خدا را می‌خواهد
و عاشق اوست و فناء ذات و صفات خود را
در او مایه بقاء خویش می‌داند، باید از مرگ و نهراسد، و اگر دشمنان حق او را بمرگ و نیستی تهدید کنند خم به ابرو نیاورد. آنکه دعوی عشق خدا و پرستش راستین او را می‌کند و در عمل می‌گریزد و پای نمی‌دارد، مانند جنگاوری است که پیش از آغاز جنگ رجز خوانی می‌کند ولی چون پای عمل می‌رسد می‌گریزد و سست می‌شود:

وقت لاف غزو، مستان کف کنند
وقت جوش جنگ چون کف بی‌فند
وقت ذکر غزو شمشیرش دراز
وقت کر و فر تیغش چون پیاز
وقت اندیشه دل او زخم جو
وقت ضربت می‌گریزد کو بکو (۷۴)

۹. ترس دادن فرمانروایان و بزرگان از عواقب ستمگری. - یکی از زیباترین فصول صوفیگری و عرفان اسلامی ایرانی دیندار صوفیان و عارفان با فرمانروایان معاصر خود بوده، که فصلی دلکش و آموزنده است. این دیدارها مظهری از صداقت و پاک‌نهادی و بی‌پروایی این گوشه‌نشینان است و نشان می‌دهد که برآستی

«نفوذ کوشه نشینان زقاف تا قاف است!»
 شرح این مطلب را در مقاله جداگانه‌ای خواهیم نوشت در این بخش خواهیم دید که چگونه استغناء و بی‌نیازی انسان مایهٔ اعجاب و احترام بزرگان می‌شود و چگونه فقر مایهٔ افتخار می‌گردد؟

۱۰. روان پژوهی عمیق و راستین به خلاف مسلمانان قشری و فقیهان ظاهری که دانش آنها راجع به عبادات خدا و معاملات مردم است، و این همه بظاهر نظر دارد، و همواره می‌گوید که «ما بظاهر حکم می‌کنیم، و باطن‌ها را خدا می‌داند» (۷۵)؛ صوفیان با باطن سر و کار دارند و معرفت صوفیانه یعنی آگاهی از اعمال و اطوار قلب و احوال و مقامات باطنی. این گروه اگر بقرآن هم نظر داشته‌اند بیشتر ناظر بر آیاتی بوده که از باطن انسان و احوال قلب او سخن می‌گوید. همهٔ کتاب عظیم «احیاء علوم الدین» غزالی - گذشته از قسمت‌هایی که در احکام و عبادات و امور صورت سخن گفته و باز به آنها هم چاشنی ذوق زده و معانی باطنی داده - همه کم و بیش شرح این آیه است که می‌گوید «در این قرآن، پند و عبرت است برای کسی که دل داشته باشد.» (۷۶) اما فهم معنی قلب یا دل هم آسان نیست و بیشتر مردم از فهم آن عاجزند، زیرا قلب بدو معنی اطلاق می‌شود. نخست: گوشت صنوبری که در جانب چپ سینه قرار دارد و همه دیده‌اند و وزن و شکل و کار آن شناخته است؛ دوم عبارت از لطیفه‌ی ربانی و روحانی است که البته باین قلب جسمانی تعلق و آویزش دارد، و همین لطیفه است که حقیقت انسانیت است و مدرك و عالم است و هموست که مورد خطاب و عتاب و بازخواست قرار گیرد، ولی عقول بیشتر خلق از فهم چگونگی و نحوهٔ وابستگی آن به قلب جسمانی سرگردان مانده است. (۷۷) بیشتر صوفیان و عارفان در این باره کتاب‌ها و رساله‌ها پرداخته‌اند و اگر نام برخی از آنها و تحقیقات گنجانیده در آنها را یاد کنیم، سخن بسیار دراز می‌شود. همین اندازه می‌توانیم گفت که: بوسیلهٔ همین قلب و پاکی و طهارت آن انسان خدا را می‌شناسد؛ ولی «شرط خدانشناسی باز خویش‌شناسی» است. در همهٔ این فصول که بکوتاهی سخن رانده‌ایم نشانه‌ها و نمونه‌های آشکار و شگفتی از این روان‌شناسی و روان پژوهی (۷۸) و شناخت احوال باطنی به همت صوفیان و عارفان بدست داده‌ایم، و فهم آن هم از یک جهت دیگر چندان سخت نیست، زیرا همهٔ عرفان و صوفیگری یعنی: همین خودشناسی، و همین «خودشناسی» بهترین وسیلهٔ دیگرشناسی و نخستین پلهٔ نردبان انسان‌شناسی است. از میان دانش‌ها و علوم گوناگون هم صوفیان تنها این علم را سودمند و راستین می‌دانستند و فقه و کلام و فلسفه و اصول و خلاف و جدال و صرف و نحو را بچیزی نمی‌گرفتند. همهٔ مثنوی و

دیوان شمس و اشعار خواجه پر از این علم خودشناسی و راه‌ها و روش‌های آنست؛ اما تفصیل آن خود دفتری دیگر می‌خواهد. من اینجا بدو قطعهٔ مثنوی از نظامی گنجوی و مولوی بلخی کفایت می‌کنم. نظامی خطاب بفرزندش می‌گوید:

گرچه سر سروریت بینم
 و آیین سخنوریت بینم
 در شعر میبچ و در فن او
 چون اکذب اوست احسن او
 زین فن مطلب بلند نامی
 کان ختم شده است بر نظامی
 نظم از چه بمرتب بلند است
 آن علم طلب که سودمند است
 در جدول این خط قیاسی
 می‌کوش بخویشتن شناسی
 تشریح نهاد خود در آموز
 کان معرفتی است خاطر افروز (۷۹)
 و مولوی می‌گوید:

صد هزاران فصل داند از علوم
 جان خود را می‌نداند آن ظلوم
 داند او خاصیت او هر جوهری
 در بیان جوهر خود چون خری
 که همی داند یجوز و لایجوز
 خود ندانی تو یجوزی یا عجز
 این رواو آن ناروا دانی ولیک
 خود روا یا ناروایی بین تو نیک
 قیمت هر کاله می‌دانی که چیست
 قیمت خود را ندانی زاحقیست
 سعه‌ها و نحسه‌ها دانسته‌ای
 ننگری سعدی تو یا ناشسته‌ای
 جان جمله علم‌ها اینست این
 که بدانی که من کیم در یوم دین
 آن اصول دین بدانستی و لیک
 بنگر اندر اصل خود کو هست نیک؟
 از اصولیت اصول خویش به
 که بدانی اصل خود ای مرده (۸۰)

۱۱. تعلیم عشق و محبت و القاء ایمان -
 «چون آفریدگان بتو نزدیک شوند
 در واقع خدا بتو نزدیک شده است» (۸۱)
 دربارهٔ عقل و عشق سخن فراوان گفته‌اند، و در این باره، هم فیلسوفان و هم عارفان کتاب‌ها و رساله‌ها پرداخته‌اند. فیلسوفان راه وصول به شناخت عالم و معرفت حق را عقل دانسته‌اند، و متکلمان اسلام که گفته‌اند «عقل آن چیزی است که خدا را بدان عبادت کنند و بهشت را بوسیلهٔ آن کسب کنند» (۸۲)، در واقع از فیلسوفان الهام گرفته‌اند. اما عارفان گفته‌اند: پای عقل در شناخت این قبیل مسائل لنگ است و عقل را فقط برای این در انسان تعبیه کرده‌اند که «دنبال روزی و تهیه معاش برود»، اما آنچه شناخت حقیقت عالم و معرفت خدا را ممکن می‌سازد «عشق» است که محل آن دل است. بقول مولوی:

ریزه کاریهای علم هندسه
 یا نجوم و علم طب و فلسفه
 کان تعلق با همین دنیاستش

ره به هفتم آسمان بر نیستش
 این همه علم بنای آخر است
 که عماد بود گاو و اشتر است
 علم راه حق و راه منزلش
 صاحب دل داند آنرا بادش (۸۳)

غزالی در این باره بتفصیل سخن رانده، و فرق عشق و محبت و مراتب هر دو را بیان داشته و گفته است: هرگاه عشق و محبت در دل آدمی زاده قوت گرفت و راسخ شد و دریافت که خلق نیز مظاهر وجود او هستند همه را دوست می‌دارد و نسبت به همه عشق می‌ورزد و ایمانی که از این راه در دل او پیدا می‌شود از همهٔ ایمان‌های استدلالی و اثباتی بهتر و ثابت‌تر می‌شود. آنگاه می‌گوید: «ایمان مردم بر سه مرتبه است: ایمان مردم عامه، که تقلیدی است؛ ایمان متکلمان و فیلسوفان و اصولیان و جدالیان و غیر هم که استدلالی و تردید به ایمان عوام است چه، همهٔ عمر خود را در اثبات درستی افکار و اندیشه‌های فیلسوفان یونان، بویژه سقراط و افلاطون و ارسطو کرده‌اند، و حال آنکه هیچ معلوم نیست گفته‌های آنها با حقیقت سازگار باشد. بهر حال آنان هم مقلد هستند نهایت آنکه تودهٔ مردم به مجتهدان و پیشوایان دین تقلید می‌کنند، و اینان به حکیمان و متکلمان یونان؛ ایمان عارفان و صوفیان، که ایمانی یقینی است و هیچ شک و تردید در آن نیست، زیرا از جانب خدا القاء و الهام شده، و بی‌واسطه و حجاب بدل رسیده است» (۸۴) فیلسوفان که نمایندگان عاقلان و خردپرستان بوده و هستند، بسیاری از معجزات و کارهای شگفت پیامبران را انکار می‌کردند. صوفیان و عارفان چون خود را به روح اسلام پای‌بند و معتقد می‌دانستند، و انگهی خود نیز کارهایی در ردیف کار پیامبران و معجزات انبیای بزرگ یا پایین‌تر از آنها انجام می‌دادند، انکار فیلسوفان را دلیل خشکی و بی‌بنیادی روش و طریقهٔ تحقیق آنها می‌دانستند. نمونه را مولوی در آیات زیر بچندین نکته که مورد تراع اهل دل و اهل عقل بوده، اشاره کرده، و فیلسوفان را به نقص و عیب منسوب داشته است:

فلسفی گوید ز معقولات دون
 عقل از دهلیز می‌ماند برون
 فلسفی منکر شود در فکر وطن
 گو بر سر را بر آن دیوار زن
 نطق آب و نطق خاک و نطق گل
 هست محسوس حواس اهل دل
 فلسفی کو منکر خانه است
 از حواس انبیاء بیگانه است
 گوید او که پرتو سودای خلق
 بس خیالات آورد در رای خلق!
 بلکه عکس آن فساد و کفر او
 این خیال منکری را زد بر او
 فلسفی مر دیو را منکر بود
 در همان دم سخرهٔ دیوی بود
 گر ندیدی دیو را خود را بین

بی‌جنون نبود کبودی بر جبین! هر که را در دلشک و بیجانی است در جهان او فلسفی پنهانی است الحذر ای مؤمنان کو درد شماست در شما بس عالم بی‌منتهاست (۸۵)

۱۲. شکوفا کردن فلسفه اسلام ایران.

عارفان اسلامی ایرانی که از سرچشمه‌های متعدد مختلف چون آیین بودایی و زرتشتی و فلسفه پهلوی و خسروانی و دین‌مانی و ترسایی و آیین مزدک و جز آنها بهره‌مند شده، و مردانی بسیار آزاداندیش و بی‌پروا در میان پروردگان این مذهب بوجود آمده‌اند، از این رو سرشار است از نکته‌هایی دلپذیر و آموزش‌های انسانی و مردمی.

۱۳. تعلیم نوعی سوسیالیسم معتدل از راه ریاضت و منع مال پرستی.

چون ز درویشی گریزانند خلق لقمه حرص و امل زآندخلق (۸۶)

بیشتر پیکارها و گرفتاری‌های اجتماع انسانی در اثر فقر عده‌یی و ثروت بیکران گروه دیگر پیدا می‌شود. راستی هم بقول «ادوارد کتون» سفیر سابق ایالات متحده در شوروی: «جنگ میان کمونیسم و کاپیتالیسم نیست، بلکه میان ثروتمندان و نیازمندان است.» از آغاز تاریخ بشر، این دو گروه روی در روی هم ایستاده‌اند و بدبختانه هیچ یک از دو گروه نسبت به هم گذشت و مهربانی نکرده‌اند، و علت این بوده که گروه اول سخت گرفتار نفس‌پرستی و جادطلبی و مال اندوزی بوده‌اند، و گروه دوم با گرسنگی و نیازمندی و بی‌ثأمینگی گل‌آویز، و از پیش گفته‌اند که «شکم گرسنه بخدا هم‌ایمان ندارد.» اما صوفیان در این مورد نیز تعلیمات عملی و نظری سودمند و شگفت داشته‌اند که اینک برخی از آنها را یاد می‌کنیم:

فقیهان و ظاهر پرستان بر صوفیان اعتراض می‌کنند که: این گروه اباحی مذهب‌اند، زیرا صوفی معتقد است که همه دوستان و برادران و یاران مسلکی در مالکیت اموال دنیوی باهم شریک‌اند، و هیچ چیز اختصاص به هیچ کس ندارد. سهروردی (وفات ۶۳۲ هـ) می‌گوید: «از آداب صوفیان اینست که آنها چیزی را ملک مخصوص خود نمی‌دانند» و همو گوید: «از اخلاق صوفیان قدیم این بوده که هر کس چیزی از مال برادرش نیازمند می‌شده، بدون مشورت و در پی‌ورزی آنرا برداشته و بکار می‌برده است... و آیه [امرهم شوری بینهم] (۸۶) را بمعنی مشاع بودن و مساوات تفسیر می‌کرده‌اند.» (۸۷) یعنی در مال هم شریک و در استفاده از آن برابر می‌بوده‌اند. و همواز احمد بن قلاسی نقل کرده است که: روزی در بصره بر گروهی از درویشان فرود آمدم، مرا اکرام کردند و بزرگ داشتند و بنواختند. روزی یکی از ایشان گفتم: «شلوار من کجاست؟» گفتن همان بود و

خوار گشتن در چشمشان همان! و گویند: چون کسی با ابراهیم ادهم (وفات ۱۹۸ هـ) مصاحبت می‌خواست، سه چیز را با او شرط می‌کرد: اول و دوم اینکه خدمت یاران و اذان با او باشد؛ سوم آنکه تصرف او در مال ایشان نافذ باشد. روزی باسالکی همین شرط سوم بیان می‌کرد، جواب داد که این کار نتوانم کرد. ابراهیم گفت: مرا از راستی و صداقت تو در این راه عجب می‌آید! و همین ابراهیم ادهم از باغها نگاهبانی می‌کرد و دروگری، و آنچه در می‌آورد، با یاران خرج می‌کرد. در احوال ابوسعید ابی‌الخیر هم آمده است که: خواجه ابوالقاسم حکیم مردی بزرگ بوده است در سرخس، و جمعی مریدان داشت، همه مردمانی عزیز، چون آوازه شیخ ما اَبه‌سعید... بسرخس رسید و آن حالت‌های او هرروز بایشان می‌رسید... خواستند که حال شیخ بدانند که تاچه درجه رسیده؟ يك روز بنشستند و درباره شیخ سخن می‌گفتند. یکی گفت: مردی بزرگ است. دیگری گفت که: خانه پس کوه دارد، یعنی: روستایی است، و مردم روستایی کسی نباشند. یحیی ترک مردی بزرگ بود، گفت: از غیب گفتن کار شما نیست. من بمینه روم و در و فرو نگرم تا او خود کیست؟ پس روی بمینه نهاد... بامداد بود شیخ را خبر شد، چون او از مسجد درآمد شیخ را چشم بروی افتاد، گفت: مرحبای ای یحیی! آمده‌ای تا بما فرو نگری؟ و درویشان را چشم براه نباید داشت. آن جوانمردان ترا چه گفتند؟ یحیی گفت: شیخ بگوید. شیخ گفت: نه ترا گفتند بنگر تا چه مردی است؟ گفت: بلی! گفت: دیدی؟ گفت: دیدم، گفت: چه خواهی گفت؟ گفت: هرچه شیخ گوید نیکوتر باشد. شیخ گفت: برو و بگوی که مردی را دیدم که بر کیسه او بندنبود و باخلقش دآوری (۸۸) نبود. ۱۰۰ (۸۹)

و نیز «آورده‌اند که شیخ ما ابوسعید... بنشاور در گرمابه بود. شیخ بوجه محمد جوینی سلام شیخ ما آمده بود بخاتقاه گفتند... شیخ پجمام است. او نیز موافقت کرد. چون درآمد پیش شیخ بنشست: شیخ گفت: این گرمابه خوش است، از چه سبب خوش است؟ گفت: از بهر آنکه شیخ در اینجا است. شیخ گفت: بهتر از این باید گفت: گفت: شیخ گوید. شیخ گفت: از بهر آنکه باتو ازاری وسطی نیست، و آن نیز از آن تو نیست! و نیز «شیخ ما گفت که: آن یکی بهشت را در خواب دید که خوانی نهاده بود و جماعتی بر آن نشسته. او خواست که بایشان موافقت کند، یکی بی‌آمد و دست او بگرفت و گفت: اینجا یگانه تو نیست، این خوان کسانی است که يك پیراهن دارند و تو دو پیراهن داری!» (۹۰)

این جهان زندان و ما زندانیان حفره کنی زندان و خود را وارهان چیست دنیا از خدا غافل بدن

نه قماش و نقده و میزان وزن مال را کز بهر دین باشی حمل «نعم مال صالح» خواندش رسول چونك مال و ملك را از دل براند ز آن سلیمان خویش جز مسکین نخواند

(۹۱) ***

باید دانست که دنیا نزد عارفان و صوفیان راستین، عبارت از هرچیزی است که انسان را از خدا و کمال نفس دور سازد و مشغول دارد و خط و بهره‌مندی نفس در آن باشد. و از این رو، حالتی قلبی است و در واقع توجه دل است بلذت گذرنده. پس دنیا، ظاهر مادی جهان و نیز خواسته و زر و سیم وزن نیست بلکه آویزش دل است به هرچیزی که آدمی را از حقیقت دور نگاه دارد خواه مادی باشد و خواه معنوی. بنابراین، بنظر عارفان همه وسایل حیات، هرگاه موجب دل‌بستگی نشود و آدمی را از مقام بلند انسانیت برون سازد جزو دنیا محسوب نمی‌شود. اقسام عبادات از نماز و روزه و حج و جز آن نیز هرگاه حجاب حقیقت شود، در شمار دنیا است و نزد عارفان قدری ندارد. آخرت نیز در نزد این گروه، هر امری و کاری است که موجب وصول به حقیقت و مدارج کمال باشد خواه مادی و خواه معنوی حاصل. اینکه: آنچه مذموم است دل‌بستگی و آویزش به زر و سیم و زن و فرزند است و جاه و مقام، نه داشتن آنها و داراشدن اسباب و آلات و معاشرت با مردمان با جاه و مقام (۹۲). دلیل این مطلب سلیمان پیامبر است که در حشمت و جاه و لشکر و سپاه بی‌همال بود و در اشعار تازی و فارسی و میان مسلمانان نمودار قدرت و ثروت و کامکاری است. ولی همه این اسباب و حشمت و جاه و جلال و جبروت مایه دل‌بستگی و آویزش او نشد و درسیره او آورده‌اند که «فروتن و افتاده بود با درویشان و نیازمندان می‌نشست و همواره با ایشان آمیزش داشت و می‌گفت: من نیازمندی هستم که با نیازمندان می‌نشینم زیرا درویش جز با درویش نیامیزد» (۹۳).

بایزید بسطامی می‌گوید: «هیچ کس بر من غلبه نکرد مانند جوانی از اهل بلخ که بقصد حج بر ما وارد شد و گفت: یا بایزید: حد زهد پیش شما چیست؟ گفت اینکه: چون بیاییم بخوریم و چون نیاییم سپاس گزاییم. گفت: پیش ما سگان بلخ نیز چنین‌اند. گفتم: پس حد زهد پیش شما چیست؟ گفت اینکه: چون نیایم شکر کنیم، و چون بیاییم ایثار کنیم و بر دیگران ببخشیم!» (۹۴)

امساك و بخل، بنظر عارف مذموم و ناپسند است و ناسپاسی بطریقت عارفان، زیرا «برای نهادن و ذخیره کردن، زر با سنگ فرقی ندارد»:

چه دوزخی چه بهشتی چه آدمی چه پری بمذهب همه، کفر طریقتست امساك! (۹۵) صوفی که با صفای باطن و روح پاک خود با مردم انس دارد و همواره برون-

نگری را باز می‌گذارد و درون‌نگری می‌کند به‌نیکی دریافته است که «زر را دوست بسیار است و زردار را دشمن بسیار» از این رو، بیهوده خود را در معرض دشمنی و حسد و کینه و نفرت مردم قرار نمی‌دهد. اومی - داند که آدمی سیر، از شنیدن اینکه عده‌یی گرسنه و بی‌پناه‌اند و روز و شب غم نانی دارند و برای همین بدزدی و سیاهکاری دست زده‌اند، بخنده می‌آید و باورش نمی‌شود (۹۶)؛ اما او که خود با اختیار رنج کشیده و ریاضت دیده، درد آنها را می‌شناسد، و اینگروه را از پوزخند برحذر می‌کند:

چو با حبیب‌نشینی و باده پیمایی
بیاد دار محبان باد پیمای

یا: ای توانگر تو که سیری همین مخند بر کزی آن فقیر دردمند (۹۷)
بر کنار بامی ای مست مدام پست بنشین یا فرود آ و السلام
هر زمانی که شوی تو کامران آن دم خوش را کنار بام دان
بر زمان خوش هراسان باش تو همچو گنجش خفیه کن نی فاش تو
تا نیاید بر ولا ناگه بلا ترس ترسان رو در این مکن هلا (۹۸)
سعدی می‌گفت: «شیطان بامخلصان بر نیاید و سلطان بامفلسان». (۹۹) و همو می‌گوید: «خواهنده‌یی مغربی در صف بزازان حلب می‌گفت: ای خداوندان نعمت اگر شما را انصاف بودی و ما را قناعت، رسم سؤال از جهان برخاستی:

ای قناعت توانگرم گردان که ورای تو هیچ نعمت نیست
کنج صبر اختیار لقمان است هر که را صبر نیست حکمت نیست» (۱۰۰)
حافظ می‌گوید:

ساقی بجام عدل بده تا گدا غیرت نیاورد که جهان پر بلا کند
صوفی مال دنیا را دوست نداشت، و اگر دست می‌داد و مالی می‌یافت، تنها برای خود بر نمی‌داشت بلکه دوستان را نیز در آن شریک می‌کرد:

نه مرد است آنکه دنیا دوست دارد اگر دارد برای دوست دارد (۱۰۱)
بنابراین ملاحظه می‌فرمایید که عارف و صوفی و مردان راستین هیچ وقت به اندازه‌یی ندارند که باری بردلشان باشد و شب و روز در خوف و وحشت بسر ببرند و تا صبح نیارامند:

آنکس از دزد بترسد که متاعی دارد عارفان جمع نکردند و پیرشانی نیست نظامی می‌گوید:

جز آدمیان هر آنچه هستند در شقه قانعی نشستند
در جستن رزق خود شتابند سازند بدان قدر که یابند چون وجه کفایتی ندارند

یارای شکایتی ندارند آن آدمی است کز دلیری کفر آرد وقت نیم سیری
گر فوت شود یکی نواله‌اش بر چرخ رسد فقیر و ناله‌اش
گر تر شودش بقطره‌یی بام در ابر زبان کشد بدشنام
ور یک جو سنگ تاب گیرد خرسنگ در آفتاب گیرد (۱۰۲)

در این داستان گلستان نیک تأمل کنید: «بازرگانی را شنیدم که صد و پنجاه شتر بار داشت و چهل بنده خدمتکار، شبی در جزیره کیش مرا بحجره خوش درآورد. همه شب نیارمید از سخن‌های پریشان گفتن که فلان شریکم به ترکستان است و فلان مال به هندوستان. و این قبالة فلان زمین است و فلان چیز را فلان ضمیم. گاه گفتی که خاطر اسکندریه دارم که هوایی خوش است، باز گفتی نه که دریای مغرب مشوش است؛ سعدیا سفر دیگرم در پیش است اگر آن کرده شود بقیت عمر خوش بگوشتی بنشینم. گفتم: آن کدام است؟ گفت: گوگرد پارسی خواهم بردن بچین که شنیدم قیمتی عظیم دارد، واز آنجا کاسه چینی بروم آرم، و دیبای رومی به هند، و فولاد هندی به حلب، و آبگینه حلبی به یمن، و برد یمانی بیارس، و از آن پس ترك تجارت کنم و بدکانی بنشینم! انصاف را از این دست سخنان چندان گفت که دیگر طاقتش نماند، پس گفت: ای سعدی تو نیز سخنی بگوی از آنها که دیده‌ای و شنیده‌یی، گفتم:

آن شیندستی که در اقصای غور بار سالاری بیفتاد از ستور
گفت: چشم تنگ دنیا دوست را یاقناعت پر کند یا خاک گور! (۱۰۳)

پیش از این به ریاضت اشاره کردیم، «ریاضت» در لغت رام کردن و پرورش چهارپایان است، و در ترد پزشکان حرکات بدن باندازه‌یی که تن به رنجوری و ماندگی نزدیک شود؛ ولی در ترد صوفیان: مجموع اعمال و خودپایی‌ها و ترك‌هایی است که مبتدی و سالک بدستور پیر و مرشد خود انجام می‌دهد. بنظر این طایفه حداقل ریاضت و حد پایین آن گرسنگی کشیدن است و برخی از این جماعت دست کم سه روز گرسنه می‌مانده‌اند و بکارهایی که شیخ و قطب می‌گفت دل می‌دادند و آنرا «روزه سه‌روزه» می‌نامیدند؛ و مقصود عمده از این کارشکستن شهوت و دریافتن احوال درماندگان و پیروی از فقیران بود. بی‌خوابی و تحمل بیداری نیز در ریاضت این گروه مقام مهمی داشته و می‌گفتند: گرسنگی تحمل انسان را در برابر بیداری افزون می‌کند، و غزالی (وفات ۵۰۵ هـ) ده فایده برای آن یاد کرده است. در میان صوفیان، سهل بن عبدالله تسری (وفات ۲۸۳ هـ) در تحمل گرسنگی

و مداومت آن معروف بوده (۱۰۴). و چنانکه هجویری نقل می‌کند: هرگاه غذا می‌خورده ضعیف و سست می‌شده است! ابو عبدالله خفیف شیرازی (وفات ۳۷۱ هـ) نیز بر این روش کار می‌کرده و هرشب با ده دانه کشمش افطار می‌کرده است. «در عصر ما مشهدی محمد حسن مراغه‌یی هرروز با غذایی بقدر بیست نخود (و نه بیشتر) روزه خود را می‌شکست و دیگر هیچ نمی‌خورد و بسیار قوی با نشاط می‌بوده!» (۱۰۵) به هر حال اینان گرفتار نفس نبودند و معتقد بودند که خوردن برای زیستن است نه زیستن برای خوردن!

کلمات فقیر و فقر و افتقار نیز از اصطلاحات صوفیان و عارفان است. فقر در لغت تنگدستی و ناداری است، و در اصطلاح فقیهان فقیر کسی را گویند که مال و خواسته او کمتر از حدنصابی باشد که زکوة بر آن تعلق بگیرد (۱۰۶).

اما فقر در پیش صوفیان مقامی شریف و بس والاست، و راستی را که ریشه و اساس این طریقت است، چه صوفیگری بی فقر و نیازی درونی کلمه‌یی پوچ و بی‌معنی است. بنظر این گروه، بنده جز خدا چیزی و کسی را قدرتمند و غنی و مالک نمی‌داند، بنابراین خود مالک چیزی نتواند شد، و چون بصف مالکیت و دارندگی متصف نمی‌شود، بناچار فقیر و درویش است. ادعای توانگری و بی‌نیازی که بسیاری از غافلان و دنیا پرستان می‌کنند، دروغی غافلانه و فریبنده است. از این رو، پیران، رهروان درویشی را به تجرید و خروج از مال و هرچه یدنیا پیوند دارد، وامی‌داشتند و از این رو، آنان را به بلند همتی و شکیبایی در برابر مشکلات و ناملایمات خوگر می‌ساختند زیرا دون‌همتان و فرومایگان که شب و روز در بند گردآوری مال و خواسته‌اند و اسیر شکم و جامه نرم و جایگاه و منزل خوش و آرام و دلبر جانان شده‌اند، مشغول بخود هستند و اگر روزی از دست برود، از هردرویشی بیچاره‌تر و نالان‌تر خواهند شد.

از سوی دیگر، مال و ثروت، سرمایه فتنه‌ها و سرچشمه جنگ‌ها و پیکارها و جدایی‌هاست. حرص بر جمع مال و ربودن و برهم توختن زر و سیم، میان افراد بشر که از یک خانواده‌اند، در طول تاریخ بشریت همواره جدایی و دشمنایگی افکنده و پدران را بریختن خون پسران و اسیر کردن خواهران و بستگان برانگیخته است. خلاصه، مال رکن اصلی زندگانی مادی است و سالک و راهرو باید به کمترین مایه از مال دنیا بسازد تا از آفات ثروت که یکی از آنها سنگدلی و غفلت از مردم و بی‌خبری از خداست، بدور ماند، و اگر بتواند که هرچه دارد بیفشاند و مانند دیوژن حکیم از مال دنیا هیچ با خود نگذارد، آزادتر و صوفی‌تر و عارف‌تر باشد (۱۰۷)

منابع و مأخذ

بشر، و نشاء لللاحقاد، و كيف لا؟ و ذكره، مشغول بالحق...

۱۶. «خذ ما قبل واهجر من قال...» این سخن را به عبارتهای گوناگون نقل کرده‌اند، برخی هم به علی نسبت داده‌اند؛ بقول سعدی «... نباید در طلب عالم معصوم از فواید محروم ماندن، همچو نایبانی که شی دروخل افتاده بود، گفت: ای مسلمانان، آخر چراغی فرا راه من دارید، زنی شوخ گفت: تو که چراغ نبینی چراغ چه بینی؟ گفت عالم بگوش جان بشنو ورنه اندک گفتش کردار». (گلستان، ص ۱۲۸، چاپ فروغی).

۱۷. مقصود فلسفه خسروانی است، از فلسفه‌های قدیم ایرانیان، که پس از اسلام به همت شیخ شهاب‌الدین مقتول و ملاصدرا و دیگران شناخته شده است.

۱۸. «مثنوی»، دفتر ۴، ص ۳۵۹، چاپ علاءالدوله.

۱۹ و ۲۰. این دو کلمه خوش بین و بدبین را برخی از دانشمندان نپسندیده‌اند و بجای Pessimism شرانگاری و زودرنجی و حساسی بکار می‌برند. ولی بنظر این بنده چون هر دو کلمه فارسی و مفهوم است و بزرگان ادب هم بکار برده‌اند، بکاربردش، مناسب‌تر است. خواجه حافظ می‌گوید:

در آن بساط که حسن تو جلوه آغازد
مجال طعنه بدبین و بدپسند مباد
هرآنکه روی چو ماهت بچشم بدبیند
برآتش تو بجز جان او سپند مباد !
(دیوان، غزل ۱۰۶، ص ۷۳، چاپ مرحوم قرینی).

۲۱. شبستری: «گلشن راز»، ص ۱۸.
۲۲. «احیاء علوم الدین»، ج ۲، ص ۲۸۷، چاپ مصر، دکتر بدوی طبانه...

کل موجود سوی الله تعالی فهو تصنیف الله تعالی و فعله و بدیع افعاله فمن عرفها من حیث هی صنع الله، فرای من کل الصنع صفات الصانع و علم ان لیس فی الکلون ابداع مما کان.

۲۳. «لیلی و مجنون»، ص ۳ و ۱۷ و ۲۴. چاپ وحید دستگردی.

۲۵. «گلشن راز»، ص ۱۸.

۲۵. دهخدا، علی اکبر، امثال و حکم، ج، ص، چاپ اول.

۲۶. غزالی: «کیمیای سعادت»، ص ۳۸، چاپ احمد آرام.

۲۷. «حقیقه الحقیقه» ص ۱۸، چاپ مدرس رضوی. مقایسه کنید با عبیدزاکانی که گوید: «هزل را خوار مدارید، و هزالان را بچشم حقارت منگرید».

۲۸. «مثنوی» دفتر ۲، ص ۱۶۳.

۲۹. احمد بن محمد بن احمد طوسی، فقیه و عارف ایرانی، وی برادر کوچک امام محمد غزالی است. او را نیز احمد راذکانی تربیت کرد و پس از گوشه‌گیری محمد غزالی، ده سال (از ۴۸۸ تا ۴۹۸ هـ) بجای برادر در نظامیه بغداد تدریس می‌کرد. بوعظ بسیار علاقمند بود، از آثار مهم او

«سوانح العشاق» و «لباب الاحیاء» را می‌توان نام برد. سال ولادتش بدرستی معلوم نیست، وفاتش به سال ۵۲۰ هجری در قزوین بود. (ابن خلکان: وفیات الاعیان، ج ۱، ص ۷۶، چاپ تهران، و سبکی: طبقات الشافعیه، ج، ص، چاپ).

۳۰. چوب پاره: منبر است که واعظان و ناصحان دینی بر بالای آن روند.

۳۱. سعدالدین وراوینی: «مرزبان نامه»، چاپ لیدن، مصحح مرحوم قزوینی.

۳۲. ابن عربی: فصوص الحکم، ص ۳۳۹ و ۴ - ۶۲، با حواشی ابوالعلاء عینی؛ ملاصدرا شیرازی: اسفار، سفر سوم، موقف هشتم، چاپ تهران، یازجی و کرم: اعلام الفلسفه العربیه، ص ۲۲۷، چاپ بیروت.

۳۳. مولوی: «مثنوی»، ج ۲، ص ۱۹۱، چاپ علاءالدوله.

۳۴. محمد بن منور: اسرار التوحید، ص ۷۹.

۳۵. «الرسالة القشیریة»، ص ۱۹، چاپ مصر.
۳۶. صداع: درسر است.

۳۷. مولوی: «دیوان شمس»، ص ۱۷۴، چاپ منصور مشفق (چاپ صفی‌عیاش).

۳۸. مولوی: «مثنوی»، دفتر ۳، ص ۲۵۰، چاپ علاءالدوله.

۳۹. شهرة آفة و الخمول راحة، یا وفی الخمول راحة (افلاکی: «مناقب»، ص ۱۵۴، چاپ آنکارا).

۴۰. و ما للحکام الا البحر عظما و قرب البحر محذور المواقف

۴۱. «مثنوی»، دفتر ۳، ص ۲۵۹، چاپ علاءالدوله.

۴۲. «دیوان»، ص ۱۰۷، چاپ قزوینی.

۴۳. محمد بن منور: اسرار التوحید، ص ۹۸.

۴۴. «جنید گفت که: کتب بسیار برخواندم، مرا چندان فایده نبود که اندر این بیت:

إذا قلت ما اذنبت، قالت مجيبة
و جودك ذنب لا یقاس به ذنب!

(هجویری: کشف المحجوب، ص ۳۸۲، چاپ ژوکوفسکی).

۴۵. قونوی: «تفسیر فاتحه»، ص ۲۱ - ۱۹، چاپ استنبول.

۴۶. مولوی «مثنوی»، دفتر ۳، ص ۲۰۳ و دفتر ۲، ص ۱۶۶.

۴۷. دهخدا، علی اکبر: «امثال و حکم».

۴۸. هجویری: کشف المحجوب، ص ۲۲۸.

۴۹. راغب اصفهانی: محاضرات الادباء، ج ۱، ص ۵۹، چاپ بیروت «قیل لیهلول: عدلنا المجانین: فقال: هذا یطول، ولكنی اعد العلاء»

۵۰. Convention

۵۱. در برخی نسخه‌ها: «راهی بد نیست» نوشته‌اند، و آن مناسب نیست؛ و راهی بدی داشتن یعنی معقول بودن و

۱. شعر از چه بمرتبت بلند است
آن علم طلب که سودمند است.

(نظامی: لیلی و مجنون، ص ۴۷، چاپ وحید دستگردی).

۲. Pragmatism کردارگرایی

۳. اگرچه ویلیام جیمز W. James را پایه‌گذار مذهب اصالت عمل می‌شمارند، ولی بکار برنده نخستین اصطلاح و مروج راستین این مذهب چارلز ساندرز پیرس Charles Sanders Peirce (۸۰ - ۱۸۰۹ م)

شیمی‌دان و اخترشناس انگلیسی است؛ و مبادی این نظر را جیمز ودیوی Dewey از او گرفته‌اند. (طالبان بنگرند به: تاریخ فلسفه کاپلستون، ج ۸، ص ۵۱ - ۳۰۴، چاپ لندن، سال ۱۹۶۶ م).

۴. تشخیص دادن نادرست است و دست کم فصیح نیست. و تشخیص کردن فصیح‌تر و درست‌تر است و در متون قدیم هم بکار رفته است. خواجه شیراز می‌فرماید:

چون نقش غم‌زده‌ای نماید شراب خواه
تشخیص کرده‌ایم و مداوا مقرر است.

۵. Nicholson

۶. دکتر بدوی طبانه: «مقدمه احیاء علوم الدین»، ص ۱۶، چاپ مصر.

۷. محمد بن منور: «اسرار التوحید» ص ۳۲۰، چاپ تهران، تصحیح مرحوم احمد بهمنیار.

۸. ایضاً، ص ۷ - ۹۶.

۹. غره بکر اول و فتح و تشدید دوم: فریفته و مغرور.

۱۰. محمد بن منور: «اسرار التوحید»، ص ۸۴.

۱۱. «... و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه» قرآن سوره آیه.

۱۲. شرح «انسان کامل» را که بنظر صوفیان، انبیاء و اولیاء هم جزو آنها هستند، در شماره ۱۴ همین بخش بخوانید.

۱۳. «اسرار التوحید»، ص ۹۵.

۱۴. سلمان ساوجی: دیوان، ص ۱۵.

۱۵. «الاشارات و التنبیها» ص ۷ - ۸.

۱۶ - ۸۴۳. چاپ دکتر سلیمان دنیا، چاپ مصر: «العارف هش بش بسام، یبجل الضعیر من تواضعه کما یبجل الکبیر و ینسبط من الحامل مثل ما ینسبط من النبیة، و کیف لایهش؟ و هو فرحان، بالحق و بکل شیء؛ فانه یری فیہ الحق. و کیف لایسوی؟ و الجمیع عنده سواسیة اهل الرحمة قد شغلوا بالباطل. العارف لایعنیة التجسس و التحسس، و لایستهویة الغضب عند مشاهدة المنکر، کما تعتریه الرحمة؛ فانه مستبصر برالله فی القدر، و اما اذا امر بالمعروف، امر برفق ناصح لایعنف معیر، و اذا جسم المعروف فریما غار علیه من غیر اهل. العارف شجاع، و کیف لا؟ و هو بمعزل عن تقیة الموت؟ و جواد و کیف لا؟ و هو بمعزل عن محبة الباطل، و صفاح للذنوب و کیف لا؟ و نفسه اکبر من ان تجرحها ذات

قابل پذیرش شدن.

۵۲. دیوان، ص ۱۸۳، چاپ قزوینی.
۵۳. غزالی: احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۲۰۱ - ۲۰۰ «... قال مرة للمادح: ويحك قممت ظهره لوسمك ما افلح الى يوم القيامة» «الا لائمادحو، واذا رايتهم المادحين فاحثوا في وجوههم التراب...»
۵۴. در عیون الاخبار، ج ۱، ص ۲۷۵، چاپ مصر «المدح وافتدالكبر» را به عمر خلیفه مسلمانان نسبت می‌کند.
۵۵. افلاکی: «مناقب»، ص ۲۲۶، چاپ آنکارا.
۵۶. بنگرید به: سهروردی: «عوارف المعارف»، حاشیه احیاء العلوم غزالی، ج ۳، ص.
۵۷. ابو عبد الرحمن سلمی: رسالة الملامتية، چاپ مصر (۱۳۶۹)، با مقدمه فاضلانه ابوالعلاء عقیفی: سهروردی: عوارف المعارف، چاپ مصر، حاشیه احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۷۳ - ۳۹۵، فروزانفر: شرح مثنوی شریف، ص ۵ - ۷۳۱، چاپ دانشگاه.
۵۸. مولوی: مثنوی دفتر ۱، ص ۷۱.
۵۹. حدیقه، ص، چاپ مدرسه رضوی.
۶۰. برای آگاهی از معنی این اصطلاحات در زبان فارسی، طالبان بنگرند به مقدمه هدایت در «ریاض العارفین»، ص، چاپ ۱۳۱۶ ش.
۶۱. فروزانفر: شرح مثنوی شریف، ص ۷۳۰.
۶۲. مناقب العارفین، ص ۱۶۱، چاپ آنکارا.
۶۳. غزالی: «مکاتیب فارسی»، ص ۴، چاپ عباس اقبال.
۶۴. مثل معروف لاتین است که «Vox Puploi» و «کس پاپلی، و کس دئی»
Vox Dei
۶۵. محمد بن منور: اسرار التوحید، ص ۵۹.
۶۶. حافظ: ص ۲۰۹، چاپ قزوینی.
۶۷. Epicurus (۲۷۰ - ۳۴۱ ق.م) فیلسوف معروف یونانی و از نخستین قائلان به آتم.
۶۸. «الدنيا سجن المومن و جنة الكافر...» (حدیث).
۶۹. «لیلی و مجنون»، ص ۷ - ۸ و ۵۲، چاپ وحید.
۷۰. «مثنوی»، دفتر سوم، ص ۲۹۵، علاءالدوله.
۷۱. فروزانفر: «رساله در زندگی... مولانا»، ص ۱۰۸ - ۱۱۰.
۷۲. قشیری: «الرساله القشیریة»، ص ۱۵ چاپ مصر.
۷۳. در مرگ ابوسعید ابی‌الخیر (اسرار التوحید، ص ۵۵۷، چاپ پترزبرگ) آمده است که: «در این روز و ام شیخ بگزارند و کار عرس ساختند، و دیگر روز شاهد کردند. و خرقه شیخ و خرقه‌های

- جمع که موافقت کرده بودند، پاره کردند.» و غرس، بفتح اول و سکون دوم بمعنی عروسی است و در میان این قوم، مطابق است با عزا و مجلس ختم؛ و نام آن را عرس گذارند و آداب خاصی دارد! (هجویری: کشف المحجوب، ص ۴۶۳، چاپ ژوکوفسکی).
۷۳. اشاره است بدو آیه «ونفحت فيه من روحی...» و «تمنوا الموت ان کتم صادقین».
۷۴. «مثنوی»، دفتر سوم، ص ۳۰۱ - ۲۹۸، علاءالدوله.
۷۵. «نحن نحکم بالظاهر والله یعلم السرائر» (حدیث).
۷۶. «ان فی ذلک لذكری لمن کان له قلب» (قرآن، سوره، آیه).
۷۷. غزالی: احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۱۹ - ۱، چاپ بدوی طبانه.
۷۸. پسیکوآنالیز Psychoanalysis را به روانکاوی ترجمه کرده‌اند، و آن لفظ مناسبی نیست.
۷۹. «لیلی و مجنون»، ص ۷ - ۴۶، چاپ وحید.
۸۰. مثنوی، دفتر ۱، ص ۶۳، علاءالدوله.
۸۱. ابن عربی: ترجمان الاشواق، ص ۱۶۲، چاپ بیروت (۱۳۱۲ هـ): اذادان لك الخلق فقد دان لك الحق.
۸۲. «العقل و ماعبد به الرحمن والكتب به الجنان».
۸۳. مثنوی، ج ۴، ص ۳۶۳، چاپ علاءالدوله.
بدان خردی که آمد حبه دل خداوند دو عالم را گشت منزل درو در جمع گشته هر دو عالم گهی ابلیس گردد گاه آدم! (شبستری: گلشن راز، ص ۱۹).
۸۴. «احیاء علوم الدین»، ج ۳، ص ۱۹ - ۱۵، چاپ دکتر بدوی طبانه، مصر.
۸۵. مثنوی، دفتر اول، ص ۸۶، علاءالدوله.
۸۶. ایضاً، دفتر اول، ص، علاءالدوله.
۸۶. م. آیه، سوره.
۸۷. «عوارف المعارف»، باب پنجاه و پنجم، چاپ شده در حاشیه «احیاء علوم الدین» غزالی، ج ۴، ص ۱۸۲ - ۳، چاپ مصر: «ومن ادبهم انهم لا یرون لنفسهم ملکاً یختصون به... وکان من اخلاق السلف ان کل من احتاج الى شیء من مال أخیه استعمله من غیر مؤامره» قال الله تعالی: [وامرهم شوری بینهم] ای: مشاع هم فیہ سواء». همچنین بنگرند به: مصباح الهدایه، ص ۲۴۰، چاپ آقای همایی.
«وقال احمد بن القلانسی: دخت عی قوم من الفقراء یوماً بالبصرة فاکرمونی و بجلونی. فقلت یوماً لبعضهم آیین ازاری: فسقطت من اغینهم». «وکان ابراهیم بن ادهم ذا صحبه انسان شارطه علی ثلاثة اشیاء: ان تكون الخدمة والاذان له، وان تكون یدیه فی جمیع ما ینتج الله علیم من الدنیا کیده... فقال رجل: انالاقدر علی هذا، فقال: اعجنی صدقک!»

۸۸. داوری: خلاف و نزاع، حافظ می‌گوید:
یکی از عقل می‌لافت یکی طامات می‌یافت
بیا کاین داورها را بتره داور اندازیم!
۸۹. محمد بن منور: «اسرار التوحید»، ص ۲ - ۴۱، احمد بهمنیار. ۳. ایضاً، ص ۶۳.
۹۰. ایضاً، ص ۸۹.
۹۱. مثنوی، دفتر، ص، علاءالدوله.
۹۲. برای شرح بیشتر در این باره طالبان بنگرند به: غزالی، «احیاء علوم الدین»، ج ۳، ص ۴ - ۱۵۱؛ فروزانفر «شرح مثنوی شریف»، جزو دوم، ص ۳۸۲؛ سلطان علی‌شاه گنابادی: «شرح کلمات قصار بابا طاهر»، ص ۶ - ۵۳، چاپ تهران.
۹۳. ثعلبی: «قصص الانبیاء»، ص ۲۴۷، چاپ مصر. «... وکان متواضعاً خاشعاً یخالط المساکین و یجالسهم، ویقول: مسکین یجالس مسکیناً».
۹۴. سهروردی، شهاب‌الدین عمر: «عوارف المعارف»، چاپ شده در حاشیه «احیاء العلوم» غزالی ج ۳، ص ۳۱، بدوی طبانه: «قال ابو یزید البسطامی: ما غلبنی احد مثل ما غلبنی شاب من اهل بلخ، قدم علینا حاجاً فقال لی: یا ابا یزید ما حد الزهد عندکم؟ قلت اذا وجدنا أکلنا و اذا فقدنا صبرنا فقال هكذا عندنا کلاب بلخ، فقلت وله وما حد الزهد عندکم؟ قال اذا فقدنا شکرنا و اذا وجدنا آثرنا»
۹۵. حافظ، دیوان، غزل ۲۰۰، ص ۲۰۳، چاپ قزوینی.
۹۶. «سیر خورده»، گرسنه را مست و دیوانه پندارد! (بیتهی: «تاریخ مسعودی»، ص ۲۰۷، چاپ دکتر فیاض).
۹۷. مولوی: «مثنوی»، دفتر دوم، ص ۱۱۶، چاپ علاءالدوله.
۹۸. مولوی: مثنوی، دفتر چهارم، ص ۳۷۹، چاپ علاءالدوله.
۹۹. گلستان، ص ۲۰۷، چاپ فروغی.
۱۰۰. ایضاً، ص ۱۳۳.
۱۰۱. این شعر را از شاه نعمت‌الله ولی می‌دانند و داستانی هم درباره آن در زیانهاست که من هنوز مأخذ آنرا نیافته‌ام.
۱۰۲. «لیلی و مجنون»، ص ۱۶، چاپ وحید.
۱۰۳. سعدی: «گلستان»، باب سوم قناعت، ص، چاپ مرحوم فروغی.
۱۰۴. قشیری: «الرساله القشیریة»، ص ۴۱۷، چاپ مصر؛ غزالی: «احیاء العلوم»، ج ۳، ص ۹ - ۵۲، چاپ مصر.
۱۰۵. فروزانفر: «شرح مثنوی شریف»، ج ۱، ص ۲۰۵، چاپ دانشگاه.
۱۰۶. جرجانی: تعریفات، ص، چاپ مصر.
۱۰۷. ابونصر سراج: «اللمع»، ص ۹ - ۵۷، چاپ لایبن؛ مشتملی بخاری: «شرح تعرف»، ج ۳، ص ۲۶ - ۱۱۸، چاپ هندوستان.
از: علی اکبر داناسرشت

تحول نظریه اتر

از ارسطو و نیوتون تا اینشتین و هایزنبرگ

تحقیقات و تجربیات علمی مربوط به اتر

۱. کشف خاصیت انترفرانس نور (Interference)

فکر یونگ قبل از کشف خاصیت انترفرانس برای نور بدلائل زیر که دارای ارزش علمی و قابل توجه است متوجه خاصیت موجی نور شد چنانچه دریافته‌اشتهای منتشر در سال ۱۸۰۰ یاد کرده ابتدا توجه یافت باینکه طبق نظریه ذره، ذرات نور دارای سرعت واحدی هستند خواه آنکه از جرعه ضعیفی ناشی از برخورد دو تکه سنگ بوجود آمده باشند، خواه آنکه از آفتاب پر التهاب پرتاب شده باشند و یکی بودن سرعت نظریه ذره را غیر قابل قبول می‌نماید ولی با نظریه موجی قابل قبول است زیرا طبق این نظریه یک سیاله ارتجاعی فضایی ناقل نور است.

دلیل دیگر آنکه با نظریه ذره مشکل است توجیه کرد که از یک شعاع پدیدار شده بوسیله ذره، قسمتی منعکس و قسمتی منکسر گردد ولی بانظریه موجی اشکالی ندارد زیرا صوت وقتی به طبقات غلیظی از ابر یا هوای متراکم برخورد کرد قسمتی از امواج آن منعکس می‌شوند.

ولی بهترین دلیل موجی را که انترفرانس نور باشد یونگ در سال ۱۸۰۱ کشف کرد و بنظر می‌آید که از نظریه نیوتون درباره ترکیب امواج درمبحث «جذر و مد» در کتاب «اصول ریاضی...» الهام گرفته است. نیوتون موضوع ترکیب امواج را برای حل یک جذرومد غیرعادی که هالی (Halley) منجم معروف شرح آنرا منتشر کرده بود بکار برده است. نیوتون امواج اقیانوسی را که از مدخلهای مختلف وارد

پس از نیوتون نظریه اتر او در میان گروه روشنفکران و دانشمندان استقبالی پیدا نکرد. تنها عده‌یی از فیزیکدانها از آن طرفداری کردند از جمله ژان برنوی (Jean Bernoulli, Fils) نظریه اتر دکارت را مورد شرح و بسط قرار داد و برنده پاداش فرهنگستان فرانسه شد. ریاضیدان معروف اولر (Euler) نیز از نظریه موجی نور که مستلزم وجود اتر است طرفداری کرد بدلیل آنکه اگر انتشار نور عبارت از پرتاب ذرات ازجسم متشعشع می‌بود می‌بایست بتدریج از جسم نوری کاسته شود و حال آنکه تجربه چنین کاستی را نشان نمی‌دهد. اما عنوان اتر وقتی اعتبار پیدا کرد و وجودش برای فیزیکدانها لازم تشخیص داده شد که با اکتشافات توماس یونگ (Thomas Young) فیزیکدان انگلیسی و تحقیقات عمیق و تجربیات دقیق فیزیکدان فرانسوی فرنل (A. Fresnel) نظریه موجی نور مسلم شناخته شد و نظریه ذره نیوتون را کنار زد.

۱. تحقیقات و تجربیات مثبت نظریه موجی نور

نظریه موجی نور بسبب کشف و اثبات خاصیت انترفرانس برای نور (خاصیتی که فقط برای پدیدارهای موجی قابل توجیه است) و بعد حل مسائل پیچیده و مشکل نور از روی این خاصیت که مهمترین آنها حل مسائل دیفراکسیون (Diffraction) و پلاریزاسیون (Polarisation) بود، قطعیت یافت.

بندری می‌شوند مجسم می‌کند ولی یونگ دو موج را که وارد یک مجرا گردند درنظر می‌گیرد. تصادفاً مثال نیوتون از لحاظ مشابهت با تجربیات نسبت به نورانسب است و خود یونگ پس از ذکر مورد برخورد دو موج در یک کانال می‌گوید:

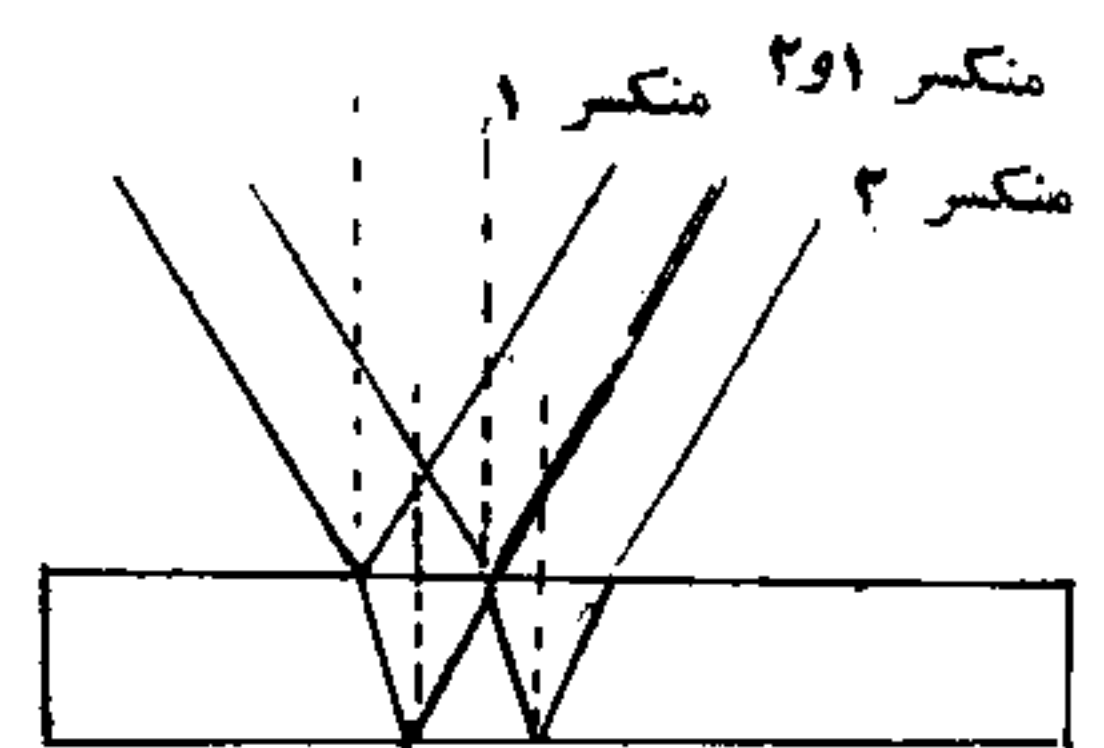
«هیچیک از دوسری موج دیگری را خراب نمی‌کند بلکه اثرهای آنها ترکیب می‌شوند و اگر آنها بترتیبی وارد کانال بشوند که بلندیهایی یکی منطبق بادیکری شود باهم سلسله موجی با بلندی‌های بزرگتر تولید خواهند کرد اما اگر بلندیهایی یک سلسله طوری باشند که درست بافرورفتگیهای دیگری منطبق شوند آن (بلندیها) درست فرورفتگیها را پر کرده و سطح آب صاف خواهد ماند. حالا من عقیده مندم که اثرات مشابهی وقوع خواهند یافت، هرزمان دو قسمت از نور مخلوط شوند، و اینرا من قانون کلی انترفرانس نور می‌نامم.»

پس «هروقت که دو قسمت از یک نور از راههای متفاوت و تقریباً یا تحقیقاً از یک امتداد وارد چشم شوند نور قویتر بنظر خواهد آمد هرگاه اختلاف مسیر آنها عدد صحیحی از طولی باشد ضعیفتر بنظر خواهد آمد، این طول برای رنگهای مختلف نور مختلف است.»

پس از آن یونگ دو مسأله نور را که بطور روشنی حل نشده بودند با تئوری انترفرانس حل کرد یکی مسأله تیغه‌های نازک است و دیگری حلقه‌های نیوتون.

مسأله تیغه‌های نازک این است که صفحه‌های شفاف خیلی نازک مانند ورقه‌یی از نفت که روی آب ریخته باشند (یا آنکه

روی زمین)، و نیز حباب صابون که نور را با رنگهای مختلف و غیر منظم (یعنی غیر مرتبط با ردیف طیفی) ظاهراً منعکس می‌کند، یونگ این پدیده را نتیجه انترفرانس دانست که میان قسمتی از نور که بوسیله سطح فوقانی تیغه منعکس می‌شود با قسمتی از نور که بداخل تیغه رفته و بوسیله سطح زیرین منعکس و به‌هوا برمی‌گردد، تولید می‌شود و مسیری تقریباً موازی با مسیر منعکس نخستین اختیار می‌کند با توجه باینکه وقتی زاویه تابش (میان شعاع تابنده و عمود بر نقطه تابش) یک شعاع نور در برخورد بایک سطح قابل نفوذ باندازه کافی بزرگ باشد ولی بحد معینی که زاویه «انعکاس تام» نام دارد نرسیده باشد قسمتی از نور منعکس و قسمتی منکسر می‌گردد. شکل فوق نظریه یونگ را برای تولید انترفرانس بوسیله تیغه‌های نازک خلاصه می‌کند. طول مسیرهای داخل تیغه تقریباً اختلاف مسیری است که انترفرانس بوجود می‌آورد.



مسئله حلقه‌های نیوتون این است که او در یک آزمایش وقتی یک عدسی محدب سطح را روی یک عدسی محدب‌الطرفین قرار می‌دهد بطوریکه طرف‌مسطح کاملاً فاقی باشد و ملاحظه می‌کند که در مرکز قسمت سطح یک نقطه تاریک و در اطراف آن حلقه‌های نورانی برنگهای گوناگون ظاهر می‌شود و وقتی به‌عدسی دیگر اندکی فشار می‌دهد حلقه‌های رنگی تغییر رنگ داده و بزرگتر می‌شوند و حلقه‌های رنگی جدیدی بجای آنها حاصل می‌شوند. نیوتون به‌تشریح تجربه خود اکتفا می‌کند ولی رامحل روشنی بدست نمی‌دهد. یونگ مسئله حلقه‌های نیوتون را مشابه تیغه‌های نازک حل نموده است. لذا حلقه‌های رنگی را نتیجه انترفرانسی می‌داند که میان قسمتی از اشعه داخلی عدسی فوقانی که در برخورد با سطح محدب منعکس می‌شوند، پدید می‌آید، و قسمت دیگر از آن که از عدسی خارج شده، پس از یک انعکاس و یک انعکاس در هوای میان دو عدسی مجدداً وارد عدسی فوقانی می‌شوند و مسیری تقریباً موازی قسمت منعکس شده اول اختیار می‌کنند. لکه سیاه مرکزی مربوط باشعه است که خیلی نزدیک به نقطه اتکاء عدسی خارج می‌شوند بویژه در نقاطی که فاصله میان دو عدسی از یک چهارم طول موج نور بوده و مجموع دو قسمتی که قسمت خارج شده در هوا طی می‌کند

معادل نیم طول موج باشد و از این رو، نیم طول موج اختلاف میان دوشعاع ترکیب شونده نتیجه‌اش صفر و تاریکی شده است. و اینکه در حلقه‌های نیوتون در هر سلسله حلقه‌ها، حلقه نزدیکتر بمرکز، آبی و حلقه دورتر قرمز است. دلالت دارند براینکه اشعه آبی رنگ دارای طول موج کوچکتر از اشعه قرمز رنگ هستند.

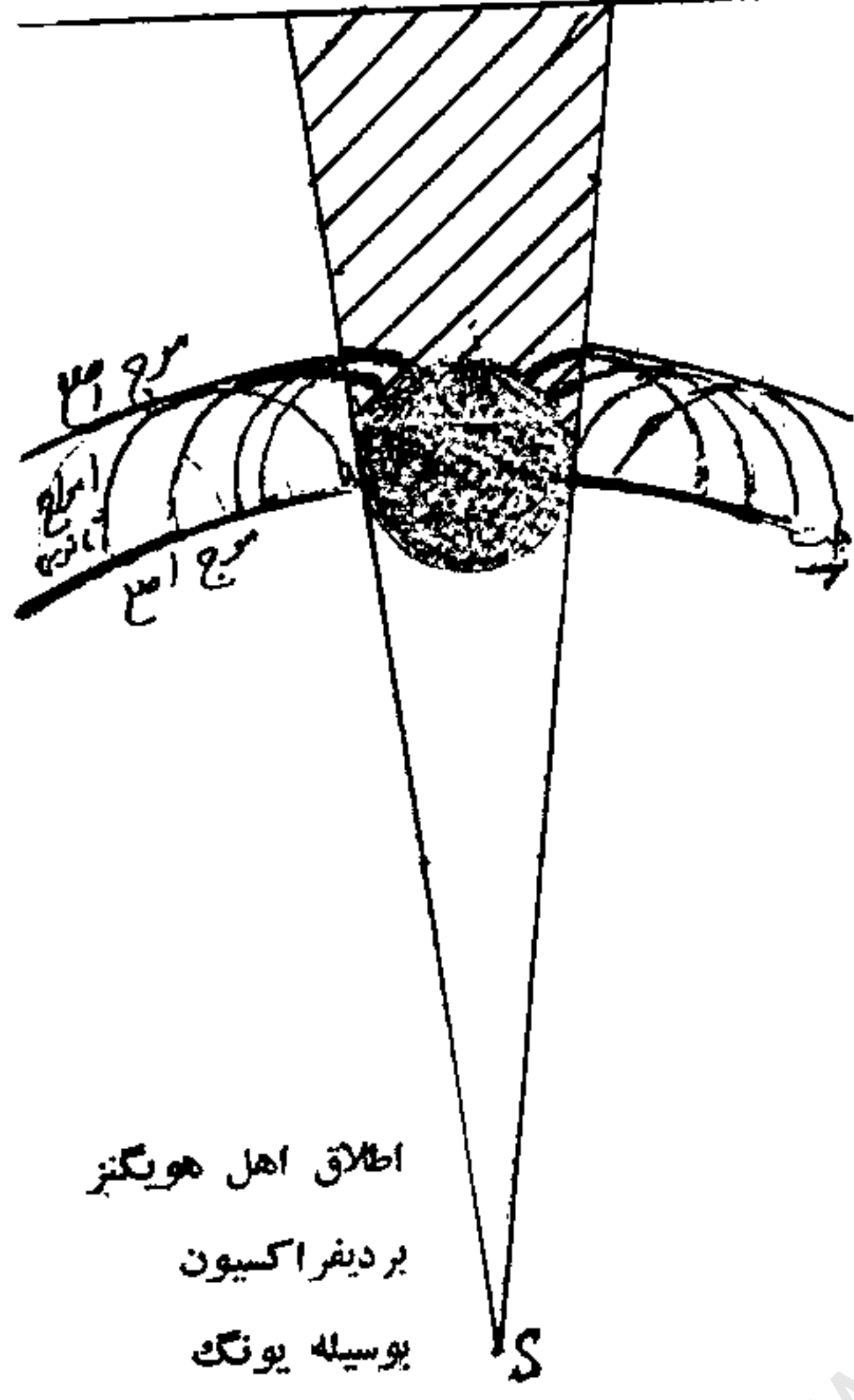
۴. حل مسئله دیفرانسیون (Diffraction) از نظر یونگ (Young):

وقتی سایه یک شیء از آن شیء باندازه کافی فاصله داشته باشد در اطراف داخلی سایه هندسی آن شیء (یعنی سایه که طبق قانون انتشار خطی نور بدست می‌آید) نوارهای روشن و تاریک دیده می‌شود و در اطراف خارجی سایه نوارهایی دیده می‌شود که نورانی‌تر از سایر قسمت‌های روشن اطراف هستند. عنوان دیفرانسیون را باین پدیده یک یسوعی (عضو یک فرقه روحانی مسیحی) بنام فراجسکو گریمالدی داده است که نوشته او پس از فوتش در سال ۱۶۶۵ منتشر شده است. هوک هم متوجه آن شده بوده است ولی تا سال ۱۸۰۳ علت آن مجهول بوده است. افتخار کشف علت به یونگ راجع است اگر چه بازافتخار کشف طریقه آن به فرنل می‌رسد. یونگ در کنفرانسی که در اینسال در باکریان (Bakerian) داده علت آنرا انترفرانس بیان می‌کند ولی دلیل او این بوده است که وقتی در مسیر اشعه متباعد صانده از یک نقطه S یک مویی را قرار داده در سایه مو این نوارها را دیده است ولی وقتی بوسیله حائلی اشعه گذرنده بریکطرف مورا حائل شده نوارها محو گردیده‌اند. برای توجیه آن متوجه شده باینکه اگر اشعه مماس با شیء حدود سایه هندسی را محدود می‌کنند ولی طبق اصل هوینگز هر نقطه از سطح موج گذرنده بر نقاط تماس این اشعه مماس، خود مرکز یک موج کروی ثانوی است و سطح کروی مماس براین کرات ثانوی موضع بعدی سطح موج اصلی را بدست می‌دهد و چون کرات امواج ثانوی که مراکز آنها مجاور نقاط تماس مذکور باشند قسمتی از آنها وارد منطقه تاریک شیء می‌شوند و نقاط تماس آنها باشیء باز مراکز کرات موج کروی ثانوی دیگری می‌گردند لذا این کرات امواج ثانوی که از منطقه تاریک شیء سرچشمه می‌گیرند در انترفرانس بایکدیگر نوارهای داخلی سایه را تشکیل می‌دهند.

یونگ نوارهای خیلی روشن خارجی را نیز نتیجه انترفرانس این اشعه ثانوی باشعه مستقیم دانست ولی این کشف و تفسیر یونگ مانند نظریه انترفرانس او نتوانست توجه طرفداران نظریه ذره نور را جلب کند و تا مدت پانزده سال در بوته فراموشی قرار گرفت.

یونگ ازاینکه توانسته بود بابکار بردن

اصل هوینگز نظریه خود را درباره انترفرانس بودن پدیدار دیفرانسیون ثابت کند متوجه اهمیت کارهای او شد و مایل گشت درباره درجه صحت قانون موضوع او برای پیدا کردن مسیر شعاع منکسر غیر عادی کریستال که ترسیم شبه کراتی منظور داشته نیز تحقیقات بکند. از آنجا که او بمحاسبات و تجربیات پیچیده و طولانی علاقه نداشت (چنانچه همین نقطه ضعف سبب شد که کشفیات مهم حاکی از قدرت فکری او مدت پانزده سال مورد توجه واقع نشود) لذا از



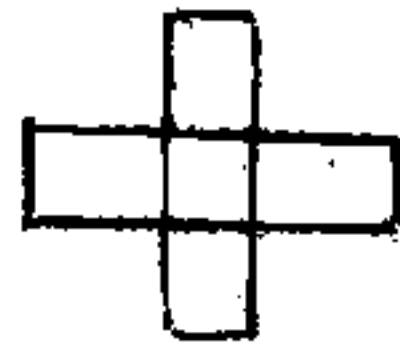
شیمیست معروف (Wollaston) که در کریستال‌ها نیز مطالعه می‌کرد تقاضا کرد که چنین تحقیقاتی را انجام بدهد. و لاستون در همان سال ۱۸۰۳ تقاضای او را انجام داد و پس از تحقیقات نوشت «باید قبول کرد که نتیجه (تجربیات)، سخت موافق تئوری هوینگز است. هرچند دلیل وجود دومنکسر در یک زمان و یک جسم خوب بیان نشده و همچنین تبدیل آنها بیکدیگر وقتی یک شعاع نور وارد یک کریستال ایسلندیگری گردد که عمود بر اولی باشد، باین همه، منکسر مورب (غیرعادی) بطور مجزا بنظر می‌آید بهمان خوبی تشریح شده که هر پدیدار نوری دیگر». (ص ۱۰۴ ویتاکر) از آنجا که موضوع مورد تقاضای یونگ از این تاریخ بعد اهمیت یافته و مورد پژوهش فیزیکدانها واقع شده، این تحقیقات و همچنین کشفیات جدید برآمده از آن منتهی به صحت موجی بودن نور شده است لذا در مبحث زیر یک نظر مفصلتر از سابق باین موضوع انداخته می‌شود.

۳. اهمیت یافتن کشفیات هویگنز (Huyghens)

چنانچه در قسمت اول ذکر شد هویگنز طرفدار نظریه موجی نور بوده است و واضح این اصل بوده که «اشعه صادره از یک نقطه بصورت امواج کروی منتشر می شوند که کانون نور مرکز آنهاست و هر نقطه از سطح موج خود مانند یک کانون نوری برای صدور امواج ثانوی می شود که موضع بعدی سطح موج اصلی سطح محاط بر کرات امواج ثانوی می باشد.» خود هویگنز قوانین انعکاس وانکسار را که بوسیله دکارت و دیگران کشف شده بودند از روی این اصل که بنام او معروف است بدست آورد. ضمناً پس از اطلاع بر خاصیت عجیب کشف شده در کریستال ایسلند در مطالعه آن موفق بکشف دیگری گردید چنانچه قبلاً ذکر شد وقتی یک شعاع نور روی یک کریستال ایسلند بتابد دو منکسره می دهد که بطور متساوی از کریستال خارج می شوند.

یکی از این دو منکسره تابع قانون عمومی انکسار است یعنی وقتی زاویه تابش صفر شود زاویه انکسار نیز صفر می گردد آنرا منکسره معمولی نامند ولی دیگری تابع قانون عمومی انکسار نیست آنرا منکسره غیر عادی نامیدند. این دو منکسره اختلاف دیگری ندارند و دارای شدت مساوی هستند. و هرگاه منکسره داخلی یکی را محور قرار داده و کریستال را دور آن گردش بدهیم منکسره دیگر بدون تغییر شدت، دوران می کند.

ولی خاصیت خاصی که هویگنز کشف نمود این است که هرگاه یکی از این دو منکسره صادره از کریستال را بر کریستال دیگری بتابانیم ملاحظه می شود که دو منکسره جدید دارای شدت مساوی نیستند و اگر یکی از آنها را محور قرار داده کریستال (دوم) را دور آن گردش بدهیم ملاحظه می شود که با تغییر زاویه گردش کریستال شدت نور دو منکسره در جهت عکس یکدیگر تغییر می کند تا آنکه یکی صفر می شود و دیگری بحد اعلای آن می رسد و پس از آن تا آنکه صفر شده دومرتبه ظاهر می شود و ترقی می کند تا آنکه بحد اعلای می رسد و شعاع دیگر ضعیف شده صفر می شود. و در یک دور ۳۶۰ درجه هر یک از دو منکسره دومرتبه صفر می گردند. خود هویگنز برای این خاصیت خاص توجیه و عنوانی ذکر نکرده است که معروف شده باشد. ولی نیوتون پس از اطلاع بر آن تفسیری داده است که هنوز ارزش دارد باین شرح که مثل این است که کریستال ایسلند شعاع مستدیر - المقطع نور را به دو شعاع مستطیل - المقطع عمود بیکدیگر تبدیل می کند. این تفسیر از تأثیر کریستال اول اثرات مشهوده از کریستال دوم را بیان می کند ولی علت فیزیکی تجزیه شدن شعاع در دو منکسره مجهول ماند.



دقیق فرنل مسأله «دوانکسار را» یکی از دلایل موجی نور شمردند.

۴. کشف حالت سرهنگ مالوس

(Colonel Malus)

سرهنگ مالوس که در قسمت مهندسی در لشکرکشی ناپلئون بمصر شرکت کرده بود، بواسطه ذوق و استعداد علمی که ابراز داشته بود ناپلئون او را به عضویت (Institut d'Egypte) انتخاب کرده بود. منزل او در پاریس در کوچه متصل به لوکزامبورگ بوده است. در یک بعد از ظهر وقتی در جلوی پنجره اتاق خود با یک کریستال ایسلند اشعه غارب منعکسه از پنجره های لوکزامبورگ را که باتاق اومی تابیده مورد آزمایش قرار می دهد ناگهان متوجه می شود دو منکسره صادره از کریستال دارای اختلاف شدت فاحشی هستند و پس از دقت بیشتر در می یابد که اشعه منکسره بوسیله شیشه های پنجره لوکزامبورگ دارای ویژگی خاصی هستند که هویگنز برای اشعه منکسره بوسیله یک کریستال ایسلند کشف کرده بود و نیوتون آنرا به «مستطیل المقطع شدن» آنها تفسیر کرده بوده است. این کشف بقدری بنظرش مهم آمد که بدون اینکه منتظر تحقیق بیشتر شود در ماه دسامبر ۱۸۰۸ آنرا به آکادمی گزارش داد. شاید همین گزارش عجولانه فقط متکی بیک تجربه حسی سبب شد که لاپلاس آنرا مانع ندید که نتیجه تحقیقات خود را که قبلاً بآن اشاره شد در ماه بعد به آکادمی عرضه کند.

ولی در مقاله ای که یکماه بعد سرهنگ مالوس منتشر کرد و آنرا متکی بتجربیات متعدد کرده بود نتیجه گرفته شد که اشعه ای که بوسیله سطح هر جسم شفاف منعکس گردد کم و بیش دارای خاصیت اشعه منکسره بوسیله کریستال ایسلند هستند. مثلاً شعاع نوری که بوسیله سطح آب تحت زاویه ۵۲ درجه و ۴۵ دقیقه منعکس گردد دارای تمام خواص یک شعاع منکسره از یک کریستال ایسلند است.

عنوان «پولاریزاسیون» را مالوس برای این خاصیت وضع کرده است. می توان گفت که اشعه نور پس از انعکاس بوسیله سطحی شفاف کم و بیش پولاریزه می شوند و کریستال ایسلند دارای این خاصیت است که اشعه نور را به دو شعاع پولاریزه در دو جهت عمود بیکدیگر تجزیه می کند.

مالوس پس از تکمیل تحقیقات خود آنرا طی یک جزوه دوست صفحه ای که شامل عدد زیادی تجربیات و توضیحات تحلیلی است به آکادمی عرضه کرد و آکادمی در جلسه روز دوم ژانویه ۱۸۱۰ جایزه را بسرهنگ مالوس اعطاء کرد. سرهنگ مالوس در همان سال با افزودن یک قسمت بعنوان نظریه نور تحقیقات خود را در یک مجموعه سیصد صفحه منتشر کرد و عنوان آنرا «نظریه دوانکساری نور در مواد متبلور»

خود هویگنز نیز در کتاب «نظریه نور» منکسره غیر عادی را معلول امواج شبه کروی که توأم با امواج کروی منتشر می شوند داشت، بدون توضیحات بیشتر ولی در نامه ای که بتاريخ دسامبر ۱۶۹۰ به پاپن (Papin) نوشته، پیدا شدن امواج شبه کروی را معلول وجود ذراتی در داخل کریستال دانسته که در سرعت نور اثر نموده و امواج کروی اثر را به امواج شبه کروی صورت می دهند. مسأله به همین جا متوقف بود ولی باتوجه فیزیکدان ها را جلب کرده بود. حدود صد سال پس از آن در سال ۱۸۰۸ آکادمی فرانسه مسأله اینکه «برای دو منکسره که نور در کریستال ایسلند و بعضی اجسام بلوری دیگر می دهد بیان یک تئوری ریاضی که باتجربه تأیید شود در مسابقه جایزه ریاضیات» سال ۱۸۱۰ قرار داد.

لاپلاس برای منکسره غیر عادی مسأله را در فرض نظریه ذره و با اطلاق اصل «کمترین عمل» طبق قوانین دینامیکی (پویایی) حل کرد و در آخر سال ۱۸۰۸ منتشر کرد همانطور که از روی اصل فرما (Fermat) که می گوید «نور در سیر از نقطه بنقطه دیگر مسیری را می پیماید که کمترین زمان را ایجاب کند» و با این اصل قوانین انعکاس و انکسار و سرعت نور در اجسام شفاف استخراج شدند بهمچنین از روی اصل موپرتویی (Mauperuis) که «کمترین عمل» نامند و حاکی است که «حرکت جسمی از نقطه ای بنقطه دیگر طی مسیری صورت می گیرد که کمترین عمل مکانیکی (حاصل ضرب انرژی جنبشی در زمان) صورت گیرد. از روی این اصل توانستند برای شعاع منکسره معمولی قانون انکسار را مطابق آنچه هویگنز از روی نظریه امواج کروی بدست آورده بود بدست آرند. پاسکال نیز کوشید که با اطلاق اصل «کمترین عمل»، قانون انکسار منکسره غیر عادی را نیز بدست آورد ولی با فرض آنکه ذرات داخل کریستال روی ذرات نور منکسره غیر عادی طوری اثر می کنند که سرعت آنرا تغییر می دهند. لاپلاس این استنتاج را در روزنامه فیزیک ژانویه سال ۱۸۰۹ منتشر کرد. شاید اگر یک نایب سرهنگ گروه مهندسی بنام مالوس کشف خود را پیش نکشیده بود. تحقیقات لاپلاس برنده جایزه آکادمی می شد کشف مذکور و کشف مهم دیگری بوسیله یونگ و تحقیقات

اختیار کرد.

کشف و تحقیقات سرهنگ مالوس ظاهراً بنفع نظریه ذره نور تعبیر شد زیرا روی این نظریه تألیف گردیده و خودش در مقدمه می‌نویسد: که نظریه موجی هویگنز مواجه با مشکلات لاینحلی می‌شود و از جمله اینکه می‌گوید که نظریه موجی نمی‌تواند خاصیت شیمیایی نور را توجیه کند. ولی می‌گوید که نظریه ذره را نه بعنوان اصل مسلم قبول دارد بلکه فقط بعنوان اینکه بهتر مسائل نور را حل می‌کند.

سرهنگ مالوس در سال ۱۸۱۱ به عضویت آکادمی انتخاب شد و سال بعدش یعنی در سال ۱۸۱۲ در سن سی و هفت سالگی فوت نمود.

سرهنگ مالوس گذشته از عضویت در آکادمی به عضویت انجمنی انتخاب شد که فقط دوازده نفر از ده نفر از معروفترین دانشمندان علمی مانند لاپلاس و امثال او عضویت داشتند. این انجمن بنام «انجمن آرکی» بود (Club d'Arcueil) که اسم محل تشکیل آن بود.

اگر مالوس در مقدمه کتاب خود نظریه ذره نیوتون را بر نظریه موجی ترجیح داد ولی در نتیجه نهایی آن توجه را به اهمیت ترسیمهای هندسی هویگنز متوجه کرد. بطور مکرر با اشاره بترسیمهای هندسی هویگنز که آنها «قانون» او می‌نامد و می‌ستاید چنانکه «این قانون را اگر عاری از توضیحاتی (موجی) که هویگنز بآن بسته بود در نظر بگیریم یکی از زیباترین کشفیات این هندسه‌دان شهیر است» (ص ۲۹۰) باز با اشاره به تجربیاتی که والاستون (Wollaston) روی منکسر غیرعادی کریستال ایزلند کرده عقیده او را نقل می‌کند که «این فیزیکدان شهیر می‌گوید که این نتایج (تجربیات) بقدری بانظریه هویگنز موافقت دارند که نمی‌شود آنها نادیده گرفت» (ص ۲۹۴) باز مالوس می‌گوید «در حالیکه روی این تجربیات (خود) قوانین گوناگونی که فیزیکدانها تا با امروز طرح کرده بودند بررسی می‌کردم از موافقت قابل ستایش قانون هویگنز با پدیدارها متحیر شدم و بر فور یقین کردم که این قانون حقیقتاً قانون طبیعت است» (ص ۲۹۵) سرانجام در خاتمه نتیجه با اشاره باینکه لاپلاس نیز به اطلاق اصل «کمترین عمل» مکانیک نتایج کاملاً موافق با هویگنز بدست آورده می‌گوید که: این قانون تمام خصایص و صحت قوانین ریاضی طبیعت را دارد «بنابراین پس از یکصد سال تحقیقات و بحث روی این موضوع یک اطلاع کاملتری از پدیدارها ما را وادار می‌کند که بدون چون و چرا این قانون شایان دقت را که نفوذ کلام نیوتون آنها مجهول کرده بود قبول کنیم و یکی از زیباترین کشفیات هویگنز را در مقامی شایسته از معارف خود قرار دهیم».

عجب است که باوجود کشف شدن خاصیت انترفرانس برای نور بوسیله یونگ و با وجود شهادتهای فیزیکدانهایی مانند والاستون و سرهنگ مالوس بر صحت و دقت طریقه ترسیم هندسی هویگنز که مثبت خاصیت موجی نور است معزاً ده سال پس از کشف یونگ و پنجسال پس از مالوس باتجربیات الزام آور فرنل نظریه موجی نور قبول شد. اینهمه تأخیر را می‌توان بعلت اعتبار نیوتون دانست که کشف قانون جاذبه عمومی باو داده است.

کشف جالب بریوستر (Brewster)

فیزیکدان نامبرده سه سال پس از فوت مالوس کشف کرد که وقتی زاویه تابش شعاعی روی جسم شفافی بمیزانی باشد که تاثرات زاویه تابش مساوی ضریب انکسار جسم شفاف باشد ($\tan i = n$) در اینصورت شعاع منعکسه پولاریزاسیون کامل خواهد یافت. این زاویه را «زاویه بریوستر» آن جسم نامند. دلیل کامل بودن پولاریزاسیون این است که وقتی منعکسه مذکور بر جسم شفاف دیگری تحت زاویه بریوستر آن جسم وارد کنیم بطوریکه سطح تابش دوم عمود بر سطح تابش اول باشد ملاحظه خواهیم کرد که جسم دوم از منعکسه جسم اول منعکسه نمی‌دهد. هرگاه فورمول دکارت را برای انکسار نور بر فورمول بریوستر اضافه کنیم ملاحظه می‌شود که شعاعی که تحت زاویه بریوستر بر جسم شفافی بتابد شعاع منعکسه آن بر شعاع منکسر عمود خواهد بود. اغلب این خاصیت را مبنای تعریف قانون مکشوفه بریوستر قرار می‌دهند.

این خاصیت مکشوفه بریوستر منتهی به کشف خواص متعددی از برای کریستال ایزلند گردید که چون طرح آنها مستلزم وارد شدن در تعاریف محور و سطح اصلی برای اقسام اشکال کریستال می‌باشد و آن مطالب چندان ربطی به این مقاله ندارد لذا از ورود در آنها صرف نظر می‌شود. دلیل تجربی قاطعی که از کشف بریوستر برای اثبات موجی بودن نور بدست آمده است در ردیف زمانی خواهد آمد.

موقع آن رسیده است که وارد مرحله تجربیات و تحقیقات فرنل (Fresnel) معروف در اثبات صحت نظریات یونگ در موجی بودن نور شویم.

۴. تحقیقات عمیق و تجربیات دقیق فرنل در اثبات موجی بودن نور:

فرنل ابتدا تجربه اجمالی یونگ روی انترفرانس دوشاخه از یک دسته اشعه نور را بصورت علمی دقیق درآورد. پس از آن انترفرانس میان منعکسه‌های دو قسمت از یک دسته اشعه را نیز تجربه کرد و معلوم داشت که وقتی یک قسمت بوسیله یک آئینه و قسمت دیگر متوالیاً بوسیله دو آئینه انعکاس داده شوند قسمت مرکزی انترفرانس تاریک بدست می‌آید، چنانکه نظریه موجی ایجاب

می‌کند.

ولی فرنل با حل صحیح و تجربی مسأله دیفرانسیون قبول نظریه موجی نور را الزامی می‌نمود. آکادمی فرانسه در سال ۱۸۱۶ مسأله دیفرانسیون را موضوع جایزه سال ۱۸۱۸ قرار داد. فرنل نظریه یونگ را مورد آزمایش قرار می‌دهد، می‌بیند که در سایه یک چاقوی لبه تیز نوارهای داخلی دیفرانسیون مربوط به لبه تیز عیناً مانند نوارهای داخلی مربوط به لبه قطور چاقو می‌باشند. فرنل نظریه یونگ را درباره دیفرانسیون صحیح ندانسته مسأله را خود مورد دقت قرار می‌دهد. فرنل با اطلاق نظریه انترفرانس یونگ بر اشعه صادره از نقاط گوناگون قسمتی از سطح موج که بوسیله صفحه حائل نشده‌اند فورمولی بدست می‌آورد که ضمن توجیه نوارهای داخلی دیفرانسیون نوارهای خارجی آنها دقیقاً توجیه می‌کند. فرنل تئوری و محاسبه خود را برای اخذ جایزه آکادمی پیشنهاد می‌کند. سه نفر از اعضاء کمیسیون پنج نفری که برای داوری تعیین شده بودند لاپلاس (Laplace)، بواسون (Poisson) و بیو (Biot) از طرفداران جدی نظریه ذره نور بودند. فرنل محاسبه را برای سایه‌های لبه‌های متوازی یک صفحه باریک مستطیل و همچنین یک شیار مستطیل داخل یک صفحه انجام داده بود. بواسون پس از مطالعه محاسبه فرنل برای صفحه باریک می‌گوید. اگر نظریه صحیح باشد پس ممکن می‌شود که سایه یک صفحه پیوسته دایره شکل در وسطش در شرایط خاصی یک دایره روشن ظاهر کند. یک چنین وضعیتی بنظر فرنل عجیب و غیر ممکن نیامد. برای جلسه بعدی کمیسیون شرایط صورت گرفتن چنین وضعیتی را حساب کرده بکمیسیون ارائه داد، و آن نظریه‌ها مورد آزمایش واقع شد و تجربه صحت نظریه و محاسبات را کاملاً تأیید نمود. انطباق تجربه و محاسبه برای تمام موارد قابل تجربه بقدری دقیق بود که فرنل برنده جایزه شد و نظریه موجی نور صحتش قطعی گردید. آراگو (Arago) مخبر کمیسیون پس از ملاحظه تحقیقات فرنل با او دوست شده و در فعالیتهای بعدی او با او همکاری صمیمانه کرد. آنسیکلوپد یا بریتانیکا در کلمه (Light) برای انترفرانس و دیفرانسیون اطلاعات موجز و جامع و روشنی می‌دهد که در چاپ سال ۱۹۷۰ توأم باعکسهای رنگی و غیررنگی طبع شده است. کشف عرضی بودن امواج نور بوسیله یونگ:

یونگ برای تطبیق دادن پولاریزاسیون بانظریه موجی نور دچار حیرت بود. تا آنکه در سال ۱۸۱۶ آراگو عضو آکادمی فرانسه و دوست فرنل در ملاقاتی که با او می‌کند برای او حکایت می‌نماید که در آزمایشی که او با فرنل انجام می‌داده‌اند که بین دو منکسر پولاریزه عمود بیکدیگر از یک

شعاع انترفرانس بوجود آورند موفق نشده‌اند بلکه ملاحظه کرده‌اند که اختلاف مسیر دو منکسره پولاریزه مزبور هرچه باشد همان شدت نوری که داشته‌اند دارند. پس از رفتن آراگو هنوز او بفاصله زیادی دور نشده بوده است که یونگ متوجه می‌شود باینکه «پس نوسانهای موج، عمود بر جهت انتشار هستند که دو پولاریزه عمود بیکدیگر انترفرانس نداده‌اند.» در نامه‌یی که بتاريخ ۱۲ ژانویه ۱۸۱۷ به آراگو می‌نویسد، می‌گوید من فکر می‌کردم درباره امکان آنکه یک توضیح (حداقل) ناقصی از خاصیت نور که پولاریزاسیون را تشکیل می‌دهد بدهم بدون اینکه از دکتربین موجی خارج شوم. و حالا ممکن است بیان داشت نظریه موجی بانوسان عرضی که در امتداد انتشار نور با همان سرعت منتشر گردد و وقتی که حرکت ذرات نسبت بامتداد انتشار در جهت ثابتی باشند پولاریزاسیون خواهد بود «در نامه بعدی به آراگو بتاريخ آوریل ۱۸۱۸ موج عرضی نور را تشبیه می‌کند به نوسان یک طناب که از یک سرش حرکت موجی بآن داده شود. وقتی آراگو این نامه را به فرنل نشان داد فرنل فوراً دید که جواب صحیح انترفرانس پیدا نکردن دو شعاع عمود بیکدیگر همین است که یونگ تشخیص داد. و خود همین تجربه می‌تواند دلیل صحت فرضیات یونگ قرار گیرد.

واقعاً جالب توجه است قدرت تجسم و تعمق یونگ توأم با نداشتن حوصله برای انجام محاسبات و تجربیات طولانی. خیلی اشخاص هستند که در این وضعیت می‌باشند و از افکار خود نتیجه نمی‌گیرند. بقول پیرو سو در «تاریخ علوم» یونگ در دو سالگی قادر به خواندن بوده در نه سالگی اوقات را صرف یاد گرفتن فرانسه، ایتالیایی، عبری، ایرانی و عربی می‌کرده‌است، و از این رو می‌توان گفت: که یونگ یکی از نوابغ علمی است.

۶. نتیجه جالب توجه تحقیقات فرنل نسبت بوضعیت نور در کریستالها
فرنل پس از اطلاع بر نظریه یونگ دایر به عرضی بودن امواج و تصدیق صحت نظریه خود او بشرح زیر استنتاج کرد.
۱. اگر ما فرض کنیم که (مدیوم) واسطه فضایی دارای مقاومت در برابر پیش باشد (مانند اجسام)، آن وقت عرضاً می‌تواند نوسان کند.

۲. نبودن موج طولی دلیل بر این است که مقاومت اثر در مقابل فشار و تراکم خیلی خیلی زیاده‌تر از مقاومت در مقابل پیشش است.

۳. یک شعاع منفرد همیشه نوسانش در یک سطح توجیه شده (پولاریزه Polarise) است ولی آن سطح دائماً جهتش در تغییر است.

۴. یک شعاع معمولی نور از مجموعه

(بلکه تسلسلی) از سلسله امواجی است که در جهات مختلفه توجیه شده‌اند.

۵. عمل پولاریزاسیون عبارت است از تجزیه نوسان هریک از شعاعها به دو جزء عمود بر یکدیگر و در دو جهت تغییرناپذیر و جمع کردن هریک از این دو جزء در یک سطح...

۶. باتعریفی که برای «سطح توجیه» اختیار شده، سطح توجیه یک شعاع معمولی سطحی می‌شود که شامل شعاع مذکور و امتداد محور کریستال است. پس در یک مجموعه اشعه «توجیه شده» (پولاریزه) نوسان عرضی عمود بر سطح توجیه صورت می‌گیرد.

پس از استنتاجات فوق فرنل وارد مطالعه نور در داخل کریستال می‌شود و برای کریستالهای دو محوری یک معادله درجه چهارم بدست می‌آورد که موسوم است به معادله «سطح موج فرنل» و برای کریستالهای یک محوری نوع کریستال ایسلند معادله مذکور تجزیه می‌شود به دو معادله، یکی معادله کره و دیگری معادله یک شبه کره.

از معادله مذکور خاصیت عجیبی کشف شد که سرانجام به اثبات صحت محاسبه فرنل و تئوری موجی نور می‌رسد.

فرنل در سال ۱۸۲۳ به عضویت آکادمی فرانسه و در سال ۱۸۲۴ به عضویت «انجمن سلطنتی» انگلستان انتخاب شد و در سال ۱۸۲۷ درگذشت. وقتی آراگو بخواهش یونگ مدال رومفورد (Rumford) را که «انجمن سلطنتی» باو اعطا کرده بود بمحل اقامت او که دور از پاریس بود برد، فرنل تردید ببردن بود و بزحمت توانست از آراگو تشکر کند و باو گفت «تشکر می‌کنم که این مأموریت را پذیرفته‌اند. حدس می‌زنم که چقدر (گران) برایتان تمام شده است زیرا حس کرده‌اید که زیباترین تاج (گل) وقتی که باید روی قبر دوست گذارده شود، کم ارج و بیمقدار است!» و هشت روز پس از آن فوت نمود.

اثر عجیب مکشوفه از معادله «سطح موج فرنل»

معادله «سطح موج فرنل» مدت چندین سال صحتش مورد بحث بود. در سال ۱۸۳۲ ویلیام روآن هامیلتون (W.R. Hamilton) متذکر شد که سطح معادله فرنل دارای چهار نقطه مخروطی است که هریک از آنها عده بینهایتی سطح مماس قبول می‌کنند و از این رو هر شعاعی که از یک نقطه از داخل کریستال بیکی از این نقاط برسد در خروج از کریستال به عده بینهایت اشعه تقسیم می‌گردد که سطح مخروطی را تشکیل می‌دهند و همچنین چهار سطح مماس بر سطح موج وجود خواهد داشت که هریک از آنها در امتداد یک دایره با سطح مذکور تماس می‌یابند و از این رو اشعه تابنده بر این نقاط

تماس در داخل کریستال سطح مخروطی تشکیل خواهند داد.

بفاصله کمی بعد هامفری للویید (Humphry Lloyd) باتجربه معلوم داشت که وضعیتهای مکشوفه عجیب عیناً تحقق می‌یابند.

ایرادات و تجربیات در صفحات ۱ و ۱۴۵ جلد XVII چاپ ۱۸۳۳ (Trans. Irish Acad.) درج و مثبت صحت نظریات فرنل گردیدند. تجربیات متعدد مشروح نظریه موجی نور را در وضعیت غیرقابل تردید قرار دادند و تئوری اثر در مفهوم اثر شبه مادی نیوتونی مورد قبول عموم فیزیکدانها شد. ولی انهاییکه بفلسفه «اتمی و خلاء» دموکریت علاقه بیشتر حس می‌کردند، برای اثر جنبه ذره آتمی قائل می‌شدند.

دو تجربه قاطع برای اثبات موجی بودن نور

تجربیات مذکور در پیش نظریه موجی نور را اثبات کردند، بدون اینکه نظریه ذره آنرا رد کرده باشند ولی در سالهای ۱۸۳۱ و ۱۸۵۰ دو تجربه بعمل آمد که در میان دو نظریه موجی و ذره‌یی، نظریه موجی را اثبات و نظریه ذره‌یی را رد کردند. باین دلیل آنها را تجربه قاطع نامند. این دو تجربه یکی روی تیغه‌های نازک است دیگری روی اندازه گرفتن و مقایسه سرعت نور در آب و هوا.

تجربه قاطع روی تیغه‌های نازک

در سال ۱۸۳۱ G. B. Air متوجه شد باینکه طبق نظریه موجی رنگهای مشهوده در تیغه‌های نازک نتیجه انترفرانس شعاعهای منعکس از سطح بالایی تیغه است باشعاعهای منعکس بوسیله سطح زیری تیغه که برگشته‌اند پس اگر شعاعهایی که پولاریزه کامل شده باشند تحت زاویه بریوستر روی تیغه بتابد بطوری که سطح تابش دوم عمود بر سطح تابش شعاع پولاریزه باشد، چون شعاع منعکسی وجود نخواهد داشت پس اگر نظریه موجی درست باشد باید رنگها ظاهر نشوند و اگر نظریه ذره صحیح باشد بایستی رنگها ظاهر شوند. تجربه صحت نظریه موجی را تأیید کرد.

تجربه قاطع با اندازه گیری سرعت نور در آب و هوا

آراگو متوجه شده بود باینکه طبق نظریه ذره سرعت نور در آب بایستی بیشتر باشد نسبت بسرعت در هوا ولی طبق نظریه موجی سرعت نور در آب کمتر است پس با اندازه گرفتن و مقایسه این دو سرعت نتیجه قاطع بدست می‌آید. این تجربه را خود آراگو نتوانست عمل کند ولی در سال ۱۸۵۰ فیزو (Fizeau) و فوکو (Foucault) تجربه منظور او را انجام دادند. صحت نظریه موجی تأیید شد.

از: مهندس حسین آوارگان



عبید زاکانی

مقدمه‌یی درباره طنر و هزل
«نام عبید کی رود از یاد اهل دل
چون گفته‌های نازک او یاد گاراوست»

ندارد زیرا هدف از طنز اصلاح است نه مردم‌آزاری و نفع شخصی و رسیدن به آرزوها. و توان گفت که قلم طنزنویس کارد جراحی است نه چاقوی آدم‌کشی.
در این مقاله برای اینکه دریابیم که چه عللی باعث شده که عبید به هزالی و طنز پردازد اول از وضع زمان او سخن می‌رانیم و بعد بوقایع زندگی او و آثارش می‌پردازیم:

۱. روزگار عبید:

اگر تاریخ دوره فترت بین مرگ ابوسعید آخرین سلطان ایلخانی را تا استیلای تیمور لنگ پڑووش کنیم درمی‌یابیم که در این دوره که حتی به پنجاه سال نمی‌رسد چندین سلسله محلی و کوچک در نواحی مختلف ایران قد برافراشته و هریک بنحوی به خونریزی و قتل و غارت و چپاول مردم دست یافته‌اند. این ترکتازها و این غارتها و سخت‌کشیها دست بدست مصیبتها و آلام گذشته، که در اثر حمله مغول گریبانگیر مردم شده بود، داده و تمام ارکان ارزشهای اجتماعی را متزلزل ساخته و بدکاری و بی‌بندوباری را اشاعه داده بود.

در این دوره است که برخی از رجال از هیچگونه پلیدیها و ناپاکیها و معاشرتهای زشت بامردم دور و برخود ابا نمی‌کردند. و یکی از سردمداران به بدنامی و زشتکاری زندگی می‌کرده و امیری بدست خود پدر را کور و حاکمی دیگر علناً امرای خود را مجبور بطلاق دادن همسرانشان می‌کرد و در حسرت معشوق اشکها می‌ریخته و شعرها می‌گفته است و وزیر کشی بر همه جا حکمفرما بوده است.

طنز که در السنه غربی بآن ساتیر Satire می‌گویند به آن قسمت از ادبیات گفته می‌شود که نویسنده یا شاعر تصویری مضحك و بمسخر آمیز از پدیده‌ها و جنبه‌های زشت و ناپسند اجتماع و زندگی مردم جامعه و حقایق تلخ و ملالت‌بار، تاحدی باغراق، بدست می‌دهد که مایه آگاهی و تیزهوشی مردم می‌شود. این کار، يك هدف عالی و اجتماعی دارد. یعنی اول موضوع طنز آمیز، شخص را می‌خنداند و بعد به تفکر وامی‌دارد تا به نتیجه و هدف اخلاقی و اجتماعی برسد. از اینجا ملاحظه می‌شود که در بطن طنز و هزل یکنوع جنبه جدی نیز نهفته است که منظور و هدف غائی نویسنده و یا شاعر طنزگو همان جنبه جدیست. يك منتقد بزرگ مغرب زمین می‌گوید: «شاعر هزل‌سرا چون بیش از همه متأثر می‌شود و بهتر از مردم عادی احساس می‌کند بنابراین تندتر و تیزتر می‌نویسد و بیمی ندارد که سخنش رنجاننده باشد چرا که خود بسیار رنجیده خاطر و متأثر است.»

وقتی در جامعه‌یی وجدان تحمل سخنان جدی و واقعیت‌های تلخ زندگی نباشد و منطق صحیح و حسابی، براو کارگر نیفتد طنز و هزل بوجود می‌آید تا در سایه حفاظی که برای نویسنده یا شاعرش بوجود می‌آورد حرفش را بزند و انتقادش را بکند. و این در واقع شرایط نابسامان اجتماع است که باعث می‌شود طنزگو بوجود آید تا نابسامانیها و زشتیها را با قلم طنز و هزل بنمایاند و مخصوصاً موقعی که تماماً بنحوی از انحاء سرپوشی بروی این زشتیها کشیده شود.

برای يك طنزگو و هزال نفع شخصی محلی از اعراب

۴. اصل و نسب عبید:

اکثر تذکره نویسان زادگاه مولانا نظام‌الدین عبید را از قریه زاکان، از توابع قزوین می‌دانند. آذر بیگدلی می‌نویسد: «عبید اصلش از زاکان، از اعمال قزوین که معدن زاج است. فاضلی عظیم‌الشان بوده است.»

آذر بیگدلی فکر کرده که زاکان تحریف شده زاج‌کان است. ولی حمدالله مستوفی که کتاب تاریخ گزیده خود را در سال ۷۳۰ ه. ق نوشته درباره عبید عقیده دیگری دارد و آن اینکه اواز قبیله زاکانیان است که اصلشان از عرب بنی‌خفاجه بوده است و آنها دو شعبه بوده‌اند که یکی به عالمی و اهل حدیث بودن منسوب، و دیگری ارباب صدور، واز ایشان عبید زاکانی را نام می‌برد که اشعار خوب و رسائل بی‌نظیر دارد.

تاریخ تولد عبید درجایی ذکر نشده ولی تاریخ وفاتش را میانسالهای ۷۷۲ و ۷۷۱ ه. ق. دانسته‌اند و قدردم سلم اینست که عبید تا سال ۷۶۸ ه. ق. زنده بوده است و این، از شعری که او در آن شاه شجاع از سلسله آل مظفر را مدح کرده و اورا به فتح اصفهان تهنیت گفته، برمی‌آید. چون شاه شجاع اصفهان را در ۱۷ ذی‌الحجه ۷۶۸ ه. ق. از دست برادرش محمود بدرآورد. آن شعر اینست:

صبا و عید و رخ یار و روزگار شهاب
خروش چنگ و لب زنده‌رود و جام شراب
نوبت فتح صفاهان و مژده اقبال
نشان بخت بلند و امیر فتح‌الباب

عبید در آغاز زندگی تا حوالی سال ۷۴۶ ه. ق. در عراق عرب می‌زیسته و بعدها وقتی که اوضاع و احوال دگرگون می‌شود به شیراز رو می‌کند و بیشتر تحصیل علوم و فنون را در این شهر پایان می‌رساند. در عهد عبید شاعران بزرگی چون حافظ و خواجوی کرمانی و سلمان ساوجی و عماد فقیه کرمانی و ناصر بخاری و غیره زندگی می‌کرده‌اند. مطایبه‌یی هست که در آخرین لحظات زندگی، عبید به بچه‌هایش (دو پسر و یک دختر) بهر یک در خفا گفته بوده که بعد از مرگ او بفلان جا بروند و گنجی را که او در آنجا پنهان کرده است صاحب شود. زمانی که عبید لبیک حق را اجابت می‌گوید هر یک از فرزندان بسر وقت گنج در موعد مقرر می‌روند و با همدیگر روبرو می‌شوند و راز برملا می‌گردد که پدرشان بهمه آنها این موضوع را گفته بوده منتهی درخفا. بالاخره زمین را می‌کنند و صندوقی بدست آورده واز توی آن یک صندوق دیگر درآورده واز توی آنها صندوق کوچکی دیگر، و وقتی که آخرین صندوقچه را باز می‌کنند کاغذی بدست می‌آورند که رویش نوشته شده بوده:

خدا داند و من دانم و توهم دانی
که یک فلوس ندارد عبید زاکانی

عبید با آنکه به‌دربار اشخاصی چون شاه شیخ ابواسحق اینجو و سلطان اویس ایلکانی و شاه شجاع مظفری انتساب داشته. ولی با علو همت و عزت نفسی که او دارا بوده همیشه از ضیق مادی و تنگدستی در عذاب بوده است. در دیوانش اشعاری وجود دارد که حاکی از مقروض بودن و ناراحتیهای مادی زندگی اوست:

مردم به عیش و شادی و من در بلای قرض
هریک بکار و باری و من مبتلای قرض
فرض خدا و قرض خلاق بگردنم
آیا ادای فرض کنم یا ادای قرض؟
و یا:

در این اوان از یک طرف ملوک‌الطوایفی که امرایشان بیشتر خونخوار و جابرند و اصلشان از ایران نیست حکومت می‌کند و از طرف دیگر تعصبات خشک مذهبی و فساد پیشوایان دین مردم را گیج و منگ کرده است. مسلمانان و یهودیان و مسیحیان سر مسائل حزبی بجان یکدیگر می‌افتادند و «جنگ هفتاد و دو ملت» در این دوره باوج خود رسیده بود که از اشعار حافظ و سعدی و گفته‌های نثر عبید این همه زرق و ریا و سالوس بخوبی استنباط می‌شود.

از طرفی فقر و گرسنگی و تنگدستی که خود یکی از علل فساد اخلاقی است بر همه جا مسلط بوده است و عوامل اقتصادی و اجتماعی مانند خوره، مغز اخلاقیات و روحیات مردم را خورده و درهم ریخته بوده است.

سیدالدین قرغانی یکی از شاعران عارف سده هفتم و هشتم هجری درباره اوضاع زمان خود شعری سروده با عنوان تاریخ فساد زمان، که در آن از وضع دردناکیز و ملالت‌خیز انحطاط اخلاقی و اجتماعی و کاسد شدن بازار علم و هنر و راستی و درستی سخن می‌راند و با مطلع زیر شروع می‌شود:

در عجبم تا خود آن زمان چه زمان بود
کامتن من بسوی ملک جهان بود؟
و در چنین دوره است که عبید زندگی می‌کند و آثارش پراز نفرت و اترجار، و همه حاکی از تأثر او از وضع زمانه خودش است و در واقع سائیرسم (هزل گرایي) عبید مانند آتش فشانی سهمگین به تخریب تمام آراء و عقاید مذموم و منحط و نظام‌های سیاسی و اجتماعی مردمی ناامید می‌پردازد. مردمی که در سایه بلاها و مصیبت‌های ناشی از حمله مغول بوضع فلاکت باری افتاده بودند که یارای مبارزه‌شان نبوده است. از زبان عبید بشنویم:

«شخصی از مولانا عضدالدین پرسید که چونست که در زمان خلفا مردم دعوی خدایی و پیغمبری می‌کردند و اکنون نمی‌کنند؟ گفت: مردم این روزگار را چندان ظلم و گرسنگی افتاده است که نه از خدایشان بیاد می‌آید و نه از پیامبر.»

این قتلها و گرسنگی‌ها و رنج‌ها باعث شد که وقتی خونخواری همچون تیمور به ایران یورش آورد مردم تاحدی اورا با آغوش باز پذیرفتند و مقاومت‌های نه‌چندان قوی در مقابل او به انجام نرساندند. حافظ گوید:

سو ختم در چاه صبر از بهر آن شمع چگل
شاه ترکان فارغست از حال ما کو رستمی؟
خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم
کز نسیمش «بوی جوی مولیان آید همی»

در چگونگی هزل گرایي عبید داستانی هست که: روزی عبید زاکانی رساله‌یی در فن بیان می‌نگارد تا به‌حضور «شاه شیخ ابواسحق اینجو» برسد. ولی وقتی که می‌خواسته آنرا از نظر شاه بگذراند اورا مانع می‌شوند و او قصیده‌یی عرا می‌سازد که بعرض شاه برساند. باز مانع می‌شوند که او حرف‌های جدی و مبالغه شاعران را دوست ندارد. از این رو عبید طریق دیگری انتخاب می‌کند و به هزل گویی می‌پردازد و بدین ترتیب راه به‌دربار شاه شیخ ابواسحق می‌یابد. می‌گویند بعضی‌ها ازین حالت عبید متعجب می‌شوند که چگونه چنان مرد فاضلی به هزالی و هجو گویی تن در داده است. عبید برای روشن شدن آنها قطعه شعر زیر را که از انوری است می‌خواند:

ای خواجه مکن تا بتوانی طلب علم
کاندر طلب راتب هر روز بمانی
رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز
تا داد خود از کهنتر و مهتر بستانی

ای آقچه گرد روی کانی
ای بیتو حرام زندگانی
ای راحت جان و قوت دل
ای مایه عیش و کامرانی
تا کی باشد عبید بی تو
تن داده به عجز و ناتوانی؟

۳. عبید و شاعران دیگر

توان گفت که زبان عبید همان زبان سعدی است که خوب هم توانسته از عهده تقلیدش بریاید. اگر تمامی دیوان عبید را ورق بزنیم این تأثیر و تقلید را بخوبی درمی یابیم. عبید در اشعارش نیز از شعرهای سعدی تضمین می کند. با اینکه این تضمین شامل شاعران دیگر نیز می شود ولی تأثیر سعدی در این میان بیشتر است. در غزل زیر از سبک سعدی تقلید کرده و شعر او را تضمین نموده است:

رفتم از خطه شیراز و بجان در خطرم
وہ گرین رفتن ناچار چه خونین جگرم
می روم دست زنان بر سر و پای اندر گل
زین سفر تاجه شود حال و چه آید ب سرم؟
گاه چون بلبل شوریده در آیم بخروش
گاه چون غنچه دلتنگ گریبان بدم
بیخود و بیدل و بی پای برون از شیراز
«می روم و ز سر حسرت بقفا می نگرم»
قوت دست ندارم چو عنان می گیرم
«خبر از پای ندارم که زمین می سپرم»
ای عبید این سفری نیست که من می خواهم
می کشد دهر بزنجیر قضا و قدرم
و یا:

چه تفاوت کند از زانکه بیایی بر ما
«بامدادان که تفاوت نکند لیل و نهار»
دست در دامن می زن که ازین پس هم روز
«خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار»
بادر نظر گرفتن مطالب بالا زیاد دور نیست که پایه و مبنای هزلیات عبید همچنانکه بهار بدان اشاره کرده مجموعه هزلیات شیخ سعدی است که در سه مجلس است و چند فقره سؤال و جواب و انسحو که * و حتی بعضی وقتها عبید در مطایباتش سر بر سر مراد خود شیخ سعدی گذاشته است. در دیوان عبید قطعه شعری هست درباره سنگتراش و مهمان کردن او خداوند را از راه صدق و صفا و سادگی. می دانیم که مولوی هم یک مثنوی دارد با همین موضوع و عنوان، منتهی در شعر مولوی بجای سنگتراش، شبان آمده است و هیچ بعید نیست که عبید در سرودن این مثنوی ازین حکایت کوتاه مولوی مایه گرفته باشد.

با اینکه عبید معاصر حافظ است و بالطبع باید باین شاعر گرانمایه مراد و گفتگویی می داشته ولی ازین روابط و مباحث هیچ اطلاعی بدست ما نرسیده است حتی دولتشاه سمرقندی هم که شرح مبسوطی درباره عبید دارد از روابط او با حافظ سخنی بمیان نمی آورد. در کلیات عبید هیچ اشاره صریحی نسبت به حافظ وجود ندارد و فقط دو سه غزل معدودی است که از لحاظ وزن و قافیه با شعرهای حافظ تطبیق می کند و معلوم نیست که کدامیک از اینها از دیگری پیروی کرده است. در قطعه شعر زیر عبید از شعر حافظ تضمین کرده است:

ای دل زاهل و اولاد دیگر مکش ملامه
در شهر خویش بنشین بالخیر والسلامه
این قوم بی کرم را یکبار آزمودی
«من جرب المعرب حلت به الندامة»

می توان حدس زد از آنجایی که هر دو شاعر، در بارهای شاه شیخ ابواسحق و شاه شجاع را درك کرده اند امکان دارد با همدیگر مباحثه و مشاعره داشته اند و اینکه اطلاعی بدست ما نرسیده دست تطاول زمان است که ما را بی خبر ساخته است.

عبید در سفری که به بغداد کرد دیداری با سلمان ساوجی شاعر دربار سلاطین آل جلایر داشته است. بنابر نوشته تذکره نویسان، سلمان ساوجی عبید را در بیتی چند هجو گفته بود و عبید دل پر خونی از سلمان داشت و دنبال فرصت می گشته که تلافی بکند. سلمان ساوجی در هجو عبید بدون دیدار حضوری ابیات زیر را گفته بوده:

جهنمی و هجاگو عبید زاکانی
مقررست به بی دولتی و بی دینی
اگرچه نیست زقروین و روستازاده است
ولیکن می شود اندر حدیث قزوینی

وقتی که عبید به بغداد می رسد سلمان را با تنی چند در لب دجله می یابد که به عیش و نوش مشغول هستند بنحوی به مجلس آنها راه می یابد. در این میان سلمان مصرعی درباره دجله گفته و از حاضران تکمله آنرا خواست و آن مصرع این بوده: «دجله را امسال رفتاری عجب مستانه است» عبید فی البدیهه آنرا با مصرع زیر کامل می کند: که «پای در زنجیر و کف بر لب مگر دیوانه است!» سلمان را خوش می آید و ازو می پرسد که اهل کجاست؟ عبید جواب می دهد که از قزوینم. سپس سلمان از حسن شهرت خود در قزوین از عبید می پرسد. عبید می گوید که قطعه ای از اشعار او آنجا بسیار مشهور است و قطعه زیر را می خواند:

من خراباتیم و باده پرست
در خرابات مغان عاشق و مست
می کشندم چوسبو دوش بدوش
می برندم چو قدح دست بدست

و بعد اضافه می کند که با اینکه سلمان مردی فهمیده و نکته سنج است ولی ظن غالب من آنست که این شعر از زن او باشد. سلمان از مطایبه او بهوش می آید و درمی یابد که این شخص عبید زاکانی معروف است و با او از دراعتذار درمی آید و به گرمی ازو پذیرایی می کند و عبید همیشه باو می گفته که اگر بامن از در اعتذار در نیامده بودی از زخم زبان من هیچوقت نمی رستی.

بنابر نوشته دولتشاه سمرقندی عبید با سراج الدین قمری که شاعری خوش طبع و لطیفه گوی و سخن شناس بوده واصلش از قزوین، مشاعره و مناظره داشته است و همچنین دولتشاه سمرقندی در جای دیگر می گوید که جهان خاتون نامی که شاعره و ظریفه بوده و از حسن جمال نیز بی بهره نبوده است (و بعدها امین الدین وزیر شیخ ابواسحق اینجو او را بنکاح خود درآورد) با خواجه عبید مشاعره و معارضه داشته و عبید در حق او گفته بوده که:

گر غزلهای جهان روزی بهندوستان رسد
روح خسرو با حسن گوید که این ... گفته است

۴. سبک عبید:

چنانکه گفتیم عبید از سبک قدما مخصوصاً شیخ سعدی تقلید کرده و در اینکار هم خوب موفق شده است و بنظر می رسد که در این مورد او خواسته هرچه بیشتر سبک خودش را ساده تر کند و سبکی بوجود آورد که پُر مقرر و مؤجز باشد و در جملات کوتاه معانی بیشتری ادا بشود و او برای اینکار حتی از کلمات عامیانه زمان خودش هم سود جسته است و این امر بادر نظر گرفتن سبک مغلط و پیچیده زمان عبید قابل تمجید است. عبید در سخن سرایی خیلی پایه و

۵. مملوحان عبید

۱- شاه ابواسحق اینجو: شاه شیخ ابواسحق اینجو پسر امیرشرفالدین محمودشاه (که در زمان غازان خان حکومت فارس و مضافات آنرا بدست آورده بود) که از سال ۷۴۲ هـ. با بیرون کردن ملک اشرف چوپانی از فارس استقلال خود را اعلام کرده و در آنجا تا سال ۷۵۸ هـ. با اعزاز و قدرت تمام حکومت نموده بود یکی از پادشاهان آل اینجو و علاقمند به شعر و شاعری بوده و گاهی خودش هم از راه تفنن شعر می سروده است. درباره شاه شیخ ابواسحق جایگاه شاعران بلندمقامی همچون حافظ و غیره بوده که اینها بعزت تکریم و اعزازی که از آنها بعمل می آورده در اشعار خودشان او را مدح کرده اند. این شاه از پادشاهان بلندپرواز خاندان آل اینجوست. او دستور داده بود که در شیراز بسک ساسانیان ایوانی همانند ایوان مداین بسازند و شاید بدینوسیله می خواست که عظمت شاهنشاهان ساسانی را بار دیگر در ایران زنده کند. متأسفانه با این که این شاه فرهنگ پرور و ادب دوست بوده ولی با اینهمه شخصی خوشگذران و بی خیال و فارغ از امور کشوری و لشکری بوده است چنانکه وقتی در سال ۷۵۸ هـ. امیر مبارزالدین محمد از پادشاهان آل مظفر لشکر به شیراز می کشد او هنوز به لهو و لعب و عیاشی مشغول بوده و این امر باعث می شود که از مبارزالدین محمد شکست خورده و دستگیر و از میان برداشته شود.

عبید در چندین جا، بارها او را و ایوان پادشاهی را ستوده و مدح کرده است.

«جهان گشای جوانبخت شیخ ابواسحق
زهی زجمله شاهان و خسروان ممتاز...»
و درباره ایوان پادشاهی او:

«نشستن با نشاط و کامرانی
طرب کردن در این کاخ کیانی
مبارک باد بر شاه جهان بخش
سلیمان دوم جمشید ثانی
ابواسحق سلطان جوانبخت
که برخوردار بادا از جوانی»

۲- رکن الدین عمیدالملک: وزیر شاه شیخ ابواسحق بوده و از جمله کسانی است که شعر و ادب را دوست داشته و خودش نیز اهل فضل بوده و شعر می سروده است. عبید این شخص را در چندین جا مدح کرده و گفته:

«خدا یگان جهان رکن دین عمیدالملک
محیط مرکز دولت سپهر جاه و جلال...»

و چنانکه از یکی از اشعار عبید برمی آید گویا او مدت دوازده سال در خدمت این وزیر بوده است.

۳- خواجه علاءالدین محمد (متوفی سال ۷۳۷ هـ.) این شخص که ابتدا توسط ابوسعید ایلخانی با خواجه غیاث الدین محمد پسر رشیدالدین فضل الله در وزارت شریک شده بود و بعدها به خراسان رفته و در آنجا سمت وزیری داشته تا اینکه بدست سرداران کشته می شود. عبید گویا زمانی که در درباره ابوسعید بوده رساله نواذرا لامثال خود را که به زبان عربی است باو تقدیم کرده است.

۴- سلطان اویس جلایر: احتمال می رود که عبید پس از برافتادن شیراز بدست امیر مبارزالدین محمد مظفری و دستگیری شاه شیخ ابواسحق رهسپار بغداد شده تا از درباره سلطان اویس جلایر که شاعران را معزز می داشته، مستفیض گردد. این پادشاه باینکه یک امیری ادب دوست و شاعر پرور بوده ولی از انجام کارهای زشت غیرطبیعی از قبیل هم جنس بازی ابا نمی کرده است. عبید او را در اشعارش مدح کرده است:

مایه داشته است چون فصاحت و بلاغت اوست که چنین آثار ساده و پرمعنی را بیادگار گذاشته است. شیوه عبید سهل و ممتنع است و اثنایش گرم و زنده، و شاید علت این امر سود جستن عبید از زبان لطیف عامه مردم باشد که عبید در بیشتر جاهای دو اثر معروف خود رساله دلگشا و اخلاق الاشراف جانب این موضوع را رعایت کرده است.

خصیصه دیگری که اثر عبید دارا می باشد روح طنز و لحن تمسخر آمیزی است که در یک یک ترکیبات و عبارات او نهفته است و این در واقع تراویده و زاییده فکر و ابتکار اوست. مطالعه مثالهای زیر تاحدی این ادعا را ثابت می کند:

۱- ترسایی مسلمان شده بود. گردشهرش می گردانیدند.
ترسایی دیگر براو رسید گفت: مسلمانان سخت کم بودند تو نیز مسلمان شدی.

۲- خطیبی را گفتند مسلمانی چیست؟ گفت: من مردی خطیبم مرا با مسلمانی چه کار؟

۳- قزوینی تابستان از بغداد می آمد گفتند: آنجا چه میکردی؟ گفت: عرق

۴- شخصی از مولانا عضدالدین پرسید که یخ سلطانیه سردتر است یا یخ ابهر؟ گفت: سؤال تو از هردو سردتر است!

عبید به زبان عربی و ترکی نیز مسلط بوده و حکایاتی که به زبان عربی در قسمت اول رساله دلگشا نقل کرده و اشاراتی به ترکی که در ضمن اشعار و یا گفته های خود آورده این گفته را تصدیق می کنند. در عبارات و داستانهای عربی نیز جانب ایجاز را رعایت کرده و سعی نموده با کلمات معدود معانی بیشتری افاده کند دو داستان و لطیفه عربی برای مثال نقل می گردد:

۱- قالت امرأة لزوجها ياديوث يامفلس. فقال: الحمد لله ليس لي ذنب؛ فالاول منك والثاني من الله. «ترجمه: زنی به همسرش می گفت: ای دیووث، ای مفلس. همسرش گفت الحمد لله که من گناهی ندارم چون اولی از دست توست و دومی از جانب خدا.»

۲- اعترض رجل جارية رقاصة. فقال: هل في يدك صناعة؟ قالت: لا، ولكن الصناعة في رجلي. «ترجمه: مردی به دختری: آیا در دست خودت حرفه ای داری؟ زن گفت: نه، واما حرفه من در پای من است.»

عبید در تمام صنایع شعری خود را آزموده و خوب هم از عهده آنها برآمده است. رباعی ذیل از اوست:

گفتم: عظم گفت: که حیران منست
گفتم: جانم، گفت: که قریان منست
گفتم: که: دلم گفت: که آن دیوانه
در سلسله زلف پریشان منست

و این غزل:

زلفت به پریشانی، دل برد به پیشانی
دل برد به پریشانی، زلف به پریشانی
گر زلف بیفشانی، صدجانش فرو ریزد
صدجانش فرو ریزد گر زلف بیفشانی
یک لحظه به پنهانی گروصل تو دریابم
گروصل تو دریابم، یک لحظه به پنهانی
صدبوسه به پنهانی از لعل تو دریابم
از لعل تو دریابم صد بوسه به پنهانی
آخر نه مسلمانی، رحم آر برین مسکین
رحم آر برین مسکین آخر نه مسلمانی
می بینی و میدانی احوال عبید آخر
احوال عبید آخر می بینی و میدانی

«... خسرو فیروز بخت شاه او پس آنکه هست

مظهر لطف خدا سایه پروردگار...»

۵- شاه شجاع: عبید آخر عمر خود را در شیراز در خدمت شاه شجاع گذرانیده و او را در اشعاری چند مدح کرده است. شاه شجاع مردی دانشمند و فاضل بوده و شعر هم می سروده است و با حافظ ماجراها دارد و حافظ او را در اشعارش ستوده است. این امیر نیز با اینکه مردی فاضل و فضل دوست بوده خیلی سفاک و سخت کش بوده چنانکه به چشم پدرش مبارزالدین محمد میل کشید و پسرش شبلی را کشت و با اینکه در زمان او ادبیات تاحدی ترقی و پیشرفت می نماید ولی بنیانهای اجتماعی همچنان متزلزل بوده و باب نابسامانیها و تردامنیها همچنان مفتوح. حافظ گوید:

«آن که روشن شد جهان بینش بدو

میل در چشم جهان بینش کشید...»

عبید در شعر زیر او را مدح کرده:

«... جلال دینی و دین شیر حمله شاه شجاع

که هست چاکر او آفتاب و ماه و ندیم...»

۶. آثار عبید:

مجموعه اشعار جدی که از عبید بجا مانده از سه هزار بیت تجاوز نمی کند و آنها شامل قصیده و غزل و ترجیع بند و ترکیب بند و مثنوی و مقطعات و رباعی است و بیشتر اشعار هزل آمیز عبید بصورت ترجیعات و قطعات و رباعیات است و منظور از سرودن آنها پرده برداشتن از روی روابط نامتناسب مردمان اجتماع خود و رسوم نامعقول آنها بوده است. آثار دیگر او عبارتند از:

۱- رساله اخلاق الاشراف - این رساله شامل یک مقدمه و هفت باب است و هر باب هم مشتمل بر دو مذهب است: یکی مذهب منسوخ که شیوه قدما بوده و یکی مذهب مختار که روش مردمان زمان عبید بوده که عبید از آنها به (اصحابنا) تعبیر می کند. این رساله که نشر متأثر از گنستان است و بسبب بسیار ساده و روان نوشته شده بترتیب از موضوعات: حکمت (یعنی بودن شوق ادراک معارف) شجاعت (که روشی بوده است متروک) عفت (که چیز بی مسایی بوده) عدالت (که حکم کیمیا داشته) سخاوت (که رواجی نداشته) حلم (یعنی بی غیرتی و بی حمیتی) و حیا (که صاحب آن از همه چیز محروم بوده) و صدق و رحمت و شفقت (که از جمله ترهات و خوی سگان بوده)، بحث می کند. این کتاب در سال ۷۴۰ ه. (۱۳۴۰ میلادی) نگاشته شده و در انتقاد از اخلاق بزرگان و بزرگ زادگان و اشراف زمان عبید بوده است. برای مثال قسمتی از آن از باب چهارم که عدالت است در اینجا نقل می شود: «مذهب منسوخ: اکابر سلف، عدالت را یکی از فضایل اربعه شمرده اند و بنای امور معاش و معاد بر آن نهاده. معتقد ایشان آن بود که «بالعدل قامت السموات والارض» خود را مأمور «ان الله یامر بالعدل و الاحسان» بداشتندی. بنابراین سلاطین و امرا و اکابر و وزراء هم همت بر اشاعت معدلت و رعایت امور رعیت و سپاهی گماشتندی و آنرا سبب دولت و نیکنامی شناختندی.

مذهب مختار: اما مذهب اصحابنا آنکه این سیرت بدترین سیرت هاست و عدالت مستلزم خلل بسیار، و آنرا بدلائل واضح روشن گردانیده اند و می گویند بنای کار و سلطنت و فرماندهی و کدخدایی بر سیاست است. تا از کسی ترسند فرمان آنکس نبرند و اگر همه یکسان باشند بنای کارها خلل پذیرد و نظام امور گسسته شود... و جان کلام اینکه، کتاب اخلاق الاشراف، با همه صورت شوخی آمیزش، بیشتر از بعضی کتابهای تاریخی آن زمان، می تواند واقعیات و حقایق اوضاع و احوال دوره عبید را بر ما بنمایاند.

۲- رساله دلگشا - بهترین و زیباترین اثر عبیدزاکانی رساله دلگشا است که عبید در آن حکایت شیرین و لطیفی در انتقاد از وضع زمان و تردامنیهای مردمان اجتماع خود نگاشته که امروزه بیشتر حکایات او را به اشخاصی از قبیل ملانصرالدین و غیره نسبت می دهند. از ابتکارات عبید در این رساله ایجاز است که سعی کرده باجملات و کلمات کوتاه معانی بیشتری را ادا کند. فایده این رساله در اینست که عبید بسیاری از آداب و رسوم اجتماع زمان خود و روابط مردم و بزرگان آندوره و همچنین بعضی از لغات عامیانه مردم را در لفافه سخنان هزل آمیزی می نمایاند و ما را از اخلاق و رفتار مردمان زمانش آگاه می سازد. انشای عبید در نمایاندن این حقایق خالی از هر گونه تکلف و پیچیدگی گویی است. قسمت اول این رساله بزبان عربی است که در آن عبید فصاحت و بلاغت خود را یکمال رسانیده است و قسمت دوم آن مطایبات و حکایات فارسی و گویا بنا به نوشته استاد مجتبی مینوی بسیاری از حکایات تازی و پارسی رساله دلگشا در محاضرات راغب اصفهانی بعربی منقول است. برای نمونه از هر قسمت نمونه هایی بیان می شود:

۱- «حج اعرابی فدخل مكة قبل الناس و تعلق باستار الکعبة و قال: اللهم اغفر لی قبل ان یزاحمک الناس» ترجمه: اعرابی به حج رفت و قبل از مردم داخل مکه شد و از پرده های کعبه آویخت و گفت: خدایا قبل از اینکه مردم مزاحم تو شوند مرا ببخشای.

۲- «قیل لبعض الصوفیة بع جتیک. فقال: اذا باع الصیاد شبکته فبای شیئی یصید». ترجمه: به یکی از صوفیان گفتند: جبه خودت را بفروش. گفت: اگر صیاد دام خودش را بفروشد باچه چیز صید کند.

۳- عمران نامی را در قم می زدند یکی گفت: چون عمر نیست چراش می زنید؟ گفتند: عمر است و الف و نون عثمان هم دارد.

۴- مؤذنی بانك می گفت و میدوید، گفتند که چرا می دوی؟ گفت: می گویند که آواز تو از دور خوشتر می دود تا آواز خود را از دور بشنوم.

۵- شخصی بادوستی گفت که مرا چشم درد می کند تدبیر چه باشد؟ گفت: مرا پارسال دندان درد می کرد بر- کندم.

۶- اعرابی به حج رفت. در طواف، دستارش بدزدیدند گفت: خدایا یکبار بخانه تو آمدم فرمودی که دستارم بر بوندند اگر یکبار دیگر مرا اینجا ببینی بفرمای تادندانهایم بشکنند!

۷- از شیطان پرسیدند که کدام طایفه را دوست داری؟ گفت: دلالاترا. گفتند: چرا؟ گفت: از بهر آنکه من به سخن دروغ از ایشان خرسند بودم. آنها سوگند دروغ نیز بدان افزودند.

۸- اعرابی را پیش خلیفه بردند، او را دید بر تخت نشسته و دیگران در زیر ایستاده گفت: السلام علیک یا الله. گفت: من الله نیستم. گفت: یا جبرئیل، گفت جبرئیل نیستم. گفت: الله نیستی، جبرئیل نیستی. پس چرا بر آن بالا رفته تنها نشسته ای. تو نیز در زیر ای و در میان مردم بنشین:

این حکایات همه طعن و انتقاد نسبت به کسانی است که بجای ارشاد مردم با ترویج و ریا، دین و مذهب را برای خود وسیله سودجویی قرار داده بودند و بجای اینکه مردم را براه راست و خودداری از نادرستیها رهنمون سازند آنها را هر چه بیشتر قشری و لامذهب بار می آوردند و اینهمه تباهیها و نادانیها نیز از قلم موشکاف شخصی چون عبید بدور نمانده و همه آنها در معرض رد و انتقاد او قرار گرفته اند. انتقادات

عبید در رساله دلگشا مرزی وحدی نمی‌شناسد هر پدیده زشتی که در اجتماع رخ می‌دهد و هر بیداد و ستمی که خلق را بستم می‌آورد و هر نوع بی‌عفتی مردان و زنان و شهوترانیها و پلیدیهای که اخلاقیات اجتماع را به لجن می‌کشد مورد انتقاد و حمله او قرار می‌گیرد و از اینروست که عبید لطیف‌ترین و زیباترین عواطف و امیال انسانی را در جامعه‌ی بسیار زشت نمایانده است زیرا که زمانی لازم می‌آید که بانسان دادن زشتیهای يك جامعه، آن جامعه بخواب خرگوشی رفته را بھوش آورد.

۳- ریش‌نامه - این رساله در مذمت ریش و به سبک گلستان نوشته شده است و در ضمن گفتارش داستانهای نیز آورده است مثلاً. «آدم تا در بهشت بود ریش نداشت ملائکه او را سجده می‌کردند چون ریش برآورد ملائکه هرگز ریش ندیده بودند آغاز ریشخند کردند. مسکین از انفعال از بهشت بیرون جست و بصرای دنیا گریخت و بزحمت گرفتار شد.» ۴- رساله صدپند - این رساله در سال ۷۵۰ هـ (۱۳۴۹ میلادی) نوشته شده و متضمن صدتا پند است و چنانکه خودش در مقدمه آن گفته علت تألیف آن مطالعه نسخه‌ی از گفتار افلاطون بوده که برای شاگردش ارسطو نوشته بوده و خواجه نصیرالدین طوسی نیز آنرا بزبان فارسی درآورده بود. پندهای این رساله همانطوریکه خودش نوشته «از شائبه ریا خالی و از تکلفات عاری است تا نفع آن عموم خلایق را شامل گردد». شاید بعضی از این پندها تقلیدی از پندهای کوچک و بازاری زمان عبید باشد که در همه‌جا شایع بوده و عبید بخاطر اترجار از آنها چنین رساله‌ی را ترتیب داده است. برای مثال چند نمونه ذکر می‌شود:

۱- تا توانید سخن حق نگوئید تا بردلها گران مشوید و مردم بی‌سبب از شما نرنجند. ۲- از همسایگی زاهدان دوری جوئید تا بکام دل توانید زیست. ۳- جان فدای یاران موافق کنید. ۴- هرکسی که پایه و نسب خود را فراموش کند بیادش میارید. ۵- طعام و شراب تنها مخورید که این شیوه قاضیان و جهودان باشد. ۶- راستی و انصاف از بازاریان نخواهید. ۷- حج مکنید تا حرص بر مزاج شما غلبه نکند و بی‌ایمان و بی‌مروت نشوید. ۸- در رمضان شراب در برابر مردم مخورید تا منکر شما نشوند. ۹- هزل، خوار مدارید و هزالان را به چشم حقارت منگرید.

۵- رساله تعریفات یا ده فصل و تعریفات ملادوپیازه. این رساله در حقیقت لغت‌نامه‌ی است در ده فصل، که عبید در آن اصطلاحات معروف را گرفته و به طنز معنایی برایشان ساخته و پرداخته است و بدین وجه، در واقع واقعیات و حقایق اجتماع زمان خودش را توجیه کرده است. این رساله همچنانکه از اسمش پیداست در ده فصل است که برای مثال نمونه‌هایی ذکر می‌گردد:

۱- فصل اول در دنیا و مافیها - دانشمند (آنکه عقل معاش ندارد) الخسیس (مالدار) المفلوک (فقیه) دارالتعطیل (مدرسه).

۲- فصل دوم در ترکان و اصحاب ایشان - القحط (نتیجه ایشان) المحتسب (دوزخی) کلبا کبر (شحنه) المشرف (دزد).

۳- فصل سوم در قاضی و متعلقات آن - العدل (آنکه هرگز راست نگوید) الحلال (آنچه نخورند) الخطیب (خر) الرشوه (کارساز بیچارگان).

۴- فصل چهارم در مشایخ و مایتعلق بهم - الشیخ (ابلیس) الوسوسه (آنچه در باب آخرت گوید) الشیاطین (اتباع او) الحاجی (آنکه سوگند دروغ به کعبه خورد).

۵- فصل پنجم در خواجگان و عادات ایشان - الهیج

(وجودشان) المجوف (تواضعشان) الکزاف و السفه (سخنشان) المعدوم (گرم).

۶- فصل ششم در ارباب پیشه و اصحاب مناصب - البازاری (آنکه از خدا نترسد) الامام (نمازفروش) الطیب (جلاد) الدلال (حرامی بازار).

۷- فصل هفتم در شراب و متعلقات آن - الشراب (مایه آشوب) الفارغ (مست) العاجز (مخمور) الجنة (حبیب).

۸- فصل هشتم در کدخدایی (بمعنی مرد خانه بودن) و متعلقات آن - الشقی (کدخدا) الخویشاوند (دشمن‌جان) العشق (کار بیکاران) المتواضع (مفلس).

۹- دربنگ و لواحق آن - البنک (آنچه صوفیان را به وجد آورد) الشطرنج (آلت آن) الدف والنای (ساز آن) الپلاو الحلاوات (اغذیه آن).

۱۰- فصل نهم در حقیقت زنان و مردان - الریش (دست‌آویز متفکران) البکارت (اسم بی‌مسمی) الخاتون (آنکه معشوق بسیار دارد) الکدبانو (آنکه کمتر دارد).

از تعریفات ملادو پیازه: الخدا (خوان یغما) المفلس (فی‌امان‌الله) الطالب علم (گرسنه ازلی) الغلام (زن‌نازا) الییمزه (تعارف بسیار) الخوشطیع (بیمذهب) الاکابر (بنگ خواران پنهان) الفاتحه (آلت گدایی) الفلاکت (نتیجه علم) الراستگو (دشمن هرکس) الیاوه گو (خوشطیع صریح).

۶. مکتوب قلندران - شامل دو مکتوب از مکتوبات قلندران است که عبید در نوشتن آنها نظر انتقادی نسبت به طرز انشای این طایفه داشته است.

۷. مثنوی عشاق نامه - این مثنوی را عبید در سال ۷۵۱ هـ.ق. (۱۳۵۰ میلادی) بنام شاه‌شیخ ابواسحق اینجو سروده است. در آخر این مثنوی می‌گوید:

غرض آن بود کین ایات دلسوز
بدست بیدلان افتد یکی روز

مگر کر سوز دل روزی بجایی
کند صاحب‌دلی برمن دعایی

۸. کتاب نوادر الامثال - که به عربی بنام خواجه علاءالدین محمد وزیر نوشته شده، البته این کتاب خطی است و به چاپ نرسیده، در این کتاب امثال و حکم و اشعار و اقوال حکما آورده شده است.

۹. فالنامه بروج - این رساله هم خطی است و در انتقاد از گرفتن فال توسط بروج و انجم و استهزاء مؤلفان و معتقدان بنجوم است که به نشر نوشته شده است.

۱۰. فالنامه وحوش و طیور - محتویات این رساله ۶۰ رباعی است و هر رباعی نماینده تعبیر فال هریک از طیور و وحوش است که عبید آنها را در این فالنامه عنوان کرده است.

گویا عبید، همانطوریکه عباس اقبال در مقدمه کلیات عبید زاکانی متذکر شده کتابی هم بنام مقامات داشته است که متأسفانه تاکنون بدست ما نرسیده است.

۱۱. موش و گربه - لازم به توضیح است که وقتی که شاه شیخ ابواسحق اینجو برای خاطر خوشگذرانیها در سال ۷۵۸ هـ. بدست امیر مبارزالدین محمد مظفری می‌افتد و بساط امرای آل اینجو برچیده می‌شود. امیر مبارزالدین محمد که مردی زاهد نما و متظاهر و در عین حال سخت‌کشی و سفاکی بوده بر همه متصرفات آنها چیره می‌گردد و از آنجایی که اودست بیعت به آخرین بازماندگان خلفای عباسی در مصر داده بود و مردی مؤمن قشری بوده لقب «شاه‌غازی» را بر خود

می‌گذارد و برضد بت‌پرستهای مغولی قدعلم کرده و اجتهاد می‌نماید و در عین حال برای پیشبرد کارش از انجام هیچ کار شنیعی ابا نمی‌کند. او دستور می‌دهد که در تمام شهرهای متصرفی او از جمله شیراز خمهای شراب شکسته شده، در میخانه‌ها تخته گردد و کسی را یارای خوشگذرانی و کامجویی و تعیش نباشد و او را در تمام خطبه‌ها نایب امیرالمؤمنین بنامند تا کار دنیا و دین او رواج یابد. این کارهای او و ربا و سالوسی که برای پیشرفت نفع شخصی خود انجام می‌داد باعث شده بود که مردم از او متزجر و متنفر گردند. این اترجار و تنفر از اشعار شاعران آن دوره بخوبی هویداست: حافظ گوید:

«بود آیا که در میکده‌ها بگشایند
گره از کار فرو بسته ما بگشایند»

و یا :

«شاه غازی خسرو گیتی ستان
آنکه از شمشیر او خون می‌چکد»

و

می‌خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب چون نیک بنگری همه ترویز می‌کنند که منظور از «محتسب» همان مبارزالدین محمد است. مورخان می‌نویسند که مبارزالدین محمد یکبار در سن چهل سالگی توبه کرده و در اطاعت خدا راه افراط می‌پیماید و برای نماز جمعه پای پیاده به مسجد می‌رود و برمی‌گردد. و یکبار دیگر هم در سال ۷۵۲ هـ. از گناهان خود استغفار کرده، به عبادت و تلاوت قرآن می‌پردازد و در کرمان مسجدی برپا می‌کند. و کارهای دیگری از روی سیاست و ریاکاری انجام می‌دهد و همین کارهای اوست که باعث می‌شود محققان محتوای داستان موش و گربه را باوقایع زندگی او مطابق دانسته و باو نسبت دهند:

«... ناگهان گربه جست بر موشان

چو (مبارز) بروز میدانا ...»

عبید که این داستانرا بازبان طتر و هزل ساخته و

پرداخته در واقع در سرودن آن دست بابتکار زده و شعری سروده که تا آن زمان سروده نشده بود و بعدها هم سروده نشد. این داستان که قصیده طویلی است در بحر خفیف. قصه‌ایست در شرح ترویز و ریاکاری و دورویی، گربه‌یی از گربکان کرمان که به مسجد رفته و از اعمال زشتی که تا آن زمان انجام داده بود توبه می‌کند و بدرگاه خدا می‌نالد که بعد از این هیچ موشی از موشان را نرنجاند و آسیب نرساند و موشی که گوش به حرفهای او می‌داده این مژده را بگوش همه موشان می‌رساند و موشان هم جشن گرفته و هر کدام از آنها باطبق‌های هدیه به پیش گربه می‌آیند تا ابراز ارادت می‌کنند و در اینجاست که گربه از راه حرص و ولعی که داشته توبه‌اش را می‌شکند و به کشتن موشان می‌پردازد و وقتی این خبر را بگوش شاه موشان می‌رسانند لشکری بسیج نموده و برضد گربه رهسپار می‌گردد و پس از پیکاری سخت گربه را گرفته و به غل و زنجیر می‌کشند که بعداً گربه هم از راه غیرت و حمیت با جوییدن بندهای خود، خودش را آزاد نموده و بر لشکر موشان می‌زند و از مهلکه جان بدر می‌برد. در آخر داستان عبید می‌گوید:

«غرض از موش و گربه برخواندن

مدعا فهم کن پسر جانا»

نکته جالبی که اخیراً کشف شده اینست که همین قصه با کمی تفاوت در الجزیره نیز در میان قبایل (کابیل) معروف و مشهور است و معلوم هم نیست که آیا این منظومه عبید است که بدانجا راه یافته و در میان این قبایل نفوذ کرده؟ و یا اینکه هر کدام از این دو قصه در یک فضای کاملاً متفاوت و جدا از هم و بدون ارتباط زمانی و مکانی مشهور شده‌اند؟ بعضی از محققان و مورخان داستان موش و گربه را باقصه گربه عمادالدین فقیه کرمانی شاعر معاصر عبید و حافظ بی‌مناسبت ندانسته‌اند که عماد فقیه به گربه خود یاد داده بود که نماز بگذارد و ادای فرایض نماید و گویا این شعر حافظ هم درباره این گربه بوده که:

«ای کیک خوشخرام کجا می‌روی بایست

غره مشو که گربه عابد نماز کرد»

اگرچه برخی از محققان این نظر را رد کرده‌اند.

۱۱. تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی به تصحیح ادوارد براون لندن ۱۳۱۸ هـ.
۱۲. دیوان عبید زاکانی به اهتمام عباس اقبال تهران ۱۳۲۱ هـ.
۱۳. سبک‌شناسی ملک الشعراء بهار جلد ۳ تهران ۱۳۴۹ هـ.
۱۴. شوخ طبعی آگاه دکتر غلامحسین یوسفی تهران ۱۳۵۱ هـ.
۱۵. کلیات عبید زاکانی با مقدمه و تصحیح عباس اقبال از انتشارات مؤسسه اقبال.
۱۶. گلستان سعدی از روی نسخه تصحیح شده محمدعلی فروغی از انتشارات مطبوعات حسینی تهران.
۱۷. مجله سخن دوره سوم شماره ۶-۷ از مقاله دک. منتقد اجتماعی زبردست دکتر خالری.
۱۸. مجله سخن دوره سوم شماره ۵ مقاله‌یی درباره موش و گربه عبید زاکانی.
۱۹. نگین سال ۹ شماره ۹۷ مقاله طتر و هزل آقای محمود عنایت.

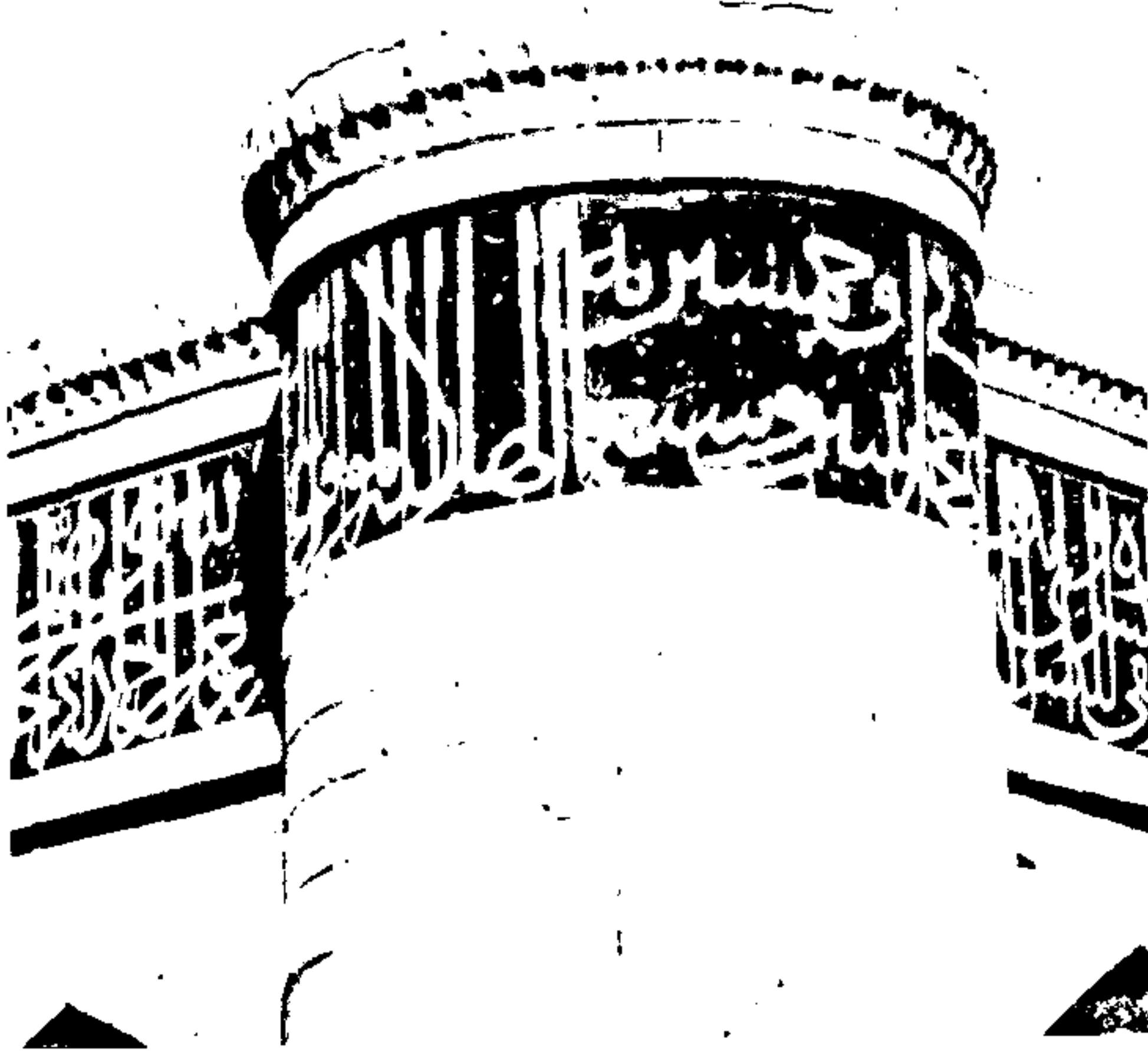
20. A year amongst the Persian, Edward

Granville Browne, London 1970

- برای نوشتن این مقاله از منابع و مآخذ ذیل استفاده شده است:
۱. آتسکده آثار آذر بیگدلی بکوشش حسن سادات ناصری جلد ۳ تهران ۱۳۴۰ هـ.
۲. از سعدی تا حافظ، ادوارد براون ترجمه علی‌اصغر حکمت تهران ۱۳۵۱ هـ.
۳. از حیاطانیا، یحیی آرین‌پور جلد ۲ تهران ۱۳۵۱ هـ.
۴. بحث در آثار و احوال حافظ دکتر قاسم غنی جلد ۱ تهران ۱۳۲۱ هـ.
۵. تبیین سال اول شماره ۹ مقاله عبید زاکانی آقای محمد غامدی.
۶. پیام نوین دوره دهم شماره ۴ مقاله حافظ و رویدادها.
۷. تاریخ ادبیات ایران از آیت الله مفا جلد ۳ تهران ۱۳۴۷ هـ.
۸. تاریخ ادبیات در ایران از آیت الله مفا جلد ۳ تهران ۱۳۴۱ هـ.
۹. تاریخ گریبده حمدالله مستوفی به اهتمام ادوارد براون جلد ۱ لندن ۱۹۱۰ میلادی.
۱۰. تاریخ مفضل ایران عباس اقبال بکوشش محمد دبیرسیاقی تهران ۱۳۴۶ هـ.

خداایخانه یا دارالمصحف

در مسجد جامع عتیق شیراز



در وسط صحن مسجد جامع عتیق شیراز، اتاق مکعب شکلی است که کرسی آن قریب یکمتر از کف صحن بلندتر است و دورنادر آنرا، ایوانی بعرض دومتر، فرا گرفته و نامهای «خداایخانه» و «بیت المصحف» و «دارالمصحف» و «خداخانه» نامیده شده است.

در چهار گوشه خارجی آن بنا، چهار ستون مدور مناره مانند وجود دارد و سقف ایوانهای شرقی و غربی آن هر یک بوسیله چهار ستون و ایوانهای شمالی و جنوبی آن بوسیله دو ستون سنگی استوار است. ابعاد عمارت مذکور با ایوانها ۱۲ در ۱۰ متر و ابعاد اتاق وسط ۸ در ۶ متر است. بنای این عمارت سنگی در سال ۷۵۲ هجری قمری بوسیله «شاه شیخ ابواسحق اینجو» پادشاه فارس صورت گرفته است و گویا دوطبقه بوده است.

از قرائن چنین بنظر می رسد که پیش ساختمان کنونی خداایخانه، اتاقی بنام «دارالمصحف» در محل خداایخانه فعلی بوده است که گاهی آنرا «مقصوره» هم می نامیده اند ولی شاه شیخ ابواسحق آنرا بدین صورت درآورده است.

وجه تسمیه این اتاق به «دارالمصحف» یا «بیت المصحف» این است که در آن قرآنهایی، مخصوصاً قرآنهایی که بخط بزرگان دین نوشته شده بوده، نگهداری می شده و در هر شب و هر یامداد، عده ای از مسلمانان در آنجا گرد می آمده و بتلاوت قرآن می پرداخته اند. از جمله قرآنهای تاریخی و مهمی که در آن نگهداری می شده قرآنی بوده که بدستور «عثمان - خلیفه سوم» نوشته شده بوده و گویند اثر خون وی که هنگام قتلش بر آن چکیده بوده، وجود داشته است و بهمین جهت در ترجمه ای که از کتاب «شذالازار» بنام «هزار مزار» شده، در نسخه ای، این خداایخانه را «قبر عثمان» و در نسخه دیگر «دفتر عثمان» نامیده است و همچنین قرآنهایی بوده بخط حضرت

داشته که بر آن اثر کمی از خون وی بوده است و در ایام انقلاب و آشوب از دست رفته و از آن خبری نیست - و این مسجد هیچگاه از اولیاء خدا خالی نیست و دعای در آن امید اجابت دارد ...» صاحب فارسنامه ناصری در این باره چنین نوشته است:

«... در میان صحن این مسجد، عمارتی از سنگهای تراشیده مرغوب و گچ خالص ساخته و در میان ایوانها حجره ای، و بر

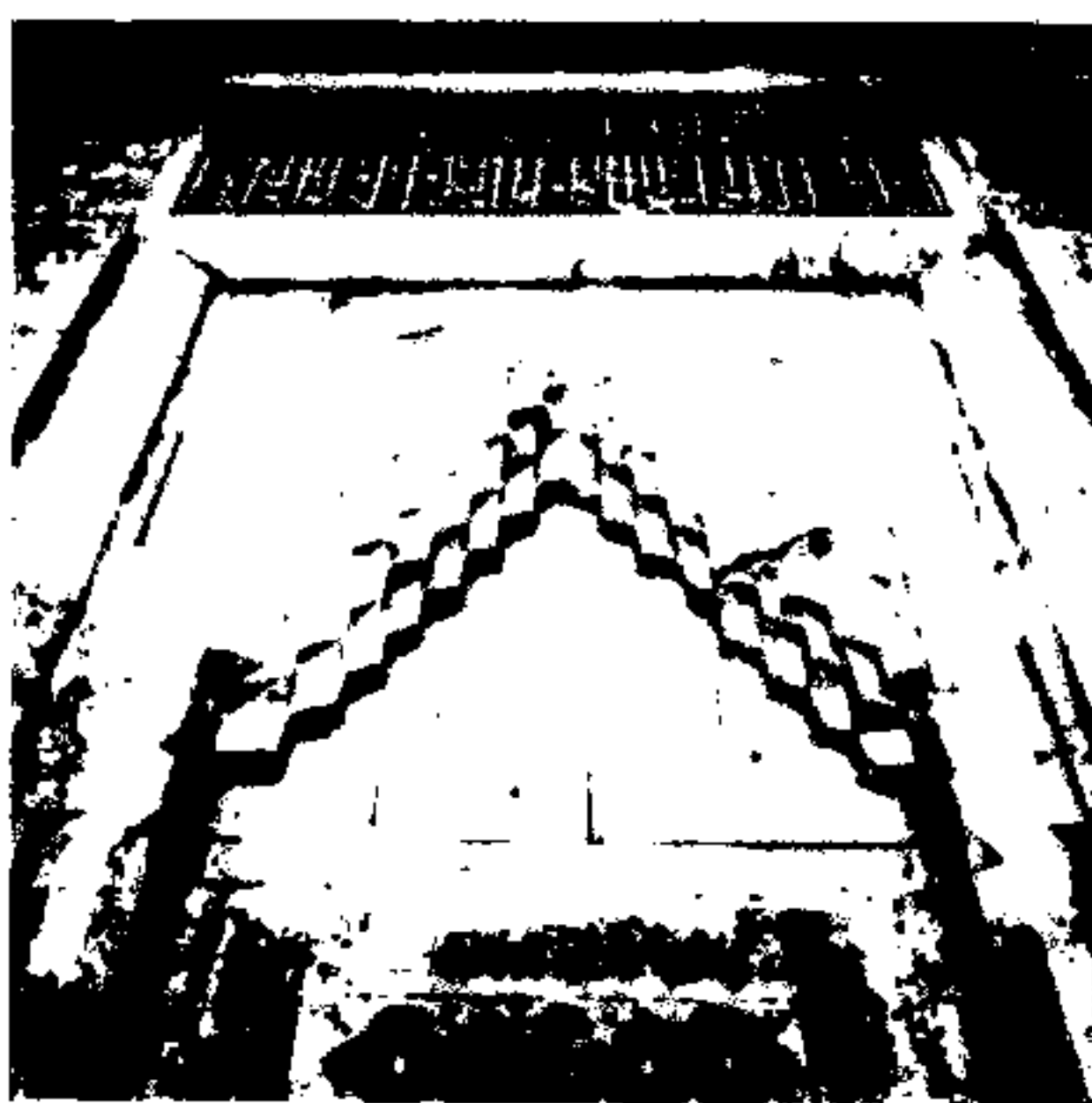
«امیرالمؤمنین علی» و بعضی امامان و تابعان. در کتاب «شذالازار» نوشته شده است که:

«... در این مسجد «جامع عتیق» دار المصاحفی است که در آن قرآنهای کاملی است و بعضی از آنها بخطوط صحابه پیغمبر (ص) و تابعان است و مخصوصاً قرآنهایی بخط امیرالمؤمنین علی و حسین و علی بن الحسین و غیر ایشان وجود دارد و در آنجا مصحفی بخط امیرالمؤمنین «عثمان» وجود





طاق‌های شمالی مسجد عتیق شیراز



مقرنس‌کاری و مشبك‌سنگی بدنه‌خدايخانه

نخستین آن و طرز آبرومندی تعمیر و مرمت شد و گذشته از تکمیل کتیبه مهم اطراف خدايخانه، دوازده کتیبه دیگر هم از آیات قرآنی، بهمان سبك خط یحیی جمالی روی کاشی نگاشته شد و در اطراف خدايخانه (در ایوانها) نصب کردند.

یکی از این دوازده کتیبه که شامل تاریخ تعمیرات مذکور است بقرار زیر است: «بسمه تعالی - هنگام سلطنت:

اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی»

تعمیر و تجدید ساختمان بیت‌المصحف که بتوسط وزارت فرهنگ در سال ۱۳۱۵ آغاز گردیده بود، با هنرمندی استادان فن، انجام و اتمام پذیرفت. تلفیق کننده کتیبه، محمدجعفر واجد. کاتب: سیدآقا بزرگ نسابه - معمار: استاد عزیز صرافت - حجار: میرزا رحیم صمیم - کاشیکار: سیدهاشم. سنه ۱۳۲۶ شمسی مطابق ۱۳۶۶ هجری

از علی‌نقی - بهروزی

کرده‌اند و این سنگها که بشکل محراب کوچکی درآمده، چهار عدد است. بدین ترتیب در هریک از چهار سمت آن، سه طاقنمای سنگی بوجود آمده است. در لبه بالای قسمت خارجی ایوانها، ابتکاری بکار رفته که منحصر بفرد و در نوع خود بی‌نظیر است و آن اینکه کتیبه‌یی را با قلم بسیار درشت و خط‌ثلاث عالی بر روی سنگهایی یکپارچه، بعرض یک متر نوشته و سپس اطراف کتیبه را نقر و خالی کرده‌اند بطوریکه خطوط آن برجسته شده و سپس لابلاي خطوط را با کاشیهای آبی معرق پر کرده‌اند. طول این کتیبه دورتادور نمای خارجی ایوانها و مناره‌هاست و عرض آن یک‌متر است.

اتاق وسط نیز که از گچ و سنگ ساخته شده به ابعاد ۸ و ۶ متر است. در مشرق و مغرب اتاق، دو سنگ مشبك نصب شده (که یقیناً از سنگهای مشبك قدیم آن است) - بالای این دو مشبك، طاقنمایی با سنگ است که مقرنس کاری شده است. در شمال و جنوب این اتاق دو در وجود دارد. اتاق خدايخانه فعلاً بصورت کتابخانه درآمده است.

همانطوریکه شبستانها و طاقنماهای مسجد جامع عتیق در اثر زلزله‌ها و گذشت زمان روبویرانی نهاده بود، خدايخانه نیز از خرابی و انهدام مصون نمانده بود و کتیبه اطراف خدايخانه، به استثنای قسمتهای متفرقی از آن، ریخته و متن آن معلوم نبود.

از سال ۱۳۱۵ شمسی که اداره باستانشناسی فارس عزم کرد که خدايخانه را که اهمیت هنری و تاریخی و معماری آن از سایر نقاط مسجد بیشتر بود، مرمت کند و آنرا بصورت نخستین درآورد، دور آنرا حصار کشید و هرچه سنگهای شکسته و کتیبه‌های مختلف در داخل و خارج ریخته و پراکنده بود در یکی از شبستانهای مسجد گرد آوردند و با تحمل زحمات بسیار ودقت و حوصله وافر شروع به تنظیم و خواندن آنها کردند ولی چون بسیاری از کلمات آن مفقود شده بود، آقای محمدجعفر واجد که از فاضلان و ادیبان معروف هستند، بادقت نظر و حوصله زیاد توانستند کتیبه مذکور را تکمیل کنند و کلمات ریخته شده را از روی قرینه بقیه کلمات بازمانده پیدا کنند و کاتب هنرمند «مرحوم سیدآقا بزرگ نسابه» هم بهمان سبك قدیم آنها را نوشت و دورتادور خدايخانه نصب کردند.

متن این کتیبه می‌رساند که شاه شیخ ابواسحق اینجو آنرا در سال ۷۵۲ هجری قمری ساخته و نویسنده کتیبه «یحیی جمالی» خوشنویس آندوره بوده است. در ظرف مدت ده سال با کوشش اداره باستانشناسی فارس، خدايخانه بصورت

دیوارهای داخلی آن حجره، و پیشانی داخلی ایوانها، آیات قرآنی و احادیث نبوی بخط خوشنویسان نگاشته‌اند و در پیشانی خارجی ایوانها، سنگهای دودرعی، بیشتر یا کمتر، کتیبه کرده و در صفحه آنها نقاری کرده... فرجه‌های آنرا بکاشی سبز پر کرده‌اند و نام این عمارت «بیت‌المصحف» است که چندین قرآن در آن گذاشته، هرروز صبحها جماعتی از مسلمانان حاضر گشته، مجمعی ساخته، هریک قدری از آنرا خوانده، باز قرآن‌ها در بیت‌المصحف می‌گذاشته‌اند. بانی این عمارت، پادشاه زمان «شیخ ابواسحق پسر شاه محمود انجوی» پادشاه مملکت فارس است و در سال هفتصد و پنجاه و دو به اتمام رسید...»

مرحوم فرصت‌الدوله شیرازی در کتاب «آثار العجم» نوشته است:

«... در میان مسجد (یعنی مسجد جامع عتیق) نیز عمارتی است مربع که دوطبقه بوده، در آن خطوط بسیار بر احجار، استادان صاحب فن، نقش کرده‌اند که مطرح انظار خطاطان روزگار است. گویند در آنجا مصاحف بسیار از خطوط صحابه و تابعان بوده و قرآنی بخط مبارک حضرت امیر - المؤمنین علی علیه السلام و دیگری بخط حضرت امام حسن و دیگری بخط سیدسجاد و دیگری بخط حضرت صادق و دیگری بخط عثمان که بر آن اثر خون او بوده، و آن مصاحف بواسطه فتن و آشوب از منہ از میان رفته و این فقیر مؤلف (یعنی فرصت‌الدوله) سه سال قبل بچشم خود دیدم که جایی از مسجد بواسطه بارندگی زیاد فرود آمد. از روزنه چندین جلد قرآن بطریق سی‌پاره که بخط جلی، بعضی با طلای اشرفی نوشته شده بود فرو ریخت، همه اوراقش پوسیده و خطوطش پوشیده...»

آنچه معروف است، عمارت خدايخانه، بشکل «خانه کعبه» ساخته شده است ولی با این فرق که دورتادور این بنا، یک ایوانی بعرض دومتر، احداث شده است و همین ایوان، اتاق وسطی را از تابش آفتاب گرم تابستان محفوظ می‌دارد. نمای خارجی، خدايخانه، همه از سنگ است. نمای چهار مناره آن از سنگهای مکعب شکل آجر مانند تزیین یافته که لابلاي آنها گاهی سنگهای رنگین (سیاه - تیره) بکار رفته و یا گچ نصب شده است. روی سنگهای ازاره پائین آن، نقش و نگاری دیده میشود. سقف ایوانهای شمالی و جنوبی بوسیله دوعدد ستون سنگی مدور یکپارچه نگهداشته میشود ولی سقف ایوانهای شرقی و غربی بوسیله چهار ستون سنگی (دوبدو) نگهداری می‌گردد و سرستونها بشکل مقرنس کاری حجاری شده است. بالای هریک از این دو ستون جفتی، قطعه سنگی را قرار داده‌اند که داخل آنرا خالی کرده و با خطوط اسلیمی، گل و بته و نقش و نگار احداث

استفاده از پوست و تفاله پر تقال در تغذیه گوسفندان

این بررسی برای اولین بار در ایران توسط آقایان دکتر محمد ستاری - دکتر محمد تابش - دکتر هوشنگ ساعدی و با همکاری شورای توسعه و تشویق پژوهشهای علمی وزارت علوم و آموزش عالی انجام گرفته است.

مقدمه:

از جمله مواردی که پرورش گوسفندان و یا هر حیوان دیگری را بامخارج زیاد و سنگین مواجه می سازد و در نتیجه تولید گوشت بمقدار کافی در داخل کشور چندان اقتصادی بنظر نمی آید، هزینه زیاد تغذیه دام و مخارج خرید علوفه و مواد دانه ای می باشد. باین ترتیب چنانچه بتوان حتی - الامکان خوراک دام را ارزان تهیه کرد و بخصوص از مواد ارزان قیمت در تغذیه دام ها استفاده کرد فعالیت مذکور با صرفه و سود بیشتری همراه خواهد بود.

میان مواد علوفه ای که از سالهای بسیار دور تاکنون در تغذیه گوسفندان بمصرف می رسیده است، یونجه و جو قسمت اصلی آنها را تشکیل می دهد و هر اندازه به دامنه فعالیت های پرورش گوسفند بویژه پروراندی افزوده می شود بخاطر کثرت تقاضا برای خرید این دو ماده بر قیمت آنها افزوده تر شده و زمانی حتی بواسطه کمبود تولید در بازار نایاب می گردد.

باین ترتیب هم برای مبارزه با کمبود مواد و هم بخاطر ارزان تر تهیه شدن قیمت گوشت باید حتی الامکان سعی کرد از موادی دیگر که بتواند قسمتی از احتیاجات غذایی دامها را تأمین نماید استفاده کرد. پی گیری اینگونه تحقیقات و مطالعه در زمینه جانشین کردن مواد دیگر بجای یونجه و جو سبب می شود تا ضمن بررسی امکانات هرناحیه از کشور، مواد ناشناخته و بدون مصرفی که احیاناً بجای استفاده از آنها در تغذیه دامها بدور ریخته می شوند مورد توجه قرار گرفته و حداکثر استفاده از امکانات محلی در تغذیه حیوانات بعمل آید.

تا چند سال قبل تفاله چغندر محصول کارخانه های قند سازی بدور ریخته می شد و آنرا در هرز آب رودخانه ها بآب می ریختند ولی از چندی پیش به ارزش غذایی آن برای دامها پی برده شد و هم اکنون تفاله خشک چغندر تنی حدود ۴۰۰۰ الی ۵۰۰۰ ریال در بازار بفروش می رسد.

همینطور است راجع به تفاله و پوست پرتقال و سایر موادی که از مازاد آب میوه گیری ها و غیره بدست می آید. در این زمینه بخوبی می توان از پوست و تفاله پرتقال که بمقدار نسبتاً زیادی در شمال و جنوب کشور تهیه می شود، در تغذیه گوسفندان پرواری استفاده کرد.

ناگفته نماند که در حال حاضر قسمت

اعظم این مواد یعنی مازاد کارخانه های آب میوه گیری بدور ریخته میشود و چه بسا که از بین بردن این زواید با صرف هزینه های زیادی همراه بوده و مشکلاتی را برای صاحبان کارخانه های مذکور فراهم ساخته باشد.

صنعت آب پرتقال گیری فعلاً در شمال کشور منحصر است بدو کارخانه ای که بمدت ۳ الی ۴ ماه از سال فعالیت دارند و طبق مطالعات محلی که بعمل آمده است روزانه حداقل ۳۰ تن تفاله و پوست مازاد تهیه می کنند و باتوجه به آزمایش هایی که روی تفاله و پوست پرتقال در آزمایشگاه گروه اصلاح نژاد و تغذیه دام دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران بعمل آمده است مقدار پوست و تفاله خشک مازاد محصول فوق الذکر معادل ۶ تن در روز می باشد و باین رقم می توان تفاله و پوست میوه آب میوه گیری های تهران و بعضی از شهرستانها و بویژه محصول مرکبات جنوب کشور را نیز افزود که آن هم بنوبه خود رقم جالبی خواهد بود.

روش های تهیه و نحوه استفاده از پوست و تفاله پرتقال:

تفاله و پوست پرتقال تولیدی در کارخانه های آب میوه گیری و یا مغازه های آب میوه گیری را بدو صورت می توان ذخیره و مورد استفاده قرار داد.

الف - بصورت تازه و مرطوب : در این روش بهترین اقدامی که می توان کرد سیلو کردن تفاله و پوست پرتقال در محل می باشد که امروز اجرای آن در بسیاری از نقاط دنیا متداول است، ولی از نظر اینکه در محل و بخصوص در شمال اصولاً شرایط مناسب برای سیلو کردن وجود ندارد واز طرفی مصرف غذای دامی در این نواحی که کارخانه های آب پرتقال گیری مستقر شده اند چندان زیاد نیست لذا در حال حاضر گمان می رود نگهداری پوست و تفاله پرتقال باین صورت چندان مقرون بصرفه نباشد و دست کم اجرای آن باید بسالهای بعد موکول گردد. مضافاً باینکه حمل و نقل تفاله مرطوب به شهرهای دیگر جهت سیلو کردن نیز اولاً بامشکلات زیاد و پرداخت هزینه همراه بوده و ثانیاً برای خاطر تخمیر و فساد پذیری سریع، توصیه این اقدام در شرایط فعلی بصالح

نمی باشد.

ب - بصورت تفاله و پوست خشک شده (پودر) : بهترین راه جهت استفاده از پوست و تفاله پرتقال، خشک کردن آن و مصرف بصورت پودر یا آرد می باشد زیرا باین ترتیب بلافاصله پوست و تفاله که در محل بدست می آید خشک شده و نگهداری محصول در چنین شرایطی بسیار ساده و آسان می باشد. گذشته از این حمل و نقل این مواد شهرهای دیگر آسان و بخاطر کم حجم شدن جای کمتری را اشغال کرده و هزینه حمل آن نیز خیلی کمتر خواهد بود و اشکالاتی نیز از لحاظ تخمیر و کپک زدگی پیش نخواهد آمد.

مطالعاتی که برای نحوه خشک کردن تفاله و پوست پرتقال در محل انجام شده است بشرح زیر می باشد.

اولاً - ایجاد یک گرمخانه بظرفیت مناسب که بتواند با استفاده از حرارتی که در دستگاههای مختلف کارخانه تولید می شود پوست و تفاله پرتقال را روزانه خشک و آماده آرد کردن بکند.

ثانیاً: استفاده از دستگاههای خشک کن کارخانه های جای خشک کنی که تعداد آنها در شمال فراوان است و اصولاً اینگونه کارخانه ها در فصلی که کارخانه آب پرتقال گیری فعالیت دارد در حال تعطیل هستند. برای این منظور ابتدا باید پوست و تفاله پرتقال را خلال کرد، و یا به قطعات ریزتری تقسیم نمود تا خشک شدن آنها بسهولت و سرعت انجام پذیرد.

ارزش غذایی و ترکیبات پوست و تفاله پرتقال

از نظر اینکه بتوان پوست و تفاله پرتقال را جانشین غذاهای دیگر در تغذیه دام نمود و یا بعبارت دیگر خوراکهای هم طراز و تردی باین ماده غذایی در بین سایر مواد علوفه ای و دانه ای پیدا کرد. بر روی نمونه هایی از این محصول در آزمایشگاه مربوط آزمایشاتی بمنظور تعیین ترکیب آن انجام گردید که با مقایسه آن با جداول مربوط در منابع خارجی و همچنین با مقایسه با نتایجی که از تجزیه جو و تفاله چغندر ایران بدست آمده نتایج حاصله بشرح زیر است:

ترکیب پوست و تفاله پرتقال خشک بر حسب (مورسون)	ترکیب پوست و تفاله چغندر خشک (ایران)	ترکیب پوست و تفاله چغندر خشک (ایران)	ترکیب پوست و تفاله چغندر خشک (ایران)
۹۰	۹۲	۹۴۳	۹۴۳
۶۲	۱۱	۱۰۳	۱۰۳
۴۱	۱۶	۱۳	۱۳
۱۱۵	۵۲	۱۸۵	۱۸۵
۶۴۶	۷۱۴	۵۸	۵۸
۳۷	۲۷	۶۲	۶۲
۰۹۵	۱	۰۸	۰۸

باتوجه به جدول مذکور و مقایسه ترکیبات عناصر تشکیل دهنده مواد غذایی بالا می-توان نتایج زیر را بدست آورد:

الف - پوست و تفاله پرتقال از نظر مواد پروتئینی چندان مورد توجه نیست زیرا در هر کیلو از خشك شده آن حدود ۲۷ گرم ماده پروتئینی قابل جذب وجود دارد که این مقدار در جو سه برابر آن یعنی ۸۷ گرم می باشد. باین ترتیب باید سعی شود در جیره های تنظیم شده با پوست و تفاله پرتقال کمبود مواد پروتئینی با مواد دیگر جبران شود.

ب - مجموعه عوامل مغذی قابل هضم T.D.N پوست و تفاله خشك شده پرتقال تقریباً هم طراز و هم وزن جو می باشد زیرا با مقایسه دو رقم حاصله یعنی ۷۴٫۹ و ۷۸٫۹ بخوبی نشان داده می شود که چنانچه کمبود مواد پروتئینی پوست پرتقال را در رژیم غذایی دامها جبران کنیم در مورد سایر ترکیبات و بخصوص مجموعه عوامل مغذی قابل هضم این ماده تقریباً شبیه به جو و ارزش غذایی آن مختصری از جو کمتر است.

ج - بالا بودن میزان فیبر خام در پوست و تفاله پرتقال برای مصرف آن در تغذیه نشخوار کنندگان ضرری نداشته از این جهت می توان از این ماده غذایی بجای يك قسمت از جیره این حیوانات استفاده کرد.

د - بالاخره مقدار مواد معدنی پوست و تفاله پرتقال خشك شده نسبت به جو ارجحیت داشته و این هم امتیاز دیگری برای این ماده غذایی بشمار می رود.

آزمایش انجام شده.

پس از انجام مطالعات فوق و باتوجه به مقدمات کار و احتمال اینکه در هر حال می-توان از پوست و تفاله خشك شده پرتقال در تغذیه دام ها بنحو مطلوبی استفاده کرد و با کار برد آن تا حدی از مصرف مواد غذایی دیگر از جمله جو در رژیم غذایی گوسفندان کاست ، آزمایش زیر بر روی گوسفندان پرواری بعمل آمد و در فرمول غذایی تهیه شده برای یکدسته از آنها چنانچه توضیح داده خواهد شد سعی گردید تا حد لازم آرد پوست و تفاله خشك شده پرتقال جانشین آرد جو گردد. همچنین در فرمول غذایی دسته دیگر نیز بجای يك قسمت از کنساره از تفاله چغندر استفاده گردید و دو دسته را بادسته شاهد که قسمت اعظم غذای آن جو بوده است مورد مقایسه قرار دادیم. برای خاطر جلوگیری از تطویل کلام از بحث در انواع جیره های غذایی و همچنین نحوه توزین و عملیات وابسته دیگر و ذکر جداول خودداری می شود و تنها نتایج حاصله از آزمایش ها ذکر می شود:

بدر نظر گرفتن اعداد و ارقام حاصله از جداول مختلف دیده می شود که رشد متوسط

روزانه دسته دوم از گوسفندان که در جیره غذایی مواد کنساره آنها به میزان ۲۰ درصد تفاله خشك چغندر مخلوط شده است نسبت بدسته اول که از جیره معمولی یعنی ۶۰ درصد جو استفاده کرده اند تفاوت فاحشی وجود دارد. بدین معنی که اختلاف رشد متوسط روزانه آنها در حدود ۵۷ گرم برای هر بره بوده است. در صورتیکه با مقایسه رشد روزانه دسته اول با دسته سوم که در جیره آنها ۲۰ درصد پوست و تفاله خشك پرتقال مصرف شده است دیده می شود که چندان اختلاف فاحشی بین این دو دسته موجود نیست. یعنی رشد متوسط روزانه دسته اول ۲۵۴ گرم است که با مقایسه آن با رشد روزانه دسته سوم که ۲۴۷ گرم می باشد فقط ۷ گرم اختلاف دیده می شود که چندان قابل توجه نیست و در حقیقت می توان چنین نتیجه گرفت که رشد متوسط این دو دسته در يك حدود می باشد و لذا ارزش غذایی تفاله و پوست پرتقال خشك شده در این آزمایش بسیار نزدیک به جو بوده است.

بررسی کیفیت لاشه پس از خاتمه آزمایش بمنظور بررسی کیفیت لاشه برای خاطر مطالعه بیشتر رشد نواحی عقلانی و رشد نواحی و قسمتهای مختلف دیگر در پایان دوره آزمایش از هر دسته يك سر بره که تقریباً هم وزن بودند انتخاب و قسمتهای مختلف لاشه روی هر گوسفند اندازه گیری شد که نتایج جالبی بشرح زیر بدست آمد:

میزان چربی زیر جلدی و چربی دور کلیه های در گوسفندان دسته دوم که با تفاله چغندر تغذیه شده بودند بیش از دسته دیگر بوده است و رشد دنبه در گوسفند دسته دوم با اینکه بغیر از جیره غذایی با گوسفند دسته سوم در يك شرایط بوده است به مقدار ۵۰۰ گرم بیش از دسته سوم بوده و بنابراین می-توان چنین نتیجه گرفت که اضافه وزن حاصله از گوسفندانی که با جیره توأم با تفاله چغندر تغذیه شده اند يك قسمت عمده آن چربی بوده است. در صورتیکه در گوسفندان دسته سوم که در جیره آنها تفاله و پوست پرتقال خشك شده مصرف شده است اضافه وزن حاصله بیشتر تبدیل بگوشت گردیده.

بالاخره ضمن تقسیم جدولی دیگر ثابت می شود که راندمان و یا بهره لاشه و نسبت گوشت بوزن کلی لاشه در گوسفند دسته سوم از گوسفند دسته دوم زیاده تر بوده است و با نسبت وزن استخوان به وزن کلی لاشه در این گوسفند از دسته قبلی کمتر می باشد و اینها همه مؤید ارجحیت این ماده غذایی بوده و همانطوریکه قبلاً ذکر گردیده است از این لحاظ هم نتیجه حاصله با گوسفندانی که با جیره کامل یعنی ۶۰ درصد جو تغذیه شده اند تا اندازه ای برابری دارد.

محاسبات اقتصادی

در محاسبه اقتصادی این آزمایش باید توجه داشت که چون ماده غذایی (پوست و تفاله خشك پرتقال) که بجای جو مصرف

شده است در بازار از نظر اقتصادی فعلاً ارزش آن تعیین نشده است لذا نمی توان بطور دقیق این مسأله را تجزیه و تحلیل کرد ولی در صورتیکه فرض کنیم هر کیلو پوست و تفاله خشك پرتقال ۲ ریال ارزش داشته باشد (طبق تحقیقات محلی از این مقدار هم کمتر است) و یامثلاً برای هر تن این ماده غذایی ۲۰۰۰ ریال قیمت بگذاریم و سایر مواد غذایی را بانرخ روز بحساب بیاوریم طبق محاسباتی که بعمل آمده است و شرح آن در این مطلب بدرازا خواهد انجامید قیمت مواد غذایی برای تولید هر کیلو وزن زنده حیوان با جیره دسته اول ۲۷٫۹۴ ریال و برای دسته دوم ۳۴٫۳۷ ریال و سرانجام برای دسته سوم ۲۶٫۵ ریال بوده است.

تفسیر آزمایش

صرف نظر از نتایج حاصله از آزمایش که پاره ای از نکات فنی را روشن می سازد آنچه مربوط به بررسی مذکور می باشد باید اعلام داشت که اصولاً گوسفند خیلی سرعت بخوردن پوست و تفاله خشك پرتقال عادت می کند و با اینکه این ماده غذایی بخاطر داشتن ترکیبات الكالوئیدی کمی تلخ مزه می باشد ولی در اثر اختلاط آرد حاصل با سایر مواد کنساره این نقیصه برطرف شده و بره باشتهای کامل آنرا می خورد.

بدیهی است در روزهای اول که بره ها هنوز بخوردن این مخلوط عادت نکرده اند ابتدا باشتهای کم ولی پس از ۳ الی ۴ روز عادت به خوراك کرده و باشتهای زیاد به تغذیه می پردازند و حتی در دسته آزمایشی که در جیره آنان پوست و تفاله پرتقال مصرف می شد اشتهای آنها برای خوردن سایر مواد علوفه ای مثل کاه، یونجه و غیره زیاده تر از دستجات دیگر هم بوده است.

بالاخره از نظر ارزش غذایی همانطور که قبلاً گفته شده است در نتیجه این آزمایش روشن گردید که ارزش غذایی پوست و تفاله خشك پرتقال تقریباً نزدیک بارزش غذایی جو می باشد و اگرچه این ماده غذایی از لحاظ کمبود پروتئین به تنهایی نمی تواند مورد استفاده و تغذیه دام ها قرار گیرد ولی طبق این بررسی می توان گفت که ماده نامبرده سهولت می تواند جانشین يك قسمت (۲۰-۲۵ درصد) از مواد اصلی کنساره (مواد فشرده مصرفی نشخوار کنندگان) قرار گیرد و از این لحاظ کمک قابل ملاحظه ای نسبت به کمبود مواد غذایی دامی خواهد بود. از لحاظ اقتصادی نیز این ماده بخوبی می تواند با سایر مواد علوفه ای رقابت کند چه در حال حاضر که این مواد مورد استعمالی ندارد ممکن است پس از خشك کردن و خرد کردن آنرا با قیمت بسیار نازلی در دسترس دامدارها قرار دهند که این خود کمک بزرگی باقتصاد دامداری و تولید کنندگان فرآورده های دامی است و از طرفی هم برای کارخانه های تولید آب پرتقال نیز درآمد نسبتاً قابل ملاحظه ای دربر خواهد داشت.

تأمین اجتماعی در ایران

وقتی که برنامه های زیربنایی توسعه اقتصادی در زمینه های راه و ارتباطات ، آموزش و بهداشت و صنایع و کشاورزی شکل می گیرد و کشور در مرحله ای از هدف های پیش بینی شده قرار می گیرد که می تواند راه طبیعی خود را به پیماید و بطور خودکار پیش برود نوبت اجرای برنامه های رفاه اجتماعی می رسد.

تشکیل وزارت رفاه اجتماعی در سال جاری با هدف های وسیع در تمام زمینه های مربوط بتأمین رفاه اجتماعی به همین منظور بوده است.

سمینار ملی رفاه اجتماعی که در اسفندماه ۱۳۵۲ در تهران تشکیل شد و کلیه مسائل مربوط برفاه اجتماعی ایران را طی برنامه های پنجم و حتی ششم عمرانی کشور مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار داد آغاز تنظیم برنامه های وسیعتر در این زمینه بوده است. در این سمینار مسائل مربوط برفاه اجتماعی براساس آخرین پیشرفت هایی که در جهان متری امروز حاصل شده است مورد بحث قرار گرفت و تجزیه و تحلیل شد تا بر مبنای قطعنامه صادر شده و نتایج حاصله آن ، برنامه های عمرانی مورد تجدید نظر قرار گیرد. در میان مسائل مختلفی که از نظر گاه رفاه اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت بیمه های اجتماعی در موارد پیری، از کار افتادگی و فوت و همچنین تأمین درمان افراد، جایی مشخص و مقامی ویژه برای بحث و تبادل نظر داشت.

بنابراین طبیعی است که ملاحظه می کنیم چند ماه بعد از تشکیل سمینار مذکور وزارت رفاه اجتماعی با برنامه های خاصی در این زمینه ایجاد می شود و در آغاز کار سازمان های بیمه های اجتماعی و صندوق های حمایت حقوق و دستمزد گیران در برابر اثرات ناشی از پیری، از کار افتادگی و فوت از یک طرف و مؤسسات عمومی بیمه های درمانی از طرف دیگر در این وزارتخانه متمرکز می شوند.

آنچه در طول برنامه پنجم عمرانی کشور در این زمینه اجرا خواهد شد بشرح زیر است:

۱. تأمین نظام کامل حمایت افراد در

برابر اثرات ناشی از پیری، از کار افتادگی و فوت یعنی تأمین حقوق بازنشستگی و وظیفه از کار افتادگی و همچنین مستمری برای بازماندگان در گذشته ، برای همه حقوق و دستمزد گیران و کشاورزان؛

۲. تأمین خدمات درمانی همه کارکنان وزارتخانه ها و مؤسسات وابسته بدولت و شرکت های دولتی و همسر و فرزندان تحت تکفل آنان باین امیدواری که در برنامه ششم عمرانی این اصل در مورد همه افراد کشور تعمیم یابد.

باتوجه باصول فوق اهمیت تشکیل وزارتخانه خاصی بدین منظور را درمی یابیم و در عین حال بوظایف خطیر آن پی می بریم.

۱. سابقه تأمین اجتماعی در ایران و جهان

زیر این عنوان می توان دو موضوع را مورد بحث قرار داد. سوابق تاریخی در زمینه بازنشستگی و وظیفه از کار افتادگی و فوت و اقدامات گذشته در زمینه تأمین درمان همگانی. حال در هر مورد بطور جداگانه بحث خواهیم کرد.

- ۱- سوابق تاریخی در زمینه بازنشستگی و وظیفه از کار افتادگی و فوت.

نوعی حقوق بازنشستگی از دیر باز به ارباب حقوق دیوانی در دربار شاهنشاهان ایران تعلق می گرفته است. هرتسفلد و گیرشمن در نوشته های خود باین موضوع اشاره کرده اند. ایندو معتقدند که پادشاهان هخامنشی برای صاحب منصبان حکومت که سالها خدمت صادقانه انجام داده و موی سیاه را در خدمت به مملکت سفید کرده بودند به محض رسیدن به سن هفتاد سالگی نوعی حقوق بازنشستگی برقرار می کردند که تا زنده بودند مرتباً بآنان پرداخت می شد. شاید این رسوم در دوره های بعد نیز وجود داشته ولی ذکر آنها تحت عنوان نظام تأمین اجتماعی جایز نیست. تأمین اجتماعی بمعنای وسیع کلمه از پدیدارهای قرون اخیر است. پس از انقلاب صنعتی و تقسیم افراد جامعه به گروه های حقوق و دستمزد گیر و صاحبان صنایع و سرمایه ، رابطه این دو گروه منحصر از رابطه ساده کار در مقابل حقوق و دستمزد پدید می آمده. بدین معنی که فقط عرضه کار و نیروی انسانی گروه مذکور وسیله تأمین زندگی و حمایت آنان در جامعه محسوب می شد.

مهمترین اثر تحولات اجتماعی و فلسفی سده های ۱۸ و ۱۹ در روابط اجتماعی ، پدیدار شدن ارزش انسانی است که اجتماع را تشکیل می دهند. توجه بانسان مجزا از نیروی کاری که ممکن است بعنوان یک کالا مورد معامله قرار گیرد منشأ تحولات فکری و پیداشدن سیستم های تأمین اجتماعی و سرانجام حمایت افراد در برابر از کار افتادگی، پیری و فوت گردید و کارفرمایان

و صاحبان سرمایه ناچار شدند که گذشته از هزینه هایی که بعنوان حقوق و دستمزد پرداخت می کردند سهمی هم بدین منظور پرداخت کنند. بهم رسیدن نظام های مذکور مخصوصاً در زمینه بازنشستگی در جهان از حدود صد سال پیش آغاز شده است و فرانسه را باید پیشگام این اقدام دانست. اگرچه در دوره های بعد انگلستان در گسترش انواع سیستم های تأمین اجتماعی از فرانسه پیشی گرفت ولی برویهم می توان گفت که پیدا شدن و گسترش یافتن این نظام ها تابع اوضاع و احوال اقتصادی و درجه پیشرفت صنعتی ممالک جهان بوده است.

در ایران اگرچه قانونی بتصویب مجلس شورای ملی رسید و یکنوع مقرری پس از فوت برای بازماندگان صاحبان حقوق دیوانی برقرار کرد ولی نخستین سیستم بازنشستگی و وظیفه از کار افتادگی و فوت و بطور کلی حمایت کارمند در این موارد طبق قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۰۱ تنها برای کارمندان دولت بوجود آمد. در سال ۱۳۰۴ بانک سپه نیز برای تأمین بازنشستگی و وظیفه از کار افتادگی و فوت کادرهای استخدامی لشکری بوجود آمد و سپس بتدریج در برخی مؤسسات دولتی نیز این نظام برقرار شد.

در بخش خصوصی نخستین اقدام در مورد کارگران انجام شد و آن تشکیل صندوق احتیاط «وزارت طرق و شوارع عامه» در سال ۱۳۰۹ بود. بموجب مقررات مربوط باین صندوق از هر کارگر روزی یکساهی و از همه روزمزدها و پیمانکاران معادل دو درصد اجرت کم می شد و در موارد صدمات بدنی و از کار افتادگی و فوت آنان وجوهی پرداخت می گردید.

در سال ۱۳۲۲ همه کارفرمایان موظف شدند که کارگران خود را تدریجاً بیک بیمه ایران یا هر شرکت بیمه ای دیگر در موارد از کار افتادگی و معالجه مصدومان یا بیماران بیمه کنند. این اقدام را باید پایه های تأسیس سازمان بیمه های اجتماعی کارگران در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم دانست. در سال ۱۳۴۸ سازمان بیمه های اجتماعی روستاییان تأسیس شد و در سال ۱۳۴۹ قانون حمایت کارمندان در مقابل پیری، از کار افتادگی و فوت تصویب شد و باین ترتیب همه افراد این مملکت از لحاظ قانونی مشمول چتر حمایتی خاص شدند.

اگرچه سازمان اخیر هنوز فعالیت های خود را در سرتاسر کشور گسترش نداده و قانون حمایت کارمندان نیز جدیداً بمرحله اجرا درآمده است ولی پیش بینی های برنامه پنجم عمرانی این نوید را می دهد که وظایف مذکور بزودی در سرتاسر کشور بمرحله اجرا درخواهند آمد.

۲. اقدامات گذشته در زمینه تأمین خدمات درمانی

همانطور که گفته شد در سال ۱۳۲۲ کارفرمایان موظف شدند کارگران خود را گذشته از جنبه‌های دیگر از لحاظ معالجه و درمان در مواقع صدمه دیدگی‌های بدنی و بیماری نزد شرکت سهامی بیمه ایران بیمه کنند.

در بخش دولتی در همین سال بموجب ماده ۱۶ آیین‌نامه کمک بکارمندان دولت مقرر گردید که خزانه‌داری کل ماهانه مبلغ معینی از اضافه حقوقی که بموجب این آیین‌نامه بکارمندان تعلق می‌گیرد کم کرده، بحساب مخصوص بنام حساب بیمه و بهداشت و حوادث واریز و نگاهداری کند.

در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم شرکت سهامی بیمه ایران مؤسسه نمونه‌یی بود که در زمینه بهداشت و درمان انجام وظیفه می‌کرد. سازمانهای دولتی برای بیمه درمان کارکنان خود باین مؤسسه روی می‌آوردند. در سال ۱۳۲۸ میان وزارت فرهنگ سابق و شرکت سهامی بیمه ایران و در سال ۱۳۳۲ میان وزارت دارایی و شرکت مذکور راجع بدرمان کارمندان قراردادی منعقد شد. طبق قرارداد بسته شده میان وزارت فرهنگ و شرکت بیمه، حق بیمه بماند دو درصد حقوق، یک درصد از کارمند و یک درصد از وزارتخانه، تأدیه می‌شد. قراردادهای اختصاصی دیگری منجمله قرارداد بیمه کارکنان برق تهران و همچنین اداره کل تصفیه وزارت دادگستری در سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ با شرکت سهامی بیمه ایران منعقد شد. از اول سال ۱۳۴۲ بموجب تصویب‌نامه قانونی خاص، امور بیمه کارکنان دولت از شرکت سهامی بیمه ایران گرفته شد و بعهد وزارت بهداری گذاشته شد و سپس سازمان بیمه کارمندان دولت برای این منظور بوجود آمد.

در سال ۱۳۵۲ که قانون تأمین خدمات درمانی کارکنان دولت بتصویب رسید سازمانی با همین نام جانشین سازمان بیمه کارمندان دولت شد که در ابتدا وابسته بوزارت بهداری و سپس باتشکیل وزارت رفاه اجتماعی، به این وزارتخانه پیوسته شد و باینترتیب همه امور درمانی که جنبه بیمه اجتماعی دارند در یک وزارتخانه متمرکز گردید.

۳. مسائل تأمین اجتماعی در برنامه‌های عمرانی

یک. وضع سازمان بیمه‌های اجتماعی در شروع برنامه پنجم عمرانی کشور

بیمه شدگان بماند ۱۸٪	۸۴۲۲۳۲ نفر
بیمه شدگان بماند ۱۲٫۵٪	۴۹۵۷۲ نفر
بیمه شدگان بماند ۹٪	۱۰۹۵۱۹ نفر

۱۰۰۱۳۲۳ نفر
باتوجه باینکه ضریب افراد تحت تکفل

خانواده بیمه شده را می‌توان عدد ۳ در نظر گرفت باید گفت که حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر از افراد این کشور در شروع برنامه پنجم عمرانی کشور تحت حمایت بیمه‌یی سازمان بیمه‌های اجتماعی هستند.

تعداد مستمری‌بگیران سازمان
الف. مستمری بازنشستگی. ۲۰۸۰۶ نفر
ب. مستمری از کارافتادگی ۳۵۹۳ نفر
ج. مستمری بازماندگان ۴۵۱۶۶ نفر
دو - پیش‌بینی وضع بیمه‌های اجتماعی در طول برنامه پنجم.

طبق پیش‌بینی‌هایی که در برنامه عمرانی پنجم شده است تعداد بیمه شدگان سازمان بیمه‌های اجتماعی در طول برنامه به ۱۵۰۰۰۰ نفر خواهد رسید و باینترتیب حدود ۴۵۰۰۰۰ نفر زیر چتر حمایتی این سازمان قرار می‌گیرند. در اینجا لازم بیادآوری است که تصویب قانون حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی از پیری، از کارافتادگی و فوت از یکطرف و تشکیل و گسترش مقررات بازنشستگی و درمانی در سازمان‌های مختلف بخش دولتی باعث می‌شود که در طول برنامه پنجم گروه‌های عمده‌یی از افراد این کشور جذب نظام‌های تأمین اجتماعی دیگر بشوند که مورد بحث قرار خواهند گرفت. باوجود این باتوجه به خطوط اصلی برنامه ریزی، نیروی انسانی که شامل ایجاد ۸۰۰ هزار شغل جدید در طول برنامه پنجم است، پیش‌بینی فوق‌الذکر در مورد تعداد بیمه شدگان سازمان مذکور واقعی بنظر می‌رسد.

سه. مراقبت‌های درمانی سازمان بیمه‌های اجتماعی

بیمه بیماری شامل تعهدات زیر است:
الف. در مورد بیمه شدگان ۱۸٪ انجام خدمات پزشکی در موارد بیماریها و حوادث ناشی از کار و غیر آن و مراقبت‌های دوران بارداری در مورد زنان بیمه شده و پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری و تعمیم این خدمات در مورد افراد تحت تکفل
ب. در مورد بیمه شدگان ۱۲٪ انجام خدمات پزشکی در مورد حوادث ناشی از کار و بیماری‌های حرفه‌یی و پرداخت غرامت دستمزد.

ج. در مورد بیمه شدگان ۹٪ انجام خدمات پزشکی در موارد حوادث ناشی از کار و پرداخت غرامت دستمزد.

برآورد تعداد مراجعان در طول برنامه پنجم

سال	تعداد
۱۳۵۲	۱۳۰۸۸۶۲۲ نفر
۱۳۵۳	۱۵۱۷۲۳۳۱ نفر
۱۳۵۴	۱۷۵۸۷۷۶۶ نفر
۱۳۵۵	۲۰۳۸۷۳۸ نفر
۱۳۵۶	۲۳۶۳۳۴۶۶ نفر

درآمد و هزینه سازمان بیمه‌های اجتماعی در آخر برنامه پنجم شرح زیر بوده است.

درآمد
حق بیمه وصولی ۴۰۹۱۳۰۳۶۹۲ ریال
درآمد حاصل از بکار انداختن وجوه ۹۶۱۲۹۸۳۹۴ ریال

جمع درآمد ۱۰۰۸۰۲۱۹۸۷۰ ریال
هزینه
هزینه معالجات ۴۰۹۱۳۰۳۶۹۲ ریال
هزینه کمک‌های نقدی ۱۶۹۰۱۷۵۶۹۷ ریال

هزینه‌های اداری ۷۶۱۱۵۸۷۴۲۳ ریال
هزینه استهلاک ۹۰۰۰۰۰۰۰ ریال
سایر هزینه‌ها ۹۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال
جمع هزینه‌ها ۶۷۲۸۰۶۶۸۱۲ ریال

برآورد کل مبلغ وصولی سازمان طی برنامه پنجم

سال	بیمه‌شدگان (نفر)	درآمد وصولی (ریال)
۱۳۵۲	۱۱۰۰۰۰۰	۱۱۹۶۸۰۰۰۰۰۰۰
۱۳۵۳	۱۲۰۰۰۰۰	۱۴۱۱۲۰۰۰۰۰۰۰
۱۳۵۴	۱۳۰۰۰۰۰	۱۶۵۲۳۰۰۰۰۰۰۰
۱۳۵۵	۱۴۰۰۰۰۰	۱۹۲۳۶۰۰۰۰۰۰۰
۱۳۵۶	۱۵۰۰۰۰۰	۲۲۲۷۵۰۰۰۰۰۰۰

۴. گسترش خدمات حمایتی سازمان بیمه‌های اجتماعی در آینده:

لایحه اصلاح قانون بیمه‌های اجتماعی که تقدیم قوه مقننه شده در حقیقت هدف‌های جدید سازمان بیمه‌های اجتماعی را درآینده معین می‌کند.

مهمترین آنها شرح زیر است.
ماده ۴۸ - تحویل وسائل درمانی کمک‌کننده (اورتر) به بیمه شدگان گذشته از پروتر که در قانون فعلی وجود دارد.
ماده ۴۹ - پرداخت غرامت دستمزد در مدتیکه بیمه شده زیر نظر مؤسسات توان-بخشی ذیصلاحیت نیروی خود را بدست می‌آورد.

ماده ۵۵ - فرزندان بیمه‌شده در صورتی که مبتلا به بیماری دائمی بوده یا نقص عضو داشته باشند و بعلت مذکور (طبق گواهی سازمان) قادر بکار یا اشتغال به تحصیل نباشند خواهند توانست از خدمات درمانی سازمان استفاده کنند. بدیهی است در صورت اشتغال به تحصیل طبق قانون فعلی نیز از کمک مذکور استفاده خواهند کرد.

ماده ۶۵ - مستمری از کار افتادگی کلی ناشی از کار نباید کمتر از حداقل دستمزد کارگر ساده باشد و کفالت مخارج پدر و مادر موجب استفاده از حداکثر مستمری خواهد بود.

گذشته از مسائل فوق پیش‌بینی شده است که فرزندان ناقص‌الخلقه بیمه شده در گذشته مادام‌العمر از مستمری مذکور استفاده خواهند کرد.

نوروز

چیست؟



«نوروز، نخستین روز است از فروردین ماه، وزین جهت روز نو نام کردند، زیرا که پیشانی سال نو است. و آنچه از پس اوست از این پنج روز همه جشن‌هاست. و ششم فروردین ماه نوروز بزرگ دارند. زیرا خسروان بدان پنج روز حق‌های حشم و گروهان و بزرگان بگزاردندی و حاجت‌ها رواکردندی، آنگاه بدین روز ششم خلوت کردند خاصگان را. و اعتقاد پارسیان اندر نوروز نخستین آن است که اول روزی است از زمانه، و بدو فلک آغازید گشتن.»^۱

نوروز بمعنی روز نو است و در اصطلاح جشنی است که در آغاز فروردین گرفته می‌شود. تازیان این کلمه را به «نیروز» و «نوکر» برگردانده‌اند.^۲

تقریباً می‌توان گفت که این عید، بزرگ‌ترین جشن ملی ایرانیان است که در نخستین روز از نخستین ماه سال خورشیدی - آنگاه که آفتاب برج حمل انتقال یابد و روز و شب برابر گردد - آغاز می‌گردد. خاقانی می‌گوید:

آهوی آتشین روی چون در بره درآید
کافور خشک گردد با مشک‌تر برابر
مقصود از آهوی آتشین روی: خورشید است، و کافور خشک کنایه از روز و مشک تر یعنی شب.

سعدی می‌گوید:

نوبهاران که تفاوت نکنند لیل و نهار
خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار
این جشن را «جشن فروردین» نیز نامیده‌اند:

جشن فرخنده فروردین است
روز بازار گل و نسرين است.
اما معروف همان جشن یا عید نوروز است:

برلشکر زمستان نوروز نامدار
کرده است رأی تاختن و قصد کارزار
در سبب نامگذاری این روز بدین نام چنانکه از بیرونی (وفات ۴۴۰ ه. ق) نیز نقل کردیم، گفته‌اند: نوروز بدان سبب گفته‌اند که «روز نو و تازه» است یعنی

روزی که سال نو بدان آغاز گردد. بیرونی می‌گوید: «از رسم‌های پارسیان نوروز چیست؟ نخستین روز است از فروردین ماه، و زین جهت روز نو نام کردند، زیرا که پیشانی سال نو است...» درباره پیدایش نوروز داستان‌ها و افسانه‌های زیاد یاد کرده‌اند. تفصیل آن داستانها در اینجا لازم نیست. تنها موضوعی را که فردوسی درباره جمشید کیانی آورده، از شاهنامه نقل می‌کنیم:

بفر کیانی یکی تخت ساخت
چه مایه بدو گوهر اندر نشاخت^۳
که چون خواستی دیو برداشتی
ز هامون بگردون برافراشتی
چو خورشید تابان میان هوا
نشسته بر او شاه فرمانروا
جهان انجمن شد بر تخت اوی
فرو مانده از فره بخت اوی
بجمشید برگوهر افشاندند
مرآن روز را روز نو خواندند
سر سال نو هرگز فرودین
برآسوده از رنج تن، دل زکین
بزرگان بشادی بیاراستند
می و جام و رامشگران خواستند
چنین روز فرخ از آن روزگار
بمانده از آن خسروان یادگار^۴

۴. نوروز عامه و نوروز خاصه - جشن نوروز تنها در روز اول فروردین بر پا نمی‌شده، بلکه چندین روز دوام می‌یافته

است. اصولاً نوروز را بر دو روز اطلاق می‌کردند: یکی نوروز عامه، و دیگری نوروز خاصه. نوروز عامه روز اول فروردین است. و در افسانه‌های ایرانی آمده است که خدای بزرگ در این روز عالم را بیافرید و هر هفت کوکب را در همین روز در فلک خود جای داد و بسیر و گردش واداشت و نیز آدم را در این روز آفرید... و نوروز خاصه روزی است که نام آن روز خرداد است و آن روز ششم فروردین ماه باشد. در این روز جمشید کیانی بر تخت نشست و خاصان را بحضور طلبید و رسم‌های نیکو نهاد و گفت: خدای بزرگ شما را آفریده است، باید که به آبهای پاکیزه تن بشوید و غسل کنید و بسجده و شکر او مشغول شوید، و هر سال در این روز بهمین دستور عمل کنید، و این روز را بنابراین نوروز خاصه خوانند. و گویند خسروان هر سال از نوروز عامه یعنی اول فروردین تا نوروز خاصه - که شش روز باشد - حاجت‌های مردمان برآوردندی، و گناهکاران را ببخشیدندی و بعیش و شادی مشغول بودند.^۵

۳. جشن سال نو نزد قوم آریایی - این جشن، در اصل یکی از دو جشن بزرگ قوم آریایی بوده است. بنابر تحقیقات پژوهشگران، آریاییان در روزگاران باستانی دو فصل گرما و سرما داشتند، و طبقه‌بندی سال بچهار فصل بعدها پیدا شد. فصل سرما

شامل دهم ماه و فصل گرما شامل دوماه بوده، و این نکته در «وندیداد» نیز یاد شده است. پس از آن در این دو فصل و مدت آن دگرگونی پیش آمد، زیرا تابستان دارای هفت ماه و زمستان پنج ماه شد. درباره این مطلب نیز اشاراتی در وندیداد آمده است.^۶ در هریک از این دو فصل جشنی برپا می داشتند و هر دو آغاز سال نو بشمار می رفته است. نخست جشنی که بهنگام بهار یعنی وقتی که گله هارا از آغل ها بچمن های سبز و خرم می کشانیدند و از دیدن چهره دل آرای خورشید شاد و خرم می شدند - و دو دیگر در آغاز فصل سرما که گله را باغل کشیده و توشه روزگار سرما را تهیه می دیدند.

در اوستا از نوروز نامی نیست، ولی برخی از کتابهای دینی پهلوی از نوروز و مراسم ایرانیان باستان در این روز یاد کرده اند. بطور کلی از مراسم جشن نوروز در دربار شاهنشاهان هخامنشی و اشکانی اطلاعات دقیقی در دست نیست. بعکس از عصر ساسانی آگاهی هایی چند گرانها در دست است. در بامداد نوروز شاهنشاه جامه بی که معمولاً از برد یمانی بود، برتن می کرد و زینت شاهانه می فرمود و به تنهایی در دربار حاضر می شد و شخصی که قدم او را بفال نیک می گرفتند بخدمت شاه داخل می شد.^۹

یکی از کتابهایی که این مراسم جشن نوروز را به تفصیل تمام یاد کرده است، «نوروزنامه» منسوب به عمر خیام است. این کتاب درباره اعیاد ایرانیان بویژه تاریخ و آداب ایرانیان در روز عید نوروز نوشته شده، و در ضمن آن شرح احوال برخی از پادشاهان را نیز یاد کرده، انشای این کتاب بسیار روان و دلپذیر است. خیام می گوید «... در این روز مردمان شهرها و پایتخت نزد پادشاه بار یافتندی و هدیه ها و تحفه های گران قیمت و نیز روباه پردار^{۱۰} و هدهد و جوجه و خرکره و اسب و غلام و کنیزک و زر و سیم و نقره فراوان تقدیم داشتندی ...» این رسم پس از دوره ساسانیان و ظهور اسلام نیز کم و بیش باقی بود و بویژه در دوره عباسی با وزارت برمکیان و پیش از آنها بادخالت ابومسلم خراسانی این مراسم زنده بود؛ و از آن روزگاران تا امروز این جشن یکی از بزرگ ترین عیدهای ایرانیان بوده و اکنون هم هست.

۴. تاریخ جلالی و عید نوروز

تاریخ جلالی که آنرا «تاریخ ملک شاهی» و «ملکی» نیز گفته اند، بفکر گروهی از منجمان و ستاره شناسان بزرگ ایران در روزگار سلطان جلال الدین معزالدین ملک شاه سلجوقی (وفات شوال ۶۸۵) وضع شده است. سبب وضع این تاریخ

صفحه پنجاه و هشتم

آنست که تاریخ «یزدگردی» مخصوص فارسیان، بی کبیسه و بهیزک حساب می شد، و از این رو نوروز در یک جا ثابت نمی ماند و همیشه با اول بهار که آغاز سال طبیعی است مطابقت نمی کرد، چنانکه در عهد ملک شاه سلجوقی تقریباً به اواسط ماه «حوت» افتاده بود. از این رو، خواجه نظام الملک وزیر و سلطان ملک شاه درصدد اصلاح تقویم و تاریخ، و بنای رصد جدیدی برآمدند، و برای اینکار جمعی از منجمان و ریاضی دانان مشهور آن روزگار را چون حکیم عمر خیام نیشابوری صاحب رباعیات معروف و «ابوالمظفر اسفزاری» و «میمون بن نجیب واسطی» و «خواجه عبدالرحمن خازنی» و برخی دیگر از دانشمندان، که سرشته و بزرگ آنها همانا همین عمر خیام است، دعوت کردند و بمذکر آنان تاریخ جلالی را وضع، و رصدی احداث کردند که بنابر قول «ابن اثیر» تا سال ۶۸۵ دایر بود و تفصیل آن در تواریخ معتبر آمده است.^{۱۱}

مبدأ این تاریخ بنابر آنچه میان منجمان معروف است، روز دهم رمضان ۴۷۱ هجری قمری مطابق با پانزدهم آذر ۱۳۹۰ رومی و سال ۱۰۷۸ میلادی و هیژده روز گذشته از فروردین ماه قدیم ۴۴۸ یزدگردی بوده است. و شماره ماه و سال روی حساب شمسی خفیقی یا «بروج دوازده گانه» گرفته شده و اول فروردین ماه که آغاز سال است یا «نوروز سلطانی» را موقع نجومی تحویل آفتاب به برج حمل (نقطه گاما)، و همچنان باقی ماه ها را مطابق دیگر برجهای دوازده گانه قرار دادند و در حقیقت اسامی بروج را به فروردین، اردیبهشت و خرداد و ... تبدیل، و سال را بفصول چهار گانه طبیعی (بهار، تابستان، پاییز، زمستان) تقسیم کردند. بنابر این محاسبه اول سال روزی است که در نصف النهار روز قبل در حوت باشد؛ و چون رفتن آفتاب به برج حمل در آن وقت مصادف با هیژده فروردین ماه یزدگردی بوده است هیژده روز کبیسه کرده، اول سال را مطابق اول حمل شمرده اند یعنی اول فروردین ماه ...

ایام و مواقع معروف این تاریخ، غالباً بلکه عموماً طبیعی و مطابق با گردش یاسیر آفتاب است، چنانکه نقطه اعتدال ربیعی یا اول حمل، آغاز بهار یا «نوروز جلالی» است، و نقطه اعتدال خریفی اول پاییز و نقطه انقلاب صیفی اول تابستان، و نقطه انقلاب شتوی، آغاز زمستان می شود.^{۱۲} مقصود از این توضیح، آن بود که معلوم شود که نوروز را که ما امروز در آغاز فصل بهار می بینیم اول این چنین نبوده بلکه گردش می کرده و مثلاً گاهی بوسط زمستان یا آغاز پاییز می افتاده و از همت دانشمندان و نیروی اندیشه و آگاهی آنهاست که همه

ساله نوروز را در آغاز فصل بهار جشن می گیریم!

رسوم نوروزی - مردم ایران در این عید بزرگ ملی مراسم و آیین های ویژه ای را رعایت می کردند و می کنند. این مراسم در نواحی گوناگون صورت های مختلف داشته است. ولی آنچه از این مراسم صورت کلی دارد از قبیل خربدن ظرف های سفالین و گوزه های آب، و سبز کردن حبوبات پیش از عید و نگاهداری آن تا سیزده عید کم و بیش در همه جای ایران رعایت می شود. اما مهم ترین آنها رسم «هفت سین» و «هفت میم» است که در زیر اسامی آنها را یاد می کنیم:

الف: هفت سین عبارتست از ۱- سبزی؛ ۲- سبزه؛ ۳- سیب؛ ۴- سرکه؛ ۵- سنجد؛ ۶- سماق؛ ۷- سیر. برخی از پژوهندگان این آیین غیر از اینها نیز چیز هایی را بجای هفت سین مذکور یاد کرده اند.

ب: هفت میم عبارتست از ۱- میوه؛ ۲- مرغ؛ ۳- ماهی؛ ۴- ماست؛ ۵- میگو؛ ۶- می؛ ۷- مویز یا غیر اینها.

۱. بیرونی، ابوریحان: التفهیم، ص ۲۵۳، چاپ انجمن آمار ملی.
۲. مینوی، مجتبی: یکی از فارسیات ابونواس، ص ۶۷، مجله دانشکده ادبیات، سال اول، شماره سوم.
- و «النوکروز» الکبار و «جشن گاهنبار»!
۳. نشاخستن: نشانیدن، جای دادن.
۴. فردوسی، ابوالقاسم: شاهنامه، ج ۱، ص ۲۵۶، چاپ بروخیم.
۵. تبریزی، محمدحسین بن خلف: برهان قاطع، ص ۲۱۹۰، چاپ دکتر معین.
۶. تقی زاده حسن: گاه شماری، ص ۴۴-۶.
۷. ایضاً گاه شماری، ص ۴۷.

8. Darmesteter, Etudes Iraniennes. Vol 2. P. 208-9.

۹. معین، محمد: مجله جهان نو، ص ۳-۹.
۱۰. یکی پشته خوش چراگاه بود همه پشته پرند روباه بود (اسدی طوسی: گرشاسب نامه، ص ۱۹۱، چاپ حبیب یغمایی).
۱۱. ابن اثیر: الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۹۸، چاپ بیروت.
۱۲. همایی، جلال الدین: تاریخ ادبیات ایران، ص ۲۵۶-۲۴۹، چاپ اول؛ تقی زاده سید حسن: گاه شماری، ص ۱۹۴.
۱۳. نقل از محمدعلی خان تربیت: «رساله نوروزیه» ص ۲۱-۱۹، و همایی، «تاریخ ادبیات» ج ۲، ص ۱۶۳، چاپ اول.

دانشگاه ملی ایران



تاریخچه :

دانشگاه ملی ایران در سال تحصیلی ۴۰ - ۱۳۳۹ با دو دانشکده «بانکداری و علوم مالی و اقتصادی» و معماری فعالیت آموزشی خود را آغاز کرد.

در سال تحصیلی ۴۱ - ۱۳۴۰ دانشکده پزشکی نیز گشایش یافت و پس از آن طی چند سال گذشته دانشکده‌های زبانهای خارجی، علوم، دندانپزشکی، ادبیات و علوم انسانی، علوم اقتصادی و سیاسی، فوق‌لیسانس حقوق خصوصی، زیست‌شناسی، ادبیات فارسی، جغرافیا و دوره‌های شبانه حقوق، علوم اقتصادی و سیاسی، زبان و ادبیات انگلیسی، ادبیات فارسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، جغرافیا، تاریخ، زیست‌شناسی، فیزیک، شیمی، ریاضی و معماری و شهرسازی نیز به دانشکده‌های دانشگاه ملی افزوده شد.

شناسنامه پروفیسور عباس صفویان رئیس دانشگاه ملی

در سال ۱۳۰۹ در شیراز متولد شد و پس از پایان تحصیلات متوسطه عازم فرانسه گردید و دکترای پزشکی و دوره تخصصی بیماری‌های جهازهاضمه و امراض کلیوی را در دانشگاه‌های پاریس گذراند و پس از گذراندن کنکور عالی «اکسترن» و «اترنا» بریاست کلینیک دانشکده پزشکی پاریس منصوب گردید. و در سال ۱۹۶۵ دریافت درجه «پروفیسور اکرژه» در بیماری‌های داخلی نایل و بعنوان طبیب بیمارستانهای دانشگاهی فرانسه انتخاب شد.

پروفیسور صفویان در سال ۱۳۴۵ به ایران مراجعت و بعنوان استاد کرسی بیماری‌های داخلی در دانشکده پزشکی دانشگاه ملی ایران به‌امر تدریس پرداخت و بعد رئیس دانشکده پزشکی شد و در حال حاضر در سمت رئیس دانشگاه ملی ایران بخدمت مشغول است. دانشگاه ملی در سالهای اخیر که بقول خود پروفیسور صفویان سنین جوانی و نوپایی را طی می‌کند سریعاً پیشرفت کرده و باتوجه به رشد آن گفتگویی در این خصوص با رئیس دانشگاه ملی ترتیب دادیم که متن آن ذیلاً از نظرتان می‌گذرد:

تلاش - مهمترین مسأله‌ای که شاید بی‌مناسبت نباشد صحبت خود را با آن شروع کنیم اشکال بزرگ کمبود کادر آموزشی در سطح دانشگاهها است. دانشگاه ملی ایران با این اشکال بچه‌نحو روبروست و چه طرحهایی برای رفع این اشکال دارد و چه اقداماتی تاکنون انجام داده است.

پروفیسور صفویان - ما هم مثل بقیه دانشگاههای ایران با این مشکل روبرو هستیم، زیرا هم مملکت با کمبود استاد مواجه است و هم افراد صلاحیت‌دار با اشکال بسیار حاضر به تدریس در دانشگاهها هستند. و از آنجا که این مشکل ریشه عمیق و کهنه‌یی دارد طبیعی است که حل آنهم احتیاج به زمان دارد و به آسانی انجام نخواهد شد. اما دانشگاه ملی با پی‌ریزی طرحهایی برای تأمین رفاه بیشتر اساتید خود

سعی می‌کند از این طریق خدمت دردانشگاهها را مورد توجه اشخاص تحصیلکرده قرار بدهد.

و طرح دیگرمان استفاده از دانشجویان ممتاز است. ما سعی می‌کنیم این دانشجویان را برای تکمیل تحصیلات عالی به کشور-های خارجی بفرستیم. البته آنها هم باید تعهد بدهند که پس از پایان تحصیلات خود به ایران مراجعت کنند و به گروه استادان دانشگاه ملی پیوندند.

تلاش - آیا دانشگاه ملی از نظر تأمین کادر استادان با دانشگاههای خارجی تماسی دارد یا خیر؟

پروفیسور صفویان - باتوجه به مسأله کمبود استاد طبیعی است که یکی از کوشش-های ما برای رفع این کمبود استفاده از استادان دانشگاههای خارجی است. و می‌دانید که در این زمینه در کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر، شاهنشاه دستورهای اکیدی صادر فرمودند که در صورت کمبود استاد از استادان سایر دانشگاههای خارجی کمک بگیریم.

ما هم مطابق با طرحهای دانشگاهی خود تماس‌های متعددی با سایر دانشگاهها گرفتیم. برای جذب این افراد باید تحقیق کنیم و ببینیم چه دانشگاهی، چه نوع کمکی می‌تواند به مابکند و گذشته از این مشکل شرایط استخدام و مسائل مربوط به مسکن، نیازمندی-های دیگر و زبان خارجی آنها هم مطرح است.

مشکل بزرگی که با حضور این استادان در دانشگاههای ایران بطور کلی مطرح می شود مشکل زبان است. البته در بعضی از رشته های تحقیقی این نقص، استاد ودانشجو را کمتر دچار اشکال می کند ولی در رشته هایی که بیشتر جنبه نظری دارد در حال حاضر نمی توانیم از وجود این گروه از استادان استفاده کنیم. البته فعلاً در مورد نظام ترجمه که در بعضی از دانشگاههای دیگر تجربه شده مشغول مطالعه هستیم.

تلاش - اخیراً آموزش های تخصصی در حد فوق دیپلم در دانشگاه ملی بوجود آمده هدف از این تصمیم و گسترش چیست؟ و چه رشته هایی در این دوره گنجانیده شده است؟

پروفسور صفویان - سابقاً رسم بر این بود که پدر هر حرفه ای داشت بصورت ارث برای پسر می گذاشت. اما در شرایط کنونی که همه آموخته ها در صورت علمی بودن مورد قبول و تأیید است و از طرفی با پیشرفت صنعتی مملکت هر روز نیاز به افرادی که پایه علمی شان در حد تکنیسین باشد بیشتر می شود البته علاوه بر نیاز شدیدی که با افراد متخصص در حد درجات آکادمیک وجود دارد مراجع علمی ودانشگاهی باید همپای کوشش برای تربیت افراد متخصص در مدارج علمی بالا به تربیت افراد فنی در سطوح پایین تر از مهندسی و دکترا همت گمارند و خوشحالم که دانشگاه ملی این فعالیت را شروع کرد. ومن معتقد هستم که دانشگاهها فعالیت خود را در چهارچوب لیسانس و دکترا نیز متوقف نسازند چون بهر حال دانشگاهها با وجود امکانات وسیع خود از موقعیت خوبی برای تربیت افراد در این سطوح برخوردارند اگرچه آموزشگاههای مستقل متعدد دیگری هم برای تربیت این نوع افراد و دادن این تخصص ها وجود دارد.

در حال حاضر ما در رشته های پزشکی، بهیاری، بهداشت دهان و رادیولوژی و اوپتومتری در حد فوق دیپلم دانشجو داریم. حد فوق دیپلم دانشجو داریم.

تلاش - مسأله حفاظت وبهسازی محیط زیست اخیراً مورد توجه زیادی قرار گرفته است؟ آیا دانشگاه ملی طرحی برای ایجاد چنین رشته ای دارد یا خیر؟

پروفسور صفویان - رشته های مربوط به بهداشت بسیار متنوع است ومملکت برای خدمات بهداشتی به تکنیسین های امور بهداشتی نیاز شدیدی دارد. و با توجه به همین نیاز ما در تمام رشته های وابسته به بهداشت دوره های تعلیماتی ایجاد خواهیم کرد البته تا آنجا که ممکن باشد سعی می کنیم از دیپلم درست کردن و دیپلم دادن پرهیز کنیم و از هدف اصلی خود دور نشویم.

صفحه پنجاه و هشتم

وباید مسائل مربوط به محیط وبهداشت محیط زیست وحفظ طبیعت در زمره هدف های اصلی این توسعه باشد.

تلاش - در حال حاضر بی اغراق می توان گفت رشته های معماری و پزشکی دانشگاه ملی جزو معتبرترین رشته های تخصصی دانشگاهها محسوب می شود. حال اگر فرض کنیم که این اعتبار علتی جز رسیدگی و ایجاد امکانات بیشتر برای این دو دانشکده نداشته است چه منطقی باعث شده که دانشکده های دیگر دانشگاه ملی نتواند خود را به این حد برسانند؟

پروفسور صفویان - دانشگاه اصولاً سیاست تبعیضی ندارد و همه رشته ها بیک اندازه دارای قرب و منزلت هستند. ولی خوب همیشه در یک گروه ورزشکار هم یکی اول می شود و یکی دوم و بنظر من این یک رقابت سازنده وقابل احترامی است. نکته دیگر اینکه چرا دانشکده های دیگر نتوانسته اند آن درخشندگی خاصی را که شما از آن صحبت می کنید پیدا کنند بنظر من شاید اشکالی در کار هست خوب ما سعی می کنیم تمام نواقص را تا آنجا که مقدور است برطرف کنیم و امیدوارم روزی تمام رشته های تحصیلی دانشگاه ملی به این حدی که شما می گوید برسند.

تلاش - در مورد طرحهای توسعه بیمارستانها و مؤسسات دیگر دانشگاه ملی صحبت های زیادی است خواهش می کنم در این مورد نیز آگاهمان کنید.

پروفسور صفویان - در حال حاضر دانشکده پزشکی ما دارای ۷۰۰ تخت خواب است اما برای یکی دو سال آینده در حدود ۱۰۰۰ تخت دیگر احتیاج خواهیم داشت وبرای رفع این احتیاج در حال حاضر مشغول تجهیز بیمارستان سعادت آباد هستیم که باتوجه به مشکلات نیروی انسانی امیدواریم از اوایل بهار بتوانیم از این مرکز پزشکی بهره برداری کنیم. طرح دیگری که سازمان برنامه هم در آن نهایت همکاری را باما خواهد داشت استفاده از ۷۰۰ تخت خواب دیگر است که بزودی یعنی از اوایل سال ۱۳۵۵ قابل بهره برداری خواهد بود.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم پیاده کردن نظام ها و شیوه های جدید جهانی از نظر آموزش پزشکی یعنی تمرکز کلیه امور پزشکی، بیمارستانی و آموزش پزشکی در رشته های علوم پایه وبالینی در یک محل است. البته بهره گیری از این مرکز که نقشه آن پی ریزی شده است از ۲ سال آینده به بعد پیش بینی می شود.

ودر حال حاضر بیمارستان های وابسته به مرکز پزشکی دانشگاه ملی شامل بیمارستانهای جرجانی، لقمان الدوله ادهم، فرحناز پهلوی و سعادت آباد است.

تلاش - شما گفتید که تمام دانشکده ها،

برای شما یکسان است واز طرفی، بیشتر مثالها و اشاراتتان به امور پزشکی برمی گردد. خوب این تخصص آیا امکان آنرا بوجود نمی آورد که شما به این دانشکده توجه بیشتری دارید؟

پروفسور صفویان - معنی مثال هایم این نیست که اهمیت بیشتری به پزشکی می دهم واز طرف دیگر هم باید در نظر گرفت که مسائل تأمین نیروی انسانی پزشکی از مسائل جاد مملکتی است بنابراین طبیعی است که هر دانشگاهی به مسائل پزشکی خود توجه بیشتری داشته باشد. اما نظر شخصی خودم اینست که باوجود تمام شوقم به دانشگاه ملی معتقد نیستم که مسؤولیت دانشگاه مرا از حرفه خودم بازدارد یک پزشک یک معلم هم می تواند باشد من از برنامه تدریس صرف نظر نکرده ام کارهای بیمارستانی خود را طوری تنظیم کرده ام که غیبت هایم خللی در امور وارد نکند. و این نکته را اضافه کنم که بهیچ عنوان این مشاغل باعث قصوری در درمان بیمار نام نمی شود. البته دامنه فعالیت طبایم محدودتر شده است ولی بحمدالله طبیب مثل من در تهران فراوان است که بیمار نام به آنها مراجعه کنند.

تلاش - اخیراً روش آموزش با تلویزیونهای مدار بسته سخت مورد توجه قرار گرفته است. آیا طرحی برای استفاده از این روش برای تدریس در دانشگاه ملی دارید و آیا این روش می تواند تاحدودی اشکال کمبود استاد را جبران کند یا خیر؟

پروفسور صفویان - البته استفاده از نظام تلویزیون های مدار بسته در سطح آموزش دانشگاهی هم بسیار جالب وخوب است. مثلاً استفاده از این نظام را در داخل یک بیمارستان یا دانشکده بسیار قابل استفاده می بینم و بطور کلی شخصاً کاملاً موافق استفاده از این روش هستم. البته بدین مفهوم که تاحداً امکان از وسایل سمعی و بصری برای آموزش بهتر استفاده شود. و باید گفت ظاهراً مشکل کمبود استاد را هم تاحدی حل می کند ولی این نکته را هم اضافه کنم که آن موقع هم که این نظام نبود و یا همین حالا یک استاد در یک آمفی تئاتر می تواند برای چندصد دانشجو درس بدهد ولی خوب البته استفاده از این روشها کیفیت درس استاد را بهتر وانتقال را سریعتر می کند. ولی اگر می خواهید بگویم استفاده از این نظام کمبود معلم را جبران می کند باید بگویم خیر بهیچ عنوان.

تلاش - متأسفانه بیشتر برنامه های آموزشی مابصورت نظری وروی نیمکت های کلاس انجام می شود. آیا دانشگاه ملی باتوجه به امکانات آزمایشگاهی مجهزی که دارد از یک میانگین منطقی میان دروس نظری و دروس عملی پیروی می کند یا

خیر؟

پروفسور صفویان - اغلب مردم معتقد هستند کار کردن و فراگیری در آزمایشگاه استفاده از وسایل و بطور کلی کار عملی باعث آموزش بیشتر می شود ولی این نکته را به اطلاعتان برسانم تا دانشجویی مقدمات کار و مقداری معلومات تئوریک نیاموزد بهیچ عنوان قادر نخواهد بود در آزمایشگاه و یا سایر کارگاهها به دانسته های خود بیافزاید. بنابراین کلاس های درس نظری و کارهای عملی لازم و ملزوم یکدیگر هستند بعنوان مثال تا یک نفر دانشجوی پزشکی سر کلاس درس انواع بیماری ها را یاد نگیرد نمی تواند سرمریض برود و طریقه تشخیص و مداوا را بشناسد. بنابراین باید هم جنبه نظری و هم جنبه عملی کار را در نظر گرفت. به این نکته هم باید اشاره کنم که باوجود کمبود استاد بناچار بعضی از دروس جنبه نظری بیشتری پیدا می کنند. ولی در این مورد وضع ما نه تنها از دانشگاه های دیگر ایران بدتر نیست بلکه می خواهم ادعا کنم در این مورد اشکالات کمتری داریم و موفقیت نسبی بیشتری. و از آنجا که نقص و کمبود کار را می دانیم و حل این مشکل در صدر برنامه های دانشگاه ملی قرار دارد امیدواریم بتوانیم هرچه زودتر این نقیصه را هم برطرف کنیم.

تلاش - یکی از برنامه های جانب آموزشی دانشگاه ملی برپا کردن سمینارهای مختلف است که گذشته از آموزش، تغییر و تنوعی هم برای دانشجوی بوجود می آورد. لطفاً بفرمایید این سمینارها و کنفرانس ها بیشتر به چه زمینه هایی تخصیص داده می شود؟

پروفسور صفویان - وجود و تشکیل این سمینارها به دانشجویانی که هدفشان بیشتر آموختن است تا مدرک گرفتن، کمک می کند تا گذشته تا از فرا گرفته های کلاس از گفت و شنود و عقاید دیگران هم در زمینه تحصیلی خود استفاده کنند. بنابراین برنامه سمینارها و کنفرانس ها در اکثر دانشکده ها جای مهمی دارد. و در مورد این سمینارها می توانم فهرست وار به بعضی از آنها اشاره کنم:

۱. سمینار ماهانه دانشکده دندان پزشکی؛
۲. کنفرانس هفتگی بیمارستان جرجانی؛
۳. سخنرانی در مورد مسائل متفاوت پزشکی در بیمارستان لقمان الدوله ادهم؛
۴. سمینارهای مختلف مربوط به مسائل اجتماعی روز در تالار ابوریحان دانشگاه؛
۵. سمینارهای دوره ای دانشکده پزشکی. و همینطور سمینارهای اختصاصی سایر دانشکده ها. اما دانشگاه ملی همپای برپا کردن کنفرانس ها و سمینارهای علمی از دنیای هنر نیز خود را مجزا نکرده است بلکه

می کوشد در کنار آموزش مسائل جدی گاهی هم با چاشنی های هنری ذوق دانشجو و استاد را اندکی تغییر دهد از جمله این برنامه ها می توانم به رسییتال آواز خانم پری زنگنه و کنسرت جاز پرلیلی خواننده جاز امریکا که اخیراً اجرا شد اشاره کنم.

تلاش - در گفتگویی که با دانشجویان داشتم از امکانات رفاهی خود مثل ایجاد خوابگاه، ویا وسیله ایاب وذهاب صحبت می کردند. لطفاً بفرمایید چه امکانات رفاهی در اختیار کادر آموزشی، کارکنان و دانشجویان گذاشته شده است.

پروفسور صفویان - دانشجوی امروز باتوجه به امکانات رفاهی که فرمان شاهنشاه آریامهر در اختیار دانشگاهها قرار گرفته است می تواند بدون فکر کردن به مشکلات مادی با فراغ بال به امر آموزش بپردازد.

مشکل شهریه که روزگاری مشکل اساسی اغلب دانشجویان بود و یا حتی ممکن بود بعضی از افراد با استعداد را از ادامه تحصیل بازدارد، امروزه با امکان تحصیل رایگان بکلی از میان رفته است در مورد مسکن هم برای دانشجویان دانشگاه ملی با احداث خوابگاههای متعدد که البته اولویت آن متوجه دانشجویان شهرستانی است اقدام خواهد شد. و البته تا زمانی که تعداد خوابگاهها به اندازه کافی نرسد سرویس ایاب وذهاب در اختیار دانشجویانی که در تهران زندگی می کنند گذاشته خواهد شد. و مشکل غذای دانشجویان هم باتوجه به سلف سرویس ارزان قیمت و غذایی که از نظر کیفیت به آن توجه زیادی می شود می توانم بگویم کاملاً از میان رفته است. و تمام این سعی و کوشش برای آن است که دانشجوی حتی الامکان از فکر کردن به مشکلاتی که باعث می شود به وضع تحصیلی او لطمه زده شود فارغ باشد و به درس خواندن بپردازد.

نکته ای که از بیان آن خیلی خوشحال هستم اینست که همه دانشجویان دانشگاه ملی از امسال تحت پوشش بهداشتی دانشگاه قرار گرفته اند و موظفند که هر سال یکبار حتی در صورت سلامت کامل ظاهری به مرکز بهداشت دانشجویان دانشگاه ملی مراجعه کنند تا دقیقاً و کاملاً معاینه شوند.

اما در مورد ایجاد امکانات رفاهی برای کادر آموزشی و اداری دانشگاه ملی، مسأله ای است که شدیداً به آن توجه داریم. و باید بگویم سخت معتقدم که بوجود آوردن محیطی مناسب و برطرف کردن اشکالات زندگی هر فرد کمک می کند تا شخص بتواند وظیفه اجتماعی خود را بی دغدغه خاطر و به نحو رضایت بخشی انجام دهد.

اما در مورد آنچه تاکنون در زمینه امور رفاهی اعضاء هیأت علمی و اداری دانشگاه ملی ایران انجام شده ویا در دست اقدام است ذیلاً به اختصار باطلاعتان می رسانم:

افزایش حقوق کارکنان

بمنظور تأمین رفاه کارکنان دانشگاه ملی ایران از تاریخ ۱۳۵۳/۳/۱۹ بمیزان بیست و پنج درصد به حقوق همه کارکنان اعم از کادر آموزشی و اداری و روزمزد افزوده شده و همچنین نسبت به افزایش فوق العاده تکنیسین های دانشگاه نیز اقدام شده است.

تشکیل شرکت تعاونی مصرف کارکنان شرکت تعاونی مصرف کارکنان دانشگاه ملی ایران تشکیل شده و اقدامات و فعالیتهای خود را از اول مهرماه سال جاری باتوزیع سهمیه کمک خواربار به کارکنان دانشگاه شروع کرده است. طبق ضوابطی که در نظر گرفته شده همه کارکنان دانشگاه به نسبت افراد خانواده تحت تکفل خود از سهمیه کمک خواربار استفاده می کنند. ضمناً در جنب بیمارستان دریانی (تردیک میدان ونک) محلی برای ایجاد فروشگاه مجهز شرکت تعاونی مصرف کارکنان در نظر گرفته شده و نقشه های ساختمانی مربوط به آن تهیه شده و کارهای ساختمانی بزودی شروع خواهد شد.

تأمین مسکن

در مورد تأمین مسکن استادان و کارکنان دانشگاه ملی کمیته ای تعیین شده و کمیته مذکور امکانات و جنبه های مختلف موضوع را بررسی کرده و نتیجتاً در وهله اول کار ساختمان خانه های سازمانی برای استادان و کارکنان دانشگاه با استفاده از اراضی واقع در سعادت آباد که طبق اوامر مطاع ملوکانه به دانشگاه ملی ایران واگذار گردیده شروع خواهد شد. بدین منظور مطالعات مقدماتی لازم انجام شده و با تهیه برنامه کار و نقشه های مربوط اقدامات اجرایی بزودی شروع خواهد گردید.

ضمناً بموازات این اقدامات سایر وجوه و طرق مختلفی که نیل به هدف تأمین مسکن کارکنان دانشگاه را میسر می سازد نیز مورد توجه قرار گرفته است. در این باره تماس بابانک عمران بمنظور استفاده از امکانات و تسهیلات ساختمانی بانک مزبور و تشکیل شرکت تعاونی مسکن کارکنان دانشگاه قابل ذکر است.

تأسیس صندوق پس انداز کارکنان رسمی یکی از مشکلاتی که اعضاء کادر آموزشی و اداری دانشگاه با آن مواجه بودند نبودن ترتیب مشخص برای تأمین پس انداز کارکنان بود و مقررات خاصی که بتواند جوابگوی احتیاجات کارکنان در موقع ترک خدمت، بازنشستگی، از کارافتادگی و یا فوت باشد وجود نداشت و تنها طبق ضوابطی که معمول بود ماهانه از حقوق کارکنان هشت درصد کسر می شد و دانشگاه نیز فقط چهار درصد حقوق کارکنان را بابت سهم خود پرداخت می کرد.

بررسی‌های لازم کنفرانس آموزشی رامسر بکلی دگرگون شده است. خوب باتوجه به این دگرگونی علت انتخاب کنکور سراسری و اشکالات آن و طریقه جدید انتخاب چه بوده است.

پروفسور صفویان - قبل از انتخاب کنکور سراسری بعنوان يك روش واحد برای ورود داوطلبان به دانشکده‌های مختلف يك نفر دیپلمه و یا داوطلب می‌بایست برای ورود به دانشکده به شهرهای مختلف مسافرت کرده و در امتحانات ورودی دانشکده‌ها شرکت می‌جست اینکار برای داوطلب گذشته از هزینه سنگین رفت و آمد و مسکن باعث می‌شد که وقت زیادی هم هدر رود بنابراین کنکور سراسری بعنوان يك انتخاب کلی پسندیده آمد. اما اشکال این طریقه آن بود که سؤالات دانشکده‌هایی که از نظر دادن نخصص بهم نزدیک بودند بصورت واحد میان داوطلبان پخش می‌شد و حتی در بعضی موارد سؤالات و آگاهی‌های کلی میان داوطلبان تمام رشته یکسان بود. اشکال این روش وجود هرچه بیشتر شانس و اقبال برای کسانی بود که از حافظه‌ی قوی‌تر نه استعداد بیشتر بهره‌مند بودند. پس از چند سال تجربه با مطالعات و تحقیقات دامنه‌داری که پیوسته در کنار برگزاری کنکور سراسری می‌شد سرانجام برای اینکه مسأله استعداد و لیاقت جای شانس و اقبال را بگیرد در کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر طی تبادل نظر و جلسات متعدد پیشنهاد شد کنکور سراسری از میان برود و اکنون روشهای دیگری در دست مطالعه است.

دریکی از این روشها برای هر محصل پرونده‌ی تشکیل می‌شود تا تمام خصوصیات مثبت و منفی، استعدادها و نمرات و اخلاق محصل در آن درج گردد. و باتوجه به این پرونده است که مرکز سنجش وزارت علوم و آموزش عالی، دانشکده‌هایی را که محصل می‌تواند در امتحانات داخلی آن شرکت کند معین می‌کند. البته دانشکده‌ها هم گذشته از يك امتحان کتبی برای سنجش میزان معلومات عمومی، هوش و حافظه، امتحانات و مصاحبه‌های شفاهی و انجام کارهای عملی مبادرت خواهد ورزید. در این روش جدید اگرچه نحوه برگزاری بسیار سخت‌تر شده و دقت بیشتری را می‌گیرد اما در عوض روش مطمئنی است تا داوطلب بتواند به حافظه و هوش خود اتکاء نکند و هر داوطلب در رشته‌ی مشغول تحصیل شود که بخاطر استعداد و علاقه به آن رشته بتواند پیشرفت بیشتری کسب کند.

تلاش - با رخنه تلویزیون در خانه‌های اغلب مردم و دیدن فیلم‌های تلویزیونی مربوط به پزشکان و بیماران يك نکته را مطرح می‌کنم که شاید سؤال بیشتر افرادی باشد که به این فیلمها توجه دارند. در این فیلمها روابط میان بیمار و پزشک بقدری



منتخب هریک از دانشکده‌های دانشگاه ملی ایران تشکیل شده و اعضاء هیأت مدیره کانون از میان نمایندگان دانشکده‌ها به ترتیبی که از هر دانشکده يك نفر در هیأت مدیره عضویت داشته باشند انتخاب گردیده‌اند. کانون برای نیل به هدفهای خود برنامه‌های متعدد و متنوعی در زمینه‌های مختلف (فعالیت‌های ورزشی - هنری - مسافرت‌های علمی و تفریحی و سایر تفریحات سالم) طرح ریزی کرده و دانشگاه برای اجرای برنامه‌ها و هدفهای کانون همکاری لازم را بعمل خواهد آورد.

ایجاد پلاژ برای استفاده دانشجویان و کارکنان دانشگاه

در سال ۱۳۴۶ بفرمان شاهنشاه آریامهر ۳۰ هکتار از اراضی ساحلی به دانشگاه ملی ایران واگذار گردیده بود. این اراضی میان کیلومتر ۲۰ تا ۴۰ غرب بندر پهلوی واقع شده است و از سال ۱۳۴۶ تاکنون اقداماتی برای تحویل اراضی مذکور بعمل آمده که در حال حاضر به نتیجه رسیده است باتهیة نقشه و تنظیم برنامه کار از اراضی مورد بحث برای ایجاد پلاژ جهت استفاده دانشجویان و اعضاء کادر آموزشی و اداری دانشگاه ملی ایران بهره‌برداری خواهد شد.

سایر اقدامات رفاهی

باتجدید نظر در آیین‌نامه بهداشت و درمان کارکنان دانشگاه سعی بر این است که تسهیلات بیشتری برای کارکنان دانشگاه و خانواده آنها در نظر گرفته شود. همچنین تصویب و اجرای آیین‌نامه‌های کمک به پرداخت بهره وام مسکن و تشکیل صندوق معاضدت اقدامات دیگری در این زمینه خواهد بود.

تلاش - اخیراً در مطبوعات خواندیم که نحوه کنکور و انتخاب دانشجو پس از

برای رفع این مشکل، اقداماتی بعمل آمد و باموافقت هیأت امناء دانشگاه نسبت به تأسیس صندوق پس انداز کارکنان رسمی دانشگاه اقدام شد. طبق آیین‌نامه مربوط از اول فروردین ماه ۱۳۵۱ از حقوق هریک از اعضاء رسمی دانشگاه هشت درصد کسر و در حساب صندوق پس انداز بنام وی منظور خواهد شد. دانشگاه نیز هر ماه معادل پاترده درصد حقوق هریک از اعضاء رسمی را به صندوق پرداخت خواهد کرد و کارکنان رسمی دانشگاه طبق شرایط و ترتیبات مندرج در آیین‌نامه حق استفاده از پس انداز خود را خواهند داشت.

بخشودگی مالیاتی

بر اساس قانون اصلاح بعضی از مواد قانون مالیاتهای مستقیم مصوب مرداد ماه ۱۳۵۳ کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی باتوجه به میزان حقوق ماهانه خود از بخشودگی‌های مالیاتی استفاده می‌کردند که چون دانشگاه ملی ایران جزو سازمان‌های مذکور منظور نگردیده بود، از این رو این بخشودگی‌ها در مورد کارکنان دانشگاه ملی بمرحله اجرا در نیامده بود. بر اساس اقداماتی که بعمل آمد ترتیبی داده شد که این بخشودگی شامل حال کارکنان دانشگاه ملی ایران نیز بشود و باین ترتیب مابه‌التفاوت بخشودگی‌های مذکور با مالیات پرداختی کارکنان از محل اعتبارات دانشگاه تأمین و پرداخت گردیده است.

تشکیل کانون هیأت علمی دانشگاه

بمنظور ایجاد حسن تفاهم و همبستگی بیشتر و تقویت روابط مودت میان اعضاء کادر آموزشی، کانون هیأت علمی دانشگاه ملی ایران تشکیل شده است. این کانون وسیله شورایی مرکب از نمایندگان

صمیمانه و دلسوزانه است که اگر ما آنرا با این رابطه در اجتماع خود مقایسه کنیم دچار سردرگمی خواهیم شد. بنظر شما که يك پزشك هستيد آیا آن رابطه که در فيلمها می بینیم بقول معروف فقط در اذهان و بر پرده تلویزیون جای دارد یا ارتباط واقعی میان پزشك و بیمار در جامعه ما هنوز آنطور که باید به وضع مطلوبی درنیامده است.

پروفسور صفویان - باید اعتراف کرد که رابطه کنونی میان بیمار و طبیب اندکی نامطلوب است و مهم اینکه تأسف اطباء از این وضع کمتر از تأسف و نارضایی مردم نیست. برای بهبود رابطه طبیب و بیمار به نحوی که شما به آن اشاره می کنید لازم است در درجه اول مشکل کمبود طبیب از میان برود و بعد ارشاد افکار عمومی، و از میان بردن حس بدبینی مردم نسبت به اطباء البته اقلیتی هستند که این حس بدبینی را در مردم بوجود می آورند و تشدید می کنند اما مردم هم نباید به صرف وجود چند پزشك تجارت پیشه جامعه پزشکی را محکوم کنند. از طرف دیگر باید يك نظام صحیح درمانی هم وجود داشته باشد و مردم در تمام سطوح چه فقیر و چه غنی از بهداشت و درمان بتوانند بهره مند گردند. با این طرح بیمه که روز بروز گسترش بیشتری پیدا می کند و با پوشش خود نفرات بیشتری را در بر می گیرد یقیناً تا چند سال آینده تا اندازه ای قابل توجه مسائل درمانی و بهداشتی حل خواهد شد.

امیدواری من این است که این حس بدبینی نسبت به جامعه پزشکان از میان برود و هر دو گروه بیمار و پزشك برای از بین بردن این سوء تفاهم کوشا باشند و پزشك بتواند در جامعه ما حرمت و شأن خود را باز یابد البته باید مقررات و قوانین هم وجود داشته باشد که نگذارد افراد را مرا اشتباه انتخاب کنند. و بر مسند شغلی بنشینند که اصلاً صلاحیت جسمانی و معنوی آنرا ندارند. و چون طبیعی است در چنین شرایطی که بقول معروف خشك و تر با هم می سوزند اگر يك پزشك باتوجه به معنای واقعی آن ببیند شرافت و حرمت خاص خود را ندارد دلسرد می شود. و این تقصیر به همان اندازه که بگردن پزشکان است افراد دیگر جامعه را هم در بر می گیرد.

تلاش - مسأله مهم دیگری که شاید کمی خصوصی تر باشد نحوه ارتباط استادان با دانشجویان است، این ارتباط تا چه حد و بچه صورت می باشد؟

پروفسور صفویان - هیچ شکی نیست که روابط استاد و دانشجو باید خیلی صمیمانه تر از این که هست باشد و استادان صمیمانه تر از این که هست باشد و اساتید می باید بعنوان پدران و برادران ارشد

بهمه امور و حتی درد دلهای دانشجویان همت گمارند. اما متأسفانه چنین ارتباطی در سطح دانشجویان و استادان ما کمتر وجود دارد البته یکی از اشکالات همانطور که قبلاً هم به آن اشاره شد مسائل کمبود استاد است. یعنی استادی که چندین صد دانشجو دارد حتی امکان شناختن آنها را هم پیدا نمی کند تا چه رسد به نشستن و گوش کردن به مشکلات آنها. و خوب يك مقدار هم بعزت کم توجهی دو جانبه ای است که در میان استادان و دانشجویان ما وجود دارد چون عده زیادی از دانشجویانی که شما در محوطه دانشگاه در رفت و آمد می بینید هیچ هدفی جز مدرک گرفتن ندارند. آنها از استاد توقعی جز درس دادن و حتی خلاصه تر کردن درس ندارند و این کم توقعی هم یکی از علل نبودن این رابطه است و باز باید بگویم این هم یکی از وظایف ماست، که مثل سیم اتصال این دو قطب را بهم نزدیک کنیم یعنی هم سطح توقع دانشجو را از استاد بالا ببریم و هم امکان توجه بیشتر استاد را به دانشجو فراهم کنیم.

مشکل کمبود استاد باعث شده است که اغلب اساتید بصورت نیمه وقت در دانشگاهها به تدریس بپردازند و خوب مجسم کنید استادی که امروز در مشهد تدریس می کند و فردا باید سر کلاس های درس يك مؤسسه آموزشی در تهران حاضر شود بهیچ عنوان فرصتی نمی یابد که حتی اسم دانشجویانش را به حافظه بسپارد.

تلاش - با توجه به برنامه دولت برای ترغیب مردم به امر کتاب خوانی و توسعه کتابخانه ها در سطح کشور. دانشگاه ملی در حال حاضر در چه وضعی است و برای گسترش کتابخانه چه طرحی دارید و آیا دانشجویان آنطور که انتظار می رود از کتابخانه استفاده می کنند یا خیر؟

پروفسور صفویان - صریحاً می گویم بهیچ عنوان از اشتغال و استفاده دانشجویان از کتابخانه های دانشگاه راضی نیستم. دانشجویان خیلی کم کتاب می خوانند باید اقرار کرد که جوانان ما اصلاً عادت به مطالعه و تحقیق ندارند و این عادت است که باید از همان سالهای اول تحصیل شروع شود و در دانشگاه به اوج خود برسد. و مسأله دیگر اینکه دانشجوی ما اصولاً طریقه استفاده از کتابخانه را نمی داند. ما هم اشکالاتی داریم مثل کمبود کتاب، کمبود وسایل سمعی و بصری، کمبود متخصص کتابداری. ولی باتوجه به اینکه دانشگاه ما دانشگاه جوانی است و تازه شروع کرده و در مدت کوتاهی به این مرحله رسیده است می توان به یقین گفت که این اشکالات بزودی حل و رفع خواهد شد در طرح جامع دانشگاه ملی، واحد کتابخانه از اتروای خود بیرون کشیده خواهد شد. سعی داریم در این واحد يك مرکز اسناد

و مدارك بمفهوم وسیع کلمه هم ایجاد کنیم و از میکرو فیلم و میکروفیش هم استفاده کنیم و باتوجه به اینکه با کمبود جا مواجه هستیم تا عملی کردن طرح جامع دانشگاه مجبوریم از راه حل های موقتی برای رفع این نقیصه ها استفاده کنیم و بجز کتابخانه مرکزی در تمام دانشکده ها هم از وجود کتابخانه های اختصاصی بهره مند شویم.

تلاش - اخیراً مطلع شدیم که نظام یا روش انتخاب داوطلبانی که تحصیلات متوسطه را تمام کرده اند بکلی تغییر کرده است و با توجه به اینکه این تحول نتیجه تبادل نظر های کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر است و شما هم در آن جلسات حضور داشته اید همینطور جلساتی که در تهران برگزار شده خواهش می کنم در مورد این روش جدید برای خوانندگان ما توضیحاتی بدهید.

پروفسور صفویان - این نکته را توجه کنید که کنکور از میان نرفته فقط طریقه انجام آن فرق کرده است. در شرایط گذشته تست های آزمون های نظری و یکنواخت برای رشته های ذهنی و حافظه نسبتاً قوی برای ورود به دانشگاه کافی بود. حال آنکه بعد از توصیه ها و تبادل افکار در کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر تصمیم بر این شد که مسأله ورودی به آن صورت از میان برود و هدف نهایی این است که در شرایطی که تحصیلات متوسطه تقریباً همگانی است اگر قرار باشد تمام این افراد وارد دانشگاه شوند ممکن است و نه صحیح و باز با توجه به صنعتی شدن کشور ناگزیر يك گروه هم باید بطرف کارهای ناگزیر يك گروه هم باید بطرف کارهای حرفه ای بروند بنابراین باید سنجشی وجود داشته باشد تا هر کس بطرف کاری که استعداد دارد برود نه اینکه همه آرزو کنند مثلاً رشته پزشکی یا معماری را بخوانند چون اغلب مردم تصور می کنند رشته پردرآمدی است. و با کافی نیست که خواست هرنوجوان ۱۷-۱۶ ساله و یا خواست های اغلب پدر و مادر ها صحیح باشد و تحقق پیدا کند که مطمئناً این تحقق هم برای جامعه چندان مثمر تر نخواهد بود. در حال هدف این است که بهترین استعدادها برای هر رشته انتخاب شود و باید توجه داشت که مثلاً برای رشته پزشکی تنها حافظه قوی کافی نیست لازم است که دانشجوی این رشته عشق به طب داشته باشد وظایف انسانی يك طبیب را خوب بداند و استعداد و علاقه لازم برای این شغل را هم داشته باشد. همینطور قدرت کار، مقاومت بدنی و روحی و امکان مداومت در تحصیل. مثلاً دختر خانمی که نهایت آرزویش رسیدن به يك زندگی مشترك خانوادگی و پرورش فرزندانشان می باشد و حاضر نیست وقت زیادی به حرفه و کار اختصاص دهد نباید به دانشکده پزشکی راه یابد. چون اگر طبیب شد بناچار پس از ازدواج این رشته را یا کلاً کنار می گذارد یا فعالیتش را محدود می کند در حالیکه

يك طبيب بايد رشته تحصیلی و طبابتش در صدر عشقها و علائقش قرار داشته باشد و یا اخلاقیات، مثلاً يك جوان که هدفش بدست آوردن يك زندگی خیلی مرفه است نباید برود پزشکی بخواند و یا کسی که از مرض و بیماری آکراه دارد و دیدن این مناظر برایش ملال می آورد و یا از دیدن مرده می ترسد نباید رشته پرستاری را انتخاب کند در حالیکه نظام پیشین کنکور هیچ عنوان این نکات را ملحوظ نمی داشت.

تلاش - گاهی انتقاد می شود که چرا جوانان بدنبال مدرک گرفتن هستند نه درس خواندن، ولی به این نکته هم توجه داشته باشید که بدون وجود این مدرک عبور از در ادارات دولتی غیرممکن است و به تنها مسأله ای که در بدو استخدام توجه می شود درجه تحصیلات و نوع مدرک تحصیلی است. بنابراین باید طرحی پیاده شود تا افراد با استعداد در صورت ابراز لیاقت و کاردانی و عدم مدرک تحصیلی بالا بتوانند پیشرفت کنند و بدنبال یاد گرفتن بروند نه مدرک گرفتن.

پروفسور صفویان - موافقم ولی پیاده کردن این طرح بسیار مشکل است. در هر حال برای استخدام و بکار گماردن افراد باید ضوابطی وجود داشته باشد. نکته ای که باید به آن اشاره کنم این است که کلمه دیپلم که يك کلمه فرانسوی است وقتی وارد زبان فارسی شده معنی حقیقی خود را از دست داده است. دیپلم بمعنی گواهینامه است بنابراین هر فردی که در يك رشته آموزش دید و تخصص آنرا پیدا کرد می تواند دیپلم یا گواهینامه آن رشته را بگیرد. در حالیکه ما از دیپلم بعنوان يك درجه تحصیلی استفاده می کنیم. ومن معتقد هستم هر کس که آموزش خاصی را در رشته ای فراگرفت می باید مدرکی در دست داشته باشد که بتواند ثابت کند از انجام آن تخصص برمی آید. حال آنکه در ایران کلمه دیپلم بکلی قالب شده است. مثلاً اگر کسی حرفه ای بیاموزد و در این رشته دیپلم بگیرد پس از مدتی با ارائه دیپلم خود در ادارات بکارهای پشت میز نشینی هم گمارده می شود چون دیپلمه است بنابراین شدیداً معتقد هستم که برای بکار گرفتن افراد نباید صرفاً به مدرک تحصیلی آنها توجه کرد و لازم است که برای سنجش کارایی افراد از طرق مختلف دیگری هم استفاده شود.

تلاش - مسأله فراگیری زبان دوم یکی از مشکل ترین مسائل آموزشی فعلی است و می بینیم که يك نفر دیپلمه بعد از اینکه ۶ سال سر کلاس های زبان حاضر می شود و امتحان می دهد بعد از پایان تحصیلات متوسطه از ساختن و یا فهمیدن ساده ترین جملات زبان دوم که آموخته عاجز است و با توجه به اینکه منابع فارسی برای آموزش علوم مختلف بسیار محدود

صفحه شصت و دوم

است و دانشجوی هر رشته ناگزیر باید از منابع و کتب خارجی استفاده کند دانشگاه ملی برای رفع این نقیصه چه اقدامی کرده و چه طرح هایی دارد.

پروفسور صفویان - اصولاً دنیای علمی بگونه ای است که احتیاج به يك زبان ناقل دارد تا تمام دانشجویان و دانش پژوهان بتوانند بوسیله آن زبان واحد از پیشرفت های علمی مطلع شوند و دانشمندان بتوانند بوسیله آن تجربیات خود را بایکدیگر مبادله کنند. زمانی این زبان علمی زبان فارسی بود، زمانی زبان عربی زبان علمی شد و در حال حاضر از چند زبان دیگر که جنبه بین المللی پیدا کرده استفاده می شود. این يك مسأله، نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم اینست که متأسفانه در کشور ما در زمینه تالیف و ترجمه و نشر و اشاعه کتب علمی پیشرفت کافی به چشم نمی خورد و ما از این لحاظ بسیار فقیر هستیم. بنابراین دانشجویان مجبورند برای آموزش بخصوص احاطه به فنون از کتب خارجی بخصوص کتابهایی به زبان های انگلیسی و فرانسه استفاده کنند.

با توجه به نکات فوق می بینیم که دانشجوی ما از نظر آگاهی به این دو زبان در مراحل بسیار ابتدایی بسر می برد. دانشگاه ملی برای رفع این اشکال اقدام به تأسیس مرکز آموزش زبان های خارجی کرده است، و برنامه این است که دانشجوی پس از گذشتن از سد کنکور در این مرکز امتحان داده و سواد زبان خارجی اش معین می شود، بعد مطابق بارشته تحصیلی شروع به آموختن زبان بصورت فشرده خواهد کرد. البته این مرکز هیچ مدرکی به دانشجوی نخواهد داد تا از مدرک بازی که این روزها رواج یافته جلوگیری شود و پس از اینکه دانشجوی زبان علمی و اصطلاح های رشته

تحصیلی اش را آموخت آنوقت اجازه خواهد داشت در رشته ای که قبول شده به تحصیل بپردازد (اجرای این برنامه مشکلی را که قبلاً در مورد استفاده از استادان خارجی به آن اشاره کردیم نیز حل خواهد کرد).

تلاش - پیرو سؤال های قبلی ام اجازه بدهید این سؤال را مطرح کنم که با توجه به همین کمبود چرا از وجود استادان باتجربه در کادر اداری استفاده می شود؟

پروفسور صفویان - اگر این افراد را در سطح کشور بشمارید متوجه می شوید که نسبت بسیار قلیلی هستند و باید گفت درهمه جای دنیا سرانجام يك عده از استادان در مشاغل مربوط به مدیریت مشغول کار هستند اما در مورد خودم باید بگویم که هیچوقت پزشکی را در وهله دوم اهمیت قرار نمی دهم و چون با عشق و علاقه بسیار پزشکی را قبول کردم آنرا تحت هیچ شرایطی رها نمی کنم. ولی در هر حال مدیریت يك دانشگاه هم خدمتی است به مملکت که امیدوارم بتوانم خوب از عهده آن برآیم.

تلاش - شما مرتب از پیشرفت ها و برنامه های آتی سخن گفتید بعنوان آخرین سؤال بفرمایید این پیشرفت ها بیشتر صورت گسترشی دارد یا تکمیل وضع کنونی.

پروفسور صفویان - این گسترش در دو جنبه کیفی و کمی ادامه خواهد یافت. بدین معنی که از طرفی با توجه به نیازهای مملکت، رشته ها و تخصص هایی بوجود بیاید و از طرفی نحوه تدریس و آموزش سیر صعودی لازم و مهمی را طی کند و طرح جامعی که بارها در میان صحبت هایم به آن اشاره کردم رفع چنین احتیاجاتی است. البته اگر می بینید من از آینده بیشتر صحبت می کنم تا گذشته ها و از طرحها تا انجام شده ها هیچ دلیلی جز جوانی و نوپایی دانشگاه ملی نمی تواند داشته باشد.



همگرایی سوسیالیسم و سرمایه‌داری

امکان دارد

بخش اول: نظریه همگرایی تین برگن
مطالعه تاریخ تحولات نشان می‌دهد

که اقتصاد سرمایه‌داری در طول زمان دچار دگرگونی‌های ژرف و بلاانقطاع بوده است. باید اذعان داشت که یک خصلت بسیار مهم و مثبت سرمایه‌داری، علاوه بر لیبرالیسم سیاسی آن، اینست که یک نظام طبیعی و دنباله‌تکامل عادی جامعه بشری است. سرمایه‌داری بموجب فرضیه‌ها و احکام پیش ساخته ذهنی بوجود نیامده است، بلکه بر حسب طبیعت و ناموس تکاملی اجتماعات بشری، روبه رشد بوده و هست. ولی سوسیالیسم یک نظام پیش ساخته ذهنی است که اصول، خواص، قوانین و احکام آن مولود ذهن انسانی و متفکرانی است که می‌پنداشتند درست بهمان دقت علمی که نیوتون قانون جاذبه عمومی را کشف کرده است، آنها به قوانین اصیل اقتصادی و اجتماعی پی برده‌اند. نتیجه طبیعی و قهری چنین تصویری، تعصب و جمود فکری است که امروز مارکسیست‌ها و کمونیست‌های باایمان دچار آنند. و از آنجا که کمونیسم پس از عصر انقلابیان حرفه‌پی، حربه ایدئولوژیک قدرت‌های سیاسی خاصی شده است، این قدرت‌ها تا کنون حاضر نشده‌اند که در برابر واقعیت‌های غیر قابل انکار عینی، بطلان بسیاری از پندارهای ذهنی و تخیلی خود را اذعان کنند و یا می‌توان گفت که مصلحت رهبران این قدرت‌ها، لزوم حفظ ایمان میلیون‌ها انسان و انواع بهره‌برداری از ایمان آنها ایجاب نمی‌کند که بر سستی اصول نافی علم و واقعیت صحه بگذارند. از این رو نظام‌های سوسیالیست کنونی را باید بعنوان واقعیت‌هایی که وجود دارند پذیرفت اعم از اینکه اصول ایدئولوژیک آنها علمی یا غیر علمی باشد و گذشته از اینکه شخص می‌تواند سوسیالیست باشد ولی نظام‌های موجود را سوسیالیست نشناسد.

از طرفی، گرچه سرمایه‌داری دیگر برای توضیح نظام‌های غیر سوسیالیست کنونی

جهان، کلمه مناسبی نیست، ولی در هر حال باید باین حقیقت توجه داشت که در جهان فعلی، با وجود تنوع نظام‌های سیاسی و اقتصادی و اختلاف آنها از نظر ماهیت، در هر حال دو نظام وجود دارد و گاه سوسیالیست و سرمایه‌داری در محاورات عادی مصطلح است و این تقسیم‌بندی خود بخود، موضوع مقایسه آنها را بویژه از نظر اقتصادی پیش می‌آورد. در گذشته، مقایسه این دو نظام مبتنی بر قبول مطلق یکی و نفی مطلق دیگری بود، هر چند در جهان سرمایه‌گذاری، متفکران و عوامل اجتماعی زیادی وجود داشتند که نه جهان سوسیالیسم را انعکاس حقیقی اصول و مفروضات سوسیالیسم نظری و مارکسیسم می‌دانستند و نه دنیای سرمایه‌داری را یک دنیای بسته که در آن برای عناصر مخالف حق حیات نباشد و از نظر اقتصادی بطور مطلق نمودار پندارهای کلاسیک‌های سده نوزدهم و معتقدان اقتصاد آزاد مبنی بر عدم مداخله دولت ۲ باشد، تلقی می‌کردند در زمان ما در نتیجه تکامل طبیعی انواع نظام‌های سوسیالیست و مقایسه کنجکاوانه آنها عقیده امکان تقارب و گرایش دو نظام بسوی یکدیگر پیش‌آمد و برای نخستین بار این عقیده بنام "نظریه همگرایی" در سال ۱۹۶۱ از طرف جان "تین برگن" ۳ اقتصاددان برجسته عنوان شد.

تین برگن نخستین نظریه همگرایی را در مقاله‌ای که تحت عنوان "آیا اقتصادهای آزاد و کمونیست بسوی هم گرایش می‌یابند؟" ۴ در مجله "مطالعه مسائل شوروی" ۴ در آوریل ۱۹۶۱ نوشت مطرح ساخت. تین برگن در همان مجله مقاله دیگری بنام "ادراک‌های واقعی در باره همزیستی" نگاشت. اولی جنبه اقتصادی دارد، و دومی جنبه سیاسی، که مادر اینجا فقط به تشریح مقاله اول او می‌پردازیم:

تین برگن می‌نویسد: اول، امروز ما شاهد همزیستی دو نظام اقتصادی افراطی

(رادیکال) یعنی اقتصاد "کمونیست" و اقتصاد "آزاد" (طبق اصطلاح غربی) یا نظام‌های "سوسیالیست و سرمایه‌داری" (طبق اصطلاح شرقی) هستیم. نامهایی که باین نظام‌ها داده شده است عیناً با خصایص آنها مطابقت ندارد. شاید غیر دقیق‌ترین نظر درباره این نظام‌ها اینست که هر یک از آنها بدون ابهام تعریف شده‌اند و بنابراین وضوح کامل دارند. واقعیت نشان می‌دهد که دو سیستم در حال تغییراند. تجزیه و تحلیل ماهیت این تغییر بسیار جالب می‌تواند باشد. این کوشش‌ها بمنظور نشان دادن دگرگونی‌هایی در جهات بسیار است که حاکی از تغییرات همگرایی است. در اینجا فقط تعداد کمی از گرایش‌های دو سیستم یادآوری می‌شود و از جزئیات صرف نظر می‌گردد. یا حتی به بیان اختلاف‌های موجود در میان کشور های کمونیست نیز پرداخت نمی‌شود.

عوامل اصلی این تغییرات دو جنبه کلی دارند. از یک سو، هر سیستم می‌کوشد با استفاده از تجربه مشهود بر نقاط ضعف خود غلبه کند. از سوی دیگر، دو نظام بیش از پیش بر روی هم تأثیر می‌گذارند. در حالی که در آغاز نظام کمونیست از طرف نظام اقتصاد آزاد جدی گرفته نمی‌شد. اکنون خود نظام اخیر بمیزان قابل ملاحظه‌یسی دچار تغییر و تحول شده است. نظام کمونیست از همان آغاز به برخی از موفقیت‌های "سرمایه‌داری" علاقمند بود (شاید منظور تین برگن جنبه‌های فنی و جهش آسای نظام سرمایه‌داری باشد که مارکس هم آن را ستوده است). اما نظام کمونیست اکنون به اندازه‌یسی که از تجربه‌های اقتصاد دانان خود استفاده می‌کند، به تقلید از شیوه‌های غربی نمی‌پردازد.

دوم، بنظر تین برگن، برخی از تغییرات مهم که از هنگام انقلاب روسیه در نظام کمونیست روی داده، خیلی خلاصه بشرح زیر بوده است:

الف - مدت کوتاهی تصور می شد که مدیریت تخصصی عامل زائدی است و "کارگران" می توانند این وظیفه را بر عهده گیرند. اما بزودی دریافتند که تخصص در مدیریت عامل بسیار مؤثری است. از آن پس اعتقاد سنتی ضرورت مقاومت در برابر اشکال مختلف تخصص روز بروز کمتر می شود.

ب - مدت کوتاهی کوشش شد که سطح درآمدهای افراد را با اعمال قدرت شدید، مساوی سازند. برای این منظور با صدور فرمان، رژیم را ملزم می ساختند که یک نظام دستمزد مبتنی بر تولید و میزان کار متراکم تدوین کند. اما دیری نگذشت که رابطه کار و تولید از یکسو و دستمزد ها از سوی دیگر با کمال تعجب فراموش شد و یک سیاست دستمزد ها بنام "سیاست دستمزد های سوسیالیستی" اتخاذ گردید.

پ - مدتی برنامه گذاری برحسب واحدهای کمی نه طبق ارزش پول تدوین شد ولی بتدریج استفاده از پول بعنوان یک مخرج مشترک وارد شیوه برنامه گذاری گردید و از آن پس بر اهمیت قیمت ها و هزینه ها بیش از پیش وقوف حاصل شد.

ت - مدت مدیدی بهره با توجه به امحاء مالکیت خصوصی کالاهای سرمایه یی و تأسیساتی عنصر غیر لازمی شناخته شد. ولی کم کم پی بردند که لازمه از میان بردن بهره بعنوان شکلی از درآمد خصوصی این نیست که عنصر بهره حتی بعنوان یکی از عوامل هزینه نیز کنار گذارده شود.

ث - جیره بندی چند سال پس از جنگ جهانی دوم لغو گردید و انتخاب آزاد مصرف کننده راه منطقی تری تشخیص داده شد و از آن گذشته کم کم تأکید بیشتری به مصرف در مقوله تولید بعمل آمد. اما این نکته تین برگن هنوز چندان از مرحله نظری وارد مرحله عمل نگردیده است. یعنی هنوز تولید کالاهای مصرفی محدود است و به تبع آن مصرف کننده در انتخاب کالاهای مصرفی، آزادی قابل توجهی ندارد.

ج - شیوه های ریاضی برنامه گذاری، مدت درازی یک شیوه سرمایه داری تلقی شد

ولی اخیراً "یک شیوه عینی و مفید تشخیص گردید. اینک بحث در باره این شیوه و نحوه اجرای آن تعمیم یافته است. ولی با آنکه اکنون بیش از دوازده سال از نوشته تین برگن می گذرد هنوز هم شیوه ریاضی با استفاده از اصول الکترونیک و کامپیوتر بسط قابل توجهی نیافته است.

چ - در زمینه تجارت بین المللی تغییرات ژرفی در پیش است. نه تنها میان کشورهای کمونیست، بلکه میان کشورهای کمونیست و اقتصادهای آزاد نیز چنین تغییراتی مورد انتظار است. این پیش بینی تین برگن به تحقق پیوسته و چنانکه قبلاً ذکر شد تجارت میان کشورهای کمونیست، بسود تجارت این کشورها با کشورهای غیر کمونیست در تغییر است. اما تین برگن بلافاصله می افزاید که این نظریه که هر کشوری باید دارای صنایع سنگین خاص خود باشد دیگر هوا خواه زیادی ندارد. بنظر می رسد که در اینجا تین برگن بیشتر به اظهار نظرهای اقتصادی رسمی توجه کرده است تا تمایل باطنی اقتصاددانان و توده مردم. در این هیچگونه شکی نیست که توده مردم کشورهای کمونیست در درون خود با تمام احساس مانند هر کشور دیگری، خواهان پی ریزی یک زیر بنای اقتصادی محکم بمعنی صنایع سنگین است، منتهی همه شواهد نشان می دهد که در این میان، این اتحاد جماهیر شوروی است که مایل با ایجاد صنایع سنگین در کشورهای اروپای شرقی نیست و می کوشد با ستناد اصل "تقسیم بین المللی تولید تخصصی" اقتصاد کشورهای سوسیالیست اروپا را مکمل اقتصاد خود کند. در جریان بحران اخیر انرژی و تولید نفت و گاز نیز برای العین مشاهده شد که شوروی در اندیشه عملی کردن هدف های اقتصادی خویش تا مرحله فدا کردن منافع کشورهای "برادر" است. این قسمت که نماینده شکل جدید استعمار و استثمار است و هنوز چنانکه باید از پرده بیرون نیفتاده است، موضوع یک بررسی تازه و مفید و روشنگر می تواند باشد.

سوم، تین برگن عقیده دارد "با اصطلاح" اقتصادهای آزاد نیز تغییراتی را بخود دیده اند. طعنه برگن با بکار بردن کلمه "با اصطلاح" در برابر اقتصاد آزاد، یا گاه در گیومه قرار دادن

کلمه "آزاد" اتفاقی نیست. زیرا یقیناً "تین برگن" نیز مانند سایر اقتصاددانان جدید عقیده دارد که اقتصاد "آزاد" در جهان سرمایه داری مفهوم و مصداق ندارد. کلمه "آزاد مسلماً" برای هر فرد خالی الذهن ایجاد شبهه میکند، غرض از اقتصاد آزاد، اقتصاد مبتنی بر رقابت آزاد عرضه کنندگان کالا، بدون دخالت دولت طبق شرایط ذاتی بازار است. ولی عملاً نه رقابت آزاد قابل بقاء است و نه در ذات بازار آزاد، یعنی بازاری که بحال خود گذارده شده باشد، نشانی از آزادی وجود دارد. تین برگن سپس بذکر تغییرات عمده اقتصاد نوع غربی می پردازد و اینطور می نویسد:

الف - بخش عمومی در اقتصادهای غیر کمونیست، اکنون خیلی بزرگتر از حجم آن در سده نوزدهم است. بویژه آنکه در اروپای غربی، مؤسسات عام المنفعه تحت مالکیت عمومی درآمدی است. راه آهنها و ترامواها، معادن ذغال، فولاد و صنایع پولادی، شرکت های بیمه و بانک ها غالباً جزء بخش عمومی اند. این بخش از هنگام داوری تین برگن تا کنون نیز با نسبت های بالا در حال گسترش بوده و هست.

ب - میزان مالیات هایی که در اقتصادهای غربی وصول می شود غالباً "قریب بیک چهارم کل درآمد ملی است، و این بدان معنی است که مالیات ها نه تنها از عوامل مفید فعالیت های اقتصادی اند، بلکه از عوامل مهم تعدیل کننده ثروت نیز بشمار می روند. مضافاً "بخش عمده یی از پس انداز های ملی، در بخش عمومی تشکیل می شود.

پ - رقابت آزاد بطرق مختلف، بعنوان نتیجه طبیعی برخی از عوامل فنی (هزینه های ثابت بسیار زیاد تولیدی) محدود شده است. ت - دولتها متعاقب محدود شدن رقابت آزاد، آزادی کارفرمایان را طبق قوانین ضد تراست محدود کرده اند.

ث - بخش بزرگتری از جمعیت کشور از امکانات آموزشی استفاده می کنند. در مواردی، آموزش رایگان است و در مواردی سالهای معینی اجباری است.

ج - قدرت های بازار بویژه در برخی

از بازارهای غیر ثابت مانند بازارهای کشاورزی از میان رفته یا دگرگون شده است .

چ - برنامه گذاری کم کم نقش رو به فزونی ایفا می کند . در سده نوزدهم که برنامه گذاری وجود نداشت ، بخش عمومی غالباً " تسهیلاتی مانند تسهیلات حمل و نقل بوجود می آورد . ولی امروز ، امکانات بخش عمومی برای ایجاد تسهیلات بنفع اکثریت افراد جامعه بسیار افزایش یافته است . در زمان ما طبقات کم درآمد نه تنها بر مقیاس بزرگی از تسهیلات مالیاتی برخوردار می شوند بلکه سرمایه گذاری در صنایع زیربنایی و صنایع تولید کالاهای مصرفی نیز افزایش می یابد و بالاتر از آن در مناطق دور افتاده و فقیر که سرمایه گذاری خصوصی در آنها سودآور نیست ، دولت سرمایه گذاری می کند .

ح - برخی از اشکال کنترل قیمت و دستمزد ، بعنوان وسایل مستقیم جلوگیری از تورم اخیراً در برخی از اقتصادهای " آزاد " بکار رفته است .

چهارم ، بنظر تین برگن ، بسیاری از تغییرات دو نظام ، که از آنها ذکر می میان آمد ، اقتصادهای کمونیست و آزاد را بهم نزدیک میسازد . البته این بدان معنی نیست که اختلاف های دو نظام اقتصادی کوچک است . هنوز اختلاف های بسیار بزرگی میان این دو وجود دارد . اما این اختلافها موجب توقف و مانع گرایش دو نظام به سوی هم نیست . اینک از اختلاف های مهم دو نظام یاد می کنیم :

الف - برجسته ترین اختلاف ، هنوز تفاوت اندازه بخش عمومی است . هر چند نباید از یاد برد که قدرت بخش خصوصی در کشورهای غربی ، دیگر با حجم رسمی آن متناسب نیست . جامعه های غربی قدرت این بخش را بکمک وسایل غیر مستقیم بسیاری کاهش داده اند . مثلاً ، نیمی از سود مؤسسات خصوصی بوسیله اخذ انواع مالیات ها از دسترس صاحبان آنها خارج می گردد . قسمت عمده باز مانده سود ، صرف سرمایه گذاری می شود و فقط جزء کمی به سهام اشخاص تعلق می گیرد . هم اقتصادهای غربی و هم اقتصاد کمونیست به مقیاس زیادی تحت سلطه مدیران قرار دارند . در غرب ،

سهام داران بزرگ دیگر قدرتی محسوب نمی شوند . مقررات اجتماعی نیز از جهات مختلف ، آزادی عمل کار فرمایان خصوصی را محدود می سازند . مانند مقرراتی که برای کنترل فعالیت های ساختمانی ، برنامه گذاری شهری و روستایی و نظام آنها وضع می شود . همچنین مقرراتی که جنبه کیفی دارند مانند قوانین جلوگیری از آلودگی آب و هوا .

ب - اختلاف مهم دیگر ، در میزان آزادی مدیران سازمان های اقتصادی ، در اتخاذ تصمیم های اقتصادی است . مدیران کارخانه ها و مؤسسات صنعتی در غرب ، در مقایسه با مدیران اینگونه مؤسسات در کشورهای کمونیست آزادی عمل بیشتری دارند . زیرا در کشورهای کمونیست ، هنوز میزان تولید تعداد زیادی از کالاها ، مطابق برنامه متمرکز تعیین می گردد .

پ - با اینهمه ، جریان تحولات آینده اقتصادی هر دو نظام ، در جهت برنامه گذاری پیش می رود و این امر نه تنها شامل کم و کیف تولید می شود ، بلکه تجارت خارجی را نیز در بر می گیرد .

ت - قیمت ها در کشورهای کمونیست ، خیلی بیشتر و شدیدتر از کشورهای غربی ، به صورت متمرکز کنترل می شود . و حال آنکه در کشورهای غربی غالباً " فقط تعداد کمی از قیمت های کشاورزی بطور مستقیم زیر کنترل قرار دارند . کشورهای غربی معمولاً برای تأثیر در قیمت ها از وسایل غیر مستقیم استفاده می کنند . در این میان ، رقابت از وسایل عمده است . اما حقوق و عوارض بر واردات ، و اتخاذ سیاست های پولی و شیوه های کنترل دستمزدها از وسایل تکمیلی بشمار می روند .

ث - دموکراسی صنعتی در دو گروه از کشورها با هم متفاوت است . مفهوم دموکراسی صنعتی از نظر تین برگن ، خود مختاری و شرکت کارگران یا سازمان های آنها در برخی مسائل اجتماعی در مراحل ابتدایی است . ولی در جهان کمونیست به کارگران فرصت های شرکت در مباحث مربوط به نقشه های اقتصادی مؤسسات و مصرف قسمتی از آن داده می شود . بنظر می رسد که تین برگن ، در این داوری دچار اشتباه است .

عقیده او در باره اینکه تفویض خود مختاری به کارگران در اداره سازمان های اقتصادی درست است ولی نظر او در باره اینکه سازمان های کارگری در کشورهای کمونیست بیش از کشورهای غربی در مسائل اجتماعی شرکت دارند ، مبتنی بر اشتباه محض است . در غرب سندیکای کارگری از نیرومندترین عوامل در تصمیم های اجتماعی بشمار می رود . نمونه زنده آن ، درجه نفوذ اجتماعی سندیکاهای کارگری در انگلستان و فرانسه است و گاه تا بجایی پیشروی می کنند که موجودیت حکومت ها را به خطر می اندازند . و حال آنکه در کشورهای کمونیست سندیکاهای کارگری اشکال سازمانی نمایشی اند و کوچکترین قدرت اجرایی در برابر قدرت مرکزی حزب و دولت ندارند . در این کشورها حتی حق اعتصاب وجود ندارد زیرا ظاهراً " حکومت ، حکومت کارگری است و کارگر بزیان کارگر اعتصاب نمی کند . این الفاظ در ماهیت امر یعنی حقوق اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی کارگران تغییری نمی دهد .

اما در مورد خود مختاری کارگران در اداره مؤسسات اقتصادی ، گمان نمی رود که تین برگن بتواند جز در یوگسلاوی ، در کشور کمونیست دیگری شاهد عینی بارزی در این باره نشان دهد . البته روی کاغذ ، یا احیاناً " در قوانین ممکن است شواهدی در مورد خود مختاری کارگران در اداره مؤسسات وجود داشته باشد ولی از آنجا که کشورهای کمونیست بقول خود تین برگن ، اصل مدیریت تخصصی را پذیرفته اند ، و از طرفی با توجه به نفوذ بوروکرات ها (دیوان سالاران) و تکنوکرات ها ، محال است کارگران را به حوزه مدیریت راه بدهند . بنظر می رسد این داوری تین برگن ناشی از حسن نیت و خوشبینی زیاد است .

ج - در زمینه آموزش ، در کشورهای غربی از نسبت جوانانی که بسبب فقدان امکانات مالی نمی توانند بمراحل عالی آموزشی و دانشگاهی راه یابند ، روز بروز کاسته می شود . در این کشورها به دانشجویان از راه های مختلف کمک های مالی عرضه می گردد .

چ - اختلاف در میزان پس اندازها ، اخیراً " میان کشورهای غربی و کمونیست کمتر از گذشته

شده است. در کشورهای غربی معمولاً میزان پس اندازها در حدود ۲۰ درصد درآمد ملی است ولی در ژاپن ۳۰ درصد است.

ح - با توجه به اصول تقسیم بین المللی کار و اولویت ها در طرح های مربوط به سرمایه گذاری، اختلاف های اقتصادی شرق و غرب به سرعت در حال از میان رفتن است.

پنجم، بنظر تین برگن، کشورهای کمونیست نیز با مسائل مهمی روبرو هستند یا ممکن است روبرو بشوند.

الف - چنین می نماید که ایجاد مؤسسات کوچک بصورت خصوصی به مسأله پی مبدل شده است و این سوال مطرح می گردد که آیا ایجاد سازمان های اقتصادی خصوصی، کار آیی این سازمان ها را خواهد افزود یا نه؟ در برابر، این حقیقت را هم نباید از نظر دور داشت که سازمان های دولتی موجود که بار "بوروکراسی" را بر دوش می کشند، بصورت سدی در برابر کار آیی و بازده اقتصاد در می آیند.

ب - مسأله بزرگ دیگر اینست که آیا صلاح است اختیار تصمیم گیری در باره میزان تولید مؤسسات را به مدیران آنها تفویض کرد؟ با افزایش درآمد های حقیقی در کشورهای کمونیست، گزینش مصرف کنندگان جنبه کیفی بخود خواهد گرفت در حالی که استفاده از شیوه های افزایش دة کیفیت ها برای برنامه گذاری مرکزی که در تعقیب هدف های کمی است، دشوار مینماید. از این رو، بنظر نمیرسد که اعطای آزادی به مدیران، از جنبه اقتصادی خطری در برداشته شد.

پ - این سؤال نیز مطرح می شود که آیا بهتر نیست شماره بخش های مشمول برنامه گذاری مرکزی کاهش یابد یا از میان برود تا بار سنگین سازمان های برنامه گذاری مرکزی سبک شود؟

ت - مسأله احتمالی دیگر کشورهای کمونیست مربوط به تشبیت قیمت ها است. اگر قیمت ها را در برابر کمبودها یا فراوانی های نسبی آزاد بگذارند که نوسان قیمت ها و تعادل نهایی آنها نتیجه قهری چنین آزادی است، آیا صدمه پی به هدف های برنامه گذاری وارد خواهد آمد؟ قیمت ها در هر حال در نتیجه پیشرفت های فنی و تغییراتی در نوع تولید، ناچار تغییر خواهند

کرد. تنها این سؤال می ماند که آیا بهتر است تغییرات در اختیار خریداران خصوصی باشد یا فقط در اختیار مقامات برنامه مرکزی؟ در حالی که پاسخ چندان روشن نیست، انتخاب میان این دو اجتناب ناپذیر است.

ث - سؤال بسیار اساسی که در فراسوی مسائل اقتصادی قرار دارد، امکان گسترش دموکراسی طبق تعبیر غربی است. تین برگن جواب می دهد که این مسأله در چهار چوب موضوع مورد بحث قرار ندارد.

ششم - بنظر تین برگن، مسلمانان اقتصادهای "آزاد" نیز با مسائلی روبرو خواهند شد، که می توان موارد عمده آنها را یادآور شد:

الف - آیا حجم بخش عمومی در حد صحیحی است؟ مثلاً "بنظر مفسران برجسته آمریکایی، بخش عمومی در آن کشور خیلی کوچک است و برخی از وظایفی که خاص بخش عمومی است، نادیده گرفته می شود.

در کشورهای اروپایی با آنکه مسأله باندازه آمریکا مهم نیست ولی باز پیوسته ایجاد محدودیتهای بیشتر برای درآمدها و سرمایه های خصوصی، یا افزایش مالیات های برارث موضوع بحث است، و احزاب سیاسی ناگزیر برنامه های خود را از نوازیایی می کنند.

ب - گر چه محدود کردن آزادی تصمیم مدیران اقتصادی، در کشورهای غربی مطرح نیست، ولی در برابر، برای افزایش توانایی پیش بینی های اقتصادی مدیران و تجزیه و تحلیل صحیح وضع بازار بمنظور کمک به تصمیم گیری های آنها، علاقه روز افزونی ابراز می شود.

پ - موضوع برنامه گذاری در غرب کم کم اهمیت حیاتی بخود می گیرد. دولت ها همراه احساس می کنند که باید در این باره دست به اقدام زنند. در کشورهای آسیایی برنامه گذاری عمومیت یافته است و کشورهای آمریکای لاتین نیز خواه ناخواه به نوعی برنامه گذاری متوسل می شوند.

ت - تشکیل قیمت ها و سطح عمومی قیمت ها از مسائل ویژه کشورهای غربی است و این سؤال مطرح می شود که آیا نباید دولت ها وسایل مؤثرتری برای مقابله با افزایش تورمی قیمت ها و فشار

هزینه ها ایجاد کنند؟ بکار بردن وسایل پولی و مالی، پیش از آنکه قیمت ها پایین برود، خطر بیکاری در بر دارد. مشکلات موجود سرانجام، برقراری نظام جدیدی را برای تعیین قیمت ها ایجاب خواهد کرد.

ث - فشارهای مداومی در کشورهای غربی بعمل می آید که تسهیلاتی برای آموزش گروه های بیشتری از افراد در سطوح عالی فراهم آید. برخی از پیشنهادها در جهت پرداخت دستمزد به دانشجویان است.

ج - دموکراسی صنعتی نیز یک مسأله غیر قابل حل است. کوشش هایی که تا کنون در کشورهای اروپای غربی بعمل آمده است از کشوری به کشور دیگر فرق می کند، ولی هیچیک چندان رضایت بخش نیست.

هفتم، بنظر تین برگن تصویری که از مسائل موجود داده شد نشان می دهد که هم کشورهای کمونیست و هم کشورهای "آزاد" مجبورند مسائل خود را حل کنند.

گذشته از این، این تصویر گواه آنست که در این کشور ها ممکن است تمایلات بیشتری برای یک نهضت گرایش به هم وجود داشته باشد. تعیین حدود عدم تمرکز در تصمیم گیری های تولیدی و برنامه گذاری و موضوع تعیین یک نظام قیمت ها در مرکز این مسائل قرار دارد. در غرب، هم درآمد مالکیت و هم آزادی اتخاذ تصمیم بمیزان زیادی محدود شده است و این جریان ممکن است ادامه یابد.

در اینجا این سؤال پیش می آید که نقش علم اقتصاد در باره امکانات گرایشی تا چه حد خواهد بود زیرا تاکنون عوامل غیر اقتصادی نیز در این گرایش ها مؤثر بوده اند. آیا ملاحظات اقتصادی، هم برای کمونیست ها و هم برای آمریکا مهم تر است؟

علم اقتصاد میتواند به تأمین رفاه اجتماعی کمک کند. تین برگن معتقد است که دفاع از اقتصاد آزاد بسبب امتیاز آن در برقراری یک نظام قیمت های مطلوب اشتباه است. زیرا یک نظام قیمت گذاری تحت کنترل دولت، بخوبی مکانیسم بازار مبتنی بر رقابت آزاد، قابل استقرار است. اقتضای دیگر اقتصاد رفاه اجتماعی اینست

که قیمت‌ها باید برابر هزینه‌های نهایی باشند، این بدان معنی است که برای آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی که مستلزم هزینه‌های ثابت زیاد و ظرفیت فنی افزون‌تر است، مؤسسات خصوصی اقتصادی نمیتوانند بر اساس این مقتضیات منجر به پیدایش اقتصاد رفاه اجتماعی شوند. حتی چنانچه دو نظام قیمت گذاری قبول شود، یعنی هم نظام آزاد و هم نظام کنترل شده از طرف دولت، باز به مسأله دیگری یعنی کارآیی و بازده مؤسسات خصوصی پیش می‌آید. ترکیب دو نظام ممکن است به فوق انحصار مبدل شود. از اینرو بنظر تین برگن شاید اجتماعی کردن این مؤسسات بهترین راه حل باشد. در کشورهای اروپای غربی، فعالیت‌هایی که مستقیماً با منافع عمومی سرو کار دارند مانند فعالیت‌های مؤسسات حمل و نقل (راه‌آهن، و خطوط هوایی)، احداث شاهراهها و آموزش، اجتماعی شده‌اند و حال ترجیح دارد که اجتماعی کردن فولاد و ذغال و سایر انواع حمل و نقل نیز بر آنها اضافه شوند.

تین برگن در مورد مالیات‌ها عقیده دارد که اخذ مالیات‌ها باید بصورت شکلی از توزیع درآمدها درآید. مالیات‌های بر ثروت سر مشق خوبی در این باره میتواند باشد. تمایل باتخاذ چنین سیاست‌های مالیاتی ممکن است منجر به پیدایش نظام‌های مختلفی شود که در آن نقش مالکیت و میزان ثروت‌های شخصی شاید بیش از امروز کاهش یابد. این امر نشانی از قبول عدم تمرکز بیشتر در فعالیت‌های مستلزم هزینه‌های ثابت یا رو به فزون را در بر دارد.

۸- تین برگن می‌نویسد برخی برآنند که حد مطلوب مبتنی بر اعتدال وجود ندارد و میانه‌روی به روش‌های افراطی خواهد انجامید. وقتی از تشکیل قیمت‌ها بر حسب طبیعت بازار آزاد انحراف شود بتدریج کار به کنترل تمامی اقتصاد خواهد انجامید. چنین اعتقادی موضوع تباعد و دوری دو نظام از یکدیگر را پیش می‌آورد تا همگرایی آنها. ولی بنظر تین برگن کنترل قسمتی از قیمت‌ها بوسیله دولت الزاماً "رواج و پویایی بازار را از میان نمی‌برد چنانکه در زمان جنگ وقتی در برخی از رشته‌ها جیره بندی و کنترل قیمت‌ها برقرار می‌شود، یا سیاست مداخلاتی دولت در

هنگام بروز بحران‌های اقتصادی، مکانیسم همه بازارهای آزاد را از کار نمی‌اندازد. این معنی در مورد برنامه‌گذاری نیز صدق می‌کند. چنانکه برنامه‌گذاری در بخش‌های عمده اقتصاد، برنامه‌گذاری تفصیلی را الزامی نمی‌کند. با اینوصف تین برگن اذعان دارد که هنوز نمی‌توان بطور قطع وضع مطلوب را مشخص ساخت و بتوان گفت که شرق و غرب در کوشش برای رسیدن بیک "رفاه اجتماعی در سطح عالی" کی و چگونه همدیگر را "ملاقات" خواهند کرد؟

۹- تین برگن در پایان توجه خود را به کشورهای "غیر متعهد" معطوف می‌دارد و ضمن اینکه معنی عدم تعهد را نداشتن تعهد در برابر دوسیستم افراطی جهان می‌داند می‌افزاید که بحکم ضرورت‌ها و ضعف بخش خصوصی، در این کشورها بخش عمومی نقش فعالی بر عهده دارد گروهی از کشورهای غیر متعهد نیازهای اقتصادی فوری دارند.

تین برگن متذکر می‌گردد که کشورهای نو صنعت برای رشد اقتصادی، به هر دو نظام بزرگ کنونی جهان چشم دوخته‌اند تا از آنها تجربه‌هایی بیاموزند. آنها بیشتر به رشد سریع اقتصادی علاقمندند تا مسائلی نظیر دموکراسی پارلمانی. زیرا آنها هرگز دارای چنین دموکراسی نبوده‌اند. از این رو نمونه کمونیسم که خود از امنیت آزادی سیاسی و دموکراسی پارلمانی محروم است، بیشتر توجه آنها را جلب می‌کند. در این کشورها برنامه‌گذاری از حرمت زیادی برخوردار است. سازمان‌های دولتی بیشتر در زمینه‌هایی فعالیت دارند که سازمان‌های خصوصی آنها را نادیده گرفته‌اند. بنظر تین برگن در این کشورها علاقه به مداخله دولت در تعیین قیمت نیز قابل فهم است. زیرا این کشورها غالباً "با بازارهایی سروکار دارند که عدم ثبات خلصت ذاتی آنها است. در این کشورها، کوشش برای بوجود آوردن ترکیبی از خواص مثبت کمونیسم و اقتصادهای آزاد، طبیعی و منطقی بنظر می‌رسد. از این رو، این کشورها شاید بصورت میدان‌های آزمایش برای رژیم‌های اقتصادی درآیند.

امکان دارد که این کشورها از لحاظ فنی، از مرحله خاصی از توسعه بسوی رشد جهش‌کنند

و یکباره بهترین راه حل‌ها را مورد استفاده قرار دهند. غرب باید با علاقه خاصی تحولات اقتصادی و اجتماعی این کشورها را دنبال کند.

مقاله تین برگن که مبانی اصلی نظریه همگرایی را برای نخستین بار مطرح ساخته است از این امتیاز اضافی برخوردار است که نقطه عطف نظرات همگرایی بعدی است. اکنون پس از گذشت بیش از دوازده سال، پیش بینی‌ها و اصول مورد استناد تین برگن، همچنان در کانون مباحث اقتصادی قرار دارد و در نتیجه نظریه همگرایی راه تکامل پیموده است.

پیش از تشریح نظریه‌های جدید همگرایی بجا است یادآور شویم مبانی شرایط اقتصادی که اکنون منجر به پیدایش تمایلات گرایشی، چه عینی و چه نظری در دو نظام شده است، در حقیقت با تجربه نظرات اقتصادی کینز که موجد تحولات بنیانی در اقتصاد جوامع غربی است آغاز گردیده است. از این رو اشاره کوتاهی به عقاید کینز و همچنین فرانسوا پرو اقتصاددان برجسته فرانسوی که در همان چهار چوب و حتی خارج از آن عقاید اساسی تازه‌یسی ابراز داشته است، مناسب خواهد بود.

بخش دوم: کینز و اقتصاد سرمایه‌داری

از نظر ترتیب زمانی قاعده "مبایست نظریه عمومی کینز و تاثیر آن در اقتصاد سرمایه‌داری پیش از بیان نظریه همگرایی تین برگن شرح داده شود. ولی از آنجا که قصد ما نگارش تاریخ عقاید اقتصادی نیست، لذا آنچه ما را به بیان مختصر نظرات کینز واداشت همان توضیح نظریه همگرایی تین برگن است. زیرا چنانچه اقتصاد سرمایه‌داری در جهتی که کینز و همفکران او می‌خواستند سیر نمی‌کرد، هرگز پایه‌های عینی همگرایی و در نتیجه نظریه پردازی درباره آن بوجود نمی‌آمد. از این رو باید دید که برپایه چه عقایدی، اقتصاد سرمایه‌داری ناگهان از چهار چوب مفروض اقتصاددانان کلاسیک خارج شد و بصورتی درآمد که با یک نظام افراطی مشابهت‌هایی یافت. کینز اصول عقاید خود را در کتابی که در سال ۱۹۳۵ بنام "نظریه عمومی، بهره و پول

واشتغال" نوشت بیان داشت. درباره این کتاب خود کینز در نامه‌ای بعنوان جرج برناردشاو چنین داوری کرده است: "...ایمان دارم کتابی را در زمینه نظریه‌های اقتصادی می‌نویسم که موجب انقلاب فکری بزرگی خواهد شد و تصور می‌کنم که این انقلاب یکباره روی نخواهد داد، بلکه در ده سال آینده صورت خواهد گرفت. انقلابی در شیوه اقتصادی جهان."

نظریه عمومی کینز، و اصول جدیدی که او و پیروانش وضع کردند، و سیاست جلوگیری از کساد و بحران را مشخص ساختند، اقتصاد ناشی از بحران بزرگ را بهبود بخشید که بدون گفتگو، حادثه‌ترین مسأله کشورهای سرمایه‌داری بود.

محور اصلی نظریه عمومی اینست که سرمایه‌داری ذاتاً یک نظام غیر ثابت است، زیرا هیچ‌گونه مکانیسم خود بخودی در طبیعت آن نیست که مطمئن دهد که همه کالاهای تولید شده در حالت اشتغال کامل فروخته خواهند شد. در یک کشور سرمایه‌داری صنعتی، میلیون‌ها خانوار، خریدار کالاهای مصرفی‌اند و هزاران کارفرما و سرمایه‌دار خریدار کالاهای تأسیساتی یا مولد مانند ماشین آلات و ساختمان هستند. برای اینکه اشتغال کامل امکان چنین خریدهایی را میسر می‌سازد و طبق اصطلاح کینز تقاضای مؤثر را برقرار کند، بایستی میزان درآمدها جوابگوی عرضه باشد. اگر میلیون‌ها خریدار، از میزان خرید خود، بنا بر عوامل ناشی از طبیعت سرمایه‌داری، بکاهند، مؤسسات تولیدی لاجرم برای جلوگیری از زیان، تولید را خواهند کاست و به اخراج کارگران خواهند پرداخت. اگر میلیون‌ها خریدار بیش از میزان طبیعی تولید خرید کنند در آن صورت همه افراد و ماشین آلات تولیدی در حالت اشتغال کامل خواهند بود و قیمت‌ها افزایش خواهند یافت. در اینجا تقاضای مؤثر اهمیت می‌یابد و نظریه عمومی کینز بیشتر بر محور تجزیه و تحلیل کلی تقاضای مؤثر دور می‌زند. چه عاملی در میزان خرید دو گروه خرید کالاهای مصرفی و مولد مؤثر است و چرا تقاضای مؤثر کل پیوسته نوسان می‌کند و به موازات آن، درآمد ملی، میزان تولید و اشتغال هم نوسان می‌یابد؟ بنظر کینز، میزان خرید کالاهای مصرفی در شرایط

عادی تقریباً ثابت است و به میزان دستمزدهای جاری و درآمد ها بستگی دارد. برعکس، خرید کالاهای مولد مانند کارخانه‌های جدید و ابزار و تجهیزات آنها، میزان سرمایه‌گذاری خالص که ظرفیت تولید را بالا می‌برد، ثابت نیست. اگر مثلاً "در سال جاری مؤسسات اقتصادی نتوانند میزان تولید کارخانه یعنی کالاهای قابل عرضه خود را بفروشند سال دیگر برای افزایش سرمایه‌گذاری اقدامی نخواهند کرد.

تأکید کینز اینست که سرمایه‌گذاری‌های خصوصی در زمینه وسایل تولید و ایجاد کارخانه و تجهیزات جدید ذاتاً "غیر ثابت‌اند و درآمد افرادی که در صنایع مولد ابزارهای ماشینی کار می‌کنند هنگام کاهش شدید سرمایه‌گذاری‌های خصوصی در این بخش کاهش خواهد یافت که تقلیل مصرف خانوادگی نتیجه طبیعی آنست. این امر به کم شدن فروش و تقاضا منجر می‌گردد و گذشته از آن سطح اشتغال در صنایع مولد مواد غذایی، لوازم خانگی، البسه، اتومبیل و سایر کالاهای مصرفی پایین می‌آید که نتیجه آن کساد یا آثار مضاعف خواهد بود.

سیاست کینز اینست که دولت باید به قطع مالیات‌ها، ازدیاد هزینه‌ها و تغییر کمیت پول در گردش و نرخ بهره اقدام ورزد تا جایی که مطمئن باشد تقاضای مؤثر کل برای کالاهای قابل عرضه و خدمات بمنظور اشتغال کامل کافی است. دولت میتواند با تغییر نرخ مالیات‌ها و بهره در میزان مصرف عمومی و سرمایه‌گذاری خصوصی تأثیر گذارد و می‌تواند با افزایش هزینه‌های خود در زمینه تأمین رفاه اجتماعی و خدمات عمومی (از قبیل آموزش و بهداشت) و با ازدیاد سرمایه اجتماعی (با احداث راه‌ها و مساکن) بی آنکه از بودجه نامتعادل نگران باشد، رونق اقتصادی را باز گرداند.

"جرج دالتون" می‌نویسد این موضوع که چرا از کینز غالباً بعنوان بزرگترین اقتصاددان قرن نام برده می‌شود قابل فهم است. زیرا در سال ۱۹۳۶ بسیاری از اقتصاددانان با کینز هم عقیده بودند که دوران ریاضت اقتصادی که از سال ۱۹۳۵ شروع شد غیر قابل تحمل است و چنانچه ریاضت ادامه یابد شاید دموکراسی‌های غربی

نتوانند به حیات خود ادامه دهند. عقاید کینز در رفع این ریاضت تأثیر بسزایی داشت. عقاید کینز، نظر اقتصاددانان چپ غیر کمونیست را در انگلستان و آمریکا توجیه کرد که می‌خواستند دولت در مورد سیاست مالیاتی و افزایش هزینه‌های دولتی از قدرت خود استفاده کند، از عدم تساوی در توزیع درآمد ها بکاهد و دامنه خدمات مربوط به رفاه اجتماعی را گسترش دهد. همه اینها منطبق با نظریه عمومی کینز بود و باز طبق نظر کینز توزیع درآمدها بنفع افراد کم درآمد و فقیر هزینه‌های مصرفی را افزایش داد و شرایط مطلوبی برای تقاضای مؤثر بوجود آورد.

بی سبب نیست که "مایکل استوارت" می‌نویسد: "کینز تنها یک اقتصاددان و آکادمیسین برجسته نبود، بلکه از مزیت تجربه‌های بزرگ عملی در مسائل اقتصادی و سیاسی جهان واقعیت نیز برخوردار بود."

نظرات کینز مبتنی بر پیش‌بینی اقتصادی، تأثیر نرخ بهره پول در پس‌انداز، و آثار تلاقی عرضه و تقاضای نقدینه‌ها در نرخ بهره، تقسیم درآمد بین مصرف و پس‌انداز و اختصاص پس‌انداز به سرمایه‌گذاری کینز است. کینز در بیان شرایط تعادل و اشتغال کامل، به تفکیک وسایل تولید کالاهای مصرفی، و وسایل مولد و تأسیساتی می‌پردازد. و بر خلاف کلاسیک‌ها که تعادل را حاصل هزینه‌های تولید بصورت بهای عناصر تولید مانند دستمزدها، اجاره، بهره و عواید دیگر می‌دانستند، تعادل را نتیجه تقاضای مؤثر می‌داند که از تلاقی منحنی عرضه و تقاضا بوجود می‌آید. با اینوصف کینز در شرایط تقاضای مؤثر نیز تعادل اشتغال کامل را بعلت عدم امکان جذب کل نیروی کار جامعه میسر نمیداند.

کینز بر خلاف کلاسیک‌ها که پس‌انداز را تابع بهره میدانستند عقیده دارد پس‌انداز‌ها باقیمانده مصرف از درآمد یعنی تابع درآمد است و "...اضافه می‌کند که در هر جامعه میل به مصرف در کوتاه مدت، یعنی زمانی که ساختمان تولید را ثابت فرض کنیم ثابت است، در این صورت در تغییرات درآمد و وقتی درآمد افزایش یابد مصرف افزایش می‌یابد ولی به نسبت کمتری، و چون پس‌انداز بازمانده مصرف از درآمد است، لذا در موقع ترقی درآمد پس‌انداز افزایش می‌یابد ولی

به نسبت بیشتری، البته این تغییرات در واقعی که درآمد کاهش می یابد در جهت عکس نیز صادق است. بدین معنی که وقتی درآمد کاهش یابد مصرف کاهش می یابد، ولی به نسبت کمتری و پس انداز که باز مانده مصرف از درآمد است کاهش می یابد ولی به نسبت بیشتری " ۸۰

کینز با این بیان رابطه پس انداز و درآمد و رابطه درآمد و سرمایه گذاری را در رشد اقتصادی بازگو می کند و معتقد است که سرمایه گذاری در رابطه با درآمد، تابع سودآوری نهایی سرمایه و نرخ بهره است و مهم آنکه هر سرمایه گذاری چندین برابر خود درآمد ملی را افزایش میدهد که آن را "ضریب سرمایه گذاری" می خواند. کینز آنگاه شرایط تعادل اقتصادی و اشتغال ناقص، و اشتغال کامل را بیان می دارد و اشتغال کامل را در مورد کالاهای سرمایه یی و مولد دشوار می داند. کینز به اهمیت تورم نیز در جامعه سرمایه داری توجه دقیقی مبذول میدارد و معتقد است که تورم حاصل افزایش درآمدهای پولی نسبت به درآمدهای حقیقی است و چاره آن تشویق پس اندازها، پس انداز اجباری و افزایش مالیات ها است درست بر عکس سیاستی که در موقع بحران باید اتخاذ شود.

غرض ما بیان تفصیلی عقاید کینز نیست بلکه تذکار این حقیقت است که کینز با عقاید خود نقش عامل دولت را در اقتصاد افزایش داد که عامل ازدیاد اندازه بخش عمومی و مقدمی برای اقتصاد برنامه یی است. یعنی کینز و همفکرانش، راه جدیدی را بروی تکامل سرمایه داری گشوده اند که کم کم آن را از صورت سرمایه داری به مفهوم کلاسیک آن خارج می سازد و بصورتی در می آورد که ابتدا تین برگن و بعد اقتصاددانان دیگر، شباهت هایی بین دو نظام که تا کنون در دو قطب مخالف هم قرار داشتند، مشاهده می کنند و بالاتر از آن در درون آنها، توجه خود را به عوامل ذاتی گرایش معطوف می دارند.

گذشته از این، عقاید کینز سرآغاز تحلیل های اقتصادی جدید، و تحلیل های پویای اقتصاددانان امروز است، که علم اقتصاد را در جامعه های کنونی مکان شایسته یی بخشیده است و همین تحلیل ها بویژه براساس استفاده از شیوه های ریاضی بود که مقاومت ایدئولوژیک جامعه های سوسیالیست را در

برابر علم اقتصاد که آن را یک علم نمی شناختند درهم شکست و نشان داد که بخلاف تصور مارکسیستی، ماتریالیسم تاریخی همه مسائل اقتصادی و اجتماعی جامعه بشری را توضیح نمی دهد و امروزه، علم اقتصاد و دانش جامعه شناسی در کنار علوم جدیدی قرار گرفته است که مولود ضرورت های عصر صنعتی جدید است.

بخش سوم: کینز و سرمایه داری از دیدۀ فرانسوا پرو

فرانسوا پرو اقتصاددان مشهور و برجسته فرانسوی بعد از کینز، علم اقتصاد را بر پایه اصول جدیدی قرار داده است. تفاوت اصلی عقاید کینز و پرو در این است که محور اصلی نظریه کینز اشتغال است ولی تأکید پرو بر توسعه اقتصادی است و عقیده دارد که اشتغال و حتی افزایش درآمد ملی دلیل توسعه اقتصادی نیست. زیرا بعلت عدم هم آهنگی و تجانس میان عوامل اقتصادی ممکن است از منابع جامعه با اقتصادی ترین شیوه صنعتی معاصر استفاده نشود و از این رو پرو بجای تعادل اشتغال، بر تعادل رشد تکیه می کند.

پرو با قبول قسمتی از نظریه عمومی کینز و نبوغ اقتصادی او معتقد است که نظریه کینز عمومی نیست زیرا اولاً ملاحظات عینی کینز به چهارچوب سرمایه داری صنعتی در دوران بحران و زمان و مکان خاصی محدود بوده است. ثانیاً "ابزاری که کینز در مورد کشورهای صنعتی بکار می برد مانند میل به پس انداز مصرف و سرمایه گذاری، در جامعه های عقب مانده تابع قواعدی نیست که در کشورهای صنعتی دیده می شود.

یکی دیگر از موارد انتقاد پرو، ضریب سرمایه گذاری کینز است. چنانکه دیدیم براساس این ضریب مقدار معینی سرمایه گذاری، چندین برابر میزان خود، درآمد ملی را افزایش می دهد و افزایش درآمد ملی برابر افزایش تولید، خاصیت برهم افزایی دارد. یعنی افزایش تولید، درآمد افراد جامعه را بالا میبرد. افزایش درآمد افراد، بمعنی ازدیاد قدرت خرید مردم است که در بازار عرضه کالا بر میزان تقاضا اثر مثبت می گذارد. افزایش تقاضای کالاهای مصرفی، از یک طرف بر تقاضای وسایل تولید کالاهای مصرفی، و از طرف دیگر بر تقاضای وسایل تولید تأسیساتی می افزاید

و این بمعنی افزایش حجم سرمایه گذاری است که بصورت هزینه مؤسسات اقتصادی مجدداً "درآمد" افراد را بالا می برد و افزایش درآمدها باعث ازدیاد هزینه های مصرفی افراد و گسترش تقاضا برای کالاهای جدید و فزونی حجم سرمایه گذاری می گردد و این جریان اقتصادی مفید همچنان ادامه می یابد مگر اینکه با عوامل باز دارنده یی روبرو شود. در اینجا فرانسوا پرو می گوید که ضریب سرمایه گذاری در کشورهای صنعتی پیشرفته شاید بتواند نقش مورد نظر کینز را ایفا کند ولی در مورد کشورهای توسعه نیافته صادق نیست. زیرا پرو با توجه به خصایصی که برای کشورهای عقب افتاده و مرحله توسعه نیافتگی قائل است عقیده دارد ضریب سرمایه گذاری ممکن است پیش از آنکه بتواند نقش بر هم افزایی خود را ایفا کند متوقف شود و کمکی به توسعه اقتصادی کشور عقب افتاده نکند. زیرا از نظر پرو توسعه اقتصادی با خصایص روحی، اخلاقی، سنن، تجانس عوامل تولید، داشتن اطلاعات آماری، جامعیت و شبکه توزیع و تجاری رابطه مستقیم دارد.

نظریه مهم دیگر پرو اینست که مؤسسات اقتصادی قدرت یکسانی ندارند و برخی از آنها برخی دیگر را تحت سلطه خود قرار می دهند از این رو در قلمرو جامعه ملی یک اقتصاد مسلط و یک اقتصاد تابع بوجود می آید. این وضع به تبعیت از بین المللی نیز تسری پیدا می کند و گروهی از کشورهای صاحب قدرت در وضع اقتصادی مسلط و گروهی در وضع تابع قرار می گیرند. در حقیقت فرانسوا پرو با این نظریه ناهمسانی ها و بی عدالتی های موجود اقتصادی در جهان امروز و عبارت دیگر مسأله استعمار و استثمار را توضیح می دهد بویژه آنکه پرو توجه خود را بیشتر به اقتصاد کشورهای توسعه نیافته معطوف می دارد (باید افزود که طبق نظر پرو، همه کشورها در حال توسعه اند منتهی توسعه واجد مراحلی است که میان عقب ماندگی تا پیشرفتگی قرار دارد.) با این توضیح پرو استقلال سیاسی را دلیل داشتن استقلال اقتصادی نمی داند.

عقیده قابل توجه دیگر پرو اینست که توسعه اقتصادی در مناطق مختلف بیک نسبت نیست. و عواملی باعث می شود که منطقه یی کانون ترقی گردد و مناطق دیگر

را تحت الشعاع خود قرار دهد و مانع ترقی آنها گردد. بهر حال، نظرات فرانسوا پروتو تصویر دیگری از جهان غیر کمونیست بدست می دهد که مکمل مطالعه ما است؟

بخش چهارم: گالبریت و جامعه صنعتی جدید

یکی دیگر از اقتصاددانان کنونی که به تحلیل جامعه صنعتی پیشرفته غربی پرداخته، پروفسور "گالبریت" استاد دانشگاه هاروارد است که در آخرین اثر خود بنام "جامعه صنعتی جدید" نظرات قابل توجهی درباره مختصات سرمایه داری پیشرفته کنونی ابراز داشته است که نقل نکات برجسته آن، ما را به نتیجه گیری از مبحث "همگرایی سوسیالیسم و سرمایه داری" نزدیکتر می سازد:

۱- سرمایه داری سده بیستم و عصر صنعت جدید دیگر سرمایه داری گذشته نیست و بر اثر نیروهای داخلی و ذاتی آن در جهت تکامل و حل تضادها و مسائل خاص خویش است. خصلت عمده سرمایه داری جدید که بهتر است آن را نظام دولت یا جامعه صنعتی جدید دانست وجود شرکت های سهامی عظیم است که باعث عدم تمرکز مالکیت از یک سو و اجتناب از عوارض مالکیت اشتراکی و زیان "عدم احساس مالکیت فردی" از سوی دیگر می گردد. بر این شرکت های سهامی، دیگر، سرمایه داران تسلط ندارند، بلکه یک سازمان یا واحد فنی مرکب از مدیران، مهندسان و تکنیسین ها بر آن ها حکومت می کنند، که علت وجودی آن مدیریت تخصصی و دانش نظری و تجربی عناصر تشکیل دهنده آنست. ولی این امر بر حفظ منافع سهام داران اولویت نمی دهد زیرا ساختمان فنی یا عنصر مدیریت، قبل از همه به حفظ موجودیت شرکت و تأمین استقلال و افزایش فروش تولیدات آن می اندیشد و برای این منظور از فنون جدید تبلیغات و نفوذ در تمایلات مصرف کنندگان استفاده می کند که در هر حال نتیجه نهایی این شیوه مدیریت افزایش منافع سرمایه داران است. "شومپتر" نیز پیدایش شرکت های سهامی را از جنبه های مثبت سرمایه داری میدانند و معتقد است که با وجود آمدن شرکت های سهامی، دموکراسی اقتصادی بوجود آمده است که دموکراسی پارلمانی را تکمیل می کند.

۲- ورود مدیران، مهندسان، و افزایش تولید باشد.

تکنیسین ها به عرصه مدیریت اقتصادی، بجای سرمایه داران باعث افزایش نقش تخصص و دانش نظری و تجربی و کاهش نسبی نقش سرمایه است. ۳- خصیصه مهم دیگر نظام صنعتی جدید تقسیم قدرت است. از این رو مدیران، مانند سرمایه داران دارای قدرت سیاسی نیستند، برعکس قدرت سیاسی بیشتر در اختیار سندیکارهای کارگری و احزاب است هر چند دولت بعنوان یک قدرت برتر و فائده، قدرت های دیگر را خنثی می سازد و در نتیجه قدرت سیاسی در جامعه تقسیم و متعادل می گردد. این اصل که مالکیت و تسلط و نفوذ در جامعه صنعتی سرمایه داری از هم تفکیک شده اند، همچنان بصورت قانون زنده و مشهود باقی است.

۴- خاصیت اصلی نظام جدید صنعتی، تولید زیاد و ایجاد خدمات جدید است. این سیستم فقر را از میان می برد و زحمت کار پیدی و جسمی را می کاهد. یا بقول پروفسور "کلارک کر" در کتاب "مارشال و مارکس و عصر جدید، اجتماع چندی بعدی" ۸۰ وارد "اجتماع درونی" ۹ نمی شوند. و یا واجد شرایط برای کار کردن در این نظام نیستند.

۵- بنظر گالبریت اگر بنا است نظام اقتصادی، خود را با خواست های بشر تطبیق دهد، لازم است بشر نیز نیازهای خود را با این نظام منطبق سازد. یکی از وسایل تطبیق نظام اقتصادی با خواست های بشر، برنامه ریزی است. برنامه ریزی لازم نظام صنعتی پیچیده امروزی است که این نظام صنعتی در آمریکا به اوج رسیده است. همچنین برنامه ریزی مستلزم سرمایه گذاری کلان است. هدف ذاتی برنامه گذاری اینست که اعمال غیر آگاهانه بشر را تحت کنترل آگاهانه درآورد. از نتایج مهم چنین کنترلی تأمین اجتماعی و بسیج مردان و زنان برای تلاش نامحدود در راه این هدف است.

۶- در اجتماع صنعتی هر گونه موفقیت و رشد، با افزایش تولید اندازه گیری می شود. گر چه افزایش تولید هدف عمده برنامه گذاری اقتصادی است ولی هدف اساسی از کنترل آگاهانه بشر در نظام صنعتی جدید نباید محدود به ۷- نظام جدید سرمایه داری، تا حدود سرمایه داران را در قلمرو برنامه گذاری، زیر کنترل خود درآورده است و در دراز مدت، دولت را نیز تحت نفوذ قرار داده است. زیرا طبق احکام حیاتی نظام جدید، تنظیم تقاضای کل جامعه، گسترش بخش غیر خصوصی که لازمه تنظیم کل و حفظ آن در سطح مورد نظر است، تعهد مصرف هزینه های زیاد در راه نظام صنعتی پیشرفته، تربیت نیروی انسانی آموزش دیده، از اولویت های جامعه های صنعتی کنونی بشمار می روند.

۸- میان ساختمان یا واحد فنی مرکب از مدیران، مهندسان و تکنیسین ها و هدف های ملی که دفاع ملی عمده ترین آنها است، رابطه مستقیمی بوجود آمده است. واحدهای اقتصادی و تولیدی در چهار چوب ساختمان فنی موجود طرح های رشد و گسترش تولید خود را لاجرم با نیاز های دولت تطبیق می دهند زیرا دولت بصورت خریدار عمده درآمده است. از طرفی این واحدها، باید طرح های تولیدی خود را با حجم تولیدات دولتی نیز که بخش عمده بی از تولید کل را تشکیل میدهد، تطبیق دهند و در عمل چنین انطباقی بوجود آید.

۹- نیازهای فنی، سازمانی، و برنامه گذاری سازمان صنعتی جامعه باعث پیدا شدن عناصر و حوزه های علمی و فرهنگی بزرگی می گردد و از طرفی افزایش درآمد افراد در فراسوی جامعه صنعتی، یک جامعه هنری و روشنفکری پرورش می دهد.

۱۰- این امر صحیح است که تضاد منافع سندیکارها، وام دهندگان و وام گیرندگان، صادر کنندگان و وارد کنندگان، تضاد شهرها و روستاها، مصرف کنندگان و تولید کنندگان، و کارفرمایان و پرولتاریا بر مخاصمات سیاسی در یک جامعه پیشرفته صنعتی مانند آمریکا دامن می زند. ولی خاصیت ذاتی چنین جامعه ای ایجاد راه حل و سنتز در برابر خصومت های سیاسی است که بیشتر با وسایل مسالمت آمیز بدست می آید. بعبارت دیگر، نظام صنعتی جدید اختلاف های طبقاتی را در چهار چوب خود حل می کند. یعنی از

طریق اعتقاد به ضرورت کنترل، تضادهای طبقاتی را به حداقل می رساند. از این رو هدف های نظام صنعتی، هدف همه افراد و عناصری می-شود که به آن وابستگی دارند و بنابراین هدف های نظام صنعتی، بصورت هدف های اصیل اجتماع درمی آید و نظریه مارکس مبنی بر انهدام قهری سرمایه داری باین بست مواجه می شود.

۱۱- در گذشته، اختلاف های موجود میان منافع اقتصادی افراد و سازمان های سیاسی مهم از آنها موجب انتقادهای تند از نظام اقتصادی و هدف های آن می شد. امروز با آنکه در جامعه های صنعتی غربی راه انتقاد بیش از گذشته باز است ولی نظام صنعتی جدید میان هدف های خود و هدف های اجتماعی فرقی قائل نیست و هر دو را یکی می داند و این هدف ها را پیوسته با نیازهای خود هم آهنگ می کند. این خصلت درخشان ذاتی نظام صنعتی است که هدف های خود را بر اساس نیازهای اجتماعی معین می کند. البته این بمعنی نفی ضرورت یک قدرت سیاسی برای اجرای هدف هایی که در خارج از قلمرو هدف های نظام صنعتی قرار دارد نیست. مثلا اجرای هدف هایی مانند هدف های هنری و زیبایی شناسی بر عهده دولت و روشنفکران محول می-شود. آمادگی روشنفکران برای چنین خدمتی به خاطر خود و هدف های هنری خواهد بود نه برای خدمت بهتر جهت نظام صنعتی.

۱۲- نظام صنعتی خود بخود قادر نیست میان تقاضا و قدرت خرید و ظرفیت تولید تعادل ایجاد کند و در اینجا است که مداخله دولت بیش از پیش ضرورت مییابد. ولی روند تکاملی نظام صنعتی در جهت همسانی هدف های خود با مقاصد دولت و نیازهای اجتماعی است. در آینده فاصله بی میان این دو نخواهد بود. اگر همه افراد جامعه ایمان داشته باشند که هدف های نظام صنعتی مانند گسترش تولید، افزایش متعادل

مصرف، پیشرفت های صنعتی و تقویت احساس اولویت منافع عمومی، می توانند با زندگی فردی و اجتماعی انطباق یابند. آنگاه زندگی افراد جامعه در خدمت این هدف ها قرار خواهد گرفت، نیازها بر حسب نیازهای نظام صنعتی منطبق تنظیم خواهد شد، سیاست دولت زیر نفوذ این نیازها

قرار خواهد گرفت، آموزش با نیاز صنعتی منطبق خواهد گشت، و انضباط لازمه صنعتی بصورت اخلاق اجتماعی در خواهد آمد. از طرفی روحیه دولت و موقعیت قانونی آن برای تنفیذ ویژگی های این اخلاق اجتماعی تقویت خواهد شد. بعبارت دیگر هرگاه نظام صنعتی فقط به هدف های اقتصادی تکیه کند، آنگاه طبیعی است که این نظام بر دولت تسلط می یابد و دولت هم به هدف های آن خدمت می کند. اما اگر هدف های مهم دیگری در میان باشد، در آن صورت، نظام صنعتی، در چهار چوب نظام کلی اجتماع، در جای خود قرار خواهد گرفت و بصورت یکی از عوامل دولت در خواهد آمد که در برابر هدف های بزرگ تر اجتماعی واکنش مثبتی نشان دهد. بنابراین، امکانات رستگاری وجود دارد و نظام صنعتی، علیرغم اولویتی که بر اقتصاد قائل است، مطلوب روشنفکران است.

پس، از نظر گالبریت، نظام جدید سرمایه داری، بر حسب مکانیسم های ذاتی، خود در حال حل مسائلی است که پیوسته با آن روبرو می شود یعنی راه طبیعی کمالی خود را طی می-کند و سرنوشتی شوم، آنچنانکه مارکسیسم کلاسیک پیش بینی کرده بود در پیش روی ندارد. تکامل طبیعی نظام صنعتی جدید از راه های مسالمت آمیز صورت می گیرد و انواع تضادها، حتی خصومت های طبقاتی را در درون خود از بین می-برد. چنین نظامی آزادی و لیبرالیسم سیاسی را فدای هدف های اقتصادی و برنامه گذاری نمی کند و برنامه گذاری که مشابهت اصلی این نظام با نظام کمونیست است، را برای مداخله دولت و توزیع عادلانه درآمدها و ایجاد تساوی فرصت ها باز می کند. افزایش نقش دولت، حجم بخش عمومی را نیز می افزاید و از این رو شباهت های دو نظام را بیکدیگر که مظاهر همگرایی است، بیشتر می سازد.

بخش پنجم: نشانه های جدید همگرایی

گفتم که نظریه همگرایی را برای نخستین بار "تین برگن" در سال ۱۹۶۱ مطرح ساخت. از آن هنگام فکرتین برگن مورد توجه اقتصاددانان

قرار گرفته است و بسیاری از اقتصاددانان غربی مانند آرون ۱۵، گالبریت، شلرینگر ۱۱ و رانگل ۱۲ تعدادی از اقتصاددانان سوسیالیست مانند برگل ۱۳ و بوتنکو ۱۴، دالین ۱۵ و غیره نظراتی به هواداری حقیقت فکر همگرایی طی دوازده سیزده سال گذشته کمال یافته و بارشده اقتصادهای دو نظام موارد شباهت آنها نیز بیشتر شده است. اما ناگفته نماند که در برابر موافقان همگرایی، عده بی نیز در جهت عکس نظراتی ابراز داشته اند و عقیده دارند که دو نظام کمونیست و سرمایه داری نه تنها بیکدیگر نزدیک نمی شوند، بلکه از هم دور می گردند. عقاید مخالف بیشتر از ناحیه کمونیست های متعصب ابراز می شود که غالبا "مبانی مرامی دارد تا علمی. برای کمونیست های متعصب نظامی مبتنی بر اختلاط مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی مطلوب و خوش آیند نیست ولی واقعیت در جهت امتزاج عناصر مثبت دو نظام با یکدیگر سیر می-کند که ما نکات برجسته آن را در سطور آینده می آوریم:

الف - برنامه گذاری اقتصادی، تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیست منجر به رجعت از برنامه گذاری متمرکز تفصیلی، به سوی برنامه گذاری ارشادی و برنامه گذاری "از پایین" شده است. کم کم برنامه گذاری بر اساس مقادیر کمی، جای خود را به برنامه گذاری کیفی می دهد و برعکس روش گذشته، شیوه های ریاضی و کامپیوتر، اکنون از نظر مرامی پذیرفته شده اند و در برنامه گذاری برخی کشورها بکار می روند. در عین حال بسیاری از کشورهای سرمایه داری برخی از اشکال برنامه گذاری "ترغیبی" یا منطقه ای را پذیرفته اند و افزایش سطح اشتغال، ثبات اقتصادی، رشد و رفاه اجتماعی را هدف قرار داده اند.

ب - تحول در سازمان اداری و اقتصادی.

در این اواخر، عدم تمرکز یکی از وجوه مهم اصلاحات اقتصادی در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بوده است. مقامات مرکزی خود را از برخی قیود سازمان اداری و بوروکراسی بطور نسبی رها کرده اند و این هدف را با تفویض اختیارات و استقلال بیشتری به سازمان های اداری در سطوح پایین دنبال کرده اند از طرف دیگر، اقتصادهای غیر سوسیالیست یا سرمایه داری در

جهت افزایش مداخله دولت پیش رفته اند ، سازمان های بازاریابی دولتی ، و دامنه عمل بخش بازرگانی عمومی گسترش یافته است . و از سلطه موسسات بازرگانی اقتصادی بزرگ ، با توسل به قوانین ضد انحصار و صنعتی گاشته شده و در نتیجه سیاست های حمایتی ، رقابت های سنتی محدود گردیده است .

پ - تحویل در مدیریت . در کشورهای سوسیالیست اروپای شرقی ، این فکر که کارگران میتوانند با موفقیت ، مدیریت موسسات اقتصادی را بر عهده گیرند ، جز در موارد استثنایی ، از میان رفت . و اینک روسای موسسات سوسیالیست ، شباهت زیادی به مدیران کشورهای سرمایه داری یافته اند . از طرفی در کشورهای اخیر ، چنانکه در بررسی نظرات گالبریت دیدیم ، مدیریت باز هم بیشتر از مالکیت جدا شد .

ت - پول و بانک . در سال های اخیر ، تکیه بر انگیزه های ارشادی و مدیریت بر پایه بوروکراسی اداری ، در کشورهای سوسیالیست تا حدودی جای خود را به انگیزه های مالی سپرد . بانک ها اکنون در طرح های سرمایه گذاری ، طبق اصول بازرگانی فعالانه دخالت دارند . گرایش به سوی اقتصاد لیبرال و آزادی قیمت ها ، نشانه هایی از فشارهای تورمی ظاهر ساخت و این امر اهمیت تازه بی به سیاست پولی بخشید . از طرف دیگر در کشورهای سرمایه داری ، میان سیاست پولی و سیاست های مالی ، دستمزدها ، درآمد ها حتی کنترل مستقیم آنها وابستگی بوجود آمد . بانک ها در نتیجه پیروی از سیاست های متغیر پولی و مالی دولت ها ، نقش مسلط خود را تا حد سابق بر اقتصاد از دست داده اند .

ث - عامل سود . سود اکنون در کلیه کشورهای سوسیالیست اروپا با استثنای آلبانی ، بعنوان ملاک اصلی عملیات بنگاه اقتصادی پذیرفته شده است و کارگران و مدیران در قسمتی از سود سهام گردیده اند . در برابر ، در کشورهای سرمایه داری ، سود دیگر مانند سابق عامل تعیین کننده در فعالیت های اقتصادی نیست ، بلکه جلب رضایت و حسن ظن جامعه بصورت انگیزه قوی تری درآمده است . و شرکت دولت ها در تجارت و تولید ، دیگر با انگیزه کسب سود بستگی ندارد .

ج - مالکیت و ثروت . اکنون در کشورهای

سوسیالیست قسمتی از اراضی بصورت غیر اشتراکی و خصوصی کشت می شود . از طرفی مالک تعداد زیادی از دام های این کشورها اشخاص هستند . مساحت زمین های کشاورزی خصوصی روبه فزونی است و محصولات این اراضی در افزودن مواد غذایی نسبت به گذشته نقش بیشتری ایفا می کنند . همچنین تعدادی از موسسات خصوصی ، بصورت واحدهای مولد صنایع دستی ، تجارت خرده فروشی و غیره احیا شده اند . از طرفی در کشورهای سرمایه داری گرایش روز افزونی به سوی مالکیت دولتی ابراز می شود . طرفداران طبقات زحمتکش بین متفکران و زمامداران افزایش می یابد . مالیات های غیر مستقیم و مالیات بر افراد کم درآمد از میان می رود . کارگران ، صاحب خانه ، وسایل مدرن زندگی و حتی اتومبیل می گردند . گذشته از این ، در بازار وسائل پرداخت ، اینک کارگران نقش قابل ملاحظه ای ایفا می کنند . به خرید اسناد اعتباری و سهام می پردازند و حساب های پس انداز می گشایند . پس اندازهای کارگران و سایر طبقات ، بصورت منبع قابل ملاحظه تشکیل سرمایه در می آید .

چ - توزیع درآمد ملی . مدتها است که رویای مساوی کردن درآمد ها در کشورهای سوسیالیست از بین رفته است . بین درآمد بوروکرات ها ، تکنوکرات ها ، صاحبان مناصب حزبی و سیاسی ، مولفان ، هنرپیشه ها ، و دانشمندان از یک سو ، و کارگران و کشاورزان حقوق بگیر و نظایر آن ها از سوی دیگر ، تفاوت آشکاری دیده می شود . همچنین عدم تساوی در توزیع درآمد ها در کشورهای سرمایه داری و غیر سوسیالیست رو به کاهش است . پیایی قوانین مترقی مالیاتی که بیشتر جنبه تصاعدی دارند (مانند قوانین مالیاتی انگلستان) تصویب و اجرایی شوند . در بسیاری از این کشورها یک حداقل دستمزد حقیقی و قانونی تعیین شده است . گذشته از این طرح هایی در جهت حمایت از کارگران رده های پایین تهیه میگردد .

ح - ساختمان اجتماعی . جامعه های سوسیالیست در جهت طبقاتی شدن پیش میروند و دیگر در مورد وجود طبقات بالا و پایین در این کشورها شکی وجود ندارد . در صورت ظاهر البته سه طبقه کارگران ، دهقانان و روشنفکران

به رسمیت شناخته شده اند ، ولی در عمل ساختمان طبقاتی جامعه های سوسیالیست ، ترکیبی غیر از تقسیم بندی رسمی آن دارد . سالها پیش میلوان جیلاس معاون پیشین رئیس جمهوری یوگسلاوی کتابی بنام "طبقه جدید" نوشت که باستناد حقایق و مدارک وجود طبقه مرفه جدیدی را در جامعه های سوسیالیست به ثبوت رساند . ولی از آن هنگام مدتها گذشته است و جامعه ها از لحاظ امتیاز های مادی و معنوی بجای یک طبقه اداری "طبقات" مختلفی شده است . بوروکرات ها (دیوان سالاران) ، تکنوکرات ها و مدیران ، از موجدان جدید طبقات صاحب امتیازند . بر عکس ، در جهان سرمایه داری تفاوت های طبقاتی سابق بتدریج رو به کاهش پیش می رود . ممکن است همانطور که از میان بردن طبقات در کشورهای سوسیالیست میسر نشد ، در کشورهای سرمایه داری نیز عملی نگردد و دو نظام پس از چندی دارای طبقات مشابهی شوند . ولی آنچه قطعی است اینست که در جهان سرمایه داری اختلاف های طبقاتی و درآمد رو به کاهش است . گسترش فرصت های آموزشی بنفع طبقات پایین ، افزایش تولید و فراوانی ، و امکان فعالیت های گروهی رو به فزون مانند سندیکا های کارگری نیرومند ، از موجبات اصلی تغییر ترکیب ساختمان طبقاتی جامعه های سرمایه داری اند . آنجا که آراء کارگران در سرنوشت انتخابات پارلمانی ، تاثیر فراوانی دارد ، دولت ها بیش از پیش در جهت جلب رضایت کارگران گام برمیدارند و آزادی اعتصاب بصورت تقریباً نامحدود ، بموازات بالا رفتن توقعات کارگران ، موجب بروز اعتصابات گاه زنجیری تا حد افراط می گردد و تقاضای های کارگران تا سطحی بالا می رود که امکان اجابت آنها از طرف دولت ها یا موسسات در کوتاه مدت غیر مقدور است . این امر باعث تلفات و زیان های اقتصادی فراوانی می شود و حال آنکه در کشورهای سوسیالیست دولت ها با اعتصاب با فشار های سندیکا های کارگری روبرو نیستند و فقط واکنش کارگران گاه بصورت انفجار در می آید . به جرات می توان گفت که چنانچه ارتش خارجی در کشورهای سوسیالیست اروپا وجود نداشته باشد این واکنش ها و انفجار های کارگری ، جنبه ملی بخود می گیرد و بیک طرفه موجب دگرگونی رژیم ها می شود .

یک تحول مثبت در کشورهای غیر سوسیالیست افزایش سطح اشتغال است .

"خ- قیمت ها . در کشورهای پیشرفته سوسیالیست ، قیمت های ثابت غیر قابل انعطاف ، گرایش مداومی به سوی قبول قیمت های قابل انعطاف نشان می دهند . و برای این منظور کوشش می شود که حتی المقدور از قیمت های بازار آزاد محدود استفاده شود . اینک در برخی از قیمت ها حتی بهره و اجاره بها نیز جزء هزینه های اصلی به حساب می آید و اخذ مالیات های فروش نهایی متداول می گردد . تا آنجا که به جهان سرمایه داری مربوط می شود این کمال مطلوب که قیمت ها می توانند در بازار آزاد بطور طبیعی و بدون مداخله عوامل دیگر تعیین گردد و هر چه بیشتر هزینه های تولید را منعکس سازد ، دیگر واقعیت ندارد . در عمل قیمت ها روز بروز بیشتر با برقراری مالیات های مستقیم ، کمک های دولتی و سیاست تثبیت قیمت ها از طرف دولت (بویژه در زمینه محصولات کشاورزی) ، و عامل انحصارات رابطه می یابند .

د- نقش مصرف کننده . متعاقب اصلاحات اخیر در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، توجه بیشتری به قسمتی از تمایلات مصرف کنندگان ابراز می گردد . از طرف دیگر ، مصرف کننده در کشورهای سرمایه داری . طبق سنت دیرینه نقش مطلق ندارد ، تا جائیکه دیگر ، شعار " مصرف کننده حاکم است " صدق نمی کند . تبانی تولید کنندگان ، تبلیغات القایی ، مداخله دولت ، و عادات مصرف کنندگان ، از توانایی مصرف کننده ، برای دیکته کردن شیوه های تولید می گاهد .

د- تجارت متقابل . برعکس روابط تجاری تا سال ۱۹۵۳ ، تجارت میان کشورهای سوسیالیست و سرمایه داری از آن هنگام به میزان قابل توجهی افزایش یافته است . میان سال های ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۱ این افزایش بطور متوسط سالیانه ۱۳/۹ درصد بود . این نرخ بسیار بیش از افزایش تجارت در میان خود کشورهای سوسیالیست بود که حد متوسط آن در همان مدت ۶/۴ درصد بود و حد متوسط افزایش تجارت بین کشورهای سرمایه داری در همان مدت ۸/۸ درصد بود ، برای بسیاری از مسائل تجاری میان دو نظام ، بر اثر کاهش

اساسی برخورد های سیاسی و موقوف شدن جنگ سرد ، راه حل هایی پیدا شد .

همه عواملی که مذکور افتاد از موجبات همگرایی می توانند باشند ولی نباید پنداشت که این همگرایی الزاما " منجر به همسان شدن دو نظام می شود . اغلب تغییراتی که در هر دو صورت می گیرد ، تقلید های عمدی نیست ، بلکه در برابر مسائل اقتصادی و فنی تحولات گرایشی غیر عمدی روی می دهد . عبارت دیگر گرایش ها حاصل ضرورت ها است نه خواست ها .

در کشورهای سوسیالیست کم نیستند تعداد کسانی که متعقد اند اصلاحاتی که اخیرا " در کشورهای سوسیالیست رخ داده است بهیچوجه بمعنی همگرایی سوسیالیسم و سرمایه داری نیست ، بلکه فقط بمنظور تکمیل نظام برنامه گذاری و مدیریت سوسیالیستی صورت گرفته اند . از نظر همین عده وقتی جهان سرمایه داری بیش از پیش از سیاست عدم مداخله دولت فاصله گرفت و می گیرد ، بعنوان نشانه تشدید تضادهای ذاتی سرمایه داری است ، که سرانجام منجر به انهدام سرمایه داری می گردد .

نویسندگان سوسیالیست مصراند که نیازه همکاری اقتصادی ، بمعنی " سازش مرامی " نیست . در سال ۱۹۶۸ روزنامه " پراودا " نوشت : " در روزگار ما ، مبارزه مرامی حادث ترین جبهه مبارزه طبقاتی است و در زمینه مرام یا ایدئولوژی ، هیچگونه همزیستی مسالمت آمیز وجود ندارد و نمی تواند باشد ، همانطور که صلح طبقاتی بین پرولتاریا و بورژوازی میسر نیست . "

در حقیقت یک جنبه نوشته پراودا و مفسران رسمی سوسیالیست تبلیغات است و جنبه دیگر آن ناشی از تعصب و جمود فکری است . این نوشته جنبه تبلیغاتی دارد . زیرا شوروی می تواند سلاح نیرومند مسلکی و مرامی را که البته روز بروز بی اثر تر می شود در جهان امروز زمین بگذارد . از این سلاح همان استفاده که در طول تقریبا " ۵۵ سال گذشته ، شده باز هم مورد انتظار است . نوشته پراودا جنبه تعصب و جمود فکری دارد . برای اینکه سوسیالیست هایی که اصول مارکسیسم را غیر قابل تغییر میدانند ، در حقیقت با علم و واقعیت فاصله گرفته اند . آنها تا وقتی که شیوه مراجعه به آثار مارکس ، انگلس

و لنین را برای جوابگویی به منتقدان یا پیدا کردن راه حل برای مسائل اقتصادی و اجتماعی را ترک نگویند ، هرگز نخواهند توانست از قیود انجماد فکری رهایی یابند . جهان کمونیست دیر یا زود این حقیقت را باید بپذیرد که مارکس ، انگلس و لنین از نوع بشر بودند و از آسمان نیامده بودند . از این رو عقاید و احکام آنها می تواند با گذشت زمان کهنه شود ، چنانکه بسیاری از اصول نظرات سنتی آنها بی اعتبار و غیر عملی گردیده است .

نکته دیگری که قابل توجه است ، شباهت های مسائل دو نظام به یکدیگر است ، چنانکه " جرج- دالتون " بآنها توجه کرده است : " مسائل مشترکی نظیر مسائل ناشی از شهری شدن زیاد جمعیت ، فراوانی ، و آلودگی آب و هوا . این حقیقتی است که اقتصاد های سرمایه داری و کمونیست ، آگاهانه ، می گذارند محیط طبیعی آلوده شود . زیرا میکوشند تولیدات صنعتی را با کمترین هزینه تمام کنند ، در نتیجه مثلا مواد زائد و آلوده را به رودخانه ها میریزند ، زیرا ارزان ترین شیوه است . یا مثلا طلاق ، مصرف مشروبات الکلی ، جنایت ، و مشکل آمد و شد (ترافیک) چه در غرب و چه در بخش پیشرفته شرق وضع مشابهی دارند . با افزایش شهریان ، مشاغل " یقه سفید " افزایش میابد و برخی از کشورهای کمونیست حتی دچار تورم نیز میشوند . مسائل ناشی از توسعه نیز شباهت هایی میان دو نظام بوجود می آورد . مثلا " وقتی شوروی هنوز عقب مانده بود ، نرخ رشد اقتصادی آن زیاد بود ولی پس از آن تولید از جنبه کمی به جنبه کیفی گرایش یافت " ۱۶ از نرخ رشد اقتصادی شوروی سال بسال کاسته شده از این رو رویای رسیدن شوروی به آمریکا به تحقق نپیوست . برخی از مسائل مورد اشاره " جرج دالتون " مانند کثیف شدن محیط زیست ، اخیرا " در کنفرانسی که بنام " کلوب رم " تشکیل شد و در آن شخصیت های مشهور غرب و انستیتوهای بزرگی بخصوص از آمریکا شرکت داشتند مطرح گردید . آنها مسائل دیگری مانند کمبود مواد اولیه را نیز مطرح ساختند ، گذشته از این زیر عنوان " تحقیقات درباره مرزهای بسط و ترقی " مستقیم و غیر مستقیم لزوم برنامه گذاری در حدود ملی و بین المللی را نشان دادند . قسمتی از نتایج تحقیقات این

"کلوب" مانند کشیف شدن محیط زیست، مورد اعتراض کشورهای جهان سوم قرار گرفت. زیرا کشورهای جهان سوم می‌گویند که در کثافت محیط زیست و کمبود مواد اولیه در واقع خود کشورهای اروپا و آمریکا مسئول هستند و باید خودشان هم دنبال چاره‌اش بگردند. ولی نکته جالب از نتیجه‌گیری‌های "کلوب" همان تاکید آن بر لزوم برنامه‌گذاری است و این نمونه نشان می‌دهد که در غرب اینگونه الگوهای سوسیالیستی بطور جدی‌تر و در سطوح بالاتر مطرح می‌گردد. همانطور که در جالیستی بطور جدی‌تر و در سطوح بالاتر مطرح می‌گردد. همانطور که در جهان سوسیالیستی هم موضوع نظام تعیین قیمت‌ها و توسل به مکانیسم بازار آزاد بعنوان یکی از راه‌حل‌ها مورد توجه جدی است. از این حقایق می‌توان نتیجه گرفت که میان نظریه همگرایی و مرامی و مسلکی رابطه‌ی وجود ندارد، بلکه کوشش‌های مستقل، بدون قصد گرایش بیکی از دوازدو یا مرام آنها، بعمل می‌آید و اگر نتایج بهم شباهت داشته باشند و عناصر مشابه را در دو نظام افزایش دهند باید آن را به ناموس ترقی و کمال جامعه انسانی نسبت داد.

اگر نظریه همگرایی جنبه اپیدئولوژیک داشت، می‌بایست در زمان مادر غرب امواج ملی‌کردن صنایع که پس از جنگ دوم راه افتاده بود بخش عمده‌ی از اقتصاد کشورهای غیر سوسیالیست جهان را دربرگیرد، و حال آنکه این هدف سوسیالیستی، دیگر چنانکه باید بطور جدی بعنوان یک راه حل قطعی تلقی نمی‌شود. زیرا بر اثر ملی‌کردن صنایع در برخی کشورها، بازده تولید آنچنانکه انتظار می‌رفت، بالا نرفت، نرخ رشد در صنایع ملی و میزان سرمایه‌های تشکیل شده پایین‌تر از صنایع خصوصی است و هزینه‌های تولید یعنی قیمت تمام شده کالایشتر است. زیرا آفت‌بوروکراسی که کشورهای سوسیالیست از آن رنج می‌برند، بزودی در صنایع ملی شده غرب نیز ظاهر می‌شود و بار پرداخت موسسه ملی را افزون می‌سازد. نظیر این دلایل باعث شده که دیگر آن شوروشوقی که در میان سوسیالیست‌های غربی پس از جنگ برای ملی‌کردن صنایع وجود داشت دیده نشود. "برای نخستین بار پس از یک سده، میان جناح چپ در باره آینده ملی

کردن صنایع آثار شک‌رخنه کرده است. این امر دلایل زیادی دارد که از واقعیت ناشی می‌شود. برخی از مزایایی که برای صنایع ملی شده پیش‌بینی می‌شد واقعیت نیافت، بر عکس ناکامی‌های پیش‌بینی نشده‌ی ظاهر گشت. ۱۷"

نتیجه‌ی می‌توانیم در چند جمله از بحث خود بگیریم چنین است: همگرایی میان دو نظام اقتصادی جهان بمعنی ترکیب دو مسلک و مرام متضاد نیست، بلکه از خصلت طبیعی آنها در نتیجه الزامات تحولی ناشی می‌شود و مستقل از هم بصورت می‌گیرد. بر اثر این تکامل طبیعی، نظام اقتصادی غرب بصورت نظام رفاه اجتماعی در می‌آید، و چنانچه نظام اقتصادی شرق هم بحکم ضرورت در آینده، نوعی آزادی سیاسی شبیه دموکراسی پارلمانی غرب را بپذیرد، آنگاه می‌توان گفت که نظام اقتصاد سوسیالیستی نیز در حال تحول به سوی "نظام رفاه اجتماعی" است، و اینکه نظام رفاه اجتماعی، خود چه ماهیتی خواهد یافت، بستگی به عامل زمان دارد.

بخش ششم: نتیجه

گرچه در هر مبحث این نوشته، نتیجه‌گیری آن مبحث نیز ذکر شده است ولی جا دارد در پایان نتایج اساسی و کلی بایجاز بار دیگر تکرار گردد:

۱- آنچه به سوسیالیسم علمی معروف است و بر اساس مارکسیسم قرار دارد، دارای دو جنبه نظری و علمی است. جنبه نظری سوسیالیسم مارکسیستی بویژه از لحاظ اقتصادی در عرصه نظری و سطح آکادمیک مورد ایراد و انتقاد است. در عین حال که توضیحات مارکس در باره اقتصاد آزاد سده نوزدهم و سرمایه‌داری کلاسیک خالی از واقعیت نیست و حقایقی را نظیر عدم امکان رقابت آزاد و تعادل اقتصادی مبتنی بر عدم مداخله دولت و بروز انحصارات دربردارد در ضمن برخی از نظریه‌های اقتصادی مارکس مانند فرضیه ارزش اضافی او از نظر منتقدان اعتبار علمی ندارد هر چند وجود استثمار در جامعه‌های انسانی محقق باشد.

۲- تصور مارکس درباره بحران‌های اقتصادی

و انهدام سرمایه‌داری بر اثر یک انقلاب جهانی تحقق نیافته است و جامعه‌های سرمایه‌داری شدیدترین این بحران‌ها را حتی با تحمل ضایعات زیاد از سر گذرانده‌اند. در نیمه دوم سده بیستم، هر چند در کشورهای صنعتی سرمایه‌داری تورم عامل بحران زای اقتصادی است ولی بسبب دخالت دولتها و تأثیر عامل آگاهی انسانی در کنترل اقتصاد و استفاده از انواع شیوه‌های برنامه‌گذاری گمان نمی‌رود تورم از طرفی و تولید مازاد بر مصرف از طرف دیگر طبق انتظار سوسیالیست‌های همفکر مارکس منجر بانهدام سرمایه‌داری شود. مضافاً دیگر گفتگو از سرمایه‌داری مطلق در مورد نظم‌های اقتصادی غربی بمفهوم سده نوزدهم و عصر مارکس صحیح نیست. این نظم‌های اقتصادی غربی بتدریج بحکم نوامیس طبیعی تکامل تغییر ماهیت داده‌اند و می‌دهند و اینک ماهیت این نظم‌ها را بیشتر "رفاه اجتماعی" توضیح می‌دهد. تا سرمایه‌داری، توسعه بخش عمومی و خدماتی که همگان از آنها استفاده میکنند و کوچک شدن روزافزون بخش خصوصی دلیل بارز بر تغییر ماهیت تدریجی سرمایه‌داری است، این تغییر ماهیت نشان می‌دهد که بر خلاف انتظار مارکس ترجیح دارد جامعه‌ها بجای انقلابات خونین و تلف شدن میلیون‌ها انسان و منابع دیگر، بطور طبیعی آرام و با مسالمت راه تکامل را به پیمایند. این تکامل مسالمت آمیز اقتصادی نه تنها موجب احتراز از تلفات می‌شود و انسانی تراست، بلکه در ضمن مانع از فدا شدن آزادی‌های سیاسی انسان می‌گردد.

۳- بموازات بطلان علمی قسمتی از احکام نظری و فرضیه‌های اقتصادی مارکس آزمایش‌های سده بیستم غیر عملی بودن آنها را نیز نشان می‌دهد. قریب یک قرن پس از مارکس، هنوز هیچ رژیم سوسیالیستی که با مفروضات او تطبیق کند بوجود نیامده است و رژیم‌هایی که در این عصر نام سوسیالیسم را بر خود دارند دارای ماهیت کاپیتالیسم دولتی‌اند نه سوسیالیسم. عبارت دیگر در این کشورها اقتصاد سرمایه‌داری دولتی جانشین سرمایه‌داری خصوصی شده است و بهمین دلیل مساوات و عدالت اقتصادی و اجتماعی مورد علاقه مارکس بوجود نیامده است. هر چند عده‌ی بر آنند که رژیم‌های موجود سوسیالیست از سوسیالیسم منحرف شده‌اند

و گر نه نظریه سوسیالیسم غیر علمی نیست .
۴- احکام مارکس در باره خصایص اقتصاد سوسیالیستی بسیار جنبه کلی دارد و او نتوانسته است ویژگی های اصلی یک اقتصاد فرضی سوسیالیستی را پیش بینی کند . از این رو نخستین تجربه عملی سوسیالیستی در زمینه اقتصادی در شوروی در دهه های اول با موانع و ضایعات جبران ناپذیر توأم شده است و چنانکه گفتیم هیچ تجربه سوسیالیستی از میدان آزمایش پیروز بیرون نیامده است .

۵- از ویژگی های مثبت آن نوع نظم اقتصادی که بنام سوسیالیسم بوجود آمده برنامه گذاری است ولی این خصلت مثبت را آفت بوروکراسی که نتیجه اجتناب ناپذیر سرمایه داری دولتی است خنثی کرده است و می کند . سرمایه داری دولتی نه تنها مانع استثمار و پیدا شدن طبقات نشده بلکه خود بصورت منشا آن درآمده است .
۶- اقتصاد موسوم به سوسیالیستی هم در زمینه صنعت و هم در عرصه کشاورزی با مشکلات بنیادی مواجه گشته است . در راس این مشکلات چنانکه گفتیم بوروکراسی قرار دارد که اقتصاد سوسیالیستی را پس از یک دوره جهش اولیه در کشورهای عقب مانده و غیر صنعتی با کندی رشد اقتصادی روبرو گردانیده است . دیگر در اینگونه کشورهای ضعیف رشد اقتصادی نسبت های درخشانی را منعکس نمیسازد . از این گذشته ، در بخش کشاورزی ، شاید بیشتر بعلت امحاء احساس مالکیت در دهقانان ، در مقایسه با کشورهای پیشرفته غربی ، رکود نسبی بحشم میخورد . در کشورهای سوسیالیستی بخش قابل توجهی از جمعیت فعال در زمینه کشاورزی اشتغال دارد و حال آنکه در کشورهای پیشرفته غربی ، نسبت این جمعیت پایین است . معذا تولید کشاورزی در کشورهای اخیر الذکر بمیزان زیادی بیش از کشورهای سوسیالیستی است .

۷- از همه مباحث گذشته این نتیجه مهم بدست می آید که هر گاه سوسیالیسم را به سوسیالیسم نظری و سوسیالیسم عملی تقسیم کنیم ، در هر دو مورد مشخصات سوسیالیسم غالباً با ضابطه های علمی وفق نمی دهد از این رو ، هر مطالعه کننده اقتصاد سوسیالیستی

نتیجه می گیرد که باید فرضیه های این نوع اقتصاد را نیز مانند هر فرضیه اقتصادی دیگر تجزیه و تحلیل کند یعنی بجای قبول تعهدی اصول این نوع اقتصاد ، جنبه های مثبت آن را از جنبه های منفی مجزا سازد . در این صورت مکان مارکس در علم اقتصاد ، بصورت مکان سایر دانشمندان اقتصادی در می آید و از صورت دانشمندی که احکام ثابتی برای همه اعصار آینده آورده است خارج می شود .

۸- از مشکلات و ابتلاآت بنیادی دیگر اقتصادهای موجود موسوم به سوسیالیست مساله سود و پول و تعیین قیمت است . در این نوع اقتصاد ها بر خلاف انتظارهای نخستین ناگزیر از قبول انگیزه سود و موجودیت پول شده اند . گذشته از این رهبران این نوع اقتصادها در جستجوی معیاری برای نرخ گذاری ناگزیر از قبول برخی از ضوابط اقتصاد های غیر سوسیالیستی گردیده اند . در همین جا است که اقتصاد بازار رفته رفته در کنار اقتصاد سرمایه داری دولتی برای خود جایی باز می کند .

۹- تقسیم جهان به دو اردوی اقتصادی مجزا از هم ابدی نیست ، تفاوت های موجود در دراز مدت نمیتواند قابل دوام باشد . زیرا ناموس تکامل اقتصادی و اجتماعی جامعه بشری در طول

1. " The Theory of Convergence .
2. " Laissez - faire, Laissez - Passer",
3. Tinbergen.
4. " Communist and Free Economics Show A Converging Pattern? Soviet Studies" Jan Tinbergen, Vol. XII, April 1961-4, PP. 333 - 341.
5. George Dalton, ibid, PP. 101 - 106.
6. "Keynes and After", Michael Stewart, Penguin, 1972, P. 17
- ۷- " پول و بانک در اقتصاد جدید " ، دکتر منوچهر زند حقیقی ، ۱۳۴۹ ، ص ۳۳۰ - ۲۲۹
- ۸- برای اطلاع از نظرات اقتصادی فرانسوا پرو به کتاب " توسعه و رشد اقتصادی هماهنگ " تألیف دکتر منوچهر زند حقیقی استاد دانشگاه تهران مراجعه شود
9. " The New Industrial State", John Kenneth Galbraith, Pelican Books, London, 1970

10. "Capitalism, Socialism and Democracy", U.A. Schumpeter Unwin University Books, London, Eleventh Impression, 1966
11. R. Aron.
12. K. Galbraith
13. R. Schlesinger,
14. E. Bergel
15. A.P. Butenko
16. S. Dalin.
17. Economic Systems and society", George Dalton, Penguin Modern Economic Texts, London, 1974, P. 180
18. " The Future of Socialism", C.A.R. Crosland, Janatham Cape, London, 1967, P. 316

سیاست رفاهی و بهزیستی

* در پایان برنامه پنجم عمرانی، ۵ میلیون نفر زیر پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار می‌گیرند.

تلاش: از اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۳ شمسی که وزارت رفاه اجتماعی به‌عنوان يك وزارتخانه جدید معرفی شده، قریب یازده ماه می‌گذرد، از تاریخ هفتم مرداد ماه ۱۳۵۳ شمسی که قانون تشکیل وزارت رفاه اجتماعی به توشیح ملوکانه رسیده و به دولت ابلاغ گردیده، نزدیک به هشت ماه سپری شده، لطفاً بفرمایید، در این مدت با چه مشکلاتی روبرو بوده‌اید و احياناً تا چه حدودی توانسته‌اید به این مشکلات به معنی واقعی فائق آیید؟

وزیر رفاه اجتماعی: وزارتخانه جدیدی که کار تشکیل شدنش، از صفر شروع می‌شود، مسلماً با مشکلاتی روبرو است، دراول، قانون تشکیل این وزارتخانه می‌باشد. هرگاه مسأله، تنها تشکیل يك وزارتخانه باشد، در چند جمله می‌توان گفت: «فلان وزارتخانه تأسیس شد و...» ولی در اینجا، به وجود آمدن فلسفه‌های جدیدی مطرح بود، اینکه چرا وزارت رفاه می‌خواهد تشکیل شود؟ - وقتی که بحث می‌کنیم - نباید به مسأله «قانون» اشاره کنیم، چرا که فلسفه‌های ایجاد این وزارتخانه نیز مطرح است. ایجاد این وزارتخانه در آغاز کار مستلزم درگیری با مشکلات فراوانی بوده، وظایفی که عنوان شده بود، در اختیار سازمانهای دیگری بود. نسبت به کارهایی که انجام می‌شد، نوعی تعصبات هم همراه بوده، اینکه - در نخستین گام - چه وظایفی برای وزارت رفاه اجتماعی مطرح بوده؟ - مسلماً مستلزم مقداری حرف، بحث و استدلالهای طولانی بود که به دنبال تصویب قانون مطرح گردیده بود و همانطوری که ملاحظه کردید بالاخره قانون وزارت رفاه اجتماعی به وجود آمد و اولین لایحه‌یی بود که برای وزارتخانه‌های جدیدالتأسیس به مجلس ارائه گردید، طبیعی است مشکلاتی ایجاد شد، ما وزارتخانه جدید بودیم، تکمیل قانونی وزارتخانه و بلافاصله بوجود آوردن قوانین سازمانهای وابسته، گرفتن يك ساختمان، استخدام پرسنل، ایجاد مقررات، نقص پیدا کردن افراد کارآمد در مشاغل بالاتر که مدیر باشند و گذشته از آن، محول کردن وظایف سازمانهای عظیم مملکتی مثل سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران که از نظر

صفحه هفتم

مقدار حجم کار و پوشش و همه جانبه بودن به جرأت با کار يك وزارتخانه قابل قیاس است و نیز سازمان بیمه‌های اجتماعی روستاییان، سازمان تأمین خدمات درمانی، انجمن توان‌بخشی، واگذاری امر معتادان و سپردن کار اکثر بیمارستانهای روانی به وزارت رفاه اجتماعی، بانک رفاه کارگران و نیز شرکت سهامی خاص خانه سازی، همه اینها مسائلی بود که با آنها روبرو بوده‌ایم.

ما يك وزارتخانه را بنیانگذاری می‌کردیم، که حاوی فلسفه‌های جدید رفاهی بود، لذا مجبور بودیم، بار همه این سازمانها را بدوش بکشیم. در این میان دو مسأله دیگر نیز مطرح بوده، یکی فلسفه‌های رفاهی مملکت بود - با توجه به پیشرفت‌های کشور و با توجه به عنایات مخصوص شاهنشاه آریامهر و توجهی که بمسایل دارند و نیز علیاحضرت شهبانو که ریاست عالی شورای عالی رفاه اجتماعی را به عهده داشتند و اوامری را در این زمینه صادر می‌فرمایند. بنابراین مسایل بنیانی رفاهی مملکت، می‌بایست يك دگرگونی پیدا می‌کرد که در نتیجه فرمان شاهنشاه آریامهر راجع به تأمین حداقل رفاه زندگی به مردم شرف صدور یافت.

تجدید نظر در قوانین بیمه‌های اجتماعی، رفع کلیه موانعی که پیش‌پای بیمه‌شدگان وجود داشت...

در هشت ماه گذشته واقعاً این مسائل برایمان مطرح بوده و به‌همین دلیل روزهای پر مشغله‌یی را پشت سر نهاده‌ایم، با وجود این می‌توان گفت موفقیت‌های خوبی نصیب این وزارتخانه شده که بسیار خوشحال هستیم.

تلاش: شما از پیشرفت‌هایی که نصیب شده، راضی هستید، و این موفقیت‌ها را چگونه توجیه می‌کنید؟

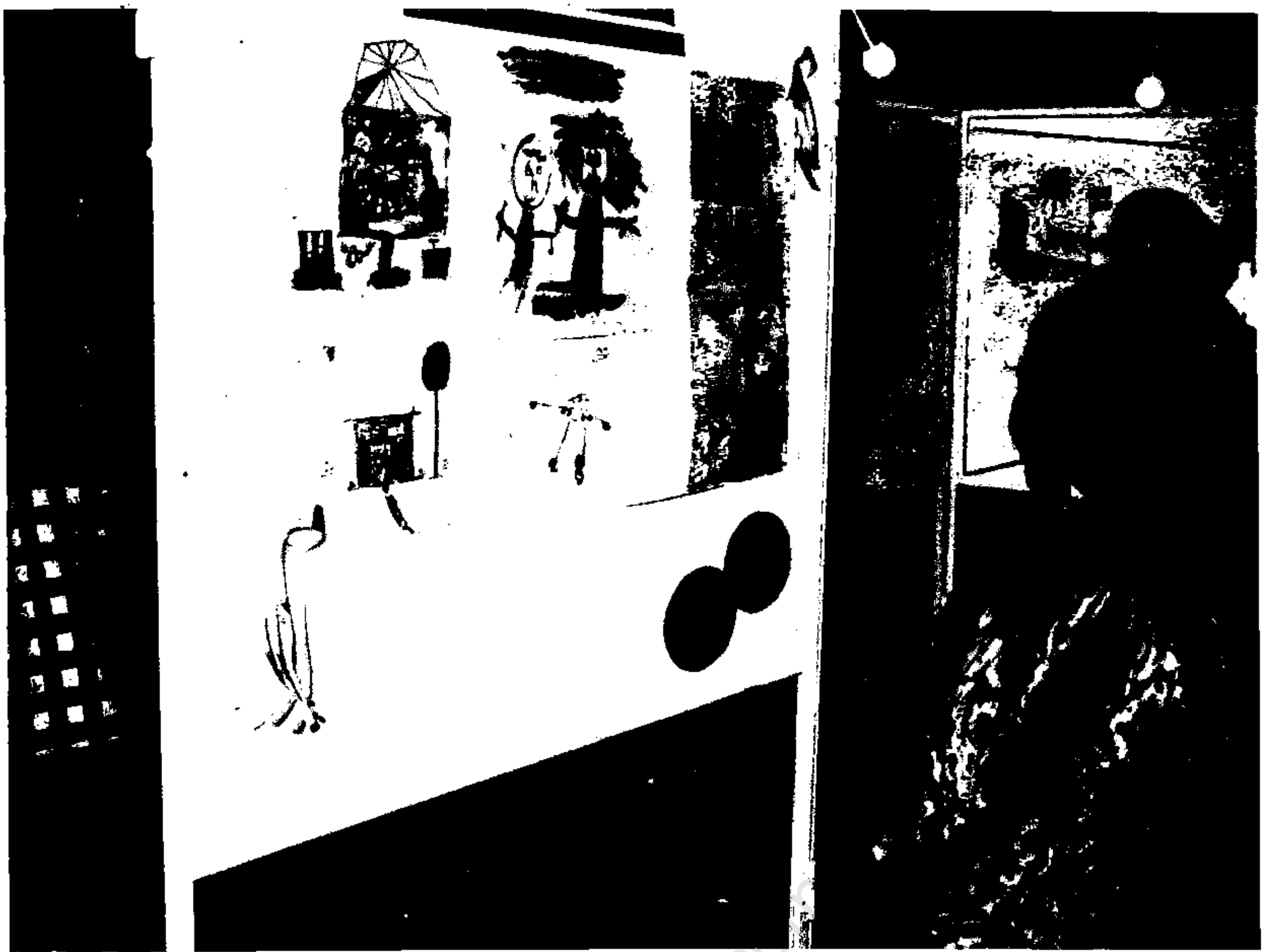
وزیر رفاه اجتماعی: صحبت از موفقیت فرد نیست، موفقیت فلسفه است، مسأله‌های رفاهی، فلسفه‌های رفاهی، از فلسفه‌های رفاهی که شاهنشاه آریامهر مطرح کرده‌اند، منشأ می‌گیرد. فلسفه‌هایی دولت دارد، این فلسفه را باید پیاده کرد و اینک بادشواری‌های پیاده کردن آنها مواجه‌ایم، در هر

صورت در زمینه یاد شده، پیشرفت ما بسیار همه جانبه بوده است.

تلاش: یکی از هشت ماده و هفت تبصره قانون تشکیل وزارت رفاه اجتماعی، مربوط می‌شود به عضویت این وزارتخانه در سازمان‌های بین‌المللی و شرکت در کنفرانس‌ها و مجامع بین‌المللی در زمینه مسائل رفاهی و خدمات رفاهی. لطفاً بفرمایید در این زمینه چه اقداماتی را انجام داده‌اید؟ آیا در تشکیل این وزارتخانه و یا پیاده کردن طرح‌های بعدی از سازمانها و مجامع بین‌المللی یاری و همکاری خواسته‌اید یا خودتان برای سازمانهای مشابه خطمشی تعیین کرده و یا از قوانین آنان در برنامه‌ریزیهای خود بهره برده‌اید؟...

وزیر رفاه اجتماعی: باید گفت، از نظر روابط بین‌المللی، تقریباً با تمام سازمانهای بین‌المللی ارتباط داریم، به‌ایشان طرح می‌دهیم و یا از تجاربشان استفاده می‌کنیم. این که می‌گوییم با سازمانهای بین‌المللی ارتباط داریم، نظرم سازمان بهداشت جهانی، سازمان بین‌المللی کار، سازمان بین‌المللی تأمین اجتماعی، سازمانهای توان‌بخشی بین‌المللی، سازمانهایی که در کار معلولین مطالعاتی دارند... در این مدت ما توانسته‌ایم، با دول و سازمانهای رفاهی تماس بگیریم. آنان قوانین و اطلاعاتشان را برایمان فرستاده‌اند، دهها تن از متخصصان، از سراسر دنیا به کشورمان آمده و پیرامون قوانین ما مطالعه کرده‌اند و در خیلی موارد از تجارب ما استفاده کرده‌اند. گاهی نیز ما راهنمای خوبی برای دنیا بوده‌ایم. انجمن توان‌بخشی واقعاً يك نمونه خوبی برای سازمانهای مشابه بوده. فلسفه‌های توان‌بخشی ایران نوعی از گزیده‌ترین فلسفه‌های توان‌بخشی دنیاست. ما از نظر بین‌المللی در سطح بسیار فعالی هستیم. مرکز توان‌بخشی کشور اردن هاشمی با کمک نیروی انسانی ایران تشکیل خواهد شد.

تلاش: اعلام شده تا اوایل سال آینده يك مرکز بزرگ اورژانس با کلیه وسایل و تجهیزات در تهران شروع به کار خواهد کرد، لطفاً اطلاعاتی در این زمینه به خوانندگان تلاش بدهید.



نقاشی‌هایی از معلولان انجمن توان بخشی

قانون تشکیل این سازمان هم اکنون در مجلس مطرح است. وظیفه این سازمان فراهم کردن حداقل رفاه برای مردمی است که به آن نیاز دارند، با اعمال خط‌مشی‌ها و راه‌هایی که بتدریج از طریق این وزارت و سازمانها و مؤسسات وابسته بدان، در چهارچوب هدفها و وظایف کلی قانونی شکل خواهد گرفت به یک مجموعه بهم پیوسته به شکل پیکره‌یی از یک سیاست رفاهی و بهزیستی برای گروههای مولد و نیازمندان جسمی و معلولین و سایر مردم دست خواهیم یافت. محتوای سیاست رفاه اجتماعی براساس وضع موجود و تغییرات آینده و عوامل و نیازها و تعداد گروههای نیازمند است.

تلاش: ماده سوم قانون تشکیل وزارت رفاه اجتماعی می‌گوید: «تأمین خدمات رفاهی برای کلیه گروههای سنی و خانواده‌ها از طریق ایجاد و تعمیم مراکز رفاه خانواده و مهدهای کودک، خانه‌ها و باشگاههای جوانان و پیران»، سؤالهایم را درباره جوانان و پیران به بعد موکول می‌کنیم، خواهش می‌کنیم بفرمایید سازمان رفاه از دیدگاه ایجاد مراکز خانواده چه نقشی و یا اصولاً برنامه‌یی دارد؟...

وزیر رفاه اجتماعی: صحبت از این است که رفاه خانواده چه است؟ رفاه خانواده یک چیز عام نیست و هیچ سازمانی نمی‌تواند ادعا کند چیزی برای رفاه خانواده‌ها ایجاد کرده‌ایم. چرا که رفاه خانواده از نقطه نظرهای مختلف از قبیل رفاه خانواده از

اضافه کرده‌اید: امروز جامعه ما به این سطح از درک و بینش رسیده است که هرگاه نیازی احساس کند نیروهای خود را برای برطرف کردن آن تجهیز خواهد کرد، با توجه به مسایلی که خودتان مطرح ساخته‌اید، لطفاً بفرمایید در زمینه ایجاد مؤسسات عالی آموزشی و پژوهشی چه اقداماتی را کرده‌اید؟

وزیر رفاه اجتماعی: وزارت رفاه در سطح لیسانس و حتی فوق لیسانس کادر مورد نیاز را آموزش می‌دهد. نظیر مدرسه عالی توان بخشی که مدارک لیسانس و فوق لیسانس می‌دهد و کادر فنی تربیت می‌کند. رشته‌های رفاهی در سطح لیسانس در مدرسه عالی پرستاری شفایحیایان وجود دارد، مدرسه عالی پرستاری بیمه‌های اجتماعی، آموزشگاه بهیاری که در سطح متخصص بیمارستان و در امر توان بخشی نیروی انسانی تربیت می‌کند، از آن جمله‌اند.

تلاش: وزارت رفاه می‌خواهد رفاه و خدمات اجتماعی که بتواند امکان به وجود آمدن یک زندگی شایسته برای مردمان دوره مهیا سازد بوجود آورد و این مسأله را تأمین اجتماعی نامیده‌اند، خیلی سپاسگزار خواهیم شد در این باره هم مطالبی را بیان فرمایید.

وزیر رفاه اجتماعی: در نظر داریم سازمان جدیدی بنام رفاه بوجود آوریم،

وزیر رفاه اجتماعی: مسأله اورژانس در هر کشور متمدنی مطرح است. اینکه مصدوم یا بیماری را با بهترین وسایل به مجهزترین مراکز درمانی برسانند. اجرای این برنامه می‌تواند به بسیاری از نابسامانی‌ها و نارسایی‌هایی که در کار اورژانس‌های تهران به چشم می‌خورد، خاتمه دهد، کمبود اورژانس مجهز و وسایل نقلیه و امکانات مخابراتی که بتواند در اسرع وقت بیمار را به بیمارستان مجهزی هدایت کند، یک مشکل عمده تهران چهار میلیونی است. به منظور رفع این مشکل، تعداد یکصد دستگاه آمبولانس که به مدرنترین وسایل تخت و بی‌سیم مجهز خواهد بود، خریداری شده و وزارت رفاه اجتماعی با سرمایه‌گذاری وسیع و صرف بودجه سنگینی برای خرید هلی‌کوپتر و سایر وسایل دیگر، این مرکز را تجهیز خواهد کرد بطوری که هر یک از بیمارستان‌هایی که نام آنان در فهرست بیمارستانهای اورژانس باشد، بتوانند در اسرع وقت بیمار را پذیرفته و به‌معالجه او بپردازد. تربیت کادر پزشکی داخل آمبولانس از مدتی پیش آغاز شده است.

تلاش: شمادر یک سخنرانی ضمن اشاره به اقتصاد شکوفان و پیشرو ایران در کلیه زمینه‌های صنعتی و تولیدی به برنامه‌ریزان هشدار داده‌اید که باید به موازات پیشرفت و توسعه سریع فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی به گسترش رفاه اجتماعی و بهبود روابط اجتماعی نیز باید توجه عمیق و اساسی شود.

نظر آموزش، تأمین درمانی و مسکن، تأمین حداقل زندگی و... قابل بررسی است، تنها تأمین حداقل زندگی، تحت عنوان حمایت یا رفاه خانواده درست نیست، همه اینها، تابع اصول رفاه هستند، حداقل زندگی را که حساب بکنیم، یعنی حداقل رفاه - خیلی چیزها مطرح می‌گردد، البته سازمان رفاه خانواده که تشکیل شده مسؤولیت‌هایی دارد و یکی از آنها آموزش حرفه‌ای برای زنان کارگر و غیره است.

تلاش: کودکان و جوانان پستوانه‌های ارزشمند کشور ما هستند. بفرمایید وزارت رفاه اجتماعی برای رفاه این دسته‌های بزرگ، این قشر عظیم کشور چه اقداماتی مبدول داشته است.

وزیر رفاه اجتماعی: طبق تصمیم شورای عالی امور اجتماعی که علیاحضرت شهبانو ریاست عالی آن را به عهده دارند، مسؤولیتی در این زمینه به عهده گرفته‌ایم یکی از مسؤولیت‌های شورای هماهنگی امور رفاه سازمانهایی است که امور جوانان را به عهده دارند. جوانان سرمایه ما هستند، همانطوری که کودکان ذخیره‌های آینده‌اند. جوانان سرمایه‌های آینده هستند، هر قدر در حق آنان سرمایه‌گذاری بیشتری بکنیم، بهره‌برداری زیاده‌تر از آنها خواهیم کرد. جوانان ما با استعدادند، من واقعاً به این مسأله معتقدم، البته باید بگویم، آنطوری که باید و شاید، در تعلیم آنها کوشا نیستیم، بخصوص در تعلیمات عالی آنها زیاد کوشش نمی‌شود، بهترین را جمع می‌کنیم، کنکور می‌دهند وارد دانشگاه می‌شوند. چند سالی در دانشگاه می‌گذرانند. در حالیکه عده‌یی که کمتر از اینها اطلاعات و معلومات دارند، در کنکور رد می‌شوند روانه خارج می‌گردند و بعد از چند سالی که در خارج گذرانند، به ایران برمی‌گردند و به عنوان استادان درجه یک در رأس این دانشجویان قرار می‌گیرند، بنابراین واقعاً ما در مورد این جوانان ظلم می‌کنیم. باید کلیه امکانات آموزشی را در اختیارشان قرار بدهیم.

سازمان رفاه اجتماعی قصد دارد بین سازمانهایی که برای کودکان و نوجوانان کار می‌کند، هماهنگی ایجاد کند، می‌خواهیم از دوباره کاری جلوگیری شود، می‌خواهیم بدانند چه می‌خواهند؟ آیا برای جوانان ما، همیشه تفریح ساعات فراغت مطرح است؟ مسلماً نه: باید به آنان فلسفه بیاموزیم فلسفه‌های انسانی، فلسفه‌های میهنی. یکزمانی، ما در دنیا، شاید هیچگونه فلسفه‌یی از نظر سیاست مملکتی نداشتیم و در زمان جنگ بین‌المللی دوم، جوانان ما، مردم کشورمان، دنبال «ایسم»‌های بین‌المللی بودند، تا اینکه فلسفه انقلابی ما به رهبری شاهنشاه آریامهر مطرح شد و امروزه ما در زیرچنین پرچمی قرار گرفته‌ایم.

صفحه هفادوهم

تلاش: براساس قانون و باتوجه به چهارچوب ترسیم‌شده، وزارت رفاه اجتماعی از چهار سازمان کاملاً مشخص ترکیب شده که هر یک در زمینه خاصی فعالیت می‌نمایند. یکی از سازمانها، سازمان بیمه‌های اجتماعی است. لطفاً اطلاعاتی در این زمینه به خوانندگان ما بدهید.

وزیر رفاه اجتماعی: سنگ بنای این سازمان در زمان رضاشاه کبیر پایه‌گذاری شد و خدمات و فعالیت آن که ابتداء اختصاص به طبقه کارگر داشت در دوره کنونی به سرعت گسترش یافت و کوشش شده که پیوسته طبقات دیگر مردم را در مقابل بیماریها، حوادث، از کارافتادگی و پیری زیر چتر بیمه قرار دهد.

این سازمان در حال حاضر عهده‌دار درمان و تأمین رفاه بیمه شدگان می‌باشد، پیش از يك میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از کارگران و کارکنان که با احتساب افراد تحت تکفلشان به حدود ۵ میلیون نفر می‌رسد، تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار گرفته است. این تعداد در پایان برنامه پنجم، به حدود ۹۵ میلیون نفر خواهد رسید. اما همانطوری که گفته شد هدف این سازمان تأمین اجتماعی برای کلیه گروههای جامعه است از این روی تا پایان برنامه پنجم عمرانی کشور حدود ۷۰۰ هزار نفر از کارمندان بخش خصوصی و کارکنان مستقل بخش شهری زیر پوشش بیمه درمانی و بازنشستگی قرار خواهند گرفت و نیز کلیه دانشجویان و دانش‌آموزان مشمول بیمه حوادث خواهند شد. طبیعی است که گسترش امر تأمین درمان در سراسر کشور، که تا پایان برنامه ششم باید ۱۰۰ درصد مردم را زیر پوشش قرار دهد، ایجاب کند که این دو طبقه یعنی بیمه کردن افراد و تعهداتی از جمله بازنشستگی، بیکاری و فوت تا پایان برنامه ششم زمینه برای پوشش کامل جمعیت شهری و روستایی فراهم شود و نرخ حق بیمه در مورد هر یک از تعهدات قانونی سازمان بیمه‌های اجتماعی، بیمه‌های بیماری، بازنشستگی و غیره تفکیک گردد. باتوجه به کاهش قدرت خرید مستمریها برقرارشده در مورد بازنشستگان، بازماندگان و از کارافتادگان، حداقل مستمری باتوجه به هزینه زندگی و حداقل دستمزدها افزایش خواهد یافت.

سازمان بیمه‌های اجتماعی با تجدید نظری که در وظایف و مقررات آن به عمل آمده و بزودی لایحه آن به قوه مقننه تقدیم خواهد شد به صورت سازمان تأمین اجتماعی به کار خود ادامه خواهد داد و بدین ترتیب تأمین اجتماعی در دوران پرتحول انقلاب شکوفان خواهد شد و هر فرد از افراد مردم را از آغاز تولد تا مرگ زیر پوشش حمایتی قرار خواهد داد.

در حال حاضر تعداد درمانگاهها سازمان بیمه‌های اجتماعی به حدود سیصد واحد می‌رسد یعنی نسبت به سال ۱۳۴۲ متجاوز از صد درصد گسترش یافته است. تعداد تخت‌های ثابت بیمارستانی به حدود ۵۵۰۰ تخت رسیده است و مسلماً همگام با افزایش تعداد بیمه‌شدگان به گسترش کمی و کیفی خدمت درمانی اقدام خواهد شد. در حال حاضر تعداد واحدها و شعب سازمان در سراسر کشور به حدود ۱۵۰ می‌رسد که متجاوز از ۱۲ هزار نفر کارمند در آنها به کار اشتغال دارند.

تلاش: لطفاً سازمان دیگر وزارت رفاه اجتماعی یعنی «سازمان خدمات درمانی» را برای خوانندگان تلاش معرفی فرمایید.

وزیر رفاه اجتماعی: این سازمان که نخست بانام «سازمان بیمه کارمندان دولت» پی‌ریزی شده بود، طبق قانونی که در ۱۱ فروردین ماه ۱۳۵۲ به تصویب رسید با نام جدیدی تحت عنوان «سازمان تأمین خدمات درمانی» به کار خود ادامه داد. خدمات این سازمان اینک کلیه کارکنان دولت اعم از شاغل و بازنشسته و افراد تحت تکفل آنان را در برمی‌گیرد و سال‌های آینده دوره پرتحولی را در پیش خواهد داشت، در مرحله نخست وظیفه این سازمان تأمین خدمات درمانی برای افراد تحت تکفل کارکنان دولت است، لیکن با گسترش تدریجی امکانات آن، افراد دیگر خانواده بیمه‌شدگان نیز زیر پوشش بیمه درمانی قرار خواهند گرفت. از خصوصیات ویژه برنامه جدید این سازمان آزادی انتخاب پزشک بیمارستان طی ضوابطی برای بیمه شدگان و پرداخت هزینه مختصری توسط بیمه شده است. تاکنون تعداد بیمه شدگان به يك میلیون نفر بالغ گردیده همزمان با این افزایش پوشش بیمه درمانی، خدمات مربوطه نیز از رشد بی‌سابقه‌یی برخوردار شده، به طوری که همکاری ۴۵۰۰ پزشک و ۱۴۰ واحد بیمارستانی و ۵۵۰ داروخانه و ۲۹۰ مؤسسه پاراکلینیکی را جلب نموده که به این تعداد باید همکاری مؤسسات درمانی جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران و بیمارستانهای سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و سایر مؤسسات مشابه را افزود. سازمان تأمین خدمات درمانی در اجرای اوامر مؤکد شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو خصوصاً در باب توجه به پیران و بازنشستگان، به بیمه درمانی بازنشستگان که از نیازمندترین گروهها به شمار می‌روند، توجه اساسی کرده است و برای به اجرا در آوردن بیمه درمانی این دسته اولویت قایل شده است.

تلاش: خواهشمندیم پیرامون انجمن توان‌بخشی نیز توضیحاتی به خوانندگان ما بدهید.

وزیر رفاه اجتماعی: انجمن توان بخشی که در سال ۱۳۴۶ به موجب قانون، فعالیت خود را آغاز کرد، در اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ از وزارت کار و امور اجتماعی به وزارت رفاه اجتماعی منتقل گردید. هدف این انجمن حمایت از افراد معلول و تعلیم و تربیت آنان در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و تقویت روحیه تولید کنندگی در معلولین کشور، فراهم آوردن امکانات لازم جهت درمان و تجدید فعالیت و آموزش حرف و مشاغل مناسب به معلولین و نیز ارشاد و راهنمایی سازمانهای مختلف معلولین و دادن کمک‌های فنی و مالی به آنها است.

این انجمن از بدو تأسیس تا کنون فعالیت و کوشش همه جانبه‌ی در امور مربوط به سلامت، کارآموزی و به کارگماردن معلولین انجام داده و اکنون با آگاهی به اهمیت مسأله توان بخشی آمیدوار است بتواند با تحقق برنامه‌های وسیعی که در پیش است به کلیه نیازهای معلولین سراسر کشور پاسخ مثبت بدهد.

در حال حاضر واحدهای تابعه این انجمن را کارگاه حرفه‌ی کورس، مرکز زراعی خدایار، مدرسه عالی توان بخشی، مرکز نگهداری و آموزش کودکان استثنایی اوزگل، سرای سالمندان، مرکز جامع روانی، مرکز مدیریت درمان و توان بخشی معتادان ایران تشکیل می‌دهد.

انجمن توان بخشی نیز در طی سالهای اخیر فعالیت خود را در استانها و شهرستانها گسترش داده و مراکز کرمانشاه و تبریز را دایر کرده است. بیمارستان توان بخشی شفا یحیایان که به ارزشیابی و توان بخشی پزشکی معلولین اختصاص داده شده

است مرکب از آموزشگاه پرستاری شفا، مرکز توان بخشی روزانه، کارگاه بریس و کفش طبی برای بیماران مبتلا به فلج است. برنامه آینده این انجمن ایجاد چهار مرکز در شهرستانهای مشهد، اصفهان، کرمان و ساری است.

در زمینه اجرای برنامه‌های خدمات درمانی، بیمارستان ضایعات نخاعی فرحزاد و بیمارستان توان بخشی وزیر تأسیس خواهد شد و درخصوص برنامه‌های آموزشی حرفه‌ی، از کارگاه حمایت شده دولاب بهرم برداری می‌گردد و همچنین کارگاه حرفه‌ی کورس و شرکت‌های تعاونی مربوط به صنایع دستی معلولین نیز توسعه و گسترش خواهد یافت.

در مورد مرکز مدیریت درمانی و توان بخشی معتادین لازم است بگوییم، که این طرح در مهر ماه سال ۵۳ تهیه شد و هدف آن درمان، توان بخشی و آموزش معتادان بود. در حال حاضر ساختمان بیمارستان یافت‌آباد در دست تکمیل و توسعه است و از سال ۱۳۵۴ با ۳۸۴ تخت شروع به کار خواهد کرد، در رأس این انجمن‌ها و مؤسسات وابسته آن، معاون امور تأمین خدمات توان بخشی وزارت رفاه انجام وظیفه می‌نماید.

تلاش: لطفاً اگر درباره سازمان خدمات رفاهی و به خصوص نقش آن در زمینه امور جوانان، کودکان و سایر گروههای خاص اجتماعی مطالبی دارید بیان بفرمایید.

وزیر رفاه اجتماعی: سازمان خدمات رفاهی که پس از طی مراحل قانونی به امور خدمات رفاهی و هماهنگی سازمانها و

مؤسسات و انجمن‌ها ملی رفاهی خواهد پرداخت، نقش بسیار بزرگی در زمینه امور جوانان، کودکان و سایر گروههای خاص اجتماعی خواهد داشت. حمایت گروههای بیمه نشده و کم درآمد و تأمین حداقل هزینه زندگی آنان براساس فرمان اخیر شاهنشاه آریامهر دایر به تأمین رفاه کلیه گروههای جامعه ایران، اهمیت و نقش این سازمان را نشان می‌دهد.

بنابه فرمان شاهانه از این پس هیچ پیرزنی دست نیاز به سوی هیچکس دراز نخواهد کرد و هیچ افلیج و معلول و ناتوانی به تکیه نخواهد نشست. در اجرای این فرمان از وجود سپاهیان مشمول قانون خدمات اجتماعی زنان در دور افتاده‌ترین نقاط کشور استفاده خواهد شد، در این سازمان هماهنگی در خدمات اجتماعی از طریق شورای عالی رفاه اجتماعی ایجاد خواهد شد و علاوه بر آن به ایجاد مراکز رفاه خانواده و مهد کودک و تأمین نیروی انسانی مؤسسات رفاهی توجه اساسی مبذول می‌شود.

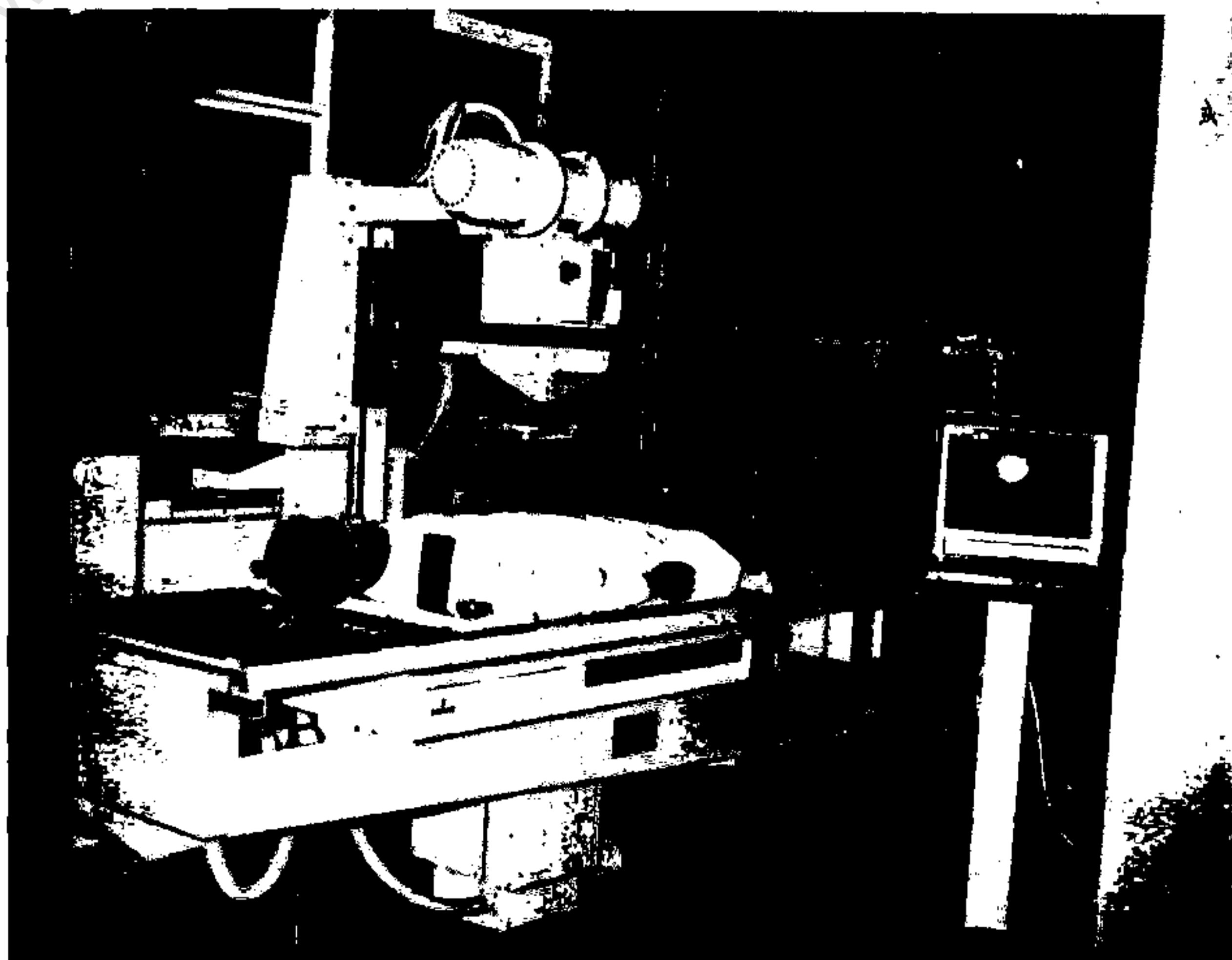
تلاش: از سرای سالمندان چه خبر؟

وزیر رفاه اجتماعی: سرای سالمندان در سال ۱۳۵۱ بفرمان علیاحضرت شهبانو برای نگهداری زنان و مردانی که سن آنها از ۶۰ سال متجاوز بوده تأسیس شد و زیر نظر دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانو آغاز بکار کرده است. باید بگوییم، این سرای که در استاندارد کاملاً منطبق با موقعیت خاص اجتماعی و رفاهی ایران پی ریزی و پایه گذاری شده به صورت نمونه در تهران ایجاد گردیده است، این سرا که در واقع نمونه بارزی از افکار عالیه علیاحضرت شهبانو است، پس از تشکیل وزارت رفاه اجتماعی به عنوان یک نمونه پر ارزش و مبین پیشرفت در کارهای اجتماعی به این وزارتخانه منتقل شد و اینک گروهی از سالمندان، بعضی به اتفاق همسران خود و گروهی تنها، در آنجا زندگی می‌کنند. با توجه به دستور اکید شهبانو، ساختن سراهای دیگر منطبق با استانداردهای مختلف برای سالمندان کم درآمد و یا بطور کلی آنها که درآمدی ندارند در طرح‌ها و برنامه‌های آینده پیش‌بینی شده است.

در لایحه جدیدی که به مجلس تقدیم خواهد شد پیش‌بینی شده در صورتی که برای نگهداری افراد مسن خانواده‌ها احتیاج مادی وجود دارد به عوض اینکه در خانه بخصوص نگهداری کنیم، به آنها کمک کنیم تا از پیران خود نگهداری نمایند در برنامه پنجم نیز چندین خانه برای سالمندان در نقاط مختلف ساخته خواهد شد.

تلاش: بانك رفاه کارگران از مؤسسات

صفحه ۱۴۰ و ۱۴۱



دستگاه مخصوص معالجه معلولان

وابسته به این وزارتخانه است، اگر ممکنست خوانندگان ما را باین بانک آشنا کنید.

وزیر رفاه اجتماعی: در دوست و هشتاد و هفتمین جلسه نوزدهمین دوره قانونگذاری بهنگام گفتگو پیرامون ماده واحده بودجه سال ۱۳۳۸ تبصره‌یی با ماده واحده مذکور به تصویب رسید:

«دولت مجاز است از محل وجوه سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران بانک رفاه برای کارگران تأسیس نماید. اساسنامه بانک مذکور به پیشنهاد وزارت کار باید به تصویب هیأت وزیران برسد.»

بدین ترتیب تأسیس بانک صورت قانونی یافت و وزارت کار و امور اجتماعی در اجرای قانون اقدامات لازم را برای شروع فعالیت این واحد اقتصادی آغاز کرد. در اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ کمیسیونی مرکب از نمایندگان مجلسین که موظف به تجدید نظر در قانون بیمه‌های اجتماعی شده بودند به موجب ماده ۳۸ قانون بیمه‌های اجتماعی مقرر داشت کلیه ذخایر سازمان بیمه‌های به‌وسیله بانک جدید بکار افتد. بانک رفاه کارگران در ۲۹ مرداد ۱۳۳۹ به ثبت رسید و از روز ششم فروردینماه ۱۳۴۰ این واحد اقتصادی برای اجرای وظایفی که در زمینه تأمین رفاه و آسایش کارگران بعهده گرفته بود، رسماً فعالیت خود را آغاز کرد. وظایف اصلی بانک رفاه کارگران طبق اساسنامه، انجام خدمات رفاهی برای کارگران بیمه شده بوده است که رؤوس این خدمات عبارت است از:

«۱- تأمین مسکن (از طریق اعطای وام خرید خانه، رد دین، انجام تعمیرات، ساختن واحدهای مسکونی کارگری).

«۲- اعطای وام ضروری.

«۳- کمک به شرکت‌های تعاونی اعتبار مصرف و مسکن کارگری.

بانک رفاه در مدت خدمت خود توانسته است مبلغ ۲۹۸۴۵۰۳۲ هزار ریال به ۱۵۴۰۰۲ نفر کارگر وام مسکن پرداخت کند ضمناً ۲۲۷۳۲ هزار ریال نیز به ۴۱۷۹ نفر از کارکنان دولت وام مسکن پرداخت نموده است. وام ضروری پرداختی به کارگران از طریق شرکت‌های تعاونی اعتبار به تعداد ۳۶۰۷۶۵ بوده که بالغ بر ۴۳۵۵۰۲۳۰ هزار ریال می‌باشد. «آمارها از آغاز تأسیس تا پایان دیماه ۱۳۵۳ می‌باشد.» شرکت‌هایی که از طریق بانک کارگران تا پایان دیماه ۵۳ تشکیل یافته به شرح زیر است:

در تهران ۲۳۰ اعتبار ۳۱ مسکن ۲۶۱ جمع
شهرستانها ۴۱۱ اعتبار ۱۱۴ مسکن ۵۲۵ جمع

در زمینه خانه سازی بانک رفاه کارگران طرح‌های زیر را به پایان رسانده و خانه‌های ساخته شده را در اختیار کارگران نهاده

است.

کرمانشاه ۲۰۰ دستگاه انفرادی ۱۶۰ آپارتمانی

شیراز ۲۸۶ دستگاه آپارتمانی در طرح اول

شیراز ۱۶۰ دستگاه آپارتمانی در طرح دوم

زاهدان ۹۶ دستگاه انفرادی تحویل شده است

زاهدان ۹۶ دستگاه انفرادی قرارداد بسته شده است

اصفهان ۶۴۰ دستگاه آپارتمان به اتمام رسیده است

اصفهان ۹۴۵ دستگاه در دست ساختمان می‌باشد

تبریز ۵۴۰۰ دستگاه آپارتمان قرارداد بسته شده است

مشهد ۱۲۶۰ دستگاه آپارتمان قرارداد بسته شده است

سربندر ۳۰۴ دستگاه انفرادی ساخته و تحویل سازمان بنادر شده است.

تلاش: خیلی متشکر خواهیم بود هرگاه آگاهی و اطلاعی نیز در زمینه شرکت سهامی خاص خانه سازی ایران وابسته به وزارت رفاه در اختیار ما بگذارید.

وزیر رفاه اجتماعی: شرکت سهامی خاص خانه سازی ایران در آبانماه ۱۳۴۷ بمنظور فعالیت در زمینه تهیه طرح‌های خانه‌سازی و بخصوص بناهای ارزان قیمت جهت کارگران و کارمندان و بسیج نیروهای اقتصادی و تولیدی ضروری برای احداث آنها، با سرمایه گذاری مشترک سازمان بیمه‌های اجتماعی و بانک رفاه کارگران تأسیس گردید و از همان تاریخ تاکنون این شرکت

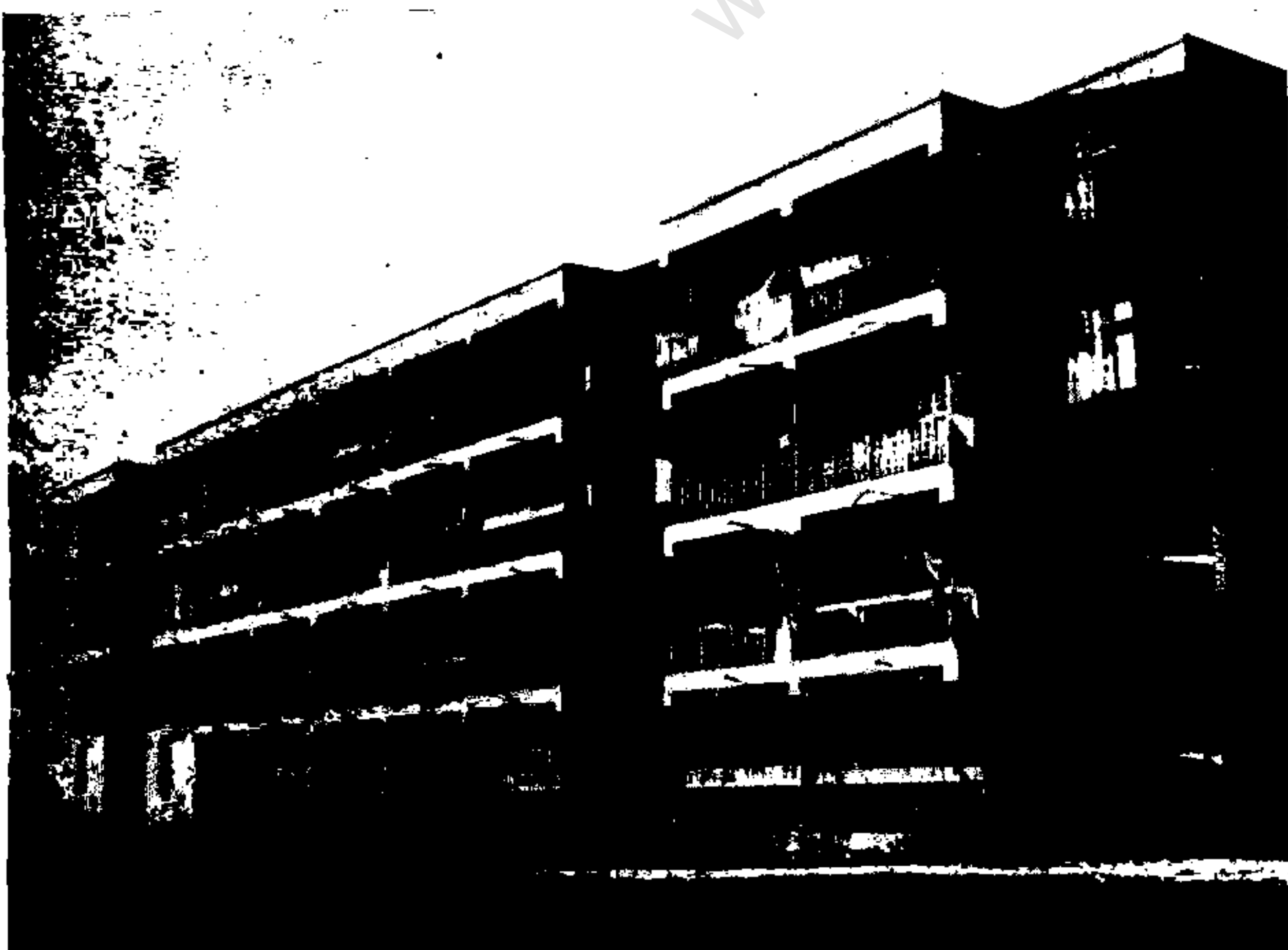
موفق به تهیه طرح و ایجاد بالغ بر ده منطقه مسکونی که هر یک مشتمل بر خانه‌های انفرادی یک یا دو طبقه و بلوک آپارتمانهای چند طبقه (چهار یا بیشتر) و تأسیسات و ساختمان‌های شهری مربوطه در سراسر کشور می‌شود، گشته است.

بعد از مجمع عمومی شرکت سهامی خاص خانه سازی که ۱۵ بهمن ماه ۵۳ تشکیل شد، این شرکت قرارداد ساختمان ۱۹۶ خانه در بندر عباس و ۳۳۰ خانه در بندر بوشهر را بطور مستقل منعقد کرده است. سرمایه اصلی شرکت خاص خانه سازی ایران یکصد میلیون تومان می‌باشد که پیش از این، فقط ۱۰ میلیون تومان بوده است. خانه‌هایی که این شرکت می‌سازد به صورت آپارتمانی، ویلائی و یا تک واحدی است. ۲۰ درصد سرمایه اصلی این شرکت از آن بانک رفاه و ۸۰ درصد بقیه آن به سازمان بیمه‌های اجتماعی تعلق دارد.

تلاش: لطفاً خوانندگان ما را با سازمان بیمه‌های اجتماعی روستاییان آشنا فرمایید.

وزیر رفاه اجتماعی: برای تأمین و اجرای بیمه‌های اجتماعی روستاییان در مقابل حوادث ناشی از کار، بیماریها، از کار افتادگی‌ها و فوت، سازمان بیمه‌های اجتماعی روستاییان بوجود آمده است تا پایان برنامه پنجم کشور حدود ۴ میلیون روستایی و خانواده آنها را زیر پوشش بیمه قرار خواهد داد.

امور درمانی این سازمان به سپاه بهداشت تفویض شده و امور بیمه‌گری روستاییان را سازمان مذکور رأساً بعهده دارد. تعداد بیمه شدگان و افراد تحت تکفل روستاییان در حال حاضر به ۴۰۰۰۰۰ نفر بالغ می‌گردد.



آپارتمان‌های کارگری شیراز



خدا حافظی دوستانه - شاهنشاه و صدام حسین تکریتی رهبر عراق - در فرودگاه الجزیره خدا حافظی می کنند. توافق تاریخی ایران و عراق بوسیله شاهنشاه و تکریتی امضا شد

عبدالعزیز بوتفلیقه وزیر خارجه الجزایر (دوم از راست) متن اعلامیه مشترک ایران و عراق را برای آخرین کنترل در حضور شاهنشاه می خواند. از راست به چپ: صدام حسین تکریتی معاون رئیس جمهوری عراق، بوتفلیقه، شاهنشاه و هواری بومدین رئیس جمهوری الجزایر.

متن اعلامیه مشترک ایران و عراق

لزوم برای اجرای تصمیمات متخذہ کوشش برادرانه بعمل خواهد آورد.

اعلیحضرت شاهنشاه ایران و جناب آقای صدام حسین تصمیم گرفته اند روابط سنتی حسن همجواری و دوستانه خود را بویژه در راه حذف واز بین بردن کلیه عوامل منفی در مناسبات خویش از طریق تبادل نظر مداوم درباره مسائل مورد علاقه مشترک و ایجاد همکاری متقابل برقرار سازند.

طرفین رسماً اعلام می دارند که منطقه باید از هرگونه دخالت خارجی مصون بماند.

بمنظور تعیین نحوه کار کمیسیون مختلط ایران و عراق که جهت پیاده کردن و اجرای تصمیمات متخذہ فوق به توافق مشترک تشکیل خواهد یافت، وزیران امور خارجه ایران و عراق با حضور وزیر امور خارجه الجزایر در تاریخ ۱۵ مارس ۱۹۷۵ در تهران اجتماع خواهند کرد. طبق خواست دوطرف الجزایر بکلیه جلسات کمیسیون مختلط ایران و عراق دعوت خواهد شد.

کمیسیون مختلط دستور کار و روش کار خود را تعیین خواهد کرد و در صورت لزوم بطور متناوب در بغداد و تهران تشکیل جلسه خواهد داد.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه دعوتی را که از طرف پرزیدنت احمد حسن البکر برای انجام یک دیدار رسمی از عراق از معظم له بعمل آمده بامسرت پذیرفته اند، تاریخ انجام این دیدار با توافق مشترک تعیین خواهد شد.

از سوی دیگر جناب آقای صدام حسین پذیرفته اند که در تاریخی که بعداً از سوی طرفین تعیین خواهد شد از ایران دیدار رسمی بعمل آورند.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه و جناب آقای صدام حسین معاون ریاست جمهوری عراق از پرزیدنت هواری بومدین که باالهام از احساسات برادرانه و بی نظرانہ تماسهای مستقیم رهبران عالی دو کشور را تسهیل کرده و بدین لحاظ بایجاد یک اصل نوین در مناسبات میان ایران و عراق و بفتح مصالح عالی آیندہ منطقه کمک کرده اند صمیمانه سپاسگزاری کردند.

ایران و عراق روز ۱۵ اسفند اعلام کردند که در مورد رفع اختلافات دو کشور بتوافق رسیده اند و شاهنشاه آریامهر بدعوت پرزیدنت البکر بازدیدی از عراق بعمل خواهند آورد. متن اعلامیه مشترک که در ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه بوقت محلی (۱۹ بوقت تهران) در حضور شاهنشاه و پرزیدنت بومدین و آقای صدام حسین معاون رئیس جمهوری عراق در یکی از تالارهای کاخ ملل در برابر صندیا خبرنگار بوسیله آقای بوتفلیقه وزیر خارجه خوانده شد از این قرار است:

طی اجلاس کنفرانس کشورهای اوپک که در الجزیره برگزار شد بابتکار پرزیدنت بومدین، اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران و جناب آقای صدام حسین معاون شورای فرماندهی انقلاب عراق در دونوبت بایکدیگر ملاقات کردند و به تفصیل درباره مناسبات میان ایران و عراق بمذاکره پرداختند، این مذاکرات که در حضور پرزیدنت بومدین انجام گرفت آمیخته از مراحات و اراده صادقانه دو طرف برای دست یافتن بیک راه حل قطعی و پایدار جهت کلیه مسائل معوقه میان دو کشور بود.

بارعایت اصول احترام بتمامیت ارضی و تجاوزناپذیری مرزها و عدم دخالت در امور داخلی، طرفین تصمیم گرفتند:

۱- مرزهای زمینی خود را براساس پروتکل قسطنطنیه مورخ سال ۱۹۱۳ و صورت جلسه های کمیسیون تعیین مرز مورخ سال ۱۹۱۴ تعیین کنند.

۲- مرزهای آبی خود را براساس خط تالوک تعیین نمایند.

۳- با این کار دو کشور امنیت و اعتماد متقابل را در امتداد مرزهای مشترک خویش برقرار خواهند ساخت. طرفین بدین سان متعهد می شوند که در مرزهای خود یک کنترل دقیق و مؤثر بمنظور قطع هرگونه رخنه و نفوذ که جنبه خرابکارانه از هر سو داشته باشد اعمال کنند.

۴- دو طرف توافق کرده اند که مقررات فوق عواملی تجزیه ناپذیر جهت یک راه حل کلی بوده و نتیجتاً بدیهی است که نقص هریک از مفاد مواد فوق مغایر روحیه توافق الجزیره می باشد.

دوطرف با پرزیدنت بومدین در تماس دائم باقی خواهند ماند و پرزیدنت بومدین در صورت

فهرست رویدادها

۸۲	مصاحبه شاهنشاه آریامهر با اشیگل
۸۷	سالروزها
۸۸	اقتصادی
۹۲	افزایش ارزش ریال نسبت به دلار
۹۳	کتابها
۹۴	فرهنگی
۹۵	ورزشی
۹۶	متفرقه

الجزیره - بتاريخ ۶ مارس ۱۹۷۵

صفحه شصت و یکم

اشپیگل: اعلیحضرتا، اگر يك روز رئیس ستاد ارتش شما اطلاع دهد که نیروهای امریکایی در سواحل خلیج فارس پیاده شده‌اند تا حوزه‌های نفتی را به‌اشغال خود در آورده‌اند چه اقدامی خواهند فرمود؟
شاهنشاه: منظور شما حوزه‌های نفتی ما است یا اینکه حوزه‌های نفتی دیگران؟

اشپیگل: فرض می‌کنیم حوزه‌های نفتی دیگران باشد. شاهنشاه: این امر ظاهراً بسیار بعید بنظر می‌رسد زیرا اولاً این اقدام از جانب سازمان ملل متحد و سرتاسر جهان متملن محکوم خواهد شد، گذشته از این، باعکس‌العملی از جانب دولتهای درگیر روبرو خواهد گردید. این سؤال نیز مطرح می‌شود که چه کشورهایی برای اشغال شدن انتخاب می‌گردند. آیا باید همه کشورها اشغال شوند یا اینکه فقط يك کشور؟ عکس‌العمل يك چنین اقدامی چگونه خواهد بود؟ من حتی به موفقیت امریکاییها اعتقاد ندارم زیرا قوای نظامی چند کشور برای مقاومت کافی است.

اشپیگل: کارشناسان نظامی می‌گویند که عملیات اشغال حوزه‌های نفتی برای ارتش امریکا يك مسأله غیرقابل حل نیست، فقط سه لشکر برای اشغال نقاط حساس کافیهست، در صورتیکه این عملیات فقط به ۵۰۰ کیلومتر از سواحل خلیج فارس محدود شود. اما در مورد دور از انتظار بودن این مسأله، در غرب نیز مدتها لشکرکشی شوروی به چکسلواکی غیرقابل تصور می‌نمود. اما شورویها هنگامیکه منافع حیاتی خود را در خطر دیدند باوجود اینکه همه، عمل آنها را محکوم می‌کردند بدین اقدام متوسل شدند.

شاهنشاه: اما آنها خطوط ارتباطی زمینی و هوایی و راه آهن را در اختیار داشتند چند جاده در سایر کشورهای سوسیالیستی برای لشکرکشی در اختیار آنها قرار داشت. اشپیگل: در مورد عملیات نظامی که از طریق هوا و زمین و دریا صورت می‌گیرد تاکنون امریکاییها شکست ناپذیر بوده‌اند.

شاهنشاه: من فکر نمی‌کنم که ظرفیت حمل و نقل آنها برای نقل و انتقال نیرو کافی باشد. آنها برای عملیات هوایی نیز موقعیت لازم را ندارند، بیاد بیاورید که آنها حتی در اثنای جنگ ۷۳ برای رسانیدن کمک دچار اشکال شده بودند تا چه رسد به اینکه نیرو در جبهه پیاده کنند، و از خاور نزدیک تا پایگاههای آمریکا فاصله زیادی وجود دارد، اما من شخصاً تصور نمی‌کنم که این امر صورت بگیرد. اشپیگل: اظهارات کیسینجر وزیر امور خارجه امریکا جنبه يك تهدید توخالی نداشته است و این تهدید بعلت اشتباه لفظی نیز رخ نداده است بلکه اظهارات وی کاملاً حساب شده بود.

شاهنشاه: اخیراً مذاکرات پیرامون مسائل انرژی در واشینگتن انجام شده است و در آینده کشورهای تولیدکننده و مصرف کننده نفت برای تفاهم گرد هم خواهند آمد. از این جهت شاید امریکاییها می‌خواهند در این مذاکرات از موقعیت مستحکمی برخوردار باشند. اما من تصور نمی‌کنم که این اظهارات منجر به تهدید گردد.

اشپیگل: یکبار دیگر عنوان می‌کنیم آیا نمونه پراک

نشان نمی‌دهد که گاهی مواقع اقدامات غیرقابل تصور جنبه عملی بخود می‌گیرند؟

شاهنشاه: من فکر می‌کنم دکتر کیسینجر گفته است که این امر زمانی اتفاق خواهد افتاد که غرب در معرض خطر واختناق قرار گیرد وجریان نفت قطع شود و چرخهای زندگی آنها از کار بیفتند.

اشپیگل: خلاصه اینکه بفرض امریکاییها در صحرای مجاور مانوری ترتیب داده‌اند تا مهربازان آنها برای جنگ صحرایی آماده شوند و هدف آنها صرفاً نمایش بوده است، اما واشینگتن با این موقعیت بغرنج که نمیتواند به ۸۰ میلیون عرب اجازه دهد که آنها ۸۰۰ میلیون نفر در ایالات متحده امریکا و ژاپن و اروپا را نابود کنند.

شاهنشاه: اولاً من تصور نمی‌کنم که اعراب قصد ویران کردن غرب را داشته باشند آنها نسبت به ویران ساختن غرب علاقه‌ی ندارند برخی از آنها حتی دوستان خوب غرب می‌باشند تا نیا نتیجه مداخله‌ها تاکنون چه بوده است؟ ویتنام را در نظر بگیرید.

اشپیگل: آمریکاییها در ویتنام مداخله کردند با وجودیکه آنها در آنجا بایک مسئله حیاتی نظیر مسأله نفت روبرو نبودند.

شاهنشاه: اما ویتنام از آنها تقاضای کمک کرده بود این اقدام يك کار خلاف نبود و يك اقدام قانونی محسوب می‌شد که برپایه درخواست کمک استوار بود و این امر از نظر حقوق بین‌المللی برسیت شناخته شده محسوب می‌شود. اشپیگل: اما در تاریخ سیاسی جهان کارهای خلاف بسیار صورت گرفته است.

شاهنشاه: متأسفانه در خیلی مواقع بلی.

اشپیگل پس شما بطور کلی امکان مداخله غرب و احتمال اشغال حوزه‌های نفتی خود را رد می‌کنید و یا اینکه شما تدابیر دفاعی لازم را بعمل آورده‌اید؟

شاهنشاه: آنچه ذکر گردید، شامل کشور من نمی‌شود، زیرا ما هرگز در يك تحریم نفتی شرکت نخواهیم کرد. اما برای اینکه جوابی بشما داده باشم می‌توانم بشما بگویم که هیچ کشوری با سلاحهای معمولی و تا سرحد سلاحهای اتمی نمی‌تواند به کشور من حمله کند، بدون اینکه بامقاومتی مواجه نشود. احتمالاً هیچ کشوری شاید بغیر از شوروی نمی‌تواند نیرو در خاک ما پیاده کند.

اشپیگل: حالا که شما نام شوروی را ذکر کردید آیا این خطر وجود ندارد که شوروی پس از پیاده شدن نیروهای امریکایی در شیخ نشینها و یا عربستان سعودی منافع خود را در خطر ببیند و قسمتی از کشور شما را نظیر گذشته اشغال کند؟

شاهنشاه: کشور من؟ نمی‌دانم، ما مقاومت خواهیم کرد، ما مطلقاً همه چیز را نابود خواهیم کرد. فکر نمی‌کنم که کسی علاقه‌ی به اشغال يك کویر خشک و خالی داشته باشد. اشپیگل: منظور اشغال حوزه‌های نفتی است.

شاهنشاه: اما آن نیز به آسانی تقدیم شما نخواهد شد.

اشپیگل: راستی منظور شما در آن زمان که امریکا را

از برخورد با کشورهای نفت خیز پس از اختطاری که پرزیدنت فورد و کیسینجر در مورد عدم افزایش قیمت نفت داده بودند بر حذر داشتید چه بود؟ شما گفتید اگر این سیاست جدی دولت امریکا باشد در این صورت ما برخورد شدیدی خواهیم داشت.

شاهنشاه: منظور من برخورد نظامی نبود بلکه برخورد قیمتها بود. آیا ارزش واقعی انرژی ما چیست؟ بگذارید مقایسه کنیم و بعد قیمت را با شاخص ۲۰ الی ۳۰ کالا با هم مربوط سازیم. چرا ما باید قدرت خرید خود را از دست بدهیم بخاطر اینکه تورم در کشورهای شما رواج دارد و هر روز قدرت خرید ما کاهش می یابد؟

اشپیگل: براساس آمار سازمان ملل متحد قیمت تولیدات صنعتی از سال ۱۹۶۰ تا کنون ۸۶ درصد افزایش یافته است اما افزایش درآمد کشورهای خلیج فارس در هر بشکه نفت ۱۱۳۶ درصد بوده است از سال ۱۹۷۰ قیمت اجناس صادراتی ۵۵ درصد افزایش یافته است اما درآمد دولتهای کشورهای عضو اوپک برای هر بشکه نفت ۹۵۵ درصد افزایش نشان می دهد. آیا باتوجه به این ارقام فکر می فرمایید واقعاً بجاست که قیمت نفت با شاخص قیمت لاقل ۳۰ درصد کالای صنعتی مورد نیاز و مواد خام، بیکدیگر مربوط شود همانطور که اعلیحضرت پیشنهاد می فرمایند؟

شاهنشاه: بله شما می توانید از این جنبه به این موضوع بنگرید، اما تصور دیگری نیز وجود دارد. در سال ۱۹۴۷ قیمت اعلام شده نفت در خلیج فارس هر بشکه ۲۱۷ دلار بود و در سال ۱۹۵۹ این قیمت به ۱۷۹ دلار کاهش یافت، در حالیکه در همین مدت زمان قیمت کالاهای صنعتی افزایش یافته بود. بیماری اقتصاد جهان غرب ریشه دیرینه دارد و این بیماری سالها قبل از افزایش قیمت نفت آغاز گردید. اشپیگل: اما پنج برابر کردن قیمت از جانب شما اقتصاد غرب را تهدید می کند و زمانی برای آمادگی برای مقابله با این افزایش قیمت وجود نداشت. آقای کیسینجر در اوائل ماه جاری اظهار داشت که کلیه کشورهای غرب بغیر از آلمان فدرال در هجده ماه آینده با مشکلات جدی اقتصادی بعثت کسر موازنه پرداختهای بهای نفت مواجه خواهند شد. شاهنشاه: من در اینجا فوراً جمله او را اصلاح می کنم که نفت فقط سبب افزایش نیم درصد از تورم امریکا شده است و این قیمت در افزایش ۲ درصد تورم اروپا و ژاپن مؤثر بوده است یعنی دو درصد برای زمانی که تورم در ژاپن به ۴۷ درصد رسیده بود.

اشپیگل: اما موضوع افزایش یک یا دو درصد تورم مطرح نیست بلکه مسأله کسر موازنه پرداختی مطرح است. شاهنشاه: پیشنهادهایی دارم، ما تاسیس صندوق کمک ویژه را سازمان ملل پیشنهاد کرده ایم فرض کنیم دوازده کشور از ما، می توانند ۵۰ میلیون دلار و یابیشتر به این صندوق کمک کنند ۱۲ کشور صنعتی نیز باید در این امر شرکت کنند و ۱۲ کشور دریافت کننده نیز همینطور و این ۳۶ کشور در مورد پروژههای کشورهای در حال توسعه در یک شورای نظارت تحقیق خواهند کرد برای پروژههایی که مورد تأیید قرار بگیرد و امی بایره ۴۵ درصد و بمدت ۲۵ سال به این کشورها داده خواهد شد. و این بهره تقریباً بسیار ناچیز است. برای کمک به کشورهای صنعتی که بتواند بر مشکلات خود در اندک زمانی فائق آیند باید وامهایی طویل المدت از جانب تولید کنندگان نفت در اختیار آنان قرار گیرد و این شامل کشورهایی می شود که از فروش نفت مازاد موازنه پرداختی دارند. این امر شامل حال ما نمی شود. ما سفارشهای زیادی به فرانسه و انگلیس و آلمان داده ایم.

مسأله آن اضافه پولی است که بعضی از کشورها قادر به خرج کردن آن نیستند.

اشپیگل: آیا واقعا تصور می فرمایند که بازگرداندن درآمدهای اضافی به اقتصاد غرب بسادگی قابل اجرا است؟ در حال حاضر کشورهای عضو اوپک ۱۶۴ میلیون دلار و یا هر ساعت ۶۸۸ میلیون دلار اضافه درآمد دارند کویت کوچک برای خرید چهارده درصد از سهام پتر فقط به درآمد ۱۵ روز نیاز دارد و باین سرعتی که پول کشورهای اوپک روبه افزایش نهاده است آنها می توانند در مدت کوتاهی کلیه اوراق بهاداری را که در بورسهای فرانسه و آلمان معامله میشود خریداری کنند. باین پولها که به ارقام نجومی شباهت دارند، چه خواهد شد؟

شاهنشاه: بازگردانیدن این پولها چندان دشوار نخواهد بود زیرا اولاً این کشورها باید مقداری از این پولها را برای داخل کشور خود مصرف کنند و ثانیاً آنها باید به کشورهای اسلامی دیگر کمک کنند. آنها می توانند بدوستان خود وام بدهند و به این ترتیب بخش اعظمی از پولهای آنها بمصرف خواهد رسید و بقیه به اقتصاد جهانی سرازیر خواهد شد.

اشپیگل: عبارت دیگر اعراب چاره ای ندارند جز اینکه به کشورهای وام دهنده تبدیل شوند و داستان همان داستان وام دهنده بی است که پول خود را پس نگرفته است.

شاهنشاه: اکنون این سؤال را مطرح می کنم که با وجود آن میلیاردها و میلیاردها دلار اروپایی چه شده است آیا این پولها اقتصاد اروپا را ویران کرده است؟ چند میلیارد دلار اروپایی وجود داشت؟

اشپیگل: بیش از ۱۵۰ میلیارد.

شاهنشاه: هنگامیکه ما بایک نظام پولی ناسالم مواجه هستیم با افزایش قیمت طلا نمی توانیم کاری انجام دهیم زیرا چه کسی از آن استفاده می کند؟ مسلماً کشورهای ثروتمند نه فقیر، هند طلا ندارد و کشورهای پرمجموعت آسیا و آمریکای جنوبی نیز فاقد طلا هستند بدین ترتیب باز هم اختلافاتی با کشورهای ثروتمند غرب بروز خواهد کرد.

اشپیگل: البته این یک راه حل نیست و بجز فرانسه نیز هیچ کشوری خواستار آن نمی باشد.

شاهنشاه: فراموش نکرده اید که در صورتیکه همینطور به مصرف نفت ادامه داده شود این ماده ظرف ۳۰ تا ۵۰ سال دیگر تمام خواهد شد.

اشپیگل: کشف منابع جدید انرژی تازمانیکه قیمت نفت بالا نگه داشته شود مورد علاقه کشورها خواهد بود. شاهنشاه: این راه درست است.

اشپیگل: اما در مدت زمانی که غرب برای یافتن منابع انرژی تلاش می کند قیمت نفت باید کاهش یابد اخیراً دو انستیتوی امریکایی، یکی مؤسسه صنعتی ماساچوست و دیگری بورگینگ اظهار نظر کرده اند که قیمت نفت در سال ۱۹۷۸ بمیزان قابل توجهی کاهش خواهد یافت زیرا در آن زمان کشورهای اوپک قادر نخواهند بود تمام نفتی را که مایلند بفروش برسانند آیا تصور نمی فرمایند که این کارشناسان حق داشته باشند.

شاهنشاه: شاید، اما نفت مازادی وجود نخواهد داشت، زیرا مصرف کاهش نمی یابد.

اشپیگل: اما در آن صورت اعلیحضرت نمی توانند آنقدر که مایل هستند نفت بفروش برسانند تا بتوانند برنامه های عظیم خودشان را تحقق بخشند در حالیکه این امر شامل حال عربستان سعودی و شیخ نشینهای کوچک نخواهد بود چه کسی باید تصمیم بگیرد که در چه کشوری تولید نفت

کاهش یابد. بطوریکه می‌دانند کشورهای اوپک در گذشته در مورد سهمیه فروش نفت نتوانسته‌اند بتوافق برسند. شاهنشاه: شاید روزی این توافق حاصل گردد در صورت بروز اختلاف مسلماً این کشورها نظیر گذشته متحد خواهند شد.

اشپیگل: آیا فکر نمی‌فرمایند که در داخل اوپک اختلاف بروز کند؟

شاهنشاه: البته همه‌چیز امکان دارد.

اشپیگل: نظر شاهنشاه در مورد اظهارات یمانی وزیر نفت عربستان سعودی که طرفدار کاهش قیمت نفت است چیست؟

شاهنشاه: نمی‌دانم که آیا آقای یمانی منافع عربستان سعودی را در نظر دارد و یا اینکه منافع شرکتها را.

اشپیگل: اعلیحضرتا در ماههای اخیر هر اروپایی متوسطی که روزنامه‌یی را باز میکند باین قبیل جملات مواجه می‌شود «شاهنشاه به پان امریکن پیشنهاد کمک فرموده‌اند»، «شاهنشاه فیات را خریداری می‌فرمایند»، «شاهنشاه به کارخانه هواپیما سازی گرومن کمک می‌کنند» گاهی اوقات حتی دوتا سه نوع از این قبیل خبرها در یک صفحه بچشم می‌خورد. آیا این فعالیتها منعکس می‌گردد و یا در پشت پرده صورت می‌گیرد؟

شاهنشاه: حقیقت ندارد ما گرومن را نخریده‌ایم، ما فقط به آنها وام داده‌ایم سؤال می‌کنید چرا؟ باید بگویم زیرا که ما از آنها هواپیما خریداری می‌کنیم. ما مایل هستیم که گرومن به تولید خود ادامه دهد و این یک قسمت از سیاست دفاعی ما را تشکیل می‌دهد.

اشپیگل: در مورد پان امریکن چطور؟

شاهنشاه: مسأله خریدن پان امریکن مطرح نیست، بلکه منظور حفظ منافع مشترک است و اینکه یک شرکت، مسافر شرکت دیگر را از دستش بیرون نیاورد.

اشپیگل: در مورد فیات چطور؟

شاهنشاه: ما فیات را نخواهیم خرید، اما فیات این شانس را دارد که در کشور ما تولید کند. آنها نظیر فولکس واگن باین امر علاقه‌یی نداشتند. ما چند سال قبل از فولکس واگن تقاضا کردیم که بایران بیایند و کارخانه بسازند. آنها باین امر علاقه‌یی نداشتند امروز آنها تقاضا دارند و ما جواب منفی می‌دهیم.

اشپیگل: در عوض شما با رنو قرارداد منعقد ساختید. شاهنشاه: فولکس واگن بدرخواست ما توجهی نکرد. موضوع انتقام نیست، اما می‌بینید که ما اتومبیل می‌سازیم. ایران ناسیونال کارخانه خود ما مدل‌های ۱۰۰۰ تا ۱۸۰۰ سانتی‌متر مکعب می‌سازد. بنابراین ما کارخانه نظیر فیات دیگر وارد نخواهیم کرد که اتومبیل‌های ۱۰۰۰ تا ۱۸۰۰ سانتی‌متر مکعب بسازیم.

فولکس واگن نیز در همین ردیف قرار دارد. باین دلایل ما به ساختن اتومبیل‌هایی بالای ۱۸۰۰ سانتی‌متر مکعب علاقمند هستیم.

اشپیگل: بنابراین فولکس واگن دیر جنبید.

شاهنشاه: فولکس واگن ظاهراً خیلی دیر جنبید.

اشپیگل: هفته گذشته فاش شد که شما ۴ فروند هواپیمای کنکورد سفارش داده‌اید این خبر برای انگلیسها غیرمترقبه بود.

شاهنشاه: این امر حقیقت ندارد.

اشپیگل: چند هواپیما سفارش داده‌اید؟

شاهنشاه: دوفروند اما امتیاز خرید یک فروند دیگر را نیز داریم.

اشپیگل: بسیاری از کارشناسان غرب می‌گویند که این هواپیما گران است و هزینه آن بالا می‌رود و مقرون به صرفه نیست که در خطوط هوایی از آنها استفاده شود. آیا طور دیگری هزینه‌ها را تجزیه و تحلیل می‌فرمایند؟

شاهنشاه: نه در این مورد اختلاف عقیده وجود دارد، برد آن زیاد نیست و ظرفیت آن نیز کافی نمی‌باشد اما برای مسافرتها‌ی خصوصی در صورتیکه «یاتا» باافزایش قیمت بلیط هواپیما موافقت کند می‌توان از آن استفاده کرد. اما باکنکورد پرواز کردن بسیار عالی است.

اشپیگل: آیا شاهنشاه شخصاً این هواپیما را هدایت فرموده‌اند؟

شاهنشاه: خیر من در کابین خلبان کنکورد نشسته‌ام ولی آنرا هدایت نکرده‌ام اما اکثر اوقات هدایت هواپیما اتوماتیک صورت می‌گرفت. من از ماری تا تهران را دو ساعت و شش دقیقه پرواز کردم. هنگامیکه از هواپیما پیاده شدم هیچگونه خستگی احساس نمی‌کردم. خیلی‌ها حاضر خواهند بود که پول بیشتری بپردازند.

اشپیگل: بهار گذشته یک هیأت مرکب از صاحبان صنایع آلمان از کشور شما دیدن کرد که در گذشته نظیر آن سابقه نداشت. اما اکنون ظاهراً موفقیت چندانی حاصل نشده است چه اقداماتی باعدم موفقیت روبرو شده است.

شاهنشاه: فکر می‌کنم که با عدم موفقیت روبرو نشده‌ایم. همه‌چیز بخوبی پیش می‌رود اما هنوز منتظر تصمیم آلمان در مورد پالایشگاه بوشهر هستیم.

اشپیگل: شما می‌دانید که هنوز مسائل حل نشده‌یی با گمرک کشورهای بازار مشترک وجود دارد.

شاهنشاه: این مشکلات را شما باید در میان سازمانهای خود حل کنید. کشور من در آینده روش سخت‌تری در مقابل بازار مشترک اتخاذ خواهد کرد. زیرا ما حق داریم که امتیاز خاصی خواستار شویم. زیرا ما در سالهای آینده ۵۰ درصد گاز اروپا را تأمین خواهیم کرد. سرنوشت اروپا به سرنوشت کشور من بستگی دارد و برعکس.

اشپیگل: وزیر اقتصاد ما می‌گوید که در مذاکرات بروکسل برای کاهش حقوق گمرکی فرآورده‌های نفتی پالایشگاه اختلافات شدیدی وجود دارد.

شاهنشاه: فرانسه قول داده است که برای ما در حوزه بازار مشترک امتیازاتی قائل شود. اگر شما نیز از این امر حمایت کنید دیگر مسأله‌یی نخواهد بود.

اشپیگل: صاحبان صنایع که ما با آنها صحبت کرده‌ایم می‌گویند که اساس پروژه‌ها تغییر یافته است. به هنگام آغاز مذاکرات صحبت از همکاری مشترک بود. بعد از آن قانون نفتی شما تصویب شد که مشارکت خارجی‌ان در تولید نفت و فرآورده‌های آن ممنوع گردید.

شاهنشاه: این موضوع صحت ندارد. این یک پروژه مشترک است. مالکیت تأسیسات به‌تعلق خواهد داشت و میزان سرمایه پس از ۱۵ سال بازپرداخت خواهد شد.

اشپیگل: شرکت‌های آلمانی بما گفته‌اند که شما احتمالاً به‌اجرای این پروژه علاقه‌یی ندارید البته در صورتیکه قیمت نفت خامی که باین پالایشگاه داده میشود یک قیمت استثنایی نباشد.

شاهنشاه: نفتی که شما برای پالایشگاه نیاز دارید و آنرا وارد می‌کنید به‌چه قیمتی می‌خرید؟

اشپیگل: آیا قیمت مخصوص وجود نخواهد داشت؟ شاهنشاه: این تأسیسات تنها شامل یک پالایشگاه نبوده بلکه شامل تأسیسات پتروشیمی نیز خواهد بود و بدین ترتیب می‌توان باتولید فرآورده‌های دیگر درآمد بیشتری کسب

کرد. همه اینها به این موضوع بستگی دارد که این تأسیسات به چه نحوی بنا می شود. اگر تأسیسات خودکار و جدید باشند مسلماً سود سرشاری عاید شما می شود.

اشپیگل: مذاکرات باردیگر از سر گرفته می شود اما آلمانیها نسبت به نتیجه مذاکرات بدبین هستند و نگران شکست آن هستند.

شاهنشاه: این موضوع برای طرفین نأسف آور خواهد بود.

اشپیگل: شما باکروپ شرکت جدیدی در سوئیس تأسیس کرده اید. وظایف دقیق این شرکت چیست؟

شاهنشاه: وظیفه این شرکت اینست که به معاملات مشترک بپردازد، مثلاً با آمریکای جنوبی و با کشورهای دیگر.

اشپیگل: مثلاً یک پروژه مشترک برای احداث یک کارخانه ذوب آهن جدید.

شاهنشاه: برای نمونه و یا کارهای دیگری که کروپ و با ما بآن علاقمندیم.

اشپیگل: آیا پروژه های خاصی در نظر گرفته شده است؟

شاهنشاه: هنوز نه.

اشپیگل: اعلیحضرت در مصاحبه سال گذشته می فرمودند که علاقه دارند که از سهام شرکتهای درجه ۱ آلمانی مثلاً نظیر بایر خریداری کنند. اما بغیر از سرمایه گذاری در کروپ اقدام دیگری در این زمینه بعمل نیامد علت چه بود؟

شاهنشاه: ما پیشنهادی دریافت نکرده بودیم.

اشپیگل: اما شما می توانستید به بازار مراجعه کنید.

شاهنشاه: بلی ما می توانستیم و ماسعی کردیم حالا می توانیم این واقعه را برای شما تعریف کنیم، ما سعی کردیم که سهام «کرافت» در دایملر بنز را خریداری کنیم. ما می خواستیم آنرا به قیمت بازار بدست آوریم. اما به یک باره این سهام به قیمت خواسته شده به فروش رفت اما

کویت چه کاری می تواند برای مرسدس انجام دهد؟

اشپیگل: شما چه می توانید؟

شاهنشاه: اگر ما مرسدس را خریداری می کردیم می توانستیم همه سفارشهای خودمان را باین کارخانه بدهیم.

زیرا در این صورت آن یک مؤسسه ایرانی می شد و ما برای آن امتیازات زیادی قائل می شدیم. وضع مرسدس هنوز خوب است اما معلوم نیست که سال ۱۹۷۵ و بعد از آن چگونه بشود.

ما می توانستیم ۱۰۰۰۰۰ اتومبیل در سال به مرسدس سفارش بدهیم (البته این رقم را بعنوان یک رقم رسمی تلقی نکنید.)

اشپیگل: آیا شما واقعاً ۱۰۰۰۰۰ متقاضی برای خرید مرسدس بنز دارید؟

شاهنشاه: بلی امروز ما می توانیم با قدرت خرید ملت خود همه چیز را خریداری کنیم.

اشپیگل: آیا شما پیشنهادی به فامیل «فلیک» برای خرید سهام بنز بدین خانواده داده اید؟

دویچه بانک آلمان ۲۹ درصد از سهام «فلیک» را خریداری کرد که از انتقال اکثریت سهام بایرانیها و کویتیها جلوگیری کند.

شاهنشاه: دویچه بانک ۴۹ درصد از سهام را خریداری کرده است؟ از چه شخصی؟

اشپیگل: ۲۹ درصد از سهام مرسدس بنز «فلیک» را شاهنشاه: آیا فلیک سهام خود را فروخته است؟

اشپیگل: بلی.

شاهنشاه: که اینطور.

اشپیگل: بلی.

شاهنشاه: بنابراین ما چیزی برای گفتن نداریم.

اشپیگل: آیا شما به فلیک پیشنهادی داده بودید؟ شاهنشاه: ما در این مورد گفتگویی داشتیم و این تنها مطلبی است که می توانم بگویم اما اکنون که دویچه بانک اکثریت سهام را در اختیار دارد ما نمی توانیم حرفی بزنیم.

اشپیگل: شما ناراحت نیستید؟

شاهنشاه: اصلاً چرا باید باشیم ما جنرال موتورز را در کشور داریم که اتومبیلهای باری سنگین تولید می کند.

اما شما بازار یکصد هزار اتومبیل را در ایران از دست می دهید.

اشپیگل: هلموت اشمیت صدراعظم آلمان یکبار اظهار داشت که وی مایل به سرمایه گذاری کشورهای نفتی در

کارخانه های آلمانی است اما نه در هرزمینه ای، او اجازه فروش شرکتهایی نظیر «کرافت و رک یونیون» که برای ما نیروگاه اتمی می سازد و برای ما جنبه حیاتی دارد نخواهد داد آیا شما به خرید ۵۰ درصد از سهام این شرکت که آماده

فروش است و برای شما نیروگاه اتمی می سازد تمایل دارید؟

شاهنشاه: ماهرگز در این اندیشه نبوده ایم. من در این موضوع با صدراعظم آلمان توافق دارم که گفته است هر

کشوری باید صنایع مهم حیاتی خود را در کنترل دولت خود داشته باشد و یا در کنترل مردم آن مملکت. هنگامیکه

ما یک چنین کارخانه هایی خریداری می کنیم نمی خواهیم که به کشوری رخنه کنیم و یا بر آنها تسلط داشته باشیم. من

بخوبی بیاد می آورم که با شرکتهای خارجی که در کشور ما موقعیتهای حساسی کسب کرده بودند چه کردیم. ما آنها را ملی اعلام کردیم. شما نیز می توانید همین کار را بکنید.

اشپیگل: دقیقاً از طرف دیگر فرانسه شما را در شرکت تهیه اورانیوم پذیرفته است و ماه گذشته شیراک نخست وزیر

فرانسه موفق شد سفارشهای زیادی برای صنایع فرانسه از شما دریافت کند بزرگترین سفارش هائی که فرانسه تاکنون دریافت کرده است، آیا می خواهید بیشتر بفرانسه تکیه کنید و

مایحتاج صنایع خود را از فرانسه تأمین کنید.

شاهنشاه: نه اینطور که منظور شما است. اما روابط نزدیکی با فرانسه داریم آنها پرتحرک بودند و در مورد مسأله

برفور تصمیم گرفتند و بنا نگفتند که در این امر مشکلی داریم. آنها آمدند و قراردادهای امضاء کردند و اکنون همه کارها پیشرفت می کند. ما حاضریم در صورتیکه آلمان حاضر باشد همین معامله را با آلمان نیز بکنیم.

اشپیگل: شرکتهای آلمانی بما گفتند که شما از نظام اقتصادی ما ناراضی هستید چه ایرادی در این نظام وجود دارد؟

شاهنشاه: همین امر می تواند یکی از مشکلات آن باشد.

اشپیگل: آلمانیها ادعا می کنند که نظام تلویزیون رنگی پال بر نظام سکام فرانسه برتری دارد و همه کارشناسان شما با ایجاد سیستم پال توافق داشته اند. با اینحال شما سکام را انتخاب کردید.

شاهنشاه: آنها واقعاً پال را بهتر نمی دانستند، یکسال قبل آنها می گفتند که پال امتیازاتی دارد. مثلاً در مورد

نشان دادن تصویر برای امور آموزشی. اما این عمل اکنون با سکام نیز انجام می شود.

اشپیگل: آقای شیراک از اینکه نظر شما را برای خرید سیستم سکام جلب کرده است بسیار مغرور است و برای آن ارزش سیاسی قائل است.

شاهنشاه: من فکر می کنم که این امر عادی است زیرا فرانسه در مورد سیاست نفت روش کاملاً بیطرفانه ای دارد.

فرانسه هرگز نخواسته است که به اختلافات خود با ما دامن بزند.

اشپیگل: آلمان نیز چنین کاری نکرده است.

شاهنشاه: در ظاهر نه.

اشپیگل: آیا می‌توانید در این مورد توضیحی بدهید در زمان جنگ خاورمیانه آلمان حتی با بهترین هم‌پیمان خود اختلاف پیدا کرد.

شاهنشاه: می‌خواهم در این باره توضیحی ندهم.

اشپیگل: در مورد نظام سکام کارخانه‌های آلمانی تصمیم شما را برای خرید این نظام بمنزله یک سیلی تلقی می‌کنند. آیا هدف همان بود؟

شاهنشاه: نه، نه.

اشپیگل: آیا دلایل شخصی نقشی نداشته‌است، فرانسویها می‌گویند که اعلیحضرت زبان فرانسه را بخوبی یک فرانسوی صحبت می‌فرمایند، بامیل روزنامه‌ها و کتب فرانسوی می‌خوانند و خودشان را با فرهنگ فرانسه مربوط می‌دانند همه اینها می‌توانند نقشی ایفا کنند.

شاهنشاه: نه، نه من هرگز احساسات را با سیاست و اقتصاد

در نمی‌آمیزم.

اشپیگل: شما در فرانسه با پرداخت یک میلیارد دلار در شرکت تهیه اورانیوم فرانسه سهم شده‌اید تا بتوانید به تکنیک اتمی دست یابید. آیا می‌خواهید نظیر هند در موقعیتی باشید که بتوانید بمب اتم بسازید.

شاهنشاه: نه ما به این عمل علاقه‌ی نداریم که بمب اتمی داشته باشیم اما برنامه‌های عظیمی برای تولید انرژی هسته‌یی داریم. هدف اولیه ما تولید ۴۳ هزار مگاوات می‌باشد. داشتن چند بمب اتمی چه نتیجه‌یی دارد؟ ما هرگز نمی‌توانیم آنقدر از آنها در اختیار داشته باشیم که بتوانیم با قدرتهای اتمی مبارزه کنیم اما اگر همه دنیا دیوانه شود و کشورهای کوچک سعی کنند که چندتایی از این بمبها دست و پا کنند در این صورت شاید موقعیتی بوجود می‌آید که ما را در اندیشه فرو خواهد برد.

اشپیگل: آیا علاقه شما به معامله با فرانسه با علاقه شما به صنایع تسلیحاتی این کشور بستگی ندارد؟

شاهنشاه: در حال حاضر، ما اکثر سلاحهای خود را مخصوصاً برای نیروی هوایی از امریکا خریداری می‌کنیم. اشپیگل: شما بزرگترین خریدار اسلحه امریکا بشمار می‌آیید و سالیانه در حدود چهار میلیارد دلار به این امر اختصاص می‌دهید.

شاهنشاه: بلی، مخصوصاً برای نیروی هوایی.

اشپیگل: شما هشتاد فروند هواپیمای اف-۱۴ و ۵۰۰ فروند هلیکوپتر جنگی به امریکا سفارش داده‌اید.

شاهنشاه: فعلاً.

اشپیگل: ... و هشتصد تانک چیفتین.

شاهنشاه: فعلاً.

اشپیگل: تا سال ۱۹۸۰ جنگنده شکاری شما بیش از کشورهای ناتو خواهد بود، البته باستثنای امریکا، شما بزیان چه کسی مسلح می‌شوید؟

شاهنشاه: در حال حاضر عراق با ۱۰ میلیون جمعیت بیش از ما هواپیما و تانک دارد.

اشپیگل: اما نه به مدرنی وسایل شما.

شاهنشاه: شاید، اما این حقیقت بقوت خود باقی است. اشپیگل: شما اخیراً از سفر مصر و ملاقات با پرزیدنت سادات بازگشته‌اید نظر شما چیست؟ آیا خطر وقوع جنگ جدیدی میان اسرائیل و اعراب وجود دارد؟

شاهنشاه: بلی این خطر موجود است، ظاهراً موقعیت بسیار حساس و خطرناک است.

به این امر پی برده‌ام که پرزیدنت سادات فرد بسیار

باهوشی است او مردیست که می‌تواند بجنگد همانطور که در سال ۱۹۷۳ نشان داد و مردیست که می‌تواند صلح کند، بنظر من پرزیدنت سادات سیاست‌مداریست که احساس مسؤولیت می‌کند.

اشپیگل: شما گفتید که این بار از اعراب جانبداری خواهید کرد با توجه به این حقیقت که شما بغیر از نفت و مذهب وجه اشتراکی با آنها ندارید این اظهارات را چگونه توجیه می‌کنید.

شاهنشاه: عیناً نظیر سال ۱۹۶۷ ما نیز نظیر اکثر کشورهای عضو سازمان ملل متحد که از اعراب طرفداری کردند از آنها جانبداری می‌کنیم.

اشپیگل: مصریها گفته‌اند که آنها از شما درخواست کمک نظامی کرده‌اند. آیا شما در دیدار اخیر خود در این مورد به آنها وعده‌یی داده‌اید؟

شاهنشاه: به این موضوع حتی اشاره‌یی نشده است.

اشپیگل: شما ۲۴ جت جنگنده به ملک حسین داده‌اید، هدف از این تدبیر چیست؟

شاهنشاه: اولاً باید ملک حسین را بخاطر شهادتش دوست داشته باشیم، همچنین کشور و ملتش را، من فکر نمی‌کنم که از هم پاشیدن این کشور پادشاهی ثری برای کسی در برداشته باشد.

اشپیگل: گزارش شده است که در کنفرانس سران عرب در رباط تصمیم گرفته شده است که در صورت وقوع جنگ جدیدی فوراً تحریم نفتی عملی گردد آیا این گزارشها حقیقت دارد؟

شاهنشاه: در این مورد واقعاً اطلاعات زیادی ندارم اما عقیده دارم که آنها قبل از دست زدن به یک چنین اقدامی ابتدا درباره آن دقیقاً فکر خواهند کرد.

اشپیگل: آیا تهدید کیسینجر سبب شده است که آنها به اندیشه فرو روند؟

شاهنشاه: شاید این امر کمکی کرده باشد گذشته از این، در غرب بر میزان ذخایر نفتی افزوده شده است.

اشپیگل: شما بارها گفته‌اید که نفت یک اسلحه نیست در صورتیکه جنگ جدیدی آغاز شود و کشورهای اوپک خواستار تحریم نفت شوند شما چه خواهید کرد؟ آیا اعلیحضرت بانفوذی که در میان اعراب دارند سعی خواهند فرمود مانع این امر گردند؟

شاهنشاه: من نمی‌توانم این حق کشورهای مذکور را نادیده بگیرم اما اگر از جنبه بیطرفی به این امر توجه شود من سؤال می‌کنم که این اقدام چه اثری دارد؟ آیا این واقعاً به نفع اعراب خواهد بود؟ بله یا نه؟

اشپیگل: اما پاسخ شاهنشاه چیست؟

شاهنشاه: جواب این سؤال به عوامل مختلفی بستگی دارد، جنگهای امروزه چند روز می‌تواند بطول انجامد؟ مدت درازی طول نمی‌کشد، آنها مسلماً نفت ذخیره برای یک جنگ ده روزه و یا سی روزه دارند و مسلماً تحریم نفتی بعلت ذخیره آنها اثری نخواهد داشت.

اشپیگل: صلاح در این است. اما اگر اعراب صلاح خود توجه نکنند چطور؟

شاهنشاه: بعقیده من در سال ۱۹۷۳ اثرات تحریم نفت در روزهای اول برای اینکه بغرب نشان داده شود که نفت هم حربه‌یی بشمار می‌آید خوب بود، اما اداعه آن امر دیگری است. گذشته از این اقدام یک بار صورت گرفته است در مرتبه دوم اثری نخواهد داشت.

اشپیگل: اعلیحضرتا بخاطر این گفتگو سپاسگزاری خود را تقدیم می‌داریم.

سالروزها

۶ بهمن

پیروزی روز ششم بهمن در اینست که يك حرکت متوقف نشدن را در جامعه ایرانی آغاز کرد. از آن هنگام (ششم بهمن ۱۳۴۱) به بعد موانع سیاسی و اجتماعی که بیست سال ایران را از پیشرفت بازداشتند بود یکی پس از دیگری از پیش برداشته شد. از این جهت که ششم بهمن يك روز انقلابی بود.

اصلاحات ارضی با از میان بردن نیرومندترین قشر هیأت حاکمه سنتی ایران سهم اصلی را در برداشتن این موانع دارد. پس از آنکه زمینداران بزرگ تسلط خود را بر مجلس و دستگاه اداری و سیاسی و نزدیک به هفتاد درصد جمعیت ایران را از دست دادند مسأله قدرت در کشور حل شد. نیروی سیاسی لازم که پیش از آن برای هیچ اصلاح اساسی فراهم نبود بوجود آمد. دیگر عامل نیرومندی، طبقه زمینداران نبود که با تاکتیکهای آزموده خویش، با تغییر محتوای برنامههای اصلاحی، و سرانجام بحران کابینه - جلوی عمل سیاسی سازنده را بگیرد.

در عین حال اصلاحات ارضی منابع کشور را آزاد کرد. این منابع چه به صورت درآمدهای کشاورزی و چه به صورت اعتبارات دولتی صرف زمینداران و عوامل پیشمار آنها در دستگاه اداری، و سیاسی می گردید. پس از آنکه قدرت سیاسی زمینداران درهم شکست، از این منابع به سود همه ملت بهره برداری شد. کامیابی آسان برنامه اصلاحات ارضی اجرای برنامههای اصلاحی دیگر را هم امکان پذیر و هم ضروری ساخت. شاهنشاه که در نخستین گام مبارزه پیروز شده بودند با قدرت تمام به اصلاح دیگر زمینههای اقتصادی و اجتماعی پرداختند. اگر نمی بایست روستاهای آزاد شده در کام بینوایی و هرج و مرج فرو روند، راه حل های بکلی تازه ای ضرورت

می یافت. روستاییان برای بر خور داری از آزادیهای تازه خود آماده نبودند. می بایست نعمتهای شهر به آنان نیز رسانده شود. تشکیل سپاهیان دانش و بهداشت و ترویج آبادانی و خانه های انصاف پاسخ های موفقیت آمیزی به این مسأله بود.

در کنار این خدمات، اقداماتی مانند ملی کردن جنگلها و منابع آب زمین را بطور قطع برای تجدید مالکینهای بزرگ کشاورزی در بخش کشاورزی فاسد کرد و راههای تازه ای جهت سازمان دادن به کشاورزی اندیشیده شد (شرکتهای سهامی زراعی و واحدهای کشت و صنعت) و جنبش تعاونی در روستاها گسترش یافت.

این توجه به روستاها و بخش کشاورزی موجب غفلت از شهرها نشد. سهم کردن کارگران در سود کارخانه ها، اصلاح قانون انتخابات و اعطای حقوق سیاسی به زنان، نوسازی شهرها و انقلاب اداری و آموزشی مواد دیگری بود که بر منشور ششم بهمن افزوده گردید تا میوه های انقلاب را به سراسر کشور و همه شئون زندگی ملی برساند.

در این حال نیروئی که از درون يك جامعه انقلابی بر می خاست به رهبری شاهنشاه آریامهر آغاز کرد که آثار خود را در جهان بیرون نیز پیچند. پیکار ایران در راه برقراری نظارت کامل ملی بر منابع نفت و قیمت گذاری نفت، در پاك كردن آثار فرمانروایی بیگانگان بر خلیج فارس، در تثبیت امنیت خاورمیانه و در كمك به کشورهای روبه رشد، کشور ما را در رده مقدم کشورهای جهان در آورده است. نقش ایران در کاهش دادن اختلافات کشورهای همسایه، در متوجه ساختن جهانیان به مسایلی که مدتها بود ترجیح می دادند ندیده بگیرند - صرفه جویی در مصرف نفت، جلوگیری از هدر دادن آن، قراردادن اقتصادهای کشور های

پیشرفته بر کار بیشتر به جای انرژی ارزاتر، ضرورت تقسیم عادلانه تر درآمدها در جهان، یاد سنتهای باستانی سیاست ایران را که عبارت از یشردوستی و دورنگری است بار دیگر زنده کرد.

در ۱۲ سالی که از ششم بهمن ۱۳۴۱ می گذرد ایران جامعه تازه ای شده است. يك ملت کهن، جوانی از سر گرفته است و پراز شوق و تحرک، پراز خوشبینی و امید و نیرو رو به آینده ای بزرگتر، رو به تمدن بزرگ، می تازد.

سوم اسفند

مراسم بزرگداشت سوم اسفند، روز نجات ایران از سرگستگی و پراکندگی، امسال در شرایطی ویژه برگزار شد. ۱۳۵۴ پنجاهمین سالگرد بنیان گذاری دودمان پهلوی خواهد بود. از این روی مردم ایران به تجلیل از این رویداد بزرگ و بررسی نتایج آن در نیم سده اخیر خواهند پرداخت.

رضاشاه بزرگ با اقدام تاریخی خود در سوم اسفند ۱۲۹۹ نه تنها مانع از تجزیه ایران و تسلط بیگانگان بر کشور گردیدند بلکه راه را برای خروج ایران از عقب های تودرتوی عقب ماندگی نیز گشودند روشنی تازه ای که در آغاز در افق دید مردم ما آغاز شد شاید ناچیز، می رسید. اما با تأسیس دودمان پهلوی این روشنی نیرو گرفت و اکنون درخشندگی ستاره ایران را در اوج پیروزی و افتخار تضمین می کند.

تجربه های ملت ما در نیم سده اخیر چنان گوناگون، پیچیده، غنی و پراهمیت است که ارزیابی کامل و نهایی آن بر عهده نسل های آینده خواهد بود. اما نسل های حاضر نیز می توانند نگاهی دوباره به این تجربه ها بیافکنند و خط سیری را که ایران پس از سوم اسفند در پیش گرفت بهتر و بیشتر بشناسند. هنگام حرکت در این خط سیر ملت ما بادشواری های بسیار و انحراف های تحصیل شده از بیرون روبرو گردید. اما آنچه در ۵۰ سال گذشته روی داده است بخوبی نشان می دهد که میهن ما راه خود را به سوی رفاه، سربلندی، عدالت و استقلال و آزادی راستین یافته است.

این راهی است که هرگز ترك نخواهد شد.

یادآوری بسیاری از رویدادهای نیم سده گذشته برای جوانان ما آموزنده و برای کم تر جوان ها خاطرم انگیز و عبرت آموز خواهد بود. ملتی را می بینیم که بگفته همگان برای همیشه از میان رفته بود. ملتی را می بینیم که ظاهراً چاره ای جز مرك تدبیرجسی نداشت. اما همین ملت ناگهان و به محض آنکه با يك رهبری قاطع، هوشیار و میهن پرست روبرو شد، سراز خاکستر سده ها برداشت و با دست خالی به ساختن آینده خوش پرداخت. تلاش ملت ایران در این نیم سده یکی از هیجان انگیزترین حماسه های تاریخ معاصر جهان را تشکیل می دهد. جنگیدن در دو جبهه، غلبه دو قدرت تسلط طلب، نبرد با طبیعتی سخت که حداکثر تلاش انسانی را طلب می کند، پیروز شدن بر میراث تحمیلی بدبینی و خودشکنی، جهش مستقیم از

سده های میانه به سده بیستم و خطر کردن در سخت ترین شرایط، عناصر اصلی این حماسه را تشکیل می دهد.

ایران، پنجاه سال پیش با دست خالی از نو آغاز کرد و امروز با دست پر برآه خود ادامه می دهد. اگر لحظه ای به تجربه ملت خود در این نیم سده بیاندیشیم درخواهیم یافت چگونه دست خالی دیروز به صورت دست پر امروز درآمد و چگونه کشور نیم مرده سال ۱۲۹۹ به ایران زنده، پر شور و پرتحرک ۱۳۵۳ تبدیل شد.

از این روست که بزرگداشت پنجاهمین سالگرد بنیان گذاری دودمان پهلوی می تواند و باید چیزی بیش از موقعیتی برای شادمانی موجه باشد. در این موقعیت می بایست به بررسی تجربه سیاسی و اجتماعی ملی خود نیز پردازیم، دستاوردهایمان را گرامی بداریم و با هدف ها، آرمان ها و خواست های ملی خود تجدید عهد کنیم.

اقتصادی

توافق ایران و فرانسه بر سر تلویزیون رنگی و مترو تهران

در پایان مذاکرات ژاک شیراک نخست وزیر و هیأت بلند پایه اقتصادی و سیاسی فرانسه با هویدا نخست وزیر و مقامات رسمی ایران اعلام شد که سیستم فرانسوی تلویزیون رنگی «سکام» از سوی ایران پذیرفته شده و به زودی مقدمات پیاده کردن این نظام با استفاده از یاری های فنی، علمی و آموزشی فرانسه آغاز خواهد شد. از جمله این یاری ها آموزش حدود ۲۰۰۰ تن متخصص برای اداره بخشهای گوناگون رادیو تلویزیون است همچنین اعلام شد که سازنده متروی تهران نیز فرانسویان خواهند بود. وسایل مورد نیاز برای اجرای طرح متروی تهران از فرانسویان خریداری خواهد شد و ساختمان آن با برنامه ای فشرده بی سال دیگر انجام خواهد شد.

توافق های پراهمیت دیگر دوطرف که ۱۰۲ در آخرین دور مذاکرات بنتایج نهایی رسید در زمینه تأمین وسایل بیمارستانی و ساختمان مسکن و مدرسه است. براساس این توافق ها که در آخرین دقایق دور سوم مذاکرات دوطرف به دست آمد فرانسویان در ایران ۲۰۰ هزار واحد مسکونی خواهند ساخت. همچنین تربیت کادر آزموده برای فعالیت های ساختمانی و شهرسازی را فرانسویان بر عهده خواهند داشت.

در زمینه ارتباطات ایران و فرانسه موافقت کردند که راه آهن ایران از ترن های توربینی (توربو ترن ها) ساخت فرانسه استفاده کند. استفاده از اینگونه ترن ها کشتی راه آهن ایران را بسیار خواهد افزود.

سرانجام دو کشور در مورد مسائل مربوط به پتروشیمی و صنایع وابسته به آن در زمینه گاز و ساختمان کشتی هایی برای حمل آن در زمینه ساختن اتومبیل و کامیون، همکاری های کشاورزی، ساختن مرکز تلفن الکترونیکی برای شهر تهران

جزئیات توافقه‌ای
ایران و فرانسه

نخست وزیر فرانسه که
همراه همسرش آمده بود در
۳۰ آذر تا ۲ دی بمحضور
شاهنشاه آریامهر شرفیاب شد
وبا امیرعباس هویدا نخست
وزیر مذاکرات گسترده‌یی
وزیر صنایع و تحقیقات و
نیز وزیر مشاور در امور
خارجی فرانسه و گروهی از
کارشناسان برجسته همراهی
داشت او را در این سفر
می‌گردند.

در اعلامیه آمده که گذشته از سفارشهایی که صنایع فرانسه درباره تأسیس دو نیروگاه اتمی به قدرت ۹۰۰ مگاوات، دریافت کرده‌اند، مبنای همکاری بسیار نزدیکی بین سازمان نیروی اتمی ایران و کمیساریای انرژی اتمی فرانسه راجع به ایجاد یک مرکز تحقیقات هسته‌ای در ایران پذیرفته شده است. همچنین در زمینه هدفهای همکاری مربوط به تأمین انرژی اتمی مشارکت ایران در طرح بالا بردن عیار مواد

هیأت‌های نمایندگی دو کشور ضمن ابراز خوشوقتی اعلام کرده‌اند که در سال ۱۹۷۴ مبادلات بین ایران و فرانسه به‌ضخو مؤثری توسعه می‌یابد و همکاری‌های صنعتی بین دو کشور از طریق تأسیس تعدادی مؤسسات مختلف و جلب علاقه روز افزون صاحبان منابع فرانسوی به بخشهای گوناگون برنامه توسعه اقتصادی ایران گسترده‌تر می‌شود.

اعلامیه دولت شاهنشاهی
را درباره پذیرش سیستم
تلوویزیون رنگی فرانسه
«سکام» برای تجهیز شبکه
تلوویزیون رنگی ایران تصریح
می‌کند.

در اعلامیه دو طرف
خوشوقتی خود را از پذیرفتن
شرکت مستقل حمل و نقل
پاریس و حومه بعنوان
مهندس مشاور طرح تأسیس
متروی تهران و نیز انتخاب
مؤسسات مشترک فرانسوی و
ایرانی جهت اجرای طرح
ذکر شده اعلام داشته‌اند.

طرفین از سوی دیگر یک قرارداد مشارکت بین شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران و یک مؤسسه فرانسوی بمنظور تأسیس شرکت حمل و نقل تولیدات مختلف صنعت پتروشیمی و نیز مواد سیال مربوط به صنعت مزیور را بسته اند.

طرفین تصمیم خود را در
برهنگاری بسیار مؤثر در
زمینه‌های مختلف ساختمانی
اعلام داشتند. منظور از
همکاری ذکر شده آنست که
از هم‌اکنون تا پایان برنامه
ششم توسعه اقتصادی ایران
۲۰۰ هزار واحد مسکونی و
اینیبه عمومی و اجتماعی
مربوط به واحدهای مسکونی
مذکور در ایران برپا شود.
در مذاکرات تهران
موضوع مشارکت فرانسه در
طرح کلی تجهیز بیمارستان
های ایران نیز مورد توجه
قرار گرفت.

اعلامیه می‌افزاید که در زمینه کشاورزی و صنایع غذایی طرفین همکاری نزدیک و توسعه مبادلات فیما بین را ترغیب خواهند کرد.

دولت فرانسه مشاركت
بخش زراعى فرانسه در
فعاليتهاى مشترك مربوط به
توسعه کشاورزى ايران و
مساعى مرتبط با حمل و نقل و
توزيع فراورده هاى خريدارى
شده ايران را ترغيب خواهد
کرد.

ایران و فرانسه ۳
قرارداد اتمی امضا
کردند

۱- موافقتنامه مالی میان دولت ایران و دولت فرانسه
۲- قرارداد بین دولت ایران و دولت فرانسه که بر طبق آن دولت ایران یک میلیارد دلار وام طویل‌المدت در اختیار کمیساریای انرژی اتمی فرانسه قرار می‌دهد.
۳- یک موافقتنامه همکاری بین سازمان انرژی اتمی ایران و کمیساریای انرژی اتمی فرانسه در زمینه غنی کردن اورانیوم. این سه قرارداد میان اکبر اعتماد معاون نخست‌وزیر و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران و پکور به نمایندگی از طرف رئیس کمیساریای انرژی اتمی فرانسه امضاء شد.

سهم کارخانه غنی کردن اورانیوم را به نام اورودیف در اختیار خواهد داشت و ترتیبی داده شده است که ایران ۱۰ درصد از سهم «اورودیف» را تصاحب کند. مشارکت ایران در «اورودیف» احیانا ممکن است در آینده تا پانزده درصد افزایش یابد.

افزایش یابد. هدف شرکت دوم که باخذ تصمیم طرفین تشکیل خواهد شد ایجاد یک کارخانه جدید برای غنی کردن اورانیوم است که در آن شرکت ایران ۲۰ درصد است. کارخانه اول در فرانسه به وجود خواهد آمد و محل کارخانه دوم در آینده روشن می شود.

یوگسلاوی هم به
ایران مواد غذایی
می فروشد

در پایان مذاکراتی که میان ایران و یوگسلاوی در تهران جریان داشت ایران تمایل خود را برای خرید مواد غذایی از این کشور اعلام کرد و بدین ترتیب یوگسلاوی نیز به جرگه کشورهای صادر کننده مواد غذایی به ایران می پیوندد.

در زمینه خانسازی نیز با یوگسلاوی مذاکراتی انجام شده است ایجاد بیمارستان و خرید کشتی برای توسعه ناوگان کشتی‌های تجاری ایران نیز از جمله نکاتی است که دو طرف درباره آن به گفتگو پرداخته‌اند.

ایران از کروپ

نفتکش می گیرد
شرکت ملی نفتکش ایران مذاکرات گسترده‌ای را با مجتمع صنعتی کروپ آلمان برای خریدن چند نفتکش با ظرفیت‌های بسیار زیاد آغاز کرد. قرار است با تحویل این کشتی‌ها ظرفیت ناوگان

نفتکش ایران از يك ميليون تن نیز فزاینده رود. گفته می‌شود در چند ماه آینده با تحویل دو کشتی تازه خریداری شده از ژاپن ظرفیت ناوگان نفتکش ایران به بیش از ۶۵۰ هزار تن افزایش می‌یابد. نخستین کشتی بنام آذرپاد به ظرفیت ۲۲۷ هزار تن ماه آینده در بندر یوکوهاما ژاپن تحویل ایران می‌شود. دومین کشتی نیز بنام خارک و با ظرفیتی معادل ۲۲۸۰۵ هزار تن به فاصله چند ماه از تاریخ تحویل اولین کشتی تحویل ایران خواهد شد. شرکت ملی نفتکش ایران در حال حاضر ۴ نفتکش به ظرفیت جمعی ۱۷۶ هزار تن در اختیار دارد که سرگرم حمل و نقل مواد نفتی به بازارهای خارجی هستند. این کشتی‌ها عبارتند از: کشتی رضاشاد کبیر به ظرفیت ۳۴ هزار تن، کشتی محمد رضا شاه به ظرفیت ۳۴ هزار تن، کشتی فرح پهلوی به ظرفیت ۵۴ هزار تن و کشتی رضا پهلوی به ظرفیت ۵۴ هزار تن. گذشته از این دو نفتکش کوچک نیز وجود دارد که حمل و نقل نفت بین بندرها و جزایر خلیج فارس را برعهده دارند. براساس مذاکراتی که میان ایران و مجتمع صنعتی کروب آلمان در جریان است ایران چند نفتکش با ظرفیت‌های زیاد این مؤسسه سفارش خواهد داد که بدین ترتیب حجم ناوگان نفتکش ایران از مرز يك ميليون تن فزاینده می‌رود. هدف آنست به مرور با گسترش ظرفیت ناوگان نفتکش ایران خود حمل و نقل نفت صادراتی کشور را عهده گیرد.

توافق نهایی ایران و ایتالیا دربارهٔ ذوب آهن گازی

قرارداد نهایی ساختمان مجتمع ۳ میلیونی ذوب آهن گازی و تأسیسات نورد گرم و نورد سرد بندرعباس ماه آینده در ایتالیا میان مدیر عامل شرکت ملی صنایع فولاد ایران و يك شرکت ایتالیایی به امضاء می‌رسد. مطالعات و بررسیهای شرکت ملی صنایع فولاد برای ساختمان این مجتمع شرکت ایتالیایی اکنون وارد مراحل نهایی شده است و ماه آینده با امضای قرارداد نهایی آن

مقدمات اجرای طرح فراهم می‌شود. همکاری ایران و ایتالیا در زمینهٔ احداث مجتمع ذوب آهن گازی بندرعباس در اجرای مفاد موافقتنامه‌ای است که اخیراً در تهران میان مقامات شرکت ملی صنایع فولاد ایران و شرکت ایتالیایی به امضاء رسید. در اجرای این طرح سرمایه مورد نیاز برای نصب کارخانه ذوب آهن گازی از جانب ایران تأمین می‌شود و دو کشور تنهادر زمینه نصب کارخانه‌های نورد سرد و گرم پایکدیگر مشارکت می‌کنند. قرار است تولیدات این مجتمع پس از تأمین احتیاج بازار ایران به کشورهای همجوار و شیخ نشین‌های خلیج فارس صادر شود.

ایران ۱۰ درصد سهام کارخانه اورانیوم فرانسه را خرید

ایران ۱۰ درصد از سهام «اوردیف» نخستین کارخانه تولید اورانیوم بارور شده اروپا (در فرانسه) را که به تولید تجارتی مشغول است، در اختیار گرفت و موافقت کرد برای ساختن يك کارخانه تازه بارور کردن اورانیوم يك میلیارد دلاروام (علاوه برومی که قبلاً اعلام شده) در اختیار کمیسیون انرژی اتمی فرانسه بگذارد. هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد و دارایی ۱۰ ر۱۴ به خبرنگار ما گفت: براساس توافق‌هایی که با فرانسه به عمل آمده ایران و فرانسه برای احداث يك کارخانه تازه بارور کردن اورانیوم شرکتی تأسیس می‌کنند، در اجرای این هدف ایران موافقت کرده است تا يك میلیارد دلار اعتبار در اختیار سازمان انرژی اتمی فرانسه بگذارد. انصاری اضافه کرد محل احداث کارخانه مشترک تولید اورانیوم بارور شده ایران و فرانسه همچنین تعداد سهامی که دو کشور در اختیار می‌گیرند هنوز مشخص نشده است و احتمالاً چند کشور دیگر نیز با موافقت ایران و فرانسه در این طرح مشارکت خواهند داشت. وزیر اقتصاد و دارایی ایران به موافقتنامه دیگری که اخیراً با فرانسه به امضاء رسیده است اشاره کرد و گفت:

ایران در کارخانه «اوردیف» که نخستین و بزرگترین کارخانه تولید اورانیوم پرورده بازرگانی در اروپا است مشارکت خواهد کرد. در اجرای این هدف ایران و يك شرکت فرانسوی که مالک ۲۵ درصد از سهام اوردیف است يك شرکت مختلط تأسیس می‌کنند و از کل ۲۵ درصد سهام آن ۱۰ درصد آن را ایران در اختیار می‌گیرد و بعداً در آینده سهام ایران در اوردیف به ۱۵ درصد افزایش می‌یابد. قرار است ایران برای تأمین احتیاج نیروگاههای اتمی خود به نسبت سهامی کمتر اختیار دارد از این واحد، اورانیوم پرورده دریافت کند.

ایران به طرح چند میلیارد دلاری غنی کردن اورانیوم اروپا «اوردیف» کمک مالی خواهد کرد. در برابر این کمک اوردیف اورانیوم غنی شده در اختیار ایران خواهد گذاشت. قرارداد مذکور به وسیلهٔ وزیر صنایع فرانسه اعلام شد. کارشناسان می‌گویند این نخستین باریست که يك کشور بزرگ تولید کننده نفت خاورمیانه در امر غنی کردن اورانیوم که رقیب این ماده انرژی‌زاست سرمایه گذاری می‌کند.

برطبق این موافقت‌نامه ایران و فرانسه مشترکاً ۲۵ درصد از سهام اوردیف را در اختیار خواهند داشت. فرانسه اینک ۵۲٫۵ درصد گروه را در اختیار دارد و ایتالیا اسانیا و بلژیک از سهم کمتری برخوردارند. سرمایه گذاری اولیه این ۲۰۰ میلیون دلار است که صرف ساختمان مجتمع اوردیف خواهد شد. در این قرارداد همچنین احداث يك مجتمع دیگر غنی کردن اورانیوم پیش‌بینی شده است. با بالا رفتن هزینه مجتمع که اینک به ۲٫۵ میلیارد دلار بالغ شده است سهم ایران نیز افزایش خواهد یافت. اعلام موافقت‌نامه غنی کردن اورانیوم چند روز پس از امضاء موافقت‌نامه هفت میلیارد دلاری ایران و فرانسه که در جریان سفر ژاک شیراک نخست‌وزیر فرانسه به ایران به تصویب رسید صورت گرفته است. این بزرگترین قرارداد تجارتی فرانسه است که یکجا امضاء شده است.

نصب بزرگترین کارخانه سیمان کشور آغاز شد

نصب ماشین‌ها و تجهیزات نخستین کارخانه سیمان روباره‌یی کشور در جوار کارخانه ذوب آهن اصفهان که تا ده هزار تن در روز ظرفیت خواهد داشت آغاز شد. کارخانه روباره‌یی اصفهان با سرمایه گذاری مشترک شرکت ملی ذوب آهن اصفهان و شرکت اتکا ساخته می‌شود و در اجرای آن تا کنون کارهای زیر بنایی و ساختمان بخشی از تأسیسات آن در زمینی به مساحت ۳۰ هکتار از اراضی مجاور کارخانه ذوب آهن آریامهر اصفهان انجام شده که قرار است تا اواسط سال آینده کار نصب ماشین‌آلات و تجهیزات آن نیز خاتمه یابد. کارخانه سیمان روباره‌یی اصفهان در نوع خود یکی از بزرگترین کارخانه‌های سیمان است بطوریکه تنها ماشین‌آلات آن که از خارج خریداری شده ۲۵ هزار تن وزن دارد. با آغاز بهره‌برداری از این واحد در مرحله اول روزانه دو هزار تن سیمان روباره‌یی در مرحله دوم روزانه پنج هزار تن و در مرحله نهایی روزانه ۱۰ هزار تن سیمان روباره‌یی تولید و به بازارهای مصرف عرضه خواهد شد.

کارخانه سیمان روباره‌یی اصفهان با استفاده از مواد زائد کوره بلند کارخانه ذوب آهن اصفهان سیمان تولید خواهد کرد. گذشته از این براساس پیش‌بینی‌هایی که در این طرح به عمل آمده که در واحد مذکور گذشته از تولید سیمان انواع مصالح پیش ساخته از قبیل سقف، کف و دیوار ساختمان تولید و در اختیار متقاضیان گذاشته خواهد شد.

۱۷۰ میلیون ریال سرمایه گذاری تازه برای تولید کفش

با ۱۷۰ میلیون ریال سرمایه گذاری، يك کارخانه تازه کفش ماشینی با ظرفیت سالانه حدود ۱۵ میلیون جفت کفش چرمی کتانی و صندل در روز در قزوین ایجاد می‌شود. این کارخانه که از سوی بخش خصوصی

شرکت تولیدی و صنعتی کفش اسبورت و کمک دولت ایجاد می‌شود کفش مناسب برای تأمین نیاز اهالی منطقه قزوین و برخی از شهرهای نزدیک تولید خواهد کرد. بررسی مصرف انواع کفش های چرمی، کتانی و پارچه‌یی ماشینی و دستی نشان می‌دهد که مصرف این نوع کفش‌ها در سال ۵۱ حدود ۳۰ میلیون جفت بوده است که ۸۰ درصد آن مربوط به کفش‌های چرمی و بقیه مربوط به کفش‌های کتانی و پارچه‌یی است، و با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌شود رشد مصرف این گونه کفش‌ها کاهش یابد و از ۲۲ درصد در سال ۵۱ به ۱۵ درصد در ۳ سال آینده برسد، مصرف آن در سال ۵۶ به ۷۰ میلیون جفت خواهد رسید.

ایران ۳۰۰ هزار تن نفت ارزان به بنگلادش فروخت

شرکت ملی نفت ایران، موافقت کرد ۳۰۰ هزار بشکه نفت خام به بنگلادش با شرایط آسان، بفروشد و تصمیم گرفت برای احداث يك پالایشگاه نفت در بنگلادش سرمایه گذاری کند.

این مطلب رادوها، سفیر بنگلادش در دربار شاهنشاهی عنوان کرد و ضمن آن اظهار داشت: صدور این مقدار نفت به بنگلادش از بهار آینده تا اواخر پائیز ۱۹۷۵ هر ماه بمقدار ۳۵ هزار بشکه صورت خواهد گرفت. دوها، سپس به مذاکرات اخیر هیأت اعزامی بنگلادش با مقامات شرکت ملی نفت ایران اشاره کرد و گفت: دکتر اقبال رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران موافقت ایران را برای سرمایه گذاری در احداث يك پالایشگاه جدید نفت در منطقه چتاگونک اعلام کرده است. بندر چتاگونک از بزرگ‌ترین بنادر بنگلادش محسوب می‌شود. سفیر بنگلادش سپس به همکاری‌های فنی دو کشور در زمینه اکتشاف نفت اشاره کرد و ضمن تشکر از این همکاری گفت:

شرکت ملی نفت ایران در زمینه کشف نفت در آبهای فلات قاره بنگلادش با ما همکاری خواهد کرد و امکانات فنی در اختیار ما خواهد گذاشت و بدنبال این تصمیم

کارشناسان شرکت ملی نفت ایران به منطقه آبهای فلات قاره بنگلادش سفر کردند و یکسلسله آزمایشهای مقدماتی در زمینه اکتشاف نفت انجام دادند.

ایران ۴۰ میلیون دلار به سری لانکا وام می دهد

دیروز هیأت دولت پرداخت دو وام جمعی به مبلغ ۴۰ میلیون دلار را بوسیله تصویب کرد اهدای این دو وام به دنبال مذاکرات چندی پیش خانم باندرایکه نخست وزیر سری لانکا که در رأس گروهی برای مذاکرات اقتصادی و سیاسی به تهران آمده بود، انجام گرفت. سری لانکا از جمله کشورهایی است که اخیراً در موازنه پرداختهای خود دچار مشکل شده و گرفتن وام از ایران آشکارا یکی از هدفهای سفر باندرایکه به تهران بوده است. این کشور احتمالاً وام ایران را به مصرف توسعه کشاورزی و اجرای طرح های آبیاری و آبرسانی خواهد رساند تا محصول کشاورزی خود - به ویژه برنج - را افزایش دهد. سری لانکا تاکنون بیش از ۴۰۰ میلیون دلار نیز از بانک جهانی وام گرفته و در نظر دارد که این میزان را به یک میلیارد دلار برساند.

۸ میلیارد سرمایه گذاری صنعتی و کشاورزی در

سرخس

به منظور ایجاد دهها واحد صنعتی و کشاورزی در سرخس از جمله کارخانه تولید پودر گوگرد فرنگی، پنبه پاک کنی، کود شیمیایی و همچنین تکثیر و پرورش گوسفند ۸ میلیارد ریال سرمایه گذاری می شود.

گروهی از کارشناسان سازمان های مختلف اقتصادی که برای مطالعه و بررسی امکانات گسترش اقتصادی و صنعتی خراسان و منطقه سرخس به این استان عزیمت کرده بودند پس از بازگشت، ضرورت سرمایه گذاری صنعتی و کشاورزی برای بالا بردن قدرت اقتصادی در این منطقه را تأکید کرده اند. براساس گزارشی که از جانب این هیأت تهیه شده

صفر نودم

در منطقه سرخس، امکانات وسیعی برای سرمایه گذاری در ایجاد واحدهای صنعتی و تولیدی، خصوصاً کشت و صنعت وجود دارد. در حال حاضر از کل ۴۰ هزار هکتار زمینهای مرغوب زراعی تنها ۲۰ هزار هکتار آن مورد استفاده قرار می گیرد و از نظر منابع انرژی از جمله گاز و ذغال سنگ بسیار غنی است. بایرسی هایی که به عمل آمده اجرای دهها طرح کشاورزی، دامپروری و صنعتی در این منطقه اقتصادی شناخته شده است از جمله کارخانه تولید پودر گوچه فرنگی، کارخانه کود شیمیایی با استفاده از منابع گاز سرخس، کارخانه پنبه پاک کنی، کارخانه تولید غذای دام و همچنین واحدهای متعدد کشت و صنعت که در صورت اجرای این طرحها می توان بخش قابل توجهی از احتیاجات کشور به گوشت، لبنیات، غلات و پنبه را تأمین کرد. برآورد کارشناسان نشان می دهد که این طرحها حدود ۸ میلیارد ریال هزینه خواهد برد که با احتمال زیاد قسمت عمده آنرا بخش خصوصی تأمین خواهد کرد.

قرارداد پتروشیمی

با شرکت فرانسوی شرکت فرانسوی گازو - سه آن قراردادی با شرکت پتروشیمی ایران برای احداث یک شرکت مشترک بنام «ایرانوسه آن» امضاء کرد. هدف این شرکت تشکیل اداره و بهره برداری از ناوگان کشتی های مخصوص حمل آمونیاک، گازهای نفتی مایع شده و تمام فرآورده های مایع پتروشیمی خواهد بود.

شرکت گازوسه آن ضمن اعلام امضای این قرارداد فاش کرد ایرانوسه آن تابعیت ایرانی خواهد داشت و سرمایه ابتدایی آن ۱۲ میلیارد ریال خواهد بود که نصف به نصف میان دو طرف بنیان گذار تقسیم خواهند شد. یک همکاری نزدیک در بهره برداری از کشتیهای ایرانوسه آن و گازوسه آن برای حمل تولیدات شیمیایی از مبدأ ایران به بازارهای بین المللی پیش بینی شده است. نخستین کشتی به ظرفیت ۷۰ هزار متر مکعب که هم اکنون در کارخانه های کشتی سازی «سیون» به حساب شرکت گروه گازو -

سه آن در دست ساختمان است به ایرانوسه آن انتقال داده شده است. دکتر اقبال و «بوده» رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل گازوسه آن قرارداد را امضاء کردند.

قرارداد ۵۰۰ میلیون دلاری کارخانه کشتی سازی امضاء شد

براساس یک قرارداد ۵۰۰ میلیون دلاری که ۱۱۹۹ در تهران با امضاء رسید، ایران از سال ۱۳۵۷ عملاً به تولید کشتی های کوچک ۲۰ هزار تنی خواهد پرداخت و به تدریج ظرفیت کشتی های تولیدی را تا ۲۰۰ هزار تن بالا خواهد برد. قرارداد را مدیران شرکت کشتی سازی خلیج فارس و شرکت آلمانی «پاوم اوندفوس» امضاء کردند. این قرارداد شامل ده تعمیرگاه کشتی و یک واحد تولید کشتی است. شرکت کشتی سازی خلیج فارس که یکی از شرکت های وابسته به سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران است با این قرارداد از خدمات و کمک های فنی شرکت آلمانی استفاده خواهد کرد.

یک مقام آگاه در سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران ۱۱۹۹ پس از امضای این قرارداد به خبرنگار ما گفت که کارخانه کشتی سازی و کارگاه در بندر عباس نصب می شود و همه تأسیسات حداکثر در سال ۱۳۵۷ سه سال دیگر، به بهره برداری خواهد افتاد.

او گفت که حوضچه های تعمیر کشتی برای پذیرفتن کشتی های ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار تن آماده گی خواهند داشت، او گفت که شرکت بلوم - اونیفوس از شرکت های معروف کشتی سازی آلمانی است و بیش از ۱۰۰ سال در این رشته فعالیت می کند.

۲۰۰ میلیون دلار وام ایران به اندونزی

با پرداخت ۲۰۰ میلیون دلار وام و اعتبار به اندونزی و نیز چند فقره وام به امارات و شیخ نشین های خلیج فارس، حجم اعتبارات و وام ایران برای کمک به کشور -

های در حال توسعه و صنعتی جهان از مرز ۹ میلیارد دلار فراتر رفت. ایران تاکنون با امضای یکسلسله قرارداد با کشورهای جهان به یاری این کشورها شتافته است و با دادن وام های مختلف به بیش از ۲۵ کشور بزرگ صنعتی و در حال رشد اجرای طرح های تولیدی و عمرانی این کشورها را ممکن کرده است. از جمله کشورهایی که قرار است از وام و کمک اعتباری ایران استفاده کنند افغانستان، پاکستان، هند، انگلستان، فرانسه، مصر، سوریه، تونس، سودان، مغرب، سنگال، سری لانکا، عمان، شارجه، عجمان، ام القوین، مجیره، جمهوری عربی یمن، اردن، لبنان، اتیوپی، لسوتو، مالایو، زئیر و کانی هستند که با برخی از این کشورها قراردادهای موافقت نامه های لازم امضاء و مبادله شده و با بقیه نیز قراردادهای لازم بزودی بسته می شود.

از جمله این وامها پرداخت ۱۲ میلیارد دلار به انگلستان است که از این میزان ۴۰۰ میلیون دلار آن اخیراً پرداخت شد و بقیه در دو قسط پرداخت می شود. گذشته از این ایران ۱ میلیارد دلار بفرانسه، ۱ میلیارد دلار به مصر، ۱ میلیارد دلار به پاکستان، ۵۰۰ میلیون دلار به هند، ۲۰۰ میلیون دلار به اندونزی، ۴۰ میلیون دلار به سری لانکا، ۱۰ میلیون دلار به اردن، ۸ میلیون دلار به سنگال و حدود ۲ میلیارد دلار نیز به عنوان وام و کمک اعتباری به افغانستان، لسوتو، مالایو، زئیر، کانی، لبنان، اتیوپی، جمهوری عربی یمن، عمان، شارجه، عجمان، ام القوین، مجیره، سودان و مغرب می پردازد.

ایران همچنین موافقت کرده تا وامی معادل ۳ میلیارد دلار در اختیار بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و صندوق مالی بیطرف که به ابتکار شاهنشاه در حال تأسیس است، بگذارد، تا از این طریق به کشورهای در حال رشد کمک شود و کشور های توسعه یافته و وارد کننده نفت بتوانند در یک دوره کوتاه اقتصاد خود را با قیمت های جدید تطبیق دهند.

۳۰۰ میلیون دلار اعتبار تازه ایران به کشورهای کم رشد

«وینتهوین» مدیر عامل صندوق بین المللی پول که برای گفتگوی کوتاهی با مقام های اقتصادی کشور آمده بود تهران را ترک گفت و محافل آگاه همزمان با آن گفتند که در مذاکرات اخیر، ایران با دادن وام تازمی به میزان ۳۰۰ میلیون دلار به این صندوق که به مصرف تأمین کسری موازنه پرداخت های خارجی کشورهای کم رشد جهان خواهد رسید موافقت کرده است. به این ترتیب حجم پرداختی های ایران به صندوق بین المللی پول به حدود یک میلیارد دلار می رسد که می تواند قسمت زیادی از مشکلات این کشورها را حل کند.

وینتهوین در طول اقامت خود در ایران با امیر عباس هویدا نخست وزیر و مقامات بانک مرکزی ایران و تی چند از مقامات سازمانهای مختلف اقتصادی گفتگو کرد و پیرامون مسائل پولی جهان و تصمیم های اخیر صندوق که مهمترین آنها لغو قیمت رسمی طلا است مذاکراتی بعمل آورد. ایران در سال گذشته مسیحی حدود ۷۰۰ میلیون دلار وام در اختیار صندوق بین المللی پول گذاشت که به احتمال زیاد امسال نیز معادل همین رقم وام پرداخت خواهد شد تا از طریق این صندوق به کشورهای مختلف جهان پرداخت شود، این صندوق در طول سال گذشته رو بهم بیش از ۳۵ میلیارد دلار وام به کشورهای مختلف جهان پرداخته است.

قرارداد ایران و ژاپن برای ساختن مجتمع پتروشیمی

نمایندگان گروه ژاپنی میتسوئی با شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، در توکیو موافقت نامه ای برای ساختن یک مجتمع پتروشیمی در ایران بظرفیت تولید ۳۰۰ هزار تن اتیلن در سال منعقد کردند. این مجتمع که هزینه ساختن آن حدود ۲۳ میلیارد دلار بر آورده شده است، همچنین پولی اتیلن و کلرو وینیل تولید خواهد کرد.

قرارداد ایجاد ۱۲۰ واحد صنعتی در روستاها

بر اساس قراردادی که بین سازمان گسترش و توسعه سازی صنایع و وزارت تعاون و امور روستاها بسته شده سازمان گسترش ایجاد بیش از ۱۲۰ واحد کوچک صنعتی در روستاها را برعهده گرفت. هدف از اجرای این طرح بکار گرفتن سرمایه‌های پراکنده روستاییان در طرح های تولیدی و بالا بردن حجم تولیدات کشور است. این خود باعث می‌شود درآمد روستاییان بمیزان قابل توجهی افزایش یابد.

در حال حاضر براساس مطالعاتی که از سوی سازمان گسترش و توسعه سازی در جریان است، کوشش می‌شود تا بخش قابل توجهی از ماشین‌آلات این واحدها در کارخانه های ماشین‌سازی اراک و تبریز ساخته شود. واحدهایی کدر روستاها ساخته می‌شود بیشتر صنایع کوچک غذایی و واسطه‌ای از جمله کارخانه های تولید کسرو و میوه و سبزی و گوشت، کشتارگاه های دام، واحدهای تولید و پرورش مرغ گوشتی است که ایجاد آن‌ها موجب می‌شود مواد غذایی روستایی بحای اینکه به صورت نخستین و خام روانه بازارهای مصرف شود به انواع محصولات و کسروهای غذایی تبدیل شده و سپس به بازارهای مصرف عرضه شود.

توافق‌های مهم ایران و شوروی

ایران و شوروی دریایان مذاکرات چهارروزه وزیران اقتصاد دو کشور به یک توافق پدنامه رسیدند که بستن قرارداد پنج ساله ۲۵ میلیارد دلاری تجارت، مجتمع کاغذ در شمال رساندن ظرفیت ذوب آهن اصفهان به ۸ میلیون تن ساختن ۴ سیلوی بزرگ غله و ایجاد نیروگاه‌هایی با قدرت تولیدی ۲ هزار مگاوات، جزیی از آنست.

هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد و دارایی تأکید کرد که ایران و شوروی به توافق بسیار مهم بی‌سابقه‌ای دست یافته‌اند. انصاری گفت بر اساس این توافق‌ها با همکاری شوروی ظرفیت تولیدی ذوب آهن اصفهان به ۸ میلیون

تن افزایش خواهد یافت. ظرفیت این کارخانه اکنون ۶۰۰ هزار تن در سال است که طرح توسعه آن تا ظرفیت ۱۹۹ میلیون تن هم‌اکنون در مرحله تکمیل است و دو کشور برای رساندن ظرفیت آن به ۴ میلیون تن نیز بیش این توافق کرده بودند.

گذشته از این شوروی در ایجاد نیروگاه‌هایی با قدرت ۲۰۰۰ مگاوات و به ارزش ۲۴۰ میلیون دلار با ایران همکاری خواهد کرد، شوروی همچنین در ایران سیلوهای تازیدی با ظرفیت کلی ۳۰۰ هزار تن خواهد ساخت که ۷۰ میلیون دلار هزینه آن خواهد شد. انصاری گفت ایران و شوروی برای گسترش ظرفیت کارخانه ماشین‌سازی، اراک تا ۵۰ هزار تن در سال نیز توافق کردند ولی هزینه این طرح هنوز برآورد نشده است.

یکی از مهمترین قسمت توافق‌ها شامل ایجاد یک کارخانه بزرگ کاغذ سازی در ایران است این کارخانه که هنوز طرح آن باید از سوی کارشناسان دو کشور بررسی شود از مرحله تولید خمیر تا تهیه کاغذ را شامل خواهد شد و کاغذ روزنامه نیز تولید خواهد کرد. ایران و شوروی درباره حذف طلا از مبادلات تجاری و تبدیل آن به مجموعه‌ای از ارزهای بین‌المللی توافق کردند، انصاری گفت این تنها تغییر در مکانیزم مبادلات دو کشور است.

وزیر اقتصاد گفت ایران و شوروی روی طرح یک موافقت‌نامه تازه بجای پنج ساله که مبادلات آن از ۲۵ میلیارد دلار فراتر خواهد بود کار کردند عمر قرارداد فعلی که ۱۲ میلیارد دلار ارزش آنست تا اواخر سال ۷۵ پایان می‌گیرد.

هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد و دارایی هنگام بازگشت از مسکو در فرودگاه مهرآباد اعلام کرد که ایران برای ایجاد یک مجتمع بزرگ کاغذ در اتحاد جماهیر شوروی اعتبارات قابل توجهی در اختیار این کشور می‌گذارد.

ظرفیت این مجتمع هنوز مشخص نشده و کارشناسان دو کشور در آینده نزدیک برای تعیین جزییات این طرح وارد مذاکره خواهند شد.

انصاری گفت اصل و بهره این سرمایه گذاری با تحویل قسمتی از تولیدات مجتمع به ایران بازپرداخت می‌شود. شوروی موافقت کرد که در ایجاد ۱۰ تا ۲۰ مدرسه صنعتی و یک مرکز تربیت معلم فنی و انستیتوی تکنولوژی در ایران شرکت کند.

درباره مسأله گاز انصاری گفت که پیشرفت مذاکرات ایران، شوروی و آلمان برای صدور گاز قابل توجه بوده و این مذاکرات در ماه مارس در مسکو از سر گرفته خواهد شد.

انصاری گفت ۲۵ میلیارد دلار برای موافقت‌نامه بلند مدت تجارت بین دو کشور در ۵ سال پیش‌بینی شده است. ایران و شوروی همچنین توافق کردند که راه آهن ۳۰۰ کیلومتری مشهد - تاجن که راه آهن ایران را به شوروی متصل می‌کند در آینده نزدیک احداث شود.

منبع بزرگ نفتی کشف شد

حفاری نخستین چاه نفت در میدان مشترک نفتی ایران و عربستان سعودی واقع در آبهای فلات قاره به نتیجه رسید و کارشناسان هم‌اکنون سرگرم بررسی و موقعیت چاه و میزان ذخیره آن هستند. چاه مزبور که به نفت رسیده در قسمت ایران که بنام فریدون نامیده می‌شود قرارداد و در جانب عربستان سعودی بنام «مرجان» معروف است.

ناحیه مزبور قبلاً مورد اختلاف بود تا اینکه بعد از انجام مذاکرات لازم بین ایران و عربستان سعودی حدود هریک از طرفین معلوم شد و قراردادی در این زمینه به امضاء رسید.

بعقیده کارشناسان نفتی میدان فریدون که در قسمت ایران قرار دارد از غنی‌ترین میدان‌های نفتی فلات قاره خلیج فارس است، به همین جهت شرکت نفت دیپاک (ایران و پان‌امریکن) در صدد حفر چندین حلقه چاه دیگر در این میدان برآمده است.

منبع عظیم گاز و نفت در جهرم کشف شد

یک منبع عظیم گاز و نفت

در غرب جهرم کشف شد و گفته می‌شود میزان گاز آن بیش از نفت آن می‌باشد. برای کشف نفت در این منطقه از چندی قبل مطالعات و تحقیقات وسیعی وسیله یک شرکت فرانسوی بنام «سوفیران» شروع شد و پس از لرزه‌نگاری‌ها و آزمایش‌های متعدد مشخص شد که در منطقه «چهارحفر» واقع در ۲۳ کیلومتری غرب جهرم ذخایر گاز و نفت وجود دارد. یکی از کارشناسان مطلع درباره کشف نفت در غرب جهرم به خبرنگار ما گفت «منبعی که کشف شده حدود ۷۰ درصد گاز و ۳۰ درصد نفت دارد. ضمناً برای حمل دستگاه‌های حفاری به محل باید در منطقه مذکور جاده کشی شود و به همین منظور قرار است بین شرکت «سوفیران» و شرکت رام سازی اردیبهشت قراردادی منعقد شود.

معدنی ۲۰۰ میلیون تنی از زغال سنگ در شمال ایران

کشف شد
معدن بزرگ زغال سنگ

که گفته می‌شود بیش از ۲۰۰ میلیون تن ذخیره دارد، در منطقه «رامیان» در شمال خاوری ایران کشف شد. این معدن که به گفته کارشناسان دارای زغال سنگ مرغوب از نوع «کک‌شو» است در منطقه‌ای میان شاه‌پسند، بجنورد و گنبد کاوس قرار دارد. معدن زغال سنگ منطقه‌ای بوسعت ۴۰۰ کیلومتر را می‌پوشاند. کشف معدن مذکور پس از شش سال فعالیت در این منطقه صورت گرفته است معدن زغال سنگ «رامیان» را بخش خصوصی کشف کرده و در نظر دارد یک واحد صنعتی عظیم را بمنظور بهره‌برداری از معدن مزبور تأسیس کند. تأسیسات نخستین مربوط به ایجاد کارگاه زغال شویی و کک‌سازی بظرفیت سالیانه ۱۰۰ هزار تن، قابل توسعه تا ۳۰۰ هزار تن خواهد بود. در محافل صنعتی گفته شد که با ایجاد این تأسیسات معدن زغال سنگ «رامیان» در مرحله اول، کک مورد احتیاج کارخانه‌های قند را تأمین خواهد کرد و در مرحله دوم مازاد آن به بازار عرضه خواهد شد.

نمایندگان اتاق تهران در اتاق ایران

- ۱- جناب آقای دکتر طاهر ضیائی
- ۲- آقای قاسم لاجوردی
- ۳- علی اکبر محلوچی
- ۴- عنایت بهبهانی
- ۵- علی رضائی
- ۶- احمد خجایی
- ۷- محمد ابراهیم نیکپور
- ۸- جعفر اخوان
- ۹- علی محمد بنکدارپور
- ۱۰- اکبر لاجوردیان
- ۱۱- محمود رضائی
- ۱۲- خانم مهین افشار
- ۱۳- آقای مهدی موتمنی
- ۱۴- علی کوچکعلی
- ۱۵- احمد علی احمدی
- ۱۶- حسین قاسمی
- ۱۷- عبدالله خوئی
- ۱۸- کاظم خسروشاهی
- ۱۹- کاظم کورس
- ۲۰- علی اصغر پناهی
- ۲۱- رحیم متقی ایروانی
- ۲۲- علی خوئی
- ۲۳- علی اصغر پیرزاد
- ۲۴- محمد طاهری
- ۲۵- منصور یاسینی
- ۲۶- حبیب القانیان
- ۲۷- مصطفی اخوان
- ۲۸- محمد متقی برخوردار
- ۲۹- احمد فرهنگ
- ۳۰- محمد علی مهدوی
- ۳۱- عباس معتمدی
- ۳۲- اصغر پیروی
- ۳۳- حسینعلی سودآور
- ۳۴- کامران خسروشاهی
- ۳۵- حسین خداداد

ارزش ریال نسبت به دلار بالا رفت

● قیمت خرید دلار ۶۶۵۱۶ ریال

● قیمت فروش ۶۶۷۶۶ ریال

● نرخ همه ارزها تغییر کرد.

بانک مرکزی ایران برای نخستین بار پس از شناور شدن ریال با توجه به نوسان غیرعادی بهای دلار در بورسهای بین‌المللی که از حد نصاب تعیین شده تجاوز کرده است بهای خرید دلار را به ۶۶۵۱۶ ریال و بهای فروش آن را به ۶۶۷۶۶ ریال کاهش داد. نرخ خرید دلار تا دیروز ۶۷۵۰۰ ریال و نرخ فروش ۶۷۲۷۵ ریال بود که به این ترتیب نرخ خرید و فروش دلار ۹۸۴ ریال کاهش یافته است.

بانک مرکزی ایران هفته گذشته رابطه ریال ایران با دلار آمریکا را گسست و اعلام کرد که پس از این ارزش ریال براساس حق برداشت ویژه یا طلای کاغذی (اس. دی. آر) سنجیده خواهد شد.

محمد یگانه رئیس کل بانک مرکزی در مصاحبه‌ای به همین مناسبت اعلام کرد که ایران تازمانی که تغییر ارزش دلار باعث نوسانی کمتر یا بیشتر از ۲۲۵ درصد ارزش هر واحد پول ویژه بین‌المللی نباشد در قیمت دلار تغییر نخواهد داد و در غیر این صورت پس از پنج روز قیمت تازه‌ای برای دلار تعیین خواهد کرد.

براساس گزارش‌های نرخ دلار از حد نصاب تعیین شده پایین‌تر آمده و به همین جهت بانک مرکزی ایران برای حفظ منافع ایران تصمیم گرفته است از ۱۲۸۱ نرخ خرید و فروش دلار را در حدود یک ریال کاهش دهد.

حق برداشت ویژه عبارت است از میانگین ارزش ۱۶ ارز عمده بین‌المللی که از سوی صندوق بین‌المللی پول پذیرفته شده است.

باید دانست سهم دلار در کل ارزش پول بین‌المللی در حدود ۳۳ درصد است سهم مارک آلمان ۱۲٫۵ درصد، لیره ۹ درصد، فرانک

فرانسه و ین ژاپن ۷٫۵ درصد - دلار کانادا ولیر ایتالیا ۶ درصد، فلورن هلند ۵٫۴ درصد، فرانک بلژیک ۳٫۵ درصد، کورن سوئد ۲٫۵ درصد دلار استرالیا، کورن دانمارک، کرون نروژ، یزوی اسپانیا ۱٫۵ درصد، شلینگ اتریش و پوندی افریقای جنوبی هر کدام یک درصد است که تغییر قیمت امروز بیشتر ناشی از تنزل قیمت دلار است که ۳۳ درصد از نرخ پول بین‌المللی را می‌سازد. در بازار ارز تهران قیمت دلار ظرف پنج روز گذشته ۵۰ دینار پایین آمد و در نتیجه بهای فروش دلار به ۶۸ ریال که پایین‌ترین قیمت در طول چند ماه گذشته است رسید. با این تنزل این ارز به عنوان یک پول خارجی بی‌ثبات شناخته شده و به همین علت نسبت به سایر ارزها خریدار کاملاً محدودی دارد. در طول چند روز گذشته همزمان با شناور شدن ریال در مقابل دلار که در همین حال قیمت دلار روبه سقوط گذاشته دارندگان ارز بانگرانی چگونگی نوسان دلار را تعقیب کرده‌اند.

اطلاعیه بانک مرکزی سخنگوی بانک مرکزی ایران اعلام کرد که پیرو اتخاذ سیستم جدید برای حفظ ارزش ریال در معاملات ارزی و با توجه به کاهش ارزش دلار در ۵ روز گذشته نسبت به پول‌های مخصوص بین‌المللی (اس. دی. آر) به میزان بیش از ۲۲۵ درصد از ارزش میانه نرخ دلار آمریکا به ریال کاهش داده شد. و نرخ نقدی خرید و فروش یک دلار آمریکا از اول اسفند ماه ۱۳۵۳ به ترتیب ۶۶۵۱۶ و ۶۶۷۶۶ ریال اعلام شده است. نرخ قبلی میانه دلار به ریال ۶۸۱۷۵ ریال بود که اینک به ۶۶۷۶۶ ریال کاهش داده شده است. بدنبال تصمیم بانک مرکزی نرخ جدید خرید و فروش ارزها برای امروز از سوی بانک ملی ایران بدین شرح اعلام شد: یک دلار آمریکا ۶۶۵۲ (خرید) ۶۶۷۷ (فروش)

یک دلار کانادا، ۶۶۴۵ (فروش) ۶۶۷۵ (فروش)
یک دلار استرالیا ۹۰۴۰ (فروش) ۹۰۷۵ (فروش)
یک لیره انگلیس ۱۵۹۶۰ (فروش) ۱۶۰۶۰ (فروش)
یک مارک آلمان ۲۸۷۵ (فروش) ۲۹ (فروش)
یک فرانک سویس ۲۶۹۰ (فروش) ۲۷۱۵ (فروش)
یک فرانک فرانسه ۱۵۵۵ (فروش) ۱۵۷۰ (فروش)
صد فرانک بلژیک ۱۹۲۶۰ (فروش) ۱۹۴۶۰ (فروش)
صد لیر ایتالیا ۱۰۴۵ (فروش) ۱۰۵۵ (فروش)
یک فلورن هلند ۲۷۷۰ (فروش) ۲۷۹۵ (فروش)
یک کورن سوئد ۱۶۸۰ (فروش) ۱۶۹۵ (فروش)
یک کورن نروژ ۱۳۳۰ (فروش) ۱۳۴۵ (فروش)
یک کورن دانمارک ۱۲ (فروش) ۱۲۱۵ (فروش)
یک شلینگ اتریش ۴۰۶ (فروش) ۴۱۱ (فروش)
صد ین ژاپن ۲۲۸۵ (فروش) ۲۳۱۰ (فروش)
یک دینار کویت ۲۳۳ (فروش) ۲۳۵ (فروش)
یک صد روپیه هندوستان ۸۴۶، ۸۶۶ (فروش) ۸۶۶، ۸۸۶ (فروش)
یک ریال سعودی ۱۹ (فروش) ۱۹۵۰ (فروش)
یک دینار بحرین ۱۷۰، ۱۷۳ (فروش) ۱۷۰، ۱۷۳ (فروش)
یک درهم امارات متحده عربی ۱۷، ۱۷۳۰ (فروش) ۱۷، ۱۷۳۰ (فروش)
یک صد فرانک بلژیک (اسکناس) ۱۹۰۵۰، ۱۹۲ (فروش) ۱۹۰۵۰، ۱۹۲ (فروش)
صد لیر ایتالیا (اسکناس) ۱۰۲۵۰، ۱۰۴۵۰ (فروش) ۱۰۲۵۰، ۱۰۴۵۰ (فروش)
با اعلام این نرخها، نرخ ارزی که در صفحه ۴ امروز چاپ شده است بی‌اعتبار است.

۵ سال حداکثر

مدت خدمت در

نقاط بد آب و هوا براساس آیین‌نامه مربوط به تعیین محل خدمت کارمندان که در سازمان امور اداری و استخدامی کشور تهیه شده است حد اکثر مدت خدمت کارمندان در نقاط بد آب و هوا در ۵ ساله محدود می‌شود و کارمندان راتنها زمانی می‌شود در این نقاط بیش از حد مقرر نگه‌داشته که خود راضی به ادامه خدمت باشند. آیین‌نامه که در اجرای تبصره ماده ۳۹ قانون استخدام کشوری برای ترتیب تغییر محل جغرافیایی خدمت

کارمندان تهیه شده است، مقررات تازه‌ای را برای ایجاد تحرك، استفاده از تخصص و تجربه کارمندان و توزیع صحیح نیروی انسانی در نقاط مختلف کشور جایگزین مقررات متفاوت و ناهماهنگ کنونی می‌کند. براساس آیین‌نامه در هر وزارتخانه و مؤسسه دولتی کمیته ویژه‌ای تشکیل می‌شود تا ضوابط و برنامه تغییر محل جغرافیایی کارمندان را تهیه کند، این کمیته به هر حال باید از ۳ اصل زیر پیروی کند.

۱- حداکثر مدت خدمت کارمند در نقاط بد آب و هوا (نقاطی که از نظر درجه بندی نقاط کشور درجه ۳ یا ۴ شناخته می‌شود) نباید طولانی‌تر از ۵ سال باشد مگر با رضایت کارمند.
۲- انتقال به مراکز استان‌ها یا فرمانداری‌های کل تنها با داشتن ۵ سال سابقه خدمت در نقاط خارج از مرکز استان‌ها یا فرمانداری‌های کل امکان‌پذیر است.
۳- احکام تغییر محل خدمت باید در دو ماه اول تابستان صادر شود. به همین جهت کارگرفتنی‌های دولتی باید درخواست تغییر محل کارمندان را حداکثر تا آخر دی هر سال در اختیار کمیته‌های یاد شده بگذارند و کمیته‌ها حداکثر تا آخر بهمن هر سال برنامه انتقال کارمندان را تکمیل می‌کند حکم تغییر خدمت کارمندان در هر حال باید یک ماه پیش از اجرا ابلاغ شود. به تقاضای انتقال کارمندانی که یکی از بستگان درجه اول آنها بیمار می‌شود و نیز کارمندانی که محل خدمت همسرشان تغییر کرده است و یا در صورت نبودن امکانات آموزشی، خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد.

دانش آموختگان ممتاز می‌توانند در داخل ادامه تحصیل دهند

فارغ‌التحصیلان (دانش-آموختگان) ممتاز رتبه اول اجازه دارند قبل از انجام خدمت دوره تخصصی را در خارج یا داخل کشور طی کنند و سپس خدمت مقرر را انجام دهند.

قبلاً بموجب تبصره ۵ ماده واحد قانون الحاق یک تبصره به قانون وظیفه عمومی مصوب ۱۳۵۱/۳/۲۵ به فارغ‌التحصیلان ممتاز رتبه اول اجازه داده شده بود قبل از انجام خدمت وظیفه، دوره تخصصی را در خارج از کشور ادامه دهند و حال آنکه طی دوره تخصصی در داخل کشور، مستلزم انجام خدمت زیرپرچم بود. به این معنی که فارغ‌التحصیلان باید ابتدا خدمت وظیفه را انجام می‌دادند و سپس تحصیل دوره تخصصی را شروع می‌کردند از اینرو بمنظور اصلاح قانون مذکور و خصوصاً جلوگیری از خروج پزشکان با استعداد از کشور لایحه‌ای شرح زیر تهیه شده است.

تبصره ۶ ادامه تحصیل افراد مذکور در بندهای الف و ب مندرج در تبصره ۵ این ماده، در داخل کشور نیز قبل از انجام خدمت زیر پرچم مجاز خواهد بود. خبرنگار ها گزارش می‌دهد، باتصویب این لایحه از سال آینده فارغ‌التحصیلان ممتاز رتبه اول در داخل کشور نیز می‌توانند تحصیلات خود را تا احرار تخصص ادامه دهند.

کتاب‌ها

مشخصات فیزیکی

علائم بصری

اخیراً کتابی در موضوع تأثیر مشخصات فیزیکی علائم بصری در کشف و شناخت آنها بوسیله انسان زیر عنوان **Human - Factors in signalling - systems**

از طرف دکتر مجید مشهور استاد دانشگاه استکهلم بزبان انگلیسی در ۴۳۱ صفحه به وسیله مؤسسه مطبوعاتی بین‌المللی «الم کویت و ویکسل» در سوئد انتشار یافته است.

مندرجات این اثر تحقیقی گزارش جامعی است از یک رشته پژوهشهای علمی تئوریک و آزمایشی که به هزینه و بنا به توصیه مقامات دولتی سوئد بوسیله مؤلف در دانشگاه استکهلم انجام شده است.

زیربنای تمدن و

علوم انسانی

نوشته تحقیقی بخشایشی - ۱۲۲ صفحه - ۱۲۰ ریال - ناشر کتابفروشی حقیقت کتاب هشت بخش دارد و تمامی اختصاص داده شده به بحث درباره کاغذ، کتاب و کتابخانه در اولین بخش مطالبی درباره اهمیت کتاب و کتابخانه آمده، در بخش دوم پیدایش خط شرح داده شده. بخش سوم بحثی است زیر عنوان کاغذ پارکن اساسی تمدن بشری، بخش چهارم به پیدایش کتابخانه پرداخته، بخش پنجم نام تمدنی که پایه گزاری شد دارد، تمدن شکوفایی که اسلام آورد، بخش ششم کتاب را تشکیل میدهد. در بخش هفتم شرحی درباره تنوع و تکامل کتابخانه‌های اسلامی آورده شده و در بخش هشتم نویسنده درباره توسعه کتابخانه بزرگ اسلامی مطالبی نوشته است.

تاریخ علوم و قرآن

نوشته علی حجتی کرمانی ۱۵۰ ریال - ۱۹۲ صفحه در این کتاب مطالبی در باره «پیدایش علوم قرآن» «سیر تدریجی احکام قرآن»

«نام‌های قرآن»، «هدایت و تکامل در قرآن»، «سیمای انسان در قرآن» و چند مبحث دیگر آورده شده است.

شناخت فیلم

ترجمه چهار مقاله درباره سینما، ۲۵ ریال - ۴۸ صفحه کتاب کم حجم شناخت فیلم چهار مقاله درباره سینما بعنوان یک وسیله بیانی - فرهنگی با امکانات بیشتر هنری دارد و در آنها سعی شده است تحلیل و محک زدن اجزاء و عناصر پدید آورنده‌ی یک فیلم، درک و ردگیری سیر تحولی - تکاملی معیارهای ارزیابی یک فیلم خوب بررسی شده و خواننده با نقطه نظرها و سبک‌های رنگارنگ سینما - گران فیلم آشنا شود.

مقاله اول کتاب «انسان و تجربه» نام دارد که آنرا «ایورمونتاگ» نوشته و توسط جهانبخش نورائی به فارسی برگردانده شده است. مقاله دوم بانام «فیلم و سیاست» توسط غلامحسین ترکمان از روی نوشته «لایف فور همار» به فارسی درآمده است. نام مقاله سوم که توسط «پیتز ولون» نوشته شده، نگاهی به مفهوم تالیف است و کار برکردن آنرا به فارسی «داریوش اشرفی» انجام داده است.

«روزگار گل‌های سرخ» نوشته جیم هیلر که کمال پولادی آنرا به فارسی ترجمه کرده، آخرین مقاله کتاب است.

مشق اشرافیت

نویسنده: محمود دژکام. ناشر: انتشارات رگبار - ۸۸ صفحه - بها ۱۰ تومان - تاریخ انتشار بهمن ۱۳۵۳ اول چیزی که در این کتاب کم حجم توجه خواننده را جلب می‌کند شکل نوشتن است که تابحال در ادبیات زبان فارسی سابقه نداشته است.

به این شکل نوشته باید نام «قصه‌واره» داد. «قصه‌واره» چیزیست بین قصه و حکایت و قصه و مقاله و یا هر دو. حسن قصه‌واره اینست که کلیات قربانی جزئیات نمی‌ماند.

شود و تجزیه که خاص علم است جای ترکیب را نمی‌گیرد. نویسنده امکان کافی دارد تا از هر حادثه یا بر خورد و یا واقعه قصه‌واره بسازد و در کارگاه کل‌نگری خود آنرا رنگ آمیزی کند و چون بواقع گرای توجیه دارد و پابند تجزیه‌گرایی و جزئی‌گرایی نیست از سقوط در انتزاعی‌گرایی **Abstraction** مصون می‌ماند.

در کتاب «مشق اشرافیت» هشت قصه‌واره می‌بینیم.

ریاضیات در شرق

مجموعه مقالاتی درباره ریاضیات ملتهای خاورزمین، ترجمه پرویز شهریار، ناشر انتشارات خوارزمی، بها ۱۰۵ ریال.

کتابی که بعنوان ریاضیات در شرق فراهم شده، البته تاریخ پیوسته و متقارن پیشرفت ریاضیات در همه کشورهای خاورزمین نیست، بلکه مقاله‌های جداگانه‌یست درباره تاریخ ریاضیات، گام‌های نخستین در تکامل شمار، ریاضیات ملتهای قدیم بین‌النهرین، ریاضیات ملتهای هند، تاریخ کسره‌های اعشاری در چین، ریاضیات در خاور - میانه و نزدیک در دوران قرون وسطی، نظریه خیام درباره خطوط موازی. نویسندگان این مقالات از دانشمندان و محققان معاصر شوروی هستند و این مقالات را در مجله‌ی بنام «ریاضیات در دبیرستان» منتشر کرده‌اند تا مورد استفاده دبیران ریاضی قرار گیرد. به خاطر همین منظور مقالات به زبان ساده و قابل فهم نوشته شده و درک آنها برای هردانش - آموز دبیرستانی علاقمند به ریاضیات آسان است.

مترجم کتاب، هم تجربه ممتدی در تدریس ریاضیات و هم ترجمه کتابهای ریاضی دارد و همه درس خوانده‌ها با نامش آشنایی دارند. امیدواریم در آینده، باز هم آثار تازه‌ی مخصوصاً در زمینه تاریخ ریاضیات از او ببینیم.

هنر آشپزی

چاپ چهارم کتاب «هنر آشپزی» تألیف بانو رزا منتظمی منتشر شد. چاپ نخست این کتاب در سال ۱۳۴۷ با شصت دستور تهیه غذا منتشر شد. در چاپ چهارم کتاب نهصد دستوریه اضافه ۱۵۰ عکس آمده است.

آنچه در کتاب هنر آشپزی رزامنتظمی جالب توجه است، سادگی بیان و دقتی است که نویسنده در نوشتن دستورهایی غذاها بکار برده است. تقسیم بندی مطالب، بر اساس انواع غذاها، کار انتخاب را آسان می‌کند بخصوص که ارزش غذایی، هر یک از غذاها نیز در حدود فهم یک کدبانو آمده است و در عین حال نویسنده قبلاً یکایک آنها را آزمایش کرده است.

زندگینامه نقاشان

بزرگ جهان

زندگینامه نقاشان بزرگ جهان (همراه با سیری در تاریخ هنر جهان) - ترجمه و نگارش: داریوش شاهین، ۴۰۸ صفحه - همراه با نمونه های نقاشی از نقاشان معروف دنیا - ۳۵۰ ریال - انتشارات مهرگان.

کتاب حجیمی که با نام «زندگینامه نقاشان بزرگ جهان» بچاپ رسیده است، در حقیقت دائرةالمعارفی است که در آن می‌توان شرح مختصر زندگی نقاشان نامی و غیرنامی دنیا، نام آثار آنها و شرحی از مکاتب نقاشی دنیا را از هنگامیکه اولین انسان‌ها با قلم استخوان بریوم سنک دیوار غارها، نقشی نگاشتند، تا امروز که

دهها سبک مدرن و کلاسیک اینجا و آنجا رواج دارد، پیدا کرد.

کتاب را دائرةالمعارف نامیدیم چرا که واجد تمام ویژگیهای کتاب‌هایی از این دست است که اطلاعات کلی به خواننده می‌دهد و فاقد هرگونه تحلیل و بررسی هنر نقاشی بطریق علمی است.

کلیات علم اقتصاد

تألیف دکتر باقر قدیری اصلی، از انتشارات مدرسه عالی بازرگانی رشت - مرکز نشر سپهر - ۷۵۶ صفحه.

«کلیات علم اقتصاد» عنوان تألیف جامعی است که مدتها جای آن در میان علاقمندان به دانش اقتصاد، مخصوصاً دانشجویان رشته های علوم انسانی کاملاً محسوس بوده است. دکتر باقر قدیری، مؤلف کتاب، استاد اقتصاد دانشگاه تهران است و در تألیف جدید خود کلیاتی از مباحث مهم اقتصادی را که بسیاری از آنها برای نخستین بار به زبان فارسی انتشار می‌یابد، با کلامی روان در ۱۰ فصل نوشته است.

در این کتاب علاوه بر آشنایی با کلیه مباحث مهم اقتصادی، در هر یک از فصول و بخش‌ها، مطالب و اطلاعات ارزنده‌ی از دیدگاه اجتماعی نسبت به مسایل اقتصادی بچشم می‌خورد.

فرهنگی

دویستمین سالگرد انقلاب امریکا

اولین جلسه کمیته ایرانی برگزار کننده دویستمین سالگرد انقلاب امریکا ۱۳۰۱ در کاخ نیاوران در حضور علیاحضرت شهبانو که ریاست عالیسه کمیته را بر عهده دارند تشکیل شد. در این جلسه ابتدا از طرف فرهاد نیکخواه دبیر کل کمیته گزارشی درباره برنامه جشنهای دویستمین سالگرد انقلاب امریکا که در سال ۱۹۷۶ به مدت ۴ ماه در سراسر امریکا برگزار خواهد شد به استحضار رسید و درخواست مردم امریکا برای مشارکت در این برنامه که هدف آن تجدید آمال و آرمانهایی است که ملت امریکا را به استقلال رسانید مطرح شد و شهبانوی ایران در مورد همکاری با این جشنها که به ارتباط معنوی دو ملت و روابط فرهنگی و انسانی آنها مربوط است و ترتیب شرکت مردم ایران در این برنامه مذاکراتی بعمل آمد. دبیر کل کمیته در پایان این جلسه گفت جلسهای که امروز در پیشگاه علیاحضرت شهبانوی ایران تشکیل شد جلسهای کمیته ایرانی برگزاری دویستمین سال انقلاب امریکا است. این کمیته بنابه درخواست مردم امریکا تشکیل میشود. دولت امریکا در سال گذشته از تمام کشورها درخواست کرده است تا در مراسمی که به مناسبت دویستمین سال سالگرد انقلاب امریکا از طرف مردم آن کشور برگزار خواهد شد. شرکت کنند، باتوجه به عوالم دوستی میان دو کشور و هدفهای انسانی و فرهنگی جشن وبالاخره باتوجه به این نکته که در مراسم جشنهای بنیانگذاری دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران مردم و دولت امریکا با تشکیل کمیته خاصی که با شرکت جمعی از شخصیتهای برجسته نظیر رؤسای جمهور سابق تشکیل شد

صفحه دوم و چهارم

دو دوره جدید در دانشگاه تهران تأسیس شد

شورای دانشگاه تهران در آخرین جلسه خود که به ریاست هوشنگ نهاوندی رئیس دانشگاه تشکیل شد با تأسیس دوره لیسانس زبان ایتالیایی و فوق لیسانس ژئوفیزیک موافقت کرد. در آغاز جلسه، پایان امتحانات نیمسال نخست در ۲۰ دانشکده و ۱۲ مؤسسه وابسته به دانشگاه اعلام شد و سپس ایجاد دوره لیسانس زبان ایتالیایی در دانشکده ادبیات مورد بحث قرار گرفت و تصویب شد. اعضای شورا همچنین با پیشنهاد مؤسسه ژئوفیزیک در مورد تشکیل دوره فوق لیسانس این رشته موافقت کردند و قرار شد دروس این دوره زیر نظر رشتههای معدن دانشکده فنی وزمینشناسی دانشکده علوم تدریس شود. این دوره از نیمسال دوم دانشجو خواهد گرفت.

تندیس بزرگ سنگی عهد ساسانیان از زیر خاک بیرون آمد

باستان شناسان ایرانی ضمن کاوش در محل قدیمی ساسانی بیشاپور در نزدیکی گازرون واقع در فارس یک نقش برجسته بزرگ بطول ۴ متر را که تصویر مردی را که خم شده است نشان میدهد و در زیر نقش برجسته دیگری که از یک قرن ونیم پیش نزد محققان و جهانگردان معروفیت دارد از سنگ حجاری شده است کشف کردند. این اکتشافات محتملاً هیجان باستان شناسان را برخواهد انگیزد و اهمیت این نقش تنها در آن نیست که مدتها از چشم صدها نفر از پژوهندگانیکه در نزدیکی آن از نقش برجسته شاپور دوم عکسبرداری کرده و آنرا مورد بررسی قرار داده بودند پنهان مانده بوده است، بلکه از این لحاظ نیز اهمیت دارد که تنها حجاری است که با این شکل مخصوص از زمان ساسانیان بدست آمده است.

این تصویر دوهفته قبل بوسیله علی اکبر سرفراز یکی از باستان شناسان پژوهنده ایرانی که در طی ۶ سال

گذشته با اکتشافات و حفاریات خود تاریخ بیشاپور پایتخت قدیمی شاپور اول را مورد تجدیدنظر کلی قرار داده است کشف گردید. این شهر برای اولین بار در دهه ۱۹۳۰ بوسیله «گیرشمن» مورد کاوش قرار گرفت. سرفراز از مدتها قبل در نظر داشت که کافالی را که در حدود ۳۰۰ سال پیش برای رساندن آب از رودخانه بیشاپور به دهات دره تنک چوگان واقع در شمال این شهر قدیمی ساخته شده بود عوض کند. رطوبت ناشی از این کانال به نقوش برجسته ای که در طول آن قرار داشتند صدمه وارد آورده بود. این فرصت موقعی پیش آمد که محمود مهران رئیس سازمان حفاظت آثار ملی وجوه لازم را برای کشیدن لوله آب و اسفالت کردن راهی که از دره مذکور می گذشت، تأمین کرد.

موقعیکه دیوارهای سنگی کاخال را خراب می کردند ناگهان چشم سرفراز بربیک قطعه سنگ منقوش افتاد و بتدریج که دیوارهای کاخال کنده می شد این تصویر نمایان تر میگردد.

سرفراز می گوید همینکه این تصویر کاملاً آشکار گردید بعضی از کارگران از مشاهده تصویر مذکور که مردی را نشان می داد که خم شده بود و سرش را روی بازویش قرار داده بود به اندازه بی تحت تأثیر قرار گرفتند که اشک از چشمانشان جاری شد و مرتباً می گفتند «مرد بیچاره» سرفراز می گوید که این امر درجه مهارت عجیب هنرمندی که این تصویر را بوجود آورده است نشان می دهد این هنرمند کی بوده است؟ سرفراز می گوید این یکی از اسراری است که هنوز کشف نشده است، ولی وی تنها کسی نیست که تأثیر «کوشانی» ها را در این تصویر احساس می کند شاپور در قرن سوم علیه سرزمین «کوشان» واقع در شمال غربی ایران جنگیده و آنها را تحت انقیاد خود در آورده بود و همانطوریکه در جنگ علیه روم، رومیان را با امپراطورشان «والرین» اسیر کرده بود محتملاً عده ای از هنرمندان کوشان را به بیشاپور برای کار کردن در آن شهر آورده بوده است این دوسرزمین در طی یک دوره طولانی روابط نزدیک با یک دیگر داشته اند. نیشاپور مدتها

پس از فوت شاپور یک مرکز فرهنگی باقی مانده بود، شاپور مدت زمانی پیغمبر را که از اشراف زادگان بود مقرب دربار خود ساخته و همچنین به تشویق ترجمه کتابهای فلسفی هندی و یونانی پرداخته بود.

سرفراز گفت که عقیده منی براینکه نقش برجسته کشف شده تصویر مانی پیغمبر باشد قابل قبول بنظر نمی رسد زیرا با تصویری که از این پیغمبر سابقاً در یکی از غارهای همین ناحیه کشف گردیده و او را با سبیل و ریش نشان می داده است، تطبیق نمی کند. همچنین این تصویر با نقش برجسته بهرام که در بالای آن قرار دارد هم زمان نیست. سرفراز معتقد است که این تصویر اثر یکی از جانشینان «نرسی» که در اوایل قرن چهارم سلطنت می کرده است می باشد. «نرسی» دستور داده بود که در نقش برجسته بهرام نوشته شود «این بدل من است».

سرفراز عقیده دارد تصویریکه اخیراً کشف شده با «نرسی» ارتباط دارد گو اینکه تصویر خود «نرسی» نیست. خراب کردن کاخال یک قشر دیگری را در زیر نقش برجسته شاپور که او را در حال برگزاری جشن فتوحاتش نشان می دهد آشکار ساخت. در قشری که اخیراً کشف گردیده است پاسداران ایرانی با سب و اسیران رومی که جامهای طلائی بعنوان هدیه می آورند دیده می شوند این یکی از ۳ نقش برجسته مهم دیگری است که در این دره که امروز محل سکونت قبایل دره شور می باشد کشف شده است.

خرابه های يك كاخ باستانی در جنوب شرقی رضائیه کشف شد

طبق نظر باستان شناس مشهور ولفروم کلایس شهر معروف پراسپا که بوسیله مارك آنتونی تحت حمله قرار گرفته ولسی هیچگاه تصرف نشد، در جنوب شرقی دریاچه رضائیه قرار دارد. این محل یکی از شهرهای تاریخی معروفی است که سالها باستان شناسان در تلاش کشف آن بوده اند این باستان شناس يك كاخ باستانی متعلق به زمان پارسی را کشف

ورزشی

بود، بابتست آوردن يك مدال نقره و يك مدال برنز در کشتی فرنگی و مجموعاً با کسب ۱۴ امتیاز در کشتی فرنگی و آزاد میان هشت تیم شرکت کننده به مقام چهارم رسید در حالی که تیم لهستان نیز صاحب ۱۴ امتیاز بود.

قهرمانان ایرانی که صاحب مدال شدند عبارت بودند از: احمد رضا محمدی (دوم در دسته ۵۷ کیلو) و غلامرضا قصاب (سوم در وزن ۶۲ کیلو) کشتی فرنگی تیم کشتی ایران در دوره پیشین این مسابقات مقام اول را احراز کرده بود.

مسابقات بین المللی مذکور به نام روزه کولن فرانسوی، رئیس فید فدراسیون بین المللی کشتی هر ساله از طرف فدراسیون کشتی فرانسه در شهر کلرمون فران فرانسه ترتیب داده میشود.

علاوه بر دو کشتی گیر ایرانی صاحب مدال، سه کشتی گیر دیگر ایران هم شرکت کرده بودند: عادل بلنداقبال در کشتی فرنگی و قدرت پورکرمی و مصر زینعلی زاده در کشتی آزاد که به مقامی دست نیافتند. در مسابقات امسال بلغارستان با ۱۸ امتیاز اول شد اما تیم اول فرانسه نیز با وجود همین تعداد امتیاز جای دوم را گرفت آلمان غربی با شانزده امتیاز مقام سوم را احراز کرد و پس از تیمهای ایران و لهستان (با ۱۴ امتیاز) تیم شوروی با ۱۳ امتیاز ششم شد. تیم فرانسه با ۱۰ امتیاز و تیم سوئیس با سه امتیاز به ترتیب هفتم و هشتم شدند.

دومین دوره جام

بین المللی ولیعهد

تیم جوانان خوزستان در مسابقه نهایی فوتبال دومین دوره جام بین المللی ولیعهد ۲ بريك برگره جنوبی پیروز شدند. مسابقه با حضور والاحضرت ولیعهد در استادیوم ورزشی اهواز برگزار شد و بیش از ۲۵ هزار تن از ورزش دوستان اهواز و دیگر شهرهای خوزستان آنرا تماشا کردند. والاحضرت ولایتعهد در پایان مسابقه تیمهای خوزستان و جمهوری کره که به پیروزی خوزستانیها انجامید دومین جام بین المللی ولیعهد را به کاپیتان تیم خوزستان عباس نواصر زاده اهداء کردند.

صفحه دوم

فدراسیون فوتبال ایران اعلام کرد که تهران در سال آینده میزبان دوره نهایی مسابقات جام ملت های آسیا خواهد شد.

برای شرکت در مسابقه های مقدماتی جام ملت های آسیا ۳۱ کشور نام نویسی کرده و در چهار گروه به شرح زیر مسابقه می دهند:

گروه یکم: لبنان، بحرین، کویت، پاکستان، برمه و مین. مسابقات این گروه در بیروت انجام می شود.

گروه دوم: عراق، افغانستان، بنگلادش، هندوستان، اردن، نپال، قطر و عربستان سعودی.

محل برگزاری مسابقه های این گروه بغداد است. گروه سوم: هونگ کنگ، برونای، برمه، ژاپن، سنگاپور، سری لانکا، جمهوری خلق چین و جمهوری دموکراتیک خلق کره.

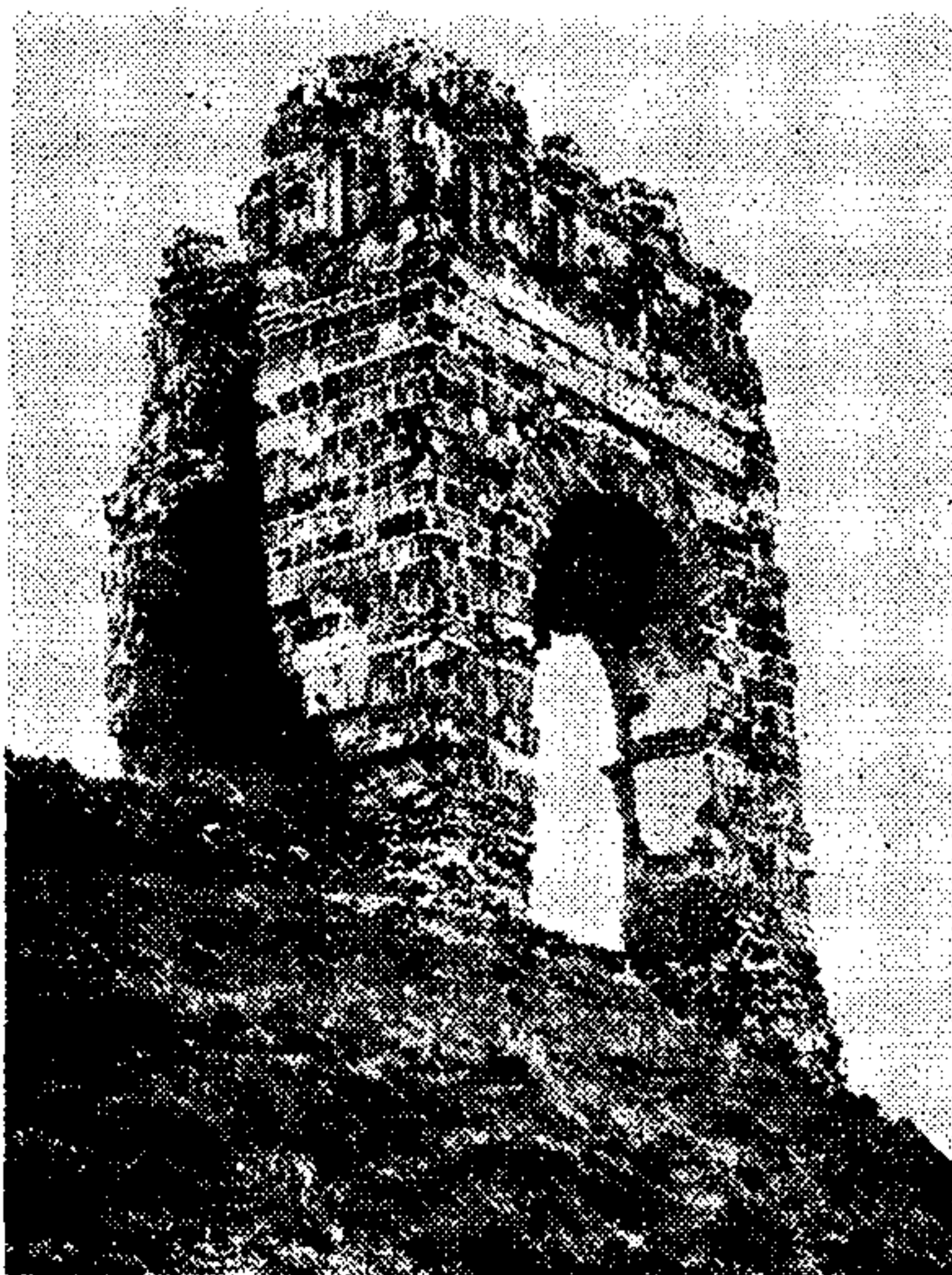
مسابقه های این گروه را هونگ کنگ برگزار می کند. گروه چهارم: تایلند، مالزی، اندونزی، خمر، کره جنوبی، لائوس، فیلیپین و جمهوری ویتنام. تایلند میزبان این مسابقات است.

چهار تیم قهرمان گروه های یاد شده همراه با تیم فوتبال ایران - که بعنوان قهرمان دوره پیش جام ملت های آسیا و همچنین میزبان مسابقات نهایی این دوره از شرکت در مسابقات مقدماتی معاف شده است - دیدارهای نهایی را در تهران انجام می دهند.

تیم ملی فوتبال ایران در سال ۱۹۶۸ برای اولین بار در مسابقات جام ملت های آسیا، که در تهران برگزار شد به مقام قهرمانی رسید و چهار سال بعد (۱۹۷۲) نیز به خوبی از عنوان قهرمانی خود دفاع کرد و در بانکوک مقام اول را بدست آورد. قبلاً اعلام شده بود که دوره نهایی این مسابقات در بیروت برگزار می شود که این ناشی از اشتباهات خبرگزاری ها بوده است.

کشتی گیران ایران تیم کشتی ایران که برای شرکت در مسابقات بین المللی جام روزه کولن به شهر کلرمون فران فرانسه رفته

تیم کشتی ایران که برای شرکت در مسابقات بین المللی جام روزه کولن به شهر کلرمون فران فرانسه رفته



نمای ساختمان قلعه ضحاک که در نزدیکی مراغه قرار دارد و از بعد از حمله مغول تاکنون به همین صورت باقی مانده است.



قسمتی از تندیس چهارمتری کشف شده در بیشاپور که تصویر مرد مرده ای را نشان میدهد. وضع لباس و آرایش او ملازمان نرسی پادشاه ساسانی را پیاد می آورد.



نقش برجسته يك انسان مرده که بر حسب تصادف در بیشاپور از زیر خاک بیرون آمد. این مرد که بر روی زمین افتاده، به شکل رجال زمان نرسی است. در بالای عکس نقش برجسته بهرام دوم سوار بر اسب دیده میشود.

کرده است، او خرابه های این کاخ را به قرن دوم میلادی ارتباط می دهد و افراد محلی آن را قلعه ضحاک می نامند. این قلعه اولین بار توسط سرهنگ موتیت در اوایل قرن نوزدهم مشاهده شد. پس از او جهانگرد انگلیسی رالنیسون با ذکر نام آن در يك نشریه، توجه عموم را به وجود این محل جلب کرد. ولی از آن بعد این مکان بدست فراموشی و باد و طوفان سپرده شد. پروفیسور کلایس می گوید هیچ راهی برای رسیدن به این محل وجود ندارد شما می توانید با راه آهن تا آنجا که امکان دارد بروید و بعد باید دو ساعت تمام راه پیمایی کنید.

کلایس می گوید هویت این محل را از روی شباهت سبک ساختمان آن به ساختمان ضحاک در زمان یونانیان و نفوذ سبک رم قدیم که نشان دهنده ساختمان های پارسی و تریانات تیسفون است تشخیص دادم، مجسمه پارسی «شاهزاده خانم شی» در تپه های بختیاری نیز رابطه ای با سبک ساختمان قلعه ضحاک دارد. پروفیسور کلایس که علاقه زیادی به کاوش در این محل پیدا کرده در صدد کسب پروانه رسمی کاوش از مقامات مسؤول است ولی موقتاً در برنامه های حفاری ایران و کشورهای خارجی وقفه ای ایجاد شده است.

پروفیسور کلایس که با کشفیاتی نزدیک مرز ترکیه شهرت زیادی در جهان باستان شناسی کسب کرده است، امیدوار است مطالعه بیشتر درباره قلعه ضحاک او را به محل شهر معروف پارسا که بقیمه او نزدیک مراغه است هدایت کند.

تغییرات

در سازمان برنامه

در تغییراتی که در سطح مدیران و معاون مدیران سازمان برنامه و بودجه داده شد حسن علایی به ریاست دفتر اطلاعات و روابط عمومی رسید که برای خبرنگار از چهره‌های آشناست.

رئیس سابق دفتر اطلاعات در روابط عمومی، مهدی امینی صالحی، در مدیریت فرهنگ و هنر و جهانگردی بکار پرداخت و سه خانم پست مدیریت و معاون مدیریت گرفتند.

بقیه تغییرات تازه سازمان برنامه و بودجه به شرح زیر است:

مرتضی‌رضا مشاور سازمان برنامه و بودجه در امور مربوط به کشاورزی و دامپروری و عمران روستایی، ایراندخت اسکندری مدیر کارگزینی، جعفر طباطبایی مدیر کشاورزی و دامپروری، عباس شیردل رئیس دفتر واحدهای زیربنایی، معاونت ارزشیابی، مهدی لشکری رئیس دفتر آموزش و ترویج معاونت انفورماتیک، سیروس آرین‌پور رئیس دفتر روش‌های برنامه ریزی و تلفیق برنامه‌های معاونت برنامه ریزی، اسدالله معزی رئیس دفتر هماهنگی روش‌های نظارت، علی حاج یوسف رئیس دفتر مطالعات ناحیه‌یی معاونت امور استان‌ها، مهدی مهدی رئیس دفتر تشکیلات و بودجه، احمد ابریشمی مشاور معاونت هماهنگی و نظارت، شهین‌نابت‌قدم معاون مدیر کشاورزی و دامپروری، پوران‌دخت یوسفی‌مجد معاون دفتر تشکیلات و بودجه، هوشنگ مسعودی معاون دفتر اطلاعات و روابط عمومی، و اسفندیار عظیم‌پور معاون مدیریت کارگزینی.

پیام شهبانو بمناسبت

سال بین‌المللی زن

علیاحضرت شهبانو به مناسبت سال بین‌المللی زن، ۵۳/۱۰/۱۲ پیامی باین شرح فرستادند:

ش ش
صفحه دوم و ششم

« بمناسبت سالی که از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد به عنوان سال بین‌المللی زن اعلام شده است، خاطره همه کسانی که در راه اعتلای حقوق انسان و تساوی حقوق زن و مرد تلاش کرده‌اند، گرامی بداریم. اعلام سال ۱۹۷۵ به عنوان سال بین‌المللی زن از طرف نمایندگان ملت‌های جهان، حاکی از آن است که به رغم کوشش‌هایی که برای حمایت از حقوق زنان به کار رفته است هنوز در بسیاری از نقاط دنیا تبعیض نسبت به آنان ادامه دارد. دگرگونی‌های بی‌سابقه زمان ما موجب شده است که به نقش سنتی زن که اصولاً در اداره منزل و پرورش فرزندان خلاصه میشد، وظایف اساسی دیگری در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افزوده شود. بالا رفتن سطح معلومات، اجرای تدریجی برنامه‌های تنظیم خانواده و متناسب‌تر شدن تعداد فرزندان از یک طرف و افزایش وسائل و تسهیلات زندگی از طرف دیگر، آغازگر تحولی است که طی آن کارهای زنان در خانه تعدیل می‌شود و متدرجاً این آمادگی برای بسیاری از آنان فراهم می‌گردد که از فرصت‌ها و امکانات قانونی و عقلی که جامعه برای مشارکت آنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی می‌سازد، برخوردار شوند. بدون شك نقش مؤثر زنان را در مورد پرورش کودکان و کمک به ثبات خانواده طی تاریخ با عظمت ایران هرگز نمی‌توان انکار کرد. هم چنین، کوششهای خستگی ناپذیر زن ایرانی، بویژه در زندگی‌های روستایی و عشقه‌یی و همکاریهای پرثمر و مداوم او را در امور کشاورزی، دامداری و کارهای دستی و هنری هیچگاه نمی‌توان از نظر دور داشت. در جامعه شهری بایک اقدام تاریخی که در هفدهم دیماه ۱۳۱۴ بدست توانای سردار بزرگ ایران رضاشاه کبیر در جهت آزادی زنان به عمل آمد و قریباً سالروز آن را جشن می‌گیریم، عده قابل ملاحظه‌یی

از زنان کشور ما فرصت مشارکت هرچه بیشتر در زندگی جامعه خود را پیدا کرده‌اند. از همه مهم‌تر، انقلاب اجتماعی ایران موجب گردید که زنان نقش بسیار مؤثرتری را در جامعه عهده‌دار شوند. من به این نکته اشاره می‌کنم که طی دهه گذشته تعداد زنان در آموزشگاهها و در خدمات دولتی بطور قابل ملاحظه‌یی افزایش پیدا کرده و حکایت از مشارکت بیش از پیش زنان وطن ما در فعالیتهای عمومی می‌کند. با وجود این پیشرفت‌ها و علیرغم امکانات قانونی و بنیادی که انقلاب برای ما فراهم ساخته است هنوز سهم زنان در نیروی کار کشور بهیچوجه کافی نیست. آمارهایی که در اختیار است میزان مشارکت زنان در فعالیتهای بخش-های مختلف را حدود ۱۲ درصد نشان می‌دهد.

با وجودی که ارقام مربوط به جمعیت زنان فعال برپایه معیارهای جوامع صنعتی تهیه شده و در مواردی به علت منعکس نکردن نسیب از فعالیتهای تولیدی زنان در روستاها و عشایر ممکن است با ویژگیهای نظام اقتصادی اجتماعی، منطبق نباشد، مع هذا نشانه آن است که در کشور محدود شرکت زنان بخصوص در بخشهای صنعت و خدمات هنوز ناچیز است. اکنون زمان آن رسیده است که زنان ایرانی نقشی را که در این دوران سازندگی از نظر تأمین کامل حقوق خود و پیشرفت جامعه به عهده دارند بازشناسند و مشارکت مؤثرتری را در فعالیتهای مختلف از کم مسؤولیت‌ترین تا حساسترین مشاغل به عهده بگیرند. زنان ایرانی چه در شهر و چه در روستا باید برای بدست گرفتن فعالیتهای و حرفه‌ها و مشاغل که تحولات علمی و فنی عصر ما به وجود آورده است آماده شوند و این نیروی عظیم انسانی در فعالیتهای سازنده‌تر بکار افتد و روزی فرا رسد که همانند کشورهای صنعتی در حدود ۴۰ درصد از فعالیتهای زنان عهده‌دار شوند. برای تأمین این منظور، سازمان‌های آموزشی وظیفه اساسی و پراهمیتی را به عهده دارند. زیرا، این سازمان‌ها هستند که نه تنها باید امکانات آموزشی کاملاً برابر با مردان را در همه سطوح برای زنان فراهم

سازند، بلکه مکلفند این واقعیت را از کودکی و نوجوانی به همه افراد تفهیم کنند که آنچه در عرصه زندگی باید موجب پیشرفت و تعالی شود شایستگی فردی است نه مرد یا زن بودن. همزمان با این تلاش‌ها آن دسته از زنان که وارد بازار کار می‌شوند، در هر سطح و هر موقع اداری یا اجتماعی، باید علاوه بر کوشش در راه انجام وظیفه، از طریق فعالیت و مجاهدت، پیش-داوریهایی را که سنت‌ها و افکار گذشته درباره صلاحیت و شایستگی زنان برای کارهای اجتماعی بوجود آورده است خنثی نمایند و نشان دهند که نه تنها برای اجرای کلیه وظایف اداری و اجتماعی آمادگی دارند، بلکه اجرای این فعالیتهای به وظایف اساسی دیگر آنان یعنی همسری و مادری نیز لطمه نمی‌زند. طی سال بین‌المللی زن و سال‌های پرتلاشی که در پیش داریم وسایل ارتباط جمعی باید بیش از هر زمان تساوی حقوق زن و مرد را در همه موارد به جامعه ما بشناساند و تصاویر نادرستی را که در باره مناسبات زن و مرد و استعداد های زنان وجود دارد، بر طرف سازد. جامعه ایرانی باید بیش از هر وقت تساوی فرصت را برای زن و مرد فراهم سازد و این آگاهی را پیدا کند که برقراری تساوی فرصت در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از حقوق مسلم زنان است نه یک بخشش مشفقانه. در خاتمه می‌خواهم تأکید کنم که هدف ما برقراری تساوی کامل بین زن و مرد چه در قانون و چه در عمل باشد نه ایجاد دو دستگی و جبهه‌گیری به بیان دیگر، تلاش زنان برای مشارکت در ساختن کشور را با ستیزه‌جویی‌ها و افزون-طلبی‌های افراطی یا اقداماتی که نظام خانواده را نا-استوار می‌سازد، نباید اشتباه کرد. هماهنگ ساختن نیازهای زیستی و انسانی زن امروزی با مقتضیات اجتماعی و فرهنگی در هر جامعه پویا، کاری بس ظریف و دشوار است. ایجاد این هماهنگی مستلزم حسن تدبیر، موقع-شناسی و فراستی است که خوشبختانه در خواهران هموطن من به میزان وافر وجود دارد. توفیق هرچه بیشتر همه زنان جهان و بویژه زنان ایران در راه

اعتلای حقوق زن و منزلت هرچه بیشتر در خدمت به جامعه، از خداوند متعال بخواهیم.

منظومه درود به

ایران تقدیم شهبانو

شد

علیاحضرت شهبانو ۵۳/۱۰/۱۲ بانو ماریادان همسر جرجه‌دان ایران شناس و نویسنده و شاعر فقید رومانی را در گناخ، نیاوران بحضور پذیرفتند. بانودان در این شرفیایی آخرین اثر منظومه همسر خود را بنام درود به ایران که در ۲۵۰۰ بیت بزبان رومانی سروده شده است به پیشگاه شهبانو تقدیم داشت و بعرض علیاحضرت شهبانو رسانید که این کار طبق آخرین وصیت شوهر فقیدش انجام گرفته است.

جرجه‌دان که از معروفترین شعراء و ادبای رومانی است در طول بیست سال گذشته بسیاری از آثار ادبیات فارسی را بزبان رومانی ترجمه کرد و خود اشعار فراوانی با الهام از شعرای ایران سروده و در کنگره جهانی ایران شناسان شرکت جست ولی اندکی پس از مراجعت به کشور خود، هنگامیکه در اتحادیه نویسندگان رومانی درباره ایران سخنرانی می‌کرد، با سکتی قلبی درگشت. آخرین اثر او منظومه درود به ایران است که تنها نسخه آن امروز توسط همسر وی که بدعوت کتابخانه پهلوی بهمین منظور بایران آمده است به پیشگاه علیاحضرت شهبانو تقدیم شد.

شهبانو در این شرفیایی از خاطره ایران شناس فقید بگرمی یاد کردند و همسر او را مورد مرحمت و قدردانی قرار دادند و مقرر فرمودند که ترجمه فارسی این منظومه توسط کتابخانه پهلوی بچاپ برسد. در این شرفیایی شجاع‌الدین شفا، معاون فرهنگی دربار شاهی و مدیر عامل کتابخانه پهلوی افتخار حضور داشتند.

کنگره بزرگداشت

چهلمین سالروز

آزادی زنان

گشایش یافت

در پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانوی ایران و

به ریاست عالیّه والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی ۱۰۱۴ کنگره بزرگداشت چهلمین سالروز آزادی اجتماعی زنان ایران و آغاز سال جهانی زن در ورزشگاه محمدرضا شاه افتتاح شد.

سرکار علیّه بانو فریده دینا، آقای امیر عباس هویدا نخست وزیر، آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی، دکتر اقبال رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران، مهندس شریف امامی رئیس مجلس سنا، مهرداد پهلبد وزیر فرهنگ و هنر و جمعی دیگر از وزراء و شخصیت های مملکتی نیز حضور داشتند.

در این مراسم والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی طی گزارش خود درباره کنگره بزرگداشت چهلمین سال آزادی زن اظهار داشتند:

* در طول برنامه عمرانی پنجم سازمان زنان قادر است در تمام زمینه ها از خدمات مددکارانی که در ارتباط نیازهای سازمان پرورش یافته است بهره مند شود.

* در حال حاضر مشکلات زنان در زندگی خانوادگی و اجتماعی بیشتر مربوط به آگاه نبودن آنان به حقوق خود و نداشتن اطلاع از قوانین جاری است.

* تا آخر برنامه پنجم ۲۰۰ مرکز رفاه خانواده پوشش گسترده ای برای پیشبرد فعالیتهای آموزشی پرورشی، خدماتی سازمان زنان در سطح ملی بوجود خواهند آورد.

پس از پایان گزارش والا حضرت اشرف پهلوی دو تن از دختران عضو سازمان زنان لوحه سپاسی را که از طرف سازمان زنان ایران تهیه شده بود به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو تقدیم کردند. همزمان با مراسم تقدیم لوحه سپاس دسته کر سرود سازمان زنان را اجرا کرد سپس اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر با فرمایشات خود کنگره را افتتاح فرمودند.

شاهنشاه آریامهر در این اجتماع بزرگ بیانات مهمی درباره آزادی زن و وظیفه و نقش زنان در پیشرفت های اقتصادی کشور ایراد فرمودند.

در این مراسم بیش از پنج هزار نفر از نمایندگان گروه های مختلف زنان کشور شرکت داشتند.

متن قطعنامه کنگره بزرگداشت چهلمین سالروز آزادی زنان

«کنگره بزرگداشت چهلمین سالروز آزادی اجتماعی زنان ایران و آغاز سال جهانی زن در چهاردهم دیماه ۱۳۵۳ در پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران، به ریاست عالیّه والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی و با شرکت نمایندگان گروه های مختلف زنان کشور افتتاح گردید.

کنگره سپاس فراوان خود را به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران که با تشریف فرمایی خود کنگره را قرین افتخار و مباحات نموده و قدر و منزلت زن ایرانی را تأکید فرمودند تقدیم می دارد.

کنگره سپاس خود را به حضور والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست عالیّه سازمان زنان ایران که همواره با آینده نگری جامعه زنان ایران را رهبری فرموده اند تقدیم می نماید. کنگره با توجه باینکه در سطح جهانی هنوز زنان با تبعیضات و مشکلات اساسی روبرو هستند و توجه باینکه زنان ایرانی در دوران انقلاب به دست آوردهای قابل توجهی موفق گشته اند، آغاز سال بین المللی زن را فرصتی می داند برای اینکه به مسائل مربوط ب زنان و امکان مشارکت وسیع آنان در فعالیتهای سازنده جامعه توجه شود.

کنگره با الهام از فرمایشات ملوکانه در موقعیتهای مختلف خصوصاً در این کنگره، وبا در نظر گرفتن خواست های زنان گروه های مختلف برای نیل به هدفهای سال بین المللی زن و با تأکید به اهمیت نقش زن در توسعه ملی و تقاضای صلح بین المللی اقدامات زیر را ضروری می داند.

۱- تضمین تساوی حقوق زنان و مردان ایرانی و بهبود قوانین و مقررات آیین نامه ها و روشهای اجرایی که ممکن است به نحوی موجب تبعیض به زیان زنان باشد.

۲- اقدامات اساسی و

وسیع در زمینه های مبارزه با بیسوادی در بین زنان و آموزش حرفه و فن به نحوی که موجب ارتقاء سطح فرهنگ تأمین مالی و رفاه آنان گردد.

۳- توسعه پوشش تأمین اجتماعی برای زنان خانه دار. ۴- تضمین تأمین شغلی برای مادرانیکه بمنظور مراقبت از کودکان خردسال خود موقتاً مشاغل خود را ترك می کنند. ۵- الزام سازمانهای دولتی و خصوصی به ایجاد تسهیلات برای مادران شاغل.

۶- رفع هر نوع تبعیض در تقسیم کار بین زن و مرد.

۷- استفاده از نیروی زنان در مشاغل مختلف و اقدام اساسی برای اشتغال نیروی زنان از فعالیت کم درآمد به فعالیت های مولد با بازدهی بیشتر و مشارکت دادن آنان در مشاغل برنامه ریزی و رهبری.

۸- ایجاد فرصتهای کار نیمه وقت برای زنانیکه به علت اشتغال در خانواده امکان کار تمام وقت ندارند و ایجاد فعالیتهای تولیدی جنبی برای استفاده از نیروی زنان کشاورز و روستایی در کم کاری های فصلی.

۹- تعمیم قانون کار و بیمه های اجتماعی به کارگاه های خانگی که زنان و دختران در آن کار می کنند.

۱۰- تلاش همه جانبه برای روشن کردن افکار عمومی در جهت شناساندن ارزش واقعی زن در خانواده و اجتماع و مبارزه با افکار و پیش داوری های ناروا که بازدارنده زن از مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی است.

۱۱- توسعه برنامه های آموزشی برای آگاه ساختن زنان از حقوق قانونی خود و امکانات موجود در اجتماع جهت استفاده از این حقوق.

فیلم ایرانی جایزه بزرگ فستیوال کان را برد

فیلم «انتظار» ساخته امیر نادری در فستیوال جوانان کان جایزه بزرگ هیأت داوران را بدست آورد. داوران فستیوال این فیلم را به اتفاق آرا برنده اعلام کردند.

«انتظار» يك فیلم ۴۳

دقیقه ای رنگی است و محصول امسال کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. این فیلم قبلاً در فستیوال جهانی فیلم های کودکان و نوجوانان در تهران بنمایش درآمده بود.

داستان فیلم انتظار را امیر نادری نوشته است و حوادث آن در یکی از شهرستان های جنوبی ایران می گذرد. فستیوال جوانان کان از ۲۶ دسامبر تا دوم ژانویه در کان فرانسه برگزار شد.

مؤسسه بررسی گیاهان دارویی در دانشگاه تهران

شورای دانشگاه تهران در جلسه ۱۵۰۳۱۰۳ خود تصمیم گرفت يك مؤسسه بررسی گیاهان دارویی وابسته به دانشکده داروسازی تشکیل گردد. این مؤسسه در کار جمع آوری و شناخت و تعیین نام گیاهان دارویی و تحقیق در اثرات درمانی آنها خواهد کوشید.

شورا همچنین تصمیم گرفت که در س های طب سنتی ایران، تاریخ طب و اخلاق پزشکی در برنامه های دانشکده های پزشکی منظور گردد.

شورا آنگاه با پیشنهاد دانشکده علوم درباره تغییر نام گروه ریاضی به گروه ریاضیات و علوم کامپیوتری موافقت کرد و قرار شد که يك دوره لیسانس کامپیوتر تشکیل گردد. درباره مؤسسه باستانشناسی دانشگاه که فعالیت آن از ۱۳۴۸ متوقف شده است شورا تصمیم گرفت که دست به تجدید فعالیت بزنند.

بزرگداشت ادیسون در تهران

بمطت پیشرفت های شگرف ایران در زمینه تولید و استفاده از نیروی برق از طرف بنیاد توماس الوادیسون تهران، برای برگزاری نوزدهمین مراسم بزرگداشت زادروز ادیسون انتخاب شد مراسم بزرگداشت زادروز ادیسون ۱۹۵۷ تا کنون هر سال در سطح بین المللی در یکی از کشورهای جهان برگزار می شود و هدف آن ایجاد رابطه نزدیکتری بین صنعت و آموزش در جهان است. به همین مناسبت از روز ۲۲ بهمن بدست ۳

روز مراسم ویژه ای با شرکت گروهی از صاحبان صنایع کشورهای مختلف و دانش آموزان و دبیران خارجی و ایرانی در تهران ترتیب یافت و سمیناری با شرکت تعدادی از دانشمندان و استادان ایرانی و خارجی در زمینه های مسائل فنی تشکیل شد ضمناً شرکت برق منطقه ای تهران عهده دار برگزاری مراسم بزرگداشت زادروز ادیسون بود.

پیام شاهنشاه بمناسبت سالروز تأسیس سازمان دفاع غیر نظامی

بمناسبت آغاز هفدهمین سال تأسیس سازمان دفاع غیر نظامی کشور شاهنشاه آریامهر پیامی باین شرح فرستادند: «امروز شانزده سال از تأسیس سازمان دفاع غیر نظامی کشور می گذرد، به این مناسبت، لازم می دانیم یکبار دیگر اهمیت و لزوم وجود دفاع غیر نظامی مجهزی را بمنظور گسترش اصل ایمنی و حفاظت از نیروی انسانی و ثروتهای ملی یادآوری نمایم و توجه و علاقه مخصوص خود را به توسعه و پیشرفت این سازمان ابراز داریم.

گسترش منظم فعالیتهای اقتصادی و عمرانی کشور و افزایش روزافزون واحد های صنعتی، با سرمایه گذاری های بزرگ، ایجاب می کند که سازمان دفاع غیر نظامی کشور برای انجام وظایف و مسؤولیتهای قانونی خویش در راه حفظ جان و مال مردم و حفاظت منابع ثروت های ملی در برابر آثار ناشی از سوانح طبیعی و غیر طبیعی، بیش از پیش تقویت شود و اهمیت وظایف آن در چارچوب دفاع کلی کشور، مورد توجه کامل تر قرار گیرد.

تأسیس واحدهای دفاع غیر نظامی در استانها و شهرستانها و اجرای تمرینهای آموزشی دفاع غیر نظامی در پایتخت از جمله اقداماتی است که سازمان دفاع غیر نظامی کشور در جهت انجام وظایف خود به عمل آورده است. این تمرینها بایستی در سراسر کشور تا سطح روستاها اجرا شود. همکاری همه جانبه عموم سازمان های دولتی و ملی و عموم افراد کشور را بادفاع غیر نظامی انتظار داریم و توفیق این سازمان

را در انجام وظایف محوله خواستاریم.

نشانه‌های حقوق بشر

دبیرکل و اعضای کمیته ایرانی حقوق بشر در کاخ اختصاصی سعدآباد به حضور والا حضرت شاهنشاه اشرف پهلوی رسیدند. در این مراسم علینقی عالیخانی دبیر کل کمیته چهارتن از کسانی را که در سال گذشته خدماتی در ارتباط با هدفهای حقوق بشر انجام داده‌اند به این شرح بحضور والا حضرت معرفی کرد.

علی رهبری رئیس هنرستان های عالی موسیقی و موسیقی ملی (نشان درجه یک) جلال برجیس از فرهنگیان اصفهان (نشان درجه ۲). گروهیان یکم الله‌داد جهانبگیری سپاهی ترویج و آبادانی (نشان درجه ۳). گروهیان سوم اصغر قندهاری سپاهی ترویج و آبادانی (نشان درجه ۳). والا حضرت آنگاه نشان های حقوق بشر را به این چهارتن اعطا فرمودند.

فرمان شاهنشاه

بمناسبت روز ژاندارمری صادر شد

عنایات شاهنشاه آریامهر بمناسبت روز ژاندارمری به افسران - درجه‌داران - سربازان و کارمندان ژاندارمری کشور ابلاغ شد. فرمان شاهنشاه آریامهر به شرح زیر بمناسبت روز ژاندارمری (۲۷ بهمن ماه) شرفصدور یافته است:

«درو بی‌پایان به روان پاک پدر تاجدارمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر که در بیست و هفتم بهمن ماه یک هزار و سیصد فرمان پی‌ریزی و تشکیل اداره امنیت را صادر فرمودند و بدین سبب هر سال یادبود این روز فرخنده و شکوهمند را به نام روز ژاندارمری کشور شاهنشاهی گرامی می‌داریم. مایه خرسندی خاطر ما است که ژاندارمری کشور با عزمی راسخ و اراده‌یی آهنین با فداکاری و جانبازی مدارج ترقی و تعالی را گذرانده و همیشه در حفظ حدود و ثغور کشور کوشا بوده و توانسته است که امنیت را در سراسر کشور برقرار سازد جای خوشوقتی

است که افسران و درجه‌داران و سربازان ما همواره دل‌بستگی خود را به سر بلندی و افتخار کشور شاهنشاهی ایران نشان داده و برابر سوگندی که یاد کرده و عهد و پیمانی که بسته‌اند، آماده همه‌گونه فداکاری و جانبازی در راه میهن عزیز و مقدمات ملی و کهن آیین شاهنشاهی آن می‌باشند.

بموجب این فرمان مراتب رضامندی خاطر خود را به همه افسران - درجه‌داران، سربازان و کارمندان ژاندارمری کشور ابراز داشته و برای آنان از درگاه خداوند بزرگ پیروزی، سرافرازی و شادکامی مسئلت نموده امیدواریم با تلاش و فداکاری بیش از پیش خود را شایسته اعتماد و عنایت ما نشان دهند.

دوره پزشکی ، دندان پزشکی - داروسازی و پرستاری کوتاه شد

سمینار بررسی تربیت نیروی انسانی پزشکی و درمانی کشور که از سه روز پیش در تخت جمشید تشکیل شد با تصمیمات مهمی درباره افزایش تعداد پزشکان و کادرهای پیراپزشکی و کمک پزشکی به کار خود پایان داد. سمینار تصمیم گرفت از سال آینده دانشکده های پزشکی و دندان پزشکی و داروسازی کشور ۵۰ درصد دانشجوی بیشتر بپذیرند. تعداد این دانشکده‌ها افزایش یابند، دوره‌های عمومی پزشکی به شش سال و دوره دانشکده‌های داروسازی، دندان پزشکی به ۵ سال کوتاه شود و دوره پرستاری از ۴ سال به ۳ سال تقلیل یابد. کار سمینار تخت جمشید با صدور قطعنامه‌یی در پایان سومین روز پایان گرفت. سمینار در زمینه کوتاه کردن دوره عمومی پزشکی توصیه کرد دانشجویانی که از سال تحصیلی ۵۵ - ۵۴ وارد دانشکده‌های پزشکی می‌شوند در شش سال تحصیلات دوره عمومی پزشکی را با استفاده از روشهای جدید آموزشی، کوتاه کردن تعطیلات تابستانی و حذف دروس اضافی بگذرانند. سمینار دانشکده‌های داروسازی و دندان پزشکی نیز با همین

شرایط کوتاه کردن دوره‌ها را به پنج سال و رشته پرستاری را به ۳ سال پیشنهاد کرد. قرار شد چگونگی برنامه ریزی آموزش پزشکی، دندان پزشکی و داروسازی و پرستاری در دوره‌های ۶ ساله، ۵ ساله و سه ساله در کمیته‌یی با شرکت نمایندگان وزارت علوم و دانشکده‌های پزشکی ظرف سه ماه تدوین شود.

همچنین سمینار پیشنهاد کرد که دروسهای دوره پیش پزشکی و علوم پایه با هم تلفیق و در مدت دو سال تدریس شود.

ضمن اینکه قسمتی از علوم پایه در دوره‌های بالینی به وسیله استادان علوم بالینی آموزش داده شود.

ایجاد رشته پزشکی خانواده یکی دیگر از تصمیمات مهم سمینار بود بدین ترتیب فارغ التحصیلان رشته طب عمومی در دو سال که به صورت دستیاری بالینی در بیمارستان و مراکز درمانی و بهداشتی انجام خواهد گرفت از یک نوع تخصص برخوردار خواهند شد در این باره هم قرار است در مدت سه ماه وزارت علوم و نمایندگان دانشکده‌های پزشکی ضوابط تخصص را تعیین کنند.

در قطعنامه سمینار گفته شد باتوجه به نیاز شدید مملکت به پزشک وزارت علوم همه‌گونه کمک‌های مالی و تسهیلات مقرراتی برای پذیرش ۵۰ درصد دانشجوی بیشتر را در اختیار دانشکده‌ها بگذارد و در کنار آن دانشکده‌های جدید پزشکی ایجاد کند.

سمینار دو رشته جدید کمک دندان پزشکی و بهیار دندان پزشکی را به عنوان کارهای کمکی توصیه کرد و قرار شد تا پایان برنامه پنجم تعداد دانشکده‌های پزشکی که در حال حاضر ۴ است به دو برابر افزایش پیدا کند.

در رشته داروسازی نیز تصمیم گرفته شد تکنیسین های داروسازی بعد از دو سال تحصیل در مراکز آموزش و مراکز درمانی و بهداشتی و بعد از پنج سال سابقه کار با گذراندن دوره‌های بازآموزی وارد سال دوم دانشکده‌های دارو سازی شوند. همچنین قرار شد تمام مراکز دانشگاهی که دانشکده داروسازی ندارند یک دانشکده دارو سازی به

وجود آورند. سمینار تصمیم گرفت دانشجویان رشته‌های بهداشتی و پیراپزشکی را در چهار سطح حرفه‌یی غیر حرفه‌یی تکنیسین و متخصص تربیت کند. در ایجاد این رشته‌ها سعی خواهد شد دانشجویان که در کوتاه‌ترین زمان وبا کاهش تعطیلات تابستانی تربیت شوند. ضمناً برای کارآئی بهتر اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها تصمیم گرفته شد قبل از شروع کلاس‌های دانشگاهی تمام استادان و مربیان دوره‌های کوتاه مدت با روش‌های نوین تدریس و پاتکولوژی آموزشی آشنایی پیدا کنند.

برای پرداخت حقوق و مزایای بیشتر به کادر آموزشی قرار شد شورای مرکزی دانشگاهها و مؤسسات عالی آموزش کمیته‌یی با شرکت نمایندگان دانشگاهها و وزارت علوم و سازمانهای اجرایی تشکیل دهند وضابطه پرداخت مزایای بیشتر را تعیین کنند. در زمینه آموزش مداوم و بازآموزی تصمیم گرفته شد واحدهای درسی ویژه‌یی برای افراد شاغل در دانشکده‌ها تدریس شود. مشابه این برنامه با همکاری سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران در وقت‌های مناسب به اجرا گذاشته خواهد شد.

برای اجرای سیاست بهداشتی و درمانی کشور قرار شد شبکه خدمات بهداشتی و درمانی هماهنگ به وجود آید. این خدمات در چهار مرکز خانه‌های بهداشت، مراکز درمانی نهایی ارائه خواهد شد.

تشکیل دوره تخصصی پزشکی

قانونی در دانشگاه جلسه شورای دانشگاه تهران ۱۳۱۹/۲۷ به ریاست هوشنگ نهاوندی تشکیل شد و پیشنهاد دانشکده علوم پایه پزشکی را در مورد تأسیس گروه آموزشی و پژوهشی آسیب شناسی (پاتولوژی) تصویب کرد. در جلسه شورای دانشگاه آنگاه پیشنهاد دانشکده پزشکی رازی در مورد گروه آموزشی طب کار و پزشکی قانونی و ایجاد دوره تخصصی در این رشته مطرح شد و شورای دانشگاه تهران تصمیم گرفت که برنامه دقیق آموزشی گروه رشته تخصصی فوق در کمیسیون مرکب از

نمایندگان دانشکده های پزشکی رازی ، داروسازی، بهداشت، حقوق و دبیرکل نظام پزشکی کشور وباکسب نظر از وزارت دادگستری رسیدگی و به اجرا درآید. در ابتدای جلسه ۱۳۱۹/۲۷ دکتر داود کاظمی معاون پزشکی دانشگاه که در رأس هیات دانشگاه تهران در سمینار تخت جمشید شرکت کرده بود گزارشی از سمینار به شورا داد.

دانشگاه آزاد با دانشگاه فلوریدا قرارداد «آموزش راه دور» بست

بین دانشگاه آزاد ایران و دانشگاه ایالتی فلوریدا در زمینه مهارت‌ها و کاربرد کامپیوتر برای آموزش عالی از راه دور، قرارداد همکاری بوسیله دکتر احمدی رئیس دانشگاه (که در امریکا بسر می‌برد) امضاء شد.

براساس قرارداد مذکور گروههای تهیه درس که شامل هیات علمی هر دو دانشگاه است، با کمک یک دیگر برنامه‌های آموزش بر مبنای کامپیوتر طرح می‌کنند و درسهای تهیه شده بوسیله یک گروه مشترک در برنامه‌های آموزش هر دو دانشگاه گنجانده خواهد شد.

استفاده از تجربیات دانشگاه فلوریدا در ایجاد برنامه تربیت معلم، بر مبنای مهارت‌ها، نیز زمینه دیگری است که به پیشبرد این برنامه در دانشگاه آزاد ایران کمک می‌کند.

کاربردهای کامپیوتر در برنامه‌های تحصیلی دانشگاه آزاد متعدد است که مهمترین آنها تهیه برنامه‌های درسی و فراهم کردن تست‌های امتحانی و تصحیح اوراق امتحانی است.

پیام شهبانو بمناسبت گشایش نخستین نمایشگاه هنری بین‌المللی تهران

علیاحضرت شهبانوی ایران بمناسبت گشایش نخستین نمایشگاه هنری بین‌المللی تهران پیامی باین شرح فرستادند. در سال‌های اخیر ، به موازات تحول‌های اجتماعی

و اقتصادی، فعالیت‌های هنری هم در ایران رونقی یافته است که در خور توجه خاصی است.

هنر معاصر ایران، چه در هنرها تجسمی و چه در موسیقی و هنرهای نمایشی، هر چند در صورت‌های گوناگونی جلوه می‌کند، روی هم رفته دارای تمایلات مشترکی است که از آن جمله یکی این است که می‌کوشد در صورت و معنی میان سنت‌های ملی با روش‌ها و فنون غربی پیوندی ایجاد کند.

يك نوع «پیشنازی» در جستجوی وجوه تازه بیان که گاهی تأثیر آزمایش‌های مغرب‌زمین در آن دیده می‌شود یکی دیگر از تمایلاتی است که این هنر نو ایرانی است. اما در این تمایل نیز تأثیر میراث فرهنگی کشور به وجهی از وجوه محسوس است گاهی نیز هردو تمایل در يك اثر هنری یا در آثار يك هنرمند دیده می‌شود. در هر حال توفیقی که این جنبش هنری در سال‌های اخیر در جهان و در محیط نمایشگاه‌های جهانی بدست آورده است به خوبی نشان می‌دهد که هنرمندان معاصر ایرانی می‌توانند در آینده در سطح جهانی به مقام و منزلتی خاص دست یابند.

باتوجه به این نکته که در روزگار ما روابط فرهنگی ضرورتی روزافزون و پرهیز ناپذیر یافته و تفاهم و بهره‌مندی متقابل ملت‌های مختلف از ارزش‌های هنری یکدیگر نیز در کمال لزوم است. نمایشگاه هنری تهران که نخستین بار برپا می‌شود، در کنار نمایشگاه‌های بین‌المللی دیگر که مرتباً در ایران منعقد است، برعهده دارد که هردو سال یکبار آثار هنرمندان ایرانی را در يك جا با آثار هنرمندان يك کشور میهمان بنمایش بگذارد.

این کار که در عین حال موارد مشابهت و تضاد تمایلات هنری را نشان خواهد داد، البته وسیله مقایسه‌ای در مواجهه این آثار خواهد بود و موجب غنی شدن هنر از جنبه‌های گوناگون فنی و معنوی، نه تنها برای هنرمندان ایرانی، چنانکه من آرزو می‌کنم، بلکه برای کشورهای میهمان نیز خواهد بود. چنین نتیجه‌ای درست منطبق بر روح سنت‌ها و تمدن چند هزار ساله ایرانی است که

اصول آن همواره بر شور زندگی و خدمت به بشریت استوار بوده است. حضور کشور فرانسه به عنوان کشور میهمان در این نخستین نمایشگاه بین‌المللی هنر در تهران از دو جنبه کیفی و کمی اهمیت دارد، زیرا که از یکطرف سهم بزرگ این کشور در ایجاد و تحول هنر قابل توجه است و از طرف دیگر رابطه فرهنگی ایران با کشور فرانسه از جمله قدیمی‌ترین و پرسودترین روابط بوده است.

باتوجه به اهمیت تأثیر روابط فرهنگی در زمینه ارزش‌های انسانی و نتایجی که از این گونه نمایشگاه‌ها در عالم هنر جهانی حاصل می‌شود، من از صمیم قلب برای این نمایشگاه آرزوی توفیق و دوام و تکرار دارم.

نخستین

نمایشگاه هنری

بین‌المللی تهران

۳۰ شهریور ۱۳۰۵ شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانوی ایران بزرگترین نمایشگاهی را که تاکنون از آثار نقاشی، مجسمه سازی و معماری در ایران برپا شده در محل «مرکز نمایشگاه‌های بین‌المللی ایران» گشودند. در این نمایشگاه بیش از ۹۰۰ اثر از نقاشان، تندیس‌سازان و معماران فرانسوی و بیش از ۳۵۰ اثر از هنرمندان ایرانی عرضه شده بود.

اعلیحضرتین به محل نمایشگاه که در دو تالار بزرگ از تالارهای مرکز نمایشگاه‌های بین‌المللی تشکیل شده تشریف فرما شدند و ژاک شیراک و هویدا نخست‌وزیران فرانسه و ایران به پیشواز اعلیحضرتین رفتند. شاهنشاه و شهبانوی ایران آنگاه بازدید نمایشگاه را از بخش ویژه‌ی آثار ایرانیان که در آن گالری‌های تهران نقاشی‌ها و تندیس‌های هنرمندان وابسته به خود را به نمایش گذاشته‌اند آغاز فرمودند، در این بخش تهران گالری، گالریهای زروان، سولیوان، سیحون، قندریز، مس، و گروه هنرمندان آزاد و جمعی از هنرمندان منفرد آثاری عرضه کرده‌اند. گوشه‌ی از بخش ایرانی نمایشگاه به آثار آفیش-سازان و نمونه‌ی کارهای معماران ایرانی اختصاص یافته‌است. عده‌ی از هنرمندان ایرانی به ۱۳۰ تن بالغ می‌

بکار افتاد

اولین وسیله نظیه کم‌دود و بی‌ضرر ایران پس از چند ماه تلاش کارشناسان و دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران با کمک بخش خصوصی بکار افتاد. آزمایش‌ها نشان می‌دهد که در این اتومبیل استاندارد آلودکی هوارعایت شده‌است. اتومبیل مزبور قادر است با سوخت بنزین معمولی و سوخت گاز طبیعی شبکه گاز تهران کار کند. آزمایش‌ها نشان می‌دهد که این وسیله نقلیه برای شرایط ایران کاملاً مناسب است. از نظر اقتصادی سوخت مصرفی این وسیله نقلیه از بنزین ارزانتر تمام می‌شود. به علت استقبال تتراتیل سرب در سوخت موتورهای بنزینی فقط در تهران سالیانه چندین صد تن سرب وارد هوا می‌شود و سرب يك ماده سمی است. در وسیله نقلیه نمونه دانشگاه میزان سرب و گوگرد در دود اگر روز به صفر می‌رسد و این يك مزیت بزرگ این اتومبیل است.

دوره‌های فوق

لیسانس دانشگاه

تهران افزایش

می‌یابد

دوره‌های فوق لیسانس دانشگاه تهران برای نیمسال دوم تحصیلی افزایش می‌یابد. با افزایش دوره‌های فوق لیسانس تعدد دانشجویان نیز نسبت به سال گذشته به دو برابر خواهد رسید. دانشگاه تهران امسال با افزایش تعداد دانشجویان در کنکور شبانه دانشگاه، تصمیم دارد که تعداد دانشجویان را در سطح فوق لیسانس نیز افزایش دهد. دانشگاه تهران همچنین بمنظور مشارکت هرچه بیشتر دانشجویان در پژوهش‌های علمی بزودی گروه‌های جدیدی در دانشکده‌ها بوجود خواهد آورد.

این گروه‌ها صرفاً به کارهای علمی و کاربردهای علم توجه خواهند کرد به این ترتیب دانشگاه تهران آمادگی خود را در زمینه‌های مختلف علمی اعلام کرده است.

شود، اعلیحضرتین در غرفه‌های ویژه هرگالری، مسؤول آن و هنرمندانی را که در نمایشگاه شرکت دارند بحضور پذیرفتند و از شیوه‌های کار و نحوه فعالیت‌هایشان پرسش فرمودند. آنگاه به بخش فرانسوی نمایشگاه تشریف فرما شدند و به بازدید از نمونه‌های آثار پیشروان هنر فرانسه که در کنار پاره‌ی از مشهورترین آثار هنرمندان بزرگ قرن بیستم عرضه شده پرداختند. در این بخش ۱۷ گالری و مؤسسه هنری فرانسه آثار هنرمندان وابسته به خود را در زمینه نقاشی، مجسمه سازی، معماری، تاپستری (بافندگی) و چاپ‌های رنگی به تماشا گذاشته‌اند. در میان این آثار، تازه‌ترین تجربیات هنرهای تجسمی در کنار تابلوها و تندیس‌های نام‌آورانی چون پیکاسو، لژ، براك، روئو، مانه، سورا و لامنك مجموعه‌ی، اوتریوو دیگران مجموعه‌ی کم‌نظیر از هنر متحول قرن بیستم بوجود آورده است. در این بخش نیز گروه بزرگی از هنرمندان، کارگزاران هنری طراز اول، صاحبان و کارگردانان گالری‌ها و مؤسسان هنری، منتقدان و کارشناسان هنری فرانسه به حضور شاهنشاه آریامهر و شهبانوی ایران معرفی شدند. سپس شاهنشاه محوطه نمایشگاه را ترك فرمودند و شهبانوی پس از استراحت مختصری به بازدید از سالن دوم که ویژه آثار عرضه شده به وسیله مؤسسه بزرگ «مك» است پرداختند. در این تالار آثار بزرگان و پیشروانی چون آدامی، بازن، براك، دافی، بوری، کالدر، شاگال، چیلیدا، گاراشه، جیاکومتی، لژ، میرو، ریویل، استینیك، تالکوت، تاپیه و او باك به نمایش در آمده که نمودار روشنی از تمایلات تازه در هنر فرانسه و جهان به‌شمار می‌رود. شهبانوی ایران پس از بازدید از تالار مؤسسه «مك» دفتر یادبود نمایشگاه را امضاء فرمودند و پس از سه ساعت بازدید از نخستین نمایشگاه هنری بین‌المللی تهران محوطه مرکز نمایشگاه‌های بین‌المللی ایران را ترك فرمودند.

اتومبیل کم دود

دانشگاه تهران

پیام والا حضرت

اشرف پهلوی

بمناسبت روز

پرستار

با پیام والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی و با حضور سرکار علی‌ه خانم فریده‌دیا، ۱۲۰۵ مراسم بزرگداشت روز پرستار در تاتر شهر برگزار شد.

در این مراسم، ابتدا سرود پرستار توسط دانشجویان مدارس پرستاری و بهیاری خوانده شد، سپس خانم مروآبادی، رئیس انجمن پرستاران خیرمقدم گفت.

آنگاه متن پیام والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی وسیله عبدالرضا انصاری قائم مقام والا حضرت در امور اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به شرح زیر قرائت شد.

«فرارسیدن پنجم اسفندرا که به عنوان روز پرستار در کشورما جشن گرفته می‌شود، به همه پرستاران ایران شادباش می‌گویم. نام گذاری روزهای سال به عناوین مختلف، از روشهای زیبای باستانی ما است و انتخاب این روز، بنام پرستار، يك وجه تشابه دیرینه و تاریخی دارد.

روز پنجم اسفند در ایران باستان به عنوان فرشته نگهبان و حامی زنان نيك و پارسا «سپندارمزد» نام داشت و در این دوره نیز ما این روز را به نام فرشته سیرتانی اختصاص داده‌ایم که خود باید نيك و پارسا باشند و تندرستی انسانها را نگهبانی و حمایت کنند. به همین جهت، پرستاری تنها يك شغل نیست، بلکه خدمت به خلق و یکنوع عبادت محسوب می‌شود و در حقیقت مکتبی است برای تهذیب اخلاق و تزکیه نفس. اقدامی که در ۲۸ سال پیش با تأسیس يك آموزشگاه عالی برای بنیان گذاری نهضت پرستاری علمی در ایران به عمل آمد، ثمرات نیکویی داشت.

آن آموزشگاه، خود تاکنون بیش از ۱۴۰۰ نفر پرستار تحصیل کرده و لیسانسیه به جامعه تقدیم داشته است. به علاوه به عنوان نخستین گام در این راه، موجب شده‌است گامهای دیگری پدنبال آن برداشته شود و آموزشگاه‌های متعددی از این قبیل بوجود آیند و این خدمت بزرگ اجتماعی، توسعه یابد.

صفحه نود و دوم

از آن سال تا به امروز همواره تأمین رفاه پرستاران و فراهم ساختن موجبات پیشرفت و رفیع نیازهای آنان، مورد توجه بوده است. سه سال قبل در یک چنین روزی از طرف انجمن پرستاران درخواست شد کانونی بنام خانه پرستار احداث شود و خوشوقت که این خواسته اکنون جامعه عمل پوشیده است و ساختمان خانه پرستاران ایران پایان پذیرفته است و در اردیبهشت ماه آینده آماده بهره برداری می شود و در خدمت پرستاران قرار می گیرد و برای آنان مرکزی خواهد بود که گرد هم آیند و از حال هم باخبر شوند و مسائل و مشکلات خود را در میان گذارند و چاره جویی کنند. در سال جاری، خوشبختانه دو رویداد مهم برای جامعه پرستاران ایران بوقوع پیوسته است که نخستین آنها، اقدام جهت تشکیل شورایی عالی پرستاری است و دیگری اقدام برای تأسیس نظام پرستاری، با تشکیل شورایی عالی پرستاری، برنامه های آموزشی آموزشگاه های پرستاری در سراسر کشور و ارزشیابی کار پرستاران هماهنگ خواهد شد و این شورا راه حلهایی برای بالا بردن سطح زندگی و سطح بازده تخصص آنان جستجو و ارائه خواهد کرد. من که ریاست عالی این شورا را پذیرفته ام، همواره تأکید خواهم داشت که تأمین رفاه بیشتر پرستاران مورد توجه خاص شورا باشد تا نیاز به آن نداشته باشند که طی شبانه روز، چند نوبت در واحدهای درمانی مختلف کار کنند، زیرا این امر نه به مصلحت بیمار است و نه مطابق میل پرستار و از هر رویدی که موجب پایین آوردن بازده و کیفیت کار پرستاران شود، باید احتراز جست. شورا باید پیشبینی های لازم را به منظور ایجاد هماهنگی میان حقوق پرستاران واحدهای مختلف درمانی، با توجه به وضع محل خدمت و سوابق کار هر کس، به عمل آورد و پراکندگی و تبعیض را از بین گروه های مختلف پرستاران بردارد و همگی آنان را در زیر چتر واحد حمایت خود مجتمع و متمرکز سازد نظام پرستاری نیز مدافع حقوق پرستاران و مسؤول تحکیم اصول انضباط و وظیفه شناسی این

گروه خواهد بود علاوه بر این رویدادها که مشوق پرستاران در ادامه خدمات انسان دوستانه آنان است، در اجتماع ما عامل تشویق کننده مهمتری نیز به وجود آمده است و آن تصویر صحیحی از پرستار و مقام اجتماعی اوست که طی سالهای اخیر در اذهان نقش بسته است. امروز، طرز تلقی مردم نسبت به پرستار به طرز تلقی آنان نسبت به پزشک نزدیک است که این دو حرفه در واقع و حقیقت به یک دیگر نزدیک هستند و پرستاران در جامعه از احترام و ستایشی که حقاً شایسته آن هستند، برخوردارند. برای پرستاران در اجرای وظایف و وظایف انسانی خود توفیق بیشتر خواستارم و آرزو دارم در آینده هر سال این روز فرخنده را با امیدها و نویدهای بیشتری جشن بگیریم.

حداکثر حقوق و گروه پایه کارمندان افزایش یافت

بر اساس اصلاحیه تازه قانون استخدام کشوری که ۱۲۴۴ به مجلس تقدیم شد آخرین رقم جدول حقوقی قانون استخدام کشوری از ۷۹۳۳ به ۹۰۰۰ افزایش می یابد و بدین ترتیب حد اکثر دریافتی خالص کارمندان از بابت پایه و گروه یا ضریب فعلی ۶۰ ریال، از ۴۷۵۸۰ ریال به ۵۴ هزار ریال افزایش خواهد یافت.

رقم حقوقی معاونان وزارتخانه ها از ۸۷۵۰ به ۱۰۰۰۰ استانداران، سفیران و معاونان نخست وزیر از ۱۰۰۰۰ به ۱۱۰۰۰، وزیر و دبیر کل سازمان اموراداری و استخدامی کشور از ۱۱۲۵۰ به ۱۲۵۰۰ و نخست وزیر از ۱۲۵۰۰ به ۱۴۰۰۰ افزایش یافته و بلافاصله بعد از تصویب قانون قابل پرداخت خواهد بود. جمشید آموزگار وزیر کشور و سرپرست سازمان امور اداری و استخدامی هنگام تقدیم لایحه اصلاح تازه قانون استخدام و بزرگبهای اصلاحات آن را برشمرد و گفت در حال حاضر وراث قانونی کارمند فوت شده می توانند از ۵۰ درصد حقوق استفاده کنند، در حالی

که وقتی یک نفر از یک خانواده کم شد مسلماً ۵۰ درصد هزینه کم نمی شود به همین جهت در اصلاح تازه این رقم به ۸۰ درصد افزایش داده شده است. وزیر کشور همچنین گفت در اصلاح تازه پیشنهاد شده است اگر کارمندی موقع خدمت فوت کند بدون توجه به سالهای خدمتش تمام (۱۰۰ درصد) آخرین حقوق او پرداخت خواهد شد. برای استخدام جوانان ایرانی که پس از پایان تحصیل به ایران باز می گردند در اصلاح تازه قانون استخدام تسهیلات تازه ای در نظر گرفته شده است و هیچگونه تشریفات و اشکالی برای استخدام آنان وجود نخواهد داشت و می تواند بلافاصله شروع به کار کنند.

آموزگار در تأمین بیشتر کارمندان پیمانی دولت گفت برای تطبیق و پیاده کردن مرحله دوم قانون استخدام در مورد کارمندان پیمانی که در مؤسسات غیرمحمول کار میکنند نیز امکانات لازم فراهم آمده است.

بر اساس لایحه سوابق خدمت پیمانی کارمندان وزارت خانه ها و مؤسسات مشمول قانون چنانچه بعد از تصویب قانون استخدام کشوری ۳۱ خرداد ۴۵ مطرح شده باشد برای گروه های پایین ۲۹۱ و ۳۰۳ با پرداخت ۸۵ درصد دستمزد و فوق العاده و استخدام گروه های ۴ و بالاتر با پرداخت ۸۵ درصد دریافتی بعنوان سهم خود و معادل آن بعنوان سهم وزارتخانه یا مؤسسه دولتی از نظر بازنشستگی در طبقه بندی به حساب خواهد آمد. سوابق خدمت کارکنان راه آهن دولتی ایران نیز از همان تاریخ با پرداخت ۸۵ درصد حقوق و دستمزد دریافتی پذیرفته خواهد شد. مستخدمانی که یک گروه ارتقاء پیمانی کنند در پایه ای از گروه جدید قرار خواهند گرفت که حقوق آن را به با تفریب اضافی به حقوق دویپایه بالاتر از حقوق پایه ای که مستخدم در گروه قبلی دارا بود نزدیکتر باشد و در صورتی که ارتقاء بیشتر از یک گروه باشد درازای هر گروه اضافی یک پایه دیگر در گروه قبلی به مستخدم داده می شود و حقوق آن پایه به تقریب اضافی مبنای تعیین پایه

مستخدم در گروه جدید خواهد بود. بر اساس اصلاحیه از اول سال آینده صندوق بازنشستگی کشوری بصورت مؤسسه ای مستقل وابسته به سازمان اموراداری و استخدامی کشور تأسیس می شود. اداره کل بازنشستگی فعلی و صندوق بازنشستگی باتمام دارایی و بدهی بصندوق بازنشستگی کشوری منتقل می شود.

از اول سال ۵۴ همچنین مستخدمان پیمانی وزارتخانه ها و مؤسسات مشمول قانون و آن عده از کارمندان مؤسساتی که از مقررات بازنشستگی خاصی استفاده نمی کنند مشمول مقررات قانون حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی از پیری، کارافتادگی و فوت می شدند.

نحوه جدید ورود به دانشگاهها و مدارس عالی تعیین شد

انجام امور مقدماتی امتحانات ورودی دانشگاهها و مدارس عالی در «مرکز سنجش استعداد» وزارت علوم و نیز وزارت آموزش و پرورش آغاز شده است. «مرکز سنجش استعداد» و وزارت آموزش و پرورش و دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در پذیرش دانشجو برای سال تحصیلی آینده سهم مهمی دارند.

وزارت آموزش و پرورش معدل امتحانات دبیرستانی دانش آموزان را استخراج می کند و در اختیار وزارت علوم قرار می دهد و مرکز سنجش استعداد (آزمون شناسی سابق) از کلیه داوطلبان سراسر ایران یک امتحان عمومی بعمل می آورد و دست آخر، دانشگاهها و مؤسسات عالی نیز از داوطلبان خود امتحانات اختصاصی (مصاحبه) خواهند کرد. آن قسمت از سنجش استعداد که بصورت امتحان عمومی است و «مرکز سنجش استعداد» در سطح مملکت برگزار می کند، شامل سؤالاتی در زمینه تشخیص هوش و قابلیت ادراک و فهم مسایل و اطلاعات عمومی می شود و جنبه آموزش کلاسیک ندارد نتیجه این امتحان با معدل کتبی سال ششم متوسطه داوطلب و همچنین آزمون اختصاصی

دانشگاه یا دانشکته مربوط جمع می شود و ملاک انتخاب داوطلب قرار می گیرد. بهر حال با شروع کار دکتر حمید زاهد رئیس مرکز سنجش استعداد (از این هفته برنامه های انتخاب دانشجو برای دانشگاهها وارد مرحله جدی تر خواهد شد و از اواسط اسفند برنامه طرح سؤالات با تنظیم دفترچه و سایر مسایل مربوط به امتحان سراسری مورد بررسی قرار می گیرد.

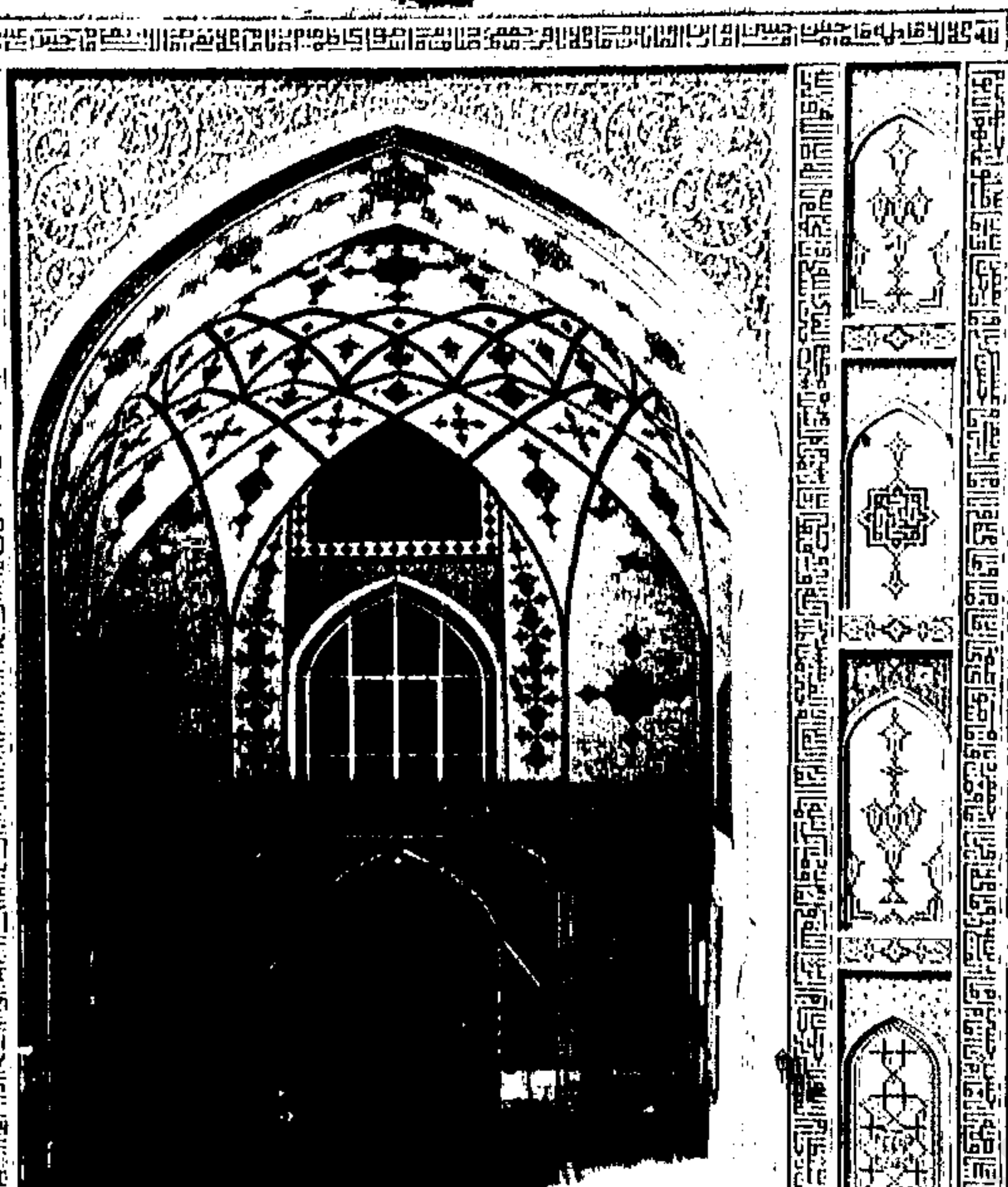
پیشنهادی که برای تمدید سیستم کنکور سراسری به مدت فقط یک سال ارائه شده است مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. هنوز معلوم نیست آیا این پیشنهاد پذیرفته خواهد شد یا نه اما بعضی صاحب نظران عقیده دارند که بهتر است تا روشن شدن کامل سیستم جدید پذیرش دانشجو، کنکور سراسری برای امسال حفظ شود.

مقامات وزارت علوم و آموزش عالی اطمینان می دهند که در سیستم جدید حق هیچکس ضایع نخواهد شد و دیپلمه های سالهای قبل نیز شانس کافی برای ورود به دانشگاه مورد نظر خود را خواهند داشت. معدل یکی از عواملی است که در پذیرش دانشجو مؤثر خواهد بود و نقش تعیین کننده ندارد.

بدین ترتیب دیپلمه هایی که معدل پایین دارند می توانند بانسان دادن استعداد و لیافت خود در امتحان سراسری سنجش استعداد و همچنین در مصاحبه هایی که بعضی دانشگاهها انجام خواهند داد به دانشکده مورد نظر خود راه یابند.

انتظار می رود که رؤسای دانشگاه های گوناگون در پایان ماه جاری در تهران اجتماع کنند تا زیر نظر وزیر علوم و آموزش عالی بررسی هایی نهایی را در مورد سیستم جدید پذیرش دانشجو انجام دهند.

دانشگاه های شهرستانها با احتمال قوی تا پایان فروردین شرایط ویژه خود را برای پذیرش دانشجو تعیین و اعلام خواهند کرد. مدارس عالی نیز سرگرم تعیین شرایط خاص خود هستند. در هر دو مورد وزارت علوم و آموزش عالی یک نظارت دقیق خواهد داشت.



چادر مخصوص زنان سنگسر

ایوان مسجد شاه سمنان



نمدمالی

بازاده یحیی سمنان



